

تبرستان
www.tabarestan.info

پنج قرن تعامل

مرکز مطالعات
سیاسی و
بین‌المللی

تاریخ روابط ایران و اتریش از آغاز تا ۱۳۵۷

تألیف:
عباس نادری

تبرستان
www.tabarestan.info
بسم الله الرحمن الرحيم

تبرستان
www.tabarestan.info

پنج قرن تعامل

تاریخ روابط ایران و اتریش از آغاز تا ۱۳۵۷

www.tabarestan.info

تألیف:

عباس نادری

اداره مطالعات اسناد و تاریخ روابط خارجی

تهران - ۱۳۹۸

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: نادری، عباس، ۱۳۵۲ فروردین.
عنوان و نام پدیدآور: پنج قرن تعامل: تاریخ روابط ایران و اتریش از آغاز تا ۱۳۵۷/عباس نادری؛ [به سفارش] اداره مطالعات اسناد و تاریخ روابط خارجی وزارت امور خارجه.
تألیف: عباس نادری، ۱۳۹۸.



۱ و اتریش از آغاز تا ۱۳۵۷.

موضوع: ایران - روابط خارجی - اتریش
موضوع: اتریش - روابط خارجی - ایران
شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه. مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی. اداره مطالعات اسناد و تاریخ روابط خارجی.
شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه. اداره چاپ و انتشارات.
رده بندی کنگره: DSR ۱۳۹۷ ۲۲ الف/۱۳۹۷
رده بندی دیویی: ۳۲۷/۵۵۰۹۴۳۶
شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۵۶۹۳۷

پنج قرن تعامل: تاریخ روابط ایران و اتریش از آغاز تا ۱۳۵۷

تألیف: عباس نادری
توضیح: عکس پشت جلد (موجود در آرشیو اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه): ورود امپراتور اتریش به شعبه عمارت ایران در اکسپوزیسیون بین‌المللی شکار در وین، سال: ۱۳۲۹ ق. / ۱۲۹۰ ش.
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۸
همه‌نگی امور نشر: بیتا طهرانیان
صفحه‌آراء: سحر حبیبی صنعتی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵
فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی
تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲
فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۱۵، ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۳۰۴۳۷۱

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۷
پیش در آمدی بر روابط ایران و اتریش در عصر صفویه.....	۱۵

بخش اول - روابط ایران و اتریش در عصر قاجار

فصل اول - روابط سیاسی.....	۳۷
سفارت اتریش در ایران.....	۳۸
سفارت ایران در اتریش.....	۴۲
روابط ایران و اتریش در عهد ناصری.....	۴۷
تأسیس نیروی پلیس تهران.....	۶۱
روابط ایران و اتریش در عصر مظفری.....	۶۶
اعطای نشان.....	۷۰
اتباع اتریش در ایران.....	۷۱
روابط سیاسی ایران و اتریش در بحبوحه جنگ جهانی اول.....	۷۴
اسرای اتریشی در ایران.....	۸۱
اتباع ایرانی در اتریش.....	۹۱
فصل دوم - روابط نظامی.....	۹۳
روابط نظامی ایران و اتریش در عهد ناصری.....	۹۷
پیشینه روابط ایران و اتریش.....	۹۸
موانع کار معلمین و متخصصین اتریشی در ایران.....	۱۰۳
هیأت های مستشاری اتریشی در ایران.....	۱۰۵

۱۱۱	ارسال جنگ افزار از اتریش به ایران و اصلاح پیاده نظام و سواره نظام.....
۱۲۰	روابط نظامی ایران و اتریش در عصر مظفری.....
۱۲۳	ارسال جنگ افزار از اتریش به ایران.....
۱۲۳	استخدام صاحب منصبان اتریشی در قشون ایران.....
۱۲۹	اصلاح لباس قشون.....
۱۳۱	اعطای نشان.....
۱۳۲	مشکلات صاحب منصبان نظامی اتریش در قشون ایران.....
۱۳۶	روابط نظامی ایران و اتریش در عصر احمدشاه قاجار.....
۱۳۹	فصل سوم - روابط فرهنگی و خدمات اجتماعی
۱۳۹	تحصیل شاهزادگان ایرانی در اتریش.....
۱۴۳	پزشکان و دانشمندان اتریشی در ایران.....
۱۵۰	راه سازی.....
۱۵۳	فصل چهارم - روابط اقتصادی و بازرگانی
۱۶۲	تأثیر جنگ جهانی اول بر تجارت ایران و اتریش.....

بخش دوم - روابط ایران و اتریش در عصر پهلوی

۱۶۹	فصل اول - روابط سیاسی
۱۷۱	سفارت ایران در اتریش.....
۱۷۲	اشتغال اتباع اتریشی در ایران.....
۱۷۵	روابط ایران با اتریش پس از الحاق به آلمان.....
۱۸۱	تأسیس سفارتخانه در اتریش.....
۱۸۲	عهدنامه های مودت بین ایران و اتریش در عصر رضاشاه.....
۱۸۷	عهدنامه مودت و حکمیت بین دولت ایران و جمهوری اتریش.....
۱۹۴	عهدنامه مودت بین ایران و اتریش در سال ۱۳۳۲.....

۲۰۱	سفارت ایران در اتریش در دوره پهلوی دوم.....
۲۰۴	فعالیت های سفارت ایران در وین سالهای (۵۵-۱۳۴۹).....
۲۱۴	مشاغل اتباع اتریشی در ایران.....
۲۱۷	سفر مقامات سیاسی اتریش به ایران.....
۲۲۱	سفر مقامات ایرانی به اتریش.....
۲۳۴	گروگان گیری در مقر اوپک.....
۲۳۹	توافق هوایی بین ایران و اتریش.....
۲۴۱	فصل دوم - روابط فرهنگی و خدمات اجتماعی.....
۲۴۲	سازمان ها، جمعیت ها و انجمن های ایرانی در اتریش.....
۲۴۳	انجمن فرهنگی ایران و اتریش.....
۲۴۵	خانه های ایران
۲۴۸	مؤسسه آسیایی-آفریقایی در اتریش.....
۲۵۰	انجمن دانشجویان ایرانی اتریش.....
۲۵۱	باشگاه ایران و اتریش.....
۲۵۵	انجمن روابط فرهنگی ایران و اتریش.....
۲۵۶	مراکز و مؤسسات اسلامی در اتریش.....
۲۶۱	دانشجویان ایرانی در اتریش.....
۲۷۶	دانشجوهای بورسیه در اتریش.....
۲۷۹	حضور دانشجویان اتریشی در ایران.....
۲۸۰	حضور شخصیت های علمی و فرهنگی اتریش در ایران.....
۲۸۷	قراردادها و موافقت نامه های فرهنگی بین ایران و اتریش.....
۲۹۲	اساتید و مدرسين اتریشی در ایران.....
۲۹۸	سفر مقامات فرهنگی ایران به اتریش.....
۳۰۵	فعالیت های سینمایی و تلویزیونی.....

۳۰۸		فعالیت های مطبوعاتی
۳۱۷		همایش ها و کنفرانس ها
۳۱۹		مطالعات ایران شناسی در وین
۳۲۰		کمک ایران به خدمات اجتماعی در اتریش
۳۲۳		فصل سوم - روابط اقتصادی و بازرگانی
۳۲۴		تجارت ایران و اتریش در دوره رضاشاه
۳۳۰		تغییرات اقتصادی و تجاری
۳۴۴		الحاق اتریش به آلمان و مساله تجارت خارجی با ایران
۳۵۲		روابط اقتصادی و تجاری ایران و اتریش در دهه ۳۰ شمسی
۳۵۶		تجارتخانه های ایرانیان در اتریش
۳۶۰		سفر متخصصین و مقامات اقتصادی ایران به اتریش
۳۶۶		مشارکت اتریش در طرح های اقتصادی ایران
۳۷۷		مشارکت اتریش در پروژه های عمرانی و اقتصادی ایران
۳۸۴		صادرات و واردات اتریش و ایران
۳۹۲		همکاری های اقتصادی ایران و اتریش در دهه ۵۰
۴۰۱		منابع و مأخذ
۴۰۷		ضمائم

پیشگفتار

مناسبات میان ایران و اتریش از سابقه نسبتاً دیرینه و طولانی برخوردار است. پیشینه این ارتباطات به سال‌های آغازین قرن شانزدهم میلادی برمی‌گردد که همزمان با قدرت گرفتن امپراتوری صفویه در ایران و خاندان هابسبورگ در اتریش بود. در این زمان، آنچه زمینه ایجاد روابط میان دو کشور را فراهم ساخت وجود یک دشمن قدرتمند مشترک در آسیای صغیر و آب‌های مدیترانه به نام امپراتوری عثمانی بود؛ دولت قدرتمندی که به مانعی عمده برای دستیابی اروپایی‌ها به آب‌های آزاد تبدیل شده بود و از سوی دیگر، وجود یک امپراتوری مقتدر و شیعه‌مذهب را در مجاورت مرزهای خود برنمی‌تابید. نبرد چالدران که به شکست شاه اسماعیل صفوی از دولت عثمانی انجامید بهانه کافی را به پادشاه صفوی داد تا برای فراهم آوردن تجهیزات و ادوات نظامی پیشرفته - که دسترسی نداشتن به آن‌ها در نبرد یادشده به خوبی احساس می‌شد - به اروپا به ویژه امپراتوری اتریش توجه کند. این مسئله همچنین فرصت مناسبی برای امپراتوری اتریش بود تا با یاری گرفتن از قدرت پادشاهی صفویه بر دشمن مشترک فائق آید. بعد از برقراری اولین ارتباطات، نخستین روابط رسمی و دیپلماتیک میان دو کشور در دوره شاه طهماسب صفوی آغاز شد و در دوره شاه عباس صفوی که امپراتوری اتریش از عزم و اراده قوی او برای نبرد با عثمانی‌ها آگاه بود مستحکم‌تر

گشت. فراتر از بُعد سیاسی و نظامی، در این دوره تعدادی از ایرانیان در اتریش و عده زیادی از اتباع اتریش در ایران به ویژه جلفای اصفهان اقامت نمودند.

بعد از دوران حکومت شاه عباس صفوی، به دلیل وضعیت آشفته داخلی ایران و ضعف شاهان صفوی، مناسبات ایران و اتریش شکل چندان روشنی به خود نگرفت. حمله افغان‌ها نیز بر وخامت اوضاع افزود و در عصر فطرت، فرصت توجه به اروپا از ایران گرفته شد. در دوره حاکمیت افشارها و زندیه، کمبود اسناد از یک سو و نبود حداقلی از روابط با اروپا از سوی دیگر، رکود روابط ایران و اتریش را نیز به دنبال داشت. اما با روی کار آمدن حکومت قاجاریه عصر تازه‌ای در روابط دو کشور آغاز گردید که شامل حوزه‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی است.

این نکته قابل توجه است که یک ناکامی نظامی اسباب برقراری مناسبات میان ایران با اتریش را فراهم ساخت و توجه به همکاری‌های نظامی در اولویت قرار گرفت: شکست ایران در برابر امپراتوری تزاری روسیه که به دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای انجامید، شاهان قاجار را به این نتیجه رساند که باید علت ضعف را در استفاده نکردن از ادوات و تجهیزات نظامی پیشرفته جست‌وجو کنند. عباس میرزا شاهزاده قاجاری تلاش زیادی در این زمینه انجام داد. در اوایل دوره ناصری نیز این همکاری با تأسیس مدرسه دارالفنون به دست میرزا تقی خان امیرکبیر توسعه بیشتری یافت و وی زمینه حضور مدرسان پزشکی و موسیقی و نیز مأموران نظامی اتریشی را برای آموزش و ساماندهی امور نظامی فراهم کرد. با حضور امپراتوری بریتانیا در جنوب ایران که برای حفظ مهم‌ترین مستعمره خود یعنی هندوستان، از ایران در برابر روسیه تزاری به عنوان کشور حائل استفاده می‌کرد و نزدیکی میان دو قدرت انگلیس و روسیه که حتی در دوره‌ای بر اساس قرارداد ۱۹۰۷م، ایران را میان خود تقسیم کرده بودند، زمینه توجه کشور ما به یک نیروی سوم فراهم شد. در این میان

اتریش نیز در کنار دیگر کشورهای اروپایی به عنوان یک کشور ثالث قابل اتکا از اهمیت زیادی برخوردار بود. تأسیس سفارت ایران در اتریش، ایجاد نمایندگی تجاری اتریش در ایران در دوره مظفرالدین شاه، تلاش برای توسعه روابط از طریق مسافرت شاهان قاجار به ویژه مسافرت‌های ناصرالدین شاه - که سه بار به این کشور سفر کرده بود - و استخدام مستشاران نظامی و سیاسی نیز در راستای سیاست گرایش به نیروی سوم انجام گرفت. به کارگیری این سیاست به سبب مخالفت‌های انگلستان و روسیه نتیجه مطلوبی به همراه نداشت، اما روابط دو کشور از طریق سفارتخانه‌ها مسائل متنوعی را در بر می‌گرفت.

با آغاز جنگ جهانی اول در سال‌های پایانی حکومت قاجاریه، روابط میان دو کشور به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و حتی سفارتخانه‌هایشان به حالت تعطیل درآمد. با درگیر شدن اتریش در جنگ و هرج و مرج و نابه‌سامانی‌های حاصل از آن از یک سو و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین از سوی دیگر، روابط سیاسی و اقتصادی میان دو کشور آسیب فراوانی دید. اما این به معنای قطع کامل روابط نبود. تقاضای دولت ایران از اتریش مبنی بر حمایت از کشور ما در مذاکرات صلح پاریس که پرداخت هزینه‌های ناشی از نقض بی‌طرفی ایران در جنگ را خواستار بود و همچنین مسئله اسرای جنگی نیروهای اتریشی که بسیاری از آنها به ایران فرار کرده بودند، از مهم‌ترین موضوعات گفت‌وگو میان دو کشور بود.

با روی کار آمدن حکومت پهلوی اول و همزمان با تغییر و تحولات نظام جهانی که به ایجاد نظام سرمایه‌داری و مسائل مربوط به رواج ناسیونالیسم منتهی شده بود، روابط میان دو کشور نیز شکل تازه‌ای به خود گرفت. در این دوره، روابط از تنوع و گستردگی بیشتری برخوردار شد و گذشته از مسائل نظامی، توجه به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز از دوره‌های پیشین بیشتر گشت. در این مقطع، ایران که سعی

می‌کرد روابط خود را از انحصار و مداخله انگلستان و روسیه خارج سازد بیش از پیش توجه خود را به کشورهای دیگر از جمله اتریش معطوف ساخت. در نتیجه، روابط گسترده و همه‌جانبه ایران با اتریش در دهه چهل و پنجاه شمسی به اوج خود رسید. این موضوع همزمان با فروش میزان بالای نفت ایران به کشورهای اروپایی بود و این مسئله بیش از پیش بر اهمیت ایران در عرصه جهانی افزوده بود. در این دوره، شاهد سفر مقامات و متخصصان اتریشی به ایران و مشارکت قابل توجه شرکت‌های اتریشی در طرح‌های عمرانی و اقتصادی ایران هستیم. در عرصه فرهنگی نیز دایره روابط از تنوع و پویایی بسیاری برخوردار شد. شکل‌گیری انجمن‌های فرهنگی ایران و اتریش و اعزام دانشجویان، محققان و متخصصان از اتریش به ایران و بالعکس بخش مهمی از قراردادهای و موافقت‌نامه‌های فرهنگی میان ایران و اتریش را شکل می‌داد.

با توجه به این پشتوانه ارزشمند تاریخی از روابط متنوع و ثمربخش دو کشور، تلاش پژوهشگر فرهیخته کتاب حاضر برای بررسی ابعاد مختلف روابط در یک دوره طولانی تاریخی پراهمیت و مستلزم تقدیر و تشکر است. بدون تردید بررسی سیر روابط طولانی و گسترده‌ای که پنج قرن تعامل میان دو کشور را در بر می‌گیرد و عرصه‌های متنوعی از روابط فیما بین را شامل می‌شود می‌تواند به برخی از سؤالات و ابهامات پژوهشگران، صاحب‌نظران، کارکنان و کارشناسان روابط خارجی ایران پاسخ دهد. آنچه اهمیت و کیفیت پژوهش حاضر را دوچندان می‌سازد بهره‌گیری از اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه است که نویسنده محترم جناب آقای عباس نادری به خوبی انجام داده‌اند. در این راستا، پژوهشگر محترم برای جنبه‌های استنادی اثر خود و با هدف زدودن ابهامات و زوایای تاریک مناسبات میان ایران و اتریش، از آرشیو اسناد وزارت امور خارجه که دربرگیرنده انبوهی از اطلاعات و گزارش‌ها از اقدامات وزارتخانه و

نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی ایران در خارج و اسناد سفارت اتریش در ایران می‌باشد، نهایت بهره را برده است.

در همین جا لازم است این نکته ذکر شود که انجام پژوهش‌های مستند و علمی در حوزه روابط خارجی ایران از وظایف ذاتی مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه به شمار می‌رود. این مرکز در راستای تحقق بخشی از وظایف خود، اجرای طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی در زمینه تاریخ روابط خارجی ایران را در سال‌های اخیر در دستور کار قرار داده است که کتاب حاضر یکی از ثمرات آن است. لازم می‌دانم از همکارانم در اداره حفظ و نگهداری اسناد به ویژه جناب آقای کاظم شریف کاظمی رئیس محترم این اداره، اداره مطالعات اسناد و تاریخ روابط خارجی و اداره چاپ و انتشارات در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی و سایر همکارانی که در انتشار این اثر ارزشمند همکاری داشته‌اند، تشکر و قدردانی نمایم. امید است نشر این کتاب گامی هرچند کوچک در راستای تقویت خودآگاهی تاریخی ملت بزرگ ایران و نقش آفرینی تاریخی آن در عرصه‌های بین‌المللی باشد و پرتوی بر زوایای تاریک و پنهان تاریخ مناسبات دو کشور ایران و اتریش بیفکند.

مرتضی دامن‌پاک جامی

معاون پژوهشی و مطالعاتی مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تبرستان
www.tabarestan.info

مقدمه

قدمت روابط ایران و اتریش به حدود پنج قرن می‌رسد. نخستین تبادل سفرا میان دو کشور در زمان شاه اسماعیل اول و کارل پنجم انجام شد. سفارت ایران در اتریش در سال ۱۸۸۳ میلادی تأسیس شد و البته ده سال پیش از آن یعنی در سال ۱۸۷۳ سفارت اتریش در تهران کار خود را آغاز کرده بود.

نقطه آغاز آشنایی اروپاییان به ویژه اتریشی‌ها با فرهنگ شرق و ایران زمین به قرن شانزدهم میلادی و جنگ‌های حکومت عثمانی با خاندان هابسبورگ بازمی‌گردد. در این مقطع از تاریخ، حکومت هابسبورگ به دو دلیل اصلی؛ یکی پیشبرد مذاکرات سیاسی خود با حکومت عثمانی و دیگری و اتحاد با حکومت صفویه در ایران، به تربیت مترجمین آشنا به زبان‌های ترکی، فارسی و عربی همت گماشت. همین مترجمان، سنگ بنای آشنایی بیشتر اتریشی‌ها با فرهنگ و تمدن ایران زمین را فراهم نمودند؛ چند دهه بعد، در سال ۱۷۵۴ میلادی، به دستور امپراتریس ماریا ترزیا «آکادمی شرقی حکومتی» برای تربیت شرق‌شناسان در وین ایجاد شد. پروفیسور هامر پورگشتال یکی از دانش‌آموختگان این آکادمی است که در سال ۱۸۰۹ با تأسیس نشریه «گنجینه شرق» به تولید ادبیات به زبان آلمانی در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران همت گماشت و در سال‌های ۱۸۱۳ و ۱۸۱۴ دیوان اشعار حافظ را ترجمه کرد و اندکی

بعد، یوهان ولفگانگ گوته با مطالعه و اقتباس از ترجمه دیوان حافظ هامرپورگشتال، اثر معروف خود «دیوان غربی- شرقی» خود را خلق کرد. معماری ایران نیز بر اتریش تأثیر فراوانی داشت. تأثیر معماری و آرایش باغ ایرانی در اتریش به حدی بود که در سال ۱۷۵۲ م. حداقل دویست ابنیه و باغ تحت تأثیر بناها و باغ های ایران ساخته شده بود که از آن جمله می توان به کاخ کلس هایم (Kless Heim) اشاره کرد که ستون ها و تراس های آن به شکل عالی قاپوی اصفهان ساخته شده بود. در طرح کاخ زیبای شون برون (Schon Brunn) در وین، فیشر کوشیده بود از معماری تحت جمشید الگو بگیرد.

در بعد سیاسی، روابط دیرپای ایران و اتریش به قرن شانزدهم میلادی بازمی گردد. آغاز آشنایی و گشایش مراودات به ابتدای تشکیل سلسله صفویه می رسد. با قدرت یابی خاندان هابسبورگ در اتریش، سیاست «نگاه به شرق» در این کشور اتخاذ شد. با امپراطوری کارل پنجم (۱۹۶۵-۱۵۱۵) که اسپانیا و هلند به امپراطوری اتریش پیوستند، این امپراطوری قدرتی فزون تر یافت. با نظر داشت رقابت دو امپراطوری اتریش و عثمانی، مقدمات برقراری روابط بین ایران و اتریش فراهم آمد.

از سوی دیگر، در آسیای مرکزی، ایران به عنوان قدرتی نوپا در حال برآمدن بود و سلسله صفویه، با آغاز سلطنت شاه اسماعیل اول (۱۵۰۱ م) قدرت مسلط منطقه شد که تا سال ۱۷۲۲ دوام یافت. شکست شاه اسماعیل اول در جنگ چالدران (۱۵۱۴) که با وجود از خود گذشتگی سربازان ایرانی رخ داد، وی را که شخصا فرماندهی نیروهای ایرانی برعهده اش بود، به بررسی دلایل این شکست واداشت و مشخص شد که شکست قوای ایران به دلیل نداشتن تجهیزات نظامی پیشرفته ای است که سربازان عثمانی بدان مجهز بودند. بدین ترتیب، شاه اسماعیل مصمم شد برای بدست آوردن سلاح های مدرن و تجهیز قشون ایران، با اتریش روابط سیاسی برقرار نماید. لذا در سال

۱۵۲۳ میلادی با استوارنامه‌ای کشیش پتروس دومونته لیانو (Petrus de Monte Lbano) را به دربار امپراطور کارل پنجم روانه کرد. وی ابتدا به مجارستان رفت و پس از تقدیم استوارنامه خود به پادشاه مجارستان، در سال ۱۵۲۴ م. وارد تولیدو (Toledo) شد و استوارنامه خود را به امپراطور کارل پنجم تسلیم نمود. شاه اسماعیل در این نامه از احتمال حمله ترک‌های عثمانی به مجارستان در سال بعد سخن گفته و از عدم اتفاق اروپا در مقابل امپراطوری عثمانی گلایه کرده بود. وی هم چنین پیشنهاد داد که با ایران و اتریش با یکدیگر متحد شده و مشترکا به امپراطوری عثمانی حمله کنند.

کارل پنجم در سال ۱۵۲۹ م. سفیری را به نام یوهان فون بالبی (Yohann Von Balbi) با استوارنامه‌ای به ایران اعزام نمود. این نخستین اعزام سفیر امپراطوری اتریش به ایران بود. در این نامه، کارل پنجم به شاه طهماسب اول نوشته بود که او و برادرش (فردیناند) و همچنین پاپ اعظم خواهان انعقاد پیمان دوستی و اتحاد با ایران می باشند تا بدین ترتیب دو خاندان هابسبورگ و صفوی بر دشمن مشترک خود فائق آیند.

در عصر شاه عباس اول نیز امپراطور اتریش از طریق سفارت ایران در مسکو با شاه عباس اول رابطه برقرار و پیشنهاد انعقاد پیمان را تکرار نمود. شاه ایران از این پیشنهاد استقبال کرد و به دنبال آن در سال ۱۵۹۸ م. برادران شرلی (آنتونی و رابرت) را به همراه حسینعلی بیگ و چهار نفر از شاهزادگان صفوی و پنج مترجم، برای فتح باب مناسبات و روابط بین ایران و دول اروپایی و اتحاد علیه عثمانی، روانه اروپا نمود.

در عصر قاجار نیز روابط دو کشور ادامه و گسترش یافت. تا آنجا که در زمان حاج میرزا آغاسی، افسران اتریشی به خدمت ارتش ایران درآمدند. امیرکبیر نیز برای تجدید سازمان ارتش ایران و تأسیس مدرسه نظامی دارالفنون، میرزا داودخان را مأمور ارتباط با اتریش و استخدام چند افسر و مربی از آن کشور نمود. رابطه ایران و اتریش به ویژه

روابط نظامی با سفر ناصرالدین شاه به وین در سالهای ۱۸۷۳ و ۱۸۷۸ توسعه یافت. در زمان احمدشاه نیز دخالت شدید روس و انگلیس در ایران، احمدشاه را وادار نمود تا از اتریش، درخواست اعزام مسیون نظامی بنماید. اما این امر با توجه به سازش آلمان و روسیه و شناختن منافع استراتژیک روسیه در ایران از طرف آلمان با مشکلاتی مواجه شد و نظر به اتحاد مثلث آلمان، اتریش، ایتالیا عملاً اقدامی از سوی اتریش صورت نگرفت.

روابط دو کشور در زمان پهلوی گسترش یافت. دو کشور در سال های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ شمسی مبادرت به عقد قرارداد مودت و دوستی نمودند. محمدرضاشاه پهلوی سفرهای زیادی به اتریش برای دیدار و معالجه داشت. در فاصله سال های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ شمسی صدراعظم اتریش برونو کرایسکی، وزیر خارجه اتریش و رئیس جمهور اتریش دکتر گرش لاگر از تهران دیدار نمودند. حاصل رفت و آمدها و بازدیدها، عقد قراردادهای تجاری مهم بین دو کشور و رغبت اتریش به کار اقتصادی و بازرگانی در ایران بود. در این زمان، کارخانجات متعددی با مساعدت اتریش در ایران تأسیس شد. پژوهش حاضر روابط خارجی میان اتریش و ایران از دوران صفویه تا آخر حکومت پهلوی را در سه فصل پوشش داده است. در فصل نخست روابط خارجی ایران با اتریش در دوران صفوی مورد بررسی قرار می گیرد.

در فصل دوم که به بررسی روابط خارجی دو کشور در حوزه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی در دوران قاجار اختصاص دارد، به دو پرسش مهم پاسخ داده می شود؛ نخست اینکه چرا تکیه اصلی روابط ایران و اتریش در عصر قاجار بر روابط نظامی قرار دارد و دوم اینکه به چه دلایلی علیرغم تلاش دولتمردان قاجار مبنی بر کشاندن اتریش به بازی قدرت در ایران، این کشور آنچنان که انتظار می رفت نتوانست سیاست نیروی سوم را در ایران اجرا کند. در پاسخ به پرسش نخست باید به رویکرد

اصلاحات در ایران پس از جنگ های ایران و روس و شکست ایران در این منازعات توجه کرد؛ عصر اصلاحات در ایران دوره قاجار با اصلاحات نظامی و تلاش برای تشکیل ارتش جدید به سبک اروپاییان از زمان عباس میرزا آغاز شد و در دوران حکومت سایر شاهان قاجار تداوم یافت. بنا بر این رویکرد، دولت ایران کوشید به کمک اتریش که در آن زمان در زمره یکی از قدرت های نظامی اروپا به شمار می آمد، به نوسازی ارتش خود اقدام کند. پاسخ پرستش دوم را نباید در سیاست های استعماری و سلطه جویانه دولت های روس و انگلیس در ایران عصر قاجار دید. کارشکنی های این دو دولت مانع از حضور مؤثر نیروی سوم یعنی اتریش در معادلات قدرت در ایران می شد.

فصل سوم نوشتار حاضر به بررسی روابط ایران و اتریش در دوران رضاشاه و محمدرضاشاه اختصاص دارد. اساس بخش های مختلف این فصل چرخش و تغییر کلی در روابط بین دو کشور در مقایسه با عصر صفوی و قاجار را مدنظر قرار می دهد. ساختار اقتصادی ایران در این دوره، که گذار آرامی از اقتصاد مبتنی بر زمین، به اقتصاد سرمایه داری را تجربه می کرد از یک طرف و عزم دولت برای بازسازی خرابی های ناشی از پیامدهای جنگ جهانی اول و آغاز مدرنیزاسیون دولتی از طرف دیگر، سبب شد سطح ارتباطات دو کشور در حوزه اقتصاد و سیاست افزایش یابد.

در دوره پهلوی دوم و به ویژه از دهه ۴۰ شمسی به بعد توسعه اجتماعی و اقتصادی محور سیاست های خارجی دولت قرار گرفت. این توسعه بیشتر به واسطه درآمدهای روزافزون نفت عملی شد. رشد سالانه تولید ناخالص ملی در دهه های ۳۰ به بعد، به رشد طرح های زیربنایی در برنامه های اول توسعه عمرانی منجر شد و مواردی از قبیل توسعه سیستم حمل و نقل و بخش کشاورزی و طرح های بزرگ آبرسانی را در

راستای طرح اصلاحات ارضی دربرگرفت. برنامه های عمرانی بعدی با تکیه بر رشد صنعت و کارخانه ها، معدن و منابع انسانی انجام گرفت. عزم دولت در انجام برنامه های زیربنایی و توسعه اقتصادی سبب شد روابط ایران با اتریش در این دوره بر محور توسعه تجارت و اقتصاد صنعتی قرار بگیرد. سرمایه گذاری صاحبان صنایع اتریش در ایران، احداث کارخانه های تولید صنعتی با سرمایه مشترک، مشارکت مهندسين اتریشی در طرح های زیربنایی و عمرانی، از جمله مصادیق روابط خارجی ایران و اتریش در عصر پهلوی دوم است. این دوران مناسبات اقتصادی بین دو کشور متأثر از رشد و رونق پس از جنگ جهانی دوم و انجام اصلاحات اقتصادی در پی رشد صنعت و تجارت، در سطح بالاتری قرار گرفت.

در اینجا لازم است از آقای هلموت اسلاپی (Helmut Slaby) راین فرهنگی اتریش در ایران پیش از انقلاب، یاد کنم که برای نخستین بار کتابی با عنوان «سپر شیر و خورشید» (Bindenschild und Sonnenlowe) به زبان آلمانی منتشر کرده که در آن به روابط دو کشور پرداخته است. کتاب یادشده در سال ۲۰۱۰ توسط آکادمی علوم اتریش چاپ شده است. این کتاب بر پایه اسناد آرشیو دولتی اتریش نگاشته شده که در جای خود حائز اهمیت است. اما در هر حال، نگاه اتریشی به روابط دو کشور را به تصویر می کشد.

نوشتار حاضر نخستین پژوهش جامع و مستقلی است که در حوزه روابط خارجی اتریش و ایران برپایه اسناد ایرانی انجام می گیرد و اهمیت آن نیز از همین حیث است که می کوشد پرتویی بر این بخش از تاریخ روابط خارجی ایران با سایر دول بیفکند و ارتباطی معنادار بین تحولات تاریخی و روابط خارجی برقرار کند. اهمیت دیگر آن این است که روشن می کند روابط خارجی یک کشور و دیپلماسی موفق آن به چه میزان متأثر از شرایط داخلی آن کشور و قدرت چانه زنی در عرصه بین المللی است.

منابع اصلی در نگارش این پژوهش در کنار کتب و منابع کتابخانه ای، صدها سند از اسناد اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است که فصل سوم و بخش زیادی از فصل دوم بر اساس محتوای این اسناد به نگارش درآمده است. در انجام این پژوهش افراد زیادی یاریگر بوده اند که لازم می دانم به ویژه از سرکار خانم ها مرضیه حسینی، سیما طایفه، هانیه ذبیحی فرد، نرگس بابویی، کارشناسان اداره حفظ و نگهداری اسناد و جناب آقایان دکتر مرتضی دامن پاک جامی معاون محترم پژوهشی مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، حسن تاجیک سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در اتریش، بهزاد خاکپور رئیس سابق اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، کاظم شریف کاظمی رئیس اداره حفظ و نگهداری اسناد، محمد چگینی، مهران رضایی، دکتر محمود اسماعیل نیا و سیدعلی موجانی، صمیمانه قدردانی کنم. همچنین از مسئولان و کارکنان کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، کتابخانه دائره المعارف بزرگ اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی سپاسگزارم.

امیدوارم این اثر به شناخت بیشتر تاریخ روابط خارجی ایران به ویژه با اروپا کمک نماید و در تألیف آثاری دیگر در این حوزه، مفید واقع شود.

عباس نادری

زمستان ۱۳۹۶

تبرستان
www.tabarestan.info

پیش درآمدی بر روابط ایران و اتریش در عصر صفویه

برای شناخت روابط ایران و اتریش در عصر صفویه، مناسبانه منابع گسترده ای در دست نیست. اسناد نیز از وضعیت دقیق روابط چیزی به دست نمی دهد. با این حال، تلاش می شود در این فصل با توجه به برخی منابع، شمایی کلی از روابط ایران و اتریش در این عصر ترسیم شود.

افول قدرت کلیسای قرون وسطی و از بین رفتن تدریجی عقیده منافع مشترک مسیحیت (ChrisitanCommonwealth) زمینه را برای شکل گیری یک نظام نوین سیاسی و تشکیل دولت های ملی در اروپا فراهم کرد. ترکیب سیاسی جدید اروپا باعث شد که از یک طرف، دولت های ملی بر اساس واقعیت ها و منافع ملی کشور خود تصمیم گیری کنند و از طرف دیگر، متوجه جهان خارج از مسیحیت، به ویژه شرق، شوند. پس از این تاریخ، صدها نماینده سیاسی از اروپا به عناوین سفیر و نماینده پادشاهان غرب، با هدایای گرانبها راهی شرق شدند و اروپای مسیحیت به تدریج با فرهنگ، ثروت و ملل شرق آشنا شد.

در واقع نخستین دوره کاهش دشمنی و بدبینی میان جهان مسیحیت و جهان اسلام و تماس بین آن ها، با ظهور امپراتوری عثمانی آغاز شد. در پی پیروزی عثمانی در جنگ وارنا (varna) به سال ۱۴۴۴م. و تصرف قسطنطنیه (استانبول) در سال ۱۴۵۳، تغییرات

بسیار اساسی در نگرش سیاسی اروپا ایجاد شد. نگرش نوین بر نوعی واقع گرایی مبتنی بود که منافع سیاسی تا اندازه‌ای از منافع مذهبی پیشی می گرفت. ائتلاف‌های تازه‌ای در اروپا شکل گرفته و در همین زمان علاقه اروپا به اتحاد با ایران اسلامی، به دلیل ظهور عثمانی افزایش یافت. هر دو قدرت، اروپای مسیحی و ایران اسلامی در عصر صفوی، از قدرت رو به رشد عثمانی نگران بودند؛ به ویژه آنکه در اروپا، جمهوری‌های ونیز و جنووا (Genoa) از شرکت در ائتلاف علیه عثمانی خودداری کردند. بنابراین کوشش برای رویارویی با عثمانی، اروپا را متوجه صفویه کرد. چون صفویه نیز به نوعی با عثمانی مشکل داشت. بر همین اساس مأموریت‌های دیپلماتیک از اروپا به ایران آغاز شد و نمایندگان سیاسی اروپا متوجه حاکمان ترکمن و کنفدراسیون آق قویونلو و اوزون حسن (۷۸-۱۴۷۵۳م) شدند. (جولانتا سیراکاسا-دایندو، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۲)

در سده شانزده، امپراتور عثمانی، سلطان سلیمان اول (۱۵۶۶-۱۵۲۰) پیروزی‌هایی در آسیا و آفریقا به دست آورد و این امر موجب نگرانی بیش از پیش اروپایی‌ها شد. به دنبال آن، کوشش‌های تازه‌ای برای ائتلاف علیه عثمانی آغاز شد. ایران در این ائتلاف می‌توانست نقش مهمی داشته باشد. البته پیشتر اقداماتی صورت گرفته بود و دولت ایران هیأتی سیاسی در سال ۱۵۱۶ به ریاست پتروس دومونتنی لیانو که یک مارونی سوری بود، به اروپا و لهستان فرستاده بود. در آن زمان زیگمونت اول (Zygmunt I) پادشاه لهستان بود. کشورهای اروپایی در پاسخ به این سفر، هیأت‌هایی را به ایران اعزام کردند، اما پیروزی‌های اخیر عثمانی، ایران و اروپا را بیش از پیش تهدید می‌کرد. (همان: ۵۶)

از سوی دیگر، ایران زمین دستخوش تحولات سیاسی تازه‌ای شده بود؛ یک دولت مرکزی قدرتمند در ایران تشکیل شده و شاه عباس اول (۱۶۲۹-۱۵۸۱) توانسته بود همه حکومت‌های محلی را متحد کند و از لحاظ سیاسی و نظامی با امپراتوری عثمانی و

ممالیک مصر به رقابت برخیزد و حتی در بسیاری از زمینه‌ها، از جمله نظامی، معماری و هنر، از آنها پیشی بگیرد. ویژگی دیگر صفویه، جنبه مذهبی آن بود که توانست مذهب شیعه را در سراسر کشور گسترش دهد، در حالی که در حلقه‌ای از دشمنان سنی مذهب محاصره شده بود. عثمانی در غرب و ازبک‌های شیبانی در شرق، کوشش بسیاری برای سرکوب شیعیان می‌کردند. به همین دلیل صفویه متوجه اروپا شد که همواره از توسعه عثمانی نگرانی داشت. روابط بازرگانی اروپا با ایران که گاهی اهداف سیاسی و دیپلماتیک هم داشت، در حال شکل‌گیری بود.

از سال ۱۶۵۰ تغییراتی در شرایط سیاسی اروپا به وجود آمد که موجب شد همه، جنگ با عثمانی را تا حدی حتمی بدانند و سیاست‌های توسعه طلبانه عثمانی همچنان ادامه داشت و نگرانی اروپا افزایش یافته بود. لازم بود برای رویارویی با این تهدیدها، اقدامی توسط دولت‌های اروپایی صورت گیرد. ژان سویسکی سوم (Jan III Sobieski) پادشاه جدید لهستان، مصمم شد اتحادیه جدیدی را در برابر عثمانی تشکیل دهد. وی نخست اتحادیه‌ای را با اتریش و ونیز زیر نظر پاپ تشکیل داده و بی‌درنگ متوجه ایران شد. او در مدت کوتاهی، بیش از یازده هیأت بلند پایه به ایران فرستاد. (همان: ۶۰)

بنابر آنچه گفته آمد، شروع آشنایی و آغاز تماس بین ایران و اتریش را می‌توان در آغاز سلطنت سلسله صفوی دانست. در این زمان فکر اتحاد با ایران برای مقابله با تجاوزات دولت عثمانی، در میان کشورهای اروپایی وجود داشت. به این معنی که از طریق اتحاد با ایران، از جانب شرق و غرب از دو جبهه به عثمانی بتازند و این همان «مسئله شرق» بود که تا سقوط امپراطوری عثمانی در قرن بیستم در سیاست اروپا مدار عمل سیاسی بوده و ایران در آن نقش مهمی داشته است. (علی‌بابایی، ۱۳۷۵: ۷۳۶)

در آن دوران اتریش به دنبال برقراری رابطه با آن سوی مرزهای این امپراتوری بود. به همین دلیل مستشرقان اتریشی به ایران و روسیه آمدند و جرقه نخستین مناسبات دوجانبه زده شد. در این راستا، برخی محققان انگیزه های آغاز مناسبات ایران و اتریش را متفاوت از انگیزه هایی می دانند که آغازگر مناسبات استعمارگراییانه روسیه و انگلیس با ایران شد. بر این اساس تا زمانی که امپراتوری عثمانی وجود داشت، روابط دو جانبه ایران و اتریش متأثر از این قدرت و به صورت محدود ادامه داشت، اما پس از فروپاشی عثمانی روابط دو طرف وارد مرحله جدیدی شد. همین عامل و نوع نگاه به ایران در اتریش، موجب تلاش نخبگان آن کشور برای شناخت ایران شد و رشته شرق شناسی در اتریش در اوایل قرن هجدهم میلادی بنیان نهاده شد که این اتفاق زمینه ساز آشنایی بیشتر شرق شناسان با ایران گردید. همچنین به دلیل نفوذ ادبیات ایران در ادبیات کلاسیک عثمانی، مناسبات اتریش با این امپراتوری نیز به این شناخت بیشتر کمک کرد. (فراگنر، ۱۳۹۱)

شاه اسماعیل صفوی که از این میل و نیت کشورهای اروپایی آگاهی یافته بود، پس از جنگ چالدران به فکر جلب دوستی و یاری کشورهای مزبور افتاد و در سال ۹۲۹ هجری قمری (۱۵۲۳ میلادی) فررپتروس^۱ مجارستانی را که از طرف پادشاه مجارستان به ایران آمده بود و در آن موقع در دربار صفوی می زیست با نامه ای به دربار شارل کن^۲ پادشاه اتریش فرستاد. شارل کن از نماینده ایران پذیرایی گرمی کرد و او را با نامه ای مبنی بر آمادگی اتحاد با ایران در مقابل تجاوزات عثمانی، روانه ایران کرد. ولی قبل از حرکت فررپتروس به طرف ایران، شاه اسماعیل در گذشته بود و از مراجعت این نماینده و اینکه به دربار شاه طهماسب جانشین شاه اسماعیل رسیده باشد یا خیر، اطلاعی در دست نیست.

^۱. Frere Petrus

^۲. Chares Quent

شارل کن یک‌بار دیگر در سال ۱۵۲۹ میلادی نامه‌ای به وسیله یوهان بالبی (از بزرگان دربار خود)، برای ایجاد روابط دوستانه و اتحاد با ایران علیه عثمانی، به ایران فرستاد. از رسیدن این سفیر به دربار ایران نیز اطلاعاتی در دست نیست.

شاه‌عباس اول در سال ۱۰۰۷ هجری قمری (۱۵۹۸ میلادی) سرآنتونی شرلی و حسینعلی بیگ بیات را برای افتتاح باب مناسبات و روابط بین ایران و دول اروپایی و اتحاد علیه عثمانی روانه اروپا کرد. رودولف دوم، پادشاه اتریش، نمایندگان ایران را در پاییز سال ۱۶۰۰ میلادی در پراگ به حضور پذیرفت و از آنان پذیرایی شایانی کرد. سپس برای اطلاع و اطمینان بر صحت گفته‌های حسینعلی بیگ و آنتونی شرلی در زمینه اتحاد با دول اروپایی بر ضد عثمانی، هیأتی را به ریاست کاکاش دوتسالو نکمنی (یکی از بزرگان زادگان ترانسیلوانیا) به عنوان ایلچی به ایران روانه کرد. رییس هیأت دستور داشت که از جانب امپراطور با شاه‌عباس قراردادی بر ضد سلطان عثمانی منعقد کند. وی همچنین مأمور بود که سر راه در مسکو با تزار روسیه درباره اتحاد امپراطور با پادشاه ایران بر ضد عثمانی گفتگو کند و تزار را به شرکت در این اتحاد برانگیزد. «کاکاش» در تاریخ ۲۷ اوت ۱۶۰۲ میلادی به اتفاق همراهان از پراگ به راه افتاد و پس از انجام مأموریت خود در مسکو، یک‌سال بعد از طریق دریای خزر به ایران رسید و توسط قاصدی ورود خود را به شاه‌عباس که آماده حمله به آذربایجان و پس گرفتن آن سرزمین از عثمانی بود، اطلاع داد. شاه‌عباس رابرت شرلی را مأمور پذیرایی از سفیر و همراهان وی کرد. ولی سفیر قبل از دیدار با پادشاه ایران بیمار شد و درگذشت. اما قبل از مرگ، ریاست هیأت انجام مأموریت را به منشی مخصوص خود تکتاندر فن دریابل سپرد. «فن دریابل» در تبریز به خدمت پادشاه ایران رسید. شاه‌عباس کمال ملاطفت را با او کرد و چون به عزم تسخیر ارمنستان و قفقاز عازم آن نواحی بود «فن

دریابل» را نیز همراه خود برد. پس از گرفتن قلعه ایروان، پادشاه ایران به سفیر اجازه داد که به کشور خود برگردد و دو تن از درباریان خود موسوم به شاهزاده زینل خان و مهدی قلی بیگ را مأمور کرد که همراه وی با جواب نامه‌های تزار مسکو و امپراطور عازم اروپا شوند و درباره اتحاد علیه عثمانی گفتگو کنند.

«فن دریابل» و سفیر ایران، از طریق مسکو به دربار رودولف دوم رسیدند. از گزارش سفر مهدی قلی بیگ و نتیجه مأموریت او چیزی در دست نیست. همین قدر معلوم است که مدتی در شهر پراگ مانده است. چندی بعد در سال ۱۰۱۶ هجری (۱۶۰۸ میلادی) شاه عباس رابرت شرلی را به اتفاق چند تن از ایرانیان با نامه و هدایای بسیار روانه اروپا و از آن جمله به دربار «رودولف دوم» کرد. شرلی در ژوئن ۱۶۰۹ میلادی در پراگ به خدمت امپراطور اتریش رسید و چندی در دربار او ماند. (علی بابایی، ۱۳۷۵: ۷۳۷-۷۳۶)

رابرت شرلی به خاطر خدماتی که در جنگ با عثمانی ها انجام داده بود مورد توجه شاه عباس اول بود و در ۱۶۰۸ م / ۱۰۱۶ ق با لباس ایرانی و تاج قزلباش به سفارت دربارهای اروپا رفت. رابرت شرلی در اتریش به حضور رودولف دوم بار یافت و امپراتور اتریش به خاطر خدماتی که شرلی در جنگ با عثمانی ها کرده بود او را به لقب «کنت پالاتن» و مقام شوالیه مفتخر کرد. رابرت شرلی از پاپ نیز لقب کنت دولاتران گرفت. (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۱)

رودولف دوم، امپراتور اتریش سفیری به نام اتین کاکاش را به همراه عده ای به ایران فرستاد. کاکاش مأموریت داشت اولاً با شاه عباس قراردادی علیه سلطان عثمانی منعقد سازد. مخصوصاً از وی قول بگیرد که تا تبریز و سراسر آذربایجان را پس نگرفته با عثمانیها صلح نکند؛ ثانیاً تزار مسکو را در جریان این طرح اتحاد بگذارد و وی را به

شرکت در آن تشویق کند. کاکاش سفیر اتریش به روسیه و سپس عازم ایران شد. شاه عباس رابرت شرلی را مامور پذیرایی از آنان کرد اما سفیر مزبور در لنگرود بیمار شد و درگذشت و نامه های امپراتور را به فن دریابل سپرد. شاه عباس فن دریابل و سفیری از ایران را به سوی مسکو فرستاد و آنها در نزد تزار از فتوحات شاه عباس در قلمرو عثمانی به وی خبر دادند. تزار روس (بوریس گودونوف) از این خبر خوشحال شده و پنج هزار سپاه و چند عراده توپ به یاری شاه عباس فرستاد تا قلعه دربند را که در تصرف عثمانی ها بود محاصره کنند. سفیر شاه عباس و فن دریابل از مسکو به نزد رودلف دوم، امپراتور اتریش رفتند و از همکاری ایران و روس آگاهی دادند و امپراتور نیز با کمال میل با طرح اتحاد سه جانبه علیه عثمانی موافقت کرد (ایران، اتریش و روسیه) و قول داد در جبهه اروپا به قشون عثمانی حمله نماید.

هیأت اتریشی در روز هشتم ربیع الاول سال ۱۰۱۱ ه. ق / ۲۷ اوت ۱۶۰۲ م. سفر خود را از پراگ آغاز کرد و در ۲۱ جمادی الاول همان سال به مسکو رسید. در پایتخت روسیه سفیر رودلف به تاریخ نهم جمادی الاخر ۱۰۱۱ ه. ق به خدمت «بوریس گودونوف»^۱ تزار مسکو بار یافت و نامه ای را که رودلف به بوریس نوشته بود به او تقدیم نمود. در این نامه امپراتور اتریش قصد خود را از فرستادن سفیری به ایران به اطلاع او رسانده از او خواسته بود که وسایل تسهیل مسافرت سفیر او را فراهم سازد و آمدن او را به پادشاه ایران خبر دهد. (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۲)

در جوابی که بوریس بعد از حرکت کاکاش به ایران به رودلف نوشته می گوید: «ما ترتیب کار سفیر مزبور را داده و موجبات تسهیل مسافرت و تأمین او در عبور از ممالک وسیعه خود فراهم ساخته و به پادشاه ایران نوشته ایم که با برادر آن مکرّم بر

^۱. Borís Godunóv

ضد عثمانی داخل در اتحاد شود. بعلاوه از جانب خود یاروسلافسکی را با همراهان متعدد به عنوان سفارت پیش شاه ایران فرستاده ایم تا این پادشاه را از راه محبتی که به ما دارد و با عثمانی داخل در جنگ شود و قول بدهد که با آن دولت هیچوقت صلح جداگانه نکند، ما نیز به او قول داده ایم که در این اقدام او بر ضد ترکان عثمانی هیچوقت به او مساعدت ننماییم.» (علی اکبر ولایتی، ۱۳۷۴: ۲۲۳)

شاه عباس اول که از پشتیبانی معنوی دولت‌های اتریش و روسیه مطمئن بود تصمیم به حمله به عثمانی گرفت. تجاوز پادگان عثمانی در تبریز به شهر سلماس بهترین بهانه را جهت وارد کردن ضربه نهایی به قشون اشغالگر داد. (و تبریز پس از ۱۸ سال گشوده شد.) شاه عباس اول پس از فتوحات خود بر دولت عثمانی (احمد اول پس از سلطان محمد سوم بر تخت عثمانی نشسته بود)، قاسم بیگ سپسالار را به دربار عثمانی فرستاد و او را مأمور قرارداد امضای صلح کرد. قرارداد صلح در ۱۰۲۲ق / ۱۶۱۲م بین قاسم بیگ و نصوص پاشا صدر اعظم عثمانی به امضا رسید. (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۲)

از سوی دیگر، رودلف امپراتور اتریش که سال‌های متعددی با عثمانی‌ها دست و پنجه نرم می‌کرد، با پادشاه لهستان و امرای مسکوی و ساوآ و توسکان و پادشاه اسپانیا و فرانسه با تمام نیرو دست به دست یکدیگر داده، آماده کارزار شدند.

پاپ پل پنجم با فرستادن نماینده‌ای مقاصد خویش را علنی کرد و پیشنهادهایی به شاه عباس داد که مفاد بعضی از آن‌ها به قرار زیر است:

- ۱- پاپ پل پنجم مایل است برای جنگ با امپراطوری عثمانی تمام نیروهای مادی و معنوی خود را به کار بیندازد و برای انجام این مقصود متعهد می‌شود که سپاه مجهزی آماده نماید و عموم پادشاهان مسیحی را وادار سازد در هنگامی

که پادشاه ایران از جانب خشکی حملات خود را به خاک عثمانی آغاز می‌کند، داخل در جنگ شده از طرف دریا عملیات خود را ادامه دهند.

۲- رهبر روحانی وعده می‌کند که افراد ورزیده جنگیده و مهندسین نظامی برای کمک به ارتش ایران روانه نماید.

۳- مخصوصاً به نمایندگان دربار پاپ در اصفهان سفارش شده که از پادشاه ایران احتیاجات مادی و معنوی خود را در جنگ با عثمانی استفسار نمایند تا فوراً درباره آن‌ها اقدام شود.

۴- بالاخره برای حفظ دربار ایران و تقویت آن خاطرنشان می‌نماید که علاوه بر امپراطور رودلف (امپراطور اتریش) و سیژیسmond (پادشاه پولونی) و سایر فرمانروایان ایتالیا، پادشاهان اسپانیا و فرانسه را داخل در جرگه اتحاد با آن داخل نماید.

شاه عباس با اطمینان از طرف دربارهای اروپایی و با اتکاء نیرو و قدرت مادی و معنوی خود جنگ با امپراطوری عثمانی را آغاز کرد و طی دوران سلطنت خود با سلاطین عثمانی مانند مراد سوم و محمد سوم و احمد چهارم و ارتش نیرومند آن‌ها دست و پنجه نرم کرد و در اغلب جنگ‌های فاتح و پیروز بیرون آمد. (خان‌بابایی، ۱۳۷۹: ۲۷۷-۲۷۶)

در سال ۱۶۰۲م/ ۱۰۱۱ق رکن الدین مسعود حاکم بحرین که در قلمرو حکومت پرتغالی هرمز بود، علم استقلال برافراشت و از امام قلی فرمانروای فارس کمک طلبید. امام‌قلی نیز نیرویی فرستاد و مجمع الجزایر بحرین را تصرف کرد. فیلیپ سوم سفیر خود دون آنتونیو را برای تسلیم نامه‌ای به شاه عباس و تقاضای استرداد بحرین روانه ایران کرد. پادشاه اسپانیا فتوحات شاه عباس را در جنگ با عثمانی تبریک گفت و از

اقدام امامقلی خان در تصرف بحرین شکایت کرد و تقاضای استرداد آن را داشت. (تصرف بحرین و سفارت آنتونیو) شاه عباس اول که از قرارداد صلح بین امپراتور اتریش با سلطان عثمانی مطلع شده بود از دون آنتونیو خواست به اسپانیا برگردد و پادشاه اسپانیا را به جنگ با ترکان برانگیزد. علت صلح رودلف دوم امپراتور اتریش با دولت عثمانی این بود که مردم آلمان و اتریش بر سر عقاید لوتر به دو دسته تقسیم شده و به ستیز با هم پرداخته بودند و با این جنگ ها و شورش ها امپراتور اتریش عاجز مانده و در سال ۱۶۰۷ پیمان صلح سیواروتک (Sivarotok) را با عثمانی ها منعقد کرد. (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۳)

در سال ۱۶۷۱ م که بحبوحه جنگ بین عثمانی و دول اروپایی بود (وین توسط عثمانی محاصره شده بود و تا قلب اروپا پیش رفته بود) سفیرانی از جانب امپراتور اتریش، پادشاه لهستان و روسیه به نزد شاه سلیمان صفوی آمدند تا ایران نیز به اتحاد سه گانه آنها علیه عثمانی بپیوندد. شاه سلیمان که به عهدنامه قصر شیرین پایبند بود حاضر به پیوستن به ائتلاف سه گانه اروپاییان علیه عثمانی نشد و شیخ علی خان زنگنه صدراعظم، سفرای سه گانه را با پاسخ منفی رد کرد. با نیوستن شاه سلیمان به اتحاد اروپاییان علیه عثمانی، در سال ۱۶۸۲ م ارتشهای لهستان و اتریش و آلمان به فرماندهی پادشاه لهستان موفق شدند عثمانی ها را شکست داده و وین را از محاصره نجات دهند. دولت عثمانی در مقابل قدرت متفقین اروپایی پیشنهاد صلح کرد و به موجب صلح کارلوویتس در سال ۱۶۹۹، مجارستان و ترانسیلوانی به اتریش، ایالت پالودی به لهستان و موره و دالماسی به ونیز تعلق گرفت و به این ترتیب عثمانیها قسمت مهمی از متصرفات اروپایی خود را از دست دادند. (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۷)

آنچه در تاریخ روابط ایران و اتریش در دوره صفوی جالب توجه است خوشبینی بیش از حد شاه عباس به امپراطور اتریش است؛ شاه عباس همیشه منتظر بود که امپراطور اتریش با سایر فرمانروایان اروپا متحد شوند و با عثمانی از در جنگ در آیند. چون امپراطور به او نوشته و قول داده بود که هرگز با سلطان عثمانی صلح نخواهد کرد لذا وی را سخت محترم می شمرد و تصویری از او در سرسرای اتاق مخصوص خود نهاده بود که هرگاه به اتاق داخل می شد به احترام آن تصویر، سر فرود می آورد. ولی چون در سال ۱۰۱۶ هجری خبر یافت که امپراطور با سلطان احمدخان پادشاه عثمانی صلح کرده است، سخت متأثر و متغیر شد. از اواخر دوران سلطنت صفویه تا اوایل قرن نوزدهم به یک دوره رکود در رفت و آمدهای نمایندگان سیاسی بین دو کشور برمی خوریم که احتمالا علت آن از یک طرف آشفتگی ها و جنگ های گوناگون در ایران و از طرف دیگر، جنگ های اتریش (مانند جنگ جانشینی ماری ترز، جنگ هفت ساله، جنگ با ارتش دولت انقلابی فرانسه و جنگ های دوران ناپلئون) بوده است. (علی بابایی، ۱۳۷۵: ۷۳۷-۷۳۶)

نکته مهم دیگر اینکه، در میان همه سیاستگران صفوی، تنها شاه عباس بود که توجه زیادی به خارج داشت و همیشه در تماس با اروپاییان بود. با این حال هیچ تماس با دوام و بااهمیتی در مورد پیوند با اروپا برقرار نشد. در فرمان سال ۱۶۰۰ م. شاه دستور مدارا با مسیحیان را صادر کرد تا در مورد قدرت های بزرگ آنان و با شهروندان با مهربانی و بخشندگی رفتار شود. اما این فرمان در همه مرزهای جغرافیایی ایران مورد پذیرش نبود. بنیادی ترین انگیزه در مورد اینکه که باید با اروپاییان رابطه برقرار کرد، وجود دشمنی واحد به نام عثمانی بود. البته این مورد با یک هدف بزرگ و بلندمدت اروپاییان در ایران در طول قرن شانزدهم همزمان شده بود. اروپاییان ذکر کرده اند: توطئه ای که در

کار بوده این است که عثمانی و ایران همیشه دشمن یکدیگر باشند. تا سلطان عثمانی ترس داشته باشد از گشودن جبهه فتح سرزمین در کشورهای اروپایی. به خصوص بعد از گذشت بیست سال از ۱۵۲۵ م. امپراطوری چارلز پنجم شروع به برقراری ارتباط با ایرانی‌ها کرد و این پیش زمینه‌ای شد بر این اساس که ایرانی‌ها از ۱۵۵۱ م. تلاش کنند که قلمروشان را که در دوران سلیمان از دست داده بودند. بازگردانند. این گونه حرکت‌ها که در سال ۱۵۳۴-۶ م. انجام گرفت از سوی اروپاییان نیز تشویق شد. هم چنین برخی بر این عقیده اند که شروع جنگ توسط شاه عباس با عثمانی در سال ۱۶۰۱ م. با توجه به درخواست شرلی به وقوع پیوست. (روح اله رمضان، ۱۳۹۱: ۵۵)

اگرچه جنگ‌های فرسایشی صفوی - عثمانی ارتباط شرق و غرب را از طریق عثمانی ناممکن کرده بود، اما در پی سقوط صفویان و شکست قطعی عثمانی از اتریش و تحمیل پیمان پاساروویتس (Treaty of Passarowitz) بر عثمانی در سال ۱۷۱۸ م. این دولت تحت فشار اتریش که از یک سو علاقه مند با تجارت با ایران بود و از دیگر سو به علت دشمنی با روسیه نمی خواست کالاهای ایران از راه بندر حاجی طرخان در دریای خزر به اروپا فرستاده شود، راه مذکور را گشود و بعد از آن غالب بازرگانان ایرانی برای واردات و صادرات کالا به جای راههای خلیج فارس و روسیه از راه نزدیک آسیای صغیر استفاده کردند. (رضا دهقانی، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۴)

روابط فرهنگی

صرف نظر از روابط ایران باستان با غرب، اولین برخورد و رویارویی اروپای قرون وسطی با شرق، در جنگ‌های صلیبی بود. این جنگ‌ها که در پوشش مذهبی و از قرن دوازده میلادی به بعد صورت گرفت علاوه بر اتحاد اروپاییان با یکدیگر، سبب آشنایی

آنان با فرهنگ و تمدن شرق گردید. بدین ترتیب مطالعات مربوط به شرق و در بطن آن آشنایی اروپاییان با زبان و ادبیات عربی، ترکی و فارسی در قرن دوازده پایه گذاری شد. (نصرت الله رستگار، ۱۳۸۳: ۱۲۹)

ابتدای مطالعات را درباره فرهنگ زبان ایرانی در اتریش می توان در ارتباط نزدیک با به وجود آمدن رشته عثمانی شناسی در قرن ۱۷ میلادی دانست که به علت جنگ های عثمانیها و همسایگی آنها با ایران که شدیداً تحت تاثیر فرهنگ ایرانیان قرار داشتند. شرایط سیاسی وقت احتیاج مبرم را ایجاد می کرد که به زبان بااهمیت آن زمان یعنی ترکی عربی و فارسی و نیز علوم اسلامی آشنایی حاصل گردد. در سال ۱۶۸۰ میلادی در وین کتاب لغتی به سه زبان به عنوان لاتین "تاروس لینگواروس اورینتاروم" بکوشش محقق بنام "ماریاترزیو" افتتاح شد که از مسئولان برجسته آن در لوای خدمت سیاسی محقق معروف «یوزف فن هامر بورک شنال» بود که به وسیله انتشارات خود در زمینه اشعار و ادبیات فارسی و ترجمه اشعار فارسی قرون جدید کمک کرد. (مطالعات ایرانی در اتریش، ۱۳۷۲)

از آن زمان به بعد متون مختلف ادبی، علمی، کلامی و فلسفی دانشمندان شرق که اغلب به زبان عربی بودند در سطح وسیعی به لاتین ترجمه شد. پس از جنگ های صلیبی، آنچه اروپایی ها و به خصوص اتریشی ها را از قرن ۱۶ به بعد به فرهنگ شرق و به ویژه با فرهنگ ترکی - عثمانی آشنا کرد، جنگ های عثمانی ها علیه سرزمین های شرق اروپا بود که تعدادی از آن ها در آن زمان در قلمرو حکومت خاندان اتریشی هابسبورگ قرار می گرفتند. پراگ، وین و گراتس به عنوان پایتخت های این امپراتوری وسیع و قدرتمند، قرن های متمادی از مراکز مهم فرهنگی و علمی اروپا به شمار می رفت. تا این که در قرن بیستم در اثر جنگ جهانی این امپراتوری تجزیه و سرزمین های عمده آن مثل بوسنی و

هرزگوین، کراوایی، مجارستان، اسلونی، چک، بخش‌هایی از لهستان، گالزین (اوکراین غربی امروز)، باواریا و شمال ایتالیا از آن جدا شدند.

دولت هابسبورگ بعد از شکست مجارستان در سال ۱۵۲۶ میلادی ناچار بود، از یک طرف برای مذاکرات دیپلماسی با دولت عثمانی و از طرف دیگر برای برقراری اتحاد سیاسی با حکومت صفوی در ایران، تعدادی از مترجمان زبده و مسلط به زبان‌های ترکی - عثمانی، عربی و فارسی را به کار گیرد.

گزارش‌ها و اسناد سیاسی هیأت‌های اعزامی اتریش به دربار صفویان و نیز مکاتبات بین دولت هابسبورگ و شاهان صفوی زمان شاه طهماسب به بعد (۱۵۷۶-۱۵۱۴) و اسناد مربوط به دوره قاجار، همگی دلالت بر آشنایی مترجمان اتریشی با زبان فارسی دارند. بخش قدیمی این اسناد و آرشیو دولتی اتریش در وین و هم در وزارت امور خارجه ایران، در تهران نگهداری می‌شوند.

بنابراین از قرن ۱۶ میلادی به بعد و متعاقب سفرهای هیأت‌های سیاسی اتریش به ایران، اتریشی‌ها از نزدیک با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی آشنا شدند و کارشناسان و مسئولان خاورمیانه در اتریش که اغلب در خدمت امور دیپلماسی دولت هابسبورگ قرار داشتند، بر آن شدند که به صورت مؤثری به تحصیل و مطالعه سه زبان عمده شرق یعنی ترکی عثمانی، فارسی و عربی بپردازند.

از سال ۱۵۷۵ م. به بعد دولت اتریش به منظور تقویت مترجمان مورد نیاز، نوجوانانی را به صومعه کاتولیک‌ها در قسطنطنیه اعزام نمود که اقامت و تحصیل آنان اغلب با مشکلات عدیده‌ای همراه بود. به همین دلیل سرانجام در سال ۱۶۷۴ «انستیتو زبان نوباوگان» (Sprachknaben institute) در استانبول تاسیس شد. همزمان با آن به دستور دولت هابسبورگ کلاس‌های تدریس زبان فارسی، ترکی و عربی تحت

سرپرستی یوهان باپدیس پودستا (Johann Bapdis podesta) در دانشگاه وین نیز دایر گردید و این کلاس ها به مدت سه سال ادامه پیدا کرد و از تعداد هجده دانشجو که در این دوره شرکت داشتند، فقط سه نفر فارغ التحصیل شدند که در سال ۱۶۷۷ به همراه استاد خود پودستا برای تکمیل مطالعات شرق شناسی خود به قسطنطنیه اعزام گردیدند. با سفر پودستا به استانبول، تدریس زبان های شرقی در دانشگاه وین متوقف شد و تا صد و پنجاه سال بعد نیز راکد ماند. با این وجود، نیمه دوم قرن ۱۷ م. آغاز دوران شکوفایی «شرق شناسی» در وین بود و این شهر از جمله مراکز مهم شرق شناسی اروپا به شمار می رفت.

دو شرق شناس معروف به نام های یوهان پودستا از ایتالیا و فرانتس. م. مینسکی، (Franz Mesgnien Meninski) از آلمان به وین آمدند و به طور دائم در آنجا اقامت گزیدند. از اقدامات مهم پودستا، ضمن تدریس در دانشگاه، تأسیس یک چاپخانه در وین بود که در آن برای اولین بار متون فارسی و عربی و ترکی به چاپ رسید.

مشکلات فنی این چاپخانه پس از سفر پودستا، به ترکیه توسط مینسکی رفع شد و از آن به بعد چاپ متون شرقی در وین و سایر شهرهای اتریش و مجارستان مرتباً توسعه یافت. اولین کتابهای مهمی که در سال ۱۶۷۸ م. در وین به زبان لاتینی و با متن فارسی به چاپ رسید، کتاب چهل ستون بود. و پس از آن لغتنامه چهار جلدی (عربی-فارسی-ترکی-لاتین) بود که مینسکی در سالهای ۱۶۸۰ تا ۱۶۸۷ در وین تألیف و چاپ کرد.

نیاز مبرم حکومت هابسبورگ به متخصصین شرق شناس و ایران شناس و مشکلات و نارسایی های «انستیتو زبان نوباوگان» در قسطنطنیه موجب شد به دستور امپراتریس ماریاتریزیا در سال ۱۷۵۴ آکادمی شرق (K.k.Orientalische Akademie) زیر نظر یوزف فرانتس (Josef Franz) در وین تأسیس گردید تا به تربیت شرق شناسان مورد نیاز بپردازد.

در سرلوحه نامه ها و کتیبه ساختمان این آکادمی جمله فارسی «از برای حق و از برای پادشاه»^۱ درج شده بود. در این آکادمی از این سال به بعد به مدت بیش از صد سال دروس و پژوهش های شرق شناسی و در بطن آن تدریس زبان فارسی و مطالعات ایران شناختی ادامه یافت و شرق شناسان و ایران شناسان برجسته ای از آن فارغ التحصیل شدند که در شناساندن فرهنگ شرق و ایران در اتریش و اروپا سهم بسزایی داشتند. ترجمه آثار ادیبان و مورخان ایرانی به زبان لاتین از جمله اقدامات مهم این آکادمی بود.

از جمله این آثار می توان به ترجمه لاتینی گزیده ای از آثار شعرای ایران، تألیف کتابی درباره تاریخ ایران براساس روضه الصفا میرخواند، تألیف تاریخ ادبیات ایران، ترجمه آثار مولانا جلال الدین در شش جلد، ترجمه شاهنامه فردوسی به آلمانی، ترجمه دیوان اشعار حافظ، غزلیات شمس، بهارستان جامی، بوستان سعدی، و ... اشاره نمود.

مهم ترین فارغ التحصیل آکادمی شرق که پس از نه سال تحصیل در وین در سال ۱۷۹۹ به استانبول رفت و پس از آن به ترکیه و شام و مصر سفر نمود، یوزف فرای فن هرهامر پورگشتال بود که می توان او را به حق پایه گذار شرق شناسی و ایران شناسی علمی در اتریش و تا اندازه ای در اروپا نامید. وی پس از مراجعت از سفر دوم، در سال ۱۸۰۹ اقدام به تاسیس نشریه ادواری ادبی «گنجینه شرق» نمود که تا سال ۱۸۱۹ مقالات و متون زیادی از جمله درباره زبان و ادبیات و فرهنگ اسلامی ایران در آن منتشر می گردید.

هامرپورگشتال در سالهای ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۴ دیوان اشعار حافظ را به آلمانی ترجمه و منتشر کرد. یوهان ولفگانگ گوته، شاعر معروف آلمانی، در وایمار این ترجمه را مطالعه و برپا آن دیوان غربی- شرقی خود را سرود.

^۱. این ساختمان، اکنون محل «آکادمی دیپلماتیک وین» وابسته به وزارت خارجه اتریش است و نویسنده، تابلوی آن را در سال ۱۳۹۱ شمسی با همان عبارت مشهور «از برای حق و از برای پادشاه» مشاهده نموده است.

یکی از اقدامات اساسی پورگشتال که از نظر تاریخ علم در اتریش بسیار مهم است، تلاش برای تأسیس «فرهنگستان علوم اتریش» بود که سرانجام در سال ۱۸۴۷ م. محقق گردید و وی ریاست آن را برعهده گرفت. بدین ترتیب پژوهش های ایران شناسی در اتریش از سال ۱۸۴۷ به بعد در این فرهنگستان مأوایی جدید پیدا کرد که تاکنون ادامه یافته است.

این سنت شرق شناسی و ایران شناسی در دانشگاه وین با تأسیس «انستیتو شرقی» در سال ۱۸۸۶ که بعدها نام آن به «انستیتو شرق شناسی» تغییر یافت و پیشتر شرح آن رفت- پایگاه علمی جدیدی پیدا کرد. (نصرت الله رستگار، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۳۰)

رابطه سیاسی و مقارن آن روابط هنری و فرهنگی ایران و اتریش از دوران صفویه آغاز شد. نخستین آثار هنر ایرانی که بدین کشور راه یافت قالیهای نفیس ایرانی بود که بعنوان هدیه از طرف سلاطین ایران به اتریش فرستاد شد و مجموعه کم نظیری از آنها در کلکسیون سلطنتی «ویتلسباخ» wittelsbach گردآوری گردید. قالی معروف به «شکارگاه عباسی» که اکنون در موزه هنرهای دستی وین نگهداری می شود و برخی آن را «نفیس ترین قالی جهان» دانسته اند، متعلق به همین کلکسیون هابسبورگ بوده است. در قرن هجدهم یکی از تالارهای کاخ سلطنتی «شون برون» با دست یک هنرمند ایرانی با مینیاتورهای ایرانی تزئین گردید. این تالار که در زمان مسافرت رسمی مظفر الدین شاه قاجار به اتریش اقامتگاه او بود، هنوز هم از نظر هنری نفیس ترین اطاق این کاخ بشمار می رود. (شجاع الدین شفا: ۵۳۵)

معماری ایران نیز بر اتریش تأثیر فراوانی داشته است. تأثیر معماری و آرایش باغ ایرانی در اتریش به حدی بود که در سال ۱۷۵۲ م. حداقل دویست ابنیه و باغ تحت تأثیر بناها و باغ های ایران ساخته شده بود که از آن جمله می توان به کاخ کلس هایم (Kless Heim) اشاره کرد که ستون ها و تراس های آن به شکل عالی قابوی اصفهان

ساخته شده بود. در طرح کاخ زیبای شون برون (Schon Brunn) در وین، فیشر سعی کرده بود از معماری تخت جمشید بهره گیرد.

نخستین کارگاه های ادبی مربوط به ایران در این کشور در آغاز قرن نوزدهم توسط ایرانشناس بزرگ اتریشی یوزف فن هامر پورگشتال J.von Hammer-purgstall انجام گرفت. این دانشمند که به حق باید او را یکی از پیشکسوتان ایران شناسی اروپا دانست، از دوستان پر شور ادب و فرهنگ ایران بود. وی چندین سال عضو سفارت اتریش (نمسه) در باب عالی استانبول بود و در همان جا بود که زبان های فارسی، ترکی و عربی را فرا گرفت و مسافرتی نیز به ایران و سوریه و مصر کرد و در بازگشت به اتریش خویش را یکسره وقف کارهای ادبی و شرق شناسی نمود و آثار متعددی از ادبیات ایران را به آلمانی ترجمه کرد که از زمره مهمترین آن ها دیوان حافظ، خسرو و شیرین نظامی، گلشن راز شبستری، تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی و تاریخ وصاف است. خود وی مؤلف کتابی به نام «گلچینی از اشعار دوستان شاعر ایرانی» است که در آن بسیاری از سخنسرایان ایران برای نخستین بار توسط وی به اروپائیان شناسانده شده اند.

هامر پورگشتال در سال های ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۸ مجله ای به نام «مخزن الكنوز الشرقيه» به منظور ترجمه و چاپ مهمترین آثار ادبیات شرق در وین انتشار داد که حقا باید آنرا نخستین نشریه خاورشناسی در اروپا دانست.

ترجمه معروف این محقق از دیوان حافظ که منبع الهام گوته در سرودن «دیوان شرقی و غربی» قرار گرفت، نخستین بار در همین نشریه به چاپ رسید. علاوه بر این مجله، در طول سالها سلسله کتابهایی به نام «دائرة المعارف شرقی» توسط هامرپورگشتال انتشار یافت که اطلاعات جامع مربوط به فرهنگ های مشرق زمین برای اولین بار در آن بچاپ رسید. در سال ۱۸۱۲ انجمنی بنام «تبعات شرقی» توسط این

دانشمند در وین تاسیس شد که هدف آن توسعه و ترویج مطالعات خاورشناسی در اتریش بود. این انجمن در واقع پیش آهنگ مؤسسات علمی بزرگی مانند «انجمن آسیایی فرانسه» و «انجمن پادشاهی آسیایی انگلستان» بود که اندکی بعد از آن تأسیس شدند.

هامر پورگشتال تسلط کاملی به زبان فارسی داشت که نمونه آن مقدمه ای است که وی بر ترجمه خود از «گلشن راز شبستری» (چاپ وین، سال ۱۸۳۸) نوشته است. قسمتی از این مقدمه چنین است: «هذا الكتاب المستطاب زیر الفاظ یعنی گلشن راز ... اما بعد این بنده کمترین یوسف هامر پور غستال مستشار و ترجمان و خوانسالار و طرخان حضرت امپراتور پادشاه آلمان صاحب نشان عالمی شان اوسط شیر و خورشید بعرض شاهنشاه ایران و توران و تخت نشین دارا و جمشید می رساند که چون مطامح انظار و مطارح افکار ارباب عرفان فطانت شعار دانایان کارآزموده کار در مداوله السنه خاور و باختر در مراوده ملل نیکو اثر اولاً جذب منفعت علم و دانش و منع اسباب و حشمت و آرایش روی می نماید و چون بین قاطنان ایران و طوایف آلمان از قدیم زمان علاقه عترت و ظهورت نسل و اصل در کار و یگانگی و همدمی السنه نمسویه با زبان دری از آثار لغوی نمودار و آشکار و چون از مرابطه مشرق و مغرب مراوحه ایران و آلمان شیرین تر میوه ها و برین تر سرمایه استکمال علم و عرفان و ... نتیجه قریحه رجال غیب پرور ثمره دوحه قریه شبستر اعنی «گلشن راز» بکسوت لسان نمسه ابراز و بنام غرای شاه فلک پناه ممتاز و باذن عالمی نمونه بندگی پرچاغ و چراغی با فراغ این بنده که هم مترجم و ممثل و طابع و مزین ورق لامع است سرافراز شده، و چون در سال آینده تصادف نوروز جلالی و هجری قرین می آید این تحفه کمینه بمثابه هدیه عید و موهبه نوروزیه عرضه داشت بارگاه سلیمانی گشت و از هاتف عاطف این تاریخ ورد زبان گذشت: تصادف نوروزی این سال نیک فال باد» (۱۲۵۴).

در پایان همین کتاب چنین نوشته است: «طبع شد این کتاب در شهر وین در ۱۸۳۸ خدائگهدارش از چشم کژبین، بسعی اضعف المتعلمین اصدق المریدین یوسف هامر پور غستال مستشار و ترجمان دولت و خانمان حضرت امپراتور آلمان در شهر آبان خجسته هجریه ۱۲۵۲».

معروف ترین ترجمه هامرپور گشتال از آثار ادبیات کلاسیک ایران ترجمه او از دیوان حافظ است که در سالهای ۱۸۱۲ و ۱۸۱۳ در دو جلد در اشتوتگارت و توینگن (آلمان) انتشار یافت. این اثر در تاریخ ادبیات اروپایی اهمیتی خاص دارد، زیرا همین ترجمه بود که منبع الهام گوته شاعر بزرگ آلمان در تدوین «دیوان شرقی و غربی» West-Ostlicher Diwan قرار گرفت و نهضت «حافظ شناسی» را در آلمان و در تمام اروپا بنیاد نهاد. (شجاع الدین شفا: ۵۳۸-۵۳۵)

تبرستان
www.tabarestan.info

بخش اول

روابط ایران و اتریش در عصر قاجار



تبرستان
www.tabarestan.info

فصل اول

روابط سیاسی

روابط سیاسی ایران با دیگر کشورها در حوزه روابط خارجی، متأثر از شرایط داخلی و خارجی ایران در این دوره بود. دولت ایران در این عصر، با بحران‌های متعدد و فزاینده‌ای روبه‌رو بود که سبب می‌شد مواجهه ایران با دول دیگر در عرصه دیپلماسی از موضع ضعف و نه قدرت انجام شود؛ این نوع از موضع‌گیری، ایران را به حالتی نیمه مستعمره تحت نفوذ دول استعماری به خصوص روسیه و انگلیس درآورد. رقابت بین روس و انگلیس برای دستیابی به منافع بیشتر، دلیل حفظ استقلال ضعیف و نیم‌بند ایران در این دوره بود. بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، و بحران مشروعیت در این دوره بر حجم نارضایتی‌های عمومی در این دوره افزود و با از دست رفتن پایگاه اجتماعی دولت نزد مردم، در کنار فساد که چون موریانه تمام ارکان حکومت قاجار را جویده بود، در نهایت به فروپاشی این حکومت انجامید. در حوزه روابط خارجی، دولت ایران تحت نفوذ شدید روس و انگلیس قرار داشت و در دو نوبت نیز توسط این دو کشور تقسیم شد. تلاش ایران برای رهایی از سلطه دولین روس و انگلیس، به اتخاذ سیاست نیروی سوم توسط اصلاح‌طلبانی چون امیرکبیر انجامید که

کوشید با وارد کردن کشور سومی به بازی قدرت در ایران از نفوذ روس و انگلیس کاسته و آن را محدود کند. این نیروی سوم گاهی پروس، زمانی اتریش و در آخر آمریکا بود. اما تسلط بی چون و چرای روس و انگلیس و کارشکنی و کینه توزی آنها سبب می شد سیاست نیروی سوم به شکست انجامیده و قدرت سوم به مواضع خود برگردد. تأسیس سفارت ایران در اتریش و تلاش برای توسعه سطح روابط از طریق مسافرت شاهان قاجار به این کشور و استخدام مستشاران نظامی و سیاسی نیز در راستای سیاست به کارگیری نیروی سوم انجام گرفت که البته دستاورد چندانی به همراه نداشت.

سفارت اتریش در ایران

پیش از استقرار سفارت دایمی در دو کشور ایران و اتریش روابط دو کشور عمداً به سه طریق زیر انجام می گرفت:

در مواقع لازم، نماینده ای از ایران به صورت مأمور و برای مدتی معین به اتریش یا ایران رفته و پس از انجام مأموریت خود که می توانست سیاسی یا اقتصادی و تجاری باشد، به کشور بازمی گشت. سفر این نماینده اغلب به این شکل بود که به کشورهای اروپایی مثل فرانسه و انگلیس سفر میکرد و در هنگام عبور از اتریش پیام دولت ایران را انتقال داده و هدایای پادشاه ایران را تقدیم می داشت. سفارت حسین خان آجودانباشی نمونه ای از این گونه مأموریت ها بود. دومین روش این بود که استامبول و در بعضی مواقع سایر دول به صورت واسطه بین ایران و اتریش عمل می کرد و نمایندگان دو کشور در استامبول درباره روابط فی مابین مذاکره می کردند. در سال ۱۲۷۳ق فرخ خان سفیر ایران و بارون دو هونبر سفیر اتریش در پاریس عهدنامه مودت، بازرگانی، قضاوت و کنسولی را در یک مقدمه و چهارده ماده امضا کردند که بعداً به

امضای فرنسوا ژوزف و ناصرالدین شاه رسید. (محمد تقی خان سپهر، ج ۳، ۱۳۷۷: ۱۴۸۵)

گاهی اوقات نیز امور مربوط به ایران در اتریش از طریق شارژدافر افتخاری صورت می گرفت. بدین شکل که برای چند کشور خارجی تنها یک سفیر انتخاب می شد، وی در یکی از کشورهای مهم اقامت می گزید و امور مربوط به سایر کشورها نیز از طریق همان شارژدافر انجام می گرفت. در سال ۱۲۷۷ ق حسنعلی خان امیر نظام گروسی با سمت وزیر مختاری مأمور دربارهای فرانسه، انگلیس، بلژیک، پروس و اتریش شد. او مقر خود را در پاریس قرار داد و در سایر ممالک شارژدافر افتخاری تأسیس کرد. وی در طول سال بارها به اتریش سفر می کرد. (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳: ۹۰)

در سال ۱۲۸۹ ق سفارت اتریش در ایران برقرار شد. کنت دویسکی اولین سفیر مقیم دولت اتریش و مجارستان بود که در اواخر این سال به ایران آمد و از طرف فرانسوا ژوزف امپراتور اتریش و مجارستان، ناصرالدین شاه را برای رفتن به آن کشور دعوت کرد. (عبدالله مستوفی، ج ۲، ۱۳۵۳: ۱۲۵)

از آن زمان تا سقوط سلطنت قاجاریه به غیر از وقفه های کوتاهی از جمله در بحبویه جنگ جهانی اول، که منافع آن کشور توسط کشورهای دیگر تأمین می شد سفارت اتریش در ایران برقرار بود. بیرق سفارت اتریش در ایران که بر سردر این سفارت خانه برافراشته شده بود، تک بیرقی به رنگ زرد و سیاه بود اما پس از مدتی ملت مجارستان اعتراض کرده که اگر نام این سفارت، سفارت اتریش-مجارستان است چرا پرچم مجارستان در کنار پرچم اتریش وجود ندارد، اینگونه بود که پرچم مجارستان نیز در سفارت خانه و عمارات سلطنتی متعلق به آن نصب شد. (عین السلطنه، ج ۱، ۱۳۷۴: ۶۴۸)

عین السلطنه در توصیف سفارتخانه اتریش، از عمارتی بسیار زیبا یاد می کند که در قلب باغی دل انگیز و باشکوه قرار گرفته بود. این باغ توسط باغبانان اتریشی به این شکل درآمده بود و در آن انواع گل ها و درختان مختلف وجود داشت. عین السلطنه ضمن ذکر این نکته

که فرنگی همه کارها را به درستی انجام می دهند، می نویسد: «باغبان های ایرانی یه دسته گل هم بلد نیستند درست کنند و یاد هم نمی گیرند. باغبان های اتریشی بسیار کار بلد و با سلیقه اند. گلدانها و گل های آنان را کس تمیز ندهد که طبیعی است یا مصنوعی» (همان: ۶۵۶)

اگرچه سفارت اتریش یکی از قدیمی ترین سفارتخانه های دول خارجی در ایران بود، اما وزرای مختار این کشور نتوانستند حضور مؤثری به لحاظ اثرگذاری سیاسی داشته باشند و جایگاه محکمی در دربار و سیاست ایران بیابند. بخش زیادی از این عدم موفقیت به گفته لرد کرزن به دلیل نفوذ همه جانبه و سیطره سیاسی نمایندگان و سفارت خانه روس و انگلیس در ایران بود که سایر نمایندگان را تحت شعاع و در حاشیه قرار می داد. عمده مشغولیت این سفرا به شرکت در امور تشریفاتی از جمله انواع مراسم و اعیاد محدود می شد. (کرزن، ج ۱، ۱۳۸۷: ۶۰)

سطح روابط دیپلماتیک و تجاری ایران و اتریش به گونه ای نبود که بتواند قدرت روس و انگلیس در سیاست ایران را به چالش بکشد و توازن قوایی بین آنها ایجاد کند. کارکنان سیاسی اتریش در ایران در عصر ناصری عبارت بودند از:

ایلیچی مخصوص و وزیر مقیم	کلنل شندلاکرا
وزیر مختار و ایلیچی مخصوص	کنت دوبسکی
شارژدافر	مسیو قوچینکی
وزیر مختار	کنت ژوالسکی
شارژدافر	مسیو شفر
وزیر مختار	مسیو کوسک
شارژدافر	مسیو برهک
وزیر مختار	مسیو لبارون تیمل

اداره امور مربوط به سفارتخانه های کشورهای مختلف در ایران، بر عهده بخش های مختلف وزارت خارجه بود. (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۴: ۳۳۴) اداره ای تحت عنوان «اداره متعلقه به سفارت های فرانسه، آلمان، اتریش و اتازونی» که یکی از شاخه ها و بخش های تحت نظارت وزارت خارجه بود، وظایف مربوط به سفارتخانه اتریش در ایران را بر عهده داشت. کارمندان این اداره در عهد ناصری بدین ترتیب بودند:

میرزا عبدالله خان سرتیپ مستشار وزارت خارجه

میرزا خلیل، منشی

میرزا محمود، منشی

میرزا احمد، منشی (همان: ۴۱۶)

پذیرش وزیر مختار اتریش در ایران، نخستین گام برای برقراری روابط بود که طی مراسمی ویژه انجام می شد. «درکنت لکنتی» در سال ۱۳۳۰ ق به عنوان وزیر مختار اتریش وارد ایران شد. روال پذیرش وزیر مختار به این شکل بود که از طرف وزارت خارجه فردی به عنوان مهمان دار وزیر مختار انتخاب شده، به استقبال او می رفت و پس از نخستین دیدار، وزیر مختار باید توسط حکومت های گیلان و قزوین به عنوان نخستین شهرهایی که وزیر در آنجا اقامت می کرد، به رسمیت شناخته می شد. در سفر کنت لکنتی صادق السلطنه از طرف علیقلی خان مشاورالممالک، به عنوان مهماندار کنت لکنتی انتخاب شد. تأمین هزینه های مسافرت مهماندار بر عهده وزارت خارجه بود، نصرالسلطنه حاکم گیلان پس از ورود وزیر مختار به انزلی به استقبال او رفته و با حضور میرزااحسین خان منشی سفارت اتریش، ترتیب اقامت کوتاه مدت او را در عمارت دولتی گیلان داد. پس از ورود وزیر مختار به دربار مرکزی، انفصال از خدمت یا اعلام پایان مأموریت وزیر مختار پیشین طی مراسمی انجام می شد و وزیر ضمن ارائه

نطقی درباره سالهای خدمتش در ایران و ابراز ارادت نسبت به شاه ایران، سمت خود را به وزیر جدید تحویل میداد، وزیر جدید نیز هدف مأموریت خود و برنامه های دولتش را توضیح داده و از شاه ایران برای آغاز کار خود کسب اجازه می کرد. این مراسم با حضور شاه، درباریان، وزرای وزارت خانه های مختلف و اعضای وزارت خارجه انجام می شد. (۱۳۰ کارتن ۶ پرونده ۱ سند شماره ۳۳ و ۳۳،۱ و ۳۶)

سفارت ایران در اتریش

در زمان صدارت امیر کبیر با اینکه حدود نیم قرن از تأسیس سفارت خانه های انگلیس، روسیه و عثمانی می گذشت، هنوز دولت ایران در هیچ یک از کشورهای خارجی سفارت مقیم نداشت و این امر به منافع ایران آسیب می زد. از این رو به دستور امیر کبیر در سال ۱۲۶۷ ق سه سفارت دایمی ایران در لندن، سن پترزبورگ و استامبول تأسیس شد. این امر مقدمه تأسیس سفارت های مقیم در سایر کشورهای خارجی گردید. سفارت ایران در اتریش در سفر دوم ناصرالدین شاه به اتریش در سال ۱۲۹۵ ق / ۱۲۶۲ ش برقرار شد. در این مسافرت نریمان خان قوام السلطنه به عنوان وزیر مختار ایران در اتریش منصوب و تا سال ۱۳۲۱ ق / ۱۲۷۳ ش در این سمت باقی ماند. (امینی، ۱۳۸۵: ۲۴۳)

نریمان خان قوام السلطنه برادر جهانگیر خان وزیر صنایع بود. این دو برادرزاده های منوچهر خان معتمدالدوله از خواجه های سرشناس گرجی و ارمنی دربار فتحعلیشاه بودند. احتشام السلطنه، نریمان خان را مردی ایران پرست و نیکورفتار و در یک کلمه «جوادالطبع» می داند که پذیرایی و مهمان دوستی، برجسته ترین ویژگی اخلاقی او بوده است. به گفته او هر ایرانی که به اتریش می رفت، راه به خانه او داشت و وزیر مختار در خانه یا سفارت به بهترین شکل از او پذیرایی می کرد. این دست و دل بازی

ها برای رجال مملکتی که به وین می رفتند، چند برابر بود. وزیر مختار در این کار افراط کرده و هزینه های سنگینی را بر سفارت تحمیل می کرد. احتشام السلطنه بعد از بیان افراط کاری های نریمان خان به بیان انتقاد دیگری از وزیر پرداخته، می نویسد: «قوم السلطنه با کمال تأسف و علیرغم جمیع صفات ممتازه که داشت از قونسول تراشی و فروختن نشان های دولتی به این و آن و تعارف دادن و رشوه گرفتن مضایقه نمی کرد. بعد از او اسحاق خان مفخم الدوله وزیر مختاری ایران در اتریش را تا سال ۱۲۷۸ ش بر عهده داشت.» (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶: ۴۰۹)

حاجی پیرزاده در توصیف سفارت ایران در اتریش در زمان وزیر مختاری نریمان خان می نویسد: «سفارتخانه عمارت تقریباً بزرگی است که به وسیله اشیاع و لوازم مختلف ایرانی و فرنگی به زیبایی تزئین شده است. مبل ها بیشتر فرنگی اما فرش ها و انواع پارچه به کار رفته ایرانی بود. صندلی ها و نیکمت ها از چوب مرغوب بود و از میان اسبابهای ملکه اسپانیول خریداری شده بود.» حاجی پیرزاده سپس به معرفی نوکرهای نریمان خان در سفارت خانه می پردازد: «یکی چرانی بود از ارامنه کردستان و زبان های فارسی، کردی، ترکی، نمسه ای (اتریشی)، فرانسه و کلدانی را خوب می داند. دیگری الدوف است که او نیز از ارامنه است و ترکی می داند. دیگری نظرآویج است که هشت زبان نمسه ای، ترکی، فرانسه، ارمنی، روسی، انگلیسی، کلدانی، ایتالیایی می داند.» (حاجی پیرزاده، ۱۳۶۰: ۵۲-۵۱)

مسئولیت برقراری و حفظ روابط دوستانه بین دو کشور ایران و اتریش به میزان زیادی به عملکرد سفارت ایران در اتریش بستگی داشت. احترام به فرهنگ و تاریخ کشور اتریش یکی از وظایف سفارت بود. سفارت ایران در اتریش ایامی را که در تقویم اتریشی عید و یا جشن بوده را به رسمیت شناخته، در ساختمان سفارت بسته به نوع

مناسبت، با حضور مقامات، شاهزادگان، تجار و دانشجویان ایرانی مقیم اتریش جشن و مهمانی ترتیب می داد. روز تاج گذاری امپراتور اتریش یا ازدواج خاندان سلطنتی اتریش از جمله این مناسبت ها بود. (سال ۱۳۱۱ کارتن ۲۳ پرونده ۳۴ سند شماره ۱۵)

وزیر مختار و کارکنان سفارتخانه در زمره مهم ترین و متمول ترین کارمندان سیاسی دولت به شمار می رفتند. هرچند بحران های مالی که پای ثابت مشکلات متعدد دولت مردان قجری بود، همواره عملکرد سفارت های ایران در دول دیگر را تحت شعاع قرار می داد. حقوق وزیر مختار ایران در اتریش نریمان خان قوام السلطنه در سال ۱۳۱۷ قمری در دوره ناصری، ۲۹ هزار و سیصد و پنجاه تومن بوده که به شکل اقساط در طول یک سال پرداخت می شد. (سال ۱۳۱۴ کارتن ۲۲ پرونده ۱۱ سند شماره ۱۳)

یکی از مسایل پرتکراری که از مطالعه مکاتبات بین سفارت ایران در اتریش با وزرات خارجه فهم می شود، مشکلات مالی است که همواره گریبان گیر سفارت ایران بوده تا حدی که پرداخت حقوق کارکنان نیز در مواقعی، به دشواری انجام می شد. ورشکستگی اقتصادی دولت ایران و قروض پیاپی از دول خارجه که به این ورشکستگی دامن می زد، نه تنها عملکرد دولت در داخل را با ضعف مواجه ساخت بود بلکه بر سیاست خارجی دولت نیز تأثیر منفی گذاشته و عملکرد سفارت و مأموران دیپلماتیک ایران در سایر دول را نیز متأثر کرده بود؛ به عنوان مثال اسحاق خان مفخم الدوله سفیر ایران در اتریش طی تلگرافی مقدار پولی که دولت برای اداره سفارت ایران در اتریش در نظر گرفته را برای تأمین مخارج این سفارتخانه کافی نمی داند زیرا مخارج اداره سفارت خانه، تأمین حقوق کارمندان، تهیه مسکن و لباس و غذا برای آنها بسیار بیشتر از بودجه اختصاصی سفارت اتریش بود. در حالی که «به سایر سفارتخانه ها نفری ۶۰۰ تومن مرحمت می شود اما سفارت وینه که محل اقامت شاهزادگان عظام و امنای دولت

است، پرداختی کمتری صورت می گیرد.» سفیر در ادامه مطلب خود خواستار افزایش هزینه مقرر تا سقف ۵۰۰ تومان است. (سال ۱۳۲۲ کارتن ۸ پرونده ۸ سند شماره ۵۴)

یکی از وظایف اصلی سفارت ایران در اتریش صدور تذکره ها و روایدها بود که این تذکره ها در واقع مجوز ورود و خروج اتباع ایرانی به اتریش محسوب می شد و در ارتباط با وزارت خارجه و با نظارت این نهاد صورت می گرفت. کنسولگری های ایران در اتریش که مسئول رسیدگی به وضعیت اتباع ایران در شهرهای مختلف اتریش بودند نیز مقداری از این تذکره ها را در دست داشتند. بی نظمی در چاپ تذکره ها و ارسال آنها به سفارت و کنسولگری های ایران در اتریش از جمله مشکلات اتباع ایرانی بود که اعتراضات زیادی را برمی انگیزت. در عصر مظفری مشیرالملک و فریدالسلطان مسئول تقسیم و صدور این تذکره ها بودند. (سال ۱۳۲۲ کارتن ۸ پرونده ۸ سند شماره ۱)

این تذکره ها در تهران به چاپ می رسید و مهر وزارت خارجه و سفارت ایران در اتریش را داشت. هزینه صدور هر تذکره ۳ تومان معادل ۱۲ کرون اتریشی بود. (سال ۱۳۲۲ کارتن ۸ پرونده ۸ سند شماره ۱۳۷)

از دیگر وظایف سفارت، داشتن ارتباطات نزدیک با نمایندگان سایر کشورها در اتریش و آگاهی از وضعیت داخلی آن کشورها بود که آگاهی از این مسایل در اتخاذ رویه سیاسی ایران نسبت به کشورهای مورد نظر ضرورت داشت. بنابراین سفارت ایران در اتریش ارتباط حسنه ای با سفارت سایر کشورها داشت. یکی از مصادیق این ارتباط هنگامی بود که وزیر مختار ایران مجبور به ترک اتریش و حضور در ایران بود. در چنین مواردی اداره امور سفارت بر عهده سفارت کشور دیگری در اتریش قرار می گرفت. در سال ۱۳۲۲ ق در مقطعی که نوروزخان شارژدافر به ایران فراخوانده شد تا جای خود را به اسحاق خان بدهد، مسئولیت سفارت ایران طی و کالت نامه ای به

سفارت مکزیک واگذار شد. همچنین در سال ۱۳۲۲ق معتمد السلطان نوروزخان وزیر مختار ایران در اتریش، با اتمام دوران مأموریت خود به ایران بازگشته و سمت خود را به مفخم الدوله تحویل داد. در فاصله بین رفتن نوروزخان و آمدن مفخم الدوله به اتریش، اداره امور سفارت ایران طی به وکالت نامه ای به وزیر مختار بلژیک واگذار شد. (سال ۱۳۲۲ کارت ۳ پرونده ۱۴ سند شماره ۳۹)

یکی دیگر از وظایف وزیر مختار ایران در وین، انجام دیدارهای رسمی با امپراطور و سایر مقامات رسمی حکومت اتریش بود. در این دیدارها که چند ماهی یکبار و معمولاً به مناسبتی خاص به دعوت امپراطور اتریش انجام می شد، ارتباطات دو کشور و قراردادهای مختلف فی مابین مورد مذاکره قرار می گرفت. اسحاق خان وزیر مختار ایران در دیدار خود با آرشدوک فردیناند ولیعهد اتریش در ذیقعه سال ۱۳۲۲ق، ضمن صحبت با رئیس مدرسه «طرزیانوم» محل تحصیل شاهزادگان ایرانی، در خصوص میزان پیشرفت دانشجویان ایرانی، با ولیعهد اتریش در خصوص لزوم سفر شاه ایران به این کشور برای استفاده از خواص درمانی آب های معدنی صحبت کرد. (۱۳۲۲ کارت ۸ پرونده ۸ سند شماره ۸۸)

وظیفه رسیدگی به وضعیت اتباع ایرانی در اتریش علاوه بر سفارت، بر عهده کنسولگری های ایران در شهرهای مختلف اتریش قرار داشت. این کنسولگری ها تحت کنترل و نظارت دولت اتریش و سفارت ایران در این کشور فعالیت می کردند و یک مأمور اتریشی در کنار کارمندان ایرانی در این کنسولگری ها وجود داشت.

صورت مأمورین قونسول گری ایران در اتریش ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۶

- مسیو ژرژ شیلانی دینی ژنرال قنسول مقیم وین، حوزه مأموریت قلمرو وین
- مسیو کنت لیب کراز قونسول مقیم وینه

- مسیو فرنده تش زق ژنرال قنصول در بوداپست، حوزه مأموریت، سراسر مجارستان
- مسیو توریک قنصول برون و قلمرو برون (سال ۱۳۲۶، کارتن ۶، پرونده ۵، سند شماره ۵)

مواجب و مستمری کارکنان سفارت های مختلف در مقایسه با سایر کارمندان و سایر نهادها نسبتا چشم گیر بود. فخیم السلطنه منشی سفارت ایران در اتریش در سال ۱۳۲۲ ق مبلغ ۵۰۰ تومان حقوق دریافت می کرده است. (سال ۱۳۲۲، کارتن ۸، پرونده ۸ سند شماره ۱۰۶) در سند نیامده که این مبلغ برای چه مدت خدمت به منشی پرداخت می شده اما احتمالا و با توجه به متن اسناد دیگر، این مبلغ طی قراردادی یک ساله پرداخت می شد.

روابط ایران و اتریش در عهد ناصری

دولت ایران در عصر قاجار به ویژه در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه متأثر از سفرهای شاه به اروپا و دیدن پیشرفت های اروپاییان در حوزه های مختلف به خصوص در عرصه بروکراسی و نظام اداری توسط شاه، اقدام به استخدام مستشاران و صاحب منصبان غیر نظامی برای اصلاح بخش های سیستم اداری کشور کرد. ناصرالدین شاه سه بار به اتریش مسافرت کرد. نخستین مسافرت در سال ۱۲۹۰ ق به دعوت امپراتوری اتریش برای بازدید از نمایشگاه وین صورت گرفت. در این سفر شاه ایران از سوی امپراطور، صدراعظم، ولیعهد و شاهزادگان اتریش مورد استقبال قرار گرفت. بعد از گشت و گذار و انجام مهمانی های مختلف، ناصرالدین شاه از نمایشگاه صنعتی و بازرگانی که در آن ایران نیز دارای غرفه ای حاوی صنایع دستی و اشیا نفیس بود، دیدن کرد. شاه ایران همچنین از ارتش اتریش سان دید و با سیاستمداران این کشور در خصوص خرید اسلحه و جنگ افزار وارد مذاکره شد. (میزا ابراهیم خان شیبانی، ۱۳۵۸: ۱۹۶-۱۹۴)

سالها پیش از آغاز نخستین سفر ناصرالدین شاه به اتریش، در سال ۱۲۷۳ ق / ۱۸۵۷ م عهدنامه «مودت و تجاری» در کشور فرانسه بین ایران و اتریش منعقد شد. در این سال فرخ خان امین الملک با اختیارنامه ای که از طرف شاه و آقاخان نوری در دست داشت، برای انعقاد عهدنامه های مودت راهی اروپا شد. این سفر با هدف انعقاد عهدنامه پاریس بین ایران و انگلیس در فرانسه انجام شد. وزیر مختار نمسا (اتریش) در فرانسه اقامت داشت و فرخ خان با توجه به اختیاراتی که از طرف دولت ایران برای انعقاد قراردادی تجاری و مودت با اتریش داشت، با او وارد مذاکره شد. آقاخان نوری در این خصوص به فرخ خان نوشت: «به موجب اختیارنامه همایون که در دست شما هست، با ایلچی دولت نمسا مقیم پاریس عهدنامه ای منعقد نمایید که به کار خواهد آمد، عهد دولت پروس هم خالی از منفعت نخواهد بود. در نظر شما باشد در کل عهدنامه جات قید نمایید که در دربار دولت علیه وزیر مختار مقیم داشته باشند نه کنسول و شارژدافر. در خاطرتان باشد که با نمسا و پروس که عهد می بندید مثل عهدنامه آمریکا شرط نمایید که مداخله در کار داخلی ایران نکنند و مأمورین آنها نتوانند از ایرانی، حتی نوکرهای خودشان که از اهالی ایران باشند حمایت کنند.» (روشنی، ۱۳۴۷: ۲۳۵)

فرخ خان طبق این دستورات و این شیوه عمل که یقیناً یادگار آموزه های امیرکبیر بود، ۱۷ ماه مه ۱۸۵۷ م مطابق با ۲۲ رمضان ۱۲۷۳ ق عهدنامه مزبور را با سفیر اتریش در فرانسه امضا کرد. عهدنامه در ۱۴ فصل تدوین شد که مندرجات آن به صورت زیر بود:

فصل اول - مودت

فصل دوم - مأمورین سیاسی پذیرایی و امتیازات آنها

فصل سوم - شرایط راجع به اتبای طرفین و حفظ و حمایت آنها - تذکره

فصل چهارم - در باب حقوق تجارت اتباع طرفین و مالیات ها - شرایط راجع به تملک ضیاع و عقار

فصل پنجم - حقوق گمرکی تجارت داخلی، مصونیت اتباع اتریش

فصل ششم - شرایط راجع به اتباع دول متحده ژرمانی

فصل هفتم - در باب عدم حمایت مأمورین طرفین از تبعه دولتین - حقی که از این بابت برای دولت اتریش محفوظ است

فصل هشتم - کنترات و سایر تعهدات تبعه دولتین تصدیق تمسکات و بروات و غیره و شروط راجع به آن رفتاری که با تبعه ایران در اتریش منظور می شود

فصل نهم - محاکمات و تجدید رسیدگی

فصل دهم - ورشکستگی و افلاس

فصل یازدهم - ترکه تبعه دولتین

فصل دوازدهم - محاکمات جنایتی

فصل سیزدهم - وقوع جنگ با دولت عثمانی

فصل چهاردهم - تصدیق عهدنامه و مدت آن (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳۰۰)

وکلای مختار ایران و اتریش در پاریس پس از مبادله اختیارنامه های خود در

فصول زیر که درواقع توضیح جزئیات فصول عهدنامه بود توافق کردند:

فصل اول - مابین ممالک و رعایای اتریش و ایران دوستی و روابط حسنه

برقرار خواهد بود

فصل دوم - مأمورین و فرستادگان سیاسی دو کشور و اعضای سفارتین از حقوق

دول کامله الوداد برخوردار خواهند بود.

فصل سوم - اتباع دو کشور برای مسافرت در خاک یکدیگر آزاد هستند و مأمورین و کارگزاران موظف اند نهایت همکاری را در جهت حفظ منافع و تامین رفاه حال آنها به عمل آوردند.

فصل چهارم - اتباع دولتین در هر مقام و کسوتی که باشند در خاک کشور دیگر از حقوق اتباع دول کامله الوداد برخوردار هستند، دولتین می توانند مال التجاره های خود را چه از راه دریا و چه از راه خشکی به خاک یکدیگر و به خارج حمل نمایند و موافق قوانین موجود به تجارت اشتغال ورزیده و مغازه و محل کسب داپیر و اجاره کنند. «مالیاتی که بر ذمه اتباع دول کامله الوداد قرار نمی گیرد به هیچ وجه اسم و رسم از مومی الیهم مطالبه نخواهد شد و مقرر است که اگر دولت علیه ایران حق تحصیل و تملیک اراضی خانه و مغازه و سایر اشیاء غیر منقوله را در ایران به اتباع یکی از دول خارجی بدهد این حق نیز به اتباع دولت اتریش در ایران داده خواهد شد. تجار مملکتین که بخواهند در هر دو مملکت تجارت داخله نمایند، از حیث این عمل مطیع قوانین مملکتی خواهند بود که محل تجارت است.» (رنانی کرمانی، ۱۳۸۰: ۲۶۸)

فصل پنجم - اتباع اتریش که از ایران مال التجاره به کشور خود وارد می کنند و اتباع ایرانی که از اتریش کالا وارد می کنند، از حیث دارا بودن حقوق گمرکی و معافیت های مالیاتی در ردیف اتباع دول کامله الوداد قرار می گیرند.

فصل ششم - نظر به اتحاد و روابط خارجی که بین اتریش و سایر «دول متحده ژرمانیا» وجود دارد، شاه ایران و امپراطور اتریش مقرر کرده اند که اتباع دول مذکور در ایران از تمام حقوق و منافی که به موجب این عهدنامه به تجار و اتباع اتریش داده شده است، برخوردار شوند به این شرط که در ظرف سه سال از روز مبادله این عهدنامه دول آلمانی هم متعهد شوند که به تجار و اتباع ایرانی، همان حقوق و مزایای اتباع اتریش را بدهند.

فصل هفتم - دولتین ایران و اتریش در راستای حمایت از تجار و اتباع خود حق خواهند داشت هر یک سه قنصل در خاک یکدیگر داشته باشند. محل اقامت قنصل های اتریش در تهران، تبریز و یکی از بنادر خلیج فارس و اقامتگاه قنصل های ایران در وین و تریست خواهد بود. قونسولگری ها در انجام تمام مأموریت های سیاسی و شخصی خود همان احترامات و حقوق دول کامله الوداد را خواهند داشت. قنصل های اتریش چه در خفا چه آشکارا حق حمایت از اتباع ایران را نخواهند داشت البته کارمندان ایرانی قنصل گری های اتریش از این قانون مستثنی هستند.

فصل هشتم - تمام کترات ها و سایر تعهدات رعایای طرفین را که راجع به امور تجارت است دولتین معاهدتین بدون کم و کسر برقرار داشته و در رعایت آن کمال دقت را مرعی خواهند داشت. برای حفظ امنیت رعایای اتریش در ایران تمسک و بروات و ضمانت نامه و کترات های راجعه به امور تجارتی که مابین رعایای دولتین منعقد می شود، باید به امضای دیوانخانه و در صورت عدم آن به امضای حکومت محلی که مرجع این قبیل امور است کذالک در محلی که قنصل اتریش بوده باشد به امضای مشارالیه هم برسد به جهت اینکه در صورت وقوع اختلاف رسیدگی و تحقیقات لازمه به عمل آمده و امور متنازع فیها بر وفق عدالت قطع شود. بنا علیهذا اگر شخصی اسناد مصدقه فوق را در دست نداشته باشد بخواهد به تبعه اتریش انشای دعوی نماید در حالتیکه به غیر از اظهارات شهود دلیل دیگری اقامه نکند مسموع نخواهد داشت مگر اینکه تبعه اتریش این چنین استدعا را صحیح داند. دولت فخیمه اتریش نیز وعده می دهد که حفظ امنیت رعای ایران در ممالک خود موافق قوانین و رسوم جاریه نموده و از این حیث با آنها مانند اتباع دول کامله الوداد رفتار نماید.

فصل نهم- رسیدگی به تمام منازعات و مشاجراتی که بین اتباع اتریش در ایران اتفاق می افتد بر عهده نماینده امپراتور اتریش در ایران و یا بر عهده نزدیک ترین قنصلگری به محل است و مطابق قوانین اتریش به این عاوی رسیدگی می شود و حکومت محلی حق دخالت ندارد. همچنین رسیدگی به منازعات میان اتباع اتریش با اتباع دول دیگر در ایران نیز بر عهده مأمورین و قنسل های آن دول خواهد بود. در مورد حقوق اتباع ایرانی در این خصوص در عهد نامه آمده «در ازای این تعهدات رعایای دولت علیه ایران هم در اطریش از حیث منافع و حقوق مکتسبه خود در صورت، اختلاف در تحت حمایت قوانین و محاکمات دولت اطریش خواهد بود به همان قسم که رعایای اتریش و اتباع سایر دول هستند. در باب همراهی که نمایندگان و قنسل و مأمورین دولت علیه ایران بخواهند در نزد کارگزاران دولت اتریش از هم وطنان خودشان بنمایند دولت فخمه اتریش بمشارالیهم همان حق را می دهد که مأمورین سیاسی و قونسولهای دول کامله الوداد دارا هستند.»

فصل دهم- اگر تبعه یکی از دو دولت که مقیم در کشور دیگری است اظهار ورشکستگی کند، می بایست صورتی از اموال و دارایی ها، تعداد و نام طلبکاران و مقدار و میزان بدهی خود را ارائه کند تا به تناسب بین طلبکاران تقسیم شود. در مورد اتباع اتریش این وظیفه بر عهده قنصلگری یا نماینده سیاسی دولت امپراطوری است که پس از تحقیق در باب ورشکستی فرد، به پرونده او رسیدگی کند. اگر یکی از اتباع ایرانی در اتریش ورشکست شود، دولت اتریش اختیار رسیدگی به این موارد را به نمایندگان سیاسی ایران در اتریش و قنسل های این کشور واگذار می کند و نمایندگان ایران در این خصوص از حقوق دول کامله الوداد برخوردار هستند.

فصل یازدهم- در صورت فوت یکی از اتباع دولتین در خاک مملکت دیگری، اموال و دارایی های او توسط مأمورین سیاسی و قنصل های کشور متبوع فرد متوفی، ضبط شده تا بر اساس قوانین به آن رسیدگی شود.

فصل دوازدهم- اگر اتباع اتریش در ایران و اتباع ایران در اتریش مرتکب جرم و جنایتی شوند، محاکمه آنها بر اساس حقوق و قوانین دول کامله الوداد برگزار خواهد شد. فصل سیزدهم- در صورت وقوع جنگ یکی از دولتین با کشوری ثالث، هیچ خطری رابطه دو کشور و عهدنامه مودت را تهدید نمی کند.

فصل چهاردهم- این معاهده به مدت ۲۵ سال منعقد خواهد شد و تمامی کارگزاران، کارمندان گمرک، مأموران حکومتی و حکام ملزم به رعایت آن هستند. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳۰۷-۳۰۶)

انعقاد این معاهده تا حد زیادی روابط سیاسی و بخصوص تجاری بین دو کشور را تسهیل و منظم کرد. ارتباطات دو کشور در زمان ناصرالدین شاه و انجام سفرهای خارج از کشور او که مسافرت به اتریش را نیز شامل می شد، گسترش یافت و منجر به استخدام صاحب منصبان مختلفی از این کشور شد.

پس از سفر نخست ناصرالدین شاه به اروپا، شاه تصمیم گرفت دو نفر متخصص را برای سروسامان دادن به امور ضرابخانه و پست از اتریش استخدام کند. پیش از این، مسئولیت چاپارخانه برعهده مهدی قلی میرزا بود که در این مدت کوچکترین اقدامی در راه تحول امور پست صورت نگرفت. مهدی قلی میرزا از طرف سپهسالار مأمور بود گزارش امور مربوط به پست را ارائه دهد. این طرح پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر نخست فرنگ، تبدیل به رویه شده و درباره تمام وزرا و کارگزاران حکومتی اعمال شد بدین صورت که وزرا و مسئولین هر کدام در یکی از روزهای هفته ملزم به دادن

گزارش کارهای خود به شاه و صدراعظم بودند. در این طرح روزهای پنجشنبه به گزارش مهدی قلی میرزا اختصاص داشت. (روزنامه ایران، شماره ۲۰۰، هشتم ذیقعد ۱۲۹۰ ق)

البته اصلاح امور پست مورد توجه خاص سپهسالار بود. ناصرالدین شاه پس از بازگشت به ایران، به دنبال برکناری کوتاه مدت و موقتی سپهسالار و دعوت به کار دوباره وی، مجدداً همکاران و همفکران او را نیز در رأس امور قرار داد و به میرزا علی خان منشی لقب امین الملکی داد. در ربیع الاول ۱۲۹۱ ق شاه پس از انتصاب وزرای مختار دربار و انتخاب وزرا، مسئولیت کلی وزارت خارجه، تجارت، طرق و شوارع و چاپارخانه را به میرزا حسین خان سپهسالار داد و همچنین نظارت بر کار و کنترل معلمین و کارشناسان و صاحبمنصبان خارجی را که بتدریج وارد ایران می شدند به وی محول کرد و او را به لقب سپهسالار اعظم مفتخر کرد. سپهسالار در جهت اصلاح امور پست، قوانین جدیدی تدوین و هدفش را «به صحت وصول و ابلاغ مرسولات مردم» اعلام کرد. در قوانین جدید هزینه فرستادن محموله کاغذ یا نامه به شهر دیگر از قرار مثقالی چهارشاهی و یا دویست دینار بود و برای امانت و محموله های پستی از قرار هر منی در هر فرسخ صد دینار مقرر شد. تمبر هنوز طراحی نشده بود و به جای آن از مهرهای دولتی در رنگ های مختلف استفاده می شد. (آدمیت، ۱۳۵۸: ۴۵۳)

متخصصین اتریشی مدت کوتاهی پس از بازگشت شاه به کشور وارد ایران شدند و به سرعت کار خود را آغاز کردند و تلاش کردند پستخانه ایران را به سبک اروپایی سامان دهند. تا سال ۱۲۹۱ ق امور پستی در ایران صورت مرتبی نداشت و توسط چاپارها تحت نظارت چاپارباشی اداره می شد. در این سال پستخانه توسط ریدر اتریشی و همکارانش دایر شد و اقداماتی در راه اصلاح و بهبود امور پستی انجام گرفت. پست داخلی منظم و پست ایران و اروپا راه اندازی شد، نخستین تمبر پستی در

ایران چاپ شد و در سال ۱۲۹۴ ق ایران به مؤسسه اتحاد پستی جهان پیوست. (همان: ۴۵۳-۴۵۵)

امین الدوله در خاطرات خود با سوء نظر فعالیت های ریدر را قضاوت کرده و دستاوردهای آنها را ناچیز می پندارد. دلیل این سوگیری می تواند این باشد که امین الدوله خود پیش از آمدن متخصصین اتریشی مسئول امور پستی بود و منافع خود را در خطر می دید.

ریدر و همکارانش اداره پست ایران را به اسلوب اروپایی سامان دادند. تمبر پستی را رایج کرده و کوشیدند رابطه منظم پستی بین شهرها و بین ایران و سایر نقاط دنیا برقرار کنند. اما فعالیت این گونه صاحب منصبان در حوزه نوسازی نظام اداری با موانع زیادی روبه رو بود و اغلب دستاوردهای کم و ناپایداری به همراه داشت. در مورد امور مربوط به پست، از نظر اولیای دولت «پستخانه چیز خوبی بود اما نه حتمن به عنوان دستگاهی برای خدمت به عموم بلکه برای تمبر چاپ کردن و منفعت بردن از آن» هنگامی که سپهسالار در صدد استخدام مستشار پست از اتریش برآمد، شاه خطاب به او نوشت: «درباب معلم پوست به نظر خرج بی معنی می آید که دولت با همین ترتیب اگر مواجهی به این معلم بدهد صرف از کیسه دولت خواهد رفت. خوب است مهدی قلی میرزا که طرف اطمینان شماست و یک دو نفر که اطلاع دارند بنشینند و به طور کمپانی قراری بدهند که کار منظم شود، تمبر معلوم شود و ایران صرفه ببرد و این کمپانی برای نظم و ترتیب عمل خودش این معلم را اجیر کند و به کارشان خواهد خورد، و اول فایده ای که دولت ببرد، ندادن مواجب این معلم باشد. در این باب خیال درستی بکنید.» همین طور که در دست خط شاه مشاهده شد، دولت حاضر به صرف هزینه ای برای نوسازی امور پستی نبود و تصمیم گرفت پست را به مقاطعه گذارد.

سپهسالار با پیشنهاد شاه مخالفت نکرد اما اذعان داشت متخصص اتریشی باید در استخدام دولت ایران و متعهد به دولت باشد نه کمپانی. سفیر اتریش در ایران «کنت زالسکی» نیز تأیید کرد و به شاه نوشت که مستشار اتریشی در استخدام دولت ایران است. در نهایت شاه پذیرفت که موجب متخصص را باید دولت بپردازد. کار تأسیس کمپانی هم معوق ماند. اما پستخانه جدید با تلاش های «ریدن» اتریشی و مشاورانش در سال ۱۲۹۱ دایر شد. (همان: ۴۵۵)

برنامه متخصص اتریشی برای پست خانه بسیار گسترده تر از چیزی بود که به اجرا درآمد. موانع زیادی وجود داشت که انجام اقدامات مؤثر در این زمینه را غیرممکن و یا دشوار می کرد. ساختار سنتی نظام اداری ایران و فقدان ابزار مدرن برای ایجاد نوسازی، در کنار نبود نیروی کار متخصص، کار هیأت اتریشی برای انجام مأموریت را با دشواری مواجهه ساخت. مانع دیگر خود شاه و درباریان بودند که به لزوم انجام این اصلاحات باور عمیق نداشتند و تنها متأثر از جو سفر اروپا تصمیمی می گرفتند و پس از شروع کار و فهم دشواری های آن به سرعت پشیمان شده، متخصصین اتریشی را بازگشت می دادند. درباریان و کارمندان ادارات کوچکترین اطلاعی از نظم مدرن اداری نداشتند و همچنین مایل نبودند خود را برای فراگیری آن به زحمت بیندازند. به همین دلیل دستورالعمل های هیأت اتریشی بدون اجرا در میان انبوهی از آشفتگی ها و بی نظمی های ادارات ایران بدون اثر می ماند. مشکل دیگر، فقدان نقدینگی و وجود خلأ در بودجه برای انجام این قبیل اصلاحات بود. در نهایت شاه و درباریان پس از مدتی اعلام کردند قادر به تأمین هزینه های اصلاح نظام پست نیستند. در سال ۱۲۹۴ ق دوران خدمت ریدر به پایان رسید و با برکناری او کارهای پستی دچار افول شد. در کناره گیری ریدر کارشکنی های روسیه هم بی تأثیر نبود زیرا در غیاب او که برای

انجام سفری رفته بود، روسیه یکی از آلمانی های تبعه خود به نام اشتال را به ریاست پست ایران برگزید و ریدر پس از بازگشت به ایران از کار کناره گرفت. مأموریت اشتال در واقع نقشه برداری از برخی مناطق ایران و مطالعه در حوزه جغرافیا، نقشه کشی و معادن بود. دوره خدمت او یک ساله بود و در این مدت خدمات شایانی انجام داده و آثاری ارزشمندی بر جای گذاشت. (محبوبی اردکانی، ج ۲، بی تا: ۲۵۶)

به همراه متخصص پست یک مستشار از اتریش هم برای رسیدگی و تنظیم امور ضرابخانه استخدام شد. از مأمور اصلاح و راه اندازی ضرابخانه خواسته شد پس از بررسی، صورت لوازم مورد نیاز و برآورد هزینه های راه اندازی ضرابخانه ایران را به شاه ارائه کند. یکی از دستگاه های مورد نیاز به همراه آلات و ادوات ضرب سکه را دولت قبلا خریداری کرده بود و مقرر بود پس از مرگ دوستعلی خان که مأمور این کار بود، ضرب سکه به شیوه ای جدید با استفاده از دستگاه های مذکور انجام شود. متخصص اتریشی پس از انجام بررسی های لازم طی گزارش خود گفت: آلات و ادوات و همچنین بخش های مختلف دستگاه را افرادی جدا کرده و فروخته اند و با ابزار فعلی امکان ضرب سکه وجود ندارد. اگر دولت ایران مایل باشد وسایل مورد نیاز از فرنگ خریداری می شود. از شنیدن این گزارشها «خاطر شاه آزرده شد که عجب مایه زحمت و ضرری بدست خود فراهم کردیم. فرنگی ها جز پول و خرجی حرفی نیاموخته اند. از طرفی این اشخاص را هم رسماً از دولت اتریش خواستیم و فرستاده اند معاودت دهیم موجب خجلت است.» شاه در ادامه به درباریان گفت که قادر به تأمین این هزینه ها نیست و چنین پولی برای این چنین کارهایی در خزانه وجود ندارد، بنابراین باید درباریان تأمین هزینه های این کار را متقبل شده و در سودش شریک شوند. شاه میزا علی خان امین الملک و آقا ابراهیم امین السلطان را برای این کار

مناسب دید. شاه همچنین متخصص ضرابخانه را مرخص کرده و ترجیح داد از بازماندگان دوستعلی خان بخواهد به همان سبک و سیاق قدیمی سکه را ضرب کنند. ابراهیم امین السلطان در پاسخ شاه گفت: «مگر از اندوخته نوکری پیش ما چه سراغ کرده اید که اینطور فرمایشات می دهید؟ ... این گونه خدمت ها از من ساخته نیست.» (فرمانفرمایان، ۱۳۴۱: ۵۱-۵۰)

مساله اوراق و اسناد در وزارت مالیه که مقرر بود بدست یک بارون اتریشی پایه گذاری شود، سرانجام بهتری نیافت. این فرد که تحت عنوان «اداره و تعلیم فنون مالیه و ثروت» استخدام شده بود، تحت نظارت نایب السلطنه کار می کرد. این شخص گزارشی مفصل از اوراق و مهرهای دولتی، اوراق و اسناد معاملاتی و شرحی از دخل و خرج دولت تهیه نمود و خواستار پاسخ گویی مقامات در این خصوص شد. سپس فهرستی از کارهایی که لازم بود برای اصلاح مالیه انجام شود، به حضور شاه و درباریان فرستاد. «وزرا که هیچ یک از معاملات و رسومات خبر نداشتند به رعایت میل شاه و تصور منفعت، فهرستی متضمن تصدیق نوشتند.» اصلاحات پیشنهاد شده که قرار بود بدست نایب السلطنه اجرا شود، مخالفت درباریان را برانگیخت شاه نیز در عمل نشان داد میل به اجرای آن ندارد بنابراین هزینه بر بودن این طرح را بهانه کرده و عذر متخصص اتریشی را خواست و به امین الدوله حکم کرد همان طور که مساله پست را حل کرده، این مشکل را نیز بدون تحمیل هزینه اضافی بر دربار حل کند. امین الدوله «که به کارهای تازه و تأسی به قواعد فرنگستان شور و شوقی داشت تن به تحمل داده و اوقات و وجوهی در این راه صرف نمود و خواست پول از مردم گرفته نشود. دستوری در ثبت و مجالسی برای تحقیق و تصحیح اسناد مقرر و به ولایات فرستاد.» اقدامات امین الدوله خشم و نارضایتی علما را برانگیخت. علما طی تلگراف هایی به دربار

نوشتند حاضر به پذیرش تبر و نشان دولتی نیستند چون سبب سلب اعتبار از خط و مهر علما می شود. این مخالفت ها در کنار عدم همراهی دولت و دربار امین الوله را هم ناکام گذاشت. (همان: ۱۱۲)

فساد سیستماتیک که در تمام ارکان نظام اداری و سیاسی ایران در دوره قاجار اعمال می شد و از این راه سود کلانی به جیب شاه و درباریان سرازیر می شد، اجازه انجام اصلاحات بنیادین به سبک غربی را نمی داد. به علاوه اینکه ذات استبداد با انجام اصلاحات اجتماعی در تضاد است. حکومت استبدادی تنازع برای بقا می کند و اگر در برهه ای ناچار شود تن به اصلاحات دهد، بلاشک برای تداوم شیوه استبدادی خود است به همین دلیل نمی توان اصلاحات اجتماعی و نهادهای اداری و فرهنگی غربی را بدون وجود ملزوماتش در ایران بر بستری از استبداد و خودکامگی بنا نهاد.

دومین دیدار ناصرالدین شاه از اتریش در سال ۱۲۹۵ ق صورت گرفت. در این دیدار کنت زالوسکی وزیر مختار جدید اتریش اعتبار نامه خود را تقدیم شاه کرد. ناصرالدین شاه نیز نریمان خان قوام السلطنه را به عنوان نخستین وزیر مختار ایران در اتریش منصوب کرد. (قاضی ها، ۱۳۷۹: ۲۲۱ و ۲۴۳) مهم ترین رهاورد این سفر استخدام جمعی صاحب منصب و معلم نظامی از اتریش و خریداری اسلحه و مهمات بود. (فرمانفرمایان، ۱۳۴۱: ۵۵) ناصرالدین شاه پس از اینکه از رژه قشون و مراکز و صنایع اتریش سان دید با «ارتزی» مستشار مخصوص امپراتور و قائم مقام وزارت خارجه و وزیر جنگ در مورد استخدام افسران اتریشی و خرید جنگ افزار گفتگو کرد. ناصرالدین شاه در هنگام مراجعت به ایران از «نظرآقا» وزیر مختار ایران در پاریس خواست به منظور کمک به نریمان خان مدتی در اتریش بماند. (قاضی ها، ۱۳۷۹: ۲۲۱)

ناصرالدین شاه، همچنین قرارداد خرید ۴۰ هزار تفنگ و ۲ میلیون فشنگ را با وزارت جنگ اتریش منعقد کرد. افسران اتریشی نیز بعد از امضای قراردادی سه ساله و دریافت هزینه سفر در سال ۱۲۹۶ ق وارد تهران شدند. طرح افسران اتریشی برای ایجاد سپاهی مدرن، مشتمل بر ۸۰۰ نفر سرباز و ۶۰۰ نفر توپچی به عنوان نمونه در سلطان آباد (اراک) بود که در صورت موفقیت تمام قشون ایران در ادامه به همین شکل مرتب شود. شاه از شنیدن این پیشنهاد مسرور شد آنچنان که حقوق شش ماهه افسران اتریشی را یک جا پرداخت کرد. (اعتماد السلطنه، ج ۳، ص ۱۹۹۱)

اما این افسران نیز به عاقبت پیشینیان و همکاران خود در دیگر حوزه ها دچار شده و نتوانستند کار زیادی از پیش ببرند. رقابت های روس و انگلیس و خصومت ها و کارشکنی های آنها و همچنین سعایت از اتریشی ها نزد دربار سبب دلسرد شدن اتریشی ها و عدم موفقیت آنها شد. مخصوصا که اتریشی ها در نزد درباریان پایگاه چندانى نداشتند. مخالفت و کارشکنی های سران قشون سنتی و واحدهای نظامی قدیمی نیز مزید بر علت شد. (سرپرسی سایکس، ج ۲، ۱۳۸۰: ۵۳۱)

ناصرالدین شاه به دلیل اعتمادی که به متخصصین اتریشی داشت، به جز در بخش های نظامی و اداری در حوزه های دیگر نیز از تخصص آنها بهره می گرفت. عین السلطنه از شخصی اتریشی با عنوان «یطار باشی» می نویسد که از طرف شاه و از جانب بانک شاهنشاهی برای خرید اسب از کردستان و همدان استخدام شده بود. این اسب ها بنا بود در کار ساختن جاده شوسه قم به کار گرفته شوند. (خاطرات عین السلطنه، ج ۱، ۱۳۷۴: ۲۵۷)

تأسیس نیروی پلیس تهران

از دیگر نتایج سفر دوم ناصرالدین شاه به اتریش، استخدام «کنت مونت فورت» برای تأسیس نیروی پلیس تهران بود. کنت مونت فورت چند ماه از بازگشت شاه و پس از ورود افسران اتریشی با خانواده خود به ایران آمد و کار خود را برای تأسیس پلیس تهران آغاز کرد. پس از ورود این شخص درباریان متعجب از تصمیم شاه، به عرض رساندند حقوق این منصب جدید و کارمندانش از کجا تأمین خواهد شد. شاه در پاسخ خطاب به امین الملک و مستوفی الممالک گفت: «من نمیدانم. محل مرسومات اتریشی ها و اداره پلیس را از خرج های غیرضرور تأمین کنید.» مستوفی الممالک و سپهسالار که «مذاق شاه را می دانستند از دوایر کشوری و لشکری فقراتی استخراج و تحریر کردند و این خرج های تازه در خرج معمول دولتی گنجید.» (فرمایان، ۱۳۴۱: ۵۰)

او ابتدا طرح خود را برای سازمان دهی نیروی پلیس ارائه داد و سپس نظام نامه ویژه ای درباره وظایف پلیس و توضیح انواع جرم ها و مجازات ها و شیوه برخورد پلیس با بزهکاران تهیه و تقدیم شاه کرد. شاه پس از امضای نظام نامه پلیس، به کامران میرزا نایب السلطنه دستور اجرای آن را داد. (پلیس ایران، ۱۳۵۰: ۵۵) کنت علاوه بر ریاست نظامیه اداره امور احتسابیه (شهرداری) را نیز بر عهده داشت. برای برقراری نظم، برای هر یک از محله های شهر تهران یک ریس محله تعیین شد و چند پلیس در اختیار هر یک از آنها قرار گرفت. (همان: ۷۵) در نتیجه تلاش های کنت نیروی های پلیس تهران به حدود ۳۰۰ نفر رسید و نظم و امنیت تا حدی برقرار شد. (کرزن، ج ۱، ۱۳۸۷: ۵۷)

اداره نظمیه به وزارت نظمیه تبدیل شد و کنت لقب نظم الملک گرفت. اما این اقدامات و موفقیت ها مخالفت کسانی که نوسازی در تمام حوزه ها را در تضاد با منافع خود می دانستند، برانگیخت و شروع به کارشکنی و مانع تراشی برای دستگاه پلیس

کردند. بزرگترین مخالف کنت، کامران میرزا بود که سربازانش مرتب در کار نظمیۀ دخالت می کردند و با دزدی و خلاف کاری اداره پلیس را بدنام کرده بی کفایت نشان می دادند. کنت پس از آنکه اعتراض هایش به این رویه، فایده ای نبخشید استعفا داد. (اعتماد السلطنه، ج ۳، ۲۳۱)

امین الدوله اما با بدبینی به کنت و اقدامات او نگرسته و او را چیزی بیشتر از یک دزد نمی داند. «این شخص غریب در نظر اول همه را شناخت و چنان به سبک شاه و سلیقه نایب السلطنه آشنا شد و به ظاهر سازی و حقه بازی و نیرنگ و فنون با هر طبقه ای برآمد که مردم بومی و بلد نمی توانستند. طوری راه تعدی و ستم و مداخل و منافع حرام را آموخت که هیچ ایرانی به گردش نمی رسید. این دستگاه شعوزه در طهران باز بود و مال مردم به سرقت می رفت و بیشتر آن در همین اداره پلیس حمل و هضم می شد. مردم را به بهانه جویی می گرفتند و جزای نقدی از عواید مشروعه بود. محترمین را به غیرحق متعرض می شدند و دادرس نداشتند.» امین الدوله در ادامه از مسأله رشوه، زندانی ها و شکنجه های ناحق و مرگ بسیاری از بی گناهان در محبس های پلیس شهری تهران خبر می دهد. (فرمانفرمایان، ۱۳۴۱: ۵۵-۵۴)

اگر روایت امین الدوله را نزدیک به واقعیت بدانیم در می یابیم که فساد سیستماتیک دستگاه سیاسی و اداری قاجار سبب می شد حتی فردی اتریشی، از این آب گل آلود ماهی گرفته و با همکاری عوامل داخلی به چپاول مردم پردازد. در ساختی استبدادی و فاسد، اشخاص یا جذب سیستم شده و یا توسط آن حذف می شوند. البته این نکته را نباید فراموش کرد که امین الدوله به صورت کلی نظر خوبی نسبت به متخصصین و هیأت های اتریشی در ایران نداشت و بعید نیست که قضاوتش درباره رئیس پلیس تهران نیز همراه با سوگیری باشد. متن عین السلطنه درباره عملکرد

کنت مونت فرت بسیار به قضاوت امین الدوله نزدیک است. عین السلطنه ضمن اشاره به اقتدار و قدرت کنت دمونت فرت و حقوق و مواجب بالای او و پسرانش در پلیس تهران که سالانه افزون بر پنج شش هزار تومان بوده است، به مال و اموال و املاکی اشاره می کند که او در مدت این چند سال خدمت خود بدست آورده که تنها با استفاده از حقوق دولتی بهم زدن چنین ثروتی ممکن نبوده است. عین السلطنه نتیجه می گیرد: «او تمام مردم را چاپید. برای هر کسی ممکن بود دعوا کند پیدا کرد و مال مردم را هر چه توانست به دزدی و شراکت با اقطاع الطریق برد. چه بنیسم حکایت او مشهور و معروف است شب و روز مردم آسایش نداشتند.» عین السلطنه در ادامه به آخرین اقدام کنت برای چاپیدن و سوءاستفاده مالی از دولت ایران اشاره می کند که پیش از رفتن به اتریش انجام داد. از قرار گزارش او، در قرارداد کنت ذکر شده بود که هر چقدر باغ و ملک که در دوران تصدی اش بدست آورد متعلق به دولت ایران خواهد بود. هنگامی که معزول شد حاضر به پس دادن املاک و باغات نشده و ادعا کرده بود مبلغ ۴۰ هزار تومان به بانک شاهنشاهی بدهکار است مجبور است باغ و املاکش را فروخته تا بتواند بدهی خود را بپردازد. کنت به صلاحدید اعتمادالسلطنه در اصطبل شاهی تحصن کرده و مساعدت دولت ایران را خواستار شد. عین السلطنه به درستی عنوان کرد در دستگاه دولت هیچ حسابرسی وجود ندارد هیچ کس بر کار بخصوص فرنگی ها نظارت ندارد که اگر بازرسی وجود داشت مشخص می شد که بانک شاهنشاهی حتی مبلغ سه هزار تومان بدون ضمانت شخص معتبر به کسی قرض نمی دهد، چطور ۴۰ هزار تومان به کنت قرض داده است. عین السلطنه عاقبت کار کنت را پیش بینی کرده، نوشت: «مرد هشیار زیرک پدر سوخته و ناقلایی است. هر قسم هست این قرض را هم به گردن شاه و صدراعظم خواهد گذاشت بعد خانه و باغ را فروخته،

وجوه نقدینه را هم برداشته به ولایت خود اطریش خواهد رفت. این آدم کسی نیست مقروض باشد. کسی هم به حساب او نخواهد رسید والا معلوم می شود چند هزار پول دارد. میرزا ابوتراب خان نظم الدوله که سالی پانزده هزار بیشتر پیشکش از بابت عمل پلیس تهران به حضرت امیرکبیر تقدیم می کند. او در این چند سال ثلث این مبلغ را هم نبرده.» (سالور و افشار، ج ۱، ۱۳۷۴: ۸۲۵)

هما ناطق در کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، ضمن توضیح مدارس آلیانس فرانسوی در تهران، به نکته ای جالبی در خصوص کنت مونت فورت و نقش او در برانگیختن و دامن زدن به اختلافات میان گروه های مختلف مسیونری خارجی در ایران اشاره می کند. به گفته ناطق، کنت که دشمنی خاصی با فرانسویان داشت به شیوه مختلف از آنها نزد شاه سعایت کرده و مانع از انجام فعالیت های فرهنگی آنها می شد. در نمونه مدرسه آلیانس فرانسوی، کنت به شاه گزارش داد که این مدرسه کانون فعالیت های فرماسونری و تبلیغ و آموزش برای برپایی انقلاب است و گردانندگان آن برای دولت ایران همان قدر خطرناک هستند که بایان. شاه هراسان از این اخبار کذب، کامران میرزا نایب السلطنه را مأمور تعطیل کردن مدرسه کرد. انگلیسی ها نیز از این عمل شاه بسیار خوشحال شدند زیرا از نفوذ رقیب دیرینه شان فرانسه در ایران ناخرسند بودند. ماه ها طول کشید تا سفارت و دولت فرانسه بی اساس بودن ادعای کنت را اثبات کرده و رضایت شاه را برای بازگشایی مدرسه جلب کردند. (ناطق، ۱۳۸۰: ۹۷)

ناطق در اثر دیگرش نیز به عملکرد کنت مونت فورت پرداخته و از کتابچه قانون او تحت عنوان «بدایع نظمیه» سخن می گوید. این کتابچه نظام نامه ای در حوزه قوانین مربوط به پلیس شهری بود که در پنج و پنج ماده تنظیم شده بود (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶:

۸۰) و در واقع منشور و راهنمای عمل دستگاه پلیسی بود که اعتمادالسلطنه از آن با عنوان «پلیس ابلیس صفت» یاد می کرد. (خاطرات اعتمادالسلطنه، ج ۳، ۲۹۶)

اعتمادالسلطنه قوانین جدید پلیس تهران را بسیار سخت گیرانه دانسته و شیوه عملکرد کنت را مطابق با روحیه دولت مردان عصر قاجار می داند: «آن جناب از ریاست پلیس سالی یکصد هزار تومان دخل می برد. مقرر داشته بود از هر قفس بلبل، ماهی یک قران مالیات بگیرند. سبزی فروشی بود بلبلی داشت مالیاتش را نپرداخته بود او را به زندان کنت بردند و سرش را فلک کردند که در دم جان داد.» (همان، ۲۰۴ و ۳۱۳)

عملکرد کنت به لحاظ فساد مالی هرچه بود، دلیل بر کناری و ناکامی اش نبود؛ دلایل ناکامی کنت را باید در ساخت سیاسی و اجتماعی جامعه ایران دید. نه درباریان و سیاسیون ایران خواستار انجام این اصلاحات بودند نه جامعه و مردم ایران، پذیرای این تغییرات بودند. «واگنر خان» افسر توپ خانه در مورد شرایط داخلی این ناکامی ها و عاجز بودن خود از آموزش سپاهیان ایرانی می نویسد: «چگونه می توان ضامن قشونی بود که صاحب منصبان و سربازان مواجب ندیده و ماه ها جیره دریافت ننموده باشند و تمام افراد پیاده نظام و توپ خانه در شهر هزارجا پراکنده، به قراولی و نوکری اشتغال داشته باشند.» (صفایی، ۱۳۴۹: ۲۰۴)

در این دوره روس ها بیش از انگلیسی ها با اتریشی ها دشمنی ورزیده و حضور آنها را مانع منافع خود می دانستند. دسته بندی و مخالفت افسران ایرانی و عمال درباری، بی ثباتی و دم دمی بودن شاه و فقدان نقدینگی و مواجب از دیگر موانع کار و موفقیت اتریشی ها بودند. در نتیجه گروهی از افسران و متخصصین پس از دیدن این وضعیت به سرعت ایران را ترک کرده به اتریش بازگشتند. (کرزن، ج ۱، ۱۳۸۷: ۲۳۹-۲۳۸)

یکی از شیوه های معمول در حوزه روابط خارجی، دادن هدیه های نفیس به شاه، امپراطور و یا رجال تراز اول مملکتی بود. این هدایا یا توسط شخص شاه در طول سفرهای خارجی تقدیم می شد یا توسط نماینده های سیاسی طرفین رد و بدل می گشت. در عصر ناصری، مسیو ایوازوسکی به نریمان خان وزیر مختار ایران نوشت: امپراطور اتریش قصد دارد دو قطعه ملک در حوالی سواحل جنوبی «شبه جزیره قرم» در اتریش به عنوان هدیه و پیشکش به شاه ایران ناصرالدین شاه و صدراعظم تقدیم کند. (سال ۱۲۹۶، کارتن ۱۶، پرونده ۱، سند شماره ۱۱)

روابط ایران و اتریش در عصر مظفری

روابط ایران با اتریش در دوران کوتاه مدت سلطنت مظفرالدین شاه محدود به سفرهای شاه ایران به اتریش و تفریح و گشت و گذار در این کشور بود. روابط در این دوره بیشتر شکل نظامی داشت.

مظفرالدین شاه قاجار سه بار به اروپا سفر کرد. انگیزه این سفرها هرچه بود، مداوای بیماری، و یا علاقه شاه به سیاحت و گشت و گذار، دو پیامد مهم به دنبال داشت که هر دو در تغییر نظام سیاسی ایران به مشروطه مؤثر بودند. این سفرها هزینه های گزافی را به خزانة کم توان ایران تحمیل کرد. دولت که به لحاظ مالی توان تأمین هزینه های این سفرها را نداشت، مجبور به قرضه خارجی شد. گرفتن وام از خارج ضمن وابسته کردن بیشتر ایران به دول روس و انگلیس، به فروپاشی اقتصادی ایران که مدت ها بود تسریع یافته بود کمک کرد و بر حجم نارضایتی های عمومی افزود. پیامد دیگر این سفرها، آشنایی شاه ایران و درباریان با نظم نوین و مدرن سیاسی دول غربی بود که این درک جدید در صدور فرمان مشروطه مؤثر افتاد. به هر ترتیب، مظفرالدین شاه در سه سفر

خارجی خود از طرف امپراتور اتریش و ولیعهد اتریش آرشیدوک فردیناند به این کشور دعوت شد.

اسحاق خان وزیر مختار، از طرف شاه ایران ضمن سپاسگذاری از ولیعهد، این دعوت را به دلیل استفاده از آب های معدنی و درمانی اتریش و همچنین تحکیم روابط بین دو کشور پذیرفت. (سال ۱۳۲۲ کارتن ۸ سند شماره ۸۸)

در سال ۱۳۲۳ ق مظفرالدین شاه عازم سفر فرنگ شد. مقرر شد مسیر حرکت «موکب همایونی» از تهران به آستارا و از آنجا به روسیه باشد و پس از ۸ روز اقامت در روسیه به اتریش رفته و سپس رهسپار فرانسه شوند. (سال ۱۳۲۳ کارتن ۱۹ پرونده ۲ سند شماره ۵)

روابط بین ایران و اتریش در عصر مظفری به صورت کلی حسنه بود. بخصوص فرانسوا ژوزف امپراطور اتریش مناسبات دوستانه ای با مظفرالدین شاه داشت. مظفرالدین شاه به مناسبت روز تولد فرانسوا ژوزف تلگرافی بدین منظور فرستاد: «در موقع عید سعید اعلیحضرت امپراطوری، از صمیم قلب ایشان را تهنیت نموده و ادعیه ی خالصانه خود را برای سعادت و اقبال آن حضرت و دوام سلطنت و فیروزی و نیکبختی خانواده معظم ایشان تقدیم می داریم. مظفرالدین شاه» امپراطور اتریش در پاسخ نوشت: «از تهنیتی که اعلیحضرت شهریاری فرمودند از صمیم قلب شکر گذاری نموده، و به اقتضای کمال یک جهتی و محبت، تمنا دارم همان ادعیه خیریه را که من نیز با خلوص نیت به آن اعلیحضرت می نمایم قبول فرمایند. فرانسوا» (سال ۱۳۲۳ کارتن ۱۹ پرونده ۲ سند شماره ۲۱)

یکی از دلایل علاقه مظفرالدین شاه وجود آب های درمانی اتریش بود که گفته می شد برای درمان بیماری های شاه مفید است. به همین دلیل شاه پس از ورود به وین و انجام مراسم استقبال به منطقه ییلاقی «کالسباد» و «ماریم باد» برای انجام آب درمانی تحت نظر پزشکان ایرانی و اتریشی رفت. مکان دیگری که در اتریش مورد توجه و علاقه شاه قرار

گرفت، سالن های تأثر بود. او از تأثرها و مجالس بزم زیادی در اتریش دیدن کرد در حالی که در همان زمان، سیدحسین روضه خان همه جا همراه شاه بود و برای او روضه می خواند و شاه گریه می کرد. (صفایی، مظفرالدین شاه کودک سالخورده، ۱۳۸۳: ۳۵) به جز شاه، درباریان و رجال سیاسی ایران که در کشورهای دیگر مشغول انجام مأموریت های سیاسی بودند نیز به آب های درمانی اتریش علاقه داشتند. معین الملک سفیر ایران در استامبول برای درمان به این شهر «کالسباد» می آمد. (حاجی پیرزاده، ۱۳۶۰: ۲۲)

در دوران مظفرالدین شاه برای یکی از اتباع اتریشی در ایران به نام «کلیشر» اتفاقی رخ داد و تا سالها برای دولت ایران دردسر آفرین شد؛ به روایت احتشام السلطنه که خود در این زمان کارمند وزارت خارجه بود، کلیشر یک یهودی الاصل اتریشی بود که در ابتدا روابط مشکوکی با مشیرالدوله وزیر امور خارجه داشت. مشیرالدوله و آوانس خان یکی از کارمندان وزارتخانه سعی داشتند هویت این اتریشی فاش نشود. پس از مدتی امین الدوله صدراعظم و ناصر الملک وزیر مالیه نیز به جلسات پنهانی با کلیشر پیوستند. پس از چندماه مشیرالدوله خطاب به احتشام السلطنه گفت: «نگران نباشید کار مهمی با این شخص در میان داریم و سهم بزرگی هم برای شما منظور داشته شده است. از ایشان تشکر کرده و گفتم من مخارج زیادی برای خود تدارک نکرده ام. تا نگرانی داشته باشم و احتیاج به مداخل هم ندارم.» پس از مدتی کلیشر به عنوان مستشار مالی در اداره مالیه مشغول به کار شده و معلوم شد او با علاءالملک در استامبول آشنا شده و از طریق او مطلع می شود که دولت ایران نیاز مبرم به پول دارد و برای بدست آوردن آن و استقراض از خارجه هر شرطی را می پذیرد. او از طریق علاءالملک معرفی شده به ایران آمد و با دادن وعده های بسیار به شاه و صدراعظم به وزارت مالیه راه پیدا کرد تا به عنوان مستشار مالی ایران در فرنگ کسب اعتبار و استقراض کند.

دولت ایران بدون ارائه هیچ مدرکی از جانب کلیشر به او اعتماد کرده و «احدی نپرسید این یهودی اتریشی چه کاره است؟ و نمایندگی کدام دولت یا بانک اروپایی را دارد و بالاخره معلوم نشد به چه وسیله صدراعظم و وزرای خارجه و مالیه که اتفاقاً هر سه وزیر فرنگ رفته و در کشورهای اروپایی مأموریت و اقامت بسیار داشته بودند فریب خورده و اسرار دولت را فاش ساخته بودند.» (خاطرات احتشام السلطنه، ۱۳۶۶: ۳۶۹-۳۶۷)

پس از گذشت مدتی بی اساس بودن ادعاهای کلیشر مشخص شد و دولت اتریش طی مکاتباتش با ایران نوشت که این فرد نماینده دولت اتریش نیست و در اتریش اصلاً هویت او شناخته شده نیست. (یلغانی، ۱۳۷۶: ۵۷)

بالاخره سه سال تمام طول کشید تا دولت توانست از شر او خلاص شود. دولت ایران او را اخراج کرد و به دول دیگر نوشت این فرد نماینده دولت ایران نیست. اما «کلیشر در فرنگ آرام ننشست و چون از دولت ایران نشان و حمایل داشت و مطابق خواسته او به تعدادی از یهودیان اتریشی نشان اهدا شده بود، این سوابق حکایت از وجود روابط و قول و قرار میان او و دولت ایران داشت و تکذیب نمایندگان ایران در اروپا مشکلی را حل نمی کرد.» بالاخره کلیشر پس از دریافت مبالغ بسیار پذیرفت که از ایران برود اما در وین نیز شروع به بدنام کردن نریمان خان وزیر مختار ایران و متهم کردن او به مشارکت در فسادهای مالی کرد «در جراید علیه نریمان خان بی آبرویی کرد و او را به محاکمه کشید و کار قوام السلطنه بیچاره به جایی رسید که در یکی از مهمانی های رسمی، امپراطور اتریش از دست دادن با وی خودداری کرد. قوام از فرط تحقیر و بی آبرویی نتوانست در وینه اقامت کند و استعفا کرد.» (خاطرات احتشام السلطنه، ۱۳۶۶: ۳۶۹-۳۶۷)

بنا به گزارش وزارت خارجه، مسیو کلیشر در اواخر تصدی خود در خزانه داری ایران با همدستی بعضی از مقامات ایرانی دست به یک سری تخلفات مالی زده که منجر

به شکایت ایران و اخراج وی می گردد. پرونده کلیشر پس از بازگشت او به اتریش، در محکمه ای با حضور چند تن از مقامات سفارت ایران در اتریش مورد رسیدگی قرار گرفت. دادگاه کلیشر را مجرم اعلام کرد اما دولت ایران طی یادداشتی خطاب به دولت اتریش نسبت به این رویه اعتراض کرده و نوشت باید محکمه ای هم در ایران برای رسیدگی به این پرونده برگزار می شد زیرا در اتریش کلیشر می تواند با استفاده از روابط خود در اتریش، تبرئه شود، بخصوص که کلیشر در دفاعیات خود ادعا کرده که با قوام السلطنه وزیر مختار ایران مقیم وین روابط اقتصادی داشته و از قبل این روابط متضرر شده است. دادگاه مسیو کلیشر در اتریش، او را مجرم اعلام کرده و ضمن قطع ارتباط با وی او را از تمام سمت های سیاسی در اتریش خلع کرد. رأی دادگاه به صورت مکتوب برای دولت ایران ارسال شد. از آنجا که این واقعه قبل از سفر مظفرالدین شاه به فرنگ رخ داد این نگرانی در بین مقامات ایرانی و اتریشی به وجود آمد که کلیشر در صدد انتقام برآید و در موقع اقامت شاه ایران در اتریش و یا حین عبور او از این کشور برای سفر به اروپا، در سفر او اختلال ایجاد کند. مقامات اتریشی به دولت ایران اطمینان خاطر دادند امنیت شاه را تأمین خواهند کرد. (سال ۱۳۱۹ کارتن ۱۰، پرونده ۲۰، سند شماره ۲)

اعطای نشان

یکی از اقدامات دولت ایران به پاس خدمات مقامات سیاسی اتریش در ایران اعطای نشان لیاقت شیرو خورشید طلا به این افراد بود. به جز صاحب منصبان نظامی، این نشان به کارمندان قنصلگری که در جهت تحکیم روابط دوستانه دولتی تلاش می کردند داده می شد. این نشان ها بنا بر اهمیت به درجات اول تا سوم تقسیم بندی می شدند. (همان، سند شماره ۱۱)

اعطای نشان به صاحب منصبان اتریشی در ایران

موسیو شوالیه مستشار دربار اتریش	درجه شیروخورشید از درجه اول با حمایل
دکتر ژول برندی	نشان شیروخورشید از درجه سوم
دکتر ارنست فرانسوا وندل	نشان شیروخورشید از درجه سوم
مسیو اکور	نشان شیروخورشید از درجه سوم

یکی دیگر از شیوه های اعطای نشان از طرف دولت به صاحب منصبان اتریشی به این شکل بود که وزیر مختار یا شارژدافر اتریش، درخواست خود برای اعطای نشان به مقامات اتریشی را از طریق وزارت خارجه ایران به شاه ارائه می داد. (سال ۱۳۲۲ کارتن ۳ پرونده ۱۵ سند شماره ۲)

مسأله جالب توجه دیگر در حوزه روابط ایران و اتریش در عصر مظفری و در بحبوحه مشروطی خواهی در ایران، حمایت محافل سیاسی و فکری در اتریش از جنبش مشروطه خواهی در ایران بود. مشروطه خواهان ایران طی نامه هایی به سفارت خانه های ایران در بعضی از دول خارجی از جمله اتریش، طلب حمایت کردند. وزیر مختار اتریش در پاسخ عریضه ملت ایران نوشت: دولت اتریش از حرکت آزادی خواهانه ملت ایران حمایت خواهد کرد و وزیر مختار اتریش مقیم ایران از هیچ حرکتی در این راستا مضایقه نخواهد داشت. (سال ۱۳۲۵، کارتن ۴، پرونده ۶، سند شماره ۱)

اتباع اتریش در ایران

اداره ای با عنوان «اداره محاکمات وزارتخانه» که وابسته به وزارت امور خارجه بود، مسئولیت رسیدگی به سفارتخانه های دول مختلف در ایران را بر عهده داشت. این اداره همچنین امور مربوط به تجارت و روابط بازرگانی بین تجار خارجی و ایرانی را

بر عهده دار بود. مأمورین این اداره در بسیاری از اوقات با استفاده از زدوبند کردن با سفارت ها دست به سوءاستفاده زده و رشوه های کلان می گرفتند. احتشام السلطنه می نویسد: «این عوامل یعنی توقیف و چپاول اموال مردم، چراغ اداره محاکمات وزارتخانه را روشن نگه می داشت و رییس و اجزا و فراشان اداره محاکمات آلت دست سفارتخانه های و مأمورین سیاسی مقیم تهران بودند که به نیام حفظ حقوق تجارتي و منافع اتباع خود به اداره مزبور مراجعه می کردند و اداره محاکمات به هر شکل که ایشان اراده می کردند با تجار و کسبه و حتی مردمی که سروکاری با تجارت و منافع اتباع بیگانه نداشتند، رفتار می نمودند.» احتشام السلطنه در ادامه به عنوان مصداق سخن خود، میرزا حسین خان منشی سفارت اتریش را مثال می آورد و می نویسد با اینکه اتریش در ایران اتباع چندانی نداشت اما این شخص افراد دیگر و اتباع سایر کشورها را به اسم اتباع اتریش معرفی و ادعا و شکایاتش را در این اداره پیگیری می کرد و در این کار سود کلانی به جیب می زد. (خاطرات احتشام السلطنه، ۱۳۶۶: ۲۶۸)

کارمندان ایرانی که به عنوان منشی در سفارتخانه های دول خارجی کار می کردند، به دلیل زدو بندها و داشتن امکان سوءاستفاده های مختلف برای وزارت خارجه و دولت دردسر می آفریدند. یکی از مهم ترین مسایلی که در خصوص اتباع اتریش در ایران مطرح بود مسأله رسیدگی به امور قضایی این اتباع بود. دولت ایران در سال ۱۳۱۹ق در تلاشی برای جلب رضایت اتباع اتریشی و به تبع آن دولت اتریش، تسهیلاتی برای انجام امور قضایی آنها در ایران فراهم آورد. در این خصوص وزارت امور خارجه ایران و شخص مشیرالدوله به سفارت اتریش در ایران نوشت اتباع اتریشی می توانند برای رسیدگی به دعاوی قضایی و حقوقی خود از جمله انواع شکایات، مستقیماً به وزارت خارجه ایران مراجعه کرده و این وزارت خانه در قبال رسیدگی به دادخواهی اتباع

اتریش متعهد و پاسخ گوست. تصویب این موافقت نامه امتیازی برای اتباع اتریش بود زیرا می توانستند بدون مراجعه به سفارت خود، مستقیماً پیگیر امور قضایی خود باشند و روند کار خود را تسریع کنند. (سال ۱۳۱۹ کارتن ۹ پرونده ۹ سند شماره ۹۴۷)

دولت ایران از اتریش خواست که امکانی فراهم آورد که اتباع ایرانی در اتریش نیز بتوانند از این امتیاز بهره مند شده، شکایات خود از اتباع یا مقامات اتریشی را مستقیماً به مراجع قضایی اتریش ارجاع دهند. این امکان و امتیاز که به اتباع دولتمند داده می شود سبب استحکام روابط بین دو کشور و تسریع در امور قضایی اتباع می شود. (سال ۱۳۱۹ کارتن ۲۵ پرونده ۱۶ سند شماره ۱۲۰)

در بسیاری از موارد اتباع اتریشی در ایران مشمول قوانین داخلی دولت ایران قرار می گرفتند. به عنوان مثال پس از فتح تهران در سال ۱۲۸۸ ش و اعاده مشروطیت و پس از دوران استبداد صغیر، مجلس با تصویب قانون منع حمل اسلحه در ایران، به تمام ولایات ایران حکم کرد هیچ کس حق داشتن اسلحه و استفاد از آن را ندارد و تمام مجاهدین و مبارزین غیرنظامی و اتباع از جمله افراد ستارخان و خود او، موظف هستند سلاح های خود را به دولت تحویل دهند. این تصمیم ظاهراً به بهانه بروز حوادث ناگوار و ترور سید عبدالله بهبهانیو میرزا علی محمدخان تربیت از سران مشروطه گرفته شده بود. این قانون اتباع خارجی در ایران از جمله اتباع اتریش را نیز شامل می شد. در نتیجه این قانون به کنسولگری های اتریش در تبریز و رشت ارسال و از آنها خواسته شد در جهت خلع سلاح کردن اتباعشان اقدام کنند. (سال ۱۳۲۸ - کارتن ۳۹ پرونده ۱ سند شماره ۱۱۶)

اتباع اتریشی در ایران صاحب مشاغل مختلفی بودند. البته در تمام دوره قاجار، تجمع اتریشی ها در حوزه مشاغل نظامی بود اما اتباع این کشور در بخش آموزشی بخصوص در سالهای آخر حکومت قاجار نیز فعالیت داشتند و اغلب مدیریت و نظارت

بر مؤسسات آموزشی آلمانی ها را بر عهده داشتند. «مسیو گروتز» از جمله این افراد بود که در دوره احمدشاه قاجار مدیریت مدرسه آلمانی ها در تهران را بر عهده داشت. نظارت بر کار و وضعیت شغلی و شخصی این افراد بر عهده سفارت آلمان و اتریش بود. (سال ۱۳۰۱ کارتن ۱۹ پرونده ۱ سند شماره ۱)

روابط سیاسی ایران و اتریش در بحبوحه جنگ جهانی اول

عمده روابط خارجی ایران با اتریش در عصر احمدشاه قاجار حول محور تغییر و تحولات نظام جهانی از قبیل جنگ و انقلاب قرار داشت.

پس از وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه و تغییر نظام سیاسی این کشور، اندیشه ها و آرمان های این انقلاب برابری خواهانه، کشورهای همسایه روسیه و از جمله ایران را درنوردید. پیام های انقلاب بلشویکی مبنی بر مخالفت با نظام سرمایه داری در جهان و مخالفت با ساختار سلسله مراتبی و همچنین امپریالیسم به معنی زنگ خطری برای منافع کشورهای چون انگلستان در سراسر جهان و از جمله خاورمیانه و ایران بود. همچنین آرمان ها و شعار های انقلاب در جهت رهایی توده های مردم و مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی، برای مردم ستم دیده ایرانی بخصوص گروه هایی که به دلیل موقعیت جغرافیایی یا طبقاتی بیشتر در معرض پیام های انقلاب بلشویکی بودند، جذابیت داشت.

بنابراین انتشار افکار و آرمان های چپ بلشویکی در سرزمین هایی چون ایران تهدیدی برای منافع انگلیس به شمار می آمد. آلمانی ها و اتریشی ها در سال های پس از انقلاب کوشیدند در اتحادی با بلشویک ها و انجام عملیات های مشترک به حضور و منافع انگلیسی ها در قفقاز و سایر کشورها ضربه بزنند. دامنه این فعالیت ها تا کشورهایایی چون ایران نیز کشیده شد. در شهرهای ایران به ویژه شهرهای شمالی و

شمال غربی که به لحاظ جغرافیایی پیوندهای بیشتری با بلشویک ها و کمونیست ها داشتند، اتباع دولت های آلمان، روسیه و اتریش مشغول فعالیت علیه انگلستان بودند. دولت انگلستان و مأمورین این کشور در ایران تحریکات بلشویک ها را به شدت دنبال می کردند. در سال ۱۳۰۰ ش مسیو آلبر هاودگر تبعه اتریش به همراهی دو نفر فرانسوی و چند اتریشی دیگر در شهر قزوین به جرم انجام فعالیت های بلشویکی دستگیر شدند. (سال ۱۳۰۱ کارتن ۶ پرونده ۱ سند شماره ۱۲)

مأمورین انگلستان با کشف این عملیات، افراد فوق را به اتهام عملیات علیه دولت انگلیس بدون کسب اجازه از دولت ایران به بغداد تبعید کرد. دولت ایران این اقدام انگلستان را نقض استقلال ایران و دخالت در امور داخلی کشور خود دانست و نسبت به آن اعتراض کرد. دولت انگلیس در پاسخ استدلال کرد که اتریشی ها با محافل بلشویکی در روسیه در ارتباط بوده و در واقع از طرف روسیه مأمور به انجام عملیات در ایران بوده اند و دولت انگلستان با آگاهی از این موضوع نیازی به کسب اجازه از دولت ایران نمی دید. دولت اتریش نیز نسبت به سیاست خودسرانه انگلستان در ایران در خصوص تبعید اتباع اتریشی اعتراض کرد و وزارت خارجه ایران متعهد شد که ضمن حل این مسأله، اتباع اتریش را به این کشور بازگرداند. (همان) جنگ جهانی اول در سراسر جهان روابط خارجی و سیاست های داخلی دول را تحت تأثیر قرار داد. در دوره بعد از جنگ جهانی اول به خاطر پیامدهای جنگ بر وضعیت داخلی و خارجی اتریش، مسأله روابط خارجی این کشور با دول دیگر دچار مشکل شد و سفارت این کشور در ایران تقریباً به حالت تعطیل در آمد و این فقدان نماینده سیاسی، وضعیت اتباع این کشور را تحت شعاع قرار داد. در طول این مدت سفارت کشورهای دیگر از جمله انگلیس، مسولیت رسیدگی به وضعیت اتباع اتریش را بر عهده گرفت. (سال ۱۳۰۳، کارتن ۱۳، پرونده ۱۲)

در غیاب نماینده سیاسی و سفارت اتریش در ایران، منافع اتباع این کشور به ویژه صاحبان کسب و کار در ایران به مخاطره افتاد. شکایات اتباع اتریشی به وزارت خارجه ایران گواه این نابسامانی هاست. «مسیو بوسه» یکی از اتباع اتریش که در کرمانشاه به کار طبابت و داروسازی اشتغال داشت، طی عریضه خود نوشت که اموال و دارایی هایش به همراه لوازم داروسازی و طبابتش توسط فردی یهودی که همکار او بوده به سرقت رفته است و چون لوازم پزشکی او و ابزار داروسازی اش در ایران وجود ندارد از کار بیکار و درمانده شده است. حکام کرمانشاه بعد از مراجعه های مکرر وی به پرونده اش رسیدگی نکرده اند و چون اتریش در ایران نماینده سیاسی ندارد، شکایت او در مرکز هم بی نتیجه بوده است. (سال ۱۳۰۳ کارتن ۱۳ پرونده ۱ اسناد شماره ۲ تا ۱۰)

در پی اعتراض اتباع اتریشی به دلیل مشکلات نبود سفارت، دولت مجارستان از ایران خواست تا سروسامان گرفتن وضعیت سفارت اتریش-هنگری در ایران، دولت ایتالیا حافظ منافع اتباع اتریش در ایران باشد. (سال ۱۳۰۳، کارتن ۱۳، پرونده ۹۱، سند شماره ۳)

در طول جنگ جهانی اول دولت ایران که تلاش هایش برای وادار کردن روسیه به بیرون کشیدن نیروهایش از خاک ایران، نتیجه نداد، تلاش کرد از طریق اتریش، روسیه را متقاعد به انجام این کار کند. در مکاتبات سفارت ایران در اتریش با وزارت خارجه این کشور، ضمن ارائه تاریخچه مختصری از دخالت های روسیه در روابط خارجی ایران و اتریش و ضررهایی که از این دخالت متوجه دولتن اتریش و ایران شده است، نسبت به کنجکاو و دخالت های بی مورد روس و انگلیس در روابط ایران و اتریش، گلایه و اعتراض شد. سفیر ایران همچنین ضمن اشاره به مقاومت روسیه در برابر بیرون کشیدن نیروهای نظامی خود از ایران پس از پایان جنگ جهانی اول، از دولت اتریش

می خواست واسطه بین ایران و روسیه برای خروج نیروی های این کشور از صفحات شمالی خاک ایران شود. (سال ۱۳۲۸، کارتن ۳۴، پرونده ۲، سنده ۱۵)

مسأله اساسی دیگر در عصر احمدشاه قاجار و دوره جنگ جهانی اول در ارتباط با اتریش، به کمک طلبیدن این کشور برای اثبات حقوق بی طرفی و ستاندن خسارات نقض این سیاست در مذاکرات صلح پاریس بود. در طول جنگ جهانی اول، بی طرفی ایران نقض شد و دول درگیر در جنگ به بهانه های مختلف بخش هایی از ایران را اشغال کردند. این نیروها به نفع دولت های متبوعشان مشغول فعالیت بودند و دولت ضعیف و ناتوان ایران در عصر احمدشاه قاجار، به دلیل فقدان قدرت چانه زنی در عرصه جهانی و از هم گسیختگی و فروپاشی سیاسی و اجتماعی در داخل، قادر به دفاع از سیاست بی طرفی خود نبود، از این رو جامعه ایران در سالهای جنگ جهانی اول، مصائب و مشکلات زیادی را به خود دید. فقر و گرسنگی، قحطی، بیماری های واگیر، ترس و ناامنی و آشفتگی و بی ثباتی سیاسی و اجتماعی از جمله پیامدهای حضور نیروهای جنگی در ایران بود. پس از اتمام جنگ، به دلیل همان ضعف های ساختاری در سیاست ایران، این کشور نتوانست از نقض بی طرفی خود و حقوق حقه اش در این ارتباط دفاع کند. دولت ایران تلاش بی ثمری برای راهیابی نماینده هایش به کنفرانس صلح پاریس انجام داد تا شاید بتواند از کشورهای درگیر در جنگ به ویژه انگلیس و روسیه که ایران را اشغال کرده بودند، خسارت دریافت کند. در راستای تحقق این هدف دولت ایران که دستش از حضور در کنفرانس ها و معاهدات صلح کوتاه بود، کوشید کشورهای دیگر را به وساطت بطلبد تا شاید از طریق متقاعد کردن آنها و استفاده از قدرت نفوذشان در سطح بین المللی، از حقوق خود دفاع کند.

با آغاز مذاکرات صلح پاریس برای خاتمه جنگ، و ناکامی نمایندگان ایران از ورود به مذاکرات، در حالی که هنوز قشون روسیه خاک ایران را تخلیه نکرده بودند، دولت ایران با نوشتن نامه و فرستادن نماینده و سفیر به کشورهای مختلف از جمله اتریش، برای احقاق حقوق خود طلب کمک کرد. با تلاش های دولت ایران در برلین برای تخلیه خاک ایران از قشون دول متخاصم، دولت آلمان متن مذاکرات و توافقات خود با روسیه درباره لزوم تخلیه خاک ایران را برای دولت ایران فرستاد و در صحبت های تکمیلی خود نوشت: «با وجود تقاضاهای مکرر دولت علیه از روسیه برای تخلیه خاک ایران، سفارت روس مرسله داده مشعر بر اینکه فعلا دستجات قشون غیرمطیع می روند و اما تا صدور اوامر ثانوی قشونی که تحت فرماندهی باراتف و داربوسکی هستند، در برخی نقاط شمالی و غربی ایران اقامت خواهند داشت.»

دولت ایران برای اثبات حقوق بی طرفی خود در جنگ، توضیحات خود را طی یادداشتی توسط ماموران متعدد به دست کشورهای بی طرف از جمله سوئد، دانمارک، فنلاند و نروژ رساند. همچنین مأمورینی به اروپای مرکزی، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، آمریکا، سوئیس و اسپانیا فرستاد و از این دول خواست ایران را در اثبات و ستاندن حقوق حقه خود یاری دهند. دولت ایران با فرستادن مأموری به اتریش خطاب به دولتمردان و مقامات اتریشی نوشت: «از بدو شروع جنگ بین المللی دولت علیه ایران همواره جاهد و ساعی بوده است که با وجود مشکلات فروان بی طرفی خود را حفظ نموده از این مسلک منحرف نگردد و دلایل اثبات این مسأله برای اذهان سایر ملل مجموعه ای از اسناد و نوشتجات راجع به حفظ این بی طرفی است که در اختیار مذاکره کنندگان صلح نیز قرار خواهد گرفت.» (سال ۱۳۳۶ کارتن ۶۶ پرونده ۲۰ سند شماره ۶۷)

دولت ایران همچنین با ارسال تلگرافی تکمیلی توسط علاءالسلطنه ریاست وزارت خارجه ایران، از این کشور خواست از مطالبات ایران در خصوص جبران خسارات وارده در نتیجه نقض بی طرفی حمایت و به تسریه جریان تخلیه خاک ایران از قشون بیگانه کمک کند.

سفیر ایران در برلین حسینقلی خان نواب در خصوص پیگیری مطالبات ایران در کنفرانس صلح پاریس به وزارت خارجه در ایران نوشت: «وزرای خارجه آلمان، اتریش و عثمانی شخصا برای مذاکرات صلح رفته و حوایج ایران را جمع به ابطال بعضی مواد بعضی عهدنامه ها، امتیازات رسمی و غیره که منافی استقلال و صرفه ایران است صورتی به رئیس الوزرای آلمان و عثمانی داده شده» اما علاوه بر این لازم است صفاءالممالک در پطروگراد نیز پیگیر این مطالبات باشد. آلمان پذیرفته است در خصوص پیگیری مطالبات ایران مأمور مخصوص به ایران بفرستد و روسیه تعهد کرده است که ممانعت نکند به این شرط که روسیه در جریان تمام امور قرار گرفته و مطالبات ایران ابتدا در پطروگراد مطرح و پیگیری شود. تقی زاده، سلیمان میرزا و میرزا وکالت ایران را در رسیدگی به این مسأله بر عهده گرفته اند. (همان، سند شماره ۶۷ و ۸۸)

تقاضاها و تلاش های ایران برای راه یابی به مذاکرات صلح و استمداد از سایر کشورها از جمله اتریش برای اثبات نقض بی طرفی خود در جنگ بی ثمر ماند. همان طور که از فحوای اسناد نیز برمی آید، کارشکنی های روس و انگلیس در خصوص رد تقاضای ایران بسیار مؤثر بوده است و این مسأله نشان دهنده این حقیقت است که با وجود تغییر در ساختار سیاسی دولت روسیه که در اثر وقوع انقلاب بلشویکی به وجود آمده بود، در محور سیاست های خارجی این کشور و در رویکردش به ایران تغییر چندانی به وجود نیامد. اصرار روسیه به پیگیری مطالبات ایران در پطروگراد، گواهی بر

این واقعیت است که منافع ایران همچنان قربانی سیاست های استعماری دول دیگر بوده است. با ناکام ماندن هیأت اعزامی ایران برای شرکت در مذاکرات صلح، دولت ایران به ناچار مطالبات و شکایات خود از نقض بی طرفی در جنگ را به صورت مکتوب در اختیار دولت آلمان گذاشت و از این کشور و سایر دول خواست شکایت ایران از دولت انگلیس و روسیه به خاطر نقض بی طرفی و تقاضای جبران خسارات را در مذاکرات صلح لحاظ کنند. ایران در شکایت خود از انگلیس نوشت: «دولت انگلستان صرف نظر از تجاوزات به فارس و خراسان، قشون و انبارهای مهمات در سرحدات غربی ایران پیاده کرده و تا سلطان آباد و قزوین دامنه تجاوزات خود را گسترش داده به علاوه اقدام به تأسیس پلیس جنوب کرده و همچنین در بین ایلات و عشایر مشغول به فساد و برپایی درگیری و آشوب و تفرقه بوده است.» (پیشین، اسناد شماره ۵۶-۶۵ و ۶۷-۵۷)

انعقاد قرارداد صلح برست لیتوفسک بین روسیه بلشویک و آلمان و اتریش در ۳ مارس ۱۹۱۸ که منجر به ترک مخاصمه بین این دول و خروج روسیه از جنگ به رهبری لنین شد، امید ایران برای احقاق حقوق خود و بازپس گیری مناطق از دست رفته در طول حکومت تزارها را افزایش داد. حسین قلی خان نواب وزیر مختار ایران، طی صحبت با مخبر وزارت امور خارجه ایران در برلین، ضمن اشاره به ماده دهم قرارداد برست لیتوفسک که تصریح می کرد «مستند به اصل آزادی و استقلال و تمامیت ارضی مملکت ایران بی طرف مقرر شده است که فرماندهان کل قشون عثمانی و روسیه عساکر خود را از ایران خارج سازند» ابراز امیدواری کرد با حمایت آلمان ایران بتواند به حقوق خود دست یافته و استقلال و تمامیت ارضی خود را اعاده کند.

(سال ۱۳۳۶ کارتن ۶۶ پرونده ۲۰ سند شماره ۵۹-۶۷)

اسرای اتریشی در ایران

پیامدهای جنگ جهانی اول برای اتریش بحران‌های فزاینده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود. امپراتور چارلز که پس از مرگ فرانسیس ژوزف در سال ۱۹۱۶ به سلطنت رسیده بود، در روزهای آخر جنگ داوطلبانه از مقام خود کناره‌گیری کرده، به تبعید رفت. امپراتوری اتریش در میان ملل تازه‌ای که پس از جنگ به وجود آمده بودند، تحلیل رفت. چکسلواکی، لهستان، مجارستان و قسمت‌های دیگری از امپراطوری اتریش جدا شدند و جنوب تیرویل و قسمتی از اتریش ضمیمه ایتالیا شد. در ۱۲ نوامبر ۱۹۱۸ جمهوری اتریش توسط شورای ملی به ریاست کارل رنر رهبر حزب سوسیال دموکرات و سازمان متشکل کارگران تشکیل و اعلام گردید. (ریموند دلرابه، ۱۳۵۴: ۱۸۷)

حاکمیت جدید اتریش با مشکلات فراوان پس از جنگ دست به گریبان بود. جبران خرابی‌های جنگ، رفع اختلافات و مبارزات داخلی بین احزاب و هرج و مرج و بحران‌های اقتصادی از جمله این مسایل بودند. یکی از مهم‌ترین مشکلات و بحران‌های اتریش پس از جنگ، مسأله رسیدگی به اسرای جنگی این کشور در مناطق مختلف درگیر در جنگ بود. اسرایی که در نقاط مختلف توسط متفقین دستگیر و زندانی شده بودند و پس از خاتمه جنگ و انجام مذاکرات صلح مقرر شده بود به اوطان خود بازگردند. اختلافات داخلی در بین احزاب و منازعات قدرت در کنار فروپاشی اقتصاد و فقر فزاینده دولت جدید اتریش، مسأله رسیدگی به وضعیت اسرای جنگی را بغرنج‌تر کرده بود. مناطق بادکوبه، قفقاز و ترکستان از جمله مناطقی بودند که بیشترین اسرای جنگی اتریشی را دارا بودند. دلیل تمرکز بیشتر اسرای اتریش در مناق ترکستان و قفقاز را باید در وقوع انقلاب اکتبر روسیه دید که با تغییر ساختار قدرت و حاکمیت در روسیه و با وقوع یک انقلاب ایدئولوژیک، روسیه جدید به

رهبری لنین و بلشویک ها از منازعات قدرت و جنگ کناره گرفت و تمام اسرایی را که توسط روسیه زندانی و اسیر شده بودند، آزاد کرد. بیش از یک میلیون اسیر آواره، گرسنه و سرگردان در مناطق قفقاز و ترکستان در انتظار نجات از این نابسامانی بودند. (خسروزاده، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۳)

با توافق بین دول خاصه آلمان و اتریش مقرر شد که کنسولگری ایران در بادکوبه مسئولیت رسیدگی به وضعیت اسرای جنگی اتریش و آلمان را بر عهده بگیرد. رئیس کمیسیون اسرای جنگی اتریش طی یادداشتی از کنسول ایران خواست با توجه به اینکه اتریش در شرایط نامناسب جنگی قرار دارد و همچنین پیش از آغاز جنگ نیز کنسولگری ایران حافظ منافع اتریش و آلمان در مناطق فوق الذکر بوده است، مسئولیت رسیدگی به اسرا را بر عهده گرفته، ترتیب بازگشت آنها به اوطانشان را بدهد. کنسول ایران پذیرش این درخواست را منوط به رضایت وزارت خارجه ایران دانست. مانع اصلی دریاب پذیرش یا عدم پذیرش تقاضای اتریش در خصوص وضعیت اسرای جنگی، مسأله هزینه های این کار بود که باید از طرف آلمان و اتریش به کنسولگری ایران در بادکوبه داده می شد. در خصوص آلمان این کار توسط سفارت این کشور انجام شده بود اما وضعیت اتریش کمی متفاوت بود زیرا اتریش نه سفارتخانه ای داشت نه نماینده ای که مسأله پرداخت ها را مدیریت کند. وزارت امور خارجه توسط کارگزار انزلی به ساعداالوزرا کنسول ایران در بادکوبه نوشت: رسیدگی به امور اسرای آلمان را انجام داده اما در مورد اسرای اتریش فعلا اقدامی نکنید زیرا دولت ایران قادر به پرداخت هزینه های گزاف انتقال اسرای اتریش حتی به صورت قرض به این کشور نیست. بنابراین باید با کمیسیون اتریش در خصوص حداقل صد هزار کرون هزینه این کار مشورت شود. (سال ۱۳۳۷ کارتن ۶۶ پرونده ۱ سند شماره ۱۲)

تعداد زیادی از اسرای جنگی اتریش نیز در شهرهای مختلف ایران بسر می بردند. این اسرا عمدتاً از دست نیروی انگلیس فرار کرده و با وضعیت آشفته و رقت انگیزی به ایران پناه می آوردند. کارگزاران ایران در شهرهای مختلف بنا به تقاضای دولت اتریش و دستور دولت ایران مسئول شناسایی، جمع آوری و انتقال این اسرا به اتریش بودند. بنا به گزارش کارگزاری کلات، تعدادی از اسرای اتریشی در سرحدات شرقی ایران که همراه با بلشویک ها در این منطقه با انگلیسی ها درگیر شده بودند، پس از زدوخورد از این منطقه گریخته و در سرحدات شمالی و مازندران توسط مأمورین ایران دستگیر شدند. کارگزاری مازندران این اسرا را به تهران انتقال داده و هزینه نگهداری آنها در فاصله این چند روز و انتقال آنها به پایتخت در حدود ۱۸۵۰ قران برآورد کرده که به صورت مکتوب به تهران ارسال شد تا در اختیار مقامات اتریشی و در صورت بازگشایی، در اختیار سفارت این کشور قرار گیرد. پس از اقامتی کوتاه مدت این اسرا با تأمین وسایل آسایش و پرداخت مخارج سفر از جانب دولت ایران به اتریش روانه شدند. وزارت خارجه ایران ضمن توضیح وضعیت این اسرا و مخارج سفر آنها به دولت اتریش یادآور شد، اقساط قرضی را که «مسیو لوکوتش» پیشتر برای سرو سامان دادن به وضعیت اسرای جنگی از ایران ستانده است، عقب افتاده و انتظار دارد مقامات اتریشی و وزارت جنگ این کشور به انجام تعهدات خود توجه بیشتری مبذول دارند.

(سال ۱۳۳۷ کارتن ۶۶ پرونده ۱ اسناد شماره ۸، ۱۳، ۱۴، ۱۶)

سرحدات شمالی به خصوص مازندران به دلیل موقعیت جغرافیایی بیشتر از سایر نقاط درگیر مسأله اسرای جنگی اتریش بود. اداره مالیه مازندران در مکاتبات خود با تهران از انتقال ۱۰۰ اسیر اتریشی به تهران خبر داد و از خزانه داری کل خواست مخارج

سفر و انتقال این اسرا که بالغ بر ۳۱۵ تومان در یک نوبت و ۲۶۸ تومان در نوبت دیگر بوده است را پرداخت نماید. (همان، سند شماره ۱۷ و ۲۲)

بخشی دیگر از اسرای جنگی اتریش افرادی بودند که در خاک روسیه اسیر بودند و از آن طریق وارد ایران شده بودند. کارگزار مازنداران در محرم سال ۱۳۳۷ق از ورود چند صاحب منصب اتریشی که از روسیه به صورت اسیر وارد بارفروش شده بودند خبر داد و به وزارت خارجه نوشت: حال این افراد وخیم، گرسنه و بی پول هستند. ۳۸ تومان به مصرف نگهداری آنها در مازندران رسیده است که کپی آن به همراه مخارج دیگر به تهران فرستاده می شود. (سال ۱۳۳۷ کارتن ۶۶ پرونده ۱ سند شماره ۳۶)

در ادامه پیگیری درخواست اتریش مبنی بر رسیدگی ایران به وضعیت اسرای جنگی که به ایران فرار کرده یا پناهنده شده بودند، وزارت خارجه از طریق وزارت خانه های مالی و داخله از حکام و کارگزاری های ایالات مختلف خواست با توجه به افزایش تعداد اسرای اتریش در ایران و پراکندگی آنها در کنار اقداماتی که تا کنون در خصوص جمع آوری و انتقال این اسرا به تهران انجام شده، مقامات مسئول در ایالات صورت ریز مخارج نگهداری و انتقال اسرا را به همراه تعداد آنها به وزارت خارجه ارسال داشته تا برای تأدیه وجوه آن اقدام شود. (همان، سند شماره ۴۶)

کارگزاری مازندران در پاسخ وزارت خارجه ضمن بیان مشکلات نگهداری و انتقال اسرا به تهران و سپس به اتریش، اذعان داشت این کارگزاری به سختی هزینه های این مسئولیت را تأمین می کند: «این جانب ۳۵۴ تومان مخارج نگهداری اسرا را از تجارتخانه طوفانیان قرض نمودم. تجارتخانه مرتباً پول خود را طلب می کند.» کارگزار در ادامه یادداشت خود از وزارت مالی خواست این مبلغ و سایر مبالغه پیشتر این

کارگزاری به تهران فرستاده بود را از اتریش و سفارت این کشور گرفته، به مازندران بفرستند. (همان، سند شماره ۴۰)

در پی درخواست اتریش مبنی بر ارائه آماری از اسرای اتریش که هنوز در ایران بوده و به شهرهایشان بازنگشته بودند، کارگزاران شهرها و ایلات مختلف موظف شدند اسم و تعداد اسرای باقی مانده را به وزارت داخله ارائه دهند زیرا بنا به گزارش دولت اتریش در سال ۱۳۰۰ ش هنوز تعداد ۶۰۰ اسیر اتریشی در ایران و ۲۰ نفر در خیره باقی مانده بودند. در پی صدور این فرمان، کارگزاری های عراق، گلپایگان، خوانسار، کردستان، بنادر، خوزستان، گروس، مشهد، قوچان، تبریز، نیشابور و شهرهای فارس گزارش دادند در این نقاط کسی از اسرا و یا محبوسین اتریشی باقی نمانده است. (سال ۱۳۰۰ کارتن ۶۶ پرونده ۱ سند شماره ۱۴)

یکی از مسایلی که در طول جنگ جهانی اول و در خصوص مسئله اسرا، بین ایران و اتریش وجود داشت دخالت روسیه در این مورد بود که مقامات ایرانی را وادار می کرد اسرا یا سربازان فراری اتریش را به روسیه تحویل دهد. وقتی یکی از اتباع اتریش که در این کشور اسیر جنگی بوده در سال ۱۳۳۴ ق فرار کرده و در بندر گز پناهنده شده بود توسط مأمورین این محل دستگیر و به مأمورین روسیه تحویل داده شد، دولت اتریش طی یادداشتی ضمن انتقاد از عملکرد روسیه در تحت فشار قرار دادن ایران، به وزارت خارجه ایران یادآور شد بر اساس قوانین بین المللی اگر اسیری غیرمسلح به خاک یک کشور بی طرف فرار کند، آزاد است و دولت ایران باید اسرا یا پناهندگان اتریشی را به خود اتریش تحویل دهد نه تحت فشار بدست روسها بسپارد. (سال ۱۳۳۴ کارتن ۶۶ پرونده ۱ سند شماره ۳۶)

به جز کارگزاری های ایران در ایالات مختلف همان طور که پیشتر گفته شد، قنسول گری ایران در بادکوبه نیز از طرف دولت اتریش و آلمان مسئول رسیدگی به وضعیت اسرای جنگی و جمع آوری و انتقال آنها بود. هزینه های فراینده این کار و مشکلات ناشی از آن را می توان در تلگراف قنسولگری ایران در بادکوبه به وزارت خارجه ایران دید. بر اساس این یادداشت، نماینده اسرای جنگی اتریش برای تأمین مخارج مراجعت اسرا از بادکوبه به اوطان خود مبلغ ۳۰ هزار منات از قنسول ایران قرض نموده که مقرر بوده که این مبلغ پس از چند ماه به قنسول گری تأدیه شود اما نماینده عنوان کرده است که به دلیل بحران اقتصادی در اتریش پس از جنگ قادر به تسویه بدهی خود به قنسول ایران نیست و شرح این عدم استطاعت را به سفارت اتریش در تهران نوشته است. فلذا وزارت خارجه ایران باید تکلیف این بدهی را با سفارت اتریش معلوم کند. قنسول ایران در ادامه گزارش خود با اشاره به وضعیت اسرای جنگی آلمان نوشت: دولت آلمان مبلغ ۱۰۰ هزار منات اعتبار برای پرستاری و رسیدگی اسرای خود به قنسول گری آلمان پرداخت کرده است اما این مقدار با توجه به تعداد اسرا که بعد از امضای معاهده صلح مرتب رو به ازدیاد است، کافی نیست بنابراین سفارت آلمان در تهران باید با جدی گرفتن این مسأله راه حل های خود را توسط وزارت خارجه ایران به قنسول بادکوبه ارائه دهد. (سال ۱۳۳۷ کارتن ۶۶ پرونده ۱ سند شماره ۵۰)

در پی درخواست وزارت خارجه ایران از سفارت و مقامات اتریشی مبنی بر پرداخت اقساط بدهی های این کشور به قنسول ایران در بادکوبه که برای پرستاری و جمع آوری اسرای اتریشی هزینه شده بود، رئیس هیأت اعزامی اسرای جنگی اتریش در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۱۹ م به شارژدافر سفارت این کشور مقیم تهران به شکل معترضانه ای نوشت: هیأت مامور است اسرای جنگی را از هر نقطه و مکانی جمع

آوری کرده و به اوطانشان بازگرداند، بیش از ۸ هزار نفر از سرحدات گرجستان و تفلیس با کمک کنسول ایران جمع آوری شده اند. کار سایر اسرا هم در حال انجام است اما بودجه ای که وزارت جنگ در وین برای این کار اختصاص داده، کافی نبوده و مدت هاست تمام گشته است و ما به ناچار مبالغ گزافی از قسولگری ایران در بادکوبه قرض کردیم و اکنون با توجه به شرایط بد اقتصادی ممکن است پرداخت این بدهی ها باز هم به تعویق یفتد. (همان، سند شماره ۵۰)

مسأله جمع آوری اسرای اتریش و آلمان و بازگرداندن آنها به سرزمین هایشان، که یکی از مهم ترین مصوبات معاهده صلح پاریس بود، با تشریک مساعی سه کشور آلمان، اتریش و ایران و البته با حمایت دول دیگر از جمله دانمارک انجام می گرفت. بحران مالی ناشی از خرابی های جنگ که گریبانگیر دولت های درگیر در جنگ شده بود، در کنار پراکندگی این اسرا در قسمت های مختلف و از جمله تفلیس، باطوم، قفقاز و ترکستان مشکل دیگری بود که هیأت های مسول جمع آوری اسرا را دچار سردرگمی کرده بود. اما مسأله و مانع مهم تر در این خصوص، وقوع درگیری های مکرر بین بلشویک ها و حکومت های آخال و ترکستان بود که جمع آوری و اعزام اسرا را با مشکل مواجهه می ساخت. «کاپیتان شیندلر» آلمانی مسئول رسیدگی به وضعیت اسرای آلمانی بود و برای این کار از برلین پول دریافت می کرد. اما تعداد اسرا به قدری زیاد بود که کمک های رسیده از برلین جوابگوی نیاز اسرا نبود. بنا به گزارش سفارت ایران در بادکوبه در تاریخ ۵ شعبان ۱۳۳۷، ۵۰۰۰ هزار اسیر دیگر از طرف ترکستان به بادکوبه رسیده بودند که بنا به گفته این کنسولگری تأمین مخارج پرستاری و آذوقه آنها در توان آنها نیست. در مورد اسرای اتریشی وضع از این هم بدتر بود زیرا کمیسیون رسیدگی به وضعیت اسرا پولی برای هزینه نداشت و مکاتباتش با سفارت این

کشور در تهران برای تأمین اعتبار نیز تقریباً بی نتیجه بود. کنسولگری دانمارک که مسئول بررسی وضعیت بخشی از اسرای جنگی بوده در حدود ۱۰۰ هزار منات از اعتبارات خود برای جمع آوری و اسکان اسرای اتریش هزینه کرده است. با توجه به اینکه تهیه پول در بادکوبه و در آن شرایط بحرانی دشوار بود، کنسولگری ایران از وزارت خارجه خواست در خصوص این مسئله با سفارتین اتریش و آلمان وارد مذاکره شود. (سال ۱۳۳۷ کارتن ۶۶ پرونده ۱ سند شماره ۷۲)

در سال ۱۹۱۹ م / ۱۳۳۷ ق در غیاب ساختار منسجم سیاسی در اتریش و در حالی که اتریش در ایران و سایر کشورها رسماً نماینده‌ای نداشت و سفارت خانه‌های این کشور تقریباً به حالت تعطیل درآمده بودند، دولت اسپانیا مسئول رسیدگی به امور سیاسی و خارجی اتریش در کشورهای دیگر را بر عهده گرفت. تعدادی از اسرای اتریش نیز به همین دلیل به سفارت اسپانیا پناهنده شده بودند. دولت و سفارت اسپانیا طی مذاکراتی با وزارت خارجه ایران خواستار بازپرداخت قرضی شد که به مبلغ ۲۰ هزار تومان در سال ۱۹۱۸ م هیأت وزرا در ایران از روسیه گرفته بودند و مقرر شده بود که دولت ایران این قرض را به صورت روزانه، از قرار روزی صد تومان با رضایت روسیه جدید به سفارت اتریش در ایران بپردازد تا هزینه به سامان کردن اسرا و اتباع اتریشی شود که توسط دولت بلشویکی روسیه آزاد و از طریق این کشور وارد خاک ایران شده بودند. در غیاب نماینده اتریش، نماینده اسپانیا به دولت ایران نوشت تا کنون تنها ۶ هزار تومان از این بدهی پرداخت شده است و با توجه به اینکه مخارج معاش ۶۰ نفر اتریشی پناهنده به سفارت اسپانیا زیاد و صندوق این سفارت خالی است، خواهش دارد دولت ایران نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام کند. (همان، سند شماره ۱)

وضعیت جنگی در اتریش و از هم گسیختگی سیاسی در این کشور حیات اتباع ایرانی در اتریش را تحت الشعاع قرار داده و در غیاب دولتی مقتدر و مرجعی پاسخگو، سفارت ایران در این کشور قادر به انجام وظایف خود نبود. در نتیجه اتباع ایرانی در بلاتکلیفی به سر می بردند و قادر به پیگیری مطالبات خود از هیچ مرجعی نبودند. این وضعیت سبب شد که در نتیجه تصمیم دولت های پیروز جنگ به رهبری انگلستان رسیدگی به امور ایرانیان مقیم اتریش و حفظ منافع آنان به سفارت آلمان و دولت این کشور محول شود. این مسأله در صورت وقوع، به لحاظ دیپلماتیک به ضرر اتباع ایرانی بود. مصطفی خان وزیر مختار ایران که پیشتر در وین اقامت داشت و پس آن سفیر ایران در ایتالیا شده بود، در سال ۱۳۰۰ش در خصوص قرار فوق و پیشنهاد انگلستان به وزارت خارجه ایران نوشت «من به عنوان سفیر ایران در ایتالیا و کسی که به دلیل نزدیکی ایتالیا به اتریش از وضعیت اتباع ایرانی در این کشور آگاه هستم می دانم که به نفع اتباع ایرانی نیست که تحت نظارت سفارت آلمان قرار بگیرند.» مصطفی خان در ادامه استدلال کرد اولاً واگذاری منافع ایرانیان به سفارت یک کشور اجنبی ضرورتی ندارد و دوم اینکه اتباع آلمان هنوز مانند اتباع دول دیگر حق مسافرت و اقامت آزادانه در اغلب ممالک از جمله فرانسه، بلژیک و انگلیس را ندارند. اتباع اتریش و آلمان حتی حق ورود به خاک عثمانی را نیز ندارند، مگر اینکه تحت شرایط خاص با مشورت و اجازه سفارت دومی چون فرانسه، انگلستان و ایتالیا این کار انجام شود. سفیر ایران با تکیه بر مفهوم منافع و حیثیت ملی ادامه داد اگر یک تبعه یا تاجر ایرانی بخواهد مثلاً به هندوستان یا مصر سفر کند یا به وطن خود بازگردد، مجبور است به سفارت آلمان رجوع کند، که این مسأله برای منافع ایران مضر است. به علاوه این مسأله می تواند سایر کشورها را به ایران ظنین کند بخصوص که بعضی از اتریشی ها خواهان الحاق به آلمان هستند. بنابراین ترجیح بر

این است که «خود در کنار انجام امورسفارت ایتالیا به وضعیت اتباع ایرانی در اتریش هم رسیدگی کنم و در صورت عدم توانایی خواهشمندم فرد لایقی را متکفل این امر کنید.» (سال ۱۳۰۰ش کارتن ۱۹ پرونده ۱ سند شماره ۱)

جنگ جهانی اول ضمن ایجاد تغییرات بنیادین در حوزه جغرافیایی این کشور، در عرصه سیاست داخلی نیز تغییرات تأثیر گذاری ایجاد کرد. پس از پایان جنگ، رقابت احزاب سیاسی برای بدست گرفتن قدرت اوج گرفت. هنگام تشکیل دولت جمهوری و پیش از آن دو حزب سیاسی در اتریش فعالیت داشت. یکی حزب سوسیال دموکرات که مرکز آن وین بود و از طرف سازمان های متشکل کارگری شهرهای صنعتی تقویت می شد و در مقابل آن حزب سوسیالیست های مسیحی قرار داشت. حزب سوسیالیست مسیحی محافظه کارتر بود و از جانب روستاها و شهرهای دور از وین حمایت می شد. سفارت ایران در اتریش طی تلگرافی به وزارت خارجه ایران خطر تسلط سوسیال دموکرات ها بر سیاست اتریش را هشدار داد. سفیر ایران نوشت تسلط سوسیال دموکرات ها در مجارستان و حرکتشان به سمت وین، سلطنت طلبان در اتریش را نگران کرده و حمایت توده های مردم از این حزب به دلیل آرمان های عدالت طلبانه شان، بر این نگرانی افزوده است. سفیر ایران در آخر افزوده است به دلیل بالا رفتن هزینه تلگراف، سفارت تا قبل از حصول نتیجه رقابت های حزبی در اتریش نمی تواند تلگرافی در این خصوص ارسال کند. (سال ۱۳۰۰ش کارتن ۱۹ پرونده ۱ سند شماره ۱)

حزب سوسیال دموکرات (SPO)، که در سال ۱۲۶۷ش / ۱۸۸۹م تشکیل شده بود، پس از جنگ جهانی اول جمهوری اتریش را بنیان نهاد. در سال ۱۲۹۸ش / ۱۹۲۰م این حزب وارد اپوزیسیون شد و در سال ۱۳۱۲ش / ۱۹۳۴م به خاطر دیدگاه های مارکسیستی از سوی نازی ها منحل اعلام شد.

اتباع ایرانی در اتریش

بر اساس قوانین اتریش در صورتی که یکی از اتباع ایرانی در این کشور مرتکب جنایت یا کار خلافی می شد پس از محاکمه و مجازت، از اتریش اخراج شده و سفارت ایران نیز مواظب بود جواز اقامت او را برای همیشه باطل کرده و امکان خروج او از اتریش را فراهم آورد. در اوایل سال ۱۳۰۰ ش بنا به گزارش مصطفی خان صفاء الممالک وزیر مختار ایران در وین، اسماعیل بابا تبعه ایران در اتریش، که سابقاً به کار تجارت فیروزه در این کشور مشغول بوده، به جرم اغفال دختران و فراهم آوردن مقدمات فساد در شهر بوداپست دستگیر و زندانی شده و با تلاش سفارت ایران در اتریش به شرط اینکه هرگز به خاک مجارستان قدم نگذارد، آزاد شده است اما نامبرده در اتریش هم دست به کارهای خلاف از جمله خیانت در امانت و کلاهبرداری زده و برای سفارت تولید در دسرهای زیادی کرده و بر اساس قوانین اتریش در صورت اثبات یکی از کارهای خلاف او، از اتریش اخراج و به ایران عودت داده می شود. (سال ۱۳۰۰ کارتن ۱۹ پرونده ۲ سند شماره ۱۲)

اقدام دولت اتریش برای اخراج یکی از اتباع ایرانی در صورتی که خلافی مرتکب می شد، بر اساس قانون با موافقت دولت ایران انجام می شد. اخراج فردی به نام حسن از اتریش، با دستور مستقیم ناصرالدین شاه و طی مذاکراتی با کنت کالنوکی در وین انجام گرفت. دولت ایران و وزارت خارجه، اقامت این اشخاص در اتریش را منافی مصالح ایران دانسته و ضمن محاکمه و جریمه آنها، امکان بازگشت آنها از اتریش را فراهم می کرد. (سال ۱۳۰۱ کارتن ۱۸ پرونده ۳ سند شماره ۲۷)

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل دوم

روابط نظامی

قبل از بررسی روابط نظامی ایران و اتریش در عصر قاجار، بیان این نکته و در واقع طرح این پرسش الزامی است که چرا حجم زیادی از روابط ایران با اتریش در عصر قاجار را روابط نظامی بخصوص در حوزه خرید اسلحه و جنگ افزارها و استخدام مستشاران و آموزش دهنده ها، تشکیل می داد؛ پاسخ این پرسش را باید در واکاوی ساختار سیاسی و اجتماعی ایران عصر قاجار، در پیوند با مسأله روابط خارجی دید و در این بررسی، به مسأله شکست های ایران از روسیه در دوره فتحعلیشاه توجه ویژه داشت. در قرن نوزدهم برخی از جوامع و از جمله ایران به طور گسترده و مؤثر متوجه شکاف پدید آمده میان وضعیت خود با کشورهای غربی شدند و درصدد اصلاح وضع موجود برآمدند. اولویت اول اصلاحات در ایران، اصلاح سپاه و روش های جنگی آن بود. از جمله تحولات مهمی که در ایران عصر قاجار به وقوع پیوست، آشنایی ایرانیان با غرب بود. در ایران قرن ۱۹، غرب منبع الهام بخش برای تغییر، الگوبرداری و دنباله روی به شمار می آمد. ارتباط میان ایران و غرب در شرایطی اتفاق افتاد که غرب متمدنی و مدرن، نیرومند و مسلح بود و ایران در حالتی درمانده، عقب افتاده، ناآگاه و ضعیف با

اینچنین غربی مواجهه می کرد. نخستین سطح از تأثیرات آشنایی با غرب در دوره قاجار عبارت بود از نمایش ضعف‌ها و عقب ماندگی‌های عمیق جامعه ایران که در وجوه و سطوح مختلف تجلی می یافت. این پدیده به دنبال نخستین دوره جنگ‌های ایران و روس در دهه نخست قرن نوزدهم اتفاق افتاد. یک دهه جنگ با امپراتوری نیمه اروپایی روسیه، به یکباره مجموعه بیش از دو قرن پیشرفت و ترقی اروپا پس از رنسانس و انقلاب صنعتی را به گونه‌ای عریان و آشکارا در مقابل چندین قرن رکود و عقب ماندگی ایرانیان قرار داد. جنگ با روسیه و پیامدهای زیانبار آن، از جمله از دست رفتن بخشهای وسیعی از شمال ایران به دلیل نبود رشادت، مقاومت و دلاوری سربازان ایرانی در مقایسه با روس‌ها نبود؛ بلکه مهمترین دلیل شکست ایرانیان آن بود که فداکاری و از خود گذشتگی آنها به تنهایی نمی‌توانست پاسخ مناسبی برای توپخانه جدید و تفنگ‌های دورزن و دقیق سواره نظام روسیه باشد. تهور و غیرت طایفگی و عشایری قوای ایران قادر به مقابله با انسجام و سلسله مراتب فرماندهی ارتش بالنسبه مدرن روسیه نبود. در این میان، فرماندهان ایرانی، بالاخص عباس میرزا، دریافتند که سبک جنگیدن تغییر یافته و مقولاتی همچون طرح، نقشه، استراتژی، لجستیک، توپخانه متحرک، یونیفرم، پشتیبانی و ... سازمان نظامی مدرن از الزامات جنگیدن به شیوه مدرن است. (قراگوزلو، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۲)

جنگ‌های جدید، سلسله مراتب فرماندهی و دانش جدید نظامی می‌طلبید، در حالی که تنها نظم و سلسله مراتب حاکم بر قوای نظامی ایران، نظم و سلسله مراتب «ریش سفیدی»، «کدخدامشی» و «ایلخانی» طایفگی بود. سربازان ارتش ایران پیش از آنکه تحت امر افسران و مقامات مافوق خود باشند، متأثر از سنت‌ها و مناسبات طایفگی و عشیره‌ای بودند. در اثر جزیی‌ترین اختلاف‌ها، دسته جمعی و به صورت قبیله‌ای و

عشیره‌ای قهر کرده و دست از جنگ می‌کشیدند. مجموعه این مسایل سبب شد که دولتمردان ایرانی به همراه عده‌ای از رجال نواندیش درباری، پس از تحقیق و تفحص در باب علل شکست ایران در جنگ‌های ایران روس درصدد اصلاح و نوسازی ارتش با الگوبرداری از ساختار ارتش‌های مدرن غربی برآمدند. (زرگری نژاد، ۱۳۸۶: ص ۸)

نظریه ترقی در پرتو اقتدار نظامی، اندیشه محوری اصلاح طلبان عصر قاجاری بخصوص دوره مظفری بود. دولتمردان قاجاری ایجاد دگرگونی سیاسی و اجتماعی و طریق نجات ملک و ملت از عقب ماندگی را اصلاحات نظامی و تشکیل ارتشی قدرتمند می‌دانستند. اصلاح طلبان قاجاری، دولتمردان ایران و شخص شاه از دوره قائم مقام و عباس میرزا به بعد معتقد بودند اگر چه با توجه به وضع موجود، خرید محصولات و مصنوعات مدرن نظامی اجتناب‌ناپذیر بود، اما راه رفع نیازهای جدید-الظهور، صرفاً با مشاهده و خریداری تولیدات دول غربی ممکن نبود. تصور بر این بود که راه حل مسأله، در تعلیم و تربیت افراد جامعه و انتقال فنون نظامی و صنایع به داخل کشور است. بنابراین تعلیم و تربیت نیروی ماهر و متخصص با کمک مستشاران و معلمان نظامی و تأسیس کارخانه‌های اسلحه‌سازی و توپ‌ریزی برای قطع احتیاج از بیگانه، اساس راهبرد نوسازی به شمار می‌رفت. (اعضاء السلطنه، ۱۳۷۰: ۹۷ و ۱۰۱)

در این زمان، ایران می‌بایست به طور جدی درصدد تعلیم و اصلاح ارتش بر می‌آمد. ایران برای مقابله با روس‌ها به یک ارتش مدرن و کارآمد نیاز داشت و برای دست یافتن به چنین ارتشی مجبور بود از کشورهایی که در این زمینه به پیشرفت‌هایی نائل آمده و صاحب تکنولوژی مدرن نظامی بودند، تقاضای کمک کند. از میان کشورهای اروپایی که دارای نیروهای منظم و مجهزی بوده و لشکریان خود را با سلاح‌های آتشین و توپخانه سنگین آراسته بودند، کشور اتریش توجه شاهان قاجار را به خود

جلب کرد. گام اول در راه اصلاح قشون ایران پس از استخدام صاحب منصبان و معلمین خارجی و بخصوص اتریشی، آسیب شناسی علل ناکارآمدی قشون سنتی ایران و پی ریزی ساختاری جدید با کمک اروپاییان بود. از دیگر ضعف های قشون سنتی قاجار، عدم اطلاع از مهندسی جنگ و فنون نظامی بود. آنان از فنون جدید سنگربندی و استحکامات نظامی بکلی بی خبر بودند. (مقتدری، ۱۳۱۹: ۲۴۵) هیچگونه نقشه جغرافیایی در ایران وجود نداشت و فرماندهان نظامی تاکنون نقشه های جغرافیایی را ندیده و از ارزش و اهمیت این موضوع بی اطلاع بودند. (گاسپار، ۱۳۶۵: ۲۵۳-۲۵۲)

هنگام جنگ هر قسمت بنا به دستور و دلخواه فرمانده خود می جنگید، بدون اینکه متوجه مقصد و هدف اصلی عملیات باشد. لباس متحدالشکل در قشون سنتی رایج نبود. (مقتدر، ۱۳۱۹: ۲۴۴-۲۴۵) هیچ گونه قاعده و نظام نامه ی ثابتی در خصوص روش سربازگیری وجود نداشت. درجه ها و رده های نظامی در این دوره، همان درجه ها و اصطلاحات دوره صفویه بود. در زمینه ترفیع درجه های نظامیان هیچ گونه قانون و نظم خاصی وجود نداشت و درجه بر حسب تمایل شخصی داده می شد. (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۵۳)

قشون سنتی فاقد پزشک و بیمارستان های نظامی بود و دلاک ها و سلمانی ها جای جراحان و پزشکان را پر کرده بودند. اداره کارپردازی وجود نداشت و انبارها و ذخایر جنگی در میان نبود. (آلفردو، ۱۳۶۲: ۷۴) بدین ترتیب بود که نوسازی در ایران در قالب گفتمان مدرنیته، با اصلاحات نظامی آغاز شد و بر آن متمرکز شد. دولت اتریش که از دیرباز به عنوان یکی از قدرت های نظامی در دنیا به شمار می رفت و مانند کشورهای انگلستان و روسیه نیز سابقه استعماری نداشته و در ایران منفور نبود، برای برقراری رابطه مورد توجه قاجاریان قرار گرفت. ناکامی و ناامیدی دولتمردان و نخبگان سیاسی ایران در عصر فتحعلیشاه از کمک ها و حمایت های دولت هایی چون انگلستان

وروسیه، در کنار تأثیر سفرهای ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به اروپا و اتریش، دولت ایران را به سمت همکاری با اتریش و درخواست کمک از این کشور با هدف انجام اصلاحات نظامی سوق داد.

روابط نظامی ایران و اتریش در عهد ناصری

نفوذ کشورهای روس و انگلستان در ایران عصر قاجار و دخالت های بی حد آنها در امور داخلی و خارجی که استقلال این کشور را تقریباً بی معنا کرده بود، برخی از رجال وطن پرست، ملی گرا و دگر اندیش ایرانی را واداشت که ضمن ابراز نفرت و انزجار از روند سیاست استعماری این کشورها در ایران، به منظور ایجاد تعادل در قدرت و نفوذ روس و انگلیس، امکان حضور نیروی سوم را در ایران فراهم آورند. امیرکبیر را می توان نظریه پرداز و کنشگر اندیشه نیروی سوم در ایران دانست. تلاش او برای استخدام معلمین اتریشی در دارالفنون و در ادامه استخدام مستشاران نظامی این کشور در راستای همین رویکرد انجام گرفت. سفرهای ناصرالدین شاه و سپس مظفرالدین شاه به اتریش، که گسترش روابط سیاسی و نظامی بین دو کشور را بدنبال داشت، نیز در راستای انجام همین هدف صورت گرفت. دولت اتریش در عصر قاجار در زمره قدرت های بزرگ به حساب می آمد و بر خلاف روسیه و انگلیس منافع خاصی در ایران نداشت و همچنین از سیاست های استعمار گرایانه و امپریالیستی نیز پیروی نمی کرد. علی رغم تلاش های امیرکبیر پیش از مرگش و علاقه ناصرالدین شاه به حضور اتریشی ها، روابط با این کشور از آنجا که زیر سایه سنگین روس و انگلستان قرار داشت پیشرفت چندانی نکرد و هیأت های اتریشی، مستشاران و معلمین این کشور در ایران دستاورد چندانی نداشتند.

پیشینه روابط ایران و اتریش

نخستین ارتباط ایران با اتریش در عصر قاجار، به دوره فتحعلیشاه می‌رسد. در این دوره شاهزاده نوگرای قاجاری، عباس میرزا که دغدغه ترقی و پیشرفت کشور خاصه در حوزه اصلاحات نظامی را داشت، تلاش بی‌حاصلی را برای کشاندن اتریش به مبارزات قدرت در ایران انجام داد. پس از آنکه مذاکرات عباس میرزا برای ارسال ۲۰ هزار تفنگ، ۵ هزار فشنگ و سایر ادوات جنگی به ایران نتیجه نداد، عباس میرزا طی یادداشتی از مترنخ صدراعظم اتریش خواست نمونه‌هایی از اسلحه‌های معمول در اروپا را به ایران بفرستد تا از روی دستورالعمل آنها در ایران ساخته شوند. مترنخ پاسخ را به همراه نمونه‌های خواسته شده توسط میرزا ابوالحسن خان شیرازی که به سفارت نزد اروپاییان رفته بود، به ایران ارسال داشت. (اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ۱۳۶۷: ۱۵۳۹-۱۵۳۸)

به نظر می‌آید این رابطه به دلیل درگیری عباس میرزا در جبهه‌های جنگ با روسیه چندان ثمری نبخشید. عباس میرزا همچنین مستأصل از تجاوزات روس و انگلیس و ناتوان از دفع آن، از مترنخ صدراعظم اتریش کمک خواست از ایران در برابر این دو کشور متجاوز حمایت کرده و به کمک تدابیر سیاسی مانع از تجاوزات آنها در مرزهای ایران بشود چرا که در این زمان صدراعظم اتریش پس از ناپلئون قدرتمندترین مرد اروپا به حساب می‌آمد. اما به نظر می‌رسد این درخواست که توسط داوود ملک شاه نظر شاهپورزاده ارمنی به نظر صدراعظم اتریش رسید، نتیجه‌ای نداشت. شاه نظر در سال ۱۲۴۲ ق برای طرح دعوای ایران به روسیه رفته بود. (نفیسی، ج ۱، ۱۳۳۵: ۱۱۹ و ۲۶۳) در دوره دوم جنگ‌های ایران و روس و همزمان با آن مذاکرات صلح نیز جریان داشت. داوودخان به عنوان نماینده ولیعهد به مذاکرات صلح اعزام شد. وی در

سال ۱۲۴۲ از طریق قسطنطنیه عازم پایتخت روسیه شد. در قسطنطنیه با نماینده دولت اتریش ملاقات کرده و تقاضا نمود این دولت واسطه ایران و روسیه برای پایان دادن به جنگ باشد. نماینده ایران طی نامه ای خطاب به صدراعظم اتریش علل اختلافات موجود را توضیح داد و به ویژه از اشغال اراضی ایران بر خلاف پیمان گلستان اعتراض کرد. داوودخان همچنین برای ورود به روسیه و صدور گذرنامه از نماینده و دولت اتریش کمک خواست اما علی رغم اقامت یک ماهه او در قسطنطنیه، امکان ورود به پایتخت روسیه فراهم نشد. (مدنی، ۱۳۶۹: ۱۹۲)

در زمان حکومت محمدشاه نیز هنگامی که حسین خان آجودان باشی برای شکایت از دخالت های نمایندگان انگلیس در امور داخلی ایران و مسأله هرات عازم انگلستان بود، برای فردیناند اول پادشاه اتریش نامه و هدایایی به همراه برد. در نامه یادشده، کمک و مساعدت دولت اتریش و وساطت آن دولت برای حل اختلافات ایران و انگلیس خواسته شده بود. اما به رغم مذاکرات آجودان باشی با مترنخ و اقامت ۵۰ روزه در این کشور نتیجه ای حاصل نشد زیرا تأکید اتریش همواره بر حفظ بی طرفی و عدم دخالت در امور خارجی و داخلی سایر دول بود. (محمد تقی خان سپهر، ج ۲، ۱۳۷۷: ۷۰۱-۷۰۰)

اولین ارتباط نظامی ایران به صورت جدی با اتریش هم زمان با تأسیس مدرسه دارالفنون و برگزاری جشن افتتاح آن بود. جشن دارالفنون با حضور شاه و درباریان، رجال کشوری و لشکری، هیأت ها و نمایندگان کشورهای خارجی و معلمین و پذیرفته شدگان برگزار شد. نمایندگان کشور اتریش از جمله هیأت های خارجیروز افتتاح بودند. معلمان اتریشی در ۲۷ محرم سال ۱۲۶۸ هجری قمری دو روز پس از عزل امیرکبیر به تهران رسیدند. البته از آنجایی که شعبه علوم نظامی مدرسه ۸ ماه پیش از

افتتاح رسمی آغاز به به کار کرده بود، دو تن از افسران اتریشی به نام های «نمیرو» و «گومنز» ماه ها قبل از ورود هیأت اتریش به ایران آمده و تحت نظارت امیر کبیر به تدریس و تعلیم مشغول شدند. امیر کبیر برای استخدام معلمین اتریشی رایزنی های بسیاری با شاه کرده و لزوم انجام آن را تفهیم کرده بود. او میدانست که ترقی و گسترش دارالفنون و رشته های مختلف آن بدون حضور معلمین خارجی امکان پذیر نخواهد. در مورد استخدام نیروهای خارجی معتقد بود معلمان خارجی باید از دخالت در امور داخلی کشور خودداری کنند لذا از بکارگیری نیروهای روسی، انگلیسی و فرانسوی شدت روی گردان بود و اتریشی ها را ترجیح می داد. به علاوه، در کنار اهمیت بی طرفی دولت اتریش در امور ایران، توجه خاص امیر کبیر به دولت های آلمان و اتریش، در این اقدامش برای استخدام معلمین اتریشی مؤثر بود. او در صحبتش با نمایندگان اروپایی اغلب از شیوه های حکومتی و نظامی اروپای آلمانی صحبت می کرد. (آدمیت، امیر کبیر و ایران، ۱۳۴۸: ۳۵۶) امیر کبیر قبل از مرگ درباره معلمین اتریشی و اهمیت حضور آنها در دارالفنون به داودخان نماینده ایران در اتریش که مسئول استخدام اتریشی ها بود توضیح داده بود. شاه نیز از ورودشان خوشحال شد و داودخان را به دریافتحمایل سرخ سرتییمفتخر کرد. (آشتیانی، ۱۳۶۳: ۱۶۱-۱۵۸) دکتر پولاک در خصوص ورودشان به دربار می نویسد:

«ما در ۲۴ نوامبر ۱۸۵۱ به تهران وارد شدیم. پذیرایی سردی از ما نمودند. کسی به پیشواز ما نیامد و اندکی پس از آن آگاه شدیم که در این میانه اوضاع دگرگون شده است و چند روز پیش از ورود ما، در پی کارشکنی های درباریانو به ویژه دسیسه های مادر شاه، که از دشمنان سرسخت امیر نظام بود، میرزا تقی خاناز کار بر کنار شده بود. اما همین که امیر از ورود ما آگاه شد، به میرزا داودخانگفته بود این

نمساوی‌های بیچاره را من به ایران آورده‌ام. اگر سر کار بودم، اسباب آرامش آن‌ها را فراهم می‌کردم، اما اکنون نگرانم به آنان خوش نگذرد. سعی کن کارشان رو به راه شود.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۰۶-۲۴)

داودخان از طرف دولت ایران با هیأت اتریشی قراردادهایی منعقد کرد. مفاد قراردادها که توسط امیرکبیر تدوین شده بود، نشان دهنده توجه امیر به استقلال ایران و منافع ملی بود. به عنوان نمونه در قرارداد «کرشش» معلم توب‌خانه آمده اگر معلم مورد نظر شکایتی از هر مسأله‌ای داشته باشد، باید مستقیماً به امنای دولت ایران رجوع کرده و به هیچ دولت خارجی برای واسطه‌گری رجوع نکند. حقوق معلمین اتریشی ۶۰۰ تومان و مدت قرارداد ۵ سال تعیین شد. همچنین مقرر شد دولت ایران هزینه رفت و برگشت هیأت اتریشی را بالغ بر ۲۰۰ تومان بود، تأمین کند. (آدمیت، ۱۳۴۸: ۳۵۹)

دارالفنون در روز یکشنبه ششم دی ماه ۱۲۳۰ برابر با پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ قمری، سیزده روز پیش از قتل امیرکبیر و با حضور ناصرالدین شاه، آقاخان نوری‌صدر اعظم جدید و گروهی از دانشمندان و معلمین ایرانی و اروپایی با ۳۰ نفر شاگرد رسماً گشایش یافت. اعتمادالسلطنه ضمن گزارش روز افتتاح، از حضور هفت معلم اتریشی سخن می‌گوید که درجه افسری داشته و همه از خانواده‌های بانفوذ در اتریش بوده و در کشور خود مناصب مهمی داشتند. (اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ۱۳۶۷: ۱۷۴۴-۱۷۴۵)

این هفت نفر عبارت بودند از:

کاپیتان گومنز، معلم پیاده نظام و فن رزم آرای

نایب اول کرزیر معلم توپخانه

کاپیتان زاتی معلم مهندسی

نایب اول نمر و معلم سواره نظام
دکتر پولاک معلم طب و جراحی و تشریح
کارنتا معلم معدن

فکتی معلم علوم طبیعی و داروسازی (واقع اتفاقیه، ۲۶ محرم ۱۲۶۸، نمره ۴۲)
در این مراسم همچنین از صاحب منصبان اتریشی که مدت خدمتشان به اتمام
رسیده بود، قدردانی شد. «بارون کومنس» که مدت دوسال در ایران خدمت کرده بود،
پانصد تومان انعام و ۶۰ تومان به قیمت یک طاقه شال دریافت کرد و به همراه «مسیو
نمیر» معلم سواره نظام که یک قطعه نشان نقره درجه اول یآوری دریافت کرده بود، به
اتریش (آستریه) بازگشت. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۴۵) اقدام امیر کبیر در خصوص
استخدام معلمان اتریشی را می توان در چهارچوب سیاست نیروی سوم تحلیل کرد. در
ارتباط با استخدام متخصصین خارجی، از آنجا که روسیه و انگلیس با هم در رقابت
بودند، استخدام نیرو از هریک از دو کشور مخالفت و دشمنی دولت دیگر را بر می
انگیخت، لذا امیر کبیر استخدام معلم از یک دولت بی طرف را به مصلحت دانست.
(آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۹۰)

تجربه تلخ ایران در دوران فتحعلیشاه و محمدشاه، در خصوص استخدام هیأت های
مستشاری از کشورهایی چون فرانسه، دلیل دیگر روی آوردن امیر کبیر به اتریش به
عنوان نیروی سوم بود. معلمان و صاحب منصبان روسی، انگلیسی و فرانسوی نشان داده
بودند که کوچکترین تعهدی نسبت به ایران ندارند و تأمین منافع دول متبوعشان تنها
دغدغه آنهاست. این متخصصین در طول اقامتشان در ایران نه تنها کمکی به اصلاح
امور نمی کردند بلکه با هدر دادن منابع ایران، در امور داخلی کشور نیز دخالت می
کردند. با دیدن این تجربه زیسته، سیاست امیر کبیر بر عدم دخالت مستشاران و معلمان

خارجی در امور داخلی کشور قرار گرفت و این مساله را به هیأت اتریشی به خوبی تفهیم کرد. (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۰۶)

علاوه بر دلایل فوق، قدرت اتریش در سطح جهانی نیز در توجه امیرکبیر به این کشور مؤثر بود. اتریش در دوران حکومت خاندان هابسبورگ که از زمان صفویه تا جنگ جهانی اول به طول انجامید، به ویژه در دوران امپراطوری فرانسوا ژوزف اول در نیمه دوم قرن نوزدهم، از جمله قدرت های اروپا بود و بخصوص در امور نظامی که مورد توجه دولت های عصر قاجار بود، پیشرفت شایانی کرده بود. از این رو امیرکبیر برای آشنا کردن دانش آموزان ایرانی با جدیدترین اسلوب و فنون جنگ و جنگ افزارها و همچنین ایجاد توازن قوا در ایران، از اتریشی ها بهره گرفت.

موانع کار معلمین و متخصصین اتریشی در ایران

علی رغم تلاش معلمین و مستشاران اتریشی، نتایج مد نظر امیرکبیر حاصل نیامد. ناکامی اتریشیان دلایل مختلف داشت که مهم ترین آن کارشکنی ها و دشمنی های روس و انگلیس بود؛ رویه این دو کشور برای از میدان بدر کردن نیروی سوم پیشتر نیز رخ داده بود. توطئه چینی، تطمیع درباریان در جهت مخالفت با اتریشی ها، تفرقه افکنی و بدنام کردن معلمین و متخصصین اتریشی در میان سربازان و ایرانیان، از شیوه های معمول روس و انگلیس در مخالفت با نیروی سوم بود. انگلیسی ها از همان آغاز مخالفت خود با استخدام اتریشی ها را اعلام کرده و از ایتالیایی ها در برابر آنها حمایت کردند. در حالی که هیأت اتریشی نماینده ای در ایران نداشت تا از منافعشان حمایت کند و حتی از جانب دولت متبوعشان نیز حمایت نمی شدند زیرا هر کدام قرارداد جداگانه و شخصی با ایران بسته بودند، دولتین روس و انگلیس از حمایت سفارت و

نمایندگانشان برخوردار بودند. «جاستین شیل» وزیر مختار انگلیس در ایران در این خصوص به لرد پالمرستون می نویسد: «من مخالفت خود با استخدام اتریشی ها را به امیر کبیر از همان بدو امر اعلام کردم و تأکید کردم دولت های آلمانی تحت تأثیر روسیه هستند و آوردن معلم از آنجا فرقی با استخدام روس ها ندارد. به علاوه اینکه به مصلحت ما نیست که اجازه دهیم دولت ایران صاحب قشون قدرتمندی گردد.» (آدمیت، ۱۳۴۸: ۲۹۱)

به علاوه مخالفت عوامل داخلی و دشمنان دیرین امیر کبیر که در رأس آنها آقاخان نوری قرار داشت، دلیل دیگر این عدم موفقیت بود. دشمنان اصلاحات امیر کبیر بسیار کوشیدند مانع از تأسیس دارالفنون شوند، چون به هدف خود نرسیدند، پس از مرگ امیر کبیر در کار معلمین خارجی این مدرسه اختلال ایجاد کرده و ادامه کار را برای آنها دشوار ساختند. (همان)

عامل دیگر ناکامی هیأت اتریشی، فقدان وجود طرح و برنامه مشخص به ویژه پس از قتل امیر کبیر بود. دکتر پولاک با اشاره به این مطلب می نویسد: «امیر به درستی پیش بینی کرده بود که ما وظایف خود را نمی توانستیم نه آن طور که او می خواست و نه بدان صورت که خود می پسندیدیم، انجام دهیم.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۰۸)

به لحاظ بسترهای موجود برای ایجاد تغییرات به سبک نوین که بنا بود بدست مستشاران خارجی و اتریشی در زمینه های مختلف انجام شود، شرایط در ایران هم به لحاظ نظامی و هم اداری به گونه ای نبود که آموزش افسران و معلمین اتریشی به نتیجه مطلوب برسد. بسیاری از سربازان ایرانی به شیوه ها و اسلوب کهن و سنت خود پایبند بوده و الزامی برای فراگرفتن فنون جدید نمی دیدند. به علاوه تشکیلات نظامی ایران

فاقد یک ساختار و سیستم حقوقی و اداری منظم بود که کار را برای افسران اتریشی سخت می کرد. پولاک در خصوص موانع کار «افسر نمیر و» می نویسد: «او می بایست با این عقیده ایرانیان که آنان بهترین سوارکار و جنگاور هستند و نیازی به آموختن سوارکاری و شمشیر بازی ندارند، مقابله کند و اینکه اصولاً چگونه می توان سواره نظام مرتبی ایجاد کرد وقتی که مزد به صورت نامنظم پرداخت می شود و سرباز برای تعلیف اسب خود ناگزیر از گرو گذاشتن سلاح و زین و برگ خود است.» (همان: ۲۱۸) مانع مهم دیگر در راه انجام اصلاحات اتریشی ها، کارشکنی عوامل داخلی و درباریانی بود که اصلاح امور را به زیان خود می دانستند. به عنوان مثال آقاخان نوری که جانشین امیر کبیر شده بود، با اصلاحات او مخالف بود و مرتب چوب لای چرخ هیأت اتریشی می گذاشت و همچنین افرادی مثل کامران میرزا نایب السلطنه، که به دغل بازی و ستم و تعدی شهره بود و هرگونه بهبود در اداره امور کشور را به زیان منافع خود می دید، با دسیسه چینی و کارشکنی مانع موفقیت اتریشی ها می شدند. (پیشین: ۲۰۸) در نهایت هیأت اتریشی پس از مرگ «سروان زاتی» مهندس و «کارتای» معدن شناس، و استعفای «گومنز» معلم پیاده نظام پس از دو سال خدمت در سال ۱۲۶۹ق، باقی مانده اعضای هیأت اتریشی در سال ۱۲۷۵-۱۲۷۶ ایران را ترک کرده به اتریش بازگشتند. (آشتیانی، ۱۳۶۳: ۱۶۲)

هیأت های مستشاری اتریشی در ایران

در عصر ناصری به جز هیأتی که شامل معلمین اتریشی مدرسه درالفنون بود و توسط امیر کبیر به ایران دعوت شده بودند، سه هیأت مستشاری از اتریش به ایران آمد. این هیأت ها بعد از سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ و به ویژه به دنبال اصلاحات سپه

سالار به ایران دعوت شدند تا در بخش های مختلف به ویژه بخش نظامی مشغول به کار شوند. در عصر سپهسالار شاهد تلاش های او برای ایجاد تغییرات نوگرایانه در حوزه های مختلف سیاسی، اداری و نظامی هستیم. دغدغه های سپهسالار با علاقه شاه به نوسازی نظامی هم پوشانی هایی داشت. «تنظیمات جدید نظامی» که توسط سپهسالار طراحی و تدوین شده بود، مواردی را از قبیل وضع قوانین کارآمد، ایجاد تشکیلات جدید وزارت جنگ، گسترش مدرسه نظام، ایجاد روزنامه نظامی، تأسیس کارخانجات تسلیحات، خرید اسلحه از اروپا و استخدام معلمان نظامی از اتریش را در بر می گرفت. (آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، ۱۳۵۸: ۴۲۸)

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۵ برای دومین بار عازم فرنگ شد. در طول این سفر با دیدن سپاه قزاق روسیه و قشون منظم اتریش تصمیم گرفت دولشگر به سبک روسی و اتریشی تحت نظارت صاحبمنصبان روس و اتریش در ایران تشکیل دهد. دومین هیأت افسران اتریشی که مرکب از ۱۴ نفر بودند، به ریاست «سرهنگ شیونووسکی دشیونوویستن» در محرم سال ۱۲۹۶ ق وارد تهران شدند. این چهارده نفر عبارت بودند از:

سرهنگ شیونووسکی دشیونوویستن رییس هیأت

سرگرد بارون استوداک نایب رییس

سروان آنتون استاندیسکی افسر پیاده نظام

سروان شارل گرواس افسر پیاده نظام

دکتر سروان هول افسر توپچی

سروان شارل دوترستود واگنر افسر توپچی

ستوان یکم بارون ارنست دلitz افسر مهندس

ستوان یکم شوالیه دیل هولاییکووسکی افسر پیاده

شارل سلیک	افسر پیاده
فرانسوا کزاک	متخصص مخابرات
ستوان دوم فرانسوا شمو	افسر پیاده و آجودان رئیس هیات
ستوان دوم واخا	افسر مهندس قورخانه
ستوان دوم ژول ژبوئر	افسر موزیک
گستگرخان سرتیپ اول	مهندس باشی و مترجم (صنیع الدوله، ۱۳۶۷: ۳۵)

پس از ورود هیأت دوم مستشاری اتریش به تهران، مقرر شد دولت ایران قسمتی از سپاه خود را به عنوان نمونه برای تعلیم و تربیت در اختیار آنها بگذارد تا به روش و اسلوب اتریشی آموزش ببینند و در صورت کسب موفقیت کل ارتش ایران به سبک اتریشی در آید. (قائم مقامی، ۱۳۲۶: ۸۶)

بنا به تصمیم دولت و توافق با هیأت اتریشی، بنا شد که هر دو سال هفت هزار سرباز آموزش دیده تحویل دولت دهند. سپه سالار توجه خاصی به پیشرفت کار تشکیل ارتش نمونه داشت. در سال اول هفت فوج قشون با ۶۰۰ توپچی به صورت نمونه در اختیار اتریشی ها قرار گرفت. به قول لرد کرزن «اما این مطلب هم مثل سایر کارهای ایران منسوخ گردید و اکنون بعضی از صاحب منصبان مشغول تعلیم سایر افواج هستند و بعضی دیگر بی جهت میدان مشق را زرع می نمایند.» (کرزن، ج ۱، ۱۳۸۷: ۲۸۴)

تعداد ۷۲۰۰ سرباز به عنوان نمونه برای تشکیل سپاه «نمونه اتریش» در اختیار افسران اتریشی قرار گرفت که بدین صورت سازماندهی شد:

دو هنگ پیاده، یک هنگ مهندسی، یک هنگ توپخانه و یک دسته موزیک.

کار افسران اتریشی علی رغم پیشرفت های اولیه که حتی تحسین «سرهنگ استوارت» انگلیسی را نیز برانگیخت، در ادامه روندی رو به افول یافت و این تشکیلات و هنگ ها رفته رفته به کلی از میان رفتند. به طوری که تا سال ۱۳۱۰ از آن تشکیلات در وزارت جنگ نامی برده نمی شد. دلایل انحلال این قشون متعدد بوده و در بخش مربوط به مشکلات و موانع مستشاران اتریشی برای کار در ایران خواهیم پرداخت. لرد کرزن دلایل ناکامی هنگ های اتریشی را عدم تسلط افسران اتریشی بر زبان فارسی میداند که آموزش را برای آنها دشوار می کرد اما به نظر می آید کارشکنی ها و تفرقه افکنی های روس ها که اتریشی ها را خطری برای منافع خود و تهدیدی برای نیروی قزاق می دانستند، در ناکامی اتریشی ها مؤثرتر بوده است. روند کم شدن قدرت و نفوذ افسران اتریشی که همزمان با ترقی و توسعه کار روس ها در نیروی قزاق بود، ادامه یافت تا اینکه در عصر مظفری «نظام اتریش» بواسطه رقابت ها و کینه توزی های قزاق خانه و فقدان مواجب و نقدینگی منحل شد و واگنر و دیگر افسران اتریشی ایران را ترک کردند. (صفایی، ۱۳۴۹: ۲۰۴) همان طور که پیشتر گفته شد، همزمان با ساختن قشون نمونه اتریشی، دسته ای از سواره نظام ایران به سبک قزاق های روس و تحت نظر افسران روس درآمد. تعداد آنها در سال ۱۲۹۶ ق ۴۰۰ سوار بود که بیشترشان از مهاجرزادگان ابروانی بودند. آن عده ۴۰۰ نفری به فرماندهی سرهنگ «دموندویچ» و پنج صاحب منصب روسی که به استخدام دولت ایران درآمده بودند، هسته مرکزی قزاق خانه بعدی را تشکیل دادند. بین این نیرو و افسران اتریشی و قشون اتریشی همواره رقابت و درگیری وجود داشت. یک مورد از این اختلافات مربوط به حسابرسی نیروی قزاق بود که اتریشی ها اعتقاد داشتند نیروی قزاق به تعهداتش نسبت به دولت ایران عمل نکرده و حساب پس نمی دهد. از آنجا که کتابچه حساب قزاق ها به زبان فرانسه

نوشته شده بود، وزیر لشکر، درباریان و شاه قادر به فهم آن و روشن کردن مسایل نبودند. وزیر لشکر در حل این اختلاف، خطاب به ناصرالدین شاه ضمن گلایه از زودرنجی فرنگی ها که حتی نمی توان یکپرسش ساده از آنها مطرح کرد، گفت: «شهرت داده اند که با اطریشی و قزاق حرف نمی توان زد که می رنجند. کسی مدعی نیست که بگوید قانون اتریشی و قزاق را تغییر باید داد، تا آنها برنجند. لیکن اگر بگویند یک نفر میرزای ایرانی هم ثبت بردارد چه ضرر دارد. و اگر تحریک نشوند چرا می رنجند؟ صاحب منصبان خارجه اجیر دولت اند یا دولت علیه اسیر صاحب منصبان خارجه است؟» آدمیت معتقد است باز کردن پای افسران روس و تأسیس یک واحد نظامی در قلب یک کشور، اشتباهی بود که سپهسالار و شاه تحت فشار روسیه مرتکب شدند. (آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، ۱۳۵۸: ۴۲۲ و ۴۳۲)

اقامت «شیونووسکی» در ایران چندان طول نکشید. او در سال ۱۲۹۷ ایران را ترک کرده، به اتریش بازگشت. هیأت مذبور پس از اتمام قرارداد سه ساله، به اتریش رفتند و تنها «گسترخان» سرگرد «ستوداک» و سرگرد «واگنر» با تمدید قراردادشان به اقامت خود ادامه دادند. (قائم مقامی، ۱۳۲۶: ۸۵) در هیأت مزبور به جز صاحبمنصبان و افسران رده بالای نظامی، افرادی با عنوان معلم و دستیار نیز حضور داشتند که اسامی و سمتشان از این قرار است:

صورت دستمزد و هزینه دستیاران نظامی اتریش در ایران ۱۲۹۶ ق

نام	موجب سالانه	مخارج راه	سمت
ماژور سیس	۱۵۰۰۰ ت	۲۵۰۰ ت	معلم

معلم	۲۵۰۰ ت	۱۵۰۰۰ ت	ماژور (بدون نام)
	۲۵۰۰ ت	۱۵۰۰۰	اسلحه ساز
	۲۵۰۰ ت	۱۵۰۰۰ ت	اسلحه ساز
معلم توپخانه	۲۵۰۰ ت	۲۴۰۰۰ ت	کلنل شمیل
مأمور مالیه	۱۳۵۰۰ ت	۲۶۰۰۰ ت	بارون ویس
معلم فتون جنگی	۲۵۰۰ ت	۲۴۰۰۰ ت	کلنل هانس

(سال ۱۲۹۶ کاترین ۱۶ پرونده ۱۶ سند ۹۳۹)

هیأت سوم مستشاران اتریشی مرکب از نه نفر در سال ۱۲۹۹ ق وارد تهران شدند.

اعضای این هیأت عبارت بودند از:

افسر سواره نظام	سروان اسملاک
افسر توپخانه	سروان دپروشنک
افسر پیاده نظام	سروان کار پسار
افسر مخابرات	ستوان یکم بارون دوودل
استوار سوار نظام	دکومینسکی
افسر توپخانه	که لر
افسر مخابرات	پرمی نی
افسر مخابرات	پاترنستر
افسر پیاده نظام	مت

(ابراهیم خان شیبانی، ۱۳۵۱: ۱۹۶-۱۹۴)

ارسال جنگ افزار از اتریش به ایران و اصلاح پیاده نظام و سواره نظام

ورود جنگ افزارهای مدرن یکی دیگر از اقدامات نوگرایانه عصر ناصری در حوزه نظامی بود. تقویت توپخانه یکی از مهم ترین بخش های نوسازی قشون ایران بود. توپ های ایران اغلب قدیمی و پوسیده بودند و تقریباً توسط دول همسایه ایران در عملیات نظامی به کار گرفته نمی شدند. بنابراین عباس میرزا اصلاح توپخانه ایران را در برنامه کار خود قرار داد که این کار در ابتدا با کمک اعضای هیأت گاردان صورت پذیرفت. گاردان فابویه (Fabvier) را مسئول اصلاح توپخانه کرد «فابویه» با گرفتن اختیارات تام از فتحعلیشاه در ژانویه ۱۸۰۸ م. / ذی قعدة ۱۲۲۲ ق. متعهد شد ... سالی پنجاه عراده توپ کامل با همه وسایل و شبیه به همان توپ روسی که از نظر فتحعلیشاه عزیز و مقدس بود، تحویل دهد.» (احمدی، ۱۳۸۲: ۶۶) او موفق شد که یک کارخانه توپ-ریزی در اصفهان دایر کند و به ساختن توپ های صحرایی بپردازد. اهمیت کار فابویه از آنجا مشخص می شود که اوژن فلاندن هنگامی که می خواهد توپخانه ایران را توصیف کند، توپخانه را از یادبودهای این افسر می داند و می گوید فابویه بود که توپچیان ماهر را تربیت کرد. (فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۴۹) با تلاش های بی وقفه فابویه، توپخانه ایران سر و سامانی گرفت و تعداد بیست عراده توپ به سبک نظام اروپایی ساخته شد. میرزا فضل الله خاوری شیرازی در خصوص ایجاد و توسعه توپخانه ایران در زمان نایب السلطنه می نویسد: «از همت صاحبقران یگانه در دارالخلافه و دارالسلطنه تبریز بنای نظام توپخانه برپا شد و عراده های توانا به رسم و قاعده اروپا ساختند ...» فابویه بعد از ساخت ۲۰ عراده توپ، دستور فرستادن تمام این وسایل را به تهران دریافت نمود. وی پس از ۳۶ روز راهپیمایی با توسل به نیروی گاوی بیش از ۳۰۰ کیلومتر را پشت سر گذاشته و در ۳۱ دسامبر وارد تهران شد. در تهران از فابویه به سردی استقبال شد. علت

آن نیز این بود که در پایتخت ایران باد سیاست به نفع انگلیس تغییر جهت داده بود. (سریکس، ۱۳۵۰: ۱۲)

با رفتن هیأت گاردان از ایران، افسران انگلیسی در اصلاح توپخانه دنباله کار افسران فرانسوی را گرفتند. «از جمله رکن اعظم نظام جدید ساختن توپ و مشق توپ‌اندازی است. حضرت نایب السلطنه توپچیان چابک دست دوزخ شرار از انگلیسی و فرانسه چون مستر لنزی و غیر او تعیین و مقرر فرمود جوانان توپخانه دلیبر باغیرت و قاعده‌دان توپچی گرفتند و بنای مشق کردن نهادند. کوره توپ‌ریزی و چرخ شوراخ کردن توپ بوضع فرنگ ساخته گردید و از اول تا کنون قریب صد قبضه توپ صخره کوب جهان- آشوب از کوره بیرون آمده و به سعی استادان ایرانی صورت اتمام یافته است.» (دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۳۳) افسران فرانسوی و انگلیسی هر کدام در دوره خود اقداماتی در جهت توسعه و پیشرفت توپخانه ایران به سبک نظام جدید اروپایی انجام دادند. آنها در این راه به پیشرفت‌هایی هم دست یافتند اما به دلیل نبود امکانات کافی در اختیار صاحب منصبان نظامی و همچنین تغییر سیاست و راهبرد دولت‌های انگلیس و فرانسه نسبت به ایران، دامنه فعالیت مستشاران نظامی در ارتش ایران محدود شد. اقداماتی که در دوره عباس میرزا توسط صاحب منصبان نظام اروپایی در زمینه توپخانه انجام شد، اگر چه نتیجه چندان رضایت بخش و پیروزمندانه‌ای به دنبال نداشت اما همین که اولین گام - آشنایی ایرانیان با توپخانه متحرک و مدرن اروپایی برداشته شد، حائز اهمیت بود. با رفتن فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها از ایران در پی عدم پابندی دولت هایشان به تعهدات در قبال ایران، بی‌نظمی و اغتشاش بار دیگر قشون ایران را دربرگرفت. دولت ایران اینبار به سراغ اتریش رفت تا قشون خود را بر اساس الگوهای اتریشی و آلمانی که در آن روز یکی از قدرت‌های نظامی جهان به شمار می‌آمدند، اصلاح کند. اصلاح

قشون آذربایجان که در واقع قلب سپاه ایران به حساب می آمد، در اولویت برنامه نوسازی نظامی دولت قرار داشت. در همین راستا دولت ایران از اتریش خواست برای تقویت سپاه آذربایجان چند اراده توپ به همراه کاتالوگ بفرستد. (سال ۱۲۸۶، کارتن ۱۳، پرونده ۲۸ سند شماره ۳ و ۵)

به جز هیأت های رسمی نظامی که شرحش گفته آمد، در فواصل مختلف زمانی دولت ایران، افسران و مقامات نظامی اتریش را به خدمت می گرفت. در سال ۱۳۱۴ ق طی چند قرارداد بین دولت ایران و وزارت جنگ اتریش مقامات نظامی این کشور برای بررسی وضعیت قشون ایران و آموزش سربازان ایرانی برای فنون جدید جنگی به ایران آمدند. «مسیو اندر» برای تعلیم روش استفاده از توپ ماکزیم، به مدت ۴ تا ۶ ماه، با حقوق ماهی ۲۰۰ فلورن طلا از طرف وزارت جنگ استخدام شد. وزارت جنگ همچنین تمام هزینه های رفت و برگشت معلمان اتریشی را متقبل شد و مبلغ ۳۵۰ فلورن طلا برای هزینه سفر به مسیو اندر پرداخت کرد. قشون ایران که از مدت ها قبل تحت تعلیم اتریشی ها قرار گرفته بود تا حدی از ساختار سنتی خود خارج شده و سبکی جدید یافته بود. ادامه این روند رو به رشد در قشونی که اینک «ارتش جدید» خوانده می شد، مستلزم ادامه فعالیت معلمان اتریشی در رده های سواره نظام و پیاده نظام بود. اصلاح و نوسازی در پیاده نظام از دوران عباس میرزا و توسط افسران روسی آغاز شد اما با شروع جنگ های ایران و روس و توقف عملیات نوسازی سپاه، چند سال بعد مطابق عهدنامه فین کنشتاین مریان نظام فرانسوی به ریاست ژنرال گاردان تعلیم و تربیت پیاده نظام ایرانی را بر عهده گرفتند. (نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ۱۳۳۵: ۹۶)

بعد از ورود هیأت گاردان، «سروان وردیه» افسر پیاده نظام، مسئولیت تعلیم و تنظیم لشکر پیاده ایران را برعهده گرفت. افسران فرانسوی دو لشکر پیاده نظام به سبک اروپایی ایجاد کردند. یکی لشکر سرباز و دیگری لشکر جانباز. (مقتدر، ۱۳۱۹: ۲۴۱)

آنها علاوه بر تهران پادگان هایی نیز در آذربایجان و مازندران ساختند. سپاهیان آذربایجانی را «سرباز» و سپاهیان مازندرانی را «جانباز» می نامیدند. (ذکا، ۱۳۵۰: ۲۳۸)

پیاده نظام «سرباز» شامل دوازده هنگ و هر هنگ شامل هزار نفر بود. این گروه عموماً از اهالی آذربایجان و تحت فرمان ولیعهد بودند. (بینا، ج ۱، ۱۳۴۸: ۷۷)

پیاده نظام «جانباز» نیز از دوازده هزار نفر تشکیل می شد که عموماً از اهالی مازندران بودند. فرمانده آنان نیز یوسف خان گرجی سپهدار بود. (ذکا، ۱۳۵۰: ۲۳۸)

اما ادامه کار افسران فرانسوی در اصلاح قشون ایران، با برهم خوردن روابط دیپلماتیک ایران و فرانسه و بازگشت فرانسوی ها به کشورشان، متوقف و نظم و ترتیب جدید نیز به فراموشی سپرده شد. در دوران ناصرالدین شد مقرر شد افسران و صاحب منصبان اتریشی پروژه نوسازی قشون ایران را انجام دهند. «مسیو کروس» سرهنگ اتریشی به مدت بیست روز با هدف تعلیم سربازان ارتش جدید از طرف دولت ایران استخدام شد. به گزارش لشکر نویس نظام، میرزا ارفع خان، سربازان به خوبی آموزش دیده و ملبس به لباس نظامی بودند. فوج تحت تعلیم در ساری اردو زده و اهالی ساری با تعجب و شغف زیادی نظم و تربیت و مهارت جنگی این فوج را می نگریستند. امیرالامرا عظام سهام الدوله یکی از صاحب منصبان نظامی ایران از این فوج سان دیده و رضایت خود را اعلام کرده بود. (سال ۱۳۱۴ کارتن ۲۹ پرونده ۵ سند شماره ۱۰۵)

تقویت سواره نظام قشون ایران در راستای طرح کلی نوسازی ارتش ایران، در عصر قاجار و دوران زمام داری محمد علیشاه نیز مورد توجه قرار گرفت. دولت ایران از

طریق وزیر مختار اتریش در ایران تقاضای خود را مبنی بر استخدام یک ژنرال اتریشی با هدف تعلیم سربازان ایرانی بخصوص در رده سوار نظام، مطرح کرد. وزیر مختار اتریش داشتن اختیار تام و آزادی عمل برای ژنرال اتریشی و هیأت همراه را شرط پذیرش تقاضای ایران دانست. وزیر مختار اتریش استدلال کرد از آنجا که قشون ایران در دوره های مختلف تحت تعالیم متفاوت قرار گرفته اند و سبک های روسی، آلمانی و ایتالیایی را تجربه کرده اند، اگر اتریشی ها در انجام خدمات خود اختیار تام نداشته باشند، آمدن به ایران بی ثمر خواهد بود. (سال ۱۲۵۰ کارتن ۲۰ پرونده ۲)

شاه ایران همچنین در تلگرافی به نریمان خان وزیر مختار ایران در اتریش، ضمن توضیح آشفتگی، نابسامانی و ضعف لشکر آذربایجان خطاب وزیر گفت: دولت ایران نیاز مبرم به استخدام صاحب منصبان اتریشی برای رسیدگی و بسامان کردن لشکر آذربایجان دارد. لذا برای استخدام یک ژنرال، یک مهندس، یک توپ ریز، یک مسئول نگهداری قورخانه و ۵ سرجوخه با دولت و وزارت جنگ اتریش وارد مذاکره شوید. شاه در ادامه متذکر شد: نکته مهمی که باید در قرارداد استخدامی لحاظ شود این است که افرادی که به استخدام دولت ایران در می آیند تعهد دهند که به کشور ایران وفادار بوده و در صورت بروز جنگ میان ایران با هر کشور دیگری، این افراد به نفع ایران بجنگند. استخدام این افراد باید پس از انجام تحقیقات زیاد و با وسواس صورت گیرد. انتخاب افراد به گونه ای نباشد که صاحب منصبان خود با یکدیگر مشکل و اختلاف داشته و این اختلافات بر روی کیفیت کارشان در ایران تأثیر بگذارد زیرا دولت ایران به دنبال افرادی است که با خیال راحت زمام لشکر آذربایجان را بدست آنها بسپارد. (همان)

یکی از بخش‌هایی که در عصر قاجار مورد توجه و اهتمام اصلاح‌گران و نوسازان این حوزه قرار گرفت، سربازان سواره نظام بود که ساختار ایلیاتی، جنگ افزارها و اسلوب و فنون جنگیدن این سربازان، سواره نظام قشون ایران را مانند سایر بخش‌ها، به شکل ناکارآمدی درآورده بود. بنابراین اصلاح آن با اسلوب مدرن از الزامات نوسازی ارتش در این دوره بود. در ساختار سنتی ارتش ایران، دسته‌های سواره نظام از میان افراد ایلات صحرانشین جمع‌آوری می‌شد. این دسته‌ها مرکب از واحدهایی بودند که هر کدام از یک رئیس ایل اطاعت می‌کردند. (ورهرام، ۱۳۶۷: ۱۰۴)

به هنگام نبرد، دولت به تمام ولایات فرمانی مبنی بر جمع‌آوری نیروها می‌فرستاد و هر منطقه نسبت به استعداد و وضعیت خود سوارانی مسلح به دربار روانه می‌کرد. (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۵۳) سواران تحت رهبری رؤسای خود قدم در میدان جنگ می‌گذاشتند و جز او، از کسی اطاعت نمی‌کردند. (مقتدر، ۱۳۱۹: ۲۴۰) عده سواره نظام ۱۴۴,۰۰۰ نفر بود. (آلفردو، ۱۳۶۲: ۷۲)

سواره نظام در قشون سنتی اهمیت زیادی داشت و تعداد افراد آن همیشه سه یا چهار برابر افراد پیاده نظام بود. «آنها تابع هیچ گونه نظم و ترتیب خاصی نبودند. به هنگام نبرد چهار نعل و بدون هیچ ترتیبی به سمت دشمن حمله می‌بردند. اگر دشمن متزلزل می‌شد، ایستادگی می‌کردند، در غیر این صورت با بی‌نظمی تمام، عقب می‌نشستند.» (همان) تاکتیک و شیوه جنگی سواره نظام برگرفته از روشی بود که پارت‌ها در دوران باستان به گونه جنگ و گریز به کار می‌بردند. کلیه سواران عشایر به خرج خود مسلح می‌شدند. اسب، تجهیزات جنگی و سایر هزینه‌های مرتبط با سوار، با سران ایل بود که او نیز این وجه را از ایل‌نشینان وصول می‌کرد. آنان به اشکال مختلفی مسلح می‌شدند و هر کس به دلخواه خود، سلاح مورد علاقه خویش را انتخاب می‌کرد. (قوازانلو، ۱۳۱۵: ۶۹۴)

در دوره فتحعلیشاه قاجار در اثر تلاش های نوگرایانه عباس میزرا در راه تشکیل ارتش جدید با کمک علم و عمل اروپایی، سواره نظام نیز به سان پیاده نظام تحت تعلیم و آموزش مربیان نظام فرانسوی و انگلیسی قرار گرفت. گاردان برای تعلیم، تربیت و ایجاد تیپ سواره نظام منظم مسیو «پنن» را برگزید. سواران عشایر و ایلات به وسیله این افسر آموزش های نظامی را فرا گرفتند. (همان: ۶۸۷) عباس نجمی در خصوص سواره نظام منظم می نویسد: «سواره نظام قشون عباس میرزا به سبک فرانسوی سازمان داده شده اند. افراد آن از میان شجاع ترین مردان ایران انتخاب گردیده است و اسب های عربی و ترکمنی را که بهترین اسب ها برای جنگیدن ساخته شده در اختیار دارند.» (نجمی، ۱۳۶۶: ۱۲۶) سواره نظام منظم از ۲۰ گردان تشکیل شده بود که چهار واحد آن به نیزه و یکی با قرابینه (carabine: کارابین، تفنگ لوله کوتاه) مجهز بودند. در هنگام جنگ هر یک از این گردان ها می بایست هسته مرکزی یک هنگ را تشکیل می دادند. (دروویل، ۱۳۶۵: ۲۷۴) تجهیزات نظامی سواره نظام عبارت بود از: «نیزه ای که در انتهای آن نوار کوچکی به رنگ قرمز نصب شده است، یک شمشیر، یک طپانچه و یک تفنگ...» (نجمی، ۱۳۶۶: ۱۲۷-۱۲۶) نیزه سواره نظام از روی نمونه های متداول در اروپا، ساخته شده بود. تعدادی از شمشیرهای مورد استفاده نیز ساخت انگلیس بود که توسط ژنرال مالکم به ولیعهد هدیه داده شده بود. لباس سواران نیزه دار از نیم تنه ای از ماهوت آبی آسمانی بود که یقه و سردست قرمز، تزیین شده بود. لوازم چرمی آنها به رنگ سفید بود و مانند کلیه قوای منظم ایران کلاه های بلند بر سر می گذاشتند. سواره نظام منظم برخی از سستی های خود را حفظ کردند «... زین و برگ های سستی خود را داشتند ... و فقط رکاب های اروپایی را جانشین رکاب های شرقی کرده اند ...» (دروویل، ۱۳۶۵: ۲۷۶)

افسران فرانسوی تحت نظارت و دقت عباس میرزا تلاش خود را برای اصلاح و مدرن کردن بخش سواره نظام قشون ایران انجام دادند اما موانعی چون فقدان امکانات لازم و عدم توجه کافی حکومت مرکزی در تهران و فشار روسیه در برافروختن شعله های جنگ، سبب شد سربازان بدون آنکه دوره تعلیماتی خود را به اتمام برسانند، پس از چند ماه به جبهه های جنگ اعزام شوند. با عمیق شدن اختلافات ایران و فرانسه و ایران و انگلستان، دوران همکاری افسران فرانسوی با قشون ایران به پایان رسید و با رفتن آنها و همچنین مرگ عباس میرزا پروژه نوسازی ارتش و سواره نظام به فراموشی سپرده شد. در عصر ناصری و متأثر از گفتمان نوخواهی و تجددطلبی، و همچنین در راستای تحقق آرمان های ملی گرایان نواندیش مبنی بر لزوم داشتن ارتشی قوی و مدرن که پیش شرط داشتن ایرانی آباد و آزاد تلقی می شد، مسأله اصلاح سواره نظام ارتش ایران در چهارچوب نوسازی کل ارتش مورد توجه قرار گرفت. اینبار متخصصین اتریشی از طرف دولت ایران مسئولیت این کار را بر عهده گرفتند. در عهد ناصری وزارت جنگ کوشید موافقت ژنرال «بارون هایمرله» یکی از ژنرال های برجسته اتریشی را برای خدمت در ایران و آموزش سوار نظام جلب کند. (سال ۱۳۰۱ ق کارتن ۱۸ ص ۱۹)

در عصری ناصری در کنار استخدام صاحب منصبان اتریشی که با هدف آموزش سربازان صورت می گرفت، دغدغه ای جدی برای برای اقدامی بنیادین تر و جدی تر در راه اصلاح و نوسازی ارتش وجود داشت. مدرسه نظام طی مکاتباتی به وزارت خارجه نوشت: این مدرسه برای تربیت نیروهای کارآمد که به متدهای جدید جنگی آشنا باشند نیازمند معلمین و مهندسینی است که با علوم هندسه، ریاضیات و جرثقیل آشنا باشند زیرا اشراف بر این علوم به صورت تئوری و عملی، اساس و مقدمه فن توپ ریزی است. و

چون چنین مهندس هایی اکنون در ایران وجود ندارند، برای تقویت مدرسه لازم است دولت این افراد را از کشورهای اتریش و فرانسه استخدام کند. (همان)

اعطای نشان

رضایت مقامات ایرانی از فعالیت و خدمات اتریشی ها در ایران که در بخش های مختلف سیاسی، نظامی و گاهی فرهنگی مشغول به کار بودند را می توان از برگزاری مراسم اعطای نشان دید. طی این مراسم نشان های شیرو خورشید در درجات مختلف به مأمورین دیپلماتیک و کارگزاران و مستشاران نظامی داده می شد. در بعضی از موارد اعطای این نشان ها به درخواست مقامات اتریشی مقیم ایران با هدف نزدیکی روابط بین دو کشور و همچنین گرفتن امتیاز از دولت ایران صورت می گرفت. در سال ۱۳۱۴ ق مراسم اعطای نشان طلا به مقامات اتریشی بدین صورت انجام گرفت:

نام	سمت	نشان
مسیو ریشارداین هاییر	شارژدافر اتریش در تهران	مدال درجه دوم
مسیو کنف آلبرت	مستشار وزارت خارجه در ارومیه	سه قطعه مدال درجه دوم
مسیو ژول دوهفت	پیشکار امپراطور اتریش	سه قطعه مدال درجه دوم
مسیو لواتن دوول	منشی وزارت خارجه	مدال درجه سوم
مسیورابیل سولوب	سیاح و جهانگرد	دو قطعه مدال درجه دوم

(سال ۱۳۱۴ کارتن ۲۲ پرونده ۱۱ سند شماره ۱۳)

در کنار اعطای نشان شیرو خورشید که از طرف دولت ایران به صاحب منصبان اتریشی و اغلب به درخواست سفارت اتریش در ایران انجام می گرفت، امتیاز دیگری نیز به صورت درجات نظامی به برخی از مستشاران و معلمین نظامی اتریش داده می شد که دریافت کننده را

از مزایای زیادی به لحاظ جایگاه و مواجب برخوردار می کرد. این درجات به دو صورت افتخاری و دائمی وجود داشت که شکل اول پس از پایان دوران خدمت صاحب درجه، از اهمیت ساقط می شد. (سال ۱۳۲۶ کارتن ۶ ۱۲ پرونده سند شماره ۱۰)

روابط نظامی ایران و اتریش در عصر مظفری

روابط ایران با اتریش در دوره مظفرالدین شاه نیز حسنه بود و شاه ایران در طول سفرهای خود به این کشور نظری ویژه به پیشرفت نظامی در این کشور و الگوپذیری از آن برای بازسازی و اصلاح قشون ایران داشت. در سال ۱۳۲۱ ق وزارت جنگ و وزارت خارجه ایران طی یادداشتی به سفارت ایران در اتریش و خطاب به وزارت جنگ این کشور درخواست خود را برای استخدام معلمین نظامی اتریشی اعلام کردند. با توجه به اینکه سپاه و ارتش ایران در تمام شاخه ها دچار ضعف و سستی بود، لازم بود معلمین استخدامی ضمن اشراف بر علم و دانش نظامی به شیوه های ساخت جنگ افزارها نیز مسلط باشند. دولت ایران برای استخدام یک کلنل آشنا به علم توپخانه و توپ ریزی برای آموزش فن توپ خانه، ۵ کاپیتان آشنا به فنون سواره نظام و سه نفر متخصص پیاده نظام اعلام آمادگی کرد. این معلمین باید به صورت روزانه تدریس می کردند. مقرر شد دولت ایران مواجب و دستمزد این معلمین را که بالغ بر هزار و چهارصد کرون پول اتریشی برای مدت یک سال بود را به صورت اقساط ماهیانه بپردازد. (سال ۱۳۲۱ کارتن ۲۴ پرونده ۱ سند شماره ۳۴)

دولت اتریش آمادگی خود را برای فرستادن معلمین مورد نظر دولت ایران اعلام داشت. آماده کردن و هماهنگی برای سفر این معلمین و رسیدن آنها به ایران ماه ها طول می کشید. دولت روسیه که همواره مترصد فرصتی برای دخالت در امور داخلی و

خارجی ایران بود و توسط جاسوسان یا عوامل خود که در دربار داشت همواره در جریان اخبار و اقدامات دولت ایران قرار می گرفت، از طریق سفیر خود در ایران نسبت به استخدام معلمین اتریشی اعتراض کرد و به وزارت خارجه ایران نوشت: با توجه به اینکه سالهاست دولت روسیه مسئول تأسیس، اداره و نظارت بر نیروی بریگاد قزاق به عنوان تنها نیروی کارآمد دارای شاکله نظامی در ایران است و برای سروسامان دادن به قشون ایران، دولت روسیه زحمات بسیاری را متحمل شده و همواره تلاشش بر حفظ منافع ایران در این خصوص بوده است، بنابراین ضمن احترام به استقلال رای دولت ایران در اداره امور داخلی و خارجی خود، به استخدام معلمین اتریشی بدون اطلاع و موافقت روسیه معترض است «نمی توان تحمل آرای مختلفه و غیرمستقیمه اولیای دولت علیه ایران را نمود که از یک طرف درباب تنظیم امور لشکر از دولت روس کمک می خواهد و از طرف دیگر معلمین اتریشی احضار کند.» (سال ۱۳۲۲ کارتن ۹ پرونده ۲ اسناد شماره ۱ و ۴)

همان طور که از محتوای اسناد و گزارش های مختلف در خصوص حضور اتریشی ها در ایران و واکنش دولت روسیه برمی آید، دولت روسیه استقلال رای ایران در اداره امور کشور خود را تنها در لفظ و سخن می پذیرفت و در واقع ادعای آن را داشت و در عمل هرگز به ادعای خود متعهد نبوده و انتظار داشته دولت ایران برای هر کاری در قلمرداخلی و خارجی خود، رضایت این کشور را جلب نماید.

با وجود مخالفت های روسیه، ایران بر مواضع خود مبنی بر حفظ ساختار اتریشی قشون ایران تاکید کرده و به سفارت خود در اتریش نوشت: ایران برای استخدام صاحب منصب نظامی با حقوق ۶۰۰ تومان آمادگی دارد. هزینه سفر این مقامات که در حدود ۴۸۰ تومان برآورد می شود نیز بر عهده دولت ایران است. (سال ۱۳۲۲ کارتن ۹ پرونده ۱ سند شماره ۴)

دولت اتریش برای دادن پاسخ به درخواست ایران مدتی زمان خواست. پس از رایزنی میان وزارت جنگ اتریش با سفارت ایران مشخص شد که دولت اتریش مایل به پذیرش تقاضای ایران نیست. وزارت خارجه اتریش نیز در توضیحات خود به سفارت ایران، اطمینان از کارشکنی های روس و انگلیس را دلیل عدم موافقت خود مبنی بر ارسال صاحب منصبان نظامی به ایران دانست. سخنگوی وزارت خارجه اتریش به درستی استدلال کرد وجود دولت های روس و انگلیس در ایران که در تمام امور داخلی ایران دخالت کرده و خود را ذیحق می دانند، کار و فعالیت دولت دیگر از جمله اتریش در ایران بی اثر و حتی غیرممکن می کنند. بخصوص روسیه که بسیار علاقه مند به دخالت در امور نظامی ایران است و می کوشد با سلطه مستبدانه خود، مانع موفقیت اتریشی ها شود. عدم موافقت دولت اتریش با درخواست ایران دلایل دیگری نیز داشت از جمله اینکه حقوق صاحب منصبان و معلمین اتریشی به موقع پرداخت نمی شد و همچنین مسئولین نظامی در ایران بدون داشتن علم و آگاهی در کار اتریشی ها دخالت کرده و مانع به نتیجه مطلوب رسیدن تعلیمات آنها می شوند. (همان: سند شماره ۱۰)

مدت قرارداد های ایران با مستشاران نظامی یا معلمین آموزش نظامی اتریشی، معمولاً یک ساله بود که در صورت رضایت طرفین، این قرارداد تمدید می شد. این قراردادها بین سفارت اتریش و وزارت جنگ ایران و زیر نظر وزارت خارجه قرار داشت. «مسیو کوپرای» فشنگ ساز اتریشی که به مدت یک سال در خدمت وزارت جنگ ایران و در کار تولید فشنگ بود، درخواست تمدید قرارداد خود را تسلیم وزارت جنگ ایران کرد. مشیرالدوله طی مراسله ای از ظفرالسلطنه خواست موضوع تجدید کتترات فشنگ ساز اتریشی را پیگیری نماید زیرا در کنار واردات فشنگ، وجود فشنگ سازانی که با آموزش های خود در این زمینه این فن را به ایرانیان بیاموزند از الزامات است. (سال ۱۳۲۵ کارتن ۲۰ پرونده ۱۳ سند شماره ۲۱)

ارسال جنگ افزار از اتریش به ایران

از آنجا که عمده روابط ایران و اتریش در فضای نظامی صورت می گرفت، ارسال و مبادلات اسلحه و جنگ افزار یکی از کانال های ارتباطی بین دو کشور بود. دولت ایران همواره اخبار جدیدترین جنگ افزارها و تولیدات کارخانه های اسلحه سازی اتریش را از طریق سفارت خود در این کشور دریافت می کرد. روال سفارش معمولاً به این شکل بود که تعدادی از آخرین مدل های ساخته شده در اتریش برای امتحان به ایران فرستاده می شد و در صورت رضایت، قراردادی برای فروش انبوه این جنگ افزارها بین دولتین منعقد می شد. از میان جنگ افزارهای مختلف، تفنگ برای استفاده سواره نظام و پیاده نظام بسیار مورد توجه دولت ایران بود که معمولاً در تعداد ۵ تا ۱۰ قبضه برای آزمایش از طرف دولت اتریش ارسال می شد. در سال ۱۳۲۹ ق وزارت جنگ ایران از سفارت ایران در اتریش خواست تعداد پنج قبضه تفنگ مخصوص سواره نظام و پیاده نظام به همراه ۲۵۰۰ فشنگ و باروت بی دود از آخرین تولیدات کارخانه های اتریش به قیمت ۷۰۰ کرون خریداری کرده به ایران بفرستد. (سال ۱۳۱۲، کارتن ۳۰، پرونده ۳۰، سند ۱)

استخدام صاحب منصبان اتریشی در قشون ایران

دستاوردهای اندک هیأت مستشاری که در سال ۱۳۲۱-۱۳۲۲ ق با هدف تعلیم و آموزش در قشون ایران استخدام شده بودند سبب شد ایران بار دیگر تلاش مذبوحانه ای برای استخدام مستشاران دیگری از اتریش انجام دهد. اما شرایط داخلی و جایگاه بین المللی ایران در نظام جهانی اینبار هم اتریشی ها و پروژه نوسازی ارتش ایران را ناکام گذاشت. ایران عصر قاجار به دلیل موقعیت حساس و جایگاه ژئوپولیتیک خود در خاورمیانه، همواره مورد توجه دول استعماری روسیه و انگلستان بود. این کشورها به

دنبال سیاست های امپریالیستی خود، و در راستای منافع سیاسی و اقتصادی شان ایران را ملوک طلق خود دانسته و هر کدام به نوعی می کوشیدند سلطه خود را بر ساختار سیاسی این کشور تحمیل کنند. ساختار درهم شکسته سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران عصر قاجار، این کشور را به بازنده نهایی رقابت های سرمایه داری دول امپریالیستی تبدیل کرد. دامنه رقابت های قدرت های برتر جهان در در غرب به دنبال کسب سود بیشتر، به ایران نیز کشیده شد و این کشور برای دولت انگلستان به مثابه دروازه حفظ هندوستان به عنوان مستعمره انگلیس بود و در واقع نقش دولت حایلی را ایفا می کرد که بنا بود دست روسیه را از هند دور نگه دارد. دولت روسیه نیز در عرصه رقابت با انگلیس می کوشید با استفاده از قدرت نظامی و ماشین جنگی خود و همچنین از طریق سلطه بر بازار تجاری ایران، ضمن کاستن از قدرت انگلستان در ایران و در منطقه، منافع این کشور در خاورمیانه و سایر حوزه های نفوذ انگلستان، را به خطر اندازد.

در این میان ضعف شاهان قاجاری و عدم اطلاع آنها و بی خبری دولتمردان ایرانی از شطرنج سیاسی جهان، ناکارآمدی نظام بروکراتیک ایران و تضعیف نهادهای دولت قاجار در اثر تماس با غرب، بحران مشروعیت شاهان قاجار و ناتوانی آنها در کنترل شورش های داخلی که این شورش ها خود محصول فروپاشی نظام اقتصادی و فقر و ورشکستگی دولت به دلیل موقعیت حاشیه بودن در نظام اقتصاد جهانی و وابستگی بود، در کنار خشم عمومی مردم از سرسپردگی قاجارها به بیگانگان و پذیرش قراردادهای ننگین و پیامدهای اسفبار شکست ایران در جنگ های ایران و روس سبب شده بود ایران عصر قاجاری به شکل نیمه مستعمره درآید و در اتخاذ سیاست های داخلی و خارجی خود هیچ اختیاری نداشته باشد. (جان فوران، ۱۳۹۶: ۱۷۳) یکی از مصادیق این وابستگی، عدم استقلال ایران در اتخاذ سیاست خارجی خود با کشورهایی به جز روسیه

و انگلستان بود. این دول با کارشکنی ها و مخالفت های مکرر خود اجازه نمی دادند ایران با نیروی سومی وارد مذاکره برای عقد قرارداد شود. در سال ۱۳۲۳ قمری و در دوره مظفرالدین شاه، دولت ایران مذاکراتی را با وزارت خارجه و وزارت جنگ این کشور مبنی بر استخدام تعدادی از صاحب منصبان اتریشی برای خدمت در ارتش ایران آغاز کرد. وزارت خارجه اتریش در ابتدای مذاکرات موافقت خود با درخواست ایران را اعلام کرد و فهرست افراد پیشنهادی خود و حقوق درخواستی برای آنها را به سفارت ایران اعلام داشت اما آگاهی روسیه از تصمیم ایران، روند مذاکرات را به شکل دیگری درآورد. روسیه پیش از این متعهد شده بود ضمن تأکید بر استقلال ایران وامی در حدود دو میلیون منات در جهت اصلاح و بهبود قشون ایران بپردازد. اما با فاش شدن مذاکرات ایران با اتریش در خصوص استخدام صاحبمنصبان نظامی، «مسیو گروبه» وزیر مختار روسیه در ایران اعلام کرد برای پرداخت این وام هیچ دستوری از کشور خود ندارد و به صدراعظم ایران را درباره خطرات و ضررهای ارتباط با اتریش، هشدار داد. (سال ۱۳۲۳، کارتن ۲۰، پرونده ۱۲ سند شماره ۴) موضع گیری انگلستان در این باره نیز چنان گذشته، خودخواهانه و یکجانبه بوده و برای جلوگیری از ازدیاد نفوذ روسیه در سپاه ایران، ضمن تهدید روسیه به کمک مالی و نظامی به ایران، عدم موافقت خود برای استخدام مستشاران روسی و اتریشی را به ارفع الدوله سفیر کبیر ایران اعلام کرد. ارفع الدوله که با هدف حل و فصل استخدام مستشاران اتریشی و جلب رضایت روس ها به این کشور سفر کرده بود، در گزارش خود به وزارت خارجه نوشت: «دولت روسیه سابقا اصرار بر استخدام صاحبمنصبان روس در قشون ایران داشت و حتی پرداخت وام مساعده را منوط به پذیرش این شرط از جانب دولت ایران کرده بود. اما به نظر می آید مخالفت انگلستان با این اقدام کمی از اصرار روسیه کاسته چرا که

مقامات انگلیسی در مذاکرات مفصل با این جانب اظهار کردند دولت انگلستان مخالف استخدام روس هاست چون این کار هم برای خود روسیه و هم ایران تولید اشکال می کند زیرا نمی توان قشون را به دو قسمت نمود قسمتی را به طرز روس و قسمت دیگر را به طرز انگلیس ترتیب داد و از این قشون فایده ای برای دولت ایران نخواهد بود. قشون طرز روس را به جنوب نمی توان فرستاد و قشون طرز انگلیس را به شمال. بنده هم پاسخ دادم پس در این صورت بهتر است از همان اتریشی ها استفاده کنیم که با مخالفت ایشان مواجهه شد.» (سال ۱۳۲۳، کارتن ۲۰، پرونده ۱۲ سند شماره ۶/۲)

ارفع الدوله در ادامه مذاکرات خود در خصوص استخدام صاحبمنصبان اتریشی با مسیو «هارت ویغ» رئیس پارلمان شرقی که مرجع امور سیاسی وزارت خارجه روسیه بود، دیدار کرد. مسیو هارت در این دیدار ضمن ابراز مخالفت خود و دولت روسیه برای استخدام اتریشی ها، خطاب به ارفع الدوله عنوان کرد در ابتدا دولت ایران توسط پرنس رضاخان یکی از وابستگان نظامی ایران، موافقت خود مبنی بر استخدام مستشاران نظامی روسی را اعلام کرد اما پس از مدتی بنا به تهدید انگلستان از تصمیم خود منصرف شده و متوجه اتریش شد «اولا دولت انگلستان چه حقی دارد که در باب آوردن صاحبمنصبان انگلیسی اصرار کند. دولت ایران دولت مستقلی است از هر کجا که بخواهد صاحب منصب می گیرد ثانيا شما می توانستید جواب انگلیس را با قوت قلب بدهید زیرا ما در این مسأله همراهی می کردیم و در لندن اقدامات لازمه را می نمودیم که مانع نباشند. نباید به تهدید انگلیسی ها گوش کنید زیرا که غیر از تهدید نمی توانند کاری کنند.» (سال ۱۳۲۳، کارتن ۲۰، پرونده ۱۲، سنده ۷/۲)

همان طور که از فحوای سخنان مقام روسی بر می آید، دولتمند روس و انگلیس کوچکترین باوری به استقلال ایران در امور خارجی و داخلی اش نداشتند و حتی

تصور اینکه ایران نخواهد به روس یا انگلیس وابسته باشد، برایشان دشوار می نمود. ارفع الدوله در پاسخ به مقام روسی، با رد استدلال مسیو هارت مبنی بر ترس ایران از انگلیس پاسخ داد: مسأله ایران در نپذیرفتن پیشنهاد روسیه، ساخت اتریشی قشون ایران و پرهزینه بودن این طرح در صورت تغییر ساختار است. سفیر ایران با تأکید بر مشکلات مالی که دایما گریبان گیر دولت ایران و اصلاح نیروی نظامی این کشور است، ادامه داد: در صورت استخدام صاحب منصبان روسی، ایران مجبور است مقامات فعلی را از خدمت معاف کند و این مسأله در کنار تحمیل هزینه های گزاف موجب ایجاد اغتشاش و آشفتگی در ارکان سپاه ایران شده و این مسأله بر ضعف ساختاری قشون ایران می افزاید. ارفع الدوله همچنین در پاسخ به لزوم وساطت روسیه برای جلب رضایت انگلیس در جهت استخدام روس ها، به درستی استدلال کرد اگر دولت انگلستان بپذیرد که با این امر مخالفت نکند، در عوض موافقت خود، قطعاً از ایران امتیازی خواهد گرفت و در این صورت مانند گذشته دولت ایران که باید با دادن باج به انگلستان، منافع روسیه را تأمین کند و اینکه در صورت استخدام صاحب منصبان روسی، انگلستان تنها به تهدید اکتفا نخواهد کرد و ایران نیز نمی تواند هزینه کینه توزی و رقابت انگلستان با روسیه را بپردازد. ارفع الدوله برای اثبات سخن خود به روابط بین دولتی با ایران اشاره کرد «هر اقدامی دولت روس در ایران می کند انگلیس نظیر آن را می خواهد؛ در مقابل کمیسیون گنبد کاووس کمیسیون سیستان را تشکیل دادند. در مقابل نیروی قزاق روسی سواره های هندی را به ایران آوردند. در ازای قرانتین افغانستان در قرانتین بهشهر دخالت کردند. دولت ایران نمی خواهد بهانه ای به دست انگلستان بدهد که حقوق تازه ای در ایران کسب کنند بلکه سعی دارد امتیازات گذشته را نیز پس بگیرد.» (سال ۱۳۲۳، کارتن ۲۰، پرونده ۱۲، سند ۷/۳)

در ادامه گزارش ارفع الدوله ناامیدانه از نتایج مذاکره با مقامات روسی در خصوص دریافت وامی از این کشور به منظور اصلاح قشون ایران می نویسد: وزیر مالیه روسیه که قرار بود پیگیر مسأله استقراض ایران از روسیه باشد از تصمیم ایران برای استخدام صاحب منصبان اتریشی «ابراز تعجب کرده که پول را ما بدهیم و شما صاحب منصب از اتریش استخدام نمایید آن هم چه صاحب منصبانی که بی سروپا بوده و هیچ قابل کار نیستند.» دولت ایران متعجب از رویکرد خصمانه روسیه و حساسیت بی حد در مورد صاحب منصبان اتریشی در پاسخ مقامات روسی با استناد به سابقه حضور اتریشی‌ها در قشون ایران نوشت: «کاری که از چهل سال قبل در ایران متداول بوده به چه جهت حالا به این درجه اهمیت پیدا کرده که اثرات بد بخشیده؟ این رویه دولت ایران بوده که هر چند سال به چند سال به جای صاحب منصبانی که متقاعد می شدند صاحب منصب جدید اتریش استخدام میکرده این مسأله چیز تازه ای نیست که به اظهار عداوت تأویل شود.» سفیر ایران در ادامه مذاکراتش با مقامات روسی در دیدار با وزیر خارجه این کشور کوشید او را متقاعد کند که تغییر ساختار نظامی ایران از الگوی اتریشی به روسی بسیار زمان بر، هزینه بر و برای استقلال ایران مضر است. در نهایت، دولت روسیه بر درخواست خود مبنی بر انصراف ایران از استخدام صاحب منصبان روسی اصرار ورزید و ضمن خودداری از پرداخت وامی که به ایران قول داده بود، این کشور را برای پرداخت بدهی‌ها و اقساط عقب مانده به بانک استقراضی، تحت فشار قرار داد. (سال ۱۳۲۳، کارتن ۲۰، پرونده ۱۲ سند شماره ۵)

دولت روسیه استخدام اتریشی‌ها را بر ضد منافع خود و تهدیدی برای نیروی بریگاد قزاق که اساس و بنیاد روسی داشت می دانست، بنابراین از پرداخت وام به ایران برای اصلاح قشون تحت اداره اتریشی‌ها خودداری کرده و علی رغم ادعای خود در مخالفت با انگلیس، در راستای حفظ منافع خود برای جلوگیری از ورود نیروی سوم به

بازی قدرت در ایران، همواره در کنار انگلستان و در مقابل ایران قرار می گرفت. همان گونه که از فحوای اسناد فوق برمی آید، در طول دوران قاجار استقلال ایران قربانی رقابت های روس و انگلیس از طرفی و تشریک مساعی این کشور در صورت ورود نیروی سوم، از طرف دیگر شده است. اختیار امور سیاسی و نظامی در خطه شمال ایران در دست روس ها و جنوب تحت سیادت انگلیسی ها بود و این دو کشور در راستای تحقق اهداف امپریالیستی خود در ایران، به شیوه های مختلف از جمله استفاده از فساد سازمان بروکراسی ایران و تطمیع دولتمردان، نفوذ در بین ایلات و عشایر، استفاده از قدرت نظامی و تحمیل قراردادهای اقتصادی، ایران را به شکل نیمه مستعمره درآوردند. دولت ایران طی مقاطی از جمله در دوران صدارت اعظمی قائم مقام فراهانی و امیرکبیر کوشید از طریق وارد کردن نیروی سومی که اهداف مستعمراتی کمتری داشت و یا هنوز در ایران حوزه نفوذی پیدا نکرده بود، مانند آمریکا و اتریش، از سلطه دولتین روس و انگلیس بکاهد و تا حدی استقلال از دست رفته خود را اعاده کند اما همان طور که از گزارش اسناد فهم می شود کارشکنی های روس و انگلیس مقامات ایرانی را از دستیابی به هدف خود ناکام گذاشت. نکته ای که از بررسی تاریخ دیپلماسی ایران عصر قاجار دانسته می شود این است که حتی در صورت موفقیت ایران به حضور نیروی سوم، روس و انگلیس هرگز اجازه حضور مؤثر و کارآمدها به این نیرو نداده و آن را از میدان بدر می کردند.

اصلاح لباس قشون

بحث اصلاح لباس قشون و لزوم متحد الشکل کردن لباس نظامیان نیز مانند سایر اصلاحات نظامی به عصر عباس میرزا و اقدامات او در این راستا باز می گردد. این کار در زمان شاهزاده دگراندیش قاجار بدست افسران و مقامات فرانسوی انجام شد. قبل از

اعمال اصلاحات در حوزه لباس بدست فرانسوی ها، سربازان ایرانی هر کدام ملبس به لباس عشیره، طایفه، قوم و لباس محلی خود بودند. بنابراین افسران فرانسوی تشکیل قشون جدید را ابتدا با تغییر پوشش و اقدام برای طراحی لباس متحدالشکل برای سربازان آغاز نمود و لباس های یک شکل را مرسوم کردند. لباس طراحی شده شامل نیم تنه ای خرمایی رنگ و تقریباً مانند لباس سربازان فرانسوی بود که یک ردیف دگمه فلزی سفید از جلو داشت. شلوارهایی به رنگ آبی و کفش های ساق کوتاه به همراه و کلاهی از پوست گوسفند به عنوان لباس نظامی معمول شد. (موسوی طهری، ۱۳۵۳: ۵۸)

در فصل زمستان به علت سردی هوا، علاوه بر لباس متحدالشکل به هر سربازی نوعی روپوش کوتاه از پارچه پشمی ضخیمی داده می شد که سطح خارجی آن از پشم بلندی مانند پشم بز پوشیده شده بود که در اصطلاح آن را «یاپونچی» می نامند. لباس های جدید به وسیله معلمین فرانسوی و با اصرار نایب السلطنه در بین سربازان ایرانی متداول گردید. عباس میرزا برای جلوگیری از بروز هرگونه مخالفت و برای غلبه کردن بر تعصبات هم میهنانش، ابتدا خود لباس متحدالشکل به سبک نظام اروپایی پوشید. (نجفی، ۱۳۶۶: ۵-۱)

با اعمال الگوی اتریشی بر اصلاحات نظامی در ایران، ملزوماتی چون لباس و جنگ افزار نیز متأثر از سبک اتریشی معمول و مرسوم شد. در دوره مظفرالدین شاه سه نوع لباس در سپاه ایران وجود داشت که با الگوپذیری از لباس نظامیان اتریش تهیه شده بود. لباس سربازان پیاده نظام، لباس توپچی ها و سربازان سواره نظام که تحت عنوان البسه ژنی و سالور مورد استفاده قرار می گرفت و در دو رنگ آبی کم رنگ و خاکستری از اتریش وارد ایران می شد. (سال ۱۳۱۹ کارتن ۹ سند شماره ۲۸)

وقایع اتفاقیه در این خصوص گزارش می دهد: «امور مباشرت نظام نیز به قانون تازه ای درآمده برای یکسان کردن لباس نظام کلیجه و شلوار تنگ اتریشی معمول شد مليله دوزی و مفتول دوزی نیز از اتریش اقتباس گردید و دوختن تکمه شیر و خورشید نیز نخستین بار مرسوم شد. این تکمه ها را از انگلستان وارد کردند. کار زردوزی لباس صاحب منصبان به عهده خورشید خانم ضعیفه تهرانی واگذار شد و از آنجا که خوب از عهده برآمده دولت مقرر داشت شاگردان بسیار نگه دارند تا مدت پنج سال احدی در عمل او شراکت ننماید. (اعتماد السلطنه، ۱۳۴۵: ۱۲۵)

اعطای نشان

افسران اتریش در سلسله مراتب سپاه ایران، هم در رده های آموزشی و هم در مقام نظارت و فرماندهی جایگاه مهمی داشتند، ضعف بنیادین ارتش و سپاه ایران بخصوص در رده سوار نظام، بر اهمیت وجود افسران اتریشی می افزود. دولت ایران و وزارت جنگ در ایام مختلف به پاس قدردانی از زحمات افسران اتریشی و برای تشویق آنها به ادامه کار، نشان شیر و خورشید اعطا می کرد. برخی از صاحب منصبان اتریشی پس از اتمام دوره خدمتشان در ایران همچنان از امکان دریافت نشان شیر و خورشید بهره مند بودند. در تاریخ ۲۲ جمادی الاول سال ۱۳۱۹ ق دولت ایران یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه چهارم به «نیکلا الفان» که در اتریش نایب سواره نظام قشون بود و یک قطعه نشان دیگر در همان درجه به «مانوئل ریواژ» نایب لشکر بحریه اتریش اعطا کرد. (سال ۱۳۱۹ کارتن ۹ پرونده ۱ سند شماره ۱۰)

مشکلات صاحب منصبان نظامی اتریش در قشون ایران

هیأت های نظامی اتریشی در زمان های مختلف به دعوت دولت ایران برای دادن آموزش نظامی و همچنین سروسامان دادن به ارتش وارد ایران می شدند. یکی از مهم ترین این ادوار، سفرهای شاهان قاجار به این کشور بود که پادشاه ایرانی پس از دیدن شکوه و عظمت ارتش و نظم و نظام آن در اتریش راغب می شد با استخدام صاحب منصبان اتریشی در ایران، قشون ایران را نیز مانند اتریش به سبک مدرن تغییر دهد. این اقدام معمولاً شتاب زده و بدون مطالعه و تحقیق در باب چگونگی این تغییر و تحول و امکان آن صورت می گرفت در نتیجه هزینه سنگینی را بر خزانه کشور تحمیل می کرد. از طرف دیگر، کارشکنی های روس و انگلیس و به ویژه روسیه در حوزه مسایل نظامی بر مشکلات می افزود و از شانس موفقیت اتریشی ها می کاست. ناصرالدین شاه در طول سفر دوم خود به اتریش، جمعی از صاحب منصبان و معلمان اتریشی را استخدام کرد و با اطمینان از اینکه اقدام مزبور خشم و نارضایتی دولت روسیه را برمی انگیزد، یک گروه معلم نیز از روس استخدام کرد که یک دسته قزاق نیز با سبک روسی آموزش ببینند. برای این سپاه، اسلحه و مهمات جنگی از روسیه خریداری و به همراه تعدادی اسلحه و مهمات که از اتریش خریداری شده بود به ایران ارسال شد. پس از ورود هیأت های اتریشی و روسی مقرر شد فوج عراق به سبک اتریشی تعلیم ببینند. به درخواست افسران اتریشی، در ترکیب سپاه تغییر ایجاد شد و نیروهای جوان به جای ازکار افتاده ها به کار گرفته شدند. از دانش آموختگان مدارس دولتی هرکس مقداری فرانسه می دانست و مقدمات فنون نظامی را آموخته بود، به سپاه دعوت شد. لباس نظامیان تغییر یافت و به سبک اتریشی درآمد و «مبلغ گزاف به این تفنن و هوس صرف شد و دوباره مجبور شدند افواج مزبوره را به سیرت اولی بازگردانند.»

(فرمانفرمایان، خاطرات سیاسی امین الدوله، ۱۳۴۱: ۵۶)

عدم آشنایی اتریشی ها با فرهنگ ایران و عدم شناخت از ساختار سیاسی و نظامی در ایران در کنار عواملی چون رقابت و دخالت روسها و صاحب منصبان ایرانی که منجر به ایجاد آشفتگی و چندصدایی در قشون ایران شده بود، از جمله مشکلات صاحبمنصبان اتریشی در ایران بود. البته نباید هزینه های گزاف هیأت های نظامی دول خارجی و معلمان آموزش نظامی را از یاد برد که خود بار سنگینی بر دوش مملکت بود. وضعیت فعالیت افسران روس نیز بهتر از این نبود. روسیه با شدت عمل خودخواهانه ای، حتی به وزارت جنگ ایران اجازه کوچکترین دخالت یا مشارکتی در تربیت نیروی قزاق را نمی داد. (همان)

اگر بخواهیم دلایل ناکامی معلمان اتریشی و هیأت های نظامی این کشور در راه اصلاح و نوسازی اتریش ایران را از زبان یک اتریشی بخوانیم می توانیم نگاهی بیندازیم به گزارش ژنرال واگنر افسر اتریشی، معلم، بازرس و فرمانده تعلیماتی سپاه ایران خطاب به اتابک اعظم که در این گزارش افسر اتریشی به نوعی به آسیب شناسی ساختار نظامی ایران پرداخته است. به دلیل اهمیت این گزارش، اصل سند را که توسط ابراهیم صفایی بازنویسی شده، می آوریم:

«... محض رضای پروردگار و صوابدید دولت و شرط انصاف و صداقت خود لازم می دانم حقیقت وضع حالیه قشون را به آستان مبارک بندگان مستطاب اجل اشرف افخم عرضه نمایم، حقیقا قشونی موجود نیست انبارها و نظارت نظام و توپخانه و پیاده نظام و قورخانه و ملبوس و چادر و تفنگ، هیچ یک از اینها حقیقا موجود نیست و تعلیمات نظامی و نظم به کلی در میان نیست و تمام برخلاف حقیقت است. بی نظم و کذب و تقلب در نظام شیوع دارد. اعلیحضرت همایونی این غلام را ضامن نظم و تعلیم کلیه قشون از پیاده و توپخانه و غیره نموده ولی چگونه این غلام می تواند قبول ضمانت

نظم قشون را نماید که حق شرکت در نظارت نظامی آنها و حق حضور در سان و جیره و مواجب گرفتن آن را ندارد و همچنین به مدرسه نظامی و توپخانه و افواج و قورخانه و زنبورک خانه و ذخیره و مخزن و گارد نصرت و اصطبل و سرایداران نظام سربازخانه ها و قراولخانه ها و تعیین مأمورین نظام ولایات حق سرکشی و رسیدگی راه ندارد. تمام این امور در خفا و بدون مصلحت جویی از این غلام معمول بوده. چگونه می توان ضامن قشونی بود که سربازانش سال به سال مواجب نگرفته و ماه ها جیره دریافت نکرده اند. تمام افراد پیاده نظام و توپخانه در شهر هزارجا پراکنده و به قراولی و نوکری اشتغال داشته و اما صاحبمنصبان خارج از خدمت و بستگان ارباب قلم اشخاصی که هیچ وقت سرخدمت حاضر نشده جیره خود را دریافت نموده حال آنکه صاحبمنصبان معلم که همیشه حاضر خدمت و ستون نظام هستند از گرسنگی قریب به هلاکت اند. تمام معلمینی که در دولت عثمانی خدمت می کنند دارای حقوق مذکور هستند که رسیدگی و سرکشی و تنظیم تمام ادارات نظامی را نمایند چنانکه در اینجا نیز کنل روسی در قسمت خود به کلی مختار است و این غلام فقط شرمساری نظام را دارد» افسر روسی در ادامه از اتابک می خواهد برای نظارت بر امور نظام و سرکشی و عزل و نصب ها و همچنین بر ملا کردن فسادها و تخلف ها در این حوزه اختیار تام داشته باشد چون در این غیر این صورت قادر به انجام وظایف و تعهداتش در قبال ایران نخواهد بود و راهی جز بازگشت به اتریش نخواهد داشت.

(صفایی، اسناد نو یافته، ۱۳۴۹: ۲۰۳-۲۰۲)

در گزارش واگنر، مشکلات ساختاری نظام و ارتش ایران و موانع اصلاح و نوسازی آن کاملاً مشهود است. مشکلات نوسازی ارتش با الگوی غربی، بخشی از موانع کلی و بنیادین بر سر راه اعمال و اجرای گفتمان ترقی خواهی و مدرن گرایی در

ایران است. از هم گسیختگی و آشفتگی سیاسی در کنار فساد سیستماتیک دستگاه سیاسی دولت های قاجاریه که در پیوند با استبداد، نظم اجتماعی سنتی و برداشتی که از مفهوم قدرت وجود داشت، مانع از اعمال سیاست نوگرایی در ساختار ارتش می شد. فقدان مفهوم منافع ملی در ذهن و زبان درباریان و حتی شاهان قاجار سبب می شد با هرگونه اصلاح و نوسازی که با منافع شخصی آنها در تضاد بود، مخالفت کرده و مانع موفقیت غربیانی شوند که سعی در اجرای اصول مدرنیته در جامعه ایران داشتند. نبود نظام حقوقی و خلأ قانونی که در تمام ارکان و عرصه های سیستم اداری، کشوری و لشکری ایران وجود داشت، مانع دیگر اصلاح و نوسازی مستشاران اتریشی بود. هیچ مرجع مشخص و قانونی برای پاسخ گویی وجود نداشت. این عوامل و موانع در پیوند ساخت ایلی و قبیله ای ارتش ایران و البته سیاست و جامعه ایران قرار داشت. صاحبمنصبان ایرانی ارتش و قشون معمولاً رؤسای ایلات و عشایر بودند که خود را شریک قدرت و در واقع صاحب آن می دانستند. ساخت ایلیاتی اساساً با مدرن گرایی و تحولات نوگرایانه در تضاد بوده و در برابر آن مقاومت می کرد؛ در نتیجه سران ایرانی ارتش همواره با معلمین اتریشی از در مخالفت در می آمدند. بحران های اقتصادی و فساد مالی که دولت های قاجار همواره با آن دست به گریبان بودند یکی دیگر از دلایل ناکامی اتریشی ها بود. همان طور که از گزارش واگنر و شهادت سایر شاهدان و منابع این دوره بر می آید سربازان ایرانی تقریباً حقوق بگیران دولت نبودند. آنها در مواقع جنگ فراخوانده شده و پس از آن پراکنده شده و به کارهای دیگر می پرداختند و حتی در موقع اشتغال به جنگ نیز مواجب کافی و منظم دریافت نمی کردند. چندصدایی و تعدد کانون های قدرت و تصمیم گیری که در ذات سیاست ایران بود سبب می شد صاحب منصبان اتریشی در انجام وظایف خود اختیارات تام

نداشته باشند. این عوامل در کنار هم سبب شد اصلاحات نظامی در عصر ناصری و مظفری دستاوردهای چندانی به همراه نداشته باشد و مشکلات ارتش و قشون ایران همچنان پابرجا بماند.

روابط نظامی ایران و اتریش در عصر احمدشاه قاجار

دوره احمد شاه قاجار درگیری ایران در جنگ جهانی اول و اشغال کشور توسط نیروهای نظامی دول درگیر در جنگ که با نقض بی طرفی ایران توأم بود، از سطح روابط نظامی ایران با دولت اتریش کاست و روابط ایران با این کشور در عصر احمدشاه بیشتر به روابط سیاسی و در حوزه مسایل پس از جنگ معطوف شد. با این وجود، دولت ایران در چند نوبت تعدادی جنگ افزار از اتریش خریداری کرد.

ضعف ارتش و قشون ایران و ناکارآمدی سلاح های قدیمی که یکی از دلایل اصلی شکست های نظامی ایران در جنگ های مختلف از جمله جنگ های ایران و روس بود، سبب شد تأمین اسلحه و جنگ افزارهای کارآمد و مطابق روز به یکی از اصلی ترین دغدغه های دولت ایران و محور اصلی رابطه این کشور با دولت اتریش تبدیل شود. در دوران قاجار یکی از مهم ترین مسئولیت های سفارت ایران در اتریش تحقیق درباره آخرین مدل اسلحه، فشنگ و سایر جنگ افزارها بود. در کنار ارسال جدیدترین جنگ افزارهای ساخت اتریش به همراه کاتولوگ هایشان، سفارت همچنین موظف بود با جستجو در انبارهای قدیمی اسلحه خانه های اتریش مقداری از تفنگ های نسخه قدیمی را هم با قیمت ارزان تر خریداری کند. دولت ایران و وزارت جنگ همچنین در باب خرید اسلحه و جنگ افزار با دول دیگر هم مذاکره و از آنها نمونه کار دریافت می کرد و پس از امتحان نمونه های مختلف با کارخانه های تولید

اسلحه وارد مذاکره می شد. در سال ۱۳۲۸ ق سفارت ایران مأمور شد از اتریش ۸۰۰۰ قبضه تفنگ و ۸ میلیون فشنگ به همراه کاتالوگ های آنها خریداری کند. (سال ۱۳۲۸، کارتن ۱۰، پرونده ۳۰، سند شماره ۲۰)

در خلال روابط نظامی بین ایران و اتریش، خاصه در مسأله خرید اسلحه و جنگ افزار مشکلاتی از قبیل تقلبی بودن و خراب بودن محموله های وارده به دلیل خیانت و سوءاستفاده بعضی از دست اندرکاران معامله پیش می آمد. میرزا علی خان امین الدوله در خاطرات خود صحبت از «سوغات شاه از فرنگ» کرده و خبر از خرید تعداد زیادی تفنگ و فشنگ از اتریش در طول سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگ می دهد. از قرار معلوم تفنگ ها بسیار قدیمی بوده و در وقت امتحان کردن معلوم شد خراب هستند همچنین فشنگ ها نیز از باروت نامرغوب ساخته شده و قابل استفاده نبودند. احمدخان آجودان باشی به دلیل قصور سرزنش شد و «به دامن سپهسالار لکه رسید اما به اغماض گذشت» (فرمانفرمایان، خاطرات سیاسی امین الدوله، ۱۳۴۱: ۵۰)

در سال ۱۳۳۲ ق ایران بار دیگر اقدام به خرید اسلحه و مهمات از اتریش کرد. عمده ارتباطات نظامی ایران بخصوص در سالهای قبل از انقلاب مشروطه با کشورهای آلمان و اتریش بود. ایران نه تنها جنگ افزارها و اسلحه های خود را از این دول خریداری می کرد بلکه در صورت نیاز به تعمیر این جنگ افزارها، آنها را به این کشورها که عمدتاً تولید کننده شان نیز بودند، می فرستادند. حمل محموله های ایران به آلمان باید از طریق خاک روسیه انجام می گرفت و این مسأله با توجه به رویه خصمانه روسیه نسبت به روابط دیپلماتیک ایران با دول دیگر خاصه آلمان و اتریش، مأمورین دولت ایران را با مشکل مواجه می ساخت. هماهنگ کردن و جلب رضایت روسیه برای عبور دادن یک محموله نظامی معمولاً ماهها به طول می انجامید. در سال ۱۳۳۲ ق

مقرر شد تعداد ۶ توپ شصت تیر برنجی برای تعمیر به آلمان فرستاده شود تا در کارخانه فشنگ سازی برلین سرویس شود. مسیر عبور این توپ ها باید از روسیه و از شهر الکساندروف و یا باطوم می گذشت. بنابراین وظیفه هماهنگ کردن حمل این مرسوله بر عهده سفارت ایران در سن پترزبورگ بود. خرید اسلحه از فرانسه نیز توسط همین سفارتخانه انجام می گرفت. پس از رایزنی های سفارت ایران در روسیه و هماهنگی هایی که توسط صفاء الممالک وزیر مختار ایران در اتریش صورت گرفت، مقرر شد توپ های فوق الذکر به همراه ۵۰۰ صندوق که هر صندوق حاوی ۱۰۰ قبضه تفنگ کوتاه لول بود و ۳۹۴۲ عدد فشنگ، پس از خریداری از کارخانجات تسلیحاتی اتریش، از طریق روسیه به انزلی و بادکوبه و از آنجا به ایران فرستاده شود. ایران همچنین تعداد ۵ هزار فشنگ به همراه یک عراده توپ از هندوستان، ۳۰ هزار تفنگ لول کوتاه، ۲۵۰ قبضه تفنگ لول بلند و ۴۳ صندوق مهمات از فرانسه و ۱۰۰۰ قبضه تفنگ و ۵۰۰ هزار عدد فشنگ از انگلستان خریداری کرد. (سال ۱۳۳۱-۱۳۳۲ کارتن ۳۴ پرونده ۲ سند شماره ۲)

فصل سوم

روابط فرهنگی و خدمات اجتماعی

سطح روابط فرهنگی ایران و اتریش در دوره قاجار چشمگیر نبود و تقریباً به تحصیل تعدادی از شاهزادگان قاجاری در ایران و تاسیس نهادها و مؤسسات درمانی توسط اتریشیان در ایران آن هم در تعداد کم، محدود می شد.

تحصیل شاهزادگان ایرانی در اتریش

در این دوره روابط فرهنگی ایران با اتریش تقریباً محدود به تحصیل تعدادی از شاهزادگان و پسران رجال درباری در اتریش بود که در همان قالب و چهارچوب کلی روابط ایران و اتریش فضایی نظامی قرار داشت و این محصلین در آکادمی های اتریش به آموزش علوم و فنون نظامی مشغول بودند. هزینه تحصیل آنها برعهده دولت ایران و البته با مساعد خانواده هایشان بود. در ایام تعطیلی کالج محصلین به ایران بازمی گشتند. تعدادی از دانش آموختگانی که در دوره مظفرالدین شاه در یکی از کالج های نظامی اتریش تحصیل می کردند، عبارت بودند از:

امین الملک، محسن خان و شرف الدین سلطان پسران وزیر افخم و خسروخان و ابوطالب خان پسران دکتر شیخ محمدخان (سال ۱۳۲۴، کارتن ۱۹، پرونده ۳، شماره ۸۸) پیش از این نیز در سال ۱۳۱۹ اسداله خان پسر اعلالدوله، سیف اله خان پسر وزیر نظام برای تحصیل آموزش نظام در مدارس نظامی (آکادمی) «ماری طرز» و «طرز یاطوم» اعزام اتریش شده بودند. این دو مدرسه برجسته ترین مدارس نظام در اتریش بودند. شاگردان ملزم بودند در این مدارس با لباس نظامی حاضر شده و با خود شمشیر حمل نمایند. مخارج سالانه هر محصل در حدود ۲ هزار فلورن بود که از طرف دولت ایران پرداخت می شد. بر اساس قوانین آکادمی، دولت ایران موظف بود هزینه های تحصیل بورسیه ها را طی اقساط ۶ ماهه بپردازد. برنامه درسی این مدارس از طرف سفارت ایران در اتریش برای بحث و بررسی به ایران فرستاده می شد. محصلین در ایام تعطیلات کوتاه مدت در سفارت ایران به سر می بردند. اداره امور محصلین بر عهده معتمدالسلطان و دکتر امیرخان با نظارت سفارت ایران در اتریش بود. (سال ۱۳۱۹، کارتن ۱۹، پرونده ۲۳، سند ۱۰)

به جز شاهزادگان، پسران صاحب منصبان کشوری و لشکری هم می توانستند برای تحصیل در اتریش بورس دولتی بگیرند. مخارج تحصیل آنها بر عهده دولت بود البته پولی که دولت برای تحصیل این دانشجویان می پرداخت، سقف مشخص داشت و در حدود ۴ کرون بود، بنابراین تأمین هزینه های مازاد بر این مقدار بر عهده خانواده محصلین بود. تهیه مسکن برای زندگی محصلین و تأمین مایحتاج و وسایل زندگی نیز بر عهده دولت ایران بود که از طریق سفارت ایران در اتریش صورت می گرفت. (سال ۱۳۱۹، کارتن ۱۹، پرونده ۲۳، سند ۱۹)

محصلین ایرانی در اتریش به صورت گروهی در پانسیون های چند نفره زندگی می کردند و علاوه بر شرکت در کلاس های آکادمی، از معلمین اتریشی برای فراگیری زبان در منزل بخصوص در ماه های اول تحصیل خود استفاده می کردند. در مکاتبات سفارت ایران در اتریش با وزارت خارجه، مدرسه نظامی ماری طرز که محل تحصیل نجای ایرانی بود یکی از بهترین آکادمی های اتریش و حتی برجسته تر از آکادمی خورشیدکلاه روسیه معرفی می شد. این آکادمی تنها شاهزادگان و نجیب زادگان دول دیگر را می پذیرفت. پادشاه اسپانیا و خدیو مصر از فارغ التحصیلان این آکادمی بودند. (سال ۱۳۱۹، کارتن ۱۹، پرونده ۲۳، سند ۲۷)

در تاریخ ۶ رجب ۱۳۱۹ نیز برادران سلطان صمد میرزا، عضد السلطنه، حسینعلی میرزا و یمین الدوله به همراه ارفع الدوله برای ادامه تحصیل عازم وین شدند. (همان: سند شماره ۴۵)

برادران مظفرالدین شاه یعنی شاهزاده حسینعلی میرزا و سلطان احمد میرزا نیز از جمله محصلین مدرسه ماری طرز بودند که به همراه محسن خان پسر اتابک، اسحاق خان پسر عموی محسن خان تحت نظارت و راهنمایی نریمان خان سفیر دولت ایران در اتریش، دوران تحصیل خود را آغاز کردند. امین الملک و محسن خان، عبدالرضا خان و خسرو خان فرزندان وزیر افخم و همچنین ابوطالب خان پسر دکتر شیخ خان از دیگر دانشجویان مدرسه نظام در اتریش بودند. (سال ۱۳۱۹، کارتن ۱۹، پرونده ۲۳، سند ۳۸)

موجب دانشجویان پس از پایان دوران تحصیلات کم و یا قطع می شد زیرا انتظار می رفت فارغ التحصیلان در ادارات دیوانی و خارجی استخدام شوند. (همان، سند شماره ۴۶)

فهرست هزینه های تحصیل اسداله خان، سیف اله خان و سه شاهزاده دیگر در

طول تحصیل در اتریش

۱۰۰۰ کرون	مخارج یومیه و حق تدریس معلمان
۳۰۰ کرون	لباس تابستانی هزینه هر نفر
۱۰۰ کرون	هزینه مسافرت داخلی
۲۰۰ کرون	هزینه های متفرقه برای هر نفر
۲۰۰ کرون	کرایه منزل برای هر نفر
۴ کرون	مخارج رختشویی
۳۰۰ کرون	لباس ورزشی
۱۰۰ کرون	مخارج یومیه
۱۰۰ کرون	هزینه خدمتکار (نوکر) و طبیب
۲۰۰ کرون	مخارج سفر به ایران برای هر نفر

همان، سند شماره ۲۴

مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۱ ق خطاب به سفارت ایران در اتریش نوشت: ضمن پرداخت به موقع شهریه دانشجویان ایرانی در اتریش تلاش شود این جوانان در صورت امکان در این کشور مشغول به کار شوند و بتوانند تجربه کاری کافی کسب کنند. (سال ۱۳۲۱ کارتن ۲۴ پرونده ۱ سند شماره ۱۹)

تقدیم کتاب

سفارت ایران از چاپ و نشر کتابی در اتریش به قلم یکی از صاحب منصبان نظامی اتریش، خبر می دهد. «آدلف اثر» در اثر خود با موضوع شرح حال سلاطین و درج تمثال آنها، به سلاطین ایران عصر قاجار نیز پرداخته و یک نسخه از کتاب از طرف

سفارت ایران در اتریش به عنوان هدیه نویسنده به ناصرالدین شاه تقدیم شد. (۱۳۱۲ق کارتن ۲۴ پرونده ۱۰ سند شماره ۴)

پزشکان و دانشمندان اتریشی در ایران

پایین بودن سطح بهداشت عمومی، فقدان شبکه پزشکی و بهداشت در کنار نبود نهادها و مؤسساتی که مسئول رسیدگی به بهداشت شهری و سلامت عمومی جامعه باشند، شهرهای ایران عصر قاجار را به زباله دان های بلاخیز تبدیل کرده بود که بیمارهای مختلف برخاسته از این وضعیت سالانه تعداد زیادی از نفوس ایران را به کام مرگ می کشاند. بیمارهای واگیر همیشه وجود داشت و قربانی می گرفت. پزشکی سنتی و آمیخته به خرافات و اوهام این عصر قادر به حل این حجم وسیع از بیماری ها و مسایل مختلف نبود. تقریباً هیچ اثر مکتوبی در باب پزشکی مدرن و یا درباره بیماری های مختلف به صورت کتاب یا جزوه وجود نداشت. تعداد اندک مؤسسات بهداشتی و درمانی که توسط مسیونرهای خارجی تأسیس شده بود، جوابگوی جامعه بیمار ایران نبود. البته این مؤسسات مدرن نیز چندان مورد توجه عامه مردم و طبقات فرودست جامعه نبود. مردم بر اساس باورهای خود خارجیان را کافر می دانستند و به شیوه های درمانی آنها که شیطانی اش می خواندند، باور نداشتند. دولتمردان قاجار نیز چندان دغدغه رشد بهداشت و پزشکی مدرن را نداشته و اساساً ضرورت آن را درک نمی کردند. با این وجود سفارت ایران در سال ۱۳۱۲ ق در عصر ناصری، از «دکتر شیندلر» اتریشی خواست کتابی درباره بیماری طاعون تألیف و به ایران بفرستد. (سال ۱۳۱۲ کارتن ۲۴ پرونده ۸ سند شماره ۲۸)

بعضی از محققین خارجی از جمله پزشکان اتریشی علاقه مند بودند در ایران به تحقیق درباره انواع بیماری و شیوه های درمان آنها پردازند. شارژدافر اتریش در سال ۱۳۱۳ ق به صدراعظم ایران نوشت: دکتر «کلرنودلسکی» مأمور حفظ الصحة اتریش از طرف دولت اتریش مأمور به تحقیق و تفحص در ایالت آذربایجان شده است اما ظاهر امر این است که کارگزار آذربایجان و حتی شخص ولیعهد نه از آمدن دکتر کلرنودلسکی مطلع شده اند نه ضرورت کار ایشان را می دانند و فلذا دولت اتریش خواستار انجام همکاری های لازم با دکتر نودلسکی است. (سال ۱۳۱۳ کارتن ۲۶ پرونده ۴ سند شماره ۳۳)

در سال ۱۳۲۰ ق دکتر هانس دانشمند و پژوهشگر اتریشی برای انجام پاره ای از تحقیقات پزشکی و اجتماعی عازم سفر به ایران شد. (سال ۱۳۲۰ کارتن ۴ پرونده ۳۰ سند شماره ۱۱)

در سال ۱۳۲۰ ق نیز پزشک و دانشمند اتریشی «مسیورای خلت» برای انجام یک سری تحقیقات پزشکی، بوم شناسی و جغرافیایی در بنادر جنوب وارد ایران شد. در تلگرام مشیرالدوله به معزالسلطنه (از حکمرانان جنوب) بر اهمیت این سفر و لزوم فراهم کردن وسایل راحتی مسیورای خلت و همکاری با ایشان در انجام تحقیقاتش تأکید شده بود. (سال ۱۳۲۰ کارتن ۴ پرونده ۱۱ سند شماره ۹)

در سال ۱۳۲۴ ق و در عصر مظفری وزارت علوم از طریق وزارت خارجه به سفارت اتریش اعلام کرد «از آنجایی که اکثر دواهایی که در اکثر دواخانه ها به فروش می رسد یا فاسد است یا به واسطه اختلاط و امتزاج اجزای غریبه که در داخل بعضی ادویه می کنند بی اثر شده و موجب امتداد مرض می شود» وزارت علوم ایران تصمیم گرفته است کمیسیونی از اطباء خارجی برای حل این مشکل و امکان ساخت دارو در ایران

تشکیل دهد که در این کمیسیون داروسازان اروپایی و معلمان مدرسه دارالفنون نیز حضور دارند. وزارت علوم ایران از اطباء اتریشی ساکن ایران نیز برای شرکت در این کمیسیون دعوت رسمی به عمل می آورد. (سال ۱۳۲۴ کارتن ۲۶ پرونده ۲ سند شماره ۴۳)

اقدامات مشابهی نیز در عصر ناصری صورت گرفته بود. وضعیت عقب مانده بهداشت و سلامت عمومی و همچنین فقدان علم پزشکی جدید در ایران عصر قاجار که یکی از اصلی ترین دلایل شیوع مرگ و میر و رواج انواع بیماری های مختلف بود، سبب شد دولت ایران در آخرین سال حکومت ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ ق مجلسی از دولتمردان و درباریان تشکیل دهد که در باب وضعیت حفظ الصحة کشور و شیوع انواع بیماری ها چاره اندیشی شود. یکی از سخنران این مجلس ضمن اشاره به فقدان مؤسسات صحی در ایران و عدم دسترسی ولایات و حتی مرکز کشور به طبیب مجرب و خطر شیوع بیماری های واگیر گفت «امراض عمومیه سالهای اخیر در هندوستان تولید و در ایران بروز و طغیان نموده است این است که اصلاح و برقراری لوازم حفظ الصحة در ایران خیلی لازم و ضروری می باشد و دولت علیه ایران نیز لزوم مداخله سریعه و بذل اقدامات خود را در اصلاح و برقراری مجالس حفظ الصحة در مملکت خود را لازم می داند» گوینده در ادامه به معاهده «حفظ الصحة» پاریس که در سال ۱۸۹۴ م با حضور دول مختلف منعقد و بر لزوم تأسیس مؤسسات حفظ الصحة و مشارکت و اهتمام دولت ها در زمینه بهداشت و سلامت عمومی، تأکید کرد و دولت ایران را موافق این معاهده دانست. مسأله محوری که در این مجلس مطرح شد لزوم مشارکت سفارت های دول خارجه در ایران و همراهی هیأت های خارجی وارده به ایران در این خصوص بود. بدین ترتیب که مقرر بود نمایندگان دول مختلف که اغلب به صورت گروهی و در قالب هیأت های سیاسی به ایران می آمدند، با خود پزشک و

یا پزشکانی به همراه داشته باشند و در ایران اقدام به تأسیس مؤسسات صحتی یا دادن آموزش در این زمینه کنند. دولت ایران خطاب به دولت اتریش و سفیر این کشور گفت سایر دول تا کنون به این درخواست ایران پاسخ گفته اند، در صورت امکان اتریش هم باید پزشکی به استخدام سفارتخانه خود و یا کنسولگری خود در تبریز درآورد چون تبریز در مقایسه با تهران نیاز بیشتری به پزشک دارد. دولت اتریش در پاسخ گفت این پیشنهاد ایران را مد نظر قرار خواهد داشت. (سال ۱۳۱۳ ق کارتن ۲۴ پرونده ۸ سند شماره ۱۰)

در رجب همین سال کارگزاری رسمی آذربایجان خبر از ورود دکتر «کلرخبانودسکی» پزشک اتریشی به عنوان مأمور حفظ الصحة سفارت اتریش داد. (۱۳۱۳ کارتن ۲۶ پرونده ۴ سند شماره ۳۳)

البته پیش از این سال و برگزاری مجلس فوق، در سال ۱۳۱۲ ق وزیر مختار اتریش ضمن گزارشی به امنای دولت خود درباره وضعیت اسفبار بهداشت و سلامت عمومی، شیوع انواع بیماری های کشنده و فقدان پزشک در ایران، از دولت اتریش خواست هیأتی بدین منظور به همراه پزشک و متخصصین حفظ الصحة به ایران فرستاده تا در تبریز مستقر شوند. ناصرالدین شاه از این خبر ابراز خوشحالی کرده و دستور داد اسباب رفاه و آسایش این هیأت در ایران و تبریز به بهترین نحو فراهم شود. (۱۳۱۲ کارتن ۲۴ پرونده ۸ سند شماره ۱۰)

دولت ایران همواره و در تمام ادوار از ورود و فعالیت طبای اتریشی استقبال کرده و می کوشید امکان حضور و اقامت آنها در ایران را فراهم کند. «دکتر فیشترین» یکی از پزشکان حاذق اتریشی در دوره احمدشاه به ایران مسافرت کرده و تصمیم به اقامت و فعالیت در ایران گرفت. بر اساس قوانین ایران اگر بنا بود پزشکی به صورت رسمی در

ایران فعالیت کرده و به عنوان مأمور دولت ایران مطب دایر کند، می بایست با وزارت معارف قرارداد بسته مجوز طبابت و یا تحقیق و پژوهش دریافت کند. (سال ۱۳۲۷، کارتن ۱۱، پرونده ۳، سند ۶۶)

دکتر فیشترین یکی از شاگردان برجسته دکتر فوکس پزشک و چشم پزشک معروف مقیم اتریش بود، که در کنار سایر تخصص های پزشکی، در حوزه بیماری های چشمی قابلیت و مهارت ویژه ای داشت. این متخصص از سفارت ایران در اتریش برای اقامت خود در ایران پس از پایان تحصیلاتش اقدام کرد و از سفارت ایران خواست همکاری های لازم با او در این زمینه انجام شود. نکته قابل توجه در این خصوص این است که وزارت معارف آمادگی خود را برای پرداخت حقوق و مزایای بالا به فیشترین اعلام کرد اما او گفت «در عوض کار و فعالیت خود در ایران هیچ مقرری دریافت نخواهد کرد. تنها خواهشی که دارد صدور مجوز از طرف وزارت معارف برای افتتاح مطب است.» به دلیل شایع بودن بیماری های چشمی در ایران که منجر به نابینایی تعداد زیادی از مردم تهران و ایران شده بود، از ورود دکتر فیشترین استقبال شد. (سال ۱۳۲۷، کارتن ۱۱، پرونده ۳، سند های ۹۶ و ۹۷)

اما معروف ترین اتریشی در عرصه پزشکی و حفظ الصحة، «یاکوب ادوارد پولاک» نخستین معلم طب در مدرسه دارالفنون و پزشک مخصوص ناصرالدین شاه بود. وی تحصیلات خود در رشته پزشکی را در دانشگاه های پراگ و وین به پایان برد. او در سال ۱۲۶۷ ق همراه با هیأتی اتریشی مرکب از معلمین نظامی، مهندسين و کارشناسان فنی که توسط داودخان ارمنی، نماینده تجاری دولت ایران برای تدریس در مدرسه دارالفنون استخدام شده بودند، وارد ایران شد. علاقه پولاک به مشرق زمین و تحقیق و پژوهش در ایران سبب شد پیشنهاد داودخان را بپذیرد. موانع زیادی برای کار

حرفه ای پولاک در ایران وجود داشت که پزشک اتریشی در رفع آن بسیار تلاش کرد و موفقیت هایی نیز بدست آورد. از جمله این موانع و مشکلات فقدان کتب درسی، ناآشنایی ایرانیان با زبان های اروپایی، لزوم ترجمه اصطلاحات پزشکی و فنی و یافتن واژه های معادل و از همه مهم تر نبود وسایل و تجهیزات پزشکی و جراحی در ایران بود. پولاک برای رفع این موانع تلاش کرد؛ از جمله در سال نخست اقامت خود، دروس را به زبان فرانسه که شاگردان کم و بیش با آن آشنایی داشتند به کمک مترجم تدریس می کرد و در سال بعد، مطالب را خود به زبان فارسی آموزش می داد. او همچنین کتب مفیدی در حوزه پزشکی تدریس و در اختیار شاگردان گذاشت. راهنمای آناتومی، فرهنگ اصطلاحات پزشکی به زبان های فارسی-عربی-لاتین، کتب درسی فیزیولوژی و چند رساله دیگر از جمله این آثار بودند. پولاک همچنین بخش جراحی و بخش معاینه و تجویز سیار را دایر کرد. پس از مرگ ارنست کلوکه پزشک فرانسوی شاه، لقب حکیم باشی گرفت و به دلیل چاپ و نشر کتاب درسی راهنمای آناتومی، مدال شیروخورشید و نشان عالی درجه دوم دریافت کرد. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۵، ۱۳۷۵: ۸۰)

پولاک در طول اقامت خود در ایران به شهرها و روستاهای زیادی سفر کرد. علاقه او به شناخت ایران و ایرانیان، او را به مطالعه و مشاهده درباره آداب و رسوم و فرهنگ های مختلف، جغرافیا و زیست بوم، پزشکی محلی و شناخت داروهای گیاهی و تاریخ ایران ترغیب کرد. حاصل مشاهدات و تجارب علمی و عملی او در کتاب سرزمین و مردم ایران و یا سفرنامه پولاک به چاپ رسید. او در سال ۱۲۷۷ ق / ۱۸۶۰م به اتریش بازگشت و پژوهشگران، جهانگردان و پزشکان زیادی را به سفر و اقامت در ایران ترغیب کرد. تعدادی از زمین شناسان، جغرافیدانان، گیاه شناسان و پزشکان اتریشی که در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی در دشت ها و صحراهای مرکزی ایران، کرانه های

جنوبی دریای مازندران و مناطق البرز و الوند مشغول فعالیت و کشفیات علمی بودند، به تشویق پولاک به ایران آمده بودند. (آلفونس، ۱۳۴۸: ۲۸۷-۲۸۵)

در سال ۱۳۰۲ ق یک گیاه شناس اتریشی به نام «های اشتاپف» و دوزمین شناس به اسامی «رودلر و ناپ» به هزینه پولاک برای انجام تحقیق و پژوهش وارد ایران شدند. حاصل کار آنها به موزه تاریخ طبیعی وین انتقال یافت. (همان: ۲۶۰ و ۲۸۵) محققین دیگری نیز تحت تأثیر پولاک به ایران آمدند از جمله ایتسه که در نواحی البرز شرقی بین شاهرود و گرگان، کرج و دره چالوس به تحقیق پرداخت و کتاب هایی نیز تألیف کرد. (همان: ۲۸۷)

در دوران قاجار اروپاییان و مسیونرهای خارجی و همچنین اقلیت های مختلف مذهبی، اقدام به تأسیس مؤسسات فرهنگی، آموزشی و نهاد و مؤسساتی با کاربری خدمات اجتماعی می کردند. انگلیسی ها، فرانسوی ها و تا حد زیادی آمریکایی ها در این راه پیشگام بودند. این مؤسسات آموزشی، بهداشتی و اجتماعی تقریباً تنها مؤسسات مدرن در ایران بودند. در ورای این اقدامات و تأسیسات، غربی ها موضوع تبلیغات مذهبی را نیز دنبال می کردند. کشور اتریش به توجه با ارتباط نزدیکی که با دولت ایران در عصر قاجار داشت و شناختی که در اثر روابط دیپلماتیک از جامعه ایران پیدا کرده بود، با توجه به نیازهای جامعه ایران به مؤسسات مدرن، اقدام به تأسیس بیمارستان، درمانگاه، داروخانه و کارگاه های قالی بافی در تبریز کرد. این مؤسسات تحت نظارت کنسولگری اتریش در تبریز اداره می شد و در فقدان نهادهای مدرن در ایران نیازهای مأمورین نظامی و دیپلماتیک اتریش و خانواده های آنها را مرتفع می کرد. البته ایرانیان و مسلمانان نیز در صورت تمایل امکان استفاده از امکانات این مؤسسات را داشتند. در کارگاه های قالی بافی و دستگاه های بافندگی که به بافت انواع

نخ و پارچه به صورت نیمه دستی اختصاص داشت، زنان و دختران زیادی مشغول به کار بودند که محصولات آنها گاهی به اتریش صادر می شد و در موارد دیگر به مصرف داخلی می رسید. (سال ۱۳۳۱ کارتن ۶ پرونده ۶ سند شماره ۶ و ۷)

راه سازی

وضعیت جاده های ایران در دوره قاجار بسیار بد و در واقع جاده ای وجود نداشت. این مسأله، حمل و نقل و دادوستد و همچنین مسافرت بین شهرهای مختلف را دشوار می کرد. موریس دوکوترزبو که در سال ۱۲۳۲ق در ایران به مسافرت پرداخت، در این خصوص نوشت: «تمام محصولات این مملکت بر روی پشت الاغ، اسب و شتر حمل می شود. اهالی این دیار گاری چرخ دار ندیده اند. راه در این سرزمین عبارت است از خطوطی که علف آن پایمال شده باشد و در اراضی سنگلاخ که آثار پا نمی ماند مسافر بدون راهنما گم می شود. برای قومی که در ۲۵۰۰ سال پیش دارای چنان جاده های معتبر بوده که دنیایی را متعجب می ساخت و برای مردمی که اربابه های اجدادشان در ۲۵ قرن پیش چنان کامل و زیبا بود که سابقه بسیار طولانی را برای تکامل خود مسلم می دارد البته دشوار است که از بیگانگان چنان طعنه ای بشنود اما نمی توان انکار کرد که پس از صفویه در ایران تقریباً جاده درخور توجهی باقی نماند.» (پژمان، بی تا: ۳۰۵)

دولت های قاجار کوچکترین توجهی به شوسه کردن راه ها و اساساً هیچ نوع از خدمات اجتماعی نداشتند و آن را جزء اصلاحات ضروری نمی دانستند. گفته می شود در سال ۱۲۷۷ق مسیو «مینو تولی» وزیر مختار دولت پروس به دلیل سختی راه به سختی بیمار شد و جان داد و همچنین در سال ۱۲۸۸ سرجوخه «کلینز» انگلیسی مأمور تلگرافخانه بوشهر با زن و فرزندش در راه بوشهر بدست راهزنان کشته شدند. (همان:

۳۰۶) در عصر ناصری و مظفیری به دلیل رویکرد اصلاح طلبانی چون امیرکبیر و سپهسالار به انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی، شاهان قاجار تا حدی هرچند اندک به اقداماتی چون ساخت جاده روی آوردند. دولت ایران برای انجام خدمات اجتماعی از جمله پروژه های ساخت و ساز، از مهندسین اتریشی استفاده می کرد و به پاس خدمات آنها، طی مراسمی نشان شیر و خورشید به آنها اعطا می کرد. «مسیو ویل حلم پولز» مستخدم انجمن راه آهن اتریش، که در حوزه ساخت انواع جاده و خاصه جاده های شوسه که برای ایران بسیار کاربردی بود، حضور داشت، از طرف دولت ناصری، نشان شیر و خورشید درجه پنج دریافت داشت. این گونه اقدامات اجتماعی دولت اندک و بسیار کوتاه مدت بود. پروژه های نوسازی و ساخت جاده و تعمیر معابر عمومی به سرعت به دست فراموشی سپرده می شد. در سال ۱۳۲۰ ق دولت تصمیم گرفت مشکل فقدان جاده های شوسه در تهران و اطراف پایتخت را در حد توان حل کند. «شرکت عمومی ایران» که تحت نظارت دولت قرار داشت و سرتیپ سلیمان خان مهندس، به همراه شرکا جزء هیأت مدیره آن بودند مسئولیت این کار را بر عهده گرفت. شرکت عمومی ایران برای انجام پروژه ساخت راه های شوسه در صدد برآمد برای اطمینان از موفقیت در کار و رعایت استانداردهای لازم از اتریش یک مهندس راه به عنوان ناظر استخدام کند. حاج میرزا علی مدیر شرکت با این هدف استخدام این نیرو عازم وین شد. (سال ۱۳۲۰ کارتن ۴ پرونده ۱۱ سند شماره ۱۰)

در سال ۱۸۶۴م یعنی در حدود هفت سال پیش از انعقاد قرارداد رویتر، امتیاز کشیدن راه آهن و استفاده از معادن به یک فرد اتریشی به نام سالواو داده شد. اما در خصوص این امتیاز، هیچ اقدامی انجام نشد و خودبه خود ملغی گردید و بعدها به فرانسویان، پروسی ها و انگلیسی ها پیشنهاد شد. پیگیری و به مرحله عمل درآوردن

مفاد امتیاز برای اتریش در شرایط ایران آن روز بسیار دشوار بود. هم اتریشی ها و هم دیگر خارجیان صاحب امتیاز در ورودشان به ایران و برای آغاز کار مشکلات زیادی برای نگهداری اموالشان از دست دزدان داشتند. همچنین پیدا کردن نیروی انسانی برای کار دشوار بود؛ همکاری مأمورین محلی هم تا زمانی که پولی دریافت نمی کردند، حاصل نمی شد. در نتیجه واگذاری این امتیازات در آغاز به سود وزرا و درباریان و واسطه های این امتیازات بود. (چالز عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۷۰)

در میان هیأت مستشاری اتریش که در سال ۱۲۶۸ ق به دعوت امیرکبیر برای کار در ایران و تدریس در دارالفنون به ایران آمدند، «مسیو کرزیز» متخصص پست و تلگراف نیز حضور داشت که در طول اقامت خود در ایران موفق به انجام کارهایی در زمینه تلگراف و تلفن شد. او تلگراف را به ایران آورد و یک خط تلگراف بین شهر و قصر شاه کشید. همچنین نقشه ای دقیق از تهران تهیه کرد و با استفاده از علوم ریاضی و مشاهدات از نزدیک ارتفاع دماوند و سایر قلل را بدست آورد. (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۱۸)

فصل چهارم

روابط اقتصادی و بازرگانی

روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با اتریش در این دوره محدود بود و در مقایسه با کشورهای دیگر حجم کمی را به خود اختصاص می داد. عمده روابط اقتصادی و بازرگانی ایران در عصر قاجار با کشورهای انگلیس، روسیه و آلمان بود. نفوذ استعماری این دول از یک طرف و تسلط آنها بر سیاست و اجتماع ایران از طرف دیگر مانع فعالیت اقتصادی سایر دول با ایران می شد. به علاوه از هم گسیختگی اقتصادی ایران در این دوره که همواره با بحران های مختلف و کسری تراز بازرگانی همراه بود، در کنار سنتی بودن ساختار اقتصادی مبتنی بر زمین داری در ایران و ابتدایی بودن صنعت در آغاز مرحله رشد سرمایه داری، سبب شد ایران نتواند ارتباط اقتصادی پویا و سودآوری با کشورهای چون اتریش داشته باشد. اسنادی هم که در این خصوص وجود دارد اغلب مربوط به فعالیت تجار و بازرگانان ایران با تجار اتریش است که البته این نوع از فعالیت اقتصادی نیز چندان گسترده و مورد توجه نبود.

تجارت، صادرات و واردات با اتریش

عمده واردات ایران از اتریش به نوشته چارلز عیسوی، شکر، محصولات پشمی، پنبه ای و ابریشمی بود. البته بخش اعظم واردات ایران و اساسا تجارت خارجی ایران با کشور روسیه بود زیرا حاصلخیزترین، پرجمعیت ترین و غنی ترین ایالات ایران در نزدیکی دریای خزر قرار داشت. شکر دقیقا یک دوم کل واردات ایران از روسیه را تشکیل می داد که کاهش واردات این کالا از روسیه باعث ازدیاد ورود آن از اتریش و فرانسه می شد. این شکرها از طریق خلیج فارس وارد می شد و سود زیادی را نصیب کشتی های انگلیسی می کرد. در بحث تجارت منسوجات با اتریش، تجار ایرانی عمدتا در کار خرید و فروش منسوجات پشمی بودند؛ بدین صورت که کالاها در استامبول خریداری شده و از طریق طرابوزان وارد ایران می شدند. بر اساس عهدنامه ای که در سال ۱۸۱۳م پس از جنگ های ایران و روس منعقد شد، روسها حق تسلط بر ناوگان تجاری و نظامی دریای خزر را بدست آوردند. حقوق گمرکی بر مبنای ۵ درصد ارزش اعلام شده کالاها برقرار شد و تجارت روسیه در ایران تا اواسط قرن نوزدهم بی وقفه ادامه یافت. اما روسیه علی رغم این روابط تجاری چهار قرن با ایران، منافع زیادی در تجارت با آسیا و ایران برای خود متصور نبود. در نتیجه تجارت با ایران را چندان جدی نمی گرفت. اروپاییان خصوصا انگلیسی ها از این فرصت استفاده کرده و بازارهای ایران را مملو از کالاهای خود ساختند که از راه دریایی و از طریق خلیج فارس وارد می کردند. آلمان و اتریش که در وضعیتی نبودند که با انگلستان در ایران از راه دریایی رقابت کنند، کالاهای خود را از راه باطوم به شمال ایران و از همان راه با ترانزیت آزاد از طریق ماورای قفقاز به باکو و جلفا سرازیر کردند. در نتیجه امتعه روسی که

بازارهایش را در جنوب ایران از دست داده بود، نتوانست به شمال ایران که در قبضه کالاهای اتریشی و آلمانی بود، دست یابد. (چالز عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۰۹ و ۲۲۱)

اقلام صادراتی از ایران به اتریش عبارت بود از: پنبه، خشکبار، فرش پشمباف، برنج، ابریشم در پيله، پوست، تریاک، صمغ و پشمی کار نشده، توتون و تنباکو، نباتات طبی، املاح و رنگ ها. اتریش از لحاظ میزان واردات و صادرات محصولات تجاری به ایران در رتبه پنجم قرار داشت، که در آستانه جنگ جهانی اول به رتبه هفتم تنزل یافت. (همان: ۲۲۹)

یکی از اقلام مورد توجه تجار اتریشی برای انعقاد قرارداد تجاری و بازرگانی، تجارت چوب و حمل آن از ایران به اتریش توسط اتباع اتریشی یا تجارتخانه ها بود. در سال ۱۳۲۵ ق عمیدالسلطنه سردار امجد یکی از ملاکین و زمین داران مقیم تهران طی قراردادی با مسیو «آلبرت ادر» حقوق دادن اتریشی که به نمایندگی یک شرکت اتریشی به ایران آمده بود، متعهد شد تمام درختان بلوط جنگلی در نزدیکی بحر خزر واقع در جنگل های ولایات گرگان رود و اسالم که متعلق به خودش بود را در اختیار نماینده شرکت اتریشی قرار دهد. بنا بود چوب این درختان پس از قطع شدن و بسته بندی به اتریش فرستاده شود. قرارداد در ۱۲ بند در تاریخ ۱۲ شوال ۱۳۲۵ (نوامبر ۱۹۰۷) منعقد شد. قیمت مندرج در قرارداد ۴۰۰۰ هزار فرانک در عوض هر ۱۰۰۰ درخت بود. با این شرایط که طول درختان نباید کمتر از یک متر و قطرش کمتر از نیم ذرع باشد. ضمانت قرارداد واگذاری سهامی از شرکت صاحب امتیاز اتریشی پس از پایان کنترات به فروشنده تعیین شد. تعداد درختان قطع شده باید حداقل ۱۵۰ هزار اصله درخت باشد. بر اساس قرارداد مسئولیت خرید یا اجاره حیوانات برای حمل

و نقل درختان نیز بر عهده خریدار اتریشی بود. (سال ۱۳۲۵ کارت ۱۹ پرونده ۱ اسناد شماره ۱۳، ۱/۱ - ۱۳، ۱/۱ - ۱۳)

طبق قرارداد تجاری بین «مسیو بلندیک» یکی از اتباع اتریش و مسئول تجارت خانه ای با همین نام و حاکم تبریز به نمایندگی از دولت ایران، مقرر شد مقدار چند تن روده از تبریز به اتریش ارسال شود. (سال ۱۳۲۶ کارت ۴۸ پرونده ۱ سند شماره ۷)

یکی از اقلام و کالاهای مورد علاقه ایرانیان برای خرید در اتریش بخصوص در میان طبقات بالای جامعه و درباریان، وسایل خانه و اسباب زندگی از قبیل وسایل تزئینی- دکوری و اجناسی مانند میز، صندلی، انواع سفره، لوازم خوراک پزی و ... غیره بود. نریمان خان وزیر مختار ایران در وین خبر از ارسال صندوق های حاوی اقلام فوق به همراه دو دستگاه کالسکه و حمل آن به ایران می دهد. (۱۳۱۹ ق کارت ۱۹ پرونده ۱ سند شماره ۲۳)

سرمایه گذاران اتریشی متوجه اهمیت معادن ایران و امکان استخراج سنگ های مختلف از آن بودند. از این رو شرکت های سرمایه گذار امتیاز کار بر روی یک معدن را اغلب از یکی از درباریان ذینفوذ خریداری می کردند و از سود حاصله بخشی را به دولت و بخشی را به واسطه ذینفوذ می دادند. تأمین اسباب و ادوات کار، تیم حفار و مهندسان معدن بر عهده شرکت و دولت اتریش بود. سفارت اتریش در ایران در جریان امور قرار داشت و کارهای حقوقی و رایزنی با وزارت خارجه و دولت ایران را بر عهده داشت. در سال ۱۳۲۶ ق «سر شریکالر» مهندس و معدنچی اتریشی در یکی از معادن نیشابور مشغول به فعالیت بود. نصرالسلطنه سپهدار از طرف دولت مسئول واگذاری امتیاز معدن به شرکت اتریشی و سر شریکالر بود و معدن در واقع به اسم او نام گذاری شده بود. فردی به نام «شیخ ابوالقاسم» در سمت پیشکار نصرالسلطنه، با معدنچیان و

مهندسین همکاری می کرد. در وزارت خارجه ایران علاءالسلطنه با لقب «معدن السلطنه» مسئول رسیدگی به اختلافات احتمالی بین طرف اتریشی با نصرالسلطنه و دولت ایران بود. سر شریکله همچنین مدتی در مناطق گرگان، گنبد کاووس و شاهرود مشغول به فعالیت بود. (سال ۱۳۲۶ کارتن ۶ پرونده ۱ اسناد شماره ۱۰، ۱۰-۳/۳، ۱۰-۱۱، ۱۰-۱۱، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶)

دولت اتریش طی معاملات و قراردادهای تجاری و اقتصادی خود از ایران می خواست از پرداخت حقوق گمرکی معاف باشد. مسیو مرنارد رئیس گمرکات ایران در پاسخ درخواست اتریش مبنی بر معاف بودن از پرداخت حق گمرک حمل چوب از جنگل های گیلان و مازندران توسط اتباع اتریشی به این کشور نوشت: این معافیت ها به لحاظ اقتصادی به ضرر دولت ایران است و به وزارت داخله نیز درباره آسیب های این معافیت ها هشدار داد. (سال ۱۳۲۵ کارتن ۱۸ پرونده ۲۶ سند شماره ۳۸)

در ادامه رئیس گمرک ایران با بررسی قراردادهای سابق ایران درباره حمل چوب جنگل های شمال به کشورهای دیگر از جمله اتریش، به مقامات این کشور و همچنین به دولت ایران گوشزد کرد که اساسا تجارت چوب از پرداخت تعرفه معاف نیست و شرکت های اتریشی موظف هستند حداقل به اندازه صاحب امتیازهای قبلی به دولت ایران حق و حقوق گمرکی پرداخت نمایند. بر اساس قرارداد دولت ایران با «مسیو کوسییس» و «توفیلاکتوس» در سال های قبل، شرکت متعلق به این دو نفر مبلغ ۲۰ هزار روبل بابت خروج ذغال و چوب به دولت ایران پرداخت می کردند. (سال ۱۳۲۵ کارتن ۱۸ پرونده ۲۶ سند شماره ۴۴)

در عصر ناصری با تلاش های نوگرایانه امیر کبیر ارتباطاتی در حوزه استخدام مستشاران و متخصصین امور اقتصادی و صنعت از اتریش انجام گرفت. پیشرفت صنعتی

و احداث کارخانه های مختلف در ایران یکی از مهم ترین دغدغه ها و علایق امیر کبیر بود. مرگ زود هنگامش توقف بسیاری از پروژه های عمرانی او را به دنبال داشت. یکی از اقداماتی که امیر در راستای تحقق این هدف انجام داد، فرستادن صنعتگر و هنرآموز به دول خارجه برای یادگیری انواع صنعت بود. پس از مرگ او این هدف تا حدی دنبال شد و در سال ۱۲۷۵ ق به دستور امیر کبیر هیأتی از هنرآموزان ایرانی برای فراگرفتن صنعت های مختلف عازم فرانسه شدند که از آن میان ۱۸ تن داوطلب آموختن چینی سازی، ماهوت بافی، کار با کاغذ و صنایع دیگر بودند. امیر کبیر همچنین به بخش نساجی و ماهوت بافی توجهی خاص داشت و ایجاد کارخانه های مربوط به آن را از الزامات ترقی اقتصاد ملی می دانست. به دنبال تحقق این آرمان به داوود خان ارمنی که مسئول استخدام معلمین نظامی برای تدریس در دارالفنون بود، مأموریت داد چندین دستگاه نساجی و ماهوت بافی خریداری کرده و چند متخصص بافنده با مواجب ۶۰۰ الی ۷۰۰ تومان نیز از اتریش با خود به ایران بیاورد. بخش دیگر مأموریت داودخان در این خصوص خریداری ابزارآلات و دستگاه برای برپایی و احداث کارخانه ماهوت بافی در ایران بود. (چالز عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۵۵)

امیر کبیر همچنین برای استخدام مهندس معدن از اتریش اقدام کرد. هدف امیر از این کار این بود که استخراج معادن در ایران طبق اصول علمی و اروپایی توسعه یابد و اساتید ایرانی نیز اصول و فنون کار در معدن را بیاموزند. از این رو به داودخان نوشت که چند نفر معلم معدن که در کار خود حرفه ای باشند برای مدت ۵ سال استخدام کند. امیر در یادداشت خود تأکید کرد معلمین مورد نظر باید در شناخت فلزات و اصول حفاری مهارت داشته باشند. توجه امیر به این صنعت سبب شد شاه به اهمیت استخراج معادن آگاهی یابد. لویی ناپلئون به مناسبت جلوس ناصرالدین شاه بر تخت سلطنت هدایایی به

ایران فرستاد که از جمله مهم ترین آن یک دستگاه کوره ذوب فلز بود که قرار بود برای جدا کردن نقره، جدا کردن مس و گداختن سرب های استخراجی از معادن بکار رود اما پس از مرگ امیر کبیر، مسأله معادن پیگیری نشد و اقدامات او در این زمینه به دست فراموشی سپرده شد. دولت نه تنها معدنچیان و صاحبان معادن را تشویق نکرد بلکه مالیات های گزاف از آنها ستاند و دلسردشان کرد. (همان: ۴۶۱)

تجارتخانه

افتتاح تجارتخانه ها در دوره قاجار که با هدف گسترش روابط تجاری بین دولتمن انجام می شد یکی از روش های معمول برای گسترش روابط اقتصادی بین ایران و اتریش بود. امتیاز تأسیس این تجارتخانه ها اغلب از طرف دولت به تجار واگذار می شد. فعالیت این تجارتخانه ها تحت نظارت سفارت ایران در اتریش قرار داشت و صاحب تجارتخانه موظف بود گزارش معاملات و فعالیت های خود را به سفارت بدهد. در سال ۱۳۱۹ ق حسین خان منشی اول و مترجم سفارت اتریش از طرف این دولت مأمور شد تحقیقاتی را برای تأسیس تجارتخانه در ایران و اتریش انجام دهد. این تحقیقات شامل انواع کالاهایی که امکان سودآوری بیشتری داشتند، میزان حمایت دولت و بحث مالیات ها و عوارض می شد. (سال ۱۳۱۹ کارتن ۲۵ پرونده ۱۶ سند شماره ۲۰) میرزا حسین خان همچنین در راستای تحقیقات خود با «مسیو شولتسه اتریشی» از اعضای وزارت مالیه اتریش برای ایجادهای فرصت های بیشتر و راه های بهتر برای تجارت بین دو کشور وارد مذاکره شد. (سال ۱۳۱۹ کارتن ۲۵ پرونده ۱۶ سند شماره ۲۰)

تجار ایرانی در شهرهای مختلف اتریش تجارتخانه داشته و با سراسر اروپا در حال تجارت بودند. فعالیت این تجارتخانه ها همان طور که گفته شد، تحت نظارت سفارت

ایران در اتریش و وزارت خارجه اتریش قرار داشت. مراودات تجاری بین تجار مقیم اتریش و تجار ساکن در ایران، اقلام و کالاهای مختلفی را در برمی گرفت؛ یکی از این اقلام تجاری جواهرات مختلف و سنگ های قیمتی بود که از تجار ساکن ایران به تجارتخانه های ایرانی ساکن اتریش می سپردند تا از طریق آنها محصولات خود را در اروپا به فروش برسانند. در صورتی که کالای مورد نظر به فروش نمی رسید، تجارتخانه ها موظف بودند کالا را به ایران عودت دهند. تجارتخانه «میرزا محمد علی محلوچی» از جمله این تجارتخانه ها بود که به عنوان واسطه بین تجار و دولت ایران از طرفی و دولت اتریش از طرف دیگر با اروپا فعالیت می کرد. (سال ۱۳۰۱ کارتن ۱۹ پرونده ۱ اسناد شماره ۹-۱)

تجارتخانه «مشهدی مهدی تهرانی» در ایران از جمله تجارتخانه هایی بود که ارتباطات تجاری نزدیکی با تجارتخانه «هاندا» در اتریش داشت. تجار اتریشی و ایرانی فعالیت های تجاری خود در این تجارتخانه ها را عمدتاً از طریق استامبول و کنسولگری های ایران و اتریش در این کشور انجام می دادند. در برخی مواقع تجار ایرانی برای جبران کسری نقدینگی خود مبالغی را از تجارتخانه های اتریشی قرض می گرفتند. سفارت ایران در اتریش می بایست در جریان فعالیت های تجار و تجارتخانه ها قرار می گرفت. اگر تاجری ایرانی بدهی خود به تجارتخانه را به موقع پرداخت نمی کرد، تجارتخانه اتریشی از طریق سفارت خود در ایران می توانست طلبش را از طریق وزارت خارجه ایران وصول کند. از نامه مشیرالدوله به قوام الدوله وزیر جنگ در ۱۴ صفر ۱۳۱۹ ق مبنی بر لزوم پرداخت هر چه سریع تر بدهی «میرزا علیخان» تاجر، به تجارتخانه ای در اتریش دانسته می شود که دولت ایران نسبت به پرداخت بدهی های اتباع ایران سخت گیر بوده است چون این امکان وجود داشت که روابط حسنه سیاسی دو کشور تحت تأثیر فعالیت های اتباع و تجار ایرانی در اتریش قرار بگیرد. (سال ۱۳۱۹ کارتن ۹ پرونده ۲ سند شماره ۴۲)

دولت اتریش در تلاش بود از طریق سفارت خود در ایران، مقدمات تشکیل تجارتخانه را در شهرهای مختلف ایران فراهم کند. وزارت خارجه این کشور ضمن حمایت از تأسیس این تجارتخانه می کوشید از دولت ایران برای انجام معاملات تجاری که قرار بود توسط تجارتخانه ها انجام گیرد امتیازاتی از قبیل معافیت های گمرکی بگیرد. در سال ۱۳۳۱ و در عصر احمدشاه قاجار، «آدلف رُهیچ» یکی از اتباع اتریش در مشهد تصمیم گرفت تجارتخانه ای برای وارد کردن انواع کالا از اتریش به ایران تأسیس نماید. سفارت اتریش از وزارت داخله ایران و کارگزاری مشهد خواست همکاری های لازم را با آقای رُهیچ انجام دهند. (سال ۱۳۳۱ کارتن ۲۳ پرونده ۲ سند شماره ۵۷) یکی از مسایلی که تشکیل و گسترش تجارتخانه ها و کمپانی های تجاری را در خاک اتریش و ایران را الزام آور کرده بود، موانعی بود که دولت عثمانی برای تجارت ایران و اتریش ایجاد می کرد. زیرا تجارت بین دو کشور اغلب از طریق استامبول و با کمک واسطه های ترک انجام می گرفت. بدین صورت که نمایندگان ایران و اتریش به دلیل فقدان شرکت های تجاری و کمپانی، در استامبول حضور پیدا کرده و با کمک نمایندگان و اعضای کمپانی های ترک امور تجاری خود را انجام می دادند. اما منفعت طلبی و عدم پاک دستی واسطه های ترک، تجارت ایران و اتریش را با مشکل مواجه ساخت. در دوره مظفرالدین شاه، با وقوع وقفه و مشکل در تجارت بین دو کشور و کم شدن میزان سود تجار، یک تیم تحقیقاتی مسئول رسیدگی به موانع و مشکلات تجارت در ایران و اتریش و یافتن دلایل این ورشکستگی شد. تیم تحقیقاتی در پایان نتیجه گرفت که کارشکنی از جانب واسطه های ترک است که به دنبال کسب سود بیشتر از راه دلالی، به منافع تجار ایرانی و اتریشی آسیب می زنند. در نتیجه دولترین اتریش و ایران تصمیم گرفتند تجار، بازرگانان و صاحبان حرف و مشاغل مختلف، در

دو کشور ارتباطات اقتصادی خود را به صورت مستقیم و با تشکیل شرکت ها و کمپانی های تجاری بدون واسطه عثمانی ها انجام دهند که در این صورت با کوتاه شدن دست دلال ها و کاستن از هزینه های حمل و نقل، امتعه و کالاهای ایرانی نیز با قیمت بیشتری به فروش می رسيد. در پی این تصمیم، مقرر شد یک کمپانی تجاری بر اساس منافع مشترک ایران و اتریش در وین تشکیل شود. کمپانی متعهد شد بر روی مرسولات و مکاتبات رسمی خود علامت شیر و خورشید ایران را نیز مهر و درج کند و همچنین این امکان را فراهم آورد که در هر یک از ایالات و ولایاتی که دولت ایران مایل باشد، شعبه ایجاد کند. از دیگر امتیازات کمپانی برای ایران این بود که اولیای دولت و حکام ولایات در امور اقتصادی و فعالیت های تجاری خود از حمایت کمپانی برخوردار می شدند و در تجارت خود از پرداخت عوارض معاف بودند. (سال ۱۳۲۰ کارتن ۴ پرونده ۵ اسناد شماره ۱۰ تا ۱۰۲)

تأثیر جنگ جهانی اول بر تجارت ایران و اتریش

در گیر شدن اتریش در جنگ جهانی اول از یک سو و نقض بی طرفی ایران در این جنگ از سوی دیگر، حیات اقتصادی دو کشور و به تبع آن روابط تجاری و منافع تجار را به مخاطره انداخت. حاکم شدن شرایط جنگی در اتریش، هرج و مرج و نابسامانی حاصل از آن ادامه فعالیت تجارتخانه ها در این کشور را با وقفه مواجهه ساخت. از هم گسیختگی نظم سیاسی در اتریش، کنترل دولت و پلیس بر امور تجاری را دچار مشکل ساخت. مال التجاره های چند تاجر ایرانی در این زمان مورد سرقت قرار گرفته و یا به دلیل اختلال در سیستم حمل و نقل در وین، در بین راه گم شدند. همچنین کمپانی های طرف تجارت ایران در اتریش قادر به فروش و توزیع کالاهای خریداری شده نبودند.

فقدان پول و ضعف خزانه دولت در شرایط جنگی نیز مزید بر علت بود. در ایران نیز که علی رغم اعلام بی طرفی، مورد تجاوز دول در گیر در جنگ خاصه متفقین قرار گرفته بود، ناامنی اجتماعی، بحران های سیاسی و فروپاشی اقتصادی ادامه فعالیت را برای تجار اتریشی با مشکل مواجه ساخته بود. مال التجاره های توقیف شده و تعطیلی برخی از تجارتخانه ها ضررهای هنگفتی به تجارت و اقتصاد هر دو کشور وارد کرد. (سال ۱۳۰۲ کارتن ۱۳ پرونده ۵ سند شماره ۱۳)

بسیاری از تجار ایرانی که در اتریش فعالیت می کردند به تجارت انواع پارچه مشغول بودند. این پارچه ها در اتریش به مصرف دوخت انواع لباس و همچنین انواع مبلمان و رومیزی و پرده می رسید. شرایط جنگی اتریش، کسب و کار تجار پارچه را نیز تحت تأثیر قرار داده و بنا به شکایت یکی از تجار ایرانی، مال التجاره او توسط دولت اتریش توقیف شده و مراجعه او به اداره ملبوسات که مسئول رسیدگی به چنین پرونده هایی است به دلیل وضعیت آشفته جنگ و پس از جنگ بی نتیجه بوده است. دولت اتریش در پاسخ شکایت «حاج علی آقا نایب اف» تاجر پارچه حریر در اتریش، به سفارت ایران نوشت که دولت اتریش هرگز مایل نیست بین دولتین اختلافی رخ دهد و قطعاً حقوق و منافع اتباع و تجار ایران مقیم اتریش لحاظ و به پرونده علی آقا نایب اف رسیدگی خواهد شد. (سال ۱۳۰۲ کارتن ۱۳ پرونده ۵ سند شماره ۱۳)

روابط اقتصادی و تجاری بین اتریش و ایران، با روابط سیاسی بین دو کشور و همچنین وضعیت اجتماعی اتباع ایرانی در اتریش پیوندی تنگاتنگ داشت. در مناطقی که به هر دلیل در روابط دو کشور خللی ایجاد می شد و یا درباره اتباع ایرانی در رسانه های اتریش خبر ناگواری منعکس می شد، وضعیت تجارت و سود حاصل از آن تحت شعاع قرار می گرفت و تجار ایرانی از این فضا متضرر می شدند. در سال ۱۳۰۰ ش

خبری در مهم ترین جراید اتریش «گروند رانتوتیک» و «فرای پرس» مبنی بر مشارکت سفارت ایران در قاچاق کالا در اتریش به چاپ رسید. این خبر توضیح می داد که چند قاچاقچی کالا قصد داشته اند یک محموله به ارزش ۱۲ میلیون کرون را به صورت غیرقانونی و با مشارکت سفارت ایران و شخص وزیر مختار ایران، از اتریش خارج کنند و همچنین بنا بوده طبق قرار، وزیر مختار ایران مصطفی خان صفاءالممالک ۵ درصد کل معامله را دریافت دارد. سفارت ایران ضمن تکذیب این خبر با ارسال دو نسخه از جراید مذکور به وزارت خارجه نوشت: «اگر این مسأله حقیقت داشته باشد و تنها نسبت های ناروا نباشد جای تأسف است و حیثیت دولت علیه می رود» در ادامه از وزارت خارجه خواسته شد با سفارت اتریش در ایران مذاکره و برای تبرئه دولت ایران از این اتهام تلاش شود. وزارت خارجه پس از انجام تحقیقات از دولت اتریش خواست که مسأله مشارکت سفارت ایران در قاچاق کالا را در جراید تکذیب کند زیرا بر اساس نتایج بدست آمده، مهر سفارت ایران دزدیده شده و بر روی بسته های قاچاق قرار گرفته است. دولت اتریش انجام این اقدام را منوط به پایان تحقیقات خود دانست. در این فاصله و از زمان انتشار این خبر در جراید اتریش، تجار و سایر اتباع ایرانی که صاحبان کسب و کار در اتریش بودند، در فشار شدید قرار گرفتند و این مسأله بر کار آنها تأثیر منفی گذاشت. بنا به عریضه محمد اسماعیل معدنی تاجر ایرانی مقیم اتریش به وزارت خارجه، با سلب اطمینان از تجار ایران و متهم کردن آنها به خلاف کاری و قاچاق کشی، فروش کالاها و مال التجاره های تجار ایرانی با مشکل مواجه شد و تجار و اتباع ایرانی در بازار مورد تمسخر و سرزنش قرار گرفتند و فعالیت های اقتصادی آنها به صورت راكد درآمد. اسماعیل معدنی ضمن انتقاد از عملکرد سودجویانه صفاءالممالک، در ادامه، رسیدگی به اموال و دارایی های سفیر را خواستار

شد «محض رضای خدا چاره درد بفرمایید سفیر در کارهای دولت مالی اندوخته که گویی کمتر کسی در ایران اینقدر داشته باشد. از چاکران جهت پاسپورت سی هزار تومان مطالبه می کند و دیگر سائرین را خودتان ملاحظه کنید چه می کند. تفتیش کار و مال و اموالشان در روزنامه درجوف که در زیر عریضه آمده ملاحظه بفرمایید. چنانکه بعد از رسیدن عریضه و ملتفت شدن به اعمال قبیحه او همچنان سفیر وینه باشد هزار سال دامن گیر حضرت عالی خواهیم بود و خون ما و اولاد ما بگردن شماست.» (سال ۱۳۰۰ کارتن ۱۹ پرونده ۱ اسناد شماره ۳، ۵، ۷، ۱۲)

صفاء الممالک تا بهمن ۱۳۰۰ سفیر ایران در اتریش بود. در این تاریخ سفارت در وین به منظور صرفه جویی در مخارج تعطیل شد و سفرای ایران در ایتالیا نزد دولت جمهوری فدرال اتریش اکر دیته شدند. (مهدوی، ۱۳۴۹: ۲۵۴)

برخی از اتباع اتریش در ایران که اغلب در کسوت تاجر به ایران می آمدند، به دلیل آگاهی از علم تجارت و اقتصاد به عنوان کارمند یا متصدی نهاد یا مؤسسه ای با کارکرد اقتصادی در ایران مشغول به کار می شدند. «ژوزف پراتیوا» تاجر نباتات در ایران بود که این قبیل محصولات را از کشاورزان و باغداران خریداری کرده، به اتریش می فرستاد. این فرد مدت چند سال مسئول رسیدگی به امور باغ های سلطنتی و تجارت میوه و مسایل مربوط به آن بود. یکی از مشکلات اشتغال اتباع خارجی در ایران بخصوص در بخش های اقتصادی، ابتدایی بودن نهادهای اداری در ایران و فقدان نهادها و مؤسسات مدرن با کارکرد تجاری و اقتصادی در کنار وجود خلأ قانونی در این موارد بود. این مشکل را می توان در رسیدگی به طلب «ژوزف پراتیوا» از وزارت مالیه دید که پس از مرگش توسط برادرش پیگیری شد. مقدار طلب ۵۹۳۳ ریال بوده که برادر ژوزف طی مکاتباتش با قوام السلطنه رئیس الوزرا خواستار تسویه این بدهی

شد اما دولت ایران در پاسخ نوشت در ایران بخشی که مسئول رسیدگی به این قبیل پرونده ها باشد، وجود ندارد و همچنین این قبیل موارد در بودجه پیش بینی نشده است و وزارت مالیه قادر با تأدیه این بدهی نیست. در میان اتباع ایرانی در اتریش، تجار و بازرگانان از جمله گروه هایی بودند که بیشترین آسیب را از شرایط جنگ جهانی اول و پیامدهای آن دیدند. دولت اتریش که قادر به انجام تعهدات خود در قبال تجار و سرمایه داران ایرانی نبود، در طول جنگ به میزان زیاد به آنها بدهکار شد. برای جبران این خسارات، کمیسیون غرامت جنگی پاریس مقرر کرد که دولت ایران فهرستی از طلبکاران و متضررین ایرانی تهیه کرده و به کمیسیون غرامت ارسال دارد تا به وضعیتشان رسیدگی شود. (سال ۱۳۰۱ کارتن ۶ پرونده ۲ اسناد شماره ۲ تا ۸)

تبرستان
www.tabarestan.info

بخش دوم

روابط ایران و اتریش در عصر پهلوی



تبرستان
www.tabarestan.info

فصل اول

روابط سیاسی

به نظر می رسد روابط خارجی ایران در دوره رضاشاه با سایر دول از جمله اتریش و آلمان در چهارچوب ایده افزایش قدرت ایران قرار داشته است. نخبگان سیاسی و اقتصادی در بدنه هیأت حاکمه که در واقع اتاق فکر رضاشاه بودند، تلاش داشتند بخصوص در عرصه اقتصادی از تسلط انگلستان کاسته و با افزایش نقش کشورهای دیگر از جمله اتریش زمینه را برای گذار ایران به اقتصاد سرمایه داری فراهم آورند. به عنوان مثال فیروز فرمانفرما نصرت الدوله، در مقام وزارت مالیه تلاش داشت ضمن پر کردن شکاف موجود میان نیروهای مقتدر محافظه کار و پیشروان ترقی و تحول اقتصادی، پاره ای از قیود و موانع را از برنامه مالی دولت حذف کند. قوانینی که در این دوره وضع شد و روابط ایران با اتریش را نیز متأثر کرد، با همین رویکرد قابل فهم است.

در دوره پهلوی دوم و به ویژه از دهه ۴۰ شمسی به بعد، توسعه اجتماعی و اقتصادی محور سیاست های خارجی دولت قرار گرفت. این توسعه بیشتر به واسطه درآمدهای روزافزون نفت عملی شد. رشد سالانه تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۵۲ به ۳۰ درصد رسید و این مسأله به رشد طرح های زیربنایی در برنامه های اول توسعه عمرانی منجر

شد و مواردی از قبیل توسعه سیستم حمل و نقل و بخش کشاورزی و طرح های بزرگ آبرسانی را در راستای طرح اصلاحات ارضی در بر گرفت. برنامه های عمرانی بعدی با تکیه بر رشد صنعت و کارخانه ها، معدن و منابع انسانی انجام گرفت. عزم دولت در انجام برنامه های زیربنایی و توسعه اقتصادی سبب شد روابط ایران با اتریش در این دوره بر محور توسعه تجارت و اقتصاد صنعتی قرار گیرد. سرمایه گذاری صاحبان صنایع اتریش در ایران، احداث کارخانه های تولید صنعتی با سرمایه مشترک، مشارکت مهندسين اتریشی در طرح های زیربنایی و عمرانی، از جمله مصادیق روابط خارجی ایران و اتریش در عصر پهلوی دوم بود.

روابط بین ایران و اتریش در زمان رضاشاه متأثر از فضای پس از جنگ جهانی اول در هر دو کشور بود. به لحاظ سیاسی سرنوشت نامشخص اتریش و از بین رفتن ثبات و انسجام سیاسی در این کشور و حضور متفقین، امکان برقراری روابط سیاسی و تشکیل نمایندگی در سایر کشورها را با مشکل مواجه ساخت از طرف دیگر در ایران نیز، رضاشاه وارث کشوری جنگ زده و از هم گسیخته به لحاظ اقتصادی و چندپاره و بی ثبات به لحاظ سیاسی بود. بخش اعظم وقت، منابع و انرژی دولت رضاشاه در سالهای ابتدای حکومتش صرف ایجاد تمرکز سیاسی و سرکوب جنبش های آزادیخواهانه در داخل و نجات اقتصاد فروپاشیده بعد از جنگ در خارج شد. این شرایط در داخل ایران و اتریش سبب شد روابط خارجی بین دو کشور در مقایسه با دوران پسرش محمدرضاشاه، در سطح پایین تری قرار گرفته و به لحاظ سیاسی به انعقاد چند عهدنامه مودت محدود شود.

سفارت ایران در اتریش

پس از پایان جنگ جهانی اول و تجزیه امپراطوری اتریش-هنگری، دولت ایران سفارت خود در اتریش را تعطیل نمود و امور آن سفارتخانه را به سفارت ایران در رم محول کرد و وزیر مختار ایران در ایتالیا به سمت وزیر مختار اتریش نیز برگزیده شد. دولت اتریش هم این رویه را اتخاذ کرده و وزیر مختار آن دولت در آنکارا سمت وزیر مختاری در دربار ایران را نیز داشت. این وضع تا الحاق اتریش به آلمان ادامه داشت. و از آن تاریخ به بعد امور اتباع ایران در اتریش به سفارت ایران در برلین واگذار شد و در ایران نیز سفارت آلمان امور اتباع اتریش را بر عهده گرفت. پس از خاتمه جنگ جهانی دوم و استقلال اتریش، دولت مزبور با بسیاری از دول رابطه سیاسی برقرار کرد و به وسیله نمایندگان سیاسی خود در آنکارا نسبت به برقراری رابطه با ایران نیز ابراز تمایل کرد. دولت ایران پیشنهاد اتریش را در هیأت وزرا به شور گذاشت. (سال ۱۳۲۶ کارتن ۱۵ پرونده ۲۵۶،۱۷ سند شماره ۲)

نخستین مسأله ای که در حوزه ارتباط سیاسی، مورد توجه سفارت و کنسولگری بود، مسأله رسیدگی به وضعیت اتباع دو کشور بود. رسیدگی به امور اتباع ایرانی و سامان روابط خارجی ایران و اتریش توسط سفارت ایران در رم و در بعضی موارد در آنکارا صورت می گرفت. در سال ۱۳۱۴-۱۳۱۵ تمامی کنسولگری های افتخاری تعطیل و به دلیل نزدیکی اتریش به پراگ، کارها و امور مربوط به کنسول وین به کنسولگری پراگ محول شد. در راستای این تصمیم، کنسول افتخاری وین تمامی مدارک، اسناد، نوشته ها و اشیای موجود در کنسولگری را به کنسول پراگ تحویل داد. همچنین کنسول پراگ می بایست به اتریش سفر کرده و تحقیقات دقیقی از وضعیت اتباع ایرانی، معیشت و مشاغل آنها انجام دهد. نکته مهم در مورد این اقدام، موافقت

دولت اتریش با این مسأله بود که یک مقام کنسولی هم زمان بتواند عهده دار امور دو کنسولگری باشد. این اقدامات زیر نظر آقای کاظمی وزیر امور خارجه و در طی سفر ایشان به پراگ و اتریش انجام شد. (سال ۱۳۱۵ کارتن ۱۶ پرونده ۱۶ سند شماره ۳)

به گزارش یداله عضدی رییس اداره کل کنسولی، مأموریت کنسول پراگ در سفر به وین و تحقیق درباره احوال و وضعیت اتباع ایرانی معوق ماند و نظر به اهمیت این موضوع، وزارت خارجه، سفیر ایران در آنکارا را مأمور کرد در این خصوص با وزیر مختار اتریش در آنکارا مذاکره کند. (همان، سند شماره ۸)

نکته مهم در این مذاکره جلب موافقت اتریش برای اتخاذ رویه اعمال شده درباره نمایندگان سیاسی و وزیر مختار مقیم، درباره کنسول هایی بود که یک سمت را هم زمان در دو کشور بر عهده داشتند. سفارت ایران در نتیجه این مذاکرات نوشت: باید بین امور مربوط به اتباع و منافع آنها در ارتباط با وظایف این چنین کنسولی تفکیک قائل شد. واگذاری رسیدگی و انجام مسائلی از قبیل دادن گذرنامه و ویزا به اتباع تا حدی که تماس با دوائر محلی پیدا نکند، به کنسول کشور دیگر (پراگ) موجب مخالفت اتریش نخواهد بود چون این مسأله امری است در اختیار دولت متبوع اتباع و قنصل مورد نظر، اما در مسائلی از قبیل احوال شخصیه و حفظ منافع اتباع و مواردی از قبیل تبعید و اخراج، قنصل مورد نظر نیاز به دخالت و تأیید و کمک مأمورین محلی دارد و شناخته شدن و رسمی بودن قنصل نزد مقامات و اولیای محلی اتریش ضروری است. (سال ۱۳۲۶ کارتن ۱۵ پرونده ۱۷، ۲۵۶، سند شماره ۱۰)

اشتغال اتباع اتریشی در ایران

شرایط پس از جنگ جهانی اول، حیات اقتصادی و اجتماعی اتباع اتریش و ایران را متأثر کرد؛ در اتریش بحران اقتصادی و به دنبال آن بیکاری های گسترده موجی از

مهاجرت های نیروی کار ایجاد کرد، برخی اتریشی های متخصص، برای کار راهی کشورهای دیگر از جمله ایران شدند. یک مهندس جنگلبانی طی مکاتبات خود با وزارت فلاحت ایران ضمن توضیح وضعیت نابسامان کسب و کار و نبود امکان اشتغال و درآمد در اتریش پس از جنگ جهانی، پس از ارائه روزمه درسی و حرفه ای خود و توضیح وضعیت تأهل، خواستار داشتن شغلی در ایران شد. نام برده خود را فارغ التحصیل اکادمی «ساقس» در آلمان و فارغ التحصیل رشته مهندسی خاک و جنگل معرفی کرد. بر اساس اظهارات مهندس یادشده، وزارت فلاحت ایران در سال ۱۹۲۰ / ۱۲۹۹ ش طی درخواستی نام برده را برای رسیدگی به امور جنگل داری و فضای سبز به ایران دعوت کرده بود که در آن سال به دلیل اشتغال به تحصیل، امکان مسافرت برای ایشان فراهم نبوده اما در این شرایط و در حالی که مهندس در استامبول اقامت داشته، علاقه خود را به کار در ایران در حوزه زمین و جنگل به وزارت فلاحت ایران ابراز داشته و خواستار مسافرت به ایران شد. وی در توضیح شرایط خود برای کار در ایران، تأمین هزینه مسافرت خود از استامبول و خانواده اش از بوداپست، تأمین محل زندگی با یک نفر خدمه و امکانات رفاهی در حد لازم، یک اسب برای سواری و حقوقی برابر با ۱۰۰ دلار آمریکا را عنوان کرد و متعهد شد با کمال درستکاری و دقت وظایف خود را انجام خواهد داد. (سال ۱۳۰۴ کارتن ۴۵ پرونده ۵۱ سند شماره ۵)

همچنین در سال ۱۳۰۶ وزارت فواید عامه طی یادداشتی به وزارت خارجه، از درخواست استخدام سه مهندس اتریشی به نام های کارل دارمی، ارمان لویی و مولیر، خبر داد و در ادامه به روند افزایشی این گونه درخواست ها اشاره کرد. (سال ۱۳۰۶ کارتن ۴۵ پرونده ۶۳ سند شماره ۱)

«مسیو فین مانت» یکی دیگر از اتباع اتریش نیز که در امور مهندسی جنگل تخصص داشت، خواستار کاری مناسب در ایران بود. وزارت خارجه در پاسخ درخواست متقاضیان اتریشی در حوزه جنگل داری نوشت: اولویت ایران برای استخدام در این زمینه، به کار گرفتن اتباع ایرانی و استفاده از نیروی کار آنهاست. (سال ۱۳۰۶ کارتن ۴۵ پرونده ۷۳ سند شماره ۴)

یکی دیگر از اتباع اتریش به نام «فی» ضمن بیان شرح حال خود در اتریش پس از جنگ جهانی و بیان این نکته که مدتی در ترکستان اسیر بوده و پس از پایان دوران اسارت خود به دلیل شرایط بد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اتریش قادر به پیدا کردن شغلی در کشور خود نبوده، از وزارت فوائد عامه خواست بر اساس تخصصش که مهندسی راه و اشراف به مباحث جغرافیایی می باشد، در صورت امکان شرایط استخدامش در ایران فراهم شود. (سال ۱۳۰۶ کارتن ۴۵ پرونده ۷۳ سند شماره ۲)

عامل دیگری که به اشتغال اتباع و مهاجرین اتریشی در ایران کمک می کرد، عزم دولت رضاشاه برای ایجاد تحول اقتصادی و برون رفت از بست اقتصادی دوران قاجار بود. با آغاز عصر نوسازی در دوره رضاشاه و رشد پروژه های ملی در زمینه ساخت و ساز و تأسیس مؤسسات جدید و شکل گیری مظاهر تمدن و ترقی در شهرهای ایران بخصوص شمال کشور که بسیار مورد توجه شاه ایران بود، فرصت های شغلی تازه ای برای اتباع خارجی و بخصوص صاحبان تخصص به وجود آمد. در سال ۱۳۱۱ اداره ساختمان راه آهن تقاضای چهار نفر از اتباع خارجی که دونفر از آنها از اتباع اتریش بودند را برای کار در راه آهن و پروژه های ساخت و ساز ساختمان ها در شهر شاهی، به وزارت خارجه ارسال و تقاضای صدور جواز کار برای آنها کرد. اداره امور خارجه و بخش رسیدگی به وضعیت اتباع خارجی پس از بررسی سابقه متقاضیان برای دو نفر از

آنها جواز کار صادر کرد اما اتباع اتریشی به دلیل عضویت قبلی در حزب کمونیست بادکوبه و فعالیت کمونیستی در روسیه و همچنین داشتن ارتباط با کنسول شوروی در ایران، عناصر خطرناک تشخیص داده شده و پرونده آنها برای بررسی بیشتر به ادارات شهربانی و نظمیه ارجاع داده شد. به گزارش نظمیه مسیو «الکساندر» و «ژوزف کیور» به دلیل داشتن سوابق کمونیستی که مدتی نیز تحت تعقیب مامورین کا.گ.ب بودند، صلاحیت اقامت در ایران را نداشته و باید به سرعت اخراج و به اتریش و هر جایی مایل باشند بازگردانیده شوند. (سال ۱۳۱۱ کارتن ۱۵ پرونده ۳۰۵ سند شماره ۱)

روابط ایران با اتریش پس از الحاق به آلمان

یکی از حوادثی که در سطح بین المللی، روابط اتریش با سایر دول از جمله ایران را تحت تأثیر قرار داد، مسأله الحاق اتریش به آلمان پس از جنگ جهانی اول بود. موضوع الحاق اتریش به آلمان و سرنوشت سیاسی این کشور مورد توجه نمایندگان سیاسی ایران بود. محمد شایسته وزیر مختار ایران در آمریکا گزارش کاملی از اقدامات آلمان نازی در اتریش، خطاب به وزارت خارجه نوشته و بر اهمیت این مسأله تأکید کرد. (سال ۱۳۲۱ کارتن ۸ پرونده ۲۶ سند شماره ۳)

ایده الحاق اتریش به آلمان، تحت عنوان جمهوری آلمان-اتریش در سالهای پس از پایان جنگ جهانی اول وجود داشت و در کنفرانس صلح پاریس نیز مطرح اما قویا توسط اعضای پیمان ورسای رد شد. هیتلر در ژانویه ۱۹۳۳ / ۱۳۱۱ش در آلمان به قدرت رسید و در اکتبر همان سال، آلمان جامعه ملل را ترک کرد. هیتلر در راستای آرمان گذشته خود مبنی بر الحاق اتریش به آلمان، احزاب و گروه های طرفدار نازی را در اتریش تقویت کرد. قتل دلفوس نخست وزیر سوسیال مسیحی اتریش در ۲۵ ژانویه ۱۹۳۴ به دست نازی های این کشور، نشان دهنده موفقیت و نفوذ فزاینده هیتلر در اتریش بود.

کشورهای اروپایی در برابر این اقدامات تقریباً سکوت کردند به جز موسولینی که نیرو به مرز اتریش اعزام کرد و مانع دخالت هیتلر در اتریش شد. در سال ۱۹۳۵ در پی اقدام هیتلر در افزایش دادن مدت خدمت اجباری در آلمان و تأسیس ۳۶ هنگ نظامی و ناوگان جنگی، به ابتکار موسولینی کنفرانسی از نمایندگان ایتالیا، فرانسه و بریتانیا در استرازا در شمال ایتالیا تشکیل شد و سه کشور وفاداری خود به معاهده لوکارنو و لزوم استقلال اتریش و ضدیت با آشلوس (الحاق اتریش به آلمان) را اعلام کردند. جبهه استرازا با پیمان تضمین دوجانبه فرانسه و شوروی در ۲ می ۱۹۳۵ در پاریس برای ۵ سال تکمیل شد. حمله ایتالیا به اتیوپی، مهر پایانی بر توافق استرازا بود و در پی آن، آلمان با بریتانیا برای گسترش و افزایش نیروی دریایی اش تا حداکثر ۳۵ درصد نیروی دریایی بریتانیا وارد مذاکره شد. هیتلر، ایتالیا را در حمله به حبشه حمایت کرد و بدین ترتیب آلمان نازی و ایتالیا به هم نزدیک شدند. (عزیزی، ج ۱، ۱۳۴۶: ۲۵۳-۲۵۰)

شرایط پیش آمده در نبرد قدرت، به هیتلر کمک کرد با قدرت بیشتری به سمت الحاق اتریش به آلمان خیز بردارد. این فرصت با قرارداد بین فرانسه و شوروی در فوریه ۱۹۳۶ برای او فراهم شد. هیتلر با بهانه قراردادن این پیمان، قرارداد لوکارنو را مردود دانست و در ۷ مارس ۱۹۳۶ ساحل سمت چپ رود راین را که بر اساس معاهده ورسای غیرنظامی بود، تصرف کرد. این در حالی بود که روند دوستی هیتلر و موسولینی تا حدی پیشرفت کرد که در اول نوامبر ۱۹۳۶ محور برلین-رم از سوی موسولینی اعلام شد.

ایتالیا در ۶ نوامبر ۱۹۳۷ به پیمان ضد کمینترن که پیشتر در ۲۵ نوامبر ۱۹۳۶ بین آلمان نازی و امپراتوری ژاپن امضاء شده بود، پیوست و با این اقدام نه تنها محور رم-برلین تقویت شد، بلکه مثلثی از رم-برلین-توکیو به وجود آمد که روز به روز بر هماهنگی آن افزوده می‌شد. اکنون هیتلر به اندازه کافی قدرت داشت که به آرمان

دیرینه اش یعنی الحاق اتریش به آلمان بیندیشد، مخصوصا که شرایط جهانی و سکوت کشورهای غربی او را در عزمش راسخ تر می کرد. هیتلر با بهره‌برداری از گرفتاری کشورهای غربی و همین‌طور دوستی موسولینی که در ۱۹۳۴ از آنشلوس جلوگیری کرده بود، در پی اشغال اتریش درآمد. به همین دلیل از شوشنیک، صدراعظم اتریش که جایگزین دلفوس شده بود خواست تا زندانیان نازی را آزاد کرده و یکی از اعضای حزب نازی، آرتور زایس-اینکوارترا به وزارت داخلی (وزارت کشور) بگمارد. شوشنیک که نتوانست حمایت و تعهد بریتانیا و فرانسه را جلب کند، تحت فشار هیتلر استفا داد و حکومت نازی به ریاست زایس-اینکوارت تشکیل شد. این امر موجب استعفای ویلهلم میکلاسرئیس جمهور اتریش شد. زایش-اینکوارت به تقلید از هیتلر این عنوان را نیز خود تصاحب کرد؛ سپس به بهانه اینکه اوضاع ناآرام است، از نیروهای آلمان نازی دعوت کرد برای برقراری نظم وارد اتریش شوند. (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۲۱۴-۲۱۳)

در شامگاه ۱۱ مارس ۱۹۳۸ میلادی کشور اتریش به وسیله اس‌اس، پلیس ارتش آلمان نازی اشغال شد. دولت فدرال نازی اتریش، با توجه به استقبال پرشور و تمام عیار مردم اتریش در سراسر کشور از هیتلر، بدون تصویب پارلمان، طرح پیوست سرزمین را پذیرفت. (سال ۱۳۲۱ کارتن ۸ پرونده ۲۶ سند شماره ۳)

بدین ترتیب الحاق اتریش به آلمان در ۱۵ مارس ۱۹۳۸ اعلام شد اما بریتانیا و فرانسه از شناسایی وحدت این دو کشور خودداری کردند. آلمانیها پس از قرار دادن آرتور زایس-اینکوارت در رأس دولت اتریش، یک‌هفته پس از ۱۰ آوریل و با شرکت ۹۹٫۷۱٪ واجدین شرایط ترتیب دادند. مردم اتریش با اکثریت ۹۹٫۷۳٪ موافقت خود را با الحاق به آلمان ابراز داشتند. بریتانیا و فرانسه مداخلات کردند و موسولینی که پیشتر جلوی هیتلر را گرفته بود، این بار تأیید کرد.

هیتلر عقیده داشت اتریش جزء جدایی ناپذیر آلمان است و با استفاده از تحت فشار گذاشتن دولت ضعیف اتریش از طریق فشارهای دیپلماتیک و نیز فعالیت شدید نازی‌های اتریش توانست اتریش را در سال ۱۹۳۸ بدون خونریزی اشغال و ضمیمه آلمان کند. موفقیت هیتلر در الحاق اتریش به آلمان، بدون خونریزی و واکنش منفعلانه دولتهای پیروز جنگ اول در مقابل وی موجب افزایش محبوبیت و قدرت هیتلر در آلمان شد. هیتلر مدتی بعد با درک عدم علاقه فرانسه و انگلیس برای جنگیدن، توانست به سادگی چکسلواکی را نیز ضمیمه آلمان نماید. (عزیزی، ج ۱، ۱۳۴۶: ۲۵۵)

دولت ملحق به آلمان از جمله اتریش از طریق وزیر مختارهای ایران در کشورهای مختلف از جمله بریتانیا، علاقه خود را به برقراری روابط سیاسی و تجاری با ایران اعلام کردند. سفارت ایران در لندن در سال ۱۳۲۶ خطاب دفتر نخست وزیری نوشت: «نمایندگان کشورهای تبعه آلمان یعنی ایتالیا، فنلاند، مجارستان، ژاپن و اتریش که به آلمان ملحق شدند، تقاضای خود را برای ارتباط با ایران ابراز داشته اند. در پاسخ گفته شد هر گونه اقدامی در این ارتباط منوط به تصویب هیأت دولت است.» (سال ۱۳۲۶ کارتن ۱۵ پرونده ۱۷، ۲۵۶ سند شماره ۹)

دولت اتریش پس از الحاق به آلمان بخش زیادی از اختیارات و حقوق سیاسی خود را از دست داد و روابطش با دول دیگر نیز زیر سایه روابط این کشورها با آلمان قرار گرفت. همچنین تشکیلات نوین و ترتیبات جدیدی به لحاظ سیاست خارجی در پیش گرفت. تشکیلات نوین سیاسی در اتریش با کمبود نیروی کار مواجه بود و این امکان برای این کشور وجود نداشت که به کشورهای مختلف وزیر مختار فرستاده، سفارتخانه دایر کند. دول اروپای غربی و آمریکایی با استناد به اینکه الحاق اتریش به آلمان با قوه قهریه و در شرایط خاصی بوده است، این حق را برای اتریش قائل شده اند

که مانند سابق و قبل از الحاق به شکل مستقل عمل کرده و پذیرای وزرای مختار سایر دول باشد و همچنین بتواند به کشورهای دیگر وزیر مختار اعزام کند. این شرایط برای کشورهای اسکاندیناوی، مصر و ترکیه هم وجود داشت که با اتریش مبادله وزیر مختار کردند اما شوروی و کشورهای شرقی مجاور روسیه همچنان از طریق «نماینده گی پلتیکی» با اتریش در ارتباط بودند. در مورد ارتباط با ایران در شرایط پس از الحاق، در سال ۱۳۲۷ وزیر مختار اتریش مقیم لندن طی گفتگویی با «محسن رئیس» سفیر کبیر ایران در این کشور، درخواست کرد که وزیر مختار اتریش مقیم آنکارا «کلمینس ویلدنر» وزیر مختار در تهران هم باشد و ضمن ارائه اطلاعاتی از شرح سوابق وزیر، خواستار پاسخ ایران در این خصوص شد. (سال ۱۳۲۷ کارتن ۴،۱ پرونده ۲۴۲،۴ سند شماره ۱۰)

از آنجا که پس از الحاق اتریش به آلمان تصمیمات کلان در حوزه های سیاسی و اقتصادی توسط متفقین اشغالگر اتخاذ می شد، دولت ایران توسط کاردار خود در آمریکا از مقامات این کشور که در اتریش مقیم بودند خواست که حافظ منافع ایران در اتریش باشند و مأموریت آقای «فضل اله نبیل» وزیر مختار ایران در لهستان و حافظ منافع ایران در اتریش اشغالی و منطقه شوروی در آلمان را به رسمیت بشناسند. وزیر خارجه آمریکا در پاسخ کاردار موقت ایران نوشت: «وزارت خارجه آمریکا میل دارد خاطر نشان سازد که اگرچه کشور اتریش از طرف چهار دولت متفق اشغال گردیده است لیکن یک کشور آزادشده و از خود دارای حکومت است و حق دارد با سایر دول نمایندگا سیاسی مبادله کند بنابراین پیشنهاد می شود که دولت ایران مأموریت جدید آقای نبیل را بوسیله سفارت اتریش در واشنگتن به دولت اتریش اطلاع دهد.» (همان، سند شماره ۱۵)

پس از الحاق اتریش به آلمان، اتباع ایرانی در اتریش دچار سردرگمی شده و گذرنامه‌ها و شرایط اقامتشان با مشکل مواجه شد. مسأله مهم تر وضعیت نامشخص اموال و دارایی‌های اتباع ایرانی بخصوص تجار و بازرگانان بود. اموال اتباع ایرانی، مال التجاره‌ها و سرمایه تجار ایرانی توسط آلمانی‌ها مصادره شده بود. اتباع ایرانی همچنین به وجوهات نقدی خود در بانک‌های اتریش دسترسی نداشتند و مرجعی هم برای رسیدگی به شکایات اتباع ایرانی وجود نداشت. بنا به گزارش فضل‌الله نبیل سفیر ایران در ورشو، اتباع ایرانی مقیم اتریش مرتب به سفارتخانه ایران در ورشو مراجعه کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود بودند «چون این جانب نزد حکومت اتریش اکرودیته^۱ نیستم و وسایل کار در اختیار ندارم تاکنون اقدامی میسر نبوده است. تکلیف روابط با دولت اتریش و حفظ منافع اتباع دولت شاهنشاهی در آن کشور هرچه زودتر باید معلوم شود و این کار باید به یکی از نمایندگان دولت در پراگ یا آلمان محول شود که اتباع از بلا تکلیفی نجات یابند.» آقای نبیل در ادامه گزارش خود خطاب به وزارت خارجه تأکید کرد که ایشان هیچ تمایلی برای پذیرش این مسئولیت ندارد زیرا امور اتباع ایران در اتریش به دلیل سالهای جنگ و اشغال بسیار آشفته است. (سال ۱۳۲۷ کارتن ۴،۱ پرونده ۲۴۲،۴ سند شماره ۲۵)

پس از آنکه هیتلر شکست خورد و اتریش در سال ۱۳۲۶ش / ۱۹۴۵ پس از ۱۰ سال اشغال توسط متفقین و ملحق بودن به آلمان، استقلالش را بدست آورد، از طریق نمایندگان خود در آنکارا، مسکو و لندن تمایل خود برای برقراری روابط عادی و حسنه با ایران را ابراز و وزیر مختاری در دربار ایران تعیین کرد. در سال ۱۳۲۷ش ایران امکان تأسیس نمایندگی متقابل در اتریش را نداشت اما از طرفی، سردرگمی و

۱. سفیر کشوری که در آن کشور اقامت ندارد. برخی کشورها در چند کشور نزدیک به هم یک سفیر تعیین می کنند که تنها در یک کشور اقامت دارد. چنین سفیری آکرودیته نام دارد.

مشکلات اتباع ایرانی در اتریش که پس از گذشت سالها لاینحل باقی مانده بود، یکی از دغدغه های اصلی دولت در سالهای پس از جنگ جهانی دوم بود، بخصوص که رسیدگی به پرونده های مالی و ملکی اتباع مستلزم مراجعه به مقامات محلی اتریش بوده و مسئولیت این کار تنها به نماینده سیاسی واگذار می شد. برای حل این مسأله دولت ایران تصمیم گرفت این مأموریت را به یکی از نزدیک ترین مأمورین خود در اروپا محول کند که هم در دسترس اتباع باشد و هم بتواند به سرعت با مقامات محلی اتریش ارتباط برقرار کند. وزارت خارجه ایران، برن (پایتخت سوئیس) در نزدیکی آلمان را برای انجام این کار مناسب دید و اخذ تصمیم نهایی به موافقت شاه موکول شد. (همان، سند شماره ۲۷)

پس از موافقت، دولت، سفارت برن را مسئول رسیدگی به وضعیت اتباع اتریش کرد. (سال ۱۳۲۷ کارتن ۴،۱ پرونده ۲۴۲،۴ سند شماره ۳۰)

بر اساس قانون، وزیر مختاری که چنین سمتی داشت، یعنی وزیر مختار ایران در برن که همزمان وزیر مختار در اتریش نیز بود و وزیر مختار اتریش در ترکیه که سمت وزیر مختاری در دربار ایران را نیز داشت، موظب بودند در سال حداقل یک ماه در کشور دوم محل مأموریت خود اقامت داشته باشند و در مراسم مهم شرکت کنند. (سال ۱۳۲۹ کارتن ۱۲ پرونده ۱۰ سند شماره ۲۶)

تأسیس سفارتخانه در اتریش

پس از سپری شدن دوران اشغال اتریش بدست متفقین و خروج نیروی های آنها از این کشور، روابط خارجی اتریش با دول دیگر و از جمله ایران به صورت پیش از جنگ، به حالت عادی درآمد و مقرر شد دولتین روابط سیاسی خود را با تأسیس

سفارتخانه های جدید از سر بگیرند. دولت اتریش پذیرفت که در تهران دفتری افتتاح کرده و کارداری معرفی نماید و با رعایت اصول «معامله متقابل» در ماه های مارس و آوریل ۱۹۵۶ وزیر مختار به تهران بفرستد. دولت ایران نیز تصمیم گرفت در اتریش سفارتخانه دایر کند و به شیوه سایر کشورهایی که در وین دارای سفارتخانه بودند، تصمیم دولت بر این اساس قرار گرفت که سفارتخانه به صورت ملکی بوده یعنی دفتر سفارتخانه از منزل رییس مأموریت جدا باشد. بنابراین دولت ایران می بایست منزل ملکی را خریده و یا اجاره می کرد. یکی از مشکلات وزارت خارجه برای این کار، بالا بودن هزینه اجاره و یا خرید ملک و مسکن در اتریش بود. بنابراین دولت ایران تصمیم گرفت اجاره ملک را به زمانی که به واسطه خروج متفقین منازل زیادی در اتریش تخلیه می شوند، موکول کند. (سال ۱۳۳۴ کارتن ۹،۱۲ پرونده ۹۲ سند شماره ۳)

عهدنامه های مودت بین ایران و اتریش در عصر رضاشاه

در دوره رضاشاه، تلاش دولت ایران و اتریش در راستای بازسازی خرابی های جنگ در بخش اقتصاد و احیای روابط سیاسی بین دو کشور سبب شد عهدنامه هایی با عنوان قراردادهای مودت و بازرگانی بین دو کشور منعقد شود. البته این عهدنامه ها به دلیل درگیری اتریش در مسایل الحاق و نفوذ متفقین در عرصه تصمیم گیری های سیاسی و اقتصادی این کشور، چندان عملی نشد. دولت ایران و اتریش در دوره پهلوی بر سر بعضی از مواد این عهدنامه ها اختلاف نظر داشتند که حل این اختلافات و انعقاد قرارداد جدید تا دوره پهلوی دوم و دهه ۳۰ به تعویق افتاد.

در سال ۱۳۰۹-۱۳۰۸ میرزا مرتضی خان پاکروان وزیر مختار ایران مأموریت یافت عهدنامه مودت، قرارداد اقامت و قرارداد تجاری و گمرکی بین ایران و اتریش منعقد

کند. (سال ۱۳۰۸ کارتن ۱۲ پرونده ۱۵,۱۱۹، سند شماره ۱) بنا بود اساس این عهدنامه، عهدنامه های ایران با آلمان باشد. (همان، سند شماره ۲)

بنا به گفته وزیر مختار اتریش در ۲۷ ژوئن سال گذشته قراردادی بین ایران و اتریش منعقد شده بود که اکنون در حال اتمام بود و با توجه به اینکه مراحل قانونی تحویل سمت وزیر مختاری مرتضی خان پاکروان تا یک ماه به طول می انجامید و سمت وی هنوز رسمیت نیافته بود، برای قطع نشدن روابط بین دو کشور، به پیشنهاد وزیر مختار اتریش مقرر شد عهدنامه ای موقتی شامل موضوع های مبادله ای و مراسله ای بین پاکروان و وزیر مختار اتریش منعقد شود. (همان، سند شماره ۴)

مذاکرات در خصوص مواد و محتوای عهدنامه مودت بین ایران و اتریش، در سفارت ایران واقع در رم بین نماینده ایران و وزیر مختار اتریش انجام گرفت که کلیات آن برای بررسی و نظرخواهی به وزارت خارجه در تهران ارسال شد. بر اساس توافق بین طرفین قرارداد، موادی که شامل حقوق تجاری و قوانین مربوط به «احوال شخصیه» و رسیدگی به وضعیت حقوقی و قضایی اتباع دو کشور در خاک یکدیگر بود، می بایست بر اساس قراردادهای ایران با سایر دول از جمله سوئد، بلژیک و مصر تنظیم شود و اگر اعتراضی از طرف دولت اتریش و درخواستی برای تغییر وجود داشت، پیشنهادهای طرف اتریشی پس از بررسی در تدوین عهدنامه اعمال گردد. به عنوان مثال در ماده مربوط به «احوال شخصیه» یا رسیدگی به وضعیت حقوقی اتباع، در قرارداد اقامت با آلمان قید شده بود که بررسی پرونده ها و مسایل شخصی و حقوقی طرفین در خاک یکدیگر مطیع قوانین مملکت متبوعه خود فرد است و در قرار اقامت با بلژیک تصریح شده بود راجع به احوال شخصیه، محاکم طرفین قانون ملی متبوعه را مجری خواهد داشت. در قرارداد با مصر مقرر بود چنانکه یکی از طرفین دعوا به مقامات

قضایی که قانونا ذی صلاح باشد مراجعه نماید، مقامات قضایی مزبور، قوانین ملی طرف مقابل را اجرا کنند. در مورد اتریش، سفارت ایران ترجیح میداد قرار اقامت با بلژیک را در صورت موافقت طرف اتریشی لحاظ کند. مدت قرارداد ایران و اتریش به مانند قراردادهای ایران با سایر دول ۵ سال تعیین شد. (همان، اسناد شماره ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲)

بنا به گزارش سفارت ایران در رم، وزارت امور خارجه اتریش از دولت ایران مدتی مهلت خواست تا در اطراف قرارداد مطالعه کرده و سپس تصمیم خود را مبنی بر امضاء آن اعلام کند. از آنجا که قرار بود قرارداد بین ایران و اتریش بر اساس قرارداد ایران با آلمان تنظیم شود، وزارت خارجه اتریش خواستار بررسی دقیق عهدنامه های ایران و آلمان و تطبیق مواد آن با قوانین داخلی و شرایط اتریش بود. فلذا این دولت از ایران خواست مدت قرارداد پیشین بین دو کشور را که در ۱۷ ژوئن ۱۹۱۸ منعقد و اینک به پایان رسیده بود، به مدت ۶ ماه تمدید کند. (همان سند شماره ۲۹)

همزمان با تأیید اختیارنامه پاکروان به عنوان وزیر مختار ایران در اتریش توسط رضاشاه، ایران موافقت خود را برای تمدید ۶ ماهه قرارداد منقضی شده ۱۷ ژوئن اعلام داشت. (سال ۱۳۰۸ کارتن ۱۳ پرونده ۱۶،۲۸ سند شماره ۳)

بر اساس گزارش شارژدافر ایران در وین حسنعلی غفاری، در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۰۹ طی ملاقات نامبرده با رئیس الوزرای اتریش، «مسیو شوبرت» درخصوص قراردادها و عهدنامه مودت بین دو کشور صحبت شد و طرف اتریشی علاقه خود برای گسترش روابط و انعقاد عهدنامه های مودت و تجاری را ابراز داشت. همچنین مسیو شوبرت ضمن ارائه توضیحاتی درباره وضعیت اقتصادی اروپا و اتریش، به امکان تشکیل اتحادیه اقتصادی اروپا با شرکت اتریش، چکسلواکی و مجارستان اشاره کرده و تأکید کرد تشکیل این اتحادیه به نفع هیچ یک از دول نامبرده نیست چون شکل گیری این اتحادیه

منجر به جداسدن این سه کشور به لحاظ اقتصادی می شود. غفاری همچنین با وزیر عدلیه و سایر مقامات سیاسی اتریش دیدار و در خصوص وضعیت اتباع ایرانی و بهبودی روابط تجاری بین دو کشور توضیحاتی ارائه داده بود. نتیجه این دیدارها و صحبت ها به زبان فرانسه برای وزارت امور خارجه ایران ارسال شد. همچنین نتایج آن در نشریات اتریش به چاپ رسید. (سال ۱۳۰۹ کارتن ۱۱ پرونده ۱۶,۲۸ سند شماره ۱)

در دی ماه ۱۳۱۰ غفاری اعتبارنامه خود را به عنوان وزیر مختار ایران به همراه نامه ای از شاهنشاه ایران تقدیم مقامات اتریشی کرد. رضاشاه در نامه خود با تأکید بر سوابق روابط بین اتریش و ایران، ابراز امیدواری کرد، انعقاد قراردادهای جدید بین دو کشور منجر به گسترش سطح روابط تجاری و سیاسی شود. (سال ۱۳۰۹ کارتن ۱۱ پرونده ۱۶۰۵۸ سند شماره ۷)

مذاکرات در خصوص انعقاد قرارداد دایمی بین ایران و اتریش در آنکارا ادامه داشت. وزیر مختار اتریش که همزمان وزیر مختار این کشور در ایران نیز بود، پیشنهادهای خود برای تدوین بندهای مختلف عهدنامه مودت و قرار اقامت را از طرف دولت متبوعش به مأمورین سیاسی ایران در آنکارا ابلاغ کرد و مقرر شد این پیشنهادهای از طرف وزارت خارجه، مالیه و عدلیه در ایران بررسی و نتیجه برای انعقاد قرارداد دایمی بین دولتين اعلام گردد. همان طور که پیشتر نیز گفته شد، ایران و اتریش توافق کردند که مواد و محتوای عهدنامه و همچنین قوانین و حقوق مختلف مطروحه در آن بر اساس عهدنامه های ایران با سایر دول باشد. (سال ۱۳۱۳ کارتن ۱۵ پرونده ۵۱ سند شماره ۲۴)

در نامه سهیلی معاون وزارت خارجه به وزارت عدلیه در خصوص بندهای حقوقی عهدنامه که متعلق به وضعیت اتباع دولتين است، بر حفظ منافع ایران ضمن بررسی پیشنهادهای اتریش تأکید می شود. (همان، سند شماره ۲۸)

متن دفتری معاون وزارت عدلیه در گزارش خود به تاریخ ۱۳۱۳/۶/۳۱ خطاب به وزارت امور خارجه و شخص رئیس الوزرا نتیجه بررسی های خود در خصوص قرارداد مودت بین ایران و اتریش را بدین صورت اعلام داشت:

اغلب موارد و بندهای این طرح و این قرارداد مطابق با عهدنامه هایی است که در سنوات اخیر دولت ایران با سایر دول خارجی منعقد کرده است و از آنجا که این موارد قبلاً توسط دولت و وزارت خانه های مختلف بررسی و اعلام موافقت شده است، در خصوص قرارداد با اتریش، تنها پیرامون مواد دارای اختلاف بحث می شود از جمله اینکه «در ماده ششم حق مالکیت اتباع طرفین نسبت به اموال غیرمنقول در خاک یکدیگر تا انعقاد عهدنامه مخصوص منحصر به مال غیر منقول برای سکونت و اشتغال به حرفه یا صنعت کرده است و این تحدید را شامل اتباع ایرانی در خاک اتریش نیز نموده در صورتی که در عهدنامه آلمان مثلاً در ماده ششم مصرح است که اتباع آلمان در خاک ایران مجاز نیستند اموال غیرمنقوله غیر از آنچه برای سکونت شغل و یا صنعت آنها لازم است تحصیل یا تصرف و یا تملک نمایند.» در مورد بلژیک هم می نویسد: «اتباع هریک از طرفین حق خواهند داشت در خاک طرف معاهد دیگر هر قسم حقوق و اموال منقول و غیرمنقول که تحصیل، فروش و انتقال یا تصرف آن برای اتباع مالک ثالثی مجاز و یا در آتیه مجاز خواهند بود تحصیل و تصرف نمایند.» با این ماده حق استملاک اتباع ایران در خاک بلژیک محدود نمی شود مگر اینکه برای اتباع همه دول محدود شده باشد. بنابراین خواسته اتریش در ماده ششم ابداعی است که ممکن است سایر ملل نیز بخواهند از آن استفاده کنند.

مورد دوم اینکه در آخر ماده هشتم مانند سایر عهدنامه ها قید شده است که اتباع طرفین در خاک یکدیگر در مسایل مربوط به حقوق خانوادگی و احوال شخصیه تابع قوانین ملی خواهند بود ولی سابقه نداشت که مراجع رسیدگی به دعاوی مربوط به

احوال شخصیه منحصرأ محاکم مملکت متبوعه آنها باشند بنابراین پیشنهاد اتریش در این خصوص مورد پذیرش وزارت عدلیه نیست و باید از آخر ماده هشتم حذف شود. در مورد ماده نهم که راجع به «ترتیب محافظت و اداره و تصفیه ترکه اتباع طرفین است» لازم به ذکر است که این موضوع از مسایل حساس در تنظیم عهدنامه ها بوده و نیاز به مطالعه و تحقیق بیشتری دارد و همچنین با بررسی عهدنامه های ایران با سایر دول نیز الگوی مشخص و راهگشایی بدست نیامد بنابراین به موجب قانونی که در سال ۱۳۱۱ در این خصوص از تصویب مجلس گذشت «وزارت عدلیه اجازه دارد ترتیب محافظت و اداره و تسویه ترکه اتباع خارجی را که در ایران یا در خارجه وفات کرده و در ایران اموالی دارند، بر اساس قوانین حقوق بین الملل و اصل معامله متقابل به موجب نظامنامه معین نماید و در صورت تدوین و تصویب قوانین جدید این نظامنامه قابل تغییر است» (سال ۱۳۱۳ کارتن ۱۵ پرونده ۵۱,۴۱ سند شماره ۴۱)

پس از آنکه وزارت عدلیه نتیجه بررسی های خود در باب عهدنامه مورد بحث را در اختیار وزارت خارجه گذاشت، مقامات ایرانی تصمیم دولت ایران مبنی بر رد پیشنهادهای اتریش را به اطلاع وزیر مختار این کشور که با هدف امضای عهدنامه «مودت، اقامت، تجارت» به ایران سفر کرده بود، رساندند و مقرر شد وزیر مختار اتریش گزارش دولت ایران در این خصوص را به اتریش ارسال داشته و برای انجام اقدام بعدی کسب اجازه کند. (سال ۱۳۱۳ کارتن ۱۵ پرونده ۵۱,۴۴ سند شماره ۴۴)

عهدنامه مودت و حکمیت بین دولت ایران و جمهوری اتریش

این عهدنامه در سال ۱۳۱۵ ش به امضای وزیر مختار اتریش و ایران در آنکارا رسید. ایران و اتریش طی این عهدنامه در مقررات و مواد زیر توافق نمودند:

ماده اول: بین دولتين ايران و اتریش و اتباع آنها صلح خلل ناپذیر و دوستی صمیمانه برقرار خواهد بود.

ماده دوم: دولتين موافقت دارند که روابط سیاسی و قنسولی خود را بر طبق اصول بین المللی عمومی ادامه دهند و نیز موافقت دارند که نمایندگان سیاسی و قنسولی هر یک از طرفین «در خاک طرف متعهد دیگر به شرط معامله متقابل از معامله ای که به موجب حقوق عمومی بین المللی مقرر و بر اساس رفتار معمولی که نسبت به نمایندگان سیاسی و قنسولی دولت کامله الوداد اعمال می شود، بهره مند شوند».

ماده سوم: ایران و اتریش موافقت دارند روابط قنسولی و تجارتی و گمرکی و بحریمایی بین دو کشور و همچنین شرایط اقامت و توقف اتباع خود در خاک یکدیگر بر اساس دیگر قراردادهای و بر طبق اصول معمول حقوق بین المللی و بر اساس مساوات و «معامله متقابل» تنظیم کنند.

ماده چهارم: دولتين توافق دارند اختلافاتی را که بین آنها در موضوع اجرا یا تفسیر مقررات مربوط به عهود و قراردادهای منعقد شده پیش می آید، به طریق دوستانه از مجرای عادی سیاسی حل کنند و اگر پس از گذشت مدت زمانی موفق به حل آن نشوند موضوع مورد اختلاف را به حکمیت ارجاع دهند. برای هر قضیه «متنازع فیها» محکمه حکمیت بنا به تقاضای یکی از طرفین به ترتیب زیر تشکیل خواهد شد:

هر یک از دولتين می توانند ظرف سه ماه از تسلیم تقاضانامه، حکم خود را از دولت ثالثی انتخاب و تعیین کنند. دولتين سه ماه فرصت دارند در مورد فرد تعیین شده مذاکره کرده و موافقت خود را اعلام دارند. طرفین می توانند ضمن مطالعه پیرامون دولتی که می توانند به عنوان حکم انتخاب شود، برای تعیین آن قراردادی منعقد کنند.

ماده پنجم: از هنگام تصویب و مبادله این عهدنامه مصوبات آن لازم الاجرا است. مواد عهدنامه به مدت ده سال قابل تغییر خواهد بود. (سال ۱۳۱۵ کارتن ۱۵ پرونده ۲۱ سند شماره ۴۰-۳۷)

موضوع و مواد این عهدنامه مورد توجه و بحث محافل سیاسی ایران به خصوص وزارت عدلیه قرار گرفت. وزارت عدلیه خطاب به رئیس الوزراء در مورد بند ۸ قرارداد که مربوط به احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث، قیمومیت، ابوت) رسیدگی به مسایل حقوقی اتباع خارجی و اتباع اتریش گفت: در قرارداد اقامت بین ایران و اتریش به درخواست اتریش مسأله احوال شخصیه مسکوت ماند و جمله مربوط به «مشمول قوانین ملی در خصوص احوال شخصیه درباره اتباع طرفین» حذف شد و با این اقدام مطالبه دولت اتریش محقق شد اما مسأله ای که وجود دارد این است که قانون مدنی ایران در ماده ۷ خود به این موضوع به صورت کلی رسیدگی کرده است این ماده می گوید: «اتباع خارجی مقیم در خاک ایران از حیث مسایل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.» بنابراین با سکوت ماده ۸ عهدنامه در این قسمت اولاً تکلیف محاکم ایران نسبت به ماده ۷ قانون مدنی درباره اتباع اتریش معلوم نخواهد بود و ثانیاً معلوم نیست حکم قانون مدنی اتریش در این مسأله چه خواهد بود و درباره اتباع ایران به چه شکل عمل خواهد شد. (سال ۱۳۱۵ کارتن ۱۵ پرونده ۲۱ سند شماره ۴۹)

در خصوص بند ۸ قرارداد مزبور، وزارت خارجه ایران به سفارت خود در آنکارا نوشت: حقوق مزبور که مسکوت مانده در ارتباط با زندگی روزمره و مهم ترین مسایل افراد است و اغلب دول از جمله ایران معتقدند که «محاکم مملکت متوقف فیها در خارج نسبت به اتباع آنها قوانین ملی آنها را اجرا می کنند مثلاً اگر یک ایرانی در وین

فوت کرد ماترک او به گونه ای که در قوانین ایران آمده است تقسیم می شود و به عکس اگر یک فرد اتریشی در ایران فوت نماید مقتضای قوانین اتریش در حق آنها مجری می گردد. به همین مناسبت دول مختلف همواره در قراردادهای اقامت تصریح می کنند که احوال شخصیه اتباع آنها در خارج تابع قوانین ملی خود خواهد بود.» (همان، سند شماره ۷۲)

وزیر مختار اتریش در پاسخ استدلال دولت ایران مبنی بر وضعیت بند ۸ قرارداد اشاره کرد که دولت اتریش احکام محاکم دول خارجی را در کشور خود اجرا نمی کند و نمی تواند در مورد مسایل اتباع ایران بر اساس قوانین خود ایران برخورد نماید. دولت ایران نیز توسط سفارت خود در آنکارا به وزیر مختار اتریش گفت: دولت ایران نیز نمی تواند رویه خود را که نسبت به تمام دول خارجی اعمال می کند در مورد اتریش استثنا کند به علاوه اگر ایران بپذیرد که موازین و قوانین حقوقی در ارتباط با احوال شخصیه به خصوص طلاق و ارث و ازدواج در مورد اتباع داخل و خارج از ایران متفاوت باشد، اساس نظم خانوادگی بهم می خورد زیرا که به عنوان مثال ترتیب ارث و قوانین مربوط به آن اساس مالکیت در ایران است. (همان)

پس از پایان مذاکرات، در نهایت بر سر بند ۸ عهدنامه توافق به عمل آمد؛ بدین ترتیب که دولت اتریش پذیرفت در خصوص بند مربوط به احوال شخصیه قوانین ملی ایران در باره اتباع این کشور در اتریش اعمال شود اما به شرطی که این قوانین تماماً با قوانین محاکم اتریش در تضاد نباشد و همچنین دولت اتریش این حق را دارا باشد که بر اجرای این قوانین و روند محاکم قضایی نظارت داشته باشد و دولت اتریش همین حق را برای دولت ایران نیز قائل خواهد بود. (همان، سند شماره ۱۰۶)

پس از انجام مذاکرات و رایزنی با وزارتخانه های مختلف در ایران عهدنامه مودت بین ایران و اتریش با

توافق بر سر جزییات مواد زیر به امضاء رسید:

ماده اول: پذیرش هر یک از اتباع هر یک از دولتين متعهدین و نظارت بر احوال شخصیه و اموال آنها بر اساس اصول و موازین بین المللی خواهد بود. اتباع مزبور از حمایت قوانین مملکتی در رسیدگی به مسایل حقوقی خود، برخوردار خواهند بود آنها همچنین می توانند آزادانه وارد خاک دیگری شده از آن خارج شوند یا اقدام به مسافرت کنند به شرطی که از قوانین و ضوابط موجود تبعیت کنند. در کلیه موارد گفته شده اتباع دولتين از حقوق و مزایای اتباع دولت کامله الوداد برخوردار خواهند بود. با این وجود هر یک از طرفین مجاز هستند هر زمان که مصلحت بدانند مقررات و قوانین جدید برای مهاجرین یا منع مهاجرت به خاک خود تدوین نمایند. مشروط بر اینکه قوانین مزبور تبعیض آمیز نباشد و در مورد اتباع طرف مقابل هم اعمال گردد.

ماده دوم: مقررات این قرارداد نقض کننده حق طرفین معاهدتین برای اخراج اتباع طرف دیگر نیست. دولتين اتریش و ایران این حق را دارند که یا بنا به رویه های قضایی یا دلایلی همچون حفظ امنیت و مسایل صحیه از اقامت اتباع طرف دیگر در خاک خود جلوگیری کنند یا بر این اقامت محدودیتی اعمال نمایند.

ماده سوم: اتباع هر یک از دولتين معاهدتین به شرط رعایت قوانین موجود و مربوط، مجاز به داشتن حرفه و اشتغال به صنعت یا تجارت در خاک طرف دیگر هستند و از همان حقوق و مزایا، اعتبارات و انحصارات اتباع داخلی آن کشور بهره مند خواهد شد.

ماده چهارم: حق تأسیس و فعالیت شرکت های مختلف از جمله شرکت های بی نام، شرکت های تجاری، صنعتی، مالی و بیمه، ارتباطات و حمل و نقل برای اتباع

دولتین معاهدتین در خاک یکدیگر وجود دارد. این شرکت ها بر اساس قوانین کشور مورد فعالیت تأسیس شده و به رسمیت شناخته می شود. با شرکت های مزبور بر اساس شرایط مؤسسه های دول کامله الوداد برخورد می شود.

ماده پنجم: اتباع و شرکت های هر یک از دولتین که در ماده چهارم به آنها اشاره شد در خاک دولت دیگر نسبت به اموال و حقوق و منافعشان راجع به هر قسم مالیات و عوارض و کلیه تحمیلات دیگر مالی در پیشگاه مقامات و محاکمات مالی از همان رفتار و حمایتی که نسبت به اتباع داخله به عمل می آید، بهره مند خواهند شد.

ماده ششم: اتباع ایران و اتریش حق دارند با رعایت قوانین جاری در کشور محل اقامت خود، هر نوع اموال منقول و غیر منقول را که مایل باشند، بدست آورده نقل و انتقال کنند و از این حیث از شرایط اتباع دول کامله الوداد برخوردار خواهند شد.

ماده هفتم: مساکن و سایر اموال غیر منقولی که اتباع هر یک از دولتین در خاک دولت دیگر بدست می آورد مصون از تفتیش و دخل و تصرف است و در صورت وقوع این مسأله، با اتباع این دول بر اساس ضوابط و شرایط اتباع داخلی رفتار خواهد شد. همچنین دفاتر تجارتی، صورت حساب های مالی و هر نوع سندی که متعلق به اتباع یکی از دولتین باشد، مصون از تفتیش و مصادره است مگر در شرایطی که برای اتباع داخلی هم وجود دارد.

ماده هشتم: اتباع هر یک از دولتین معاهدتین در خاک دولت متعاقد دیگر راجع به حمایت خود و اموالشان در پیشگاه محاکم و مصادر امور از همان رفتاری که نسبت به اتباع داخله می شود، بهره مند خواهند شد. مشارالهم مخصوصا آزادانه و بدون هیچ گونه مانعی به محاکم دسترسی خواهند داشت و می توانند مثل اتباع داخله برخورد نمایند تا زمانی که قرارداد مخصوص شرایط راجع به حقوق قضایی اتباع خارجی منعقد

شود. در مورد رسیدگی به مصادیق احوال شخصیه اتباع هر یک از طرفین تابه مقررات و قوانین ملی خود خواهند بود.

ماده نهم: هر گاه یکی از اتباع اتریش در ایران فوت کند و یا بر عکس، در صورتی که در کشور محل فوت نماینده یا وارثی نداشته باشد و یا نماینده اش به روال حقوقی یا قانونی آشنا نباشد، نمایندگان قنصلی مربوطه حق خواهند داشت با وضعیت ماترک متوفی رسیدگی کرده، اموالشان را مهر و موم و یا از مهر و موم آزاد کنند اما اگر مدارک فرد در گذشته برای اثبات تابعیت کافی نباشد، دخالت قنصل پذیرفته نخواهد شد و همچنین محاکم مربوطه نیز حق نظارت و رسیدگی به پرونده متوفی را خواهند داشت.

ماده دهم: اتباع دولتین متعاهدین از انجام هرگونه خدمات نظامی در خاک دولت دیگر معاف هستند مگر اینکه کمک و حضور آنها در هنگام صلح و دفاع یا پیش آمد بلایای طبیعی لازم باشد. این اتباع همچنین از انجام خدمت نظام اجباری خواه در ارتش بری و بحری و یا نیروی هوایی و خواه در گارد سلطنتی و چریکی معاف هستند و قانون «پرداخت عوارض به جای خدمت شخصی» درباره اتباع خارجی اجرا نخواهد شد و همچنین «مشارالهمیم را نمی توان به قرضه های نظامی یا هرگونه مصادرات اعم از کشوری و لشکری و یا سلب مالکیت برای امور عام المنفعه جز به شرایط و ترتیباتی که نسبت به دولت کامله الوداد معمول می گردد، ملزم نمود».

ماده یازدهم: این قرارداد تصویب گردید و «مبادله فسخ مصوبه» در اسرع وقت به عمل خواهد آمد. این قرارداد یک ماه بعد از مبادله فسخ مصوب به مدت ۵ سال به اجرا در خواهد آمد و اگر این قرارداد ۶ ماه قبل از انقضای این مدت فسخ نشود، برای مدت مدیدی ادامه خواهد یافت در غیر این صورت ۶ ماه قبل از اتمام زمان قرارداد باید تصمیم دولتین اعلام گردد. (سال ۱۳۱۵ کارتن ۱۵ پرونده ۲۱ سند شماره ۱۰۱ تا ۱۰۵)

خلیل فهیمی به عنوان سفیر ایران در آنکارا اختیار تام یافت که از طرف دولت ایران قرارداد مزبور را امضا کند. بدین ترتیب قرارداد مزبور در روز ۱ مهر ۱۳۱۵ مطابق با ۳ سپتامبر ۱۹۳۶ در سفارت کبری ایران به امضاء رسید و آقای «بوخ برگ» وزیر مختار اتریش به این مناسبت میهمانی ناهاری ترتیب داد. (همان، سند شماره ۹۰ و ۹۸)

در ادامه مذاکرات مربوط به عهد نامه مودت و قرار اقامت بین ایران و اتریش، وزیر مختار اتریش در آنکارا که همزمان وزیر مختار آلمان کشور در ایران نیز بود، طی مراسلاتی خطاب به سفارت ایران و وزارت امور خارجه خواست مواد مربوط به تجارت و معافیت های گمرکی نیز به مفاد عهدنامه منعقد اضافه گردد. وزارت خارجه پذیرش این تقاضا و اضافه شدن موارد تجارتي را منوط به تصویب این موارد در مجلس شورای ملی پس از بحث و بررسی پیرامون آن دانست و اضافه کرد، آنچه در این رابطه مشخص است این است که قوانین مربوط به تجارت و مسایل مربوط به آن در قرارداد ایران و اتریش مطابق با دیگر عهدنامه ایران با دول خارجی خواهد بود مگر آنکه دولت اتریش نسبت به کالاهای ایرانی رویه نامناسبی اتخاذ کند. (سال ۱۳۱۵ کارتن ۱۵ پرونده ۲۱ سند شماره ۷۲)

عهدنامه مودت بین ایران و اتریش در سال ۱۳۳۲

در سال ۱۹۳۷ / ۱۳۱۵ همان طور که پیشتر آمد، در آنکارا قرارداد مودت و اقامت بین ایران و اتریش به امضا رسید که بر اساس ماده ۱۱ آن مقرر شد پس از تصویب در مجالس مقننه در دو کشور مجری گردد ولی به دلیل اشغال اتریش توسط آلمان این کار معوق ماند و قرارداد اجرایی نشد. پس از پایان جنگ و شناسایی مجدد استقلال اتریش و برقراری روابط سیاسی بین دو کشور و بخصوص پس از تأسیس نمایندگی

های سیاسی طرفین در تهران و وین موضوع عقد قرارداد مودت و اقامت و بازرگانی که از هر حیث با تحولات دنیای پس از جنگ مطابقت داشته باشد، مورد توجه قرار گرفت. دولت ایران پیشقدم شد و در سال ۱۳۳۲ طرحی را تهیه و به دولت اتریش تقدیم کرد. دولت اتریش در پاسخ، طرح دیگری ارائه داد که پس از مطالعه از طرف دولت ایران و شورایی با شرکت دکتر غفاری رئیس اداره کل امار اقتصادی وزارت بازرگانی، رزین رئیس اداره حقوقی وزارت دادگستری، خلعتبری رئیس اداره سوم سیاسی و آشتیانی رئیس اداره امور اقتصادی، تا انعقاد قرارداد مودت و بازرگانی بین ایران و آمریکا، معوق ماند. تا اینکه چند ماه بعد سفارت اتریش در تهران طرح جدیدی به وزارت خارجه ارائه کرد این طرح در کمیسیون‌هایی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های ذینفع مورد بررسی قرار گرفت و اتریش نظرهای طرف ایرانی را پذیرفته و طرح نهایی تنظیم گردید و مقرر شد در هنگام اقامت وزیر خارجه اتریش در تهران طرح پس از تأیید از طرف هیأت وزیران به تصویب برسد. (سال ۱۳۳۶ کارتن ۱۱،۳ پرونده ۸۴ سند شماره ۹۳ و ۸۵)

مواد مندرج در این قرارداد به شرح زیر بود:

ماده ۱

صلحی خلل ناپذیر و پایدار بین کشور ایران و اتریش برقرار خواهد بود.

ماده ۲

طرفین متعهدین موافقت می‌کنند که در امور مربوط به نمایندگی سیاسی و کنسولی بر اساس اصول معمول و عرف بین الملل عمل کنند و این عملکرد مطابق با شرایط دول کامله الوداد باشد.

ماده ۳

اتباع هر یک از طرفین بر اساس قوانین و اصول معمول حقوق بین المللی عمومی در قلمرو طرف دیگر پذیرفته خواهند شد و از حمایت قوانین و مقررات در امور مربوط به خود و اموال و منافعشان برخوردار خواهند گردید. اتباع طرفین در هنگام ورود و خروج و اقامت در خاک طرف دیگر ملزم به رعایت قوانین و مقررات جاری در کشور محل اقامت یا مسافرت خویش اند. هر یک از طرفین حق دارد در موقعی که لازم بداند مقرراتی جهت تنظیم و یا منع مهاجرین به قلمروش وضع نماید به این شرط که این مقررات موجب تبعیض خاص نسبت به اتباع طرف دیگر نباشد.

ماده ۴

مقررات این قرارداد این حق را از هیچیک از طرفین سلب نمی کند که در موارد خاص به علت رای دادگاه یا به دلایلی چون امنیت داخلی و خارجی، نظم عمومی و دلایل صحتی اتباع طرف دیگر را از اقامت در قلمرو خود منع کند. اما طرفین می بایست قبل از اقدام به اخراج مراتب را به اطلاع نمایندگی برسانند.

ماده ۵

طرفین قرارداد متعهد می شوند نسبت به حق اشتغال و فعالیت اقتصادی اتباع طرف دیگر بر اساس مقررات خاص دول کامله الوداد رفتار نمایند.

ماده ۶

شرکت های سهامی و هر نوع شرکتی اعم از بازرگانی، صنعتی و تجاری، مالی و بیمه، ارتباطات و حمل و نقل که هر کدام از طرفین تأسیس کنند در قلمرو طرف دیگر

واجد شخصیت حقوقی خواهد بود. اجازه اشتغال و فعالیت شرکت های مذکور در قلمرو طرف دیگر طبق قوانین و مقررات طرف مزبور خواهد بود.

ماده ۷

در مورد هر نوع مالیات و عوارض داخلی اتباع و شرکت های هر یک از طرفین که در ماده ۶ معین شده، همانند اتباع و مؤسسات داخلی رفتار خواهد شد و افراد و مؤسسات از همان مزایا و حقوق برخوردار خواهند شد.

ماده ۸

اتباع هر یک از طرفین می توانند در قلمرو طرف دیگر و در حدود قوانین و مقررات جاری در آن از هر نوع حقوق و اموال منقول و غیر منقول را تملک، تصرف و یا انتقال دهند.

ماده ۹

بازجویی محلی و بازدید از منازل مسکونی و سایر ابنیه ای که اتباع هر یک از طرفین طبق مقررات این قرارداد در قلمرو طرف دیگر تحصیل و یا تملک و اجاره کرده اند و تفتیش و ضبط اوراق و اسناد متعلق به اتباع ممنوع می باشد مگر تحت شرایط و رعایت تشریفات که قوانین جاری که در مورد اتباع داخلی نیز اعمال می شود.

ماده ۱۰

با اتباع هر یک از طرفین در قلمرو طرف دیگر در آنچه مربوط به حمایت از شخص یا اموال ایشان به وسیله دادگاه ها و مقامات مربوط است مانند اتباع دولت کامله الوداد رفتار خواهد شد. اتباع آزادانه و بدون هیچ گونه محدودیتی حق دسترسی به محاکم را خواهند داشت و می توانند بر اساس حقوق اتباع دول کامله الوداد از خود دفاع نمایند. اتباع هر یک از طرفین در خاک طرف دیگر در آنچه مربوط به اموری

چون ازدواج، طلاق، ارث، جهیزیه و حضانت فرزند است، تابع قوانین ملی خودشان خواهند بود.

ماده ۱۱

در صورت فوت یکی از اتباع اتریش که اموالی در ایران داشته باشد و یا برعکس، هر گاه ورثه متوفیان مزبور ناشناس یا غایب و یا بدون نماینده قانونی باشند، نمایندگان کنسولی ذینفع حق خواهند داشت تقاضای مهر و موم از کلیه اموال منقول و ااث و اوراث متوفی را داشته باشند. به محض آنکه مشخص شود متوفی دارای ورثه است حق دخالت از کنسولی سلب خواهد شد.

ماده ۱۲

هر گاه دادگاه های هر یک از طرفین در موضوعات مدنی و تجاری به دادگاه های طرف متعاقد دیگر نیابت قضایی بدهد خصوصاً در موارد استماع شهود و استماع طرفین دعوا و یا کارشناسان و ابلاغ حکم، دادگاه های طرف اخیر مکلف به انجام نیابت مزبور خواهد بود. واگذاری نیابت قضایی باید با ترجمه به زبان دولت متقاضی و یا ترجمه به زبان فرانسه باشد و انطباق ترجمه با اصل نیز باید توسط مترجم سوگند خورده دولت متقاضی تصدیق گردد.

ماده ۱۳

اتباع هر یک از طرفین در حال صلح و در زمان جنگ در قلمرو طرف دیگر از الزام به هرنوع کار به نفع دولت معاف خواهند بود مگر در مواردی که دفاع در برابر آفات طبیعی این مشارکت را ضروری کند. اتباع مزبور همچنین از انجام هرگونه خدمت در ارتش، نیروی هوایی و دریایی، خدمت در گارد ملی و یا چریکی معاف

خواهند بود. اتباع مزبور ملزم به پرداخت غرامت نظامی نخواهند بود و مصادره اموال آنها تحت هر شرایطی ممنوع است.

ماده ۱۴

بدیهی است که مقررات این قرارداد در خصوص اتباع و شرکت های معین شده در ماده ۶ هریک از طرفین در قلمرو طرف دیگر بایستی از رویه معمول نسبت به اتباع و شرکت های دولت کامله الوداد بهره مند گردد.

ماده ۱۵

این قرار داد طبق قوانین جاری در هر یک از کشورهای طرفین به تصویب خواهد رسید و بلافاصله پس از مبادله اسناد در شهر وین به تصویب خواهد رسید و به مدت ۵ سال معتبر خواهد بود.

ماده ۱۶

قرارداد حاضر به زبانهای فارسی و آلمانی و فرانسه تنظیم و امضا شده و هر یک از طرفین یک نسخه از آن را به هر سه زبان دریافت خواهد کرد. (سال ۱۳۳۶ کارتن ۱۱,۳ پرونده ۸۴ سند شماره ۶۸ - ۶۰)

پس از تکمیل پیش نویس قرارداد مودت ایران و اتریش که شرحش گذشت، به منظور تکمیل ماده ۱۰ قرارداد مودت و اقامت، نمایندگان مختار طرفین که دارای اختیارنامه قانونی بودند، قراردادی در خصوص مسایل قضایی اتباع دو کشور با عنوان «اعلامیه ای در خصوص معاضدت قضایی مجانی و وجه الضمان اتباع خارجه در داد گستری» در حاشیه قرارداد مودت امضا کردند. این قرارداد به مسایل قضایی و داد گاهی اتباع ایران و اتریش در خاک یکدیگر می پرداخت. (همان، سند شماره ۵۸)

مسأله رسیدگی به وضعیت اتباع فوت شده در خاک دو کشور از جمله موضوعاتی بود که همواره در حاشیه قراردادهای و عهدنامه مورد رسیدگی قرار می گرفت. بر اساس قوانین و قراردادهای منعقد بین دولت ایران و اتریش، مقرر بود هنگامی که یکی از اتباع اتریش در ایران فوت می کند، نماینده ای از سفارت اتریش یا کنسول این کشور در ایران به امور متوفی رسیدگی کند. در سال ۱۳۳۲ - ۱۳۳۱ در پی مرگ یکی از اتباع اتریش در بهداری بانک مرکزی ایران، وزارت خارجه به سفارت اتریش در تهران نوشت: «با ارسال گذرنامه متوفی معلوم فرمایید در خاک اتریش هنگام تحریر متروکات اتباع شاهنشاهی نسبت به حضور نماینده سیاسی و یا کنسولی شاهنشاهی رفتار متقابل می شود یا خیر در صورت مثبت بودن پاسخ و تمایل نماینده رسمی آن سفارت را معرفی فرمایید تا در روز مقرر در دادگاه مربوط حضور یابند.» همان طور که از فحوای سند بر می آید دولت ایران انجام مواد مربوط به وضعیت اتباع اتریش در خاک خود را که در قراردادهای اقامت لحاظ شده بود، مشروط به انجام تعهدات دولت اتریش در خصوص این مواد و موارد می دانست. (سال ۱۳۳۲ کارتن ۴۲ پرونده ۶ سند شماره ۳)

سفارت اتریش در پاسخ وزارت خارجه ایران نوشت: «نظر به اینکه توافق مشخص و مخصوصی بین ایران و اتریش در باره مسایل مربوط به ماترک ایرانیان فوت شده مقیم اتریش وجود ندارد، در این خصوص بر طبق قوانین اتریش به این امور رسیدگی می شود. بدین ترتیب که اگر یک نفر ایرانی که مقیم اتریش نبوده و یا در خاک اتریش مؤسسه ای نداشته باشد و یا مقیم اتریش بوده و صاحب مؤسسه یا تجارتخانه باشد، فوت شده و از خود اموالی منقولی بر جای بگذارد «محکمه صالحه اطریشی دعوای استخلاص اقامه می نماید و به اطلاع مقامات ایرانی میرسد ... مقامات ایرانی می توانند از محاکم صالحه اطریشی اطلاعاتی از طریق کمک قضایی یا سیاسی کسب نمایند.» (همان، سند شماره ۱۷)

بر اساس قوانین نظام قضا در اتریش در خصوص اتباع خارجی، اگر اتباع ایران مرتکب جرمی در کشور اتریش می شدند، پس از محاکمه و گذراندن دوران محکومیت خود در صورت حکم به زندان، از اتریش اخراج می شدند. در بررسی اسناد مربوط به این قانون، بیشتر مصادیق در ارتباط با جرم سرقت بخصوص در بین دانشجویان بود که البته در بسیاری از موارد نتیجه محکمه به تیره ختم می شد. (سال ۱۳۴۴ کارتن ۹۹ پرونده ۵،۱۶ سند شماره ۱۷)

تبرستان
www.tabarestan.info

سفارت ایران در اتریش در دوره پهلوی دوم

سفارت ایران در وین در دوره پهلوی خصوص در دوران پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه پس از دهه چهل و تسریع روند صنعتی شدن ایران، نقش مهمی در توسعه روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اتریش داشت. تحولات پس از جنگ نقش مهم تری را در عرصه سیاست بین المللی برای اتریش رقم زد. این کشور محل برگزاری همایش ها، نمایشگاه ها و کنفرانس های بین المللی بسیار مهمی در حوزه های سیاسی، فرهنگی هنری و اقتصاد صنعتی بود. شرکت ایران در این مراسم و فراهم آمدن زمینه ارتباط با نمایندگان کشورهای متمدن و صنعتی نقش بسزایی در رشد اقتصاد ایران در عرصه جهانی داشت. سفارت ایران در وین در مرکز این تحولات قرار داشت و مسئول برقراری و حفظ روابط بین دولت ایران و صاحبان صنایع و کمپانی های مختلف اقتصادی از یک طرف و شرکت ایران در رویدادهای سیاسی در وین از طرف دیگر بود. به گزارش محسن صدری که در سال ۱۹۷۴ سفیر ایران در وین بود، فقدان بودجه کافی برای فعالیت های سنگین سفارت یکی از مشکلات این سفارت است. صدری در توضیح بخشی از وظایف متعدد خود نوشت: «این جانب علاوه بر اینکه به عنوان سفیر

کشور خود فعالیت می‌کنم، علاوه بر انجام مراودات عادی بین رؤسای نمایندگان سیاسی با رؤسای مستقل هیأت‌های دائمی در سازمان‌های مختلف در وین نیز تماس و ارتباط داریم و در مناسبت‌های مختلف مانند تشکیل اجلاس‌های سالانه و کنفرانس‌ها و جلسات شورای حکام و یا معرفی و تودیع رؤسای مستقل نمایندگی‌های مزبور و ضیافت‌های مربوط به آن شرکت می‌کنم و هزینه‌های این مراسم را تهیه میکنم...» صدری در ادامه گزارش خود به دو مشکل در خصوص سفارت ایران اشاره می‌کند؛ نکته نخست تأمین هزینه‌های فزاینده سفارت و مأموریت‌های سیاسی است که به گفته صدری هر چند کوشش می‌شود تا حد امکان از هزینه‌های پذیرایی و تشریفات و ضیافت‌های مختلف پرهیز شود اما با توجه به افزایش فزاینده هزینه‌های زندگی در اتریش و تنزل بهای دلار که مأخذ بودجه و اعتبار سفارت است، تحمل هزینه‌های نشست‌های سیاسی و فرهنگی سفارت که ضرورتشان غیرقابل انکار و برگزاریشان الزامی است، فشاری مضاعف بر بخش تأمین اعتبارات سفارت وارد می‌آورد. مشکل دیگری که صدری در گزارشش خطاب به خلعتبری وزیر امور خارجه به آن اشاره می‌کند، لزوم تفکیک وظایف خودش به عنوان سفیر مقیم و مسئولیت‌های سفیر هیأت‌های نمایندگی است. سفیر ایران ضمن اشاره به برگزاری کنفرانس‌ها، همایش‌های مرکز سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان توسعه صنعتی ملل متحد «یونیدو» در وین در سال ۱۳۵۰، ادامه داد، شرکت در اینگونه نشست‌ها در سایر کشورها بر عهده سفیر جداگانه ایست که همراه با هیأت‌های نمایندگی وارد وین می‌شود اما در سفارت ایران این مسئولیت‌ها نیز بر عهده سفیر مقیم است که تداخل این وظایف مشکلاتی را برای انجام امور سفارت ایجاد می‌کند. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶

صدری در یادداشت دیگری خطاب به معاون وزارت خارجه یکی دیگری از مشکلاتی که سفارت در سالهای دهه ۵۰ با آن مواجه بود را مطرح کرد که این مشکل نیز در ارتباط با کم بودن بودجه و اعتبارات سفارت در کنار افزایش هزینه زندگی در اتریش قرار می گرفت. به گفته صدری در طول دو سال مسئولیتش در سفارت به صورت مکرر برخی ایرانیان و یا دانشجویان بی بضاعت مراجعه کرده و با توضیح اینکه پولشان مفقود شده و یا حواله نقدی خانواده هایشان بدستشان نرسیده، درخواست کمک مالی می کردند زیرا توان ادامه تحصیل و زندگی را با این مضيقه مالی نداشتند. «تنها به منظور احتراز از سایر مشکلاتی که ممکن بود در صورت عدم توجه به تقاضای آنها به وجود آید، غالباً از حساب شخصی یا محل اعتبار محدود هزینه های پذیرایی نمایندگان به صورت قرض یا وام کمک مالی شد که اغلب آنها وجوه دریافتی را مسترد نداشته اند. متأسفانه به علت گرانی روزافزون هزینه های زندگی در اتریش و عدم تکافوی بودجه پذیرایی نمایندگی ادامه این وضع بیش از این امکان پذیر نمی باشد.» صدری پیشنهاد کرد حداقل اعتبار ماهیانه به مبلغ ۳۰ هزار ریال در اختیار سفارت قرار داده شود تا قادر باشد به این چنین مواردی رسیدگی کند. (همان، سند شماره ۳۳)

یکی از خدمات دیگری که سفارت ایران در وین به اتباع ایرانی ایرانی ارائه می داد و این اقدام مترفه بر هزینه هایی که سفیر ایران در گزارش خود نوشته بود می افزود، کمک به ایرانیانی بود که برای معالجه و بستری شدن در بیمارستان های اتریش به این کشور می آمدند. سفارت کمک ها و هماهنگی های لازم برای بستری شدن ایرانیان را انجام می داد و کسانی را برای عیادت بیماران می فرستاد. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶ پر.نده ۵۹ سند شماره ۳۴)

در سال ۱۹۷۳ / ۱۳۵۱ اعتبارنامه مصطفی نامدار وزیر مختار ایران در اتریش توسط پرزیدنت «فرانس یوناس» رئیس جمهور اتریش به امضاء رسید. روال کار بدین صورت بود که ابتدا رئیس شورای ریاست جمهوری به سفارت ایران رفته و سفیر و همراهانش را تا کاخ ریاست جمهوری وین مشایعت می کرد. در برابر کاخ سفیر ایران در حالیکه مارش تشریفاتی نواخته می شد از برابر گارد احترام عبور می کرد. آقایان مسعود موسوی، علی اصغر بهرام بینی و پرویز نوین رایزنان سفارت ایران نیز حضور داشتند. در مراسم تقدیم استوار نامه همچنین سفیر و معاون دبیر کل وزارت امور خارجه و رئیس دفتر ریاست جمهوری نیز حضور داشتند (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۹ سند شماره ۱۲۶)

در سالهای دهه ۴۰ و ۵۰ به دلیل افزایش سطح روابط بین ایران و اتریش در حوزه های مختلف، نقش و کارکرد سفارت ایران در سازماندهی این روابط کلیدی تر شد.

فعالیت های سفارت ایران در وین سالهای (۵۵-۱۳۴۹)

بخش تشریفات

سفارت ایران در وین در بخش امور تشریفات در سال ۱۳۴۹، به وضعیت مأموریت سیاسی و یا مسافرت های شخصیت های زیر به اتریش رسیدگی کرد:

همدم و شمس پهلوی

پهلبد وزیر فرهنگ و هنر

سمیعی معاون وزارت اطلاعات

محمود صالحی مدیرکل وزارت امور خارجه

اعضای میسیون ایرانی در کنفرانس مطبوعاتی R C D

سناتور جواد بوشهری

محمدرضا شاه پهلوی

هوشنگ سمیعی معاون شهرداری و نصرت اله لطفی عضو انجمن شهر

بهرام دریابیگی مدیرکل شهرداری و سناتور دشتی

صدر وزیر سابق دادگستری و موثقی مدیرکل وزارت امور خارجه

دکتر پناه لو و دکتر آذرخش برای شرکت در کنفرانس نمایندگان مختار برای

تصویب پروتکل مواد درون آسا

سفارت ایران در این سال همچنین هماهنگی ها و ترتیبات لازم برای سفر افراد و

هیأت های زیر به ایران را انجام داد:

-دومین میسیون اقتصادی اتریش به ایران به ریاست مدیربخش بازرگانی خارجی

اطاق فدرال صنایع اتریش با شرکت نمایندگان و مدیران ۶ مؤسسه صنعتی به منظور

ایجاد شرکتهای تولیدی مختلط در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۴۹

-دعوت از «کرایسکی» نخست وزیر اتریش برای مسافرت رسمی به ایران

-فراهم کردن ترتیب اعزام سومین میسیون اقتصادی اتریش به همراه تعدادی از

صاحبان و نمایندگان صنایع اتریش در اسفند ۱۳۴۹

-«میسیون عالی مشترک اقتصادی ایران و اتریش» که روزهای ۲۲ و ۲۴ اردیبهشت

۱۳۴۹ در وزارت بازرگانی اتریش تشکیل جلسه داد و همچنین اطاق صنایع اتریش از

سفارت ایران خواستند که ترتیب سفر یک میسیون بازاریابی ایرانی به اتریش را با

هدف مطالعه راه های توسعه صادرات دو کشور، فراهم آورد.

- وزیر بازرگانی اتریش طی مذاکراتی از سفارت خواست با دولت ایران درباره اعزام کارگران ایرانی و فارغ التحصیلان هنرستان های صنعتی و مدارس حرفه ای به اتریش، مذاکره کند.

- برگزاری مراسم نوروز باستانی در سفارت با حضور ایرانیان و دانشجویان مقیم اتریش و شخصیت های اتریشی

- بازدیدهای رسمی نمایندگان سیاسی و سفرای کشورهای مختلف مقیم اتریش از سفارت و نمایندگان سیاسی ایران و برپایی ضیافت های رسمی با حضور مقامات اتریشی

- پنج نوبت دعوت از مقامات اقتصادی، مدیران کارخانه ها، مدیران شرکت ملی نفت اتریش و مدیران رادیو و تلویزیون از طرف آقای فربود رایزن اقتصادی و سرپرست قسمت اطلاعات و مطبوعات سفارت ایران

- شرکت اعضاء و کارمندان سفارت در ضیافت چای که از طرف رییس جمهور اتریش به مناسبت سال نو مسیحی برگزار شده بود

- شرکت سفارت در جلسات سخنرانی و مراسم اعطای دیپلم به فارغ التحصیلان ایرانی (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۹ سند شماره ۲ تا ۵)

اقدامات سیاسی سفارت

- در این سال به منظور مذاکره درباره مسایل مورد علاقه و توسعه روابط دو کشور، ۴۷ بار ملاقات به عمل آمد.

- عمده فعالیت های سفارت در این سال به ویژه پس از سفر شاه به اتریش متوجه توسعه و ازدیاد روابط بازرگانی و اقتصادی دو کشور بود.

- اسناد پروتکل الحاق قرارداد مودت ایران و اتریش که مقدمات امضای آن در سالهای قبل انجام شده بود و در ۱۴ اسفند سال ۴۸ بین وزیران امور خارجه اتریش و سفیر ایران مبادله گردید.

- در هر فرصت و مناسبتی سیاست مستقل ملی ایران و سیاست خارجی این کشور در قبال حوادث و وقایع بین المللی با روش های مختلفی از قبیل مصاحبه مطبوعاتی، پخش از رادیو و تلویزیون، انعکاس در جراید و درج در بولتن های مخصوص سفارت به زبان های فارسی و آلمانی در اختیار مردم اتریش و ایرانیان مقیم قرار گرفت.

- کنفرانس عمومی آژانس بین المللی انرژی اتمی در هفته اول مهر ماه سال ۱۳۴۹ تشکیل گردید و همچنین شورای حکام آژانس در طول سال ۱۳۴۹ مجموعاً ۵ اجلاس داشته که رییس نمایندگی و کارمندان سفارت ایران در کنفرانس ها و جلسات مزبور شرکت کردند. همچنین شورای سازمان توسعه صنعتی ملل متحد از ۳۱ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت برگزار شد و هیأت نمایندگی ایران در آن شرکت کردند.

- کنفرانس وابستگان مطبوعاتی کشورهای عضو پیمان منطقه ای اروپا در محل سفارت ایران از ۱۹ الی ۲۲ نوامبر ۱۹۷۰ تشکیل گردید و وابسته مطبوعاتی این سفارت در آن شرکت کرد.

- آقای موسوی دبیر اول سفارت در کنفرانس بین المللی دیپلمات ها که هر سال در شهر سالزبورگ برگزار می گردد، شرکت کرد.

- به جز گزارشهای سیاسی متفرقه درباره مسایل مهم سیاسی کشور اتریش، گزارش های زیر به وزارت خارجه در ایران ارسال شد:

تشکیل هیأت دولت جدید اتریش، احراز یک کرسی غیردایمی اتریش در شورای امنیت، سفر رسمی پرزیدنت یوناس به صوفیا و بوداپست، انتخابات در اتریش، مسافرت

دکتر کرایسکی صدراعظم اتریش به سوییس، احتمال برقراری رابطه بین چین کمونیست و اتریش، ارتباط اتریش با بازار مشترک اروپا (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۹ سند شماره ۲ تا ۸)

یکی از وظایف مهم سفارت ایران در اتریش رسیدگی به امور احوال شخصیه و مسأله گذرنامه ها بود. بر اساس گزارش آماری سفارت در سال ۵۴، تعداد ۳۴۳ گذرنامه تجدید، ۱۲۶۶ گذرنامه عادی و ۱ گذرنامه سیاسی تمدید شد، ۳۱ مورد ازدواج، ۲۶ مورد ولادت، ۲ طلاق و ۳ فوت ثبت و تعداد ۳۷۵۷ روادید جهت اتباع بیگانه صادر شد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷ سند شماره ۱۸)

اقدامات اداری

- شرکت آقای فربود رایزن درجه اول سفارت و آقای شیرازی دبیر اول، در مراسم اعطای انگشتر طلا توسط رئیس جمهور اتریش به رضا بدقین زاده دانشجوی نمونه دانشگاه های اتریش در دانشگاه گراتس

- مسافرت آقای رزند متصدی امور کنسولی به شهرستان های اتریش با هدف رسیدگی به امور ایرانیان و دانشجویان مقیم اتریش

شرکت فربود رایزن اقتصادی سفارت در نمایشگاه های مختلف اتریش و مذاکره با آقای اقبال در خصوص فروش نفت به اتریش و انگلیس و ملاقات با مدیران روزنامه های سالزبورگ

- در سال جاری هیأت های نمایندگی ایران و مأمورین سیاسی به شرح زیر وارد اتریش شدند:

هیأت نمایندگان ایران برای شرکت در کنفرانس تصویب پروتکل روان آسا با شرکت آقایان دکتر حسن علی آذرخش، مدیرکل وزارت بهداری، دکتر پناه لو رییس مؤسسه پزشکی رازی و دکتر ابوتراب فاضلی روان پزشک از وزارت بهداری آقایان منوچهر زیرک زاده مدیرکل وزارت علوم و آموزش عالی و لاجینی کارمند وزارت خارجه برای عضویت و نمایندگی ایران در چهارمین اجلاس کنفرانس عمومی آژانس بین المللی انرژی اتمی در وین. (همان، سند شماره ۸)

در این سال افراد زیر برای مأموریت به وین وارد شدند:

سمیعی معاون وزارت اطلاعات و محمود صالحی مدیرکل وزارت امور خارجه با هدف شرکت در کنفرانس مطبوعاتی، موثقی مدیرکل وزارت امور خارجه، هوشنگ سمیعی معاون شهرداری

-سفارت در این سال ترتیب سفر تحقیقاتی هیأت های فیلم برداری اتریشی به ایران را فراهم کرد.

- شرکت سفارت در مجالس و مراسم های خیریه و کمک به مؤسسات خیریه اتریش. (همان، سند شماره ۹)

اقدامات فرهنگی سفارت

یکی از مهم ترین مسئولیت های سفارت ایران در وین در حوزه فرهنگ رسیدگی به امور دانشجویان ایرانی بود که در جای خود بدان پرداخته خواهد شد. تلاش سفارت برای ترغیب شخصیت های فرهنگی، علمی و هنری اتریش برای مسافرت به ایران و انجام کنفرانس ها و همایش های تخصصی در مدت اقامت هیأت ها و شخصیت های اتریشی یکی دیگر از اقدامات فرهنگی سفارت ایران بود. یکی از نتایج این اقدامات،

مسافرت هیأت انستیتوی شیمی دانشگاه وین به ایران و برگزاری همایشی در این ارتباط در دانشگاه تهران بود. از دیگر فعالیت های سفارت در وین در راستای معرفی فرهنگ و هنر ایران، برگزاری سخنرانی ها و نمایش عکس و فیلم در سالن کتابخانه و محل کانون دانشجویان بود. این نشست ها با استقبال ارباب جراید و علاقه مندان به فرهنگ و هنر ایرانی در اتریش مواجه و به درخواست شخصیت های فرهنگی اتریش در دانشگاه وین و دانشکده کشاورزی نیز برگزار شد. همکاری سفارت ایران با رادیو و تلویزیون اتریش در راستای معرفی فرهنگ، تاریخ، هنر و ادب ایران نیز از جمله اقدامات فرهنگی سفارت بود. در سال ۴۹ ده حلقه فیلم با موضوع ارتش و تاریخ آن در ایران توسط وزارت دفاع ملی اتریش و چند فیلم با موضوع تمدن کهن ایران، تاریخ آموزش و مؤسسات آموزشی و جواهرات سلطنتی تهیه و پخش شد. دانشگاه وین و خانه ایران در وین از دیگر محل های پخش فیلم در موضوع های فوق بود. (همان، سند شماره ۱۹)

در اثر تلاش های فرهنگی سفارت ایران، مقالات متعددی در زمینه های فرهنگ و هنر ایران در نشریات اتریشی به چاپ رسید. سفارت همچنین اطلاعات، نشریات و کتب مرتبط با موضوع را در اختیار محققین اتریشی قرار می داد. (همان، سند شماره ۲۰)

مشخصات کارکنان محلی سفارت ایران در اتریش در سال ۱۳۵۲

نام و نام خانوادگی	سمت	سال استخدام	آخرین حقوق
منشی و مترجم و متصدی			
جلال صالحی رشتی	امور مالی و مذاکره با مقامات محلی	۱۳۳۶	۶۵۰۰۰ ریال
منشی و مترجم شعبات کنسولی و دانشجویی			
محمد اسکویی		۱۳۵۰	۳۳۰۰۰

۳۳۰۰۰	۱۳۴۴	منشی و مترجم و دفتردار	فرخ دریاییگی
۲۰۰۰۰	۱۳۵۱	منشی و مترجم	منوچهر خطیب
۲۰۰۰۰	۱۳۵۲	مترجم بخش مطبوعات و مسئول تنظیم نشریات	کوروش خسروی
۲۰۰۰۰	۱۳۴۷	ماشین نویس فارسی	فریده فرشچیان
۱۸۰۰۰	۱۳۵۱	ماشین نویس فارسی	خندان موافق
۱۸۰۰۰	۱۳۵۱	ماشین نویس فارسی	منیره بلوچ
۲۳۰۰۰	۱۳۴۸	پیشخدمت پذیرایی	اصغر هرنندی زاده
۲۵۰۰۰	۱۳۵۱	آشپز و پذیرایی	علی انسانی
۱۸۰۰۰	۱۳۴۹	ریاست مأموریت	دوشیزه هلکابای اشتاینر
۲۰۰۰۰	۱۳۳۳	ماشین نویس لاتین شعبات کنسولی و دانشجویی	ماتیلدا تاینر
۱۷۰۰۰	۱۳۴۶	ماشین نویس لاتین شعبات مطبوعاتی	مادلن ایمر فول
۲۹۰۰۰	۱۳۳۷	راننده ریاست مأموریت	آقای یوزف و کشایدر
۲۳۰۰۰	۱۳۳۹	مستخدمه	خانم روزا ملینیگ
۲۰۰۰۰	۱۳۴۶	مستخدمه دفتر	النسا پاسیکا
۱۴۰۰۰	۱۳۵۱	تلفنچی	فریدریش هولتسر
۱۴۰۰۰	۱۳۵۱	پیشخدمت دفتری	ادوارد شرایر
۱۰۰۰۰	۱۳۴۷	نگهبان شبانه	کارل شیدنلر
۲۵۰۰۰	۱۳۵۰	سریدار	کارل زولنر
۲۵۰۰۰	۱۳۵۱	راننده	مانفرد کونتر
۲۳۰۰۰	۱۳۵۱	باغبان	یوزف کوش

به صلاحدید سفارت ایران در وین و موافقت دولت ایران، تصمیم گرفته شد برای آشنایی بهتر کارمندان اتریشی سفارت ایران در وین با فرهنگ و تمدن کشور ایران، سالانه دو نفر از این کارمندان با هماهنگی شرکت هواپیمایی ایران و سازمان سیاحان، از ایران دیدن کنند. (سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۱۴ پرونده ۱۳۹ سند شماره ۶۸ و ۶۹ و ۷۹)

یکی از وظایف ثابت سفارت ایران در وین در طول حکومت پهلوی بازدید از استان های و شهرهای مختلف اتریش برای رسیدگی به اموری از قبیل افتتاح نمایشگاه های فرهنگی و اقتصادی با موضوع ایران، تهیه مقدمات سفر مقامات دولت پهلوی و ملکه، بازدید از کارخانه ها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی و تهیه گزارش، رسیدگی به احوال شخصیه و مسایل ایرانیان مقیم این شهرها و سرکشی به بیمارستان ها برای عیادت و کمک به بیماران ایرانی بود. (سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷،۲ سند شماره ۲۳)

سفارت همچنین در بخش فرهنگی مسئولیت های ثابتی داشت از جمله برگزاری کلاسهای آموزش زبان فارسی برای ایرانیان متولد اتریش و همسران ایرانیان مقیم اتریش که تابعیت اتریشی داشتند. اتریشیان علاقه مند به فراگیری زبان فارسی نیز می توانستند در این کلاسها شرکت کنند. از دیگر مسئولیت های سفارت در این بخش اهدای نسخه هایی از نشریات متعلق به سازمان ها و وزارتخانه های مختلف در ایران و کتبی با موضوع نقش ایران در تحولات منطقه و جهان، به مقامات و سازمان های مختلف اتریشی بود. (همان، سند شماره ۲۶)

اقدامات اقتصادی سفارت

در این سال مذاکرات مفصلی با مقامات وزارت بازرگانی و اطاق صنایع اتریش، شرکت نفت این کشور و صاحبان صنایع اتریش به منظور توسعه روابط اقتصادی در دو

کشور به عمل آمد و همچنین در کمیسیون دائمی مشترک ایران و اتریش تصمیمات مفیدی اتخاذ گردید. در این سال همچنین با تلاش سفارت ایران، دومین کمیسیون اقتصادی اتریش در سال ۱۳۴۹ با هدف تشکیل شرکت های مختلط تولیدی به ایران اعزام شد. اولین کمیسیون در سال قبل یعنی در سال ۴۸ به منظور انجام مذاکرات ابتدایی به ایران آمده بود. طرفین توافق کردند در رشته های زیر همکاری و فرآورده های مشترکی را تولید کنند:

ساخت آسانسور، ساخت میکروسکوپ و ادوات بصری، کارخانه ساخت تلمبه آب، کارخانه ماشین های سیم سازی، ساخت ماشین های مورد احتیاج صنایع پتروشیمی و کارخانه های فولاد سازی. کمیسیون اقتصادی اتریش در دومین اقدام خود از کمیسیون بازاریابی ایران برای مسافرت به اتریش دعوت به عمل آورد تا درباره شیوه های افزایش صادرات مطالعه کنند. مدیرکل بازرگانی وزارت اقتصاد ایران به اتریش آمد و با همراه رایزن اقتصادی سفارت ایران کوشیدند رضایت وزارت اقتصاد اتریش را برای تأسیس یک مؤسسه صنعتی و اقتصادی مشترک بین ایران و اتریش جلب کنند. این طرح با همکاری بخش اقتصادی سفارت ایران و اطاق صنایع اتریش تهیه شد و به پیشنهاد شرکت سهامی فرش ایران مقرر شد تجارتخانه دکتر رحیمی به عنوان نماینده ایران در مؤسسه مزبور معرفی شود. دولت اتریش پذیرفت بخش بیشتر هزینه های تأسیس این مؤسسه را بر عهده گیرد. دو نفر از کارشناسان مدیریت اقتصاد اتریش برای بررسی ها و برآوردهایی نهایی و انتخاب محل مؤسسه به اصفهان و تهران مسافرت کردند. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۷ پرونده ۹۹ سند شماره ۱۱۹)

-سفارت ایران در این سال به منظور شناساندن فرآورده های ایران و تبلیغ درباره آنها در نمایشگاه های بین المللی ولس، کلاگن و گراتس با نمایندگی شرکت سهامی

فرش ایران شرکت و جایزه بهترین غرفه را دریافت کرد. در این راستا همچنین با مساعدت اتاق صنایع اتریش غرفه ایران در بزرگترین فروشگاه وین تشکیل و محصولات صادراتی ایران در معرض دید عموم قرار گرفت. (همان، سند شماره ۲۱)

- در این سال بانکهای ژیر و سانترال و شولر تقاضا کردند به منظور شرکت در برنامه های عمرانی و ایجاد شرکت های مختلط ایران و اتریش با مشارکت با مشارکت های بانکهای ایرانی به تأسیس بانک ایران و اتریش اقدام کنند.

- سفارت ایران در وین همواره در رفع مشکلات بازرگانان ایرانی مقیم اتریش کوشا بوده و برای بهبود وضع تجاری آنان مساعدت های لازم را لحاظ می کرد.

به گزارش بخش رسیدگی به امور گذرنامه های اتباع ایرانی در سفارت ایران در وین، در سال ۱۳۴۶، ۱۵۰ گذرنامه دانشجویی و ۱۰۰ گذرنامه عادی به اتریش به ثبت رسید. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۶ سند شماره ۲۳۱)

مشاغل اتباع اتریشی در ایران

افزایش سطح روابط ایران و اتریش بخصوص در حوزه روابط اقتصادی در پیوند با رشد اقتصاد سرمایه داری در ایران و افزایش جمعیت شهرنشین به ویژه در کلان شهرها، موقعیت بهتری برای اشتغال اتباع اتریشی در ایران فراهم کرد. این مسأله در دوران پهلوی دوم و با آغاز و سپس تسریع روند صنعتی شدن ایران در خلال برنامه های توسعه، افزایش یافت. شرکت ها و مؤسسات صنعتی که تولیدکننده ابزار و ادوات و ماشین ها و دستگاه های مختلف بودند، اتباع اتریشی را به عنوان مهندس و یا کارشناس جذب می کردند. مهندس «هلموت اشمیدت» تبعه اتریش کارمند شرکت «ف. ح. کوکس ک. گ» بود. مهندس «ارنست هایتز» تبعه اتریش و یکی از مدیران

فنی کارخانه فولادسازی بهلر اتریش بود که در سال ۱۳۳۶ در شرکت «خشکه و فولادهای صنعتی» در تهران کار می کرد. (سال ۱۳۳۶ کارتن ۳۵،۳ پرونده ۱۳ سند شماره ۳ و ۵)

در همین سال شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی زاینده رود در اصفهان، به منظور تهیه پارچه های باکیفیت و استفاده از تکنولوژی روز دنیا، اقدام به استخدام سه مهندس اتریشی در بخش امور فنی کرد. (همان، سند شماره ۱۱)

کار در تجارتخانه های که در ایران با سرمایه مشترک تشکیل می شد و یا تنها متعلق به سرمایه داران ایرانی بود، از دیگر مشاغل اتباع اتریش در ایران بود. تجارتخانه حریری یکی از تجارتخانه هایی بود به کار تولید و تجارت انواع پارچه اشتغال داشت. مهندس «کارل شنایدر» یکی از اتباع اتریش بود که به دعوت محمدجواد حریری صاحب تجارتخانه برای انجام کارهای تجاری به ایران آمد. (همان، سند شماره ۳۸)

اتباع اتریش همچنین در کافه ها و رستوران های ایرانی به عنوان خواننده و هنرمند استخدام می شدند. مدیر کافه رستوران شهرزاد یک هنرپیشه زن اتریشی را در سال ۱۳۳۶ استخدام کرد. (همان، سند شماره ۲۴) هتل پالاس نیز با گرفتن مجوز از وزارت کار دو تبعه اتریش یک زن و یک مرد را به استخدام درآورد. (همان، سند شماره ۳۲)

کار در شرکت های ساختمانی، سازمان تربیت بدنی و پیشاهنگی، فدراسیون های ورزشی، مؤسسات تجاری، کارخانه های اتومبیل سازی، شرکت های تولیدکننده مواد شیمیایی، مهندسی در کارخانه ها و شرکت های فنی و صنعتی، کار در درمانگاه ها و بیمارستان ها بخصوص در استان های کشور، کار در سفارتخانه های خارجی و اداره های مختلف، اشتغال در تجارتخانه های فرش و پارچه، از جمله مشاغل اتباع اتریش در

ایران بود. (همان، سند شماره ۹۸، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۴، ۸۱، ۷۷، ۷۴، ۷۱، ۶۴، ۶۹، ۳۸)

در دوره پهلوی دوم همان طور که اشاره کردیم با رشد و گسترش نظام سرمایه داری و صنعتی شدن در حوزه های مختلف و همچنین بالا رفتن سطح آموزش و سواد در کنار افزایش جمعیت و بخصوص مهاجرت روستاییان به شهرها و کلان شهرها به ویژه تهران، نیاز به نیروی کار متخصص خارجی اعم از معلم، مهندس، تکنیسین، پزشک و مدیر و ... گسترش یافت. توسعه آموزشگاه های فنی و حرفه ای برای تربیت نیروی متخصص برای کار در کارخانه ها و واحدهای صنعتی، رشد نظام بانکداری، بهبود ارائه خدمات اجتماعی بخصوص در حوزه نظام پزشکی، توجه به رشد هنر و ورزش در سطح دانشگاهی و آموزش عمومی در این دوره، سبب شد اتباع اتریشی در مشاغل مربوط به بخش های فوق به کار گمارده شوند. پزشکان اتریشی از طرف دولت ایران به استان های مختلف می رفتند و مهندسين اتریشی عمدتاً اساتید آموزشگاه های فنی و حرفه ای بودند. (سال ۱۳۴۵ کارتن ۹۶ پرونده ۱۲،۱۶ سند شماره ۷، ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۳۶)

کانون های کار، مراکز و آموزشگاه های فنی و حرفه ای که توسط سازمان خدمات اجتماعی و با هدف تربیت نیروی کار و اشتغال زایی در بخش صنعت تأسیس شد، از جمله سازمان هایی بودند که معلمان اتریشی را به خدمت می گرفتند. وزیر فرهنگ اتریش در سال ۱۳۴۲ خطاب به سفارت ایران نوشت: دولت اتریش از کار اتباع این کشور در بخش های مختلف در ایران به خصوص در حوزه فرهنگ و آموزش استقبال می کند زیرا ایران تنها کشوری است به این صورت روابط مستقیم فرهنگی با اتریش دارد. (سال ۱۳۴۲ کارتن ۱۴۸ پرونده ۹،۲۴ سند شماره ۱۵)

«آموزشگاه فنی کانون کار و آموزش» از جمله مراکز آموزشی در ایران بود که بیش از نصف معلمان و کارکنانش اتباع اتریشی بودند. اهمیت این مراکز برای وزارت فرهنگ اتریش را می توان از یادداشتی که وزیر فرهنگ اتریش خطاب به دکتر

آشتیانی مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی در سال ۱۳۴۲ نوشت، دریافت. در این یادداشت آقای وزیر ضمن عذرخواهی از عدم حضور در مراسم افتتاح آموزشگاه، دکتر «هرتل» معاون دایمی وزارت فرهنگ اتریش را برای حضور در مراسم افتتاحیه معرفی می کند. در این مراسم همچنین نماینده عالی توسعه روابط فرهنگی خارجی اتریش و دکتر «برنهارد اشتیل» وابسته فرهنگی اتریش در خاورمیانه حضور داشتند. قسمت های فنی این کانون زیر نظر دکتر «فرانس سش» معاون فنی وزارت فرهنگ اتریش اداره می شد. (سال ۱۳۴۲ کارتن ۱۴۸ پرونده ۹،۲۴ سند شماره ۲۶ و ۲۷)

در مورد پذیرش نیروی کار اتریشی در ایران قوانین و ضوابط خاصی وجود داشت؛ اعلام نیاز دولت و یا بخش خصوصی به نیروی متخصص اتریشی گام نخست بود که پس از آن بخش مربوطه در اتریش ضمن بررسی پیشنهاد ایران رزومه افراد مورد نظر را که مناسب تشخیص داده بود، برای بررسی از طرف نهاد یا مؤسسه درخواست کننده به ایران می فرستاد. وزارت امور خارجه با همکاری سفارت ایران در وین و نیروهای شهربانی در داخل، نظارت سختگیرانه ای بر اشتغال اتباع خارجی در ایران داشتند.

سفر مقامات سیاسی اتریش به ایران

در پی خروج اتریش از شرایط جنگی و استقلال این کشور از آلمان، روابط سیاسی اتریش با سایر کشورها به حالت عادی درآمد و مقامات سیاسی این کشور سفرهای خارجی خود را برای تحکیم و احیای روابط پیشین از سر گرفتند. «مهندس لئو یولد فیگل» وزیر خارجه اتریش در نیمه دوم فوریه ۱۹۵۷ (۲۴ اسفند ۱۳۳۶)، به دعوت وزارت خارجه ایران برای اقامتی ۵ روزه وارد تهران شد. مدیرکل وزارت امور خارجه اتریش، دو نفر از کارشناسان اقتصادی، کفیل تشریفات، منشی مخصوص وزیر امور

خارجہ و تعدادی از خبرنگاران در این سفر وزیر خارجہ اتریش را ہمراہی می کردند. (سال ۱۳۳۶ کارتن ۴۷،۱ پروندہ ۵۹ سند شمارہ ۱۲ و ۱۹)

ہیأت اتریشی در مدت اقامت خود از آثار تاریخی شہر اصفہان نیز دیدن کردند. (ہمان، سند شمارہ ۲۵)

برنامہ اقامت ۵ روزہ وزیر امور خارجہ اتریش در ایران بہ ترتیب زیر بود:

ملاقات با دکتر اردلان وزیر امور خارجہ

ملاقات با دکتر نیساری وزیر بازرگانی

ملاقات با مهندس خسرو ہدایت قائم مقام مدیرعامل سازمان برنامہ و بازدید از

مؤسسات این سازمان

ملاقات با اخوی وزیر کشاورزی، دیدار با مهندس شریف امامی وزیر صنایع و معادن،

بازدید از دانشگاه تہران، بازدید از مؤسسات کشاورزی حصارک و دانشگاه کشاورزی،

سرم سازی رازی، دام پروری حیدرآباد، حضور در جلسہ علنی مجلس شورای ملی،

بازدید از موزہ ایران باستان، ملاقات با اتباع اتریش مقیم ایران در سفارت اتریش

اقامت وزیر امور خارجہ اتریش در ایران با سفر ایشان و ہمراہانشان بہ شہر اصفہان

پایان یافت. (سال ۱۳۳۶ کارتن ۴۷،۱ پروندہ ۲۹ سند شمارہ ۴۰ و ۴۱)

در سال ۱۳۳۹ جمشید آموزگار از وزیر کشاورزی اتریش و ہیأت ہمراہ او دعوت

کرد بہ ایران بیایند. ہدف از این دعوت تبادل نظر در خصوص شیوہ های جدید در

کشاورزی مکانیزہ، آگاهی از جدیدترین ابزارها در این حوزہ و اطلاع از روش های جدید

بہرہ وری و تولید کشاورزی عنوان شد. (سال ۱۳۳۹ کارتن ۹۶ پروندہ ۱۰۸ سند شمارہ ۳۰)

پس از مسافرت شاہ بہ اتریش در سال ۱۳۳۹، اتریش و ایران تصمیم گرفتند

نمایندگی های سیاسی خود را از سفارت بہ سفارت کبری ارتقاء دهند. در پی این

تصمیم در همین سال «اوژن بورش» سفیر اتریش به ایران سفر و عنوان «سفیر کبری» را دریافت کرد. (سال ۱۳۳۹ کارتن ۵۵ پرونده ۴۰۷ سند شماره ۱۰ و ۱۳)

در طول سال وزارتخانه و اداره های مختلف در ایران با هدف تبادل نظر و استفاده از راهکارهای جدید از مقامات اتریشی دعوت می کردند به ایران سفر کنند. در سال ۱۳۴۲ شهربانی کل کشور از «یوزف هولاولیک» رئیس شهربانی اتریش و رئیس کمیته فنی بین المللی پیشگیری از حریق دعوت کرد به ایران بیایند تا در خصوص روش های اطفای حریق در مناطق شهری، دانش خود را در اختیار متخصصین ایرانی قرار دهند. (سال ۱۳۴۲ کارتن ۸ پرونده ۵,۲۷ سند شماره ۵)

در سال ۱۳۵۲ «کرشلگه» وزیر خارجه اتریش و همسرش سفری را آغاز کردند و پس از مسافرت به کشورهای روسیه، چین و هند، به مدت ۵ روز در ایران اقامت کردند. هدف از این سفر بیشتر از آنکه سیاسی باشد، تفریحی بود. در طول این سفر وزیر امور خارجه اتریش به همراه همسرش از شهرهای مختلف ایران بخصوص شهرهایی که دارای آثار تاریخی بودند، دیدار و ابراز امیدواری کردند با تلاش سازمان های جهانگردی و ایرانگردی، تعداد بیشتری از اتریشیان از جاذبه های توریستی ایران دیدن کنند. زیرا هماهنگی این سفر نیز بر عهده سازمان جلب سیاحان ایران بود. این سازمان همچنین و در همین سال ترتیب مسافرت آقای «Reidinger» رئیس کل شهربانی با همراه همسر و هیأتی ۱۶ نفره از رؤسای اداره های مختلف شهربانی وین به ایران را فراهم آورد. این مسافرت ۱۶ روزه با هدف بازدید مقامات اتریشی از شهرهای مختلف ایران و صحبت در خصوص نظام بروکراسی در ایران انجام گرفت. در سال ۱۳۵۳ رئیس شهربانی اتریش به همراه ۱۶ نفر از رؤسای شهربانی های این کشور و همچنین رؤسای اداره های پلیس این کشور برای دومین بار به هزینه خود و زیر نظر

سازمان سیاحان به ایران سفر کردند و در طول این سفر ضمن مطالعه و مشاهده عملکرد نهاد شهربانی در ایران از شهرهای اصفهان و شیراز دیدن کردند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۹ پرونده ۱۸۴ سند شماره ۳)

دکتر «اشاری باخر» وزیر بازرگانی و صنایع و پیشه و هنر اتریش به همراه هیأتی از تجار و کارشناسان اقتصادی وین، به ایران آمدند. در این مسافرت جلساتی با نظارت اتاق بازرگانی ایران و متخصصین اقتصادی با هیأت اتریشی با هدف ارتقاء سطح کمی و کیفی روابط تجاری دو کشور و حل موانع و مشکلات این روابط انجام شد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۸ پرونده ۱۶۲، ۱ سند شماره ۲، ۱۲، ۱۶، ۳۵)

در سال ۱۹۷۲ م / ۱۳۵۰ گروهی از متخصصین توریسم و جهانگردی به دعوت سازمان جلب سیاحان ایران، با هدف فراهم کردن امکان توسعه همکاری های توریستی در دو کشور، برای مدت ۱۰ روز به ایران مسافرت کردند. در این هیأت اتریشی سه نفر از مشاورین وزارت بازرگانی اتریش نیز حضور داشتند. (همان، سند شماره ۳۶)

یکی دیگر از دولتمردان اتریش که در مهر ۱۳۵۳ به ایران مسافرت کرد، صدراعظم اتریش بود که به همراه ۶ نفر از شخصیت های دولتی اتریش و ۵ روزنامه نگار به ایران آمد. در طول اقامت هیأت سیاسی اتریش و طی جلساتی که از طرف وزارتخانه های مختلف انجام می شد، در خصوص مسایل بین المللی روز، نقش ایران در تحولات خاورمیانه، پیشرفت های اقتصادی و سیاسی ایران در طول سالیان گذشته، مسأله نفت و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی فی ما بین صحبت شد. (همان، پرونده ۱۶۲ سند شماره ۱۲)

در سال ۱۳۴۵ خانم دکتر «مارتا کرله» دختر دکتر شرف رییس جمهور فقید اتریش به همراه همسرش پرفسور «P.kytle» برای انجام سفری تفریحی-تحقیقاتی به ایران آمد. در خلال این سفر دکتر کرله از شهرهای اصفهان و شیراز و آثار تاریخی این

دوشهر به ویژه تخت جمشید و همچنین مؤسسه شیلات و تهیه خاویار در شمال دیدن کرد. دکتر مارتا کرله در اتریش رییس سه سازمان بین المللی زنان از جمله نماینده انجمن بین المللی زنان در اتریش، رییس انجمن بین المللی پزشکی در حوزه زنان و نماینده انجمن های بین المللی بشردوستانه و خیریه زنان در اتریش بود. به دلیل فعالیت های اجتماعی در حوزه زنان، مایل بود در ایران با خانم دکتر ایران اعلم و مهرانگیز طباطبایی ملاقات کرده و در خصوص مسایل زنان در ایران و فعالیت های سازمان زنان گفتگو کند. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۳ سند شماره ۶)

در خلال این سفر همچنین سه کنفرانس مهم در بیمارستان سینا، دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و بیمارستان پهلوی به افتخار حضور دکتر کرله برگزار شد. (همان، سند شماره ۱۱)

سفر مقامات ایرانی به اتریش

در سال ۱۳۳۸ در اتریش همایش «ثبت شرکت ها و علایم تجاری» با هدف بررسی فعالیت انواع شرکت ها و مؤسسات تجاری و همچنین بحث پیرامون علایم و نشانه های تجاری در سراسر جهان برگزار شد که آقای مهدی نراقی رییس اداره ثبت شرکت ها و علائم تجاری ایران به دعوت اتریش در این همایش شرکت و سخنرانی خود درباره موضوع همایش و فعالیت شرکت های تجاری و مسأله ثبت در ایران را ارائه داد. (سال ۱۳۳۸ کارتن ۳۱ پرونده ۱، ۱۵ سند شماره ۴)

عزم دولت اتریش و ایران در مکانیزه کردن کشاورزی و افزایش محصولات، همکاری های بین دو کشور در این زمینه را افزایش داد. در این راستا و در تیر ۱۳۳۹ دکتر جمشید آموزگار وزیر کشاورزی به دعوت دکتر هارتمان وزیر کشاورزی اتریش

به وین رفت. در جلسه ای با حضور نخست وزیر، وزیر ارتباطات و وزیر خارجه اتریش و همچنین سفیر ایران و دکتر آموزگار، راجع به مسایل کشاورزی دو کشور گفتگو شد. آموزگار درباره وضع کشاورزی ایران صحبت کرد. دکتر هارتمان حل مشکلات کشاورزی ایران را مورد توجه قرار داد و در توضیح آن به نیاز ایران به تراکتور اشاره کرد و گفت اتریش می تواند در رفع این نیاز به ایران کمک کرده و برای تأسیس کارخانه «سوار کردن قطعات و تعمیرات تراکتور» با ایران همکاری کند. (سال ۱۳۳۹ کارتن ۹۶ پرونده ۱۸، سند شماره ۱۵)

توافق دیگری که در حوزه کشاورزی و جنگلداری و در پی رایزنی های سرتیپ خواجه نوری رییس اداره جنگلبانی با وزارت فرهنگ اتریش در سال ۱۳۴۰-۱۳۳۹ به عمل آمد، امکان تحصیل چند نفر جوان ایرانی در مدارس جنگلبانی اتریش بود. تدریس این رشته به زبان آلمانی در سه رشته و به دو صورت تئوری و عملی انجام می گرفت. (سال ۱۳۴۰ کارتن ۹۵ پرونده ۷،۵، سند شماره ۱۵)

در سال ۱۳۴۳ شاه ایران به همراه ملکه فرح پهلوی برای بازدید از المپیک زمستانی به اتریش سفر کردند. حضور شاه و ملکه مورد توجه مقامات سیاسی، مردم و مطبوعات اتریش قرار گرفت. مطبوعات گزارش این سفر را گزارش می کردند و می نوشتند این سفر تأثیر شایانی در گسترش و تحکیم روابط دو کشور دارد. (سال ۱۳۴۳ کارتن ۴ پرونده ۳،۴، سند شماره ۴۲)

ارشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران در سال ۱۳۴۶ با کاردینال کونیک در اتریش ملاقات کرد. در این دیدار، زاهدی و کاردینال درخصوص مسایل فرهنگی و دینی دو کشور و امکان گسترش این ارتباطات گفتگو کردند. زاهدی در گزارش خود در ارتباط با این ملاقات نوشت: کاردینال اتریش در حال فراگیری زبان فارسی است و

مطالعات زیادی در زمینه سیاست، جامعه ایران و ادوار مختلف تاریخ ایران دارد. زاهدی اضافه کرد کاردینال کونیک تمایل دارد برای انجام سفری تحقیقاتی در حوزه تمدن کهن ایران و شناخت زبان پهلوی و اسلامی و همچنین دین زرتشت به ایران بیاید و همچنین مایل است سخنرانی هایی را در خصوص موضوع های فوق در ایران ارائه دهد. زاهدی پیشنهاد داد بهتر است مقامات مذهبی ایران یا کتابخانه پهلوی برای انجام این سفر از کاردینال دعوت کند. او در این دیدار همچنین با مبلغین و روحانیون مقیم اتریش که به نمایندگی از دولت ایران در کشور اتریش فعالیت می کردند، ملاقات کرد. در این دیدار روحانیون، احمد قوامی، غلامحسین ابراهیمی، سید محمد اصطهباناتی و محمد تقی توکلی گزارشی درباره فعالیت های تبلیغی خود و مشارکت در اداره امور مسلمانان مقیم اتریش ارائه دادند. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۳۵ پرونده ۵،۵۶ سند شماره ۴ تا ۶)

دوران رونق و شکوفایی اتریش پس از جنگ دوم جهانی و بخصوص پس از استقلال از آلمان و با کمک های آمریکا تسریع شد. با اتخاذ سیاست بی طرفی و تمرکز منابع قدرت بر اصلاح امور داخلی و به ویژه اقتصاد، اتریش به نوعی یک جهش اقتصادی و صنعتی را در حوزه های مختلف تجربه کرد. خروجی این پیشرفت ها را می توان در برگزاری همایشها، نشست ها و سخنرانی هایی دید که به مناسبت های مختلف با دعوت از کشورهای جهان در اتریش برگزار می شد. در سال ۱۳۵۲ وزیر نیرو و وزیر اقتصاد ایران به اتریش سفر کردند. هیأت ایرانی موظف بود ضمن بازدید از مراکز صنعتی اتریش گزارش کاملی از انجام پروژه های صنعتی در این کشور تهیه کند و در صورت لزوم امکان مسافرت مهندسین و متخصصین اتریشی برای انجام طرح های مشابه در ایران را فراهم آورد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۵۵ کارتن ۳ پرونده ۲۵ سند شماره ۲)

در همین سال آموزگار وزیر دارایی نیز برای مذاکره درباره انجام پروژه ای اقتصادی به ارزش یک میلیارد دلار به اسم شاه وارد وین شد. سفر وزیر دارایی به ایران در جراید اتریش بازتاب زیادی داشت. بنابراین آموزگار به دعوت دولت اتریش در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد تا به پرسش های خبرنگاران به خصوص درباره مسأله نفت ایران و طرح های مشترک اقتصادی ایران و اتریش پاسخ دهد. (همان، سند شماره ۴ و ۶۳)

در کنار پیشرفت های اتریش در زمینه های مختلف، ایران نیز در عصر پهلوی دوم دورانی از صنعتی شدن و گرایش به استفاده از تکنولوژی مدرن در بخش های مختلف را تجربه کرد. در این دوره سعی شد استفاده از تکنولوژی کامپیوتر در نهادها و اداره های مختلف معمول شود. لازم بود رؤسای اداره ها و بخش های مختلف اداری و سپس کارمندان برای استفاده از سیستم جدید آموزش ببینند. در سال ۱۳۵۲ سرهنگ دوم منوچهر بازیار از طرف شهربانی کل کشور برای بازدید از سیستم کامپیوترهای اداره راهنمایی و رانندگی وین عازم این کشور شد. بازیار در این سفر از مؤسسات و بخش های راهنمایی و رانندگی و کنترل شهری که با کمک سیستم های پیشرفته کامپیوتری عمل می کردند، بازدید کرد و همچنین دکتر «Ziegel» معاون اداره کامپیوتر و آمار، سرهنگ «Raftl» افسر اجرایی و همچنین مشاور حقوقی اداره مزبور، توضیحات لازم را در خصوص این سیستم ها در اختیار آقای بازیار قرار دادند. سرهنگ بازیار مأمور بود پس از اتریش به انگلستان و آلمان غربی نیز سفر کرده و شیوه کار اداره شهربانی و راهنمایی و رانندگی در این کشورها را بررسی کند. (همان، سند شماره ۸ و ۱۱)

در راستای تغییر در اساس نظم بروکراتیک ایران و به وجود آمدن مشاغل جدید متأثر از نوسازی اقتصادی، سیاسی و اداری، نیاز به ایجاد نهادهای جدید یا تغییر در کارکرد نهادهای اداری که از قبل وجود داشت احساس می شد. سازمان امور اداری و استخدامی کشور از جمله سازمان هایی بود که می بایست متناسب با نیازهای جدید کشور به روز شود. بدین منظور محمد علی طوس، معاون دبیر کل سازمان امور اداری و استخدام کشوری در سمپوزیومی بین المللی با عنوان «اصول اداره امور استخدامی» که از ۱۲ تا ۲۴ خرداد سال ۱۳۵۲ در وین تشکیل شده بود، شرکت کرد. (همان، سند شماره ۳۲)

اقتصاد کشاورزی و لزوم تحول شیوه های کشاورزی از وضعیت سنتی فئودالی به کشاورزی مکانیزه صنعتی، نیز یکی از مسایل مورد توجه دولت به ویژه پس از انجام اصلاحات ارضی و تشکیل شرکت های تعاونی روستایی-کشاورزی بود. از آنجا که این مسأله در سایر دول و اتریش پس از جنگ جهانی نیز مورد توجه بود، سالانه کنفرانس های به منظور تبادل نظر بین کارشناسان کشاورزی در کشورهای مختلف در وین برگزار می شد. در خرداد سال ۱۳۵۲ کنفرانسی بین المللی با موضوع حفظ نباتات در وین تشکیل شد و از ایران آقایان اسفندیار اسفندیاری، حسین امین مدنی و عطاءاله امدادی از طرف وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مأمور شرکت در این کنفرانس شدند. این افراد همچنین مأمور بودند پس از خاتمه کنفرانس به مدت یک هفته در وین اقامت کرده و در موزه گیاه شناسی وین به تحقیق و مطالعه بپردازند و از نظر کارشناسان اتریشی در خصوص شیوه های افزایش بهره وری و اصلاح نباتات استفاده کرده، نتیجه را به صورت مکتوب به وزارت کشاورزی ارائه دهند. (همان، سند شماره ۳۳)

در دوره پهلوی دوم و صنعتی شدن ایران و به همراه آن مسایل و معضلات زیستی کلان شهرها یکی از دغدغه های دولت به ویژه شهرداری تهران بود. افزایش نرخ

جمعیت و مهاجرت ها به شهرهایی چون تهران به ویژه پس از انجام طرح اصلاحات ارضی، مسایلی از قبیل آلودگی هوا، ترافیک و مبلمان شهری را ایجاد کرده بود. وزارت دارایی در سال ۱۳۵۲ محمد توکلی را به عنوان نماینده به شرکت در «کمیته های مطالعات در خصوص آلودگی ها و آلودگی آب ها» مأمور کرد. توکلی همچنین مأمور بود بعد از این شرکت در این کارگاه ها در اتریش اقامت کرده و در کنفرانس ها و کارگاه های «بحران انرژی» شرکت کند. موضوع محوری این کمیته ها و کارگاه ها، مسایل و مشکلاتی بود که نفت به عنوان مهم ترین منبع انرژی و اساس اقتصاد در کشورهای نفت خیز ایجاد می کرد. (همان، سند شماره ۳۵ و ۳۶)

مسأله نفت و مذاکرات اوپک در این خصوص، که در وین انجام می شد، در دهه های چهل و بخصوص پنجاه، یکی از مجاری روابط خارجی ایران و اتریش بود. حضور ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده نفت در این جلسات از اهمیت زیادی برخوردار بود. در اردیبهشت ۱۳۵۲ احمد کورس به عنوان نماینده دولت ایران و نماینده بانک مرکزی در این مذاکرات شرکت کرد. (سال ۱۳۵۵، ۵۵ کاردتن ۳ پرونده ۲۵ سند شماره ۳۱)

شرکت ایران در پنجمین اجلاس کمیسیون مشترک وزیران در اتریش

هیأت ایرانی که در تاریخ ۲۰ فروردین سال ۲۵۳۶ عازم اتریش شد از افراد زیر تشکیل می شد:

منوچهر تسلیمی وزیر بازرگانی

حسین میر حیدر معاون تحقیقاتی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی

نصرت اله خطیبی معاون وزارت بازرگانی

حبیب اله دادفر: نماینده شورای ملی

باقر هیئت رییس مرکز بازرگانی ایران در وین

نادر خورزاد معاون فنی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

مسعود موسوی مدیر کل همکاری های اقتصادی با کشورهای اروپای غربی و

آمریکا در وزارت امور اقتصادی و دارایی

فرنگیس امیری رییس دفتر وزارت بازرگانی

فرخ کیایی نژاد رییس اداره اروپای غربی وزارت بازرگانی

حمید کاظمی کارشناس دفتر همکاری های بین المللی وزارت بازرگانی

حسن جهانبخش رییس بخش موتوررانی و تاکسیرانی شهرداری تهران

احمد مرادی خبرنگار بخش اقتصادی روزنامه اطلاعات

ریاست این هیأت بازرگانی در این سفر با خسرو فاضل بود. (سال ۵۵، ۵۰، ۱۳۳۵

کارتن ۳ پرونده ۳۰ سند شماره ۳ و ۸)

برنامه این هیأت در طول اقامت ۸ روزه در اتریش که اهداف اقتصادی و سیاسی را

دنبال می کرد، شامل موارد زیر بود:

دیدار یا رییس جمهور و صدراعظم اتریش، بازدید از کارخانه مینی بوس و

زمرینگ، برگزاری جلسه در اتاق بازرگانی و اتحادیه صاحبان صنایع اتریش با حضور

رییس اتحادیه صنایع آقای دکتر «تگلا»، بازدید از مدرسه عالی هتلداری

محور مذاکرات هیأت ایرانی با مقامات سیاسی و اقتصادی اتریش، زمینه سازی

برای مبادله کالا با اتریش و مجارستان و همچنین انعقاد قرارداد با وزارت اقتصاد و

بازرگانی این کشور در راستای اخذ قرارداد با کمپانی های سازنده اتوبوس و واگن

بود. (همان، سند شماره ۹، ۱۱، ۱۸)

قرارداد بین المللی وین مربوط به روابط دیپلماتیک بین دول

ادراه عهود و امور حقوقی در فروردین ۱۳۴۰ اعلام کرد قرار است در آوریل ۱۹۶۱ در وین کنفرانسی با حضور ۸۱ کشور عضو سازمان ملل متحد به منظور بررسی وضعیت دیپلماتیک و روابط بین دول به لحاظ حقوقی و سیاسی و همچنین تهیه و تنظیم یک عهدنامه بین المللی درباره مصونیت های دیپلماتیک برگزار شود که ایران نیز در این کنفرانس حضور پیدا خواهد کرد. متین دفتری به عنوان رئیس هیأت نمایندگی ایران و حسین شهیدزاده و ایرج پزشکزاد به عنوان نمایندگان و دبیر اول و سوم سفارت ایران به عضویت هیأت نمایندگی ایران درآمدند. تعدادی از کشورهایی که به قرارداد وین درباره روابط سیاسی ملحق شده بودند، عبارت بود از: آراژنتین، کنگو، کوبا، چکسلواکی، دومینکن، غنا، گواتمالا، عراق، جامائیکا، ساحل عاج، لائوس، لیبیا، موریتانی، ماداگاسکار، نیجر، پاکستان، پاناما، شوروی، یوگسلاوی، گابون، الجزایر، واتیکان، ژاپن، اوکراین، تانزانیا، انگلستان، اکوادور، جمهوری فدرال آلمان و ایران.

این قرارداد که در پنجاه و سه ماده تنظیم شده بود در ۲۷ مه ۱۹۶۱ مصادف با خرداد ۱۳۴۰ از طرف دولت ایران امضا و از ۵ مارس ۱۹۶۵ برابر با ۱۴ اسفند ۱۳۴۳ در مورد ایران لازم الاجرا شد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱، کارتن ۱۴ پرونده ۸۰ سند شماره ۱۷۷ و ۱۷۹ و ۱۷۶)

مصوبات کنفرانس مزبور که در کاخ هوفبورگ به امضای اعضای شرکت کننده رسید که در مواد خود مسایل و مفاهیم زیر را در بر می گرفت:

پروتکل مربوط به حل اختلافات اجباری

پروتکل مربوط به تحصیل تابعیت

موافقت نامه در خصوص نمایندگی های اختصاصی

(همان، سند شماره ۲۶۳)

دول شرکت کننده در کنفرانس نسبت به موارد زیر در ۵۳ ماده توافق کردند:

- تعریف اصطلاحات سیاسی در ارتباط با مأمورین سیاسی

- استقرار روابط سیاسی بین کشورها و اعزام هیأت های سیاسی دایم در صورت

وجود رضایت متقابل

- توضیح وظایف مأمورین سیاسی و مواردی از قبیل حفظ منافع کشور فرستنده و

اتباع آن در کشور پذیرنده تا حدودی که در حقوق بین الملل مورد قبول است.

اصول مذاکره با کشور پذیرنده و لزوم آگاهی از سیر وقایع و حوادث سیاسی در

کشور پذیرنده و گزارش آن به کشور فرستنده

ضرورت بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین

کشور فرستنده و پذیرنده

- کشور فرستنده باید از شرایط کشور پذیرنده برای پذیرش مأمور سیاسی کاملاً

آگاهی یابد.

- کشور فرستنده می تواند پس از اعلام رسمی به کشورهای ذینفع یک رییس

مأموریت برای نمایندگی خود نزد چند کشور و همچنین یکی از کارمندان سیاسی

خود را به کشورهای متعدد بفرستد و یا به جای فرستادن یک رییس مأموریت، یک

مأمور سیاسی زیر نظر یک کاردار موقت تعیین کند.

- چند کشور می توانند در آن واحد یک نفر را به عنوان رییس مأموریت نزد

کشور دیگری تعیین کنند.

- کشور فرستنده در انتخاب کارمندان مأموریت آزاد است. کشور پذیرنده می

تواند نام وابسته های نظامی و دریایی و هوایی را قبلاً برای تصویب بخواهد.

- کارمندان سیاسی مأموریت علی الاصول تابعیت کشور فرستنده را خواهند داشت.

- کارمندان سیاسی مأموریت را نمی توان جز با رضایت کشور پذیرنده از میان اتباع آن کشور انتخاب کرد.
- کشور پذیرنده این حق را دارد که بدون ارایه توضیح یا دلیلی رییس یا هریک از اعضای سیاسی مأموریت را نپذیرد و درخواست تعویض آن را داشته باشد.
- موارد زیر در خصوص مأمورین سیاسی در حوزه اختیارات وزارت خارجه است:
 - انتصاب اعضای مأموریت و ورود و یا عزیمت قطعی و یا خاتمه مأموریت آنان
 - ورود و عزیمت قطعی شخصی که از افراد خانواده یکی از اعضای مأموریت است
 - تعداد اعضای افراد مأموریت با توافق بین کشور فرستنده و پذیرنده تعیین می شود
 - تاریخ شروع و عهده‌دار شدن وظایف رییس مأموریت در کشور پذیرنده از زمانی آغاز می شود که استوارنامه خود را تقدیم می کند.
 - روسای مأموریت به سه طبقه زیر تقسیم می شوند:
 - سفیران کشورها و نمایندگان پاپ، فرستادگان و وزیران مختار کشورها و کاردارها، جز از نظر تقدم در حضور و تشریفات هیچ گونه فرقی بین رؤسای مأموریت ها از حیث طبقه وجود ندارد.
 - هر گاه پست ریاست مأموریت بدون تصدی باشد، یک کاردار موقت به عنوان رییس مأموریت موقتاً انجام وظیفه خواهد کرد.
 - مأموریت و رییس آن حق دارند پرچم و علامت کشور فرستنده را در محل اقامت رییس مأموریت و بر روی وسایل نقلیه خود برافرازند.
 - اماکن مأموریت مصونیت دارند و مأمورین کشور پذیرنده جز با رضایت مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت.

- کشور فرستنده و رییس مأموریت در ملک اجاره ای خود از پرداخت هر نوع مالیات و عوارض ملی و منطقه ای یا شهری معاف خواهد بود مگر اینکه دریافت این مالیات ها یا عوارض در ازای انجام خدمات خاص باشد.

- بایگانی و اسناد مأموریت در هر زمان و هر مکان از تعرض مصون خواهد بود.

- مکاتبات رسمی مأموریت مصون است. اصطلاح مکاتبات رسمی شامل تمام

مکاتبات مربوط به مأموریت و انجام وظایف آن می باشد.
- بسته های سیاسی که دارای علائم خاص سیاسی و حاوی اسناد سیاسی است، نباید توقیف شده یا باز شوند.

- شخص مأمور سیاسی مصون است و به هیچ عنوان نمی توان او را توقیف یا بازداشت کرد

- مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهرمنند خواهد بود مگر در تخلفات مالی و مسایل مربوط به اموال غیرمنقول و ماترک و فعالیت های تجاری مأمور سیاسی مورد نظر که از قوانین خاص خود پیروی می کنند.

- کشور فرستنده می تواند مصونیت قضایی مأمورین سیاسی و اشخاصی را صلاح بداند، سلب نماید.

- کشور پذیرنده مأمورین سیاسی را از انجام خدمات شخصی و عمومی معاف خواهد کرد.

- کشور پذیرنده ورود اشیا و وسایل مورد نیاز مأمورین سیاسی را از پرداخت عوارض گمرکی معاف می کند.

- در صورت فوت یکی از اعضای مأموریت، خانواده او از مزایا و مصونیت‌ها تا انقضای مهلت اقامت در خاک کشور پذیرنده بهرمنده خواهند بود.

در صورت فوت یک عضو مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دایم در آن کشور نباشد و یا در صورت فوت یکی از اهل خانه اش، کشور پذیرنده اجازه خروج اموال منقول متوفی به جز اموالی که در کشور پذیرنده تحصیل شده است را می‌دهد. - کشورهای ثالث نباید عبور و مرور مأمورین سیاسی را دچار مشکل کنند و موظف هستند در کمک به انجام بهتر مأموریت مشارکت کنند. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۱۴ پرونده ۸۰ سند شماره ۲۰۵-۱۸۱)

این کنفرانس در واقع دومین کنگره وین بود که به اساسی‌ترین مباحث حقوق بین الملل در حوزه روابط خارجی و دیپلماتیک از طرف سازمان ملل متحد می‌پرداخت. (همان سند شماره ۲۴۱)

نخستین کنگره وین در سال ۱۸۱۵ متعاقب با شکست ناپلئون اول با حضور نمایندگان دول اروپایی در وین تشکیل شد. محور مذاکرات این کنگره درجه بندی مأمورین سیاسی و حق تقدم آنها بود. پیش از این تاریخ نمایندگی‌های سیاسی دایم در روابط بین دول وجود نداشت و اعزام فرستادگان سیاسی دایم نزد رؤسای سایر دول بنابر پیش آمد موضوعی خاص صورت می‌گرفت و با پایان یافتن مذاکرات در خصوص آن موضوع خاص مأموریت نماینده سیاسی هم خاتمه می‌یافت. این قبیل مأموریت‌ها تابع مقررات و تشریفات واحدی در کشورهای مختلف نبود. مقررات مصوبه معاهده اول وین مصوب ۱۲ مارس ۱۸۱۵ تا حدی به مناقشات و اختلافات حاصل از این نوع مأموریت‌ها سیاسی خاتمه داد. از آن پس مأموران سیاسی به سه سمت یا طبقه سفیر کبیر، فرستاده مخصوص و کاردار تقسیم می‌شدند. دومین اقدام در

زمینه سامان روابط سیاسی و مصونیت های دیپلماتیک، تشکیل کنفرانس بین المللی آمریکایی در هاوانا پایتخت کوبا در ۲۰ فوریه ۱۹۲۸ با حضور ۱۵ کشور آمریکای جنوبی و مرکزی بود. خروجی این کنفرانس عهدنامه هاوانا شامل ۲۷ ماده در ۴ فصل بود. این عهدنامه تکلیف مسایلی از قبیل رؤسای نمایندگی، کارمندان نمایندگی، وظایف کارمندان نمایندگی و مزایا و مصونیت های کارمندان را روشن می کرد. اقدام بعدی در رسیدگی به موضوع روابط سیاسی، برگزاری کمیسیون از طرف سازمان ملل متحد در ژنو به سال ۱۹۵۷ بود که بر محور مأموریت های دیپلماتیک قرار داشت.

اما وجود این قوانین برای سامان روابط دیپلماتیک بین دول کافی نبود زیرا اساس حقوق روابط بین الملل تا آن زمان بر اصول حقوقی اروپایی و آمریکایی استوار بود و بسیاری از دول آسیایی و آفریقایی بخصوص دول تازه تأسیس در تدوین آن قوانین نقشی نداشتند. بنابراین لازم بود قوانین جدید با مشارکت تمام دول تدوین شود. مسأله دیگری که برگزاری کنفرانس وین در اوایل دهه ۱۹۶۰ را به شکل ضرورت درآورد، لزوم مدون کردن قوانین عرفی و گنجاندن آنها در عهدنامه ها و قوانین مدون در حوزه روابط دیپلماتیک بود. مسأله حایز اهمیت دیگر در ضرورت تشکیل این کنفرانس آنکه؛ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دنیای جدید ایجاب می کرد قوانین مدون بر اساس موازین حقوقی تدوین شود. بر اساس ماده ۲۴ عهدنامه وین ۱۹۶۱ مأمورین سیاسی از معافیت حقوقی برخوردار شدند. در کنفرانس سال ۱۹۶۱ به جز ۸۱ کشور شرکت کننده مؤسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد مانند سازمان بین المللی کار (ILO)، سازمان خواروبار و کشاورزی و سازمان علمی و تربیتی وابسته به سازمان ملل نیز حضور داشتند. کنفرانس توسط رییس جمهور اتریش افتتاح شد. ریاست کنفرانس بر عهده «آلفرد فردروس» رییس هیأت نمایندگی اتریش و استاد حقوق بین

المللی دانشگاه وین بود. نمایندگان دول شرکت کننده اغلب از میان حقوقدان ها، اساتید دانشگاه ها و دیپلمات های حرفه ای انتخاب شده بودند. مقرر شد کمیسیون کنفرانس در نوبت اول به این موارد رسیدگی کند:

بررسی طرح مربوط به مأموریت های اختصاصی مصوب قطعنامه ۱۲ دسامبر ۱۹۶۰
بررسی طرح مربوط به مصونیت های دیپلماتیک مصوب قطعنامه شماره ۱۴۵۰ که
در ۱۹۵۹ به تصویب مجمع عمومی رسیده بود

مزایا و مصونیت های دیپلماتیک

ابنیه و بایگانی نمایندگی و وظایف کارمندان نسبت به دولت متوقف فیها

خاتمه مأموریت یک نماینده سیاسی

عدم تبعیض

حل اختلافات و مناقشات سیاسی

(سال ۱۹۶۱، ۱۳۳۵، ۱۴ پرونده ۸۰ سند شماره ۱۸۰ تا ۲۱۲، ۲۴۱، ۲۶۳)

گروگان گیری در مقر اوپک

در سال ۵۴-۱۳۵۳ کنفرانس اوپک در وین با شرکت کشورهای مختلف از جمله کشورهای عربی و ایران برگزار و هیأت نمایندگی ایران به ریاست وزیر کشور جمشید آموزگار وارد وین شد. وزرای نفت دول شرکت کننده در سالن کنفرانس حضور داشتند که ناگهان مورد حمله تروریستی قرار گرفتند. تروریست های مسلح ۱۱ نفر از وزرای نفت اوپک جمله جمشید آموزگار، امیر حسین سپهبان، حسن ایزدی و غفور یوسفیان از اعضای هیأت نمایندگی ایران را گروگان گرفته و تصمیم گرفتند گروگان های خود را از وین خارج کنند. سایر اعضای هیأت نمایندگی ایران نیز تحت نظر

بودند. تروریست ها گروگان های خود، که سفرای کشورهای مختلف و سخنگویان وزارت نفت بودند را در ساعت ۶ صبح دی ماه ۱۳۵۴ با اتوبوس روانه هواپیما کردند. مقصد پرواز از جانب تروریست ها اعلام نشد. کاردار عراق که واسطه بین آنها و دولت اتریش بود، تقاضای تروریست ها را عنوان کرد. رییس گروه تروریستی «carlos nich ramiyez» که خود را «carlos nich blanco» می نامید درخواست کرده بود که بیانیه این گروه تروریستی از رادیو و تلویزیون اتریش به چندین زبان پخش شود و اگر این اتفاق تا ساعت ۵ عصر نیفتد، ابتدا گروگان های ایرانی و بعد از آنها گروگان های عرب و در ادامه همه را خواهند کشت. در این بیانیه دولت ایران عامل امپریالیسم معرفی شده و سزاوار مجازات بود و جمهوری عربی مصر و عربستان سعودی به عنوان خائنین به آرمان های ملت عرب شدیداً مورد حمله قرار گرفتند. این تروریست ها متعلق به سازمانی به اسم «بازوی انقلاب عرب» بودند. کارلوس بلانکو تروریست بین المللی تبعه ونزولا بود که به همراه «لیلا خالد» این عملیات را رهبری می کرد. گفته می شد لیبی از این عملیات حمایت می کند. مطالبات تروریست ها مشخص و معلوم نبود. تأکید آنها تنها بر این نکته بود که با آمریکا، اسرائیل و همه متحدان امپریالیستشان دشمن هستند. به نظر می آمد هدف عمده تروریست ها ترساندن وزرای نفت عرب بود. به گفته نشریات اتریش مهم ترین گروگان ها جمشید آموزگار وزیر کشور ایران و زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی بودند. پس از پرواز هواپیمای تروریست ها و گروگان ها مشخص شد که مقصد آنها الجزیره است. دکتر «بلیکا» وزیر امور خارجه اتریش در خصوص استرداد گروگان ها با دولت الجزیره وارد مذاکره شد. پس از چند روز مذاکره دولت الجزیره پذیرفت که ترتیب استرداد گروگان ها را بدهد. این کار انجام شد و کارلوس به سویس گریخت. دولت اتریش به صورت کتبی و مکرر به

خاطر اتفاق گروگان گیری از دولت ایران عذرخواهی کرد زیرا این اتفاق تا حدی سبب کدر شدن روابط شد و دولت ایران اعلام کرد که وین قادر به تأمین امنیت کنفرانس اوپک نیست و مکان برگزاری این رویداد مهم باید به جای دیگری منتقل شود. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷، ۱ سند شماره ۱۸، ۲۸، ۹۴، ۹۵، ۱۲۸، ۱۳۰ تا ۱۳۴)

سفیر ایران درباره فضای سیاسی اتریش پس از گروگان گیری خطاب به عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه می نویسد: « آقای Bielka وزیر امور خارجه اتریش از اینجانب خواستند به ملاقاتشان بروم. ایشان بسیار ناراحت و نگران بودند و اظهار داشتند چنین به نظر می رسد که دولت ایران از واقعه اوپک به بعد نظر خوبی نسبت به اتریش ندارد و نمایندگان سیاسی دولت ایران در سایر کشورها درباره عدم امنیت در اتریش صحبت می کنند... ما از کشور دوستی چون ایران انتظار داریم که این موضوع را با حسن نیت بیشتری بنگرد.» نامدار در ادامه گزارش خود بر حفظ روابط دوستانه با اتریش و برخوردار با تسامح در خصوص جریان گروگان گیری تأکید می کند و می خواهد که نمایندگان سیاسی ایران در جلسات اوپک بخصوص در نشست جاکارتا از بیان این مطلب که وین ناامن است، خودداری کنند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷، ۱ سند شماره ۹)

سفر صدراعظم اتریش دکتر کرایسکی به ایران تأثیر مهمی در زدودن کدورت ها و نزدیکی روابط دو کشور ایران و اتریش داشت. به گزارش خبرنگار رسمی اتریش APA مذاکرات کرایسکی در طول اقامتش در تهران بسیار رضایت بخش بوده است. در حوزه سیاسی ایران و اتریش بر سر اتخاذ سیاستی تنش زدایانه از منطقه توافق کردند و ضمن تأکید بر نقش خاور نزدیک در صلح جهانی، تعهد دادند که برای برقراری صلح در این منطقه تلاش خواهند کرد. خبرنگار رسمی اتریش به نقل از کرایسکی در

زمینه توافقات اقتصادی، به موضوع تحویل واگن های راه آهن به ایران و تأسیس کارخانه ای در ایران برای ساخت این واگن ها اشاره کرد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کاردتن ۱۸ پرونده ۱۶۵ سند شماره ۲)

کرایسکی در طول اقامت خود در ایران از بخش هایی چون مدرسه حرفه ای رضا پهلوی، استادیوم ورزشی آریامهر، دفتر حزب ایران نوین دیدن کرد. (همان، سند شماره ۲۰)

در این سفر مقامات زیر صدراعظم اتریش را همراهی می کردند:

دکتر اتوگاچا مدیر کل صادرات بخش صنایع دولتی اتریش

دکتر لودویک اشتاینر سفیر و مدیر کل سیاسی وزارت خارجه

دکتر فیلیپ شولر رییس اتاق بازرگانی و اقتصاد حرفه ای اتریش

دکتر لوکاس برولدینگن رییس تشریفات صدراعظم

دکتر هانس تالبرگ سفیر. (همان، سند شماره ۳۰)

کنفرانس ها و همایش ها

در سال ۴۹ کنفرانس دیپلمات های جوان در شهر سالزبورگ و سی و چهارمین کنفرانس بین المللی کواکرها به منظور بحث درباره همزیستی مسالت آمیز روابط بین المللی در اتریش تشکیل شد و دکتر موسوی دبیر اول سفارت ایران در کنفرانس شرکت کرد. کنفرانسی دیگر از فروردین تا آخر خرداد ۱۳۴۸ با موضوع ملل متحد و حقوق معاهدات در وین تشکیل شد و هیأت اعزامی ایران به ریاست دکتر متین دفتری در آن کنفرانس حضور یافتند. کنفرانس اتحادیه بین المللی شهرداری ها در وین در سال ۱۳۴۹ و با حضور حسین فرهودی به همراه چند تن از شهرداران مناطق مختلف تهران و سایر شهرستان ها تشکیل شد. هیأت نمایندگی دایمی ایران همچنین در

جلسات و سلسله نشست های آژانس بین المللی انرژی اتمی « IAEA » و سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، در کنفرانس های عمومی و کمیته های مخصوص بودجه، جلسات شورای حکام شرکت نموده و گزارش کامل آن را به وزارت امور خارجه ارسال کردند. (سال ۱۳۴۶،۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۹ سند شماره ۳۴)

در سالهای دهه ۵۰ بیش از ۲۸ کنفرانس و همایش بین المللی در موضوعات مختلف سیاسی در کشور اتریش برگزار شد. نمایندگان سیاسی ایران و نمایندگان سفارت ایران در بسیاری از این همایش ها شرکت کردند. از جمله:

شرکت در جلسات عمومی سامان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)

حضور در کمیته دایمی شورای توسعه صنعتی یونیدو

شرکت در جلسات مربوط به کمیته عمومی بین الدول برای طرح تدوین اساسنامه

یونیدو به عنوان یک مؤسسه تخصصی

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، دومین اجلاس عمومی خود را از تاریخ ۱۲ الی ۲۶ مارس ۱۹۷۵ در شهر لیما با حضور نمایندگان کشورهای مختلف از جمله ایران برگزار کرد. هدف از این اجلاس تدوین طرح لیما در زمینه صنعتی کردن کشورهای در حال توسعه بود. مسایلی که یونیدو و آژانس بین المللی انرژی اتمی در سال ۱۳۵۴ بر آن تمرکز داشت، دادن کمک های فنی به کشورهای در حال توسعه و تدوین مقررات حفاظتی و ایمنی برای کار در مؤسساتی بود که با انرژی اتمی سرکار داشتند.

(سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷ سند شماره ۸۸)

حضور در جلسات کمیته شورای حکام مربوط به کمک های فنی آژانس بین

المللی انرژی اتمی

شرکت در جلسه کمیته ۲۳ شورای حکام مربوط به استفاده صلح جویانه از انرژی هسته ای و همچنین شرکت در جلسات مربوط به کود شیمیایی و صنعت فولاد و آهن توسط سازمان توسعه صنعتی ملل متحد

در این سالها ایران همچنین در همایش های بین المللی در رابطه با حقوق بشر، مبارزه با بیسوادی، تشکیل لژیون خدمتگذاران بشریت فعالانه شرکت کرد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷،۲ سند شماره ۳۰۱)

مسافرت رئیس جمهور اتریش به ایران به همراه وزیر بازرگانی و وزیر خارجه، ضمن تحکیم روابط دو کشور منجر به امضاء توافقنامه هایی در زمینه های فرهنگی و سیاسی شد. به گفته خبرنگاران اتریش و تأیید رئیس جمهور این کشور، افزایش سطح روابط اقتصادی و بازرگانی با اتریش تأثیر شگرفی در اقتصاد اتریش و رشد آن در طول سالهای دهه ۴۰ و ۵۰ داشته است. (همان، سن شماره ۱۶)

در این سفر همچنین مذاکراتی در خصوص بستن قراردادی با موسسه «Soibersclorf» در اتریش با هدف تربیت کادر فنی از بین مهندسين و دانشمندان علمی برای کار در سازمان انرژی اتمی ایران به امضاء رسید. (همان، سند شماره ۱۷)

توافق هوایی بین ایران و اتریش

به گزارش سفارت ایران در مهر ۱۳۴۶، شرکت هواپیمایی اتریش اعلام کرد در نظر دارد در قالب طرح موافقتنامه حمل و نقل هوایی، در آینده نزدیک برنامه های پرواز منظمی را به خاور دور انجام دهد. به همین دلیل علاقمند است مذاکراتی با ایران انجام داده و موافقت نامه ای هوایی دو جانبه بین دو کشور منعقد کند. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۷۹ سند شماره ۳۲)

در ۲۱ نوامبر ۱۹۶۹ برابر با ۳۰ آبان ۱۳۴۷ هیأت نمایندگی اتریش به ریاست دکتر «مولوئر» وزیر مختار از وزارت امور خارجه اتریش به همراه دکتر «اوتو جتارمد» مدیرکل وزارت ارتباطات و صنایع ملی این کشور، با هیأت ایرانی به ریاست آقای هوشنگ اربابی رئیس هواپیمایی کل کشور دیدار و در خصوص پیشنهاد اتریش مذاکره کردند و در آذر سال ۱۳۴۸ طرح موافقت نامه هوایی ایران و اتریش مورد توافق هیأت قرار گرفت و چون تشریفات تصویب موافقتنامه مدتی به طول می انجامید، بین رؤسای ادارات هواپیمایی دو کشور یادداشت تفاهمی امضا شد که به موجب آن موقتاً و تا لازم الاجرا شدن موافقتنامه به شرکت های هوایی دو طرف اجازه پرواز بازرگانی داده شود. (همان، سند شماره ۳۳)

اعضای هیأت مذاکره کننده ایرانی در خصوص توافقنامه هوایی بین ایران و اتریش به ترتیب زیر بود:

هوشنگ اربابی معاون وزارت راه و رئیس هواپیمایی کل کشوری

جعفر ابوالمعالی مدیرکل اداری هواپیمایی کل کشوری

مسعود قدس رئیس اداره حقوقی هواپیمایی کل کشوری

هوشنگ تجدد معاون بازرگانی شرکت هواپیمایی ملی ایران

حمید رضوی مدیر بخش حقوقی هواپیمایی کل کشوری

سهراب فاتح: مدیریت فروش و ترافیک شرکت هواپیمایی کشوری

هوشنگ خلیلی رئیس امور بین المللی قسمت حقوقی هواپیمایی ملی ایران

عزالدین کاظمی رئیس دفتر حقوقی وزارت امور خارجه. (همان، سند شماره ۳۶)

روابط فرهنگی و خدمات اجتماعی

روابط فرهنگی بین ایران و اتریش به ویژه در عصر پهلوی دوم، حجم زیادی از روابط دو کشور را تشکیل می داد. عزم دولت پهلوی در ورود آنچه «تمدن بزرگ» می نامید، سبب شد، همراه با اجرای طرح های بزرگ اقتصادی که پای سرمایه گذاران خارجی و از جمله اتریشی را به ایران باز کرد، تلاش هایی برای صدور فرهنگ و تمدن ایرانی و معرفی آن به کشورهای خارجی از جمله اتریش، صورت گیرد. این تبادل فرهنگی با کشور اتریش به اشکال مختلف و با ابزارهای گوناگون انجام می گرفت. این روابط حوزه های مشترکی از قبیل انعقاد قراردادهای فرهنگی، مبادله اساتید و مدرسین علوم و هنرهای مختلف، مطبوعات و سینما، تشکیل خانه های فرهنگ و انجام کنفرانس ها و همایش هایی با موضوعات فرهنگی را در بر می گرفت. مسأله خدمات اجتماعی و خدمات پزشکی و بهداشتی حوزه دیگری بود که روابط دو کشور را پوشش می داد.

سازمان ها، جمعیت ها و انجمن های ایرانی در اتریش

ایرانیان مقیم اتریش بخصوص دانشجویان ایرانی، با همکاری سفارت ایران در وین و اداره امور فرهنگی در ایران، اقدام به تأسیس گروه ها، انجمن ها و سازمان های مختلف با محوریت گسترش فرهنگ ایرانی می کردند. هدف از تشکیل این گروه ها و سازمان ها در وهله اول گردهم آمدن ایرانیان مقیم اتریش و برقراری پیوند دوستی بر پایه وطن پرستی بود. این گروه ها که هسته مرکزی آنان را دانشجویان تشکیل می دادند در تلاش بودند تا به طرق مختلف هویت ایرانی خود را در پیوند با فرهنگ و تاریخ فرهنگی کشور ایران به اتریشیان و بخصوص به دانشجویان اتریشی که ارتباط نزدیک تری با این سازمان ها و جمعیت ها داشتند معرفی کنند. «سازمان ورزشی دانشجویان ایرانی در اتریش» یکی از این سازمان ها بود که توسط دانشجویان ایرانی با هدف پرورش جسم و روح جوان ایرانی در اتریش تشکیل شده بود. مؤسسين این سازمان در نامه ای به وزارت فرهنگ و ورزش برای دریافت مساعدت، هدف خود از تشکیل این سازمان را «پرهیز از عیاشی و وقت تلف کردن در تفریحات نامناسب که دون شأن یک جوان ایرانی است» معرفی کردند و از دولت خواستند برای تأسیس باشگاه در رشته های مختلف ورزشی این سازمان را حمایت کند. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۱۳۹ پرونده ۴,۲۰,۱ سند شماره ۹۷)

در کنار این جمعیت که متعلق به جوانان ایرانی بود، جمعیتی با عنوان «جمعیت جوانان اتریشی طرفدار سازمان ملل متحد» در اتریش تشکیل شد که با جمعیت ها و انجمن های ایرانی در اتریش و ایران روابط متقابل داشت. «ارنست پار» یکی از دانشجویان عضو این جمعیت که با دانشجویان ایرانی مقیم اتریش در ارتباط بود، ضمن مراجعه به سفارت ایران در اتریش عنوان داشت به منظور تبادل نظر و نزدیکی بیشتر با

جوانان ایرانی طرفدار ملل متحد و همچنین مطالعه و بررسی در فرهنگ ایران قصد دارد به مدت شش ماه به ایران سفر کند. اداره روابط فرهنگی امور خارجه اتریش به انجام این گونه از مسافرت ها و مطالعات فرهنگی کمک می کرد. نامبرده از سفارت ایران خواست که ترتیب معرفی او به مقامات و مراجع فرهنگی ایران داده شود. پژوهش و تهیه گزارش در خصوص آموزش و پرورش، یونیسف و شورای زنان جز برنامه دیدار ارنست از ایران بود. ارنست پار همچنین قصد داشت با جمعیت جوانان ایرانی طرفدار سازمان ملل مذاکراتی در خصوص گسترش ارتباطات فرهنگی انجام دهد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۹ پرونده ۴۷ سند شماره ۱۲)

انجمن فرهنگی ایران و اتریش

وزیر مختار اتریش در آنکارا که نمایندگی این دولت در ایران را نیز دارا بود، هنگام اقامت در تهران، تقاضا کرد دولت ایران برای تأسیس انجمن فرهنگی ایران و اتریش در راستای تحکیم روابط فرهنگی دو کشور با اتریش همکاری کند. وزارت خارجه در پاسخ گفت با توجه به اینکه در حال حاضر کلیه انجمن های فرهنگی تعطیل می باشد، نمی توان با ثبت این انجمن موافقت نمود. در سال ۱۳۳۲ روزنامه ژورنال تهران خبری در خصوص تشکیل کتابخانه و تأسیس کلاسهای درس آلمانی در انجمن فرهنگی ایران و آلمان منتشر کرد. رایزن فرهنگی اتریش با خواندن این خبر و استناد به آن طی مذاکراتش با رایزن فرهنگی ایران در وین، عنوان کرد اگر این اجازه به دولت آلمان داده شده است، در مورد اتریش نباید تبعیض قائل شد. (سال ۱۳۳۲ کارتن ۳، ۲۰ پرونده ۳۱ سند شماره ۱۰۶)

سفارت ایران در وین پس از مکاتبه با اداره روابط فرهنگی در ایران در پاسخ وزیر مختار اتریش مقیم آنکارا توضیح داد که اجازه تأسیس انجمن فرهنگی ایران و آلمان به دولت آلمان داده نشده است زیرا اساساً دولت آلمان چنین تقاضایی نکرده است. چند تن از ایرانیان مقیم آلمان به دلیل علاقه شخصی در آلمان انجمن فرهنگی تأسیس کرده اند و این مسئله ارتباطی به دولت ایران ندارد. (همان، سند شماره ۱۰۷)

به گزارش سفارت ایران در وین کاردار اتریش در سال ۱۳۳۶ ش، طی رایزنی هایی با آن سفارت نسبت به تأسیس انجمن فرهنگی ایران و اتریش ابراز علاقه کرده و درخواست نمود اگر ایران چنین طرحی با روسیه را در برنامه های خود دارد، این برنامه را در مورد اتریش نیز لحاظ کند. وزارت فرهنگ ایران در جلسه ای با شورای فرهنگی دانشگاه تهران، پیشنهاد کاردار اتریش را مطرح کرد و مقرر شد پیش نویس طرح آماده و در اختیار سفارت ایران و اتریش قرار گیرد. (سال ۱۳۳۶ کارتن ۱۱،۳ پرونده ۷۸ سند شماره ۸)

شعبه این انجمن در ایران در سال ۱۳۳۹ توسط دکتر کرایسکی وزیر امور خارجه اتریش در تهران افتتاح شد. (سال ۱۳۳۹ کارتن ۹۲ پرونده ۷،۵ سند شماره ۴)

انجمن فرهنگی ایران- اتریش در طول فعالیت خود روابط و همکاری بسیار نزدیکی با سازمان جهانگردی با هدف ارتقاء سطح کمی و کیفی صنعت گردشگری در ایران داشت. در اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ بر تعداد گردشگران اتریشی که به ایران آمدند، اضافه شد. فعالیت های انجمن ها و جمعیت های فرهنگی ایرانی در اتریش، در این روند رو به رشد گردشگری نقشی تعیین کننده داشت. در سال ۱۳۳۶- ۱۳۳۷ سفارت ایران در وین درخواست صدور روادید گروهی برای یک تیم ۲۵۰ نفری از گردشگران اتریشی را به وزارت امور خارجه تقدیم کرد. در اردیبهشت همین سال نیز اداره مسافرت و جهانگردی اتریش خبر از مسافرت هیأتی ۱۵۰ نفری از سیاحان

اتریشی به ایران داد و از سفارت ایران خواست تسهیلات لازم را برای اقامت آنها را با همکاری سازمان جهانگردی ایران فراهم کند. (سال ۱۳۳۶ کارتن ۳، ۳۵ پرونده ۱۳ سند شماره ۱۵ و ۱۹)

خانه های ایران

تأسیس سازمان و یا جمعیتی با رویکرد فرهنگی در کشورهای خارجی که در مکانی مشخص مستقر و اساسنامه داشته باشد، همواره مورد توجه وزارت فرهنگ و وزارت خارجه ایران بود. اتریش و موناکو از جمله کشورهایی بودند که برای اجرای این طرح که «خانه ایران» نام داشت، در نظر گرفته شدند. دولت اتریش رضایت و علاقه مندی خود برای برای افتتاح خانه ایران در وین را اعلام کرد. خانه ایران در وین کارکردهای فرهنگی داشت و مسئول معرفی و شناساندن تاریخ و فرهنگ ایران در اتریش به طرق مختلف بود. مسئولین خانه ایران با شخصیت های فرهنگی و دولتمردان سیاسی اتریش روابط متقابل و حسنه داشتند و دولت اتریش را در جریان برنامه های خود قرار داده و از آنها برای حضور در این خانه دعوت به عمل می آوردند. یکی از برنامه های خانه ایران تأسیس کتابخانه های تخصصی با موضوع تاریخ و فرهنگ ایران بود. انتشارات مختلف در ایران، بخصوص انتشارات دانشگاه های کشور از جمله دانشگاه شیراز و تهران، کتب خود را برای استفاده در خانه ایران در وین و همچنین سفارت ایران در این کشور می فرستادند. همچنین سازمان ها، اشخاص و انجمن های مختلف در ایران نیز کتب خود را به خانه ایران در وین اهدا می کردند. این کتب مورد استفاده علاقه مندان به مطالعات ایران قرار می گرفت و معمولاً نسخه ای به زبان انگلیسی و فرانسه نیز موجود بود. برپایی نمایشگاه های عکس از شخصیت های

فرهنگی و تاریخی ایران، معرفی آثار تاریخی و میراث فرهنگی-تمدنی ایران از طریق برگزاری همایش ها و سخنرانی و چاپ پوستر و عکس، رونمایی از کتب چاپ ایران با موضوع تاریخ و فرهنگ، ترتیب دادن سفرهای علمی و گردشگری به ایران و اجرای برنامه هایی با محور زبان و ادب فارسی از جمله فعالیت های خانه ایران در وین بود.

(سال ۱۳۴۶ کارتن ۱۳۹ پرونده ۴,۲۰,۱ سند شماره ۲۸, ۳۰, ۵۰)

سفیر ایران در وین، امیر اصلان افشار، در سال ۱۳۴۶ خطاب به وزارت فرهنگ در توصیف خانه ایران در وین نوشت: تحقق اهداف سفارت از تأسیس خانه ایران در وین و تبدیل این مکان به محل تجمع دانشجویان و ایرانیان مقیم اتریش، منوط به رفع نواقص و تهیه منابع مورد نیاز برای انجام سخنرانی و پژوهش است. سفیر ایران فهرست مواد مورد نیاز خود را بدین صورت به وزارت فرهنگ ارسال کرد:

- یک سری از کتب درسی دانشگاه تهران در تمام رشته ها جهت استفاده

دانشجویان مقیم اتریش برای ارائه رساله و سخنرانی

- یک سری کتب جیبی

- روزنامه اطلاعات هوایی

- روزنامه کیهان انگلیسی اینترناسیونال

- یک نسخه از مجلات و مطبوعات مفید به همراه کتبی که در زمینه های مختلف در

سال های اخیر در ایران چاپ شده است. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۱۵۱ پرونده ۸,۲۸,۱ سند شماره ۲)

خانه ایران در وین همچنین محل مراجع اتریشیان برای کسب اطلاعات گردشگری

از ایران بود. سفیر ایران در ادامه گزارش مایحتاج خانه فرهنگ به مسأله مزبور اشاره

کرده و درخواست کرد موادی بدین منظور برای استفاده خانه ایران در وین تهیه شود:

- بروشورهای مختلف از شهرهای ایران به زبان آلمانی

- نقشه راه ها و شهرهای ایران و اطلاعاتی در خصوص این راه ها
- لیست هتل های ایران و قیمت های آنها و لیست هتل های بین راه
- اطلاعاتی راجع به صنایع دستی و ارسال نمونه هایی از آنها
- نرخ اتوبوس، هواپیما و قطار در ایران و مقررات مخصوص حمل و نقل شهری برای توریست ها
- اماکن و نقاطی که برای بازدید خارجیان ممنوع است و مقررات عکس برداری از ابنیه تاریخی. (همان، سند شماره ۷ و ۱۲)

سازمان جلب سیاحان

یکی از سازمان هایی که در بخش فرهنگی فعالیت می کرد، سازمان جلب سیاحان بود. این سازمان همان گونه که از نامش پیدا است مسئول ادراه و نظارت بر صنعت گردشگری در ایران بود که در جذب سرمایه از این طریق نقش مهمی در اقتصاد غیرنفتی داشت. این سازمان در کشورهای مختلف از جمله اتریش دارای شعبه بود و برای معرفی جاذبه های گردشگری ایران و تدارک تورهای مسافرتی تلاش می کرد. به گزارش طالب زاده کاردار موقت ایران در اتریش، در تیرماه ۱۳۵۲ سیروس فرزانه معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان جلب سیاحان برای افتتاح «بنای نمونه ایران» در شهر «کلاگنفورت» عازم اتریش شد. این بنا که با الگوی کاخ مرمر و توسط معماران و مهندسين اتریشی و ایرانی و با مشارکت جمعیت ها و سازمان های فرهنگی ایران در اتریش با دولت اتریش ساخته شده بود، با شرکت مقامات و نماینده های سیاسی ایرانی و اتریشی و حضور آقای فرزانه افتتاح شد. سرپرست سازمان جلب سیاحان در طی این مراسم ضمن بیان تاریخچه ساخت کاخ مرمر، بنای نمونه ایران را نشان فرهنگ دوستی

دولت و ملت اتریش و علاقه مندی به تاریخ و کشور ایران دانست و از این بابت تشکر کرد. در حاشیه این مراسم، آقای فرزانه همچنین از نمایشگاه صنعتی در وین دیدن کرد که در این بازدید، مدیرکل بازرگانی وین میزبان آقای فرزانه بود همچنین نماینده وزارت خارجه اتریش و رئیس مؤسسه حمایت از کودکان، خانم «کرله» از آقای فرزانه استقبال کردند. در انتهای مراسم اختتامیه نمایشگاه، به دعوت سازمان جهانگردی ایران در وین، میهمانی در هتل امپریال اتریش با حضور آقای فرزانه و مقامات ایرانی، وزیر بازرگانی اتریش، رئیس کابینه و رئیس شورای کشوری، معاون و مدیرکل وزارت بازرگانی اتریش، رئیس سازمان جهانگردی اتریش و عده ای از اساتید دانشگاه و اصحاب جراید اتریش ترتیب داده شد. این میهمانی در فضایی دوستانه برگزار شد و خانم کرله ضمن ابراز خوشحالی از حضور در این محفل، از سوابق ایران در امور خیریه و کمک به اطفال بی بضاعت صحبت کرد. آقای فرزانه در پایان مبلغ ۲۰۰۰۰ شیلینگ به انجمن حمایت از کودکان اتریش کمک کرد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۵۵، ۱۳۳۵، ۳ کارتن ۳ پرونده ۲۵ سند شماره ۱۶ و ۱۹)

مؤسسه آسیایی-آفریقایی در اتریش

یکی از مؤسساتی که در حوزه روابط فرهنگی و سیاست خارجی در اتریش فعالیت می کرد و حوزه فعالیت خود را تمام کشورهای آسیایی و آفریقایی از جمله ایران قرار داده بود، مؤسسه آسیایی-آفریقایی بود که هدف خود را شناساندن فرهنگ دول آسیایی و آفریقایی به کشور اتریش و نزدیک کردن این دول به اتریش از طریق گسترش روابط فرهنگی معرفی کرده بود. این مؤسسه توسط کاتولیک های اتریشی تأسیس و اداره می شد. به گزارش سفارت ایران در وین، این مؤسسه اهداف اصلی

خود را در زیر پوششی از فعالیت های فرهنگی انجام می داده و هدف واقعی مؤسسان این مجموعه مبارزه با کمونیسم و شناسایی عوامل و هواداران این مرام در کشورهای آسیایی و آفریقایی بود. این مؤسسه کمک های مادی خود را از آمریکا دریافت می کرد و در صدد بود با شناخت شرایط اجتماعی و فرهنگی دول مختلف، امکان وقوع حرکات کمونیستی - سوسیالیستی را تشخیص داده و از آن جلوگیری کند. بنا به گزارش محمود میرفرخایی سفیر ایران در وین، آمریکا توجه خاصی به تأسیس چنین مؤسساتی در دول مختلف برای مهار کردن کمونیسم دارد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱) کارتن ۱۰ پرونده ۴۲۰، ۵، سند شماره ۱۴۴

تشکیلات دانشجویان وابسته به جمعیت های طرفدار سازمان ملل متحد

پس از تأسیس سازمان جهانی ملل متحد با هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی و تلاش برای تشنج زدایی به ویژه پس از جنگ دوم جهانی، در کشورهای مختلف سازمان ها، جمعیت ها و انجمن هایی در راستای اهداف سازمان ملل متحد توسط گروه های مختلف از جمله دانشجویان و سیاستمداران تشکیل شد. جمعیت ایرانی طرفدار سازمان ملل متحد در ایران نیز یکی از این جمعیت ها بود که درباره حوادث بین المللی مرتباً تشکیل جلسه داده و با جمعیت های با همین نام در سایر کشورها در ارتباط بود. یکی از گروه هایی که همسو با رویکرد جهانی سازمان ملل متحد تشکیل شد «تشکیلات دانشجویان وابسته به جمعیت های طرفدار سازمان ملل متحد» بود که با هدف مبارزه فرهنگی برای صلح جهانی، مخالفت با جنگ و توسعه طلبی نظامی و مبارزه برای منع آزمایش های اتمی، در کشورهای مختلف از جمله اتریش با شرکت دانشجویان خارجی از جمله ایرانیان تشکیل شد. در سال ۱۳۳۵ کنفرانس بین المللی

تشکیلات دانشجویان وابسته به جمعیت های طرفدار سازمان ملل در شهر گموندن اتریش تشکیل شد. این کنفرانس همچنین مصادف با یازدهمین سال تأسیس جمعیت های طرفدار سازمان ملل متحد بود. در این مراسم عده ای از رجال سیاسی اتریش و نمایندگان سیاسی و فرهنگی ۴۲ کشور حضور داشتند. نمایندگان ایران عبارت بودند از دکتر متین دفتری، آقای سرشار و آقای اکمل که به عنوان نماینده دانشجویان از دانشگاه تهران در این مراسم شرکت کرده بودند. عده ای از دانشجویان ایرانی عضو تشکیلات و مقیم اتریش نیز در این مراسم حضور داشتند. هزینه میهمانان و مدعوین بر عهده یونسکو بود. در روز افتتاحیه متین دفتری نطقی با موضوع نقش محوری دانشجویان در تحولات و جنبش های اجتماعی و سیاسی جهان و ایران ایراد کرد. آقای اکمل ضمن بیان پیشرفت دانشجویان در ایران، برنامه ها و رؤوس فعالیت های تشکیلات دانشجویان وابسته به سازمان ملل متحد را تشریح کرد. (سال ۱۳۳۵ کارتن ۹،۱۸ پرونده ۹۶ سند شماره ۱۰)

انجمن دانشجویان ایرانی اتریش

این گروه به لحاظ خط فکری و سیاسی مخالف ساختار سیاسی شاهنشاهی بوده و در راه مبارزه با دیکتاتوری شاه و تحقق آزادی و دموکراسی در ایران فعالیت می کرد. بر اساس گزارش وزیر مختار ایران این گروه جلسات خود را به صورت هفتگی برگزار می کرد و سعی در جذب تعداد بیشتری از دانشجویان داشت. این گروه تقریباً به صورت مستقل عمل کرده و همواره از طرف مأمورین سیاسی ایران در وین تحت نظر و کنترل بود. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۱۳۹ پرونده ۴،۲۰،۱ سند شماره ۱۸۹)

باشگاه ایران و اتریش

به گزارش سفارت اتریش در تهران، اتباع اتریشی قصد دارند باشگاهی فرهنگی با عنوان «باشگاه ایران و اتریش» در تهران تأسیس نمایند. هدف از این اقدام تقویت روابط سیاسی و فرهنگی بین دو کشور و فراهم آوردن امکان شناخت بیشتر طرفین از تاریخ و فرهنگ یکدیگر عنوان شد. اساسنامه تأسیس این مرکز فرهنگی به وزارت کشور تقدیم و از آن مقام برای فراهم آوردن تسهیلاتی در این خصوص طلب مساعدت شد. (سال ۱۳۲۹ کارتن ۱۰ پرونده ۸ سند شماره ۴)

تأسیس جمعیت فرهنگی

از دوره پهلوی اول و متأثر از ناسیونالیسم رضاشاهی که وجه برجسته آن تولید نوعی ملی گرایی مبتنی بر سکولاریسم و جایگزینی هویت ایرانی به جای هویت اسلامی بود، تبلیغ و معرفی ایران به جهانیان به عنوان کشوری باستانی، دارای تمدنی کهن و گذشته ای پرافتخار، یکی از محورهای اصلی فعالیت مسئولین و نمایندگان فرهنگی ایران در خارج بود. با شناخت وجوه مختلف ناسیونالیسم ایرانی در دوره رضاشاه که در دوره پسرش محمدرضاشاه به اوج رسید، رویکرد ایران در اتخاذ سیاست های فرهنگی در حوزه روابط خارجی با کشورهای مختلف از جمله اتریش، بهتر فهم می شود.

خاستگاه های فکری ناسیونالیسم جدید ایرانی عبارت بود از:

- ۱- آگاه شدن به افکار ناسیونالیستی و تاریخ اروپا ۲- آگاهی و توجه افراطی به ایران باستان ۳- روانشناسی ستم دیدگان که ترکیبی از خشم و سرافکنندگی را با آرمان های مینوی و عقده خودبزرگ بینی یکجا جمع می کند. این ناسیونالیسم پیش از آنکه

به مرامی رسمی تبدیل شود، مفهومی ذهنی بود که بر اساس بیان هنری، ادبی و تاریخی افتخارات گذشته ایران باستان، ناکامی های حال و آرزوهای بزرگ برای آینده قرار داشت. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۴۴)

وجه بیرونی این مرام، تأکید اغراق گونه بر دستاوردهای تمدنی ایران در دوران باستان و نقد و نکوهش اسلام و اعراب به عنوان عامل عقب ماندگی و انحطاط ایران بود که در تمام سطوح فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی در داخل و خارج اعمال می شد. این ناسیونالیسم در ارتباط با گفتمان نوسازی در عصر پهلوی قرار داشت. در واقع اگر تجدد و مدرنیته هدف شاهان پهلوی و تمرکزگرایی روش آنها بود، ناسیونالیسم ایدئولوژی بود که هر دو را مشروعیت می بخشید. بنابراین، تأسیس جمعیت و مؤسسه با رویکرد فرهنگی و با هدف معرفی ایران به جهانیان یکی از سیاست های اصلی دولت پهلوی در حوزه روابط فرهنگی بود. اهمیت این موضوع را می توان در گزارش علی اصغر عزیزی راین فرهنگی ایران در اتریش خطاب به عبدالحسین مفتاح معاون وزارت امور خارجه در سال ۱۳۳۱ دید. در این گزارش بر اهمیت شناساندن ایران و تمدن ایرانی به جهانیان و اروپاییان از طریق تأسیس جمعیت ها و انجمن های شرق شناسی و ایران شناسی در خاک دول اروپایی از جمله اتریش تأکید می شود. عزیزی در ادامه به برنامه تیم فرهنگی ایران زیر نظر راین فرهنگی برای تأسیس مؤسسه ای با شرکت چند کشور شرقی دیگر به جز ایران اشاره می کند که هدفش شناساندن این دول البته با محوریت ایران، از طریق فعالیت های فرهنگی و آموزشی به اروپاییان در کشورهای مختلف از جمله اتریش است. عزیزی در توضیح لزوم حضور و مشارکت چند کشور دیگر در کنار این ایران می نویسد «با تجربیات حاصله، تشکیلاتی که فعالیت آنها یکجانبه و موقوف به کشور خاصی باشد، علاقه مندان محدودی داشته در حالی که

تشکیلات برای ادامه فعالیت و پیشرفت به کارشناسان مجرب و کمک های مالی قابل توجهی نیاز دارد. اینجانب صلاح در آن دیدم که اقدام به تشکیل یک انجمن شرقی کنیم که علاوه بر ایران به سایر کشورهای شرقی نیز پردازد تا بتواند اعتبار مالی بگیرد. البته محوریت برنامه ها و فعالیت ها ایران خواهد بود.» عزیزی در ادامه توضیح طرح خود پیشنهاد کرد مرکز تشکیلات مورد نظر سوییس بوده و در کشورهای اطراف مانند اتریش نیز شعبه داشته باشد. عزیزی ادامه داد: مقدمات تشکیل این انجمن فراهم شده است. مستشرقین و بازرگانان آلمانی و اتریشی و متخصصین و کارشناسان کشورهای اسکاندیناوی در جریان تأسیس این جمعیت بوده و از این طرح حمایت کردند. عزیزی طرح خود را در راستای اهداف برنامه سازمان تبلیغات برای معرفی ایران به کشورهای خارجی دانست و این اقدام را گامی مهم در جهت معرفی فرهنگ و تمدن و تاریخ ایران به خارجیان قلمداد کرد. او در پایان توضیح طرح خود مرامنامه جمعیت را برای بررسی کارشناسان اداره فرهنگ و روابط خارجه بدین صورت ارائه داد:

میدان عملیات: این جمعیت اتحادیه ای است غیرسیاسی که طبق ماده «۶۰ ف ف» «B.B.Z. I» تشکیل شده است و در تمام ممالک قانونی دنیا اجازه فعالیت دارد.

مرام عملیات: مرام جمعیت تلاش برای تحکیم روابط شرق و غرب است که در راستای تحقق این هدف از نفوذ و حضور شخصیت ها و رهبران مهم کشورهای عضو و سایر کشورها کمک می گیرد و همچنین مقامات اروپایی و کارشناسان آگاه به مسایل فرهنگی، تاریخی و اقتصادی را به یاری می طلبد.

جمعیت متعهد می شود که مجله ای با عنوان «فوکس اوربنسین» انتشار دهد. این مجله موظف است از طریق کسب اطلاعات از سفارت ها، مصاحبه با مقامات رسمی مطلع و کارشناسان مختلف، اطلاعات لازم درباره فرهنگ و تمدن و اقتصاد دول عضو را نشر دهد.

عایدات و تعهدات: هزینه های اداره جمعیت به وسیله وجوهی که از طریق حق عضویت اعضا، اعانه ها، عایدات مجامع و همایش هایی که از طرف جمعیت برگزار می شود و کمک های مالی دول تأمین می شود.

عضویت: تمام افراد واجد حقوق اجتماعی و همچنین اشخاص حقوقی که مایل به پیشرفت جمعیت باشند می توانند عضو جمعیت باشند. شرایط عضویت عبارت بود از:

الف: تقاضای کتبی

ب: توصیه نامه از طرف یکی از اعضا

ج: پرداخت مبلغ ۲۰ فرانک برای افراد و ۵۰ فرانک برای اشخاص حقوقی

د: موافقت اعضا

(سال ۱۳۳۲ کارتن ۳، ۲۰ سند شماره ۱۱ و ۱۲)

سرپرست اداره روابط فرهنگی پس از مطالعه و بررسی طرح پیشنهادی عزیزی در پاسخ به او و همچنین خطاب به وزارت امور خارجه نوشت: «اینگونه مؤسسات بین المللی برای اینکه فایده ای داشته باشد، مستلزم داشتن بودجه وسیع برای اعزام اشخاص بصیر و شخصیت هایی است که از لحاظ فرهنگی و ادبی نفوذ بین المللی داشته و قادر باشند در مقابل علمای اروپایی عرض اندام نموده و با برگزاری کنفرانس های علمی و نشر و کتب و مجله، تاریخ، ادبیات و فرهنگ ایران را به نحو شایسته ای به دنیای امروز معرفی کنند. حال آنکه آقای عزیزی هر چند لایق و عالم باشد، برایشان عملاً غیرمقدور است بتواند با نداشتن بودجه کافی و با این عجله و شتاب عمل مثبتی بنفع فرهنگ ایران انجام دهد.» در ادامه پاسخ به این مسأله اشاره شد در فقدان بودجه و امکان اعزام تیم ها و گروه های متخصص در حوزه فرهنگ، تاریخ و ادبیات، فعالیت

های این گونه مؤسسات و جمعیت ها به چاپ بروشور و انجام یک سلسله از مکاتبات اداری محدود شده و عملاً کارایی ندارد. (همان، سند شماره ۱۶)

وزارت امور خارجه نیز تأسیس این جمعیت را در شرایط فعلی و در نبود حمایت های مالی لازم به مصلحت ندانست و در ادامه جوابیه اداره روابط فرهنگی اضافه کرد، در کنار تمام موانع و مشکلات مالی برای تأسیس اینچنین تشکیلاتی، کشورهایی که قرار است به عضویت این جمعیت درآیند اکثراً هنوز استقلال خود را بدست نیاورده اند که قادر باشند حضور مؤثری در جمعیت داشته باشند. (همان، سند شماره ۱۷)

انجمن روابط فرهنگی ایران و اتریش

انجمن روابط فرهنگی ایران و اتریش در سال ۱۳۱۹ با هدف تحکیم و گسترش روابط فرهنگی ایران و اتریش در حوزه های مختلف تأسیس شد. ریاست افتخاری انجمن همواره با وزیر مختار ایران در اتریش بود و ریاست رسمی معمولاً بر عهده یکی از رجال فرهنگی اتریش قرار می گرفت. اعضای انجمن را ایرانیان و اتریشیان علاقه مند به حوزه فرهنگ و تمدن تشکیل می دادند. معرفی نمادها، نشانه های فرهنگی و تمدنی، شناسایی تمدن باستانی و تاریخ گذشته ایران، معرفی آثار باستانی و میراث کهن در شهرهای مختلف، فراهم آوردن امکان مسافرت های گروهی و توریستی از اتریش به ایران از جمله فعالیت های انجمن روابط فرهنگی ایران و اتریش بود. در طول سالهای جنگ جهانی دوم و پس از آن، به دلیل وجود شرایط جنگی در دو کشور، این انجمن فعالیت چندانی نداشت. در سال ۱۳۳۴ دکتر عبدالله فروهر وزیر مختار ایران، از طرف دکتر «ارنست دیتس» رئیس انجمن روابط فرهنگی ایران و اتریش، عنوان ریاست

افتخاری انجمن یادشده را دریافت کرد. در همین سال و در روز معارفه دکتر فروهر، مراسم انتخاب اعضای هیأت ریسه نیز بدین ترتیب انجام شد:

پرفسور دکتر ارنست دیتس رییس

دکتر علی اصغر عزیزی نایب رییس

پرفسور هربرت دودا عضو هیأت مدیره

پرفسور هربرت یانسکی عضو هیأت مدیره

پرفسور آلفونس گابریل عضو هیأت مدیره

دکتر محمدعلی افشار عضو هیأت مدیره

پرفسور دکتر مهدی قاسم زاده عضو هیأت مدیره

لئون کارابتیان صندوق دار

بانو دکتر عزیزی دبیر

خانم رشینگر بازرس صندوق

آقای نادوسامین بازرس صندوق

انتخابات مجمع عمومی، سالانه برگزار می شد. (سال ۱۳۳۵ کارتن ۲۰،۱ پرونده ۱۵

سند شماره ۳ و ۴)

مراکز و مؤسسات اسلامی در اتریش

در سالهای حکومت پهلوی دوم تلاش هایی در جهت ترویج اسلام و حمایت از مسلمانان در کشورهای مختلف جهان بخصوص در کشورهای اروپایی صورت گرفت. عربستان و مصر نیز می کوشیدند با حمایت مادی و معنوی از تشکیل نهادها و مؤسساتی که هدایت و پیشبرد این هدف را برعهده داشتند، خود را رهبران این جریان اسلام

خواهی معرفی کنند. دولت ایران نیز در جهت معرفی ایران و گسترش اسلام به عنوان دین رسمی در دول اروپایی از جمله اتریش تلاش می کرد. مشارکت در پروژه های ساخت و ساز اسلامی، کمک به تأسیس جمعیت ها و انجمن های اسلامی در اتریش و تهیه کتاب و سایر محصولات فرهنگی و ارسال به دفاتر این انجمن ها از جمله فعالیت های دولت ایران بود.

انجمن اسلامی وین

این انجمن با ریاست سفیر عربستان و با شرکت کشورهای اسلامی از جمله مصر و ایران در وین در دهه سی تأسیس شد. یکی از اقدامات این انجمن ساخت مسجد برای مسلمانان با کمک پولی بود که از اعضای جمع آوری می شد. ساخت مسجدی بزرگ و باشکوه در وین در یکی از جلسات به شور گذاشته شد. با موافقت اعضای مقرر شد مصر انجام امور مهندسی را با همکاری ایران بر عهده بگیرد. کمیسیون انجمن، کار کاشی کاری و ساخت گنبد مسجد را به ایران سپرد. سفیر ایران امیر ارسلان افشار که جزء هیأت امنای مراکز اسلامی در وین نیز بود موضوع را با دولت ایران در میان گذاشت. دولت ایران پاسخ داد که خود را در برابر ساخت مساجد در کشورهای دیگر از جمله اتریش مسئول و متعهد می داند و بهترین مهندسان و معماران را برای انجام این کار به اتریش می فرستد. دولت ایران همچنین در یادداشتی به تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۴۷ خطاب به انجمن نوشت: «از آنجا که ایران تأمین مخارج بسیاری از مساجد در خارج از کشور را بر عهده دارد دیگر قادر به کمک مالی در ساخت مسجد وین نیست. اما سازمان اوقاف مایل است در بخش کاشی کاری با فرستادن کاشی های نفیس ایرانی و معماران خبره کمک کند.» مهندس علی نیو یکی از مهندسان معمار در ضرورت

کمک ایران توضیح داد: مشارکت ایران در کار کاشی کاری مسجد می تواند ذوق و هنر معماری ایرانی را به نمایش بگذارد و چون همه ساله هزاران نفر از این بنا دیدن خواهند کرد، این اقدام می تواند معرف خوبی برای هنر ایرانی نیز باشد. در ساخت این مسجد کشورهای کویت، عراق، ترکیه و پاکستان نیز مشارکت داشتند. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۱۰ پرونده ۵۹ سند شماره ۵، ۳۰، ۳۱، ۷۰، ۷۶، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۲)

گروه دانشجویان اسلامی اتریش

این گروه توسط دانشجویانی که هدف خود را تبلیغ و گسترش اسلام و حمایت از مسلمانان اتریش، معرفی کرده بودند تشکیل شد. این گروه با سفارت ایران در وین در ارتباط بوده و از این سفارت و همچنین از طرف وزارت فرهنگ کمک مالی دریافت می کرد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۱۰ پرونده ۴۲۰، ۵ سند شماره ۱۱۷)

جمعیت الاسلام

این جمعیت که توسط عده ای از دانشجویان، پژوهشگران و ایرانیان مقیم اتریش در دهه سی شمسی تأسیس شده بود، در زمینه های مختلف مربوط با ایران فعالیت و مطالعه می کرد. نتایج مطالعات و پژوهش های این گروه اغلب در نشریه جمعیت به چاپ می رسید. یکی از مسایل مورد توجه جمعیت الاسلام، وضعیت حیات اجتماعی و معیشت اقلیت های مذهبی، قومیت ها و گروه های حاشیه ای در ارتباط با سیاست های دولت پهلوی بود. در فروردین ۱۳۳۸ نشریه جمعیت در ویژه نامه ای به موضوع «وضعیت ترکمن ها در شمال ایران در ارتباط با سیاست های دولت پهلوی» پرداخت. نویسنده فردی به نام «شاگول» از اتباع ترکیه مقیم اتریش بود که با جمعیت مزبور

همکاری می کرد. از آنجا که یکی از فعالیت های انجمن سفر نماینده هایش به مناطق مختلف ایران برای تهیه گزارش بود، نویسنده از انجمن می خواهد سفری به شمال ایران و در میان ترکمن ها داشته باشد. زیرا سیاست های رژیم در قبال ترک ها و ترکمن های مهاجر بسیار تبعیض آمیز است و دولت ایران این مردم را به چشم اتباع ایرانی نمی بیند و همواره نگران است که ترک ها و ترکمن ها به دلیل عدم رضایت از شرایط زیست خود به مسکو بپیوندند. این نگرانی به جای آنکه موجب توجه بیشتر دولت ایران به وضعیت این اقوام شود، سبب شده است سیاستی خصمانه و بی رحمانه نسبت به آنان اعمال شود. بی توجهی به آموزش زبان مادری، فقدان بهداشت و شیوع بیماری های واگیر، نبود مسکن و جاده های مناسب از جمله مشکلات این مردمان است. کسانی که به دلیل نفرت از شوروی به ایران پناهنده شده اند اما از طرف دولت ایران همواره متهم به خرابکاری در راه آهن و تونل ها می شوند. نویسنده در پایان از جمعیت خواست دولت ایران را متقاعد کند نسبت به اقوامی که در مرز ایران و شوروی زندگی می کنند، سیاست منصفانه تری در پیش گیرد و اگر این توصیه ثمری نبخشید خود جمعیت اقدام به جمع آوری کمک های نقدی برای حل مشکلات مهاجرین ترک و ترکمن کند. سفیر ایران علیقلی اردلان پس از خواندن مقاله از مدیران جمعیت خواست نظارت بیشتری بر چاپ مقاله ها اعمال کنند زیرا چاپ این قبیل مطالب سبب تشویش اذهان و ایجاد تفرقه در کشور می شود.

از آنجا که اعضای جمعیت از دولت ایران درخواست کمک برای تأسیس مدرسه و دیگر مراکز تعلیمی برای مسلمانان مقیم اتریش را داشتند، دولت، علی اصغر عزیزی راین فرهنگی ایران در اتریش را مأمور انجام تحقیقات بیشتر در رابطه با مطالبات جمعیت اسلامی کرد. عزیزی در گزارش خود نوشت: تعداد مسلمانان پناهنده به اتریش

کم است و طی سالهای اخیر کمتر هم شده زیرا تعداد زیادی از این مهاجرین به ممالک دیگر پناهنده شده اند و تعداد دیگری نیز به تبعیت اتریش درآمده و به انجام مشاغل مختلف مشغول هستند و فرزندان شان نیز در مدارس اتریشی درس می خوانند. بنابراین تعداد مسلمان آواره و پناهنده آنگونه که جمعیت تبلیغ می کند نیست که نیازمند سامان دینی یا آموزشی باشد. عزیزی در ادامه به این نکته اشاره کرد که این جمعیت اسلامی و سازمان مشابه آن در اتریش زیر نظر دولت مصر و مبلغان اسلامی این کشور قرار دارند و سرمایه خود را نیز در اختیار تشکیلات مرکزی مصر قرار می دهند. وی در پایان گفت: «بنده در جلسات این جمعیت شرکت کرده ام فقط سه نفر مسلمان، یکی از ایران و دو نفر از مصر شرکت داشتند مابقی اعضا از مسیحیان اتریشی بودند و اینکه جمعیت نظیر نامه مساعده ای که برای ایران فرستاده برای ترکیه نیز فرستاده است. نیت این جمعیت باید مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.» عزیزی در گزارش دوم خود به دولت ایران نوشت: جمعیت الاسلام هدف خود را سامان دادن به وضعیت مسلمانان آواره و مهاجر در سراسر جهان می دادند. این سازمان اولین بار در سانفرانسیسکو تأسیس و پس از آن در سایر کشورهای جهان از جمله اتریش نیز دارای شعبات و نمایندگی هایی شد. این جمعیت شعبه خود را در سال ۱۳۳۶ در تهران تأسیس کرد. عزیزی ادامه داد: به گزارش مقامات اتریش و همچنین سفارت ایران، وضعیت مالی این جمعیت بسیار مطلوب است. همچنین در طی دیداری که با رییس این انجمن به عمل آمد معلوم شد که هدف جمعیت بیشتر اخاذی است نه دغدغه مسلمانان اتریش. بنابراین دولت ایران باید دقت بیشتری در پرداخت کمک نقدی این قبیل سازمان ها داشته باشد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۱۰ پرونده ۴۲۰، ۵ سند شماره

دانشجویان ایرانی در اتریش

یکی از مهم ترین مصادیق روابط فرهنگی ایران اتریش، مسأله تحصیل دانشجویهای ایرانی در اتریش بود که به طرق مختلف این امکان از طرف این دولت برای علاقه مندان ایرانی فراهم می شد. در سال ۱۳۳۲ وزیر مختار اتریش در طی مذاکراتی با وزارت خارجه ایران، خبر از وجود حسابی ۶۰۰ هزار فرانکی از سرمایه ایران در بانک های اتریش داد. طبق گزارش وزیر مختار در دوره رضاشاه و قبل از شروع جنگ جهانی دوم دولت ایران در بانک های سوییس حساب هایی برای خرید ماشین آلات مختلف داشته که پس از جنگ، دولت اتریش بر اساس قوانین ارزی، سرمایه ایران را که بالغ بر ۶۰۰ هزار فرانک سویسی بوده را به شلینگ اتریش تبدیل کرده و در یک حساب مسدود به نام دولت ایران ذخیره کرده است. وضعیت این حساب به این شکل بود که حساب مزبور مسدود بوده و تنها در خاک اتریش قابل استفاده بود. وزیر مختار اتریش پیشنهاد کرد برای استفاده از این سرمایه، بهترین اقدام این است که دولت ایران دانشجویانی که را قصد تحصیل در اروپا دارند را به اتریش بفرستد، در نتیجه این تدبیر هم به دولت ایران کمک ارزی می شود و هم روابط فرهنگی بین دو کشور تقویت می گردد. از آنجا که هزینه زندگی و تحصیل در اتریش پایین تر از آلمان و سایر دول اروپایی است، این اقدام به نفع دانشجویان نیز هست. وزیر مختار اتریش در خاتمه مذاکراتش در پاسخ به نگرانی ایران در خصوص وضعیت اشغال اتریش توسط متفقین، توضیح داد: «بر خلاف آنچه تصور می شود وضع اشغال اتریش بهیچوجه تشابهی با اشغال آلمان نداشته و دول اشغال کننده کوچکترین دخالتی در زندگانی اهالی ندارند به طوری که اگر کسی نداند که کشور اتریش تحت اشغال متفقین است، متوجه اشغال آن نخواهد شد.» وزارت خارجه پس از مشورت با هیأت دولت تصمیم گرفت پیشنهاد

وزیر مختار را پذیرد. عبدالحسین مفتاح وزیر امور خارجه در استدلال تصمیم خود گفت: به مصلحت مملکت است که پیشنهاد اتریش را بپذیرد زیرا اولاً از آنجا که فرانک های مورد بحث به شلینگ تبدیل شده و این امکان وجود دارد که در آینده شلینگ اتریش ارزش خود را از دست بدهد، اگر بازگشت حساب مزبور به فرانک سویس ممکن نباشد، دولت ایران بسیار متضرر می شود.

دوم اینکه دولت ایران در شرایط فعلی در بحران ارزی قرار دارد، تأمین هزینه های دانشجویان بورسیه برای دولت دشوار است و مساعدت های فعلی دولت هم نمی تواند خانواده های دانشجویان را راضی نگه دارد بنابراین اگر وضعیت تحصیل در اتریش مانند آلمان باشد و دانشگاه های این کشور نیز مانند آلمان معتبر باشند، این امکان هست که «عده ای از دانشجویان آلمان غربی را که در اثر تصمیم دولت مبنی بر قطع ارز دولتی در سختی قرار دارند را به اتریش اعزام داشت تا تحصیلاتشان را در آنجا به پایان برسانند و این امر نه فقط کمک مؤثری به دانشجویان و اولیای آنها خواهد بود، بلکه تا حدی از نفاق و دو دستگی که بین اغلب آنها حکمفرماست کاسته خواهد شد.»

(سال ۱۳۳۲ کارتن ۲۰،۳ پرونده ۳۱ سند شماره ۲۲ و ۲۳)

وزیر فرهنگ دکتر مهدی آذر پس از بررسی طرح پیشنهادی وزیر مختار اتریش، به وزارت خارجه نوشت: به جای آنکه مبلغ مذکور صرف محصلینی شود که فعلاً در اروپا مشغول تحصیل هستند و وزارت فرهنگ در انتخاب آنها دخالتی نداشته، بهتر است از محل این اعتبار تعدادی دانشجوی جدید در رشته هایی که مورد نیاز کشور است، پس از موفقیت در آزمون ورودی به اتریش اعزام شود. (سال ۱۳۳۲ کارتن ۲۰،۳ پرونده ۳۱ سند شماره ۳۷)

این پیشنهاد با دفتر نخست وزیری در میان گذاشته و مقرر شد این مبلغ از بانک وین به بانک مرکزی ایران منتقل شده و به صورت کمک هزینه به دانشجویانی که در نیمه دوم سال ۱۳۳۰ با وعده مساعدت دولت به آلمان رفته اند و در ضمن وضعیت تحصیلی آنان نیز رضایت بخش است و همچنین تا به حال از ارز دولتی به عنوان کمک هزینه استفاده نکرده اند، تعلق گیرد. (سال ۱۳۳۲ کارتن ۲۰،۳ پرونده ۳۱ سند شماره ۱۰۹)

ترتیب واگذاری این پول از طرف دولت اتریش به این ترتیب بود که تنها سفیر ایران در وین حق برداشت این پول و انتقال آن به بانک مرکزی ایران را داشت. بدون این انتقال استفاده از این پول ممکن نبود زیرا پرداخت ارز محصلین باید از طریق کمیسیون ارز بانک ملی ایران صورت می گرفت. (سال ۱۳۳۳ کارتن ۲۰،۲ پرونده ۳۷ سند شماره ۱۳)

همچنین دانشجویانی که در آن سال یعنی ۱۳۳۲ در اتریش مشغول به تحصیل بودند و یا قصد ادامه تحصیل در این کشور را داشتند اما بدون کمک هزینه و ارز دولتی قادر به این کار نبودند نیز، مشمول تصمیم دولت مبنی بر هزینه کردن ۶۰۰ هزار فرانک سرمایه ایران در بانک وین می شدند. وزارت خارجه در حین مکاتباتش با وزارت فرهنگ تأکید کرد در انتخاب رشته تحصیلی این دانشجویان باید نهایت دقت اعمال گردد که رشته آنها متناسب با نیازهای کشور باشد. این ارز برای ۵۰ نفر دانشجو در نظر گرفته شده بود که به مدت سه سال به آنها پرداخت می شد. دولت اتریش هم از ورود دانشجویان ایرانی بسیار استقبال کرد و با توجه به اینکه سطح هزینه های زندگی در اتریش پایین تر از آلمان بود این دولت ابراز امیدواری کرد در آینده شاهد حضور تعداد بیشتری از دانشجویان ایرانی در اتریش باشد. (همان، سند شماره ۱۱۱، ۱ و ۱۱۱)

دولت ایران در ادامه مذاکرات خود در راستای استفاده از سرمایه ایران در بانک اتریش به منظور دادن کمک هزینه به دانشجویان ایرانی، تصمیم گرفت تعدادی از

دانشجویان مقیم سوییس را نیز به اتریش اعزام کند. در این باره با فروهر وزیر مختار ایران در برلین مشورت شد. فروهر با استناد به شرایط سیاسی اتریش با این اقدامات مخالفت کرد و در توضیح مخالفت خود گفت:

اولا دانشجویان ایرانی مقیم سوییس عمدتا در دانشگاه های فرانسه زبان تدریس کرده اند و زبان آلمانی نمی دانند و از حدود چند صد نفر دانشجوی ایرانی در سوییس تصور نمی رود بیش از ۴ یا ۵ نفر به زبان آلمانی مسلط باشند. ضمن اینکه دانشگاه های سوییس به لحاظ سطح علمی از دانشگاه های اتریش پایین تر نیستند. در نتیجه این اقدام ضرورتی ندارد.

ثانیا کشور سوییس از لحاظ ساختار سیاسی کاملا با اتریش متفاوت است این کشور توسط حکومت های کانتون و یا فدرال اداره می شود که قطعا کمونیست نبوده و حتی سوسیالیت های این کشور نیز مخالف مرام کمونیستی هستند. بنابراین اگر در این کشور دانشجویان ایرانی در اثر تبلیغات خارجی و یا حضور در فضا های کمونیستی متمایل به اندیشه های چپ شوند، مانند آنچه در دانشگاه های اتریش و آلمان وجود دارد، اولیای دولت سوییس ممکن است حتی اقدام به اخراج این دانشجویان کرده و در آینده امکان اشتغال و اقامت در این کشور برای این دسته از دانشجویان فراهم نباشد. بخصوص که دولت فعلی سوییس با دولت های آلمان و اتریش به دلیل مسائل ایدئولوژیک و مصالح سیاسی رابطه دوستانه ای ندارد.

ثالثا چون دولت اتریش عمدتا به دست احزاب و گروه های چپ با مرام کمونیستی اداره می شود و به صورت کلی افکار کمونیستی در این کشور بسار رایج است و هوادار دارد، اما چون کشور تحت اشغال است و متفقین اجازه تبلیغات و فعالیت سیاسی آزاد را به این گروه ها نمی دهند، احزاب و اشخاص کمونیست از طریق تبلیغات و

آموزش بخصوص دانشجویان خارجی را جذب می کنند، در نتیجه حتی به مصلحت دولت ایران هم نیست که بر تعداد دانشجویان ایرانی در اتریش اضافه شود. (سال ۱۳۳۳ کارتن ۲۰،۲ پرونده ۳۷ سند شماره ۲ و ۳)

بنا به گزارش اداره رسیدگی به امور دانشجویان، دانشجویین ایرانی مقیم اتریش، همان طور که دولت ایران از آنها انتظار داشت در مسایل سیاسی دخالت نمی کردند. لزوم عدم دخالت در امور سیاسی همواره از طرف نمایندگان سیاسی ایران در اتریش به دانشجویان ایرانی گوشزد می شد. بنا به همین گزارش تعداد دانشجویان مقیم اتریش در سال ۱۳۳۴، ۴۳ نفر بوده که در رشته های زیر مشغول به تحصیل بودند:

پزشکی ۱۰ نفر

رشته های فنی ۷ نفر

موسیقی ۱۳ نفر

مدارس متوسطه ۱۰ نفر

حقوق و تجارت ۷ نفر

کشاورزی ۶ نفر

و دو نفر دانشجوی ورودی جدید که هنوز مراحل ثبت نام آنها انجام نشده بود. از این ۵۲ نفر، ۳۶ نفر آنها در وین مشغول به تحصیل بودند و بقیه در دیگر دانشگاه های شهرهای مختلف اتریش حضور داشتند. (سال ۱۳۳۴ کارتن ۹،۱۲ پرونده ۹۲ سند شماره ۲)

همان طور که از گزارش وزیر مختار ایران بر می آید، تعداد دانشجویان ایرانی در اتریش در سالهای ابتدایی دهه ۳۰ شمسی چندان چشمگیر نبود. دلیل آن را می توان در شرایط خاص سیاسی اتریش پس از جنگ و پس از اشغال از سوی متفقین دانست. در

مناطق تحت اشغال متفقین به عنوان مثال دانشگاه های شهر گراتس که اغلب مرکز آموزش رشته های فنی در اتریش و تحت اشغال انگلستان بود، ورود و تحصیل دانشجویان خارجی با مشکلات فراوانی روبه رو بود و اصولاً این امکان برای دانشجویان ایرانی در سالهای اشغال اتریش وجود نداشت. وضعیت سیاسی اتریش به دلیل وجود احزاب مختلف بخصوص احزاب کمونیست در بخش شرقی اتریش که تحت اشغال شوروی بود و احزاب کمونیست و سوسیالیست که در این بخش اشغالی فعالیت می کردند، مانع دیگر حضور دانشجویان ایرانی در اتریش بود زیرا که دولت ایران ترجیح می داد دانشجویانش را در معرض افکار چپ و بخصوص افکار کمونیستی قرار ندهد. با پایان یافتن دوران اشغال اتریش و در ایامی که مقامات سیاسی اتریش با رهبران متفقین در حال مذاکره و عهد قرارداد استقلال بودند، شرایط اندکی تغییر یافت. دکتر «فیلتس» وزیر مختار اتریش و رئیس اداره تشریفات وزارت خارجه این کشور طی ملاقاتی با عبدالحسین مفتاح وزیر مختار ایران در هلند عنوان کرد: چرا ایران دانشجویانش را به اتریش نمی فرستد در حالی که هزینه زندگی و تحصیل در اتریش در مقایسه با تعداد زیادی از کشورها کمتر است و در عین حال دانشگاه های این کشور به لحاظ علمی در سطح قابل قبولی قرار دارند. آقای فیلتس در ادامه ضمن اشاره به شرایط خاص سیاسی اتریش در دوران اشغال عنوان کرد: هرچند در دوران اشغال دول اشغالگر در امور فرهنگی اتریش دخالتی نداشتند اما این ایام رو به پایان است و ایران می تواند بدون نگرانی دانشجویان خود را برای تحصیل به اتریش اعزام دارد. (سال ۱۳۳۴ کارتن ۲۰،۱ پرونده ۱۵ سند شماره ۱۲)

در سال ۱۳۴۹ تعداد دانشجویان ایرانی در اتریش ۲۰۹۰ نفر بود که در رشته های

زیر تحصیل می کردند:

پزشکی، راه و ساختمان، آرشیوتکت، ماشین سازی، الکترومکانیک، فیزیک و شیمی، دامپزشکی، داروسازی، حقوق سیاسی، روزنامه نگاری، فلسفه و روانشناسی، مترجمی، هواشناسی، معدن و زمین شناسی، کشاورزی، تجارت نفت، ذوب آهن، موسیقی و هنرهای زیبا، رادیو تکنیک، مامایی و هتلداری.

(سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۹ سند شماره ۱۷)

با وجود محدود بودن بورسهای دانشجویانی دو اثر تلاش‌های سفارت در این سال ۲۵ نفر از دانشجویان ایرانی بورس تحصیل در اتریش دریافت کردند.

سفارت ایران بخشی زیادی از مسئولیت‌های تحصیلی دانشجویان ایرانی در اتریش را بر عهده داشت. در سال ۱۳۴۹ به منظور نظارت بیشتر بر وضع تحصیلی دانشجویان، برای هر دانشجو کارت تحصیلی طراحی شد تا سفارت بتواند از موقعیت هر دانشجو در صورت لزوم اطلاع حاصل کند. سفارت همچنین با دانشجویان مقیم شهرستان‌های اتریش در تماس بود و به اموری چون پرداخت وام‌ها و کمک هزینه‌های تحصیلی به دانشجویان نیازمند، اقدام برای اشتغال به کار فارغ التحصیلان در ایران، اقدام برای یافتن کار در بیمارستان‌های اتریش و گذارندن دوره‌های تخصصی برای دانشجویان پزشکی، صدور تعرفه تحصیلی و تعیین ارزش مدارک تحصیلی و صدور برگ گواهی اشتغال به تحصیل، تمدید گذرنامه‌های دانشجویی و اقدام درباره امور مربوط به احوال شخصیه دانشجویان رسیدگی می‌کرد. سفارت همچنین دانشجویان مستعد را که بضاعت مالی نداشته و استحقاق دریافت مساعده دولتی داشتند، به بنیاد پهلوی، بنیاد رضا پهلوی، شرکت ملی نفت، وزارت فرهنگ و هنر برای دریافت کمک هزینه تحصیلی معرفی می‌کرد. در سال ۴۹، از طرف بنیاد پهلوی به ۷۵ نفر، بنیاد رضا پهلوی

به ۱۶ نفر، شرکت نفت به ۵۴ نفر و وزارت فرهنگ به ۲۴ نفر از دانشجویان کمک هزینه تحصیلی تعلق گرفت. (همان، سند شماره ۱۸)

یکی از دغدغه های اصلی دانشجویان در اتریش پس از اتمام دوران تحصیل، یافتن کار و شغل مناسبی در ایران قبل از مراجعت به وطن بود. شعبه امور دانشجویان فارغ التحصیل، کمک و راهنمایی لازم برای استخدام این دانشجویان در وزارت خانه های مختلف، دانشگاه ها، مؤسسات دولتی و مراکز درمانی فراهم می کرد. (همان، سند شماره ۱۹)

در سال ۱۳۴۹ آقایان هوشنگ نهاوندی رییس دانشگاه شیراز، دکتر نجم آبادی معاون دانشگاه تبریز، دکتر امین نهایت تولیت دانشگاه صنعتی و هیأتی از شرکت ملی ذوب آهن ایران نوین، برای فراهم آوردن مقدمات استخدام عده ای از دانشجویان فارغ التحصیل اتریش به این کشور سفر کردند. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۹ سند شماره ۳۱)

برای تأمین رفاه بیشتر دانشجویان و راهنمایی آنها سفارت باشگاهی به نام کانون دانشجویان ایرانی مقیم اتریش تأسیس کرد و تصدی آن را یک نفر اتریشی بر عهده گرفت و هیأتی مرکب از دانشجویان برجسته و واجد صلاحیت، برنامه های آموزشی و هنری و تفریحی این کانون را بر عهده گرفتند. کانون مزبور برای کمک به دانشجویان تازه وارد به اتریش و تهیه مسکن و راهنمایی ایشان برای نام نویسی در دانشگاه ها اقداماتی انجام داد. (همان، سند شماره ۳۳)

همان طور که پیشتر گفته شد یکی از دغدغه های اصلی دانشجویان ایرانی مقیم اتریش، یافتن شغلی در ایران قبل از بازگشت بود. دولت ایران با همکاری سفارت ایران در وین راهکارهایی برای حل این مسأله در پیش گرفت از جمله اینکه دولت تصمیم

گرفت تعدادی استادیار، دانشیار و کارشناس در رشته های مختلف از میان فارغ التحصیلان اتریش استخدام کند. به گفته امیر اعلان افشار سفیر ایران در اتریش انتشار این خبر در میان بیش از ۲۰۰۰ دانشجوی ایرانی در شهرهای اتریش باعث مسرت و افزایش انگیزه شد. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۹ پرونده ۸۵ سند شماره ۹)

پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان بر عهده اداره کل سرپرستی دانشجویان ایرانی مقیم اتریش بود که به دو شکل دریافت کمک ارز تحصیلی و کمک هزینه تحصیلی پرداخت می شد. روال کار بدین شکل بود که اداره سرپرستی فهرست دانشجویان واجد شرایط برای دریافت کمک ارز تحصیلی و قبوض متناسب با آن را به یکی از بانک های اتریش ارسال و تقاضا می کرد که به هریک از دانشجویان مبلغ ۶۰ لیره پرداخت و رسید آن را ارسال دارد. این ۶۰ لیره برای سه ماه به دانشجویان تعلق می گرفت. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۹ پرونده ۸۴ سند شماره ۹۲) به گزارش وزارت علوم و تحقیقات، پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان هنر با شروط زیر انجام می گرفت:

داشتن حداقل سن ۱۹ و حداکثر ۳۵ سال

متقاضی می بایست حداقل ۶ نیمسال در یکی از دانشکده های هنر تحصیل کرده باشد و رضایت نامه و کارنامه تحصیلی خود که حاکی موفقیت او در رشته تحصیلی خود است، ارائه کند. متقاضی باید بر زبان آلمانی اشراف داشته و مدارک آن را ارائه کند زیرا تدریس به زبان آلمانی صورت می گرفت. تنها در صورتی که متقاضی از طرف دانشکده هنر و یا آکادمی هنرهای زیبا مستعد شناخته شود، می تواند کمک هزینه دریافت کند. بدین منظور متقاضی می بایست در امتحانات ورودی که به صورت عملی و تئوری برگزار می شد، نمره قبولی دریافت کند.

کمک هزینه به هر دانشجو فقط به مدت دو سال پرداخت می شد.

کمک هزینه دانشجویان هنر بالغ بر ۳۱۰۰ شیلینگ در ماه بود و اگر دانشجو خواستار گرفتن تخصص در رشته خود می بود، این کمک هزینه به ۳۶۰۰ شیلینگ در ماه افزایش می یافت. (سال ۱۳۵۱،۵۵ کار تن ۱۱ پرونده ۱۰۵ سند شماره ۶۴)

پرداخت کمک هزینه به دانشجویان ایرانی و تلاش دولت و سفارت ایران برای بهبود وضعیت مالی دانشجویان و جلب رضایت آنها دلیلی سیاسی نیز داشت. از آنجا که گروه های چپ سوسیالیست در اتریش فعال بودند و تلاش می کردند که در گروه های روشنفکری از جمله دانشجویان خارجی نفوذ کنند، سفارت ایران که از نفوذ افکار چپ در بین دانشجویان ایرانی در هراس بود، ضمن اعمال کنترل شدید بر فعالیت های سیاسی و فرهنگی دانشجویان، می کوشید از طریق اعطای کمک هزینه و وام های تحصیلی و تلاش برای حل مشکل شغل و مسکن دانشجویان آنها را راضی و خوش بین نسبت به ساختار سیاسی دولت نگه دارد. سفارت همچنین طی مراسم مختلف دانشجویان را از نتایج انقلاب سفید و ترقیاتی که مدعی بود در پی آن به وجود آمده است، آگاه کرده و بر لزوم وطن پرستی آنها تاکید می کرد. دانشجویانی که به صورت مخفیانه با گروه های چپ همکاری می کردند، از طرف دولت و سفارت ایران منحرف خوانده شده و گذرنامه های آنها باطل می شد. در سال ۱۳۵۴ به بیش از ۲۱۹ نفر از دانشجویان ایرانی در اتریش کمک هزینه تحصیلی پرداخت می شد. در این سال همچنین هفت بورس از طرف دولت اتریش در رشته های آب شناسی، امور گمرکی و پزشکی جراحی به دانشجویان ایرانی تعلق گرفت. (سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۱۷ پرونده

امتیاز دیگری که دانشجویان ایرانی مقیم اتریش از آن برخوردار بودند این بود که توسط مؤسسه و یا دانشگاه محل تحصیل خود بیمه شده بودند و نیازی نبود سفارت آنها را بیمه کند. (همان، پرونده ۱۵۷، سند شماره ۲۷)

تحصیل دانشجویان ایرانی در مؤسسات و دانشگاه های اتریش تابع مقرراتی بود که محصلین و سفارت ایران ملزم به رعایت آن بودند. یکی از قوانین ورود به دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی اتریش که مشکلاتی را برای داوطلبین ایجاد می کرد، قوانین ورودی بود. بدین صورت که دانشجویانی می توانستند وارد دانشگاه شوند که حداقل معدل سال آخر دبیرستان آنها ۱۶ باشد و گواهی قبولی در کنکور سراسری ایران را داشته باشند و چون اغلب، محصلینی عازم تحصیل در کشورهای خارج می شدند که یا معدل آنها کم بود و یا موفق به گذراندن کنکور ایران نمی شدند، این قانون محدودیتی برای آنها ایجاد می کرد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷ سند شماره ۲۷)

به گزارش سرپرست دانشجویان ایرانی در اتریش و طبق ماده ۳ و ۹ تصویب نامه شماره ۱۸۰۸ و تبصره های مربوط به آن، اگر دانشجویی پس از گذشت یک سال از دوران دانشجویی خود موفق نمی شد تحصیلات خود را به شکل موفق و با نتایج و نمرات رضایت بخشی ادامه دهد، گذرنامه اش لغو می گردید و دولت در قبال تحصیلات این دانشجو هیچ مسئولیتی نداشت. (سال ۱۳۴۳ کارتن ۱۴۴ پرونده ۴۰۲۰ سند شماره ۲۱)

مورد دیگری که بر اساس قوانین اتریش منجر به اخراج دانشجو می شد، عدم رضایت دانشگاه محل تحصیل، از اخلاق و عملکرد رفتاری دانشجو بود که در صورت بروز این نارضایتی ابتدا به دادن تذکر و در جریان گذاشتن سفارت ایران در وین و مدیریت امور دانشجویان در خارج، اکتفا می شد اما اگر دانشجوی مورد نظر موجبات

رضایت امنای دانشگاه را فراهم نمی کرد، اخراج می شد. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۱۳۹ پرونده ۴,۲۰ سند شماره ۱ و ۲)

یکی از قوانینی که در خصوص تحصیلات آکادمیک در اتریش وجود داشت نامحدود بودن مدت تحصیل بود که این امکان را برای دانشجویان فراهم می کرد تا تحصیلات خود را در وقت دلخواه به پایان برسانند. پس از مدتی مقامات دانشگاهی اتریش متوجه آسیب های این قانون خاصه در ارتباط با دانشجویان خارجی شدند و اقدام به تأسیس سرویس دانشجویان خارجی و تعیین دانشیار مشاور وضع تحصیلی دانشجویان خارجی کردند. این مقام مسئول بود که بر وضع تحصیل دانشجویان خارجی نظارت کرده و در صورت لزوم آنها را راهنمایی کند. شعبه امور دانشجویی سفارت با این سرویس همکاری نزدیکی داشت و با دانشیاران مشاور و رؤسای دانشگاه های اتریش در ارتباط بود. یکی از مشکلات دانشجویان پزشکی در اتریش بدست آوردن کار در بیمارستان های اتریش برای گذراندن دوره تخصصی بود چون این مسأله محدودیت های محلی و قانونی داشت. در این قسمت نیز سفارت شاهنشاهی با مراجع مربوط مذاکره کرده و تسهیلاتی را در این زمینه برای دانشجویان ایرانی فراهم می کرد. (سال ۱۳۴۶,۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۹ سند شماره ۳۰)

با رایزنی های مکرر سفارت ایران با وزارت فرهنگ و بخش تأمین نیروی کار، این امکان فراهم آمد که مهندسين و تكنيسين های ایرانی بعد از فارغ التحصیلی، در صورت تمایل خود و نیاز کشور اتریش بتوانند در این کشور مشغول به کار شوند. وزارت خارجه نیز هر ساله فهرستی از نیازمندی های کشور به مشاغل و تخصص های مختلف را به سفارت ارسال می کرد و سفارت آن را در اختیار دانشجویان و فارغ التحصیلان قرار می داد. (سال ۱۳۵۱,۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷ سند شماره ۲۷)

یکی از قوانینی که در مورد دانشجویان ایرانی در اتریش اعمال می شد، قانون مالیات بر درآمد بود. حقوق و دستمزدی که به محصلین خارجی در کشور اتریش به عنوان کارآموزی پرداخت می شد در صورتی که از ۶ ماه تجاوز نمی کرد، از پرداخت مالیات بر عایدات معاف بود. بر اساس مذاکرات کاردار اتریش و کاردار سفارت ایران در آنکارا، طبق ماده چهارم از فصل سوم قانون مالیات بر درآمد مصوب سه شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۳۴ درآمد نقدی و مزایای غیرنقدی حاصل از حقوق و دستمزد پس از وضع حداقل بخشودگی که برای اشخاص مجرد ۳۶۰۰ ریال و اشخاص متأهل ۷۲۰۰ ریال بود، طبق نرخ های مقرر در ماده ۱۱۶ از فصل سوم قانون مزبور مشمول مالیات بر درآمد نمی شد. (سال ۱۳۳۴ کارتن ۲۰،۱ پرونده ۱۵ سند شماره ۱۶)

یکی از مسایل مهم در ارتباط با تحصیل دانشجویان ایرانی در اتریش، رشته هایی بود که این دانشجویان برای تحصیل برمی گزیدند. به اوج رسیدن گفتمان مدرنیزاسیون در ایران که از زمان رضاشاه آغاز شده بود، و همچنین ورود ایران به مرحله سرمایه داری، نیازها و فرصت های جدیدی را پیش روی دانشجویان ایرانی که خواهان ادامه تحصیل در خارج بودند از طرفی و دولت که به دنبال تربیت و آموزش نیروی کار برای مشاغل جدید بود از طرف دیگر قرار داد. سرمایه داری انجام زیر ساخت های اقتصادی را به شکل یک ضرورت درآورد، بروکراسی اداری را با نهاده سازی های جدید گسترش داد، امکان رشد صنایع و کارخانه ها را در بخش تولید فراهم آورد و همچنین فضا را برای صنعتی کردن و تجاری کردن کشاورزی مهیا کرد. دولت برای راه اندازی بخش های جدید و در راه هرچه اروپایی تر کردن جامعه ایرانی، نیازمند نیروی کار جوان و تحصیل کرده ای بود که در رشته های مورد نیاز کشور آموزش دیده باشند. اعزام دانشجو به خارج که از سال ۱۳۰۷ آغاز شده بود در دوره پهلوی دوم

شدت گرفت و کشورهای از جمله سوئیس و بلژیک را نیز در بر گرفت. وجود روابط دیرینه میان ایران و اتریش، نزدیکی اتریش به آلمان و سطح قابل قبول دانشگاه های این کشور به لحاظ علمی در کنار پایین بودن هزینه های زندگی در اتریش در مقایسه با سایر کشورهای خارجی، سبب جذب دانشجویان ایرانی برای تحصیل در اتریش می شد. دانشجویان ایرانی در رشته های زیر مشغول به تحصیل بودند:

پزشکی، راه و ساختمان، مهندسی کشاورزی، اصلاح نباتات، زمین شناسی، معدن، اقتصاد، مهندسی شیمی، مهندسی نفت، مهندسی فلزات، مهندسی برق، مهندسی آب، ورزش و تربیت بدنی.

در سال ۱۳۴۵ در دانشگاه های کشور اتریش بیش از ۶۰۰ دانشجوی ایرانی مشغول به تحصیل بودند که بیش از ۶۰ درصد آنها در رشته پزشکی تحصیل می کردند. مدت تحصیل برای دانشجویان پزشکی ۷ سال بود. این دانشجویان می توانستند پس از اتمام دوران دانشجویی خود در بیمارستان های اتریش و یا سایر دول اروپایی مشغول به کار شوند. حقوق ماهیانه یک پزشک در اتریش در این سال ۶۰۰۰ شیلینگ معادل ۱۸۰۰۰ ریال بود. روال کار بدین صورت بود که فارغ التحصیلان پزشکی پس از گذراندن یک دوره ۳۳ ماهه کار در بیمارستان، اجازه افتتاح مطب به عنوان دکتر عمومی را کسب می کردند و پس از گذراندن یک دوره تخصصی، پزشک متخصص می شدند. این فارغ التحصیلان در صورتی که مایل به کار در ایران بودند، می بایست یک دوره کارورزی را در دانشکده پزشکی تهران بگذرانند و سپس حق طبابت مستقل دریافت کنند. فارغ التحصیلان رشته پزشکی از آنجا که در اتریش فرصت چندانی برای کار وجود نداشت، ترجیح می دادند به ایران برگردند. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۱۳۹ پرونده ۴،۲۰

آن گونه که از نامه ها و عرایض دانشجویان ایرانی خطاب به امور دانشجویان بر می آید، یکی از دغدغه های دانشجویان بخصوص کسانی که والدینشان عمدتاً از طبقات متوسط رو به پایین بودند، مسأله مالی و تأمین هزینه های تحصیل و زندگی در اتریش بود. انجمن های خیریه در اتریش از این قبیل دانشجوها بخصوص کسانی که نقص عضو داشتند، حمایت می کرد. اما این حمایت ها کافی نبود. مدیرکل امور دانشجویان اعزامی به خارج خطاب به وزارت خارجه در ارتباط با این دانشجویان نوشت: لازم است از انجمن های خیریه که در ارتباط با مسأله دانشجویان فعالیت می کنند مانند انجمن حمایت از ناپینایان و انجمن خیریه خزائلی، خواست که برای کمک به دانشجویان نیازمند پول در اختیار سفارت قرار دهند. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۱۳۹ پرونده ۴,۲۰,۱ سند شماره ۸۸)

امیر اعلان افشار وزیر مختار ایران در وین، خطاب به وزارت خارجه نوشت: داشتن مشکل مالی، دغدغه بیشتر دانشجویان ایرانی است و مختص گروه یا قشر خاصی نیست. بسیاری از دانشجویان مجبور هستند برای تأمین هزینه تحصیل و زندگی در اتریش، کارهای تمام وقت انجام دهند و این مسأله پیشرفت تحصیلی آنها را تحت الشعاع قرار می دهد. افشار تقاضا کرد در صورت امکان بنیاد پهلوی وام تحصیلی در اختیار دانشجویان قرار دهد و دولت بر میزان و تعداد کمک هزینه های دانشجویی بیفزاید زیرا پولی که در اختیار سفارت بدین منظور قرار می دهد، کافی نیست. (همان، سند شماره ۴۶)

دکتر علی اصغر عزیزی رایزن فرهنگی ایران در کشورهای بالکان و سرپرست امور دانشجویان مقیم آلمان و اتریش، طی مکاتباتی با وزارت فرهنگ و همچنین با اداره کنسولگری سفارت ایران در اتریش که مسئول صدور گذرنامه های دانشجویی بود، در خصوص وضعیت مالی و تحصیلی دانشجویان مذاکره کرد. اساس این رایزنی گزارش

هایی بود که دانشگاه های اتریش چند ماه یکبار از وضعیت تحصیلی دانشجویان ایرانی ارائه می دادند. بر اساس این گزارش ها وضعیت تحصیلی تعدادی از دانشجویان بخصوص در رشته پزشکی چندان رضایت بخش نبود و آنها از عهده گذراندن واحدهای درسی شان بر نمی آمدند. در چنین مواردی اداره سرپرستی این حق را داشت که در صورتی که دانشجویی اوقات خود را به بطالت گذرانده و در امر تحصیل اهمال کند، گذرنامه او را باطل کرده و از اتریش اخراج کند. تکرار این مسأله بخصوص در مورد دانشجویان پزشکی در سالهای دهه ۳۰ سبب شد وزارت فرهنگ قانونی در این خصوص وضع کند که تنها دانشجویانی که معدل دیپلم آنها از ۱۵ بیشتر باشد می توانند به اتریش اعزام شوند. این قانون اعتراض بسیاری از دانشجویان و داوطلبین را برانگیخت و مقرر شد مذاکرات وزارت فرهنگ با اداره دانشجویان خارجی در این خصوص ادامه یابد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۱۴ پرونده ۱۳۰ سند شماره ۵)

در سال ۵۵-۱۳۵۴، تعداد ۲۲۳۵ دانشجوی ایرانی در دانشگاه وین و دانشگاه های شهرهای اتریش تحصیل می کردند. در سال ۵۳-۱۳۵۲ تعداد ۱۴۱ دانشجو از دانشگاه های کشور اتریش فارغ التحصل شدند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷ سند شماره ۳۴)

دانشجوهای بورسیه در اتریش

در دهه های ۳۰، ۴۰ و به ویژه ۵۰ متناسب با نیازهای کشور به دانشجویان ایرانی برای تحصیل در اتریش بورس دولتی تعلق می گرفت. دانشجویان برای دریافت این بورسیه ها باید در امتحانات ویژه و در رشته های مورد نظر پذیرفته می شدند و پس از دادن تعهد خدمت، برای تحصیل به اتریش اعزام می شدند. رشته هایی که بورس به آنها تعلق می گرفت، عبارت بودند از: تأسیسات سردخانه، تولیدات دامی، مربی ورزشی به ویژه

اسکی، آب های زیر زمینی، تأسیسات هوای سرد، اداره امور گمرکی، تأسیسات برق، مدیریت هتلداری و جهانگردی، اکتشاف و بهره برداری معدن و زبان آلمانی.

تعداد بورسیه ها در هر رشته در حدود ۵ نفر و مدت این بورس ها از ۴ ماه تا یک سال متفاوت بود. بورس ها همچنین به دانشجویان ممتاز و اساتید دانشگاه ها تعلق می گرفت. به عنوان مثال بورسیه رشته برق به استادیاران دانشگاه مهندسی برق و دانشگاه صنعتی آریامهر، بورس شیمی به استاد و مدیر گروه شیمی دانشگاه جندی شاپور، یکی از بورس های سلامت غذایی و سردخانه به کارشناس صنایع غذایی وزارت اقتصاد عبدالحسین تفضلی، بورس های رشته دامپزشکی به استادیار دانشگاه دامپزشکی دانشگاه تهران و رییس دامپزشکی اهواز و مسئول مبارزه با بیماری های دامی اصفهان، بورس رشته مکانیک به دانشجوی ممتاز این رشته از دانشگاه تهران، بورس چشم پزشکی به پزشکان بیمارستان شاه کرمان، بورس رشته سل و بیماری های ریوی به رییس آسایشگاه شاه آباد تعلق گرفت. همچنین دارندگان بورس های پزشکی عمدتاً دانشیارهای گروه جراحی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران بودند. بیشتر این بورس ها به رشته پزشکی و چشم پزشکی اختصاص داشت. اشراف بر زبان آلمانی برای متقاضیان این بورس ها که هر ساله اعطاء می شد، الزامی بود و عمدتاً به مردها تعلق می گرفت. تنها ۲ نفر زن در رشته پزشکی توانستند برای تحصیل در اتریش بورس دریافت کنند. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۲۳ پرونده ۱۲۴ سند شماره ۲ تا ۵۹، ۷۱، ۶۲، ۱۱۰، ۱۱۴)

تعداد دانشجویان اتریشی که در ایران به صورت بورسیه تحصیل می کردند اندک بود. شرایط برای همین دواطلبین اندک از این قرار بود:

برخوردار بودن از سلامتی کامل جسمانی، دارا بودن دیپلم کامل متوسطه و یا معادل آن.

شهریه تحصیلی، مسکن، خوراک و هزینه روزمره از قرار ماهی ۲۰۰۰ ریال که از طرف دانشگاه به پذیرفته شدگان پرداخت می شد و چنانکه وضعیت تحصیلی دانشجویان مانع از ادامه تحصیلشان نمی شد این امتیازات تا اخذ مدرک پایان نامه یعنی دوره هفت ساله برای پزشکی و چهار ساله برای سایر رشته ها ادامه داشت. هزینه مسافرت و مراجعت داوطلبین به کشور برعهده خود دانشجویان بود. چون تدریس در این دانشگاه به زبان فارسی صورت می گرفت، آشنایی داوطلبین با این زبان الزامی بود و در صورت عدم آن دانشجوی داوطلب می بایست یک ترم را در کلاس های آموزش زبان فارسی دانشگاه شرکت می کردند. داوطلبان می بایست مدارک کامل تحصیلی و گواهی تندرستی خود را به دفاتر نمایندگی های دولت ایران در کشورهای متبوع خود تسلیم می کردند. در مورد بورس های مطالعاتی یک ساله به شکل مجزا تصمیم گیری می شد.

به استناد مکاتباتی که بین احمد طالب زاده کاردار موقت ایران در وین با اداره بورس ها و مبادلات فرهنگی صورت گرفت، دانشگاه وین درخواست کرد چنانکه در دانشگاه مشهد انستیتویی برای مطالعه و بررسی امراض و بیماری های مخصوص مناطق گرمسیری وجود داشته باشد، داوطلبینی برای تحصیل در این رشته معرفی شود. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۲۳ پرونده ۱۲۴ سند شماره ۵۲ و ۵۳)

در سال ۱۳۴۹ وزارت فرهنگ در اتریش از ایران خواست فهرست داوطلبین بورسیه پزشکی در اتریش را ارسال دارد. اسامی ارسالی وزارت امور خارجه به سفارت اتریش در تهران برای معرفی بورسیه های پزشکی در سال ۱۳۴۹ بدین ترتیب بود:

دکتر امان الله شفیعی، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در رشته فیزیولوژی
محمدرضا زرین دست، استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در رشته فارماکولوژی
منوچهر صفاجو، استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز در رشته گوش و حلق و بینی

(سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۲۳ پرونده ۱۲۴ سند شماره ۷۲)

به جز بورسیه هایی که در رشته پزشکی به داوطلبین داده می شد، در ایام مختلف دوره های عالی پزشکی در اتریش با همکاری انجمن پزشکی آمریکا-وین برگزار می شد در سال ۱۳۴۸ سفارت ایران در وین طی یادداشتی به وزارت خارجه و شورای عالی هماهنگی نوشت دولت اتریش و دانشگاه پزشکی وین مایل است داوطلبین ایرانی نیز بر حسب قابلیت های حرفه ای خود در این دوره ها شرکت کنند. (همان، سند شماره ۸۷)

بورسیه های اتریش در رشته دامپزشکی در سال ۱۳۴۶ عبارت بودند از:

دکتر محسن طلاچیان رییس بخش کنترل فرآورده های دامی از مؤسسه سرم سازی

حصارک

دکتر امیر هوشنگ استرآبادی رییس آزمایشگاه مؤسسه سرم سازی رازی

مهندس شمس الدین انتظاری کفیل اداره دامپروری آذربایجان غربی

دکتر پرویز نظری دستیار بخش تشخیص بیماری های دامی مؤسسه سرم سازی

حصارک. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۲۳ پرونده ۱۲۴ سند شماره ۱۳۳)

بنا به گزارش محسن صدری سفیر ایران در وین، کمیسیون «فولبرایت» از سال ۱۹۵۱ در ایران شروع به کار کرده است و همان اهدافی را دنبال می کند که آمریکا در ایران با تشکیل این مؤسسه و کمیسیون در صدد تحقق آن است. (سال ۱۳۳۵، ۵۰ کارتن ۲۳ پرونده ۱۲۴ سند شماره ۸۹)

حضور دانشجویان اتریشی در ایران

در میان دانشجویان اتریشی، رشته های تاریخ ایران و زبان و ادب فارسی مورد

علاقه و توجه بود. بعضی از این دانشجویان برای انجام تز خود به ایران می آمدند تا از

راهنمایی اساتید ایرانی و منابع موجود استفاده کنند. این دانشجویان اغلب بورس دانشگاه تهران دریافت می کردند و اقامتشان تحت نظارت اداره کل روابط دانشگاهی قرار داشت. فعالیت ایرانیان مقیم اتریش و بخصوص انجمن ها و جمعیت های فرهنگی ایران در اتریش تأثیر بسزایی در علاقه مندی دانشجویان اتریشی به تاریخ و زبان ایران داشت. (سال ۱۳۴۳ کارتن ۱۴۸ پرونده ۶,۳۳ سند شماره ۴)

حضور شخصیت های علمی و فرهنگی اتریش در ایران

در سال ۱۳۲۹ سفارت ایران به نمایندگی از دولت و وزارت فرهنگ، رایزنی هایی برای استخدام معلمین و اساتید اتریشی در مدارس و دانشگاه های ایران و همچنین استخدام مهندسین و متخصصین اتریشی در حوزه های مربوطه انجام داد. دکتر عزیزی وابسته فرهنگی ایران در مصاحبه با یکی از جراید اتریشی، از تصمیم دولت ایران برای استخدام حدود صد نفر از پزشکان، مهندسین کشاورزی و راه و ساختمان، اساتید موسیقی و کارشناسان راه آهن و جاده سازی به مدت سه سال در ایران خبر داد. این متخصصین و اساتید به همراه خانواده هایشان در ایران اقامت می کردند. حقوق این افراد بسته به میزان و ساعات کار، حدود ۱۰ هزار ریال بود. دولت ایران در ادامه اعلام کرد در سالهای پیش رو بیش از ۴۰۰ متخصص و مدرس اتریشی با هدف ایجاد تغییر در حوزه های آموزشی و هنری و همچنین تحول در بخش زیرساخت های کشور استخدام خواهند شد. (روزنامه اطلاعات، شماره ۷۲۷۹، ۱۳۲۹/۴/۲۹، ص ۸)

برنامه وزارت فرهنگ برای استخدام پزشکان و متخصصین اتریشی در سالهای ابتدایی دهه ۲۰ شمسی آغاز شده بود. دکتر علی اصغر عزیزی نماینده افتخاری فرهنگی ایران در اتریش طی گزارشی خطاب به وزارت خارجه در سال ۱۳۲۶ از استخدام یک

استاد اتریشی برای تدریس در دانشکده پزشکی تبریز خبر داد. (سال ۱۳۲۷ کاترین ۷،۴ پرونده ۲۶۸،۴۶ سند شماره ۷)

بنا گزارش دکتر زنگنه وزیر فرهنگ، جریان استخدام استاد اتریشی به این شکل بود که در سال ۱۳۲۷-۱۳۲۶ آقای عزیزی از طرف وزارت فرهنگ مأموریت داشت پس از مطالعه و تحقیق دقیق و کامل، فهرستی از پزشکان معروف اتریشی که مقام دانشجویی در دانشگاه های اتریش را داشته و مایل به کار در ایران باشند تهیه و ارسال دارد تا پس از رسیدگی به سوابق علمی و تخصصی آنان، چند نفر برای تدریس در دانشکده پزشکی تبریز استخدام شوند. دکتر عزیزی پس از مطالعه و مشاوره با وزارت فرهنگ تعدادی از پزشکان اتریشی را با ذکر سوابق تخصصی و علمی معرفی نمود. (همان سند شماره ۱۱)

در گزارش دکتر عزیزی خطاب به وزارت بهداری، در مورد لزوم استخدام پزشکان اتریشی آمده است:

انجمن پزشکان اتریش طی اعلامیه ای به سفارت خانه های مختلف نوشته اند که تعداد پزشکان اتریشی بیش از حد نیاز این کشور است و پزشکان نمی توانند در این کشور صاحب شغل و حرفه تخصصی خود باشند. تعداد آنها پس از الحاق اتریش به آلمان همچنان رو به افزایش است. انجمن پزشکان اتریش با موافقت وزارت خانه های فرهنگ و بهداری و امور اجتماعی درخواست خود برای فرستادن پزشک به بیشتر کشورهای دنیا را ارسال داشته و هم اکنون تعدادی از این پزشکان در کشورهای آفریقایی و کشورهای آمریکای جنوبی مشغول به کار هستند. عزیزی در ادامه به منافع ایران در استخدام پزشکان اتریشی اشاره کرد و توضیح داد با توجه با اینکه ایران نیاز مبرم به پزشک دارد و پزشکان اتریشی نیز آماده اند که با حقوقی اندک و محل اقامتی

ساده در ایران به کار مشغول شوند، دولت ایران می تواند آنها را استخدام کرده و به ایالات و ولایات مختلف بفرستد. نکته مهم اینکه این افراد داوطلب، فراریان سیاسی و یا بازداشت شدگان سابق نیستند در نتیجه قبول این مهاجرین سیاسی به نفع دولت ایران است. (سال ۱۳۲۷ کارتن ۷,۴ پرونده ۲۶۸,۴۶ سند شماره ۱۳ و ۱۴)

مسافرت دانشمندان و پژوهشگران اتریش به ایران به صورت فردی و گروهی از دوره قاجار معمول بود. این رفت و آمدهای علمی در دوران پهلوی افزایش یافت. دکتر آلفونس گابریل پزشک، نویسنده و جغرافیدان اتریشی بود که برای انجام مطالعه و تحقیقات پزشکی و جغرافیایی سه بار به ایران سفر کرد و چندین جلد کتاب به رشته تحریر درآورد. آلفونس گابریل تحصیلات پزشکی خود را در وین به پایان رساند و تا سال ۱۹۵۱ عهده دار مشاغل زیر بود:

۱۹۲۰-۲۲ پزشک بیمارستان ویلهلمین وین

۱۹۲۲-۲۵ در کشور اندونزی که در آن زمان مستعمره هلند بود به عنوان پزشک

خدمت کرد

۱۹۲۵-۲۷ تحصیل در دانشگاه گرونینگن هلند و اخذ دومین مدرک در رشته پزشکی

۱۹۲۸-۲۹ اولین سفر علمی به ایران

۱۹۳۰-۳۲ کار در انستیتوی امراض مناطق حاره به عنوان متخصص مالاریا

۱۹۳۳ دومین سفر علمی به ایران

۱۹۳۴-۳۶ طبابت در اتریش

۱۹۳۷ سفر سوم علمی به ایران و مسافرت به افغانستان

۱۹۴۷ کرسی امراض مناطق حاره در مدرسه عالی تجارت وین به او واگذار شد.

۱۹۵۱ به سمت ریاست انجمن روابط فرهنگی ایران و اتریش انتخاب شد.

تألیفات دکتر گابریل در موضوع ایران به شرح زیر است:

- در شرق از دنیا بدور
- مشاهدات در صحاری ایران
- از طریق صحاری ایران
- نواحی جنوبی لوت و بلوچستان ایران
- نقاط انزوای ایران
- سرزمین بکر و وسیع ایران
- بقایای آبادی های جنوب ایران
- کویر لوت و طرق آن
- دریاها و جنگل ها و بیابان های غریب
- تبعات درباره ایران

دکتر گابریل این آثار را در فاصله بین سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۵۲ تألیف کرد. (سال ۱۳۳۲ کارتن ۲۰،۳ - ۳۱ سند شماره ۲۸)

این آثار برای مطالعه و استفاده به اداره فرهنگ ارسال شد و دکتر گابریل به دلیل انجام پژوهش های ارزشمند در خصوص ایران نشان لیاقت دریافت کرد. (همان، سند شماره ۲۹ و ۳۰)

در دوره پهلوی دوم حجم زیادی از روابط خارجی ایران و اتریش به روابط فرهنگی به خصوص در حوزه علمی و ارتباطات دانشگاهی اختصاص داشت. تلاش ایدئولوژیک دولت پهلوی برای معرفی ایران در عرصه جهانی به عنوان یکی از دروازه های تمدن در گذشته و کشوری قدرتمند و تأثیر گذار در منطقه، در حال حاضر، علاقه مندان زیادی را از کشورهای خارجی و از جمله اتریش به پژوهش در تاریخ و فرهنگ

گذشته ایران و مشاهده تغییراتی که در ساختارهای ایران تحت سلطه حکومت پهلوی رخ داده بود، تشویق کرد. دولت پهلوی تبلیغات وسیعی را در سطح جهان و بخصوص اروپا در ارتباط با اصول انقلاب سفید انجام می داد. شاه ایران خود را به عنوان ناجی ایران از زوال و انحطاط معرفی می کرد و معتقد بود انقلاب سفید قادر است با ایجاد تحولی اساسی در ساختارهای کلان کشور، ایران را تبدیل به یکی از قدرتمندترین کشورهای سرمایه داری جهان کند و فاصله این کشور با دول اروپایی را به حداقل برساند. هرچند که خود دولت پهلوی و شخص شاه اعتقاد چندانی به لیبرالیسم، آزادی و رفاه اجتماعی نداشت اما تحت فشار آمریکا به انجام انقلاب سفید ولو به صورت ظاهری تن داد. نماینده های فرهنگی و سیاسی سایر دول که اغلب با این تبلیغات آشنا بودند و کتب نوشته شاه ایران در این خصوص را مطالعه کرده بودند، برای مشاهده اقداماتی که ذیل شعارهای انقلاب سفید داده می شد به ایران سفر می کردند. پرفسور «آندره» رئیس دانشکده اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی و رئیس انستیتوی مالی-تحقیقاتی دانشگاه اینسبورگ اتریش، در سال ۱۳۴۶ برای مطالعه پیرامون طرح سپاه دانش و سپاه بهداشت و جمع اوری اطلاعات درباره تأثیرات انقلاب سفید بر حیات اجتماعی ایرانیان به ایران آمد و سخنرانی هایی را نیز در خصوص همین موضوع ایراد کرد. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۱۳۹ پرونده ۴,۲۰,۱ سند شماره ۱۶۸)

در سال ۱۳۵۳ دو پرفسور اتریشی «frank karlheinz» و «schll hawsky» رئیس و استاد آکادمی اشتراوس برای انجام مطالعات علمی، ادبی و تاریخی به ایران مسافرت کرده و در تالار رودکی سخنرانی کردند. در همین سال همچنین گروه موسیقی «موتسار تئوم سالزبورگ» برای برگزاری کنسرت به ایران آمدند. پیش از این در سال ۱۳۴۹ ارکستر ۴۵ نفری «یوهان اشتراوس» برای اجرای برنامه به ایران آمدند. دستمزد

این گروه برای دو شب اجرا ۳۲۸۰ دلار به همراه تأمین هزینه های مسافرت و اقامت بود که بر عهده وزارت فرهنگ قرار داشت. (همان، پرونده ۱۶۹ سند شماره ۱۹)

خواننده های زن اتریشی نیز در سالهای دهه ۳۰، ۴۰ و ۵۰ در ایران به اجرای برنامه پرداختند. «تاتیانا وینکلر» از خواننده های اپرای وین در سال ۱۳۳۸ در شهرهای شیراز و اصفهان و در رادیو و تلویزیون ایران به اجرای برنامه پرداخت. (همان، سند شماره ۲۹) همچنین «انگلیا نواک» و «آرسینینا» از خواننده های اپرای وین در سال ۱۳۴۸ در ایران به اجرای برنامه پرداختند. (همان سند شماره، ۵۵ و ۷۱)

دانشکده هنر در سال ۱۳۵۲ استاد «ماریونت» دارای دکترای تخصصی در رشته نمایش عروسکی را با حقوق ماهیانه ۴۰ هزار ریال به همراه اجاره مسکن و هزینه های رفت و آمد برای تدریس هنرهای دراماتیک و نمایش های عروسکی استخدام کرد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۹ پرونده ۱۷۱ سند شماره ۱۰۱)

همان طور که پیشتر گفته شد محققین و اساتید اتریشی علاقه وافری به پژوهش در حوزه تاریخ ایران داشتند و به مناسبت های مختلف بدین منظور به ایران سفر می کردند. پرفسور «leo santifaller» متخصص تحقیقات تاریخی و رییس انستیتیوی فرهنگی اتریش طی نامه ای درخواست مسافرت خود به ایران به منظور جستجو در آرشیوهای دولتی ایران را تسلیم سفارت ایران در وین داشت. به گزارش رحمت اتابکی سقیر ایران در وین، نامبرده قصد دارد با کمک مدارک و اسناد موجود در آرشیوهای دولتی ایران ادوار مختلف تاریخ ایران را واکاوی کند اما از این نکته که آیا این مسأله از جانب دولت ایران بلامانع هست یا نه مطلع نیست. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۹ پرونده ۴۷ سند شماره ۸۹)

در سال ۱۳۴۶ هیأتی از اساتید و پژوهشگران اتریشی به منظور انجام همایشی درباره تاریخ، فرهنگ و ادب ایرانی وارد ایران شدند. این هیأت از جانب شاه و ملکه مورد استقبال قرار گرفت و برنامه اقامت و موضوع سخنرانی ها و پژوهش های هیأت مزبور با حضور اساتید دانشگاه های ایران بررسی شد. (همان، سند شماره ۱۰۵)

مطالعات جغرافیایی و زیست بوم از دیگر حوزه های علمی مورد علاقه پژوهشگران اتریشی بود که از دوران قاجار تحقیقاتی در این زمینه با سفر و اقامت در ایران انجام می دادند. در مرداد سال ۱۳۴۳ دکتر «ماکس رایش» یکی از اعضای سازمان جغرافیایی اتریش و برن که مطالعاتی در زمینه جغرافیای ایران داشت، برای تکمیل پژوهش های خود عازم ایران شد و در مناطق مختلف به تحقیق و مطالعه پرداخت. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ سال ۸ کارتن ۸ پرونده ۸۳ سند شماره ۳۶)

مطالعات پزشکی نیز از جمله شاخه های علمی بود که از دیرباز توسط اتریشیان در ایران انجام می شد و دولت نیز از آن حمایت می کرد. با رشد شاخه پزشکی به ویژه پس از تأسیس دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و مؤسسه های مختلف پزشکی در شاخه های مختلف این علم، دولت ایران علاقه مندی خود به برگزاری سمینارهای بین المللی در زمینه پزشکی و حمایت از طرح های پژوهشی در این خصوص را به سفارتخانه ها اعلام داشت و از محققین خارجی که در این ارتباط به ایران می آمدند، حمایت کرد. در خرداد ۱۳۴۳ دکتر «Herbert suchanek frohlich» متخصص مغز و اعصاب از طرف اتحادیه پزشکان اتریش با هدف انجام مطالعاتی در زمینه پیشرفت علم پزشکی و وضعیت آن در ایران بخصوص در رشته تخصصی خود به ایران آمد. روال کار بدین صورت بود که پس از آنکه سفارت ایران در اتریش برنامه سفر یک محقق رشته پزشکی را به وزارت امور خارجه در ایران اطلاع می داد، وزارت بهداشتی و

دانشگاه تهران مسئول رسیدگی و کمک به فرد مورد نظر در طول اقامتش در ایران می شدند. (همان، سند شماره ۳۷)

قراردادها و موافقت‌نامه‌های فرهنگی بین ایران و اتریش

روابط فرهنگی بین ایران و اتریش همانند رویه سیاسی و اقتصادی بین این دو کشور، همواره حسنه و نزدیک بوده است. مقامات سیاسی و شخصیت‌های فرهنگی دو کشور در طول دیدارها و سفرهای رسمی خود به خاک یکدیگر توافق‌نامه‌ها و همکاری‌های فرهنگی را مدنظر داشتند اما به صورت مشخص دو موافقت‌نامه فرهنگی در دهه ۵۰ خورشیدی بین ایران و اتریش به امضاء رسید که به صورت جزئی روابط در این حوزه را بررسی کرده و تحت پوشش قرار می داد. امضاء این موافقت‌نامه‌ها سبب رونق مؤسسات و نهادهای فرهنگی بین دو کشور شد. پیش از این و در دهه ۳۰ وزارت فرهنگ ایران به ضرورت تدوین چنین توافق‌نامه‌های اشاره کرده بود. در تاریخ دوشنبه ۱۲ فروردین سال ۱۳۳۶ کمیسیونی در اداره فرهنگ با حضور دکتر کسایی رییس اداره تعلیمات عالیّه در وزارت فرهنگ، دکتر امشه ای نماینده دبیرخانه دانشگاه تهران، دکتر عزت‌اله عاملی کفیل اداره روابط فرهنگی وزارت خارجه با هدف بررسی ضرورت انعقاد قرارداد فرهنگی بین ایران و اتریش تشکیل شد. (سال ۱۳۳۶ کارتن ۱۱،۳ پرونده ۷۵ سند شماره ۵)

این قرارداد پس از تصویب در کمیسیون وزارت فرهنگ و وزارت امور خارجه، در کنار قراردادهای مشابه با عراق، پاکستان، مصر و اسپانیا در سال ۱۳۳۶-۱۳۳۵ بین ایران و اتریش منعقد شد. طرح قرارداد با اتریش از روی طرح قرارداد فرهنگی با اسپانیا تهیه شده بود. (سال ۱۳۳۶ کارتن ۱۱،۳ پرونده ۷۸ سند شماره ۷)

ماده ۱

طرفین متعهدین کوشش خواهند کرد که روابط فرهنگی بین دو کشور را بسط داده و بدین وسیله موجبات تحکیم روابط معنوی دو ملت را بیشتر فراهم کنند.

ماده ۲

طرفین کمال اهتمام خود را برای همکاری مؤثر به منظور تشویق کلیه مبادلات فرهنگی میان افراد و مؤسسه ها در موارد ذیل مبذول خواهند داشت:

الف - ایجاد تسهیلات برای مبادله هر نوع کتب و نشریه سودمند

ب - تنظیم برنامه های رادیویی

ج - تسهیل در امر مبادله فیلم های محصول ملی به منظور شناسایی افراد هر یک از دو کشور با اوضاع و احوال کشور دیگر

د - تشکیل نمایشگاه هایی از هنرهای ملی

ه - ترتیب مسافرت های دسته جمعی دانشجویان

ماده ۳

طرفین متعهد می شوند مسافرت اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها، سخنرانان، پژوهشگران، هنرمندان و دانشجویان طرفین در کشور دیگر را به لحاظ مالی و معنوی تشویق و حمایت کنند.

ماده ۴

طرفین متعهدین سعی خواهند کرد که کرسی های بیشتری برای تدریس زبان فارسی در دانشگاه های اتریش و زبان آلمانی در دانشگاه های ایران تأسیس کنند و کرسی های موجود را گسترش دهند.

ماده ۵

طرفین متعهد می شوند مساعی لازم را بکار ببرند تا در برنامه تحصیلی خود تاریخ و جغرافیای کشور متعاقد دیگر را بگنجانند.

ماده ۶

دو کشور با تمام امکاناتی که در اختیار دارند موجبات تسهیل مسافرت و سیاحت که وسیله مؤثری برای حسن تفاهم میان اتباع دو کشور است، را فراهم خواهند آورد.

ماده ۷

طرفین متعاهدین برای معتبر شناختن درجات دانشگاهی و ارزش گواهی نامه، دیپلم و دانشنامه هایی که از طرف مقامات صلاحیت دار یکی از طرفین صادر شود، موافقتنامه ویژه ای صادر خواهند کرد و معادل تحصیلات ابتدایی، متوسطه و عالی هر یک از دو کشور در کشور دیگر را به رسمیت خواهند شناخت. این موافقتنامه با رعایت مقررات مربوط به تعیین ارزش مدرک تحصیلی در هر دو کشور، منعقد خواهد شد.

ماده ۸

دولتین متعاهدین اجازه خواهند داد که دانشجویان هر یک از دو کشور در مؤسسات فرهنگی کشور دیگر در رشته های علمی، فنی، هنری و ادبی تحصیل کنند.

ماده ۹

در هر یک از دو کشور، کمیسیونی مرکب از رئیس نمایندگی سیاسی کشور مربوطه و سه تن از صاحب منصبان عالیرتبه وزات فرهنگ، وزارت امور خارجه و دانشگاه ها برای نظارت بر اجرای مقررات این موافقتنامه و رفع مشکلات اجرای آن تشکیل خواهد شد.

ماده ۱۰

دو کشور می توانند به یکدیگر وابسته یا رایزن فرهنگی بفرستند.

ماده ۱۱

دو دولت مسابقات ورزشی و همکاری بین سازمان های ورزشی و تربیت بدنی و پیش آهنگی را تشویق خواهند کرد.

ماده ۱۲

طرفین اجازه خواهند داد در هر یک از دو کشور انجمن های فرهنگی ایجاد شود.

ماده ۱۳

این موافقتنامه به تصویب مقامات صلاحیت دار دو کشور رسیده و یک ماه پس از مبادله اسناد مربوطه لازم الاجرا خواهد بود. این موافقتنامه در سه نسخه فارسی، فرانسه و آلمانی تنظیم می شود. (سال ۱۳۵۶، ۵۸ کاردتن ۳۰ پرونده ۲۹۸ سند شماره ۱۷۳-۱۷۱) موافقت نامه دیگری به منظور تحکیم روابط و مبادلات فرهنگی ایران و اتریش، پس از سفر صدراعظم اتریش به ایران، به شرح زیر منعقد شد:

ماده اول

طرفین متعهدین موافقت می نمایند که همکاری خود را در زمینه های فرهنگی و آموزشی، دانشگاهی و هنری و علمی و فنی و همچنین کلیه مبادلاتی که موجب قوام مودت و تفاهم متقابل دو ملت می شود، توسعه دهند.

ماده دوم

طرفین متعاهدین آموزش زبان، فرهنگ و ادبیات طرف دیگر را متقابلاً در دانشگاه ها و مدارس خود تشویق خواهند کرد.

ماده سوم

طرفین متعاهدین با اذعان به اهمیت تربیت معلمان عهده دار تدریس زبان و فرهنگ کشور دیگر در این زمینه تشریک مساعی خواهند کرد به ویژه در تشکیل دوره های کارآموزی جهت معلمان و اعزام هیأت های مطالعاتی تا حد امکان همکاری خواهند کرد.

ماده چهارم

هر یک از طرفین متعاهدین تأسیس موسسات فرهنگی، علمی و فنی از قبیل انستیتوهای علمی و مراکز فرهنگی، انجمن های فرهنگی و مراکز تحقیقات، مؤسسه های آموزشی دولتی یا خصوصی در خاک طرف دیگر را تشویق می کنند. دو کشور همچنین باید فهرست و اساسنامه مؤسساتی که در چهارچوب قوانین و مقررات جاری در کشورشان امکان تأسیس آن برای دول خارجی وجود داشته باشد را تهیه و ارائه کنند.

ماده پنجم

طرفین متعاهدین به ویژه در موارد زیر توافق کردند:

- الف- برقراری همکاری نزدیک بین مؤسسات آموزش عالی و سازمان های علمی منجمله کتابخانه ها و موزه ها و به طور کلی مؤسسات فرهنگی طرفین
- ب- تسهیل کار محققین طرف دیگر در مؤسسات و همچنین اماکن باستانی تا حدودی که با قوانین و مقررات موجود موافقت داشته باشند.
- ج- مبادله اطلاعات و مدارک در مورد نتایج حاصل از فعالیت های آموزشی، علمی، فنی و هنری در دو کشور
- د- تشویق به اعزام یا مبادله معلمان و هیأت ها و همچنین فعالیت هایی که جنبه فرهنگی-آموزشی و علمی یا هنری داشته باشند.

و- توسعه همکاری از طریق انعقاد موافقت نامه بین سازمان های رسمی در رادیو و تلویزیون، سینما و مطبوعات دو کشور و تشویق در بسط مبادلات در زمینه های ورزشی و جهانگردی.

ماده ششم

هریک از طرفین متعهدین اهتمام خواهند کرد تعداد بیشتری بورس به محصلین و محققین طرف دیگر که مایل ادامه تحصیل در سرزمین او باشند، اعطاء نماید.

ماده هفتم

کمیسیون مختلطی که اعضاء آن توسط دو دولت تعیین می شوند، هر دو سال یکبار در تهران و وین تشکیل جلسه خواهند داد. این کمیسیون مسایل مربوط به اجرای موافقتنامه حاضر را بررسی کرده و با توجه به نتایج حاصله برنامه مبادلات فرهنگی سنوات آتی را تنظیم و برای تصویب به دو دولت تسلیم می کند.

(سال ۱۳۵۶، ۵۸ کارتن ۳۰ پرونده ۲۹۸ سند شماره ۱۴۴)

اساتید و مدرسین اتریشی در ایران

در دوران پهلوی دوم نظر به استقبال دولت از تأسیس مؤسسات آموزشی و فرهنگی توسط خارجیان با هدف نهادینه کردن آموزه های فرهنگ اروپایی از یک سو و دسترسی به تکنولوژی و علم روز دنیا از سوی دیگر، سبب شد که مؤسسه ها و کانون های علمی و بخصوص فنی که توسط خارجیان و از جمله اتریشیان در ایران تأسیس می شد مورد استقبال قرار گیرد. مؤسسه و آموزشگاه رضاپهلوی وابسته به سازمان خدمات اجتماعی در تهران یکی از مؤسسات فنی و حرفه ای بود که بیشترین تعداد معلم را از کشور اتریش داشت بیش از ۸۰ در صد معلمین این آموزشگاه را اساتید

اتریشی در رشته های مختلف تشکیل می دادند. این آموزشگاه از سطح علمی خوبی برخوردار بود و به همین دلیل مورد توجه علاقه مندان و دانشجویان ایرانی قرار گرفت. اهمیت این آموزشگاه در تحکیم روابط فرهنگی ایران و اتریش به درجه ای بود که برای انجام مراسم افتتاح آن، یک هیأت بلند پایه فرهنگی در آبان سال ۱۳۴۲ از اتریش وارد ایران شد. این هیأت متشکل بود از:

مهندس «فرانتز چس» معاون حرفه ای وزارت فرهنگ دولت اتریش، مهندس «نیکلاس ایشلینز» مشاور وزارت فرهنگ، «اشتیل فرید» وابسته فرهنگی دولت اتریش در ایران و خاور میانه. برنامه هیأت اتریشی در طول اقامتش در ایران به ترتیب زیر بود:

ملاقات با وزیر دربار، وزیر فرهنگ، رئیس دانشگاه تهران و رئیس سازمان خدمات اجتماعی، حضور در مراسم افتتاح آموزشگاه با حضور دولتمردان، شاه و ملکه ایران، بازدید از دانشکده و هنرستان صنعتی، بازدید از تأسیسات سد کرج، بازدید از موزه ایران و کاخ گلستان، بازدید از مؤسسات فنی و حرفه ای نارمک، بازدید از کارخانه داروسازی. (سال ۱۳۴۲ کارتن ۱۴۸ پرونده ۹،۲۴ سند شماره ۳۲ و ۳۳)

معلمین اتریشی آموزشگاه رضا پهلوی در سال ۱۳۴۳ عبارت بودند از:

دکترها، موزیل - ماکسیمیلان گرتلر - لیپرت لیونرفلس - دکتر ادوارد کرن - مانفرد هیلش - هنریش واکه - مهندس فرانس و مولیر یس. (سال ۱۳۴۳ کارتن ۹۶ پرونده ۴،۷ سند شماره ۲۵ تا ۲۷ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۱)

مدرسه فنی حرفه ای کانون کار و آموزش، وابسته به سازمان خدمات اجتماعی از دیگر مؤسسات آموزش رشته های فنی بود که از وجود اساتید اتریشی بهره می جست. از جمله این اساتید یوهان کونتار، هوبرت دردلا، فردریش دیستکیت، هارلد ول اف و

یوهان گرانتس بودند که در سال ۱۳۴۱ در این مؤسسه به کار اشتغال داشتند. (سال

۱۳۴۱ کارتن ۷۰ پرونده ۱۱,۶ سند شماره ۱,۲,۷, ۱۵ و ۱۶ و ۱۸)

ایران به دلیل داشتن تمدنی کهن، فرهنگی غنی و تاریخی باشکوه، بسیار مورد توجه اساتید و پژوهشگران اتریشی در شاخه های مختلف بود. در سال ۱۳۴۶ پرفسور «هیکل» رئیس انستیتوی مردم شناسی دانشگاه وین برای انجام تحقیقاتی در درباره اقوام مختلف ایرانی، زبان ها و فرهنگ های کهن ایران به ایران آمد و در محافل فرهنگی و علمی ایران سخنرانی کرد. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۳۵ پرونده ۵,۵۶ سند شماره ۱)

در همین سال «کاردینال کونیک» به دعوت دکتر جهانشاه صالح رئیس دانشگاه تهران و به منظور سخنرانی با موضوع تاریخ ادیان و زبان های باستانی وارد ایران شد. (سال ۱۳۴۶ کارتن ۳۵ پرونده ۵,۵۶ سند شماره ۳۱)

رشد و گسترش آموزش در سطح تحصیلات تکمیلی و ایجاد رشته های جدید در دانشگاه های تهران و سایر شهرهای ایران سبب جلب اساتید اتریشی به ایران شد. یک پرفسور اتریشی که در رشته مهندسی عمران تحصیلات خود را به پایان برده بود، برای کار در یکی از مؤسسات دانشگاهی در رشته ساختمان اعلام آمادگی کرد. (سال ۱۳۳۵,۵۱,۶۱ کارتن ۹ پرونده ۴۷ سند شماره ۴)

موقعیت جغرافیایی ایران و وجود زیست بوم های مختلف، تنوع آب و هوایی و پوشش گیاهی، خاکی و جانوری از جمله دلایلی بود که توجه پژوهشگران حوزه جغرافیا و دانشمندان علم زمین شناسی و خاک شناسی را به ایران جلب کرد. در سال ۱۳۵۳ دکتر «Mastelt helfied» استاد یکی از دانشگاه های وین برای انجام تحقیقات زمین شناسی در شمال و مرکز به ایران سفر کرد. یک سال بعد دکتر «horest

nowak» جغرافیدان اتریشی برای تکمیل تحقیقات پیشین در حوزه زمین شناسی و

خاک شناسی به ایران آمد. (سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۲۰ پرونده ۱۹۱ سند شماره ۲۹)

علاقه مندی دانشگاه های اتریش به مطالعات زمین شناسی در ایران و همچنین

انتشار نتایج مطالعاتی که توسط محققین مختلف انجام شده بود، سبب شد که در سال

۱۳۵۵ هیأتی اتریشی مرکب از محققین و اساتید دانشگاه در رشته جغرافیا و زمین

شناسی برای انجام تحقیقاتی مفصل در نقاط مختلف، به ایران سفر کنند. ریاست این

گروه با دکتر «مارتین سیگر» استاد جغرافی دانشگاه «کلاگن فورت» بود. در انجام این

پروژه های تحقیقاتی معمولاً همکاری هایی با دانشگاه های مختلف ایران به ویژه

دانشگاه تهران انجام می گرفت. (سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۲۵ پرونده ۲۳۷ سند شماره ۲)

ارتباطات علمی و فرهنگی بین ایران و اتریش مانند ارتباطات سیاسی و اقتصادی در

دهه ۵۰ رو به افزایش گذاشت و تعداد بیشتری از شخصیت های فرهنگی و علمی اقدام

به انجام سفرهای تحقیقاتی و دیدارهای فرهنگی در خاک یکدیگر کردند. پس از سفر

آقای پیرنیا و دکتر صالح به اتریش که مورد استقبال رؤسا و مسئولین دانشگاه وین قرار

گرفت، پرفسور «HUSSEIN» رئیس دانشکده پزشکی وین ابراز تمایل کرد که به

همراه همسرش سفری تفریحی و تحقیقاتی به ایران داشته باشد. هدف پرفسور بازدید از

مؤسسات علمی و دانشگاهی ایران و تهیه گزارش مفصلی از ترقیات ایران در این زمینه

ها و همچنین دیدن شهرهای شیراز و اصفهان و مناطق شمالی کشور بود. (سال

۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۱۸ پرونده ۱۶۲،۱ سند شماره ۲۷)

به گزارش وزارت علوم و آموزش عالی، پژوهشگران اتریش که در شاخه های

علوم تجربی فعالیت می کردند طی درخواست هایی به سفارت ایران خواستار همکاری

سفارت برای مسافرت آنها به ایران بودند. در سال ۵۰ یک گروه تحقیقاتی از طرف

انستیتوی جانورشناسی وین به سرپرستی دکتر هانس اشتاینر و همراهی دکتر هانس پائولوس، هرالد تیچی و خانم فردریکه برای انجام تحقیقات علمی درباره حیوانات و حشرات ایران وارد ایران شدند. (همان، سند شماره ۴۷)

در اسفند سال ۵۲ نیز یک گروه تحقیقاتی متشکل از سه تن از استاتید جانورشناس اتریشی به نام های دکتر «pretzmann»، دکتر «kasy» و دکتر «BLLK» برای انجام مطالعات جانورشناسی در نقاط مختلف، به ایران آمدند. (سال ۱۳۳۵۱،۵۵ کارتن ۱۸ پرونده ۱۷۰ سند شماره ۲)

یک ماه قبل از این تاریخ یعنی در ماه بهمن سال ۵۲ پرفسور «ERICH HUBL» رئیس انستیتوی گیاه شناسی و نباتات و ارتباطات دانشکده کشاورزی دانشگاه وین به همراه دو تن از همکارانشان برای جمع آوری گیاهان و نباتات مختلف به منظور نگهداری در انستیتوی مزبور به ایران سفر کردند. یکی دیگر از اهداف این تیم تحقیقاتی، مطالعه در خصوص زمینه های لم یزرع کشاورزی و پوشش گیاهی ایران بود. سرپرست این گروه در توضیح سفر خود خطاب به سفارت ایران گفت از آنجا که دانشجویان ایرانی که در دانشکده کشاورزی دانشگاه وین تحصیل می کنند، گیاهان ایرانی برای مطالعه و آزمایش را در اختیار ندارند، نمی توانند در آینده در کشور خود کارایی لازم را داشته باشند. بنابراین انستیتو بر خود لازم دید این گیاهان و نباتات را در ایران تهیه و در اختیار آنها قرار دهد. (سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۱۸ پرونده ۱۷۰ سند شماره ۱۳)

به گزارش وزارت امور خارجه در سال ۱۳۵۴ انستیتوی جغرافیای اقتصادی اتریش برای مطالعه و جمع آوری سند در رابطه با طرح آبیاری در ایران، چهار نفر از اساتید و پژوهشگران خود را به سرپرستی دکتر «Nowak» به ایران فرستاد. (سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۲۰ پرونده ۱۹۱ سند شماره ۴۷)

انستیتوی مساحی و نقشه برداری دانشگاه فنی وین مهندس «Johann Warenitsch» را به منظور مطالعات و تحقیقات علمی در زمینه مساحی و نقشه برداری و آزمایش مدرن ترین دستگاه ها و ادوات علمی و فنی نقشه برداری، به ایران فرستاد. (سال ۱۳۵۶، ۵۸ کارتن ۳۳ پرونده ۳۱۶ سند شماره ۱۸)

از آنجا که اتریش یکی از کشورهای صاحب نام در ورزشهای زمستانی بود دولت ایران در چندین نوبت اقدام به دعوت به کار از مربیان اتریشی برای کار در ایران کرد. بر اساس توافقی که بین فدراسیون فوتبال ایران و فدراسیون اتریش به عمل آمده بود، «مایووفسکی» مربی اتریشی به عنوان سرمربی تیم فوتبال ایران در سال ۱۳۳۴ انتخاب شد. (سال ۱۳۳۴ کارتن ۲۰،۴ پرونده ۸۱ سند شماره ۲ و ۵)

اتریش یکی از کشورهای عنوان دار در رشته های ورزش های زمستانی بود و همواره میزبانی این مسابقات را بر عهده داشت. از ایران نیز نمایندگی برای شرکت در این مسابقات و یا تهیه گزارش به اتریش فرستاده می شد. در سال ۱۳۵۲ مدیر کل تربیت بدنی اتریش آقای «oztsck» به ایران سفر کرد. در این سفر ضمن بازدید از ورزشگاه ها و مراکز ورزشی ایران در خصوص کمک اتریش به ارتقای ورزش های زمستانی در ایران به خصوص اسکی مذاکره شد و مقرر شد مربیان بیشتری در این رشته از اتریش استخدام شوند و همچنین دانشجویان بیشتری در رشته تربیت بدنی بورس دریافت کنند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۱ پرونده ۱۰۵ سند شماره ۲۵)

اتفاق ورزشی دیگری که با حضور نمایندگان اتریش رقم خورد، برگزاری کنگره بین المللی تربیت بدنی دوشیزگان و بانوان بود. در این کنگره درباره ضرورت گسترش و توسعه ورزش بانوان و الگو گرفتن از سایر کشورها از جمله اتریش صحبت شد. (همان، کارتن ۱۷ سند شماره ۷۱)

با توجه به اینکه در کشور اتریش رشته های ورزشی به ویژه ورزش های زمستانی به شکل حرفه ای انجام می شد و همچنین این کشور میزبان بازی های المپیک بود؛ سازمان ورزش و اداره روابط فرهنگی وزارت امور خارجه تلاش داشتند دانشجویان و ورزشکاران ایرانی را در قالب اردوهای مختلف به اتریش ببرند. در سال ۱۳۵۱ تعداد ۶۰ نفر از دانشجویان دانشسرای عالی رشته تربیت بدنی با هدف بازدید از تأسیسات ورزشی اتریش و تماشای بازی های المپیک مونیخ به اتریش و سپس آلمان رفتند. هزینه اقامت این گروه در حدود ۲۴۰۰۰ هزار شیلینگ اتریش بود که از طرف بانک مرکزی به سفارت ایران در وین پرداخت شد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۱ پرونده ۱۰۳ سند شماره ۸ و ۴۷)

اداره روابط فرهنگی وزارت خارجه، همچنین علاقه مند به برگزاری اردوهای دانش آموزی و دانشجویی مختلف برای بازدید از کشورهای اروپایی بود. در سال ۱۳۵۰ وزارت آموزش و پرورش اعلام داشت کاروان دانش آموزان ممتاز دبیرستان های تهران مشتمل بر ۳۰ دانش آموز، دو سرپرست و یک پزشک از تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۰ به مدت ۴۵ روز از کشورهای اروپایی و از جمله اتریش بازدید خواهند کرد. با هماهنگی هایی که سفارت ایران در وین انجام داد، مقرر شد کاروان دانش آموزی ایران در مدت حضور خود در اتریش، در «خانه جوانان» شهر وین اقامت کنند. (همان، سند شماره ۶۶)

سفر مقامات فرهنگی ایران به اتریش

در سال ۱۳۵۱ دکتر هوشنگ نهاوندی رییس دانشگاه تهران به همراه دکتر ابوالقاسم پیرنیا رییس دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، برای بازدید از دانشگاه های اتریش وارد وین شد. در سفارت ایران میهمانی به مناسبت ورود دکتر نهاوندی و با

حضور رئیس دانشگاه وین، اساتید و ایران شناسان ترتیب داده شد. در این سفر مقامات ایرانی همچنین از دانشگاه های شهرهای مختلف اتریش و مدرسه موسیقی و هنرهای زیبا دیدن کردند. دیگر برنامه های هیأت ایرانی در سفر به اتریش بدین قرار بود:

ملاقات با دکتر «فیرن برک» وزیر علوم و تحقیقات اتریش

مذاکره با رؤسای قسمت های مختلف امور دانشجویی و دانشگاهی بخصوص دیدار با بخش پذیرش دانشجویان خارجی

صحبت با مقامات مسئول در وزارت علوم و تحقیقات در خصوص امور ورزشی دانشگاه ها و دیدار از سالن ها و تأسیسات ورزشی و بازدید از گالری های نقاشی و موزه ها. (سال ۱۳۳۵ کارتن ۳ پرونده ۲۵ سند شماره ۴۵ و ۵۰ تا ۵۷)

در همین سال آقای کیومرث مهرآیین مسئول روابط عمومی و بین الملل سازمان سیاحان برای تبادل نظر در خصوص گردشگری به وین سفر کرد. بنا به گزارش سازمان سیاحان به محسن صدری نماینده سیاسی ایران در وین، این سازمان در نظر داشت برای گسترش صنعت جهانگردی کشور، جلب سیاحان خارجی و اجرای برنامه های وسیع خود در این رابطه، توجه و همکاری چند مؤسسه معتبر جهانگردی را در سطح بین المللی جلب کند. یکی از کشورهایی که مؤسسات گردشگری اش مورد توجه ایران قرار گرفت، اتریش بود. بنابراین مقدمات سفر مهرآیین به وین فراهم شد. (همان، پرونده ۲۵، سند شماره ۶۳)

او در این سفر با هدف مذاکره درباره گسترش همکاری های دو کشور در زمینه جهانگردی با دکتر «ورتسل» مشاور عالی و مدیر امور جهانگردی وزارت بازرگانی و صنایع و پیشه وری و هنر اتریش ملاقات کرد. مهرآیین همچنین در خلال این سفر از مؤسسات برجسته در زمینه ایرانشناسی و مؤسسات گردشگری اتریش دیدن کرد و در

خصوص برگزاری مسافرت ها و تورهای مسافرتی به شکل دسته جمعی توافقاتی بین نماینده ایران و اتریش حاصل شد. مهمترین مؤسسات گردشگری در اتریش که با سازمان جهانگردی در ایران در ارتباط بودند از قرار زیر بود:

دفتر جهانگردی اتریش، مؤسسه توریستی کوسموس، اتوکلپ اتریش و مؤسسه توریستی رنر که مهرآیین در خلال سفر خود از این مؤسسات دیدن کرد. سخنگوی مؤسسات توریستی اتریش، به علاقه مردم اتریش نسبت به بازدید آثار تاریخی ایران و مطالعه تاریخ این کشور، اشاره کرد و از مهرآیین خواست امکانات رفاهی برای مسافرت تعداد بیشتری از اتریشیان به ایران فراهم شود و همچنین فعالان حوزه فرهنگ در ایران نیز توجه مردم را به مسافرت اتریش جلب کنند. دکتر ورتسل در پایان گفتگوی خود با مهر آیین پیشنهاد کرد همان طور که سایر دول مانند ترکیه در اتریش دارای دفتر نمایندگی توریستی بوده و یکی از مأمورین و نمایندگان با سابقه خود را در وین به این کار گماشته اند، ایران نیز از این اقدام پیروی کند و مأموری را برای خدمت در وین انتخاب کند. این مأمور وظیفه خواهد داشت با کمک گرفتن از رسانه های اتریش مانند رادیو، تلویزیون و نشریات مختلف، چاپ بروشور و نمایش فیلم، تاریخ و تمدن کشورش از گذشته تا کنون را معرفی کند، هزینه های مسافرت گروهی به ایران را برآورد و امکان انجام آن را فراهم کند. (همان، پرونده ۲۵، سند شماره ۲۵ و ۶۰، ۶۰ تا ۶۲)

گسترش و رشد شهرنشینی به خصوص پس از اصلاحات ارضی و آغاز موج مهاجرت روستاییان به شهر و همچنین تبدیل بخش ها به شهرهای کوچک، گسترش سازمان شهرداری و تأسیس شهرداری های جدید بخصوص در شهرها و استان های مختلف را به دنبال داشت. از آنجا که نگاه دولت پهلوی به انجام هر پدیده و طرح مدرنی به پیشرفت های غرب در خصوص آن پدیده معطوف بود، از برگزاری انواع همایش ها و

سمینارها در کشورهای مختلف جهان از جمله اتریش استقبال می کرد. در اردیبهشت ۱۳۵۱ دکتر پرویز خیبر معاون وزارتخانه، آقای ملک زاده مدیرعامل اتحادیه شهرداری ها به منظور شرکت در جلسات کمیته اجرایی سازمان بین المللی اتحادیه شهرداری ها (IULA) به مدت دو روز عازم اتریش شدند. در این جلسات نماینده های شرکت کننده تجربیات کشورهای خود در خصوص نهاد شهرداری که یکی از الزامات دنیای مدرن بود را در به صورت سخنرانی ارائه کردند. همچنین در این جلسات در خصوص موضوعاتی که به حوزه مسئولیت ها و وظایف شهرداری ها مربوط می شد، مناظره و گفتگوهای صورت گرفت. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۵۵ کارتین ۳ پرونده ۲۵ سند شماره ۶۴)

یکی از برنامه های تقریباً ثابت دولت پهلوی بخصوص در زمان محمدرضاشاه در حوزه فرهنگ و روابط خارجی، تبلیغ و بیان دستاوردهای ایران در این دوره، در بخش های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و به ویژه فرهنگی بود. وزارت خارجه و وزارت فرهنگ طی همکاری های دوجانبه نماینده هایی را که دارای عناوین و سمت های مختلف بودند، به کشورهای خارجی از جمله اتریش می فرستادند تا ضمن انجام مأموریتی خاص به ویژه در بخش آموزش، اقدامات چندسال اخیر دولت پهلوی و پیشرفت های ایران را با کمک روش های مختلف بخصوص سخنرانی، معرفی کنند. در همین راستا عباس آرین پور کاشانی، رییس مدرسه عالی ترجمه با هدف تقویت مدرسه از طریق استخدام معلمان و اساتید خارجی عازم وین شد. آرین پور در طول سفر خود از مراکز و مؤسسات آموزشی، دانشگاه ها و مجامع علمی وین دیدن کرد. او همچنین مأمور بود در محافل مختلف در اتریش در رابطه با پیشرفت های علمی و فرهنگی ایران صحبت کرده و عکس و فیلم ارائه کند. آرین پور پس از اتریش به همین منظور عازم فیلیپین، هاوایی، بانکوک، کالیفرنیا، رم، لندن و امریکا شد. (همان، سند شماره ۶۶ تا ۶۹)

چنانکه پیشتر گفته شد، نخبگان فرهنگی اتریش و محافل روشنفکری و علمی این کشور، به پژوهش درباره تاریخ، فرهنگ و ادبیات ایران علاقه مند بودند و در مؤسسات و مراکز ایرانشناسی خود به تدریس و آموزش این رشته ها می پرداختند. یکی از شیوه های ارتقاء سطح کیفی این آموزش ها دعوت از شخصیت های فرهنگی و علمی ایران برای حضور و فعالیت چند روزه در اتریش بود. در اردیبهشت سال ۵۲ دکتر سیف اله نجم آبادی استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، به دعوت دولت و وزارت علوم اتریش ۵ ماه برای تدریس و آموزش شعر و ادب فارسی و مشارکت در پروژه ها و طرح های پژوهشی به اتریش دعوت شد. (همان، سند شماره ۷۰ و ۷۱)

در سال ۱۳۴۷ پرفسور منوچهر وارسته رییس کتابخانه اختصاصی آریامهر و استاد دانشگاه تهران و استاد زبان شناسی در آمریکا، برای ارائه سخنرانی درباره تبلیغات و زبان شناسی در ایران، به اتریش مسافرت کرد. دانشگاه وین که در مکاتبات با وزارت فرهنگ ایران علاقه مندی خود به شناخت زبان فارسی و مطالعات زبانشناسی را اعلام کرده بود، میزبان دکتر وارسته بود. در حاشیه این سخنرانی، مطالبی هم در خصوص تاریخ و فرهنگ و ایران و امکان توسعه سیاحت و جلب گردشگر در ایران ایراد شد. (همان، سند شماره ۱۰۵ تا ۱۰۸)

در همان سال محمدحسین قریب معاون فنی آموزشگاه فنی و حرفه ای رضا پهلوی وابسته به سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی با هدف ارتقاء سطح کیفی آموزشگاه به مدت یک ماه به اتریش سفر کرد. این آموزشگاه یکی از مهم ترین و علمی ترین مؤسسات علمی در زمینه فنی و حرفه ای بود که مدیران و اساتید خود را از اتریش استخدام می کرد. (همان، سند شماره ۲۵ و ۱۱۱)

همان طور که در خلال مباحث مختلف گفته شد، مطبوعات اتریش توجه خاصی به انعکاس خبرهای مربوط به ایران داشتند و حوادث مختلف در ایران را رصد کرده و منتشر می کردند. تداوم این مسأله نشان می دهد که فرهنگ عمومی در اتریش نیز علاقه مند به پیگیری اخبار ایران بود. در آذر ماه ۱۳۴۸ عده ای از روزنامه نگاران اتریش برای بازدید از ایران بخصوص مؤسسه ها و نهادهای فرهنگی، انتشارات و دفاتر نشریات و روزنامه های ایران به کشورمان سفر کردند. روزنامه «دی پرسه» شرح کامل این سفر را انعکاس داد و ابراز امیدواری کرد این ارتباطات فرهنگی گسترش یابد. در همین سفر، هیأت اتریشی از روزنامه نگاران و صاحبان جراید ایران خواست سفر مشابهی به اتریش داشته باشند. وزارت فرهنگ ایران در پاسخ به این دعوت، چهار نفر را به عنوان نماینده به اتریش فرستاد که عبارت بودند از: منصور ندوشنی صاحب امتیاز و مدیر روزنامه پست، مهدی سمسار نماینده کیهان، حسین کردبچه نماینده اطلاعات و غلامحسین صالحیار نماینده آیندگان. برنامه هیأت ایرانی در طول اقامت در اتریش بدین ترتیب بود:

ملاقات با دکتر «مشینگ» رئیس کل مطبوعات اتریش، بازدید از اپرای وین، کتابخانه ملی اتریش، ملاقات با مدیر اتاق بازرگانی و تجارت اتریش، بازدید از قصر شونبرون و بلودره، مقبره سلاطین اتریش، دفاتر مطبوعاتی، شرکت نفت و پالایشگاه و مؤسسات نفتی، کارخانه ها و مؤسسات صنعتی «اومسی میگ» و «بالین اونیون» و کارخانه ذوب آهن، دیدار با سردبیران نشریات و روزنامه ها و سردبیر روزنامه رسمی وینزایتونگ، ملاقات با وزیر بازرگانی، رئیس جمهور اتریش و دکتر «والدهایم» وزیر امور خارجه اتریش، دیدار با استانداران اتریش و ملاقات با دکتر «کاراسک» رئیس بخش فرهنگ در دفتر نخست وزیری اتریش.

در دهه ۵۰ سطح همکاری های فرهنگی و دانشگاهی ایران و اتریش و سفر شخصیت ها و گروه های فرهنگی و علمی این کشور به اتریش افزایش یافت. در ملاقاتی که دکتر نهاوندی رییس دانشگاه تهران با خانم «فیرن برگ» وزیر علوم و آموزش اتریش داشت، طرفین در خصوص افزایش همکاری های علمی از طریق انجام طرح های پژوهشی و برگزاری سمینارها و همایش ها در ایران با شرکت شخصیت های اتریشی توافق کردند. در این دیدار همچنین در مورد سفر پرفسور «CZISEK» مدیر کل تربیت بدنی اتریش به ایران با هدف بازدید از مؤسسات ورزشی ایران به ویژه پیست های اسکی و ارائه راهکارهایی درباره ارتقاء سطح ورزش دانشجویی و اعزام یک مربی اسکی معرب به ایران مذاکراتی به عمل آمد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۱ پرونده ۱۰۵ سند شماره ۶۸) موضوع دیگری که در سفر آقای نهاوندی مورد بحث قرار گرفت، فعالیت تعدادی از موسیقی دانان ایرانی در اتریش برای تولیدات مشترک هنری و همچنین افزایش تعداد دانشجویان متقاضی رشته موسیقی برای ادامه تحصیل در اتریش بود که این موضوع با توجه به بالا رفتن هزینه های زندگی و تحصیل در اتریش به وقت دیگری موکول شد. (همان، سند شماره ۶۹)

در حوزه ارتباطات فرهنگی دو کشور، هرچند در موارد کم، مراکز آموزشی اتریش خواستار تدریس اساتید ایرانی به ویژه در رشته ادبیات و زبان فارسی بودند. در سال ۱۳۳۹ رییس انستیتوی شرقی دانشگاه وین پرفسور «دودا»، از سفارت ایران خواست که دکتر مهدی سجادی وابسته مطبوعاتی سفارت ایران در وین به عنوان دانشیار افتخاری در این انستیتو به تدریس در موضوعات نهضت های فرهنگی و ادبی در زبان فارسی مشغول شود. (سال ۱۳۴۰ کارتن ۹۵ پرونده ۷،۵ سند شماره ۶)

فعالیت های سینمایی و تلویزیونی

در سال ۱۳۵۳ به دعوت دولت ایران جمعی از هنرمندان و فیلم سازان و خبرنگاران اتریشی برای تهیه فیلم و گزارش به ایران آمدند. یکی از شرکت های فیلم سازی اتریشی تصمیم داشت با همکاری کارگردانان ایرانی فیلمی در باره گذشته تاریخی ایران و فیلمی دیگر با موضوع سفرهای شاه به اتریش بسازد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳ سند شماره ۲۹۴ و ۳۰۵)

تلویزیون اتریش در جدول پخش برنامه های خود معمولاً برنامه ای را به ایران در حوزه های مختلف اختصاص می داد به عنوان مثال سفرهای شاه به کشورهای مختلف خاصه آمریکا با هدف خرید جنگ افزار و اسلحه و یا انعقاد قراردادهای نفتی و یا نقش ایران در تحولات خاورمیانه مورد توجه رسانه های اتریش و صدا و سیمای این کشور بود. در کنار پخش اخبار سیاسی، نمایش فیلم هایی که فیلم سازان اتریشی در باره تاریخ ایران ساخته بودند نیز مورد توجه تلویزیون اتریش قرار داشت. در سال ۱۳۵۱ فیلم «پرسپولیس» و فیلم «منم داریوش شاهنشاه ایران» برای سومین بار از تلویزیون اتریش پخش شد. جشن هنر شیراز از دیگر مراسمی بود که مورد توجه گروه های مختلف در اتریش از جمله مقامات سیاسی و فرهنگی، هنرمندان، خبرنگاران و فیلم سازان بود. برنامه های تبلیغاتی این مراسم در نشریات اتریش به چاپ می رسید و از طریق تلویزیون پخش می شد. در سال ۱۳۵۰ صدا و سیمای اتریش برنامه های ویژه را برای تبلیغات این جشن که مقرر بود از ۲۶ اوت تا ۵ دسامبر ۱۹۷۱ در تخت جمشید برگزار شود، اختصاص داد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۵ سند شماره ۷۳)

محور اصلی فیلمسازان اتریشی که به ایران می آمدند و همین طور ایرانیانی که در حوزه فیلم و سینما در اتریش فعالیت می کردند، انعکاس و در واقع تبلیغ اقدامات

دولت پهلوی در زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بود. محمود رحمتیان یکی از کارگردانان و فیلمسازی بود که در سال ۱۹۶۹ در رشته کارگردانی و فیلمنامه نویسی از دانشگاه هنرهای تجسمی و موسیقی وین فارغ التحصیل شد و به مدت چند سال در آلمان، ایتالیا و اتریش برای مؤسسات مختلف جهانگردی و ایرانگردی فیلم ساخت و برخی از فیلم هایش موفق به دریافت جایزه شد. با توجه به سوابق هنری این کارگردان در اتریش، نامدار سفیر ایران در وین، از وزیر اطلاعات و جهانگردی خواست فضای بیشتری برای فعالیت این گونه فیلمسازها در اتریش فراهم شود. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳ سند شماره ۱۰۱)

در همان چهارچوب گفته شده، کارگردانان و مستندسازان اتریشی علاقه داشتند در ایران کار کنند به ویژه که محصول کارشان بسیار مورد توجه مقامات فرهنگی و سیاسی اتریش قرار می گرفت. در آبان سال ۲۵۳۵ خانم پرفسور «lore geisler» تهیه کننده و کارگردان سینما و تلویزیون اتریش برای ساختن مجموعه فیلم های مستند اجتماعی-فرهنگی به ایران آمد. فیلم هایی که این کارگردان پس از اقامت در ایران ساخت عبارت بودند از:

نحوه آموزش دختران پلیس، تأسیسات کفش ملی، فعالیت های سپاهیان دانش دختر دانشگاه تهران

این فیلم ها با راهنمایی و نظارت سفارت ایران از صدا و سیمای اتریش پخش شد. (همان، سند شماره ۱۱۲)

در سال ۱۳۴۹ با هماهنگی سفارت ایران و همکاری وزارت فرهنگ و هنر، یک گروه فیلمساز اتریشی با هدف فیلمبرداری از آثار تاریخی ایران وارد ایران شده و از نقاط مختلف کشور بازدید و فیلمبرداری کردند. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۹ سند شماره ۲۵)

سازمان جلب سیاحان در ایران یکی از سازمان هایی بود که همکاری های نزدیکی با شرکت ها و مؤسسات فیلمسازی اتریشی داشت. موسسه «MONTANA UNIFILM» یکی از معروف ترین مؤسسات فیلمسازی اتریش بود که از دیرباز به ساخت فیلم های مستند سینمایی و فیلم های گردشگری و تبلیغاتی در ایران علاقه نشان می داد. در پی توافقی که بین این مؤسسه و سازمان جلب سیاحان به عمل آمد، سازمان امکانات لازم از جمله مسکن و راهنما در اختیار مؤسسه قرار داد تا از این طریق هم جاذبه های گردشگری ایران به جهانیان معرفی شود، هم سود حاصل از فروش فیلم به محل اعتبارات سازمان برگردد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۱ پرونده ۱۰۰ سند شماره ۷)

فیلمسازان و کارگردانان اتریشی که در ایران فیلم می ساختند، پس از بازگشت به اتریش و پایان یافتن مراحل تدوین و آماده سازی فیلم، چند نسخه از فیلم های تولید شده را برای بخش فرهنگی سفارت ایران ارسال می کردند. در سال ۱۳۵۱ فیلم های ریتم، مسجد جامع اصفهان، ادیان در ایران و شهر صنعتی آبادان به سفارت ارسال شد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۵ سند شماره ۶)

کارگردانان و فیلمسازان ایرانی فعالانه در فستیوال های هنری اتریش شرکت کرده و آثار خود را ارائه می کردند. در سال ۱۳۵۰ ششمین فستیوال بین المللی فیلم کوتاه کودکان و نوجوانان به مدت ۱۰ روز با شرکت فیلم سازان مختلف از جمله ایران در اتریش برگزار شد. (همان، سند شماره ۴۸)

در سالهای دهه ۵۰ برای رشد سطح کیفی و کمی هنر تأثر نیز ارتباطاتی با اتریش برقرار شد. یکی از مهم ترین این اقدامات که از طرف وزارت فرهنگ و هنر اتریش و دانشگاه وین انجام شد، سفر پرفسور «کیندرمان» رییس انستیتوی علوم تأثر دانشگاه وین به ایران و عضویت افتخاری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و فدراسیون

بین المللی علوم تأثر بود. پرفسور کیندرمان به توجه به اینکه عضو هیأت مدیره و مدیر اجرایی انستیتوی تأثر در لندن نیز بود، می توانست به جهانی شدن تأثر ایرانی و معرفی هنرمندان ایرانی به محافل هنری جهان، کمک کند. (همان، سند شماره ۵۶)

در عرصه فیلمسازی در سال ۱۳۵۴-۵۵ در مجموع تعداد ۳۱ حلقه فیلم با موضوع ایران توسط فیلمسازان اتریش ساخته و در تلویزیون این کشور به نمایش درآمد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷، ۲ سند شماره ۲۷)

به گزارش اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، در سال ۱۳۴۹-۵۰ مؤسسه فیلمسازی اتریشی با عنوان «Studio- film» که پیشتر فیلمی با عنوان «جاده جواهرات» در ایران ساخته و در اتریش پخش کرده بود، برای ساخت چند فیلم رنگی با موضوع ادیان کهن در ایران و آثار تاریخی ایران (تخت جمشید، نقش رستم، طاق بستان) به همراه گروه فیلمبرداری به ایران آمد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۸ پرونده ۱۶۹ سند شماره ۳۱)

در همین سال، در پی تصمیم دولت و مقامات فرهنگی اتریش مبنی بر ارائه گزارشی مفصل و تصویری به شکل فیلم با موضوع مؤسسات فرهنگی اتریش در ایران، یک گروه فیلمبرداری از اتریش راهی ایران شد. هدف این گروه فیلمبرداری و تهیه گزارش از اقدامات و فعالیت های مؤسسات علمی، هنری و فرهنگی اتریش در ایران، گزارش از هنرستان فنی اتریش و مصاحبه با دانشجویانی ایرانی بود که از دانشگاه های اتریش فارغ التحصیل شده بودند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۹ پرونده ۱۸۳ سند شماره ۴۰)

فعالیت های مطبوعاتی

در سال ۱۳۵۴ هیأتی از نمایندگان و سردبیران و تحلیلگران سیاسی روزنامه های وین به سرپرستی روزنامه دی پرسه به ایران آمدند. تا در خصوص وضعیت سیاسی،

فرهنگی، اجتماعی و اقتصاد نفتی ایران گزارش تهیه کرده و در جشن بزرگداشت ۵۰ سال سلطنت پهلوی شرکت کنند. این نشریه به دولت ایران پیشنهاد داد که روزنامه های اتریش آگهی های مربوط به بانک ها، موسسات صنعتی، سازمان های دولتی، شرکت ها و مؤسسات تجاری را در درج کنند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۹ پرونده ۱۷۱ سند شماره ۶ و ۱۷)

پیش از این در سال ۱۳۵۱ به هزینه سازمان سیاخان ۵ تن از مدیران جراید پرشمارگان اتریش به مدت یک هفته در ایران اقامت کردند. همچنین در همان سال هیأت مطبوعاتی از طرف مجله «neurevue» برای تهیه گزارش از شیوه های مبارزه ایران با قاچاقچیان مواد مخدر و اعدام عده ای از این قاچاقچیان به ایران آمدند. (همان، سنده شماره ۲۵ و ۳۶)

یکی از اقدامات فرهنگی، مطبوعاتی سفارت ایران در وین، چاپ و نشر اخبار مربوط به تحولات و وقایع سیاسی سالانه ایران، ثبت پیشرفت های صنعتی، پزشکی، علمی، آموزشی و ... در اتریش و به زبان آلمانی بود. به گزارش اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، سفارت ایران در سال ۱۳۵۳ / نوامبر ۱۹۷۳ اقدام به انتشار بولتن «ایران آکتوئل» به زبان آلمانی کرد. این بولتن شامل توضیح، تفسیر و بررسی ۱۵ عنوان زیر بود:

تولد ملکه، سفر ملکه پهلوی به فرانسه، سخنرانی شاه در دانشگاه پدافند ملی، بازدید شاه از پروژه های کشاورزی قزوین، تجدید روابط ایران و عراق، بودجه سال ۱۳۵۳، اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و شوروی، سفارش کارخانه ذوب آهن گازی به آلمان فدرال، نفت، صنایع کشتی سازی ایران، هواپیماهای بوئینگ برای هواپیمایی ملی ایران، افزایش تعداد جهانگردان خارجی در ایران، نمایش فیلم ایرانی

گلباران برای کودکان در وین، اطلاعیه برای پزشکان ایرانی مقیم وین. (سال ۱۳۳۵، ۶۱) کارتن ۸ پرونده ۸۹)

روزنامه های «Kurier» و «kronfnzeitung» چاپ وین اخبار مبنی بر سفر غیررسمی شاه ایران را درج کردند. این اخبار شامل مذاکرات دولت ایران با اتریش در رابطه با قراردادهای اقتصادی و صنعتی، تجارت و بازرگانی و گسترش روابط در صنعت گردشگری بود. (همان، سند شماره ۱۱۸)

چاپ نشریه و بولتن اخبار، یکی از اقدامات سفارت ایران در وین بود. سفارت هر ۱۵ روز یک شماره از نشریه ای به زبان فارسی منتشر می کرد که حاوی اطلاعاتی از قبیل مهم ترین اطلاعات و اخبار کشور، مسایل مربوط به دانشجویان و مهم ترین وقایع و حوادث در ایران و اتریش بود. به مناسبت های مختلف جزوات ویژه ای نیز همراه با این نشریه به چاپ می رسید. موضوع این جزوات اغلب اقدامات دولت در راستای اجرای طرح انقلاب سفید بود. سفارت نشریه ای دیگر به زبان آلمانی با عنوان «ایران اکتوئل» هر ۱۵ روز یک شماره منتشر می کرد که هدف از انتشار آن آشنا ساختن محافل اقتصادی و سیاسی و به ویژه افکار عمومی اتریش با پیشرفت های ایران در زمینه های مختلف بود. جزوه ای نیز با عنوان ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران به زبان آلمانی منتشر می شد که حاوی شمه ای از تاریخ ایران و توضیح مفصل جشن های دو هزار و پانصد ساله بود. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۶ سند شماره ۲۴)

نشریات اتریش و خوانندگان آن علاقه زیادی به اخبار مربوط به ایران نشان می دادند. این مسأله را می توان از مقالات پرشماری که درباره ایران در نشریات اتریش به چاپ می رسید، مشاهده کرد. «روزنامه تورینگ» مقاله ای با عنوان رفتار و کردار ایرانیان در برخورد با جهانگردان منتشر کرد و روزنامه «دی پرسه» مقاله ای درباره قالی

ایران چاپ کرد. اخبار مربوط به کشاورزی نوین و اجرای برنامه اصلاحات ارضی ایران از دیگر موضوعاتی بود که مورد توجه جراید اتریش قرار گرفت.

از طرف بخش مطبوعات سفارت، همچنین نمایشگاه‌های عکسی در اوقات مختلف با موضوع ایران نوین برگزار می‌شد. رجال سیاسی و فرهنگی اتریش و اصحاب جراید این کشور از این نمایشگاه‌ها دیدن می‌کردند. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۶ پرونده ۵۹ سند شماره ۲۵)

سفارت ایران برای جلب نظر ارباب جراید در اتریش و انجام همکاری‌های مطبوعاتی با آنها به صورت مرتب در جلسات و سخنرانی‌های انجمن روزنامه نگاران شرکت کرده و اخبار مربوط به ایران را در اختیار خبرنگاران قرار می‌داد. (همان، سند شماره ۲۶)

در سال ۱۳۵۴ نشریه‌ای ویژه در اتریش با عنوان ۵۰ سال سلطنت پهلوی به زبان آلمانی و در هزار نسخه توسط سفارت ایران به چاپ رسید و مورد توجه قرار رفت. روزنامه‌ها و نشریات اتریش طبق رویه سابق خود، در سالهای آغازین دهه ۵۰ نیز مقالات متعددی را با موضوعات سیاسی و اقتصادی در خصوص ایران به چاپ می‌رساندند و روزنامه نگاران اتریشی در این سالها بارها با هدف تهیه گزارش به ایران سفر کردند. برای بررسی رویه مطبوعات اتریش نسبت به ایران باید مطبوعات اتریش را به ۴ دسته تقسیم کرد:

- ۱- جراید غیرمتعهد: رویه این گروه از جراید نسبت به ایران مثبت بود و تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران را پوشش می‌دادند. این مقالات توسط سفارت ایران ترجمه ارسال می‌شد.

۲- جراید وابسته به احزاب و سازمان های سیاسی محافظه کار و نزدیک به کلیسا: این گروه از نشریات به تبعیت از خصلت محافظه کارانه خود، تنها در زمینه های اقتصادی و به ویژه بازرگانی ایران و اتریش مطلب می نوشتند.

۳- جراید وابسته به احزاب و سازمان های چپ گرای معتدل: مندرجات این روزنامه ها از جانب وابستگان به حزب سوسیالیست اتریش تهیه می شد و علیرغم تفاوت های بنیادین بین نظام های سیاسی ایران و اتریش این نشریات بر وجود روابط حسنه بین دو کشور تأکید می کردند.

۴- جراید وابسته به احزاب و سازمان های سیاسی چپ گرای افراطی: این گروه از جراید نظر خوبی نسبت به حکومت ایران و نظام سیاسی ایران نداشتند و در مقالات خود، از حاکمیت سیاسی ایران انتقاد می کردند.

رادیو تلویزیون اتریش اخبار مربوط به ایران را به نقل از خبرگزاری های بین المللی منتشر و اخبار مربوط به خریدهای تسلیحاتی ایران، نقش ایران در منطقه، نفت و توسعه اقتصاد صنعتی در ایران را پوشش می داد. صدا و سیمای اتریش در تلاش برای حفظ روابط دوستانه بین با ایران می کوشید برنامه های انتقادی را پخش نکند. در موارد معدودی، چپ گرایان موفق به نفوذ و پخش برنامه های انتقادی می شدند مانند انتقاد از وضعیت زندانیان سیاسی در ایران، که پخش این برنامه از طرف سفارت ایران مورد اعتراض قرار گرفت.

اداره مطبوعات وزارت خارجه در تهران مجلات و نشریات چاپ داخل را برای استفاده سفارت و مراکز فرهنگی ایرانی در اتریش ارسال می کرد. به گزارش وابسته مطبوعاتی سفارت، مجله خواندنی ها، نگین و روزنامه کیهان انترناسیونال در بین

دانشجویان و ایرانیان مقیم اتریش بیشترین هوادار را داشتند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷، ۲ سند شماره ۱۱)

توافقاتی که در حوزه فرهنگی در طی سفر رییس جمهور اتریش به ایران در سال ۵۵-۱۳۵۴ به عمل آمد، گستره فعالیت های ایران شناسی در اتریش را افزایش داد. از جمله نمایشگاه های متعددی در شهرهای اتریش تحت نظارت سفیر ایران در وین، با موضوع آثار باستانی و جاذبه های توریستی برگزار شد. همچنین نمایشگاه های فیلم و عکس و نشریات نیز در اوقات مختلف برگزار و مورد استقبال قرار گرفت. در دهه ۵۰ همچنین تعداد بیشتری از روزنامه نگاران و اصحاب جراید اتریش برای تهیه گزارش، خبر و مصاحبه به ایران سفر کردند. خانم «Leitenberger» معاون سردبیر روزنامه «Die presse» به همراه رییس بخش نشریات فوق العاده اتریش و آقای «Heinz nubaumer» با هدف تهیه سلسله مقالاتی در ارتباط با سیاست خارجی ایران و اوضاع خلیج فارس به هزینه شخصی خود به ایران آمدند. از طرف ایران نیز خبرنگار روزنامه آیندگان و خبرنگار اطلاعات برای تهیه گزارش و مصاحبه با رییس جمهور اتریش و اعضای سفارت ایران در وین به این کشور سفر کردند. صرف نظر از روزنامه های چاپ گرا که با رویکردی ضدامپریالیستی و ضدسرمایه داری روابط ایران و اتریش را تحلیل می کردند، جراید اتریش نظر مثبتی به رویدادهای ایران و روابطش با اتریش داشتند. روزنامه چاپ گرای «kronenzeitung» در شماره ۸ مه ۱۹۷۵ خود مقاله ای تحت عنوان «بالماسکه ای با کیسه های کاغذی» درباره فعالیت های ایرانیان چاپ گرا در اتریش به چاپ رساند که شدیداً مورد اعتراض سفارت ایران قرار گرفت. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷ سند شماره ۶۳)

روزنامه Die presse در شماره های ژوئیه و دسامبر خود در سال ۱۹۷۵ مقالات مفصلی در خصوص درآمدهای نفتی ایران و جهش اقتصادی حاصل از آن و تحولات خاورمیانه با محوریت ایران به چاپ رساند. (همان، سند شماره ۶۴) سردبیر این روزنامه به همراه چند نفر از نویسندگان، در آبان سال ۱۳۵۴ برای دیدار و انجام مصاحبه با شخصیت های سیاسی و اقتصادی، به مدت تقریباً یک ماه به ایران آمدند. شخصیت هایی که با آنها مصاحبه شد، عبارت از افراد زیر بود:

جمشید آموزگار وزیر کشور

غلامرضا کیانپور وزیر اطلاعات و جهانگردی

سناتور لاجوردی

احمد معمارزاده معاون وزارت بازرگانی

کاظمی مدیرکل دفتر سازمان بنادر و کشتیرانی

قریشی مسئول روابط عمومی بانک بازرگانی

بیژن فرخ مسئول مرکز آمار ایران

حسن رستار مشاور اقتصادی بانک پارس

رضا کاشاد معاون مالی و اداری شرکت صنایع فولاد ایران

همایون معاون اقتصادی بانک مرکزی ایران

و همچنین دیدار با مقامات بانکهای توسعه صنعتی و معدنی ایران و عمران

خاورمیانه، شرکت سهامی فرش ایران و شرکت سهامی نمایشگاه های ایران. (سال

۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۹ پرونده ۱۸۰ سند شماره ۹)

شخصیت دیگری از حوزه مطبوعات که برای تهیه خبر و گزارش به شکل مفصل،

در ایران اقامتی کوتاه مدت داشت، «Heinz nussbaumer» سردبیر روزنامه

پرشمارگان اتریشی «kurier» بود که از طرف روزنامه خود مأموریت داشت برای تهیه یک گزارش جامع در مورد وضع سیاسی، اقتصادی و نظامی منطقه خلیج فارس به کشورهای ایران، عربستان سعودی، عمان و امارات مسافرت کند. این سردیر از ۱۶ فروردین به مدت ۵ روز در تهران اقامت داشت و در این مدت با شاه ایران و سایر مقامات سیاسی دیدار کرد و در این دیدارها حول محورهای زیر مصاحبه و گفتگو شد:

- سیاست خارجی ایران و اوضاع خلیج فارس

- سیاست های نفتی ایران

- استراتژی نظامی ایران

آقای nussbaumer بیشتر به مناسبت های دیگری مانند شرکت در جشن های شاهنشاهی، بازدید از جزایر خارک و ابوموسی و تنب ها، به ایران سفر کرده بود. او همچنین مقالات متعددی در رابطه با سیاست خارجی ایران نوشته بود. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۹ پرونده ۱۸۰ سند شماره ۳۶)

این قبیل گزارش ها که از جانب اصحاب جراید در اتریش تهیه و انتشار می یافت، تریبون خوبی برای بیان وضعیت اقتصادی ایران بود. راهکار دیگری که دولت برای معرفی ایران درحوزه های مختلف به اتریشیان در پیش گرفته بود، این بود که در مرکز روزنامه هایی برای استفاده در کشورهای خارجی به چاپ می رسید که به صورت چند ماه یکبار به سفارت ارسال می شد. روزنامه کیهان انترناسیونال به زبان انگلیسی و دی پست به زبان آلمانی از جمله این نشریات بودند که برای استفاده مقامات، سازمان ها و جراید اتریشی به سفارت ایران در وین فرستاده می شد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷، پرونده ۱۵۷، سند شماره ۶۴)

بخش گردشگری و جهانگردی ایران، یکی از پرخواننده ترین ستون ها و مقالات نشریات اتریش درباره ایران بود. افزایش تعداد گردشگران اتریشی برای بازدید از ایران پس از انقلاب سفید، سبب شد که سازمان جهانگردی تدبیری برای افزایش بیشتر میزان گردشگر انجام دهد و در این راستا سیروس فرزانه معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان جلب سیاحان، با مدیران جراید محلی اتریش وارد مذاکره شد. به استناد مکاتبات فرزانه با سفارت ایران در وین، هرگاه جراید اتریش مطلب یا مقاله ای در خصوص جاذبه های گردشگری ایران منتشر می کنند، بر تعداد گردشگرانی که برای مسافرت به ایران می آیند، افزوده می شود. بنابراین اگر نویسندگان و مسئولین روزنامه ها و نشریات محلی اتریش که در شهرهای مختلف این کشور به چاپ می رسد مانند نشریات وین، گزارش ها و خاطرات خود از بازدید از ایران را به چاپ برسانند، تأثیر بسزایی در جلب گردشگر خواهد داشت. در نتیجه این مذاکرات، سیروس فرزانه به اصحاب جراید محلی اتریش پیشنهاد کرد با هزینه این سازمان، ۵ تن از مدیران جراید کثیرالانتشار استانهای اتریش به ایران سفر کنند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۹ پرونده ۱۸۳ سند شماره ۲۹)

بخش مطبوعاتی سفارت ایران در حوزه تأمین مواد فرهنگی از قبیل کتاب و نشریه به منظور استفاده در اتریش فعال بود. از طرف دولت ایران و وزارت فرهنگ هر ساله تعدادی کتاب، مجله، روزنامه و انواع نشریات با عناوین متعدد در موضوعات و حوزه ها مختلف به کتابخانه نمایندگی ایران و همچنین کتابخانه های مؤسسات فرهنگی ایرانی در اتریش ارسال می شد. مجلاتی از قبیل کودک، نوآموز، دانش آموز، معلم و خانواده، نوجوان و ماهنامه آموزش و پرورش، دوره های کتب ابتدایی، ۲۵ جلد از بولتن وزارت آموزش و پرورش و نمونه هایی از موسیقی سنتی ایرانی از جمله مواد

فرهنگی بودند که به صورت مرتب به اتریش ارسال می شد. همچنین مواردی چون پرچم، نشان ها و علائم و پوشاک ارتش که بسیار مورد توجه مقامات اتریشی بود، نیز از جمله مواردی بود در اختیار سفارت قرار می گرفت. (سال ۱۳۳۵، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۵ سند شماره ۱۵، ۲۰، ۲۷، ۷۲)

همایش ها و کنفرانس ها

کنفرانس شورای بین المللی زنان در اتریش

این کنفرانس بیستمین کنفرانس شورای بین المللی زنان بود که با هدف بررسی مسایل و مشکلات زنان در تمام دنیا و رفع موانع مشارکت زنان در تحولات توسعه در وین برگزار شد. سازمان های زنان ایران در سال ۱۹۶۰م به عضویت این سازمان بین المللی درآمد. در سال ۱۹۶۶م از طرف این سازمان کنفرانسی با موضوع زنان و صلح جهانی در تهران تشکیل شد. مهری آهی به ریاست یکی از کمیته های مهم شورای بین المللی زنان یعنی کمیته روابط بین الملل و صلح جهانی انتخاب شد و مهرانگیز دولتشاهی سمت نیابت ریاست این شورا را دریافت کرد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۲۰ پرونده ۱۸۹ سند شماره ۱۶) کنفرانس شورای بین المللی زنان در اتریش، با حضور وزیر امور خارجه این کشور، جمعی از مقامات و شخصیت های سیاسی و فرهنگی و شرکت ۲۵۰ نماینده زن افتتاح شد. در سال ۱۳۵۲ مهرانگیز دولتشاهی به عنوان رییس شورای عالی زنان و سرپرست هیأت نمایندگی ایران در این کنفرانس شرکت کرد و سخنرانی خود را درباره تاریخ جنبش زنان در ایران و دستاوردهای آن در طول ادوار گذشته ارائه داد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۲۰ پرونده ۱۸۹ سند شماره ۶ و ۷) مهناز افخمی، مهری راسخ، لطیفه یارشاطر، حشمت یوسفی، هاله اسفندیاری و شمسی

حکمت، زنان دیگری بودند که کاروان زنان ایران را همراهی می کردند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵) کارت ۲۰ پرونده ۱۸۹ سند شماره ۲) خانم ها کناریک آواکیانس سلماسی و لیلا زند از دیگر سخنرانان هیأت نمایندگی ایران در طول کنفرانس بودند. بنا به درخواست مهناز افخمی دبیرکل سازمان زنان ایران، ضیافتی در سفارت ایران در اتریش به مناسبت ریاست مهرانگیز دولت‌شاهی بر سازمان شورای زنان برگزار شد. در این ضیافت، کلیه نمایندگان زن شرکت کننده در کنفرانس حضور داشتند. خانم دکتر «اشتگل» رییس سازمان زنان اتریش نیز در این میهمانی حضور داشت. سازمان زنان ایران از این فرصت استفاده کرده، نمایشگاهی از عکس، اسلاید، پوستر و بروشور با موضوع جنبش زنان در ایران برگزار کرد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵) کارت ۲۰ پرونده ۱۸۹ سند شماره ۶ و ۷ و ۱۷)

کنفرانس جغرافیدانان در ایران

در سال ۱۳۵۴ ش / ۱۹۷۶ م در تهران کنفرانسی بین المللی با موضوع بررسی های جغرافیای طبیعی در ایران با حضور دانشمندان و محققین این حوزه و اساتید دانشگاه های کشورهای مختلف از جمله اتریش برگزار شد. این سومین کنگره جغرافیدانان بود که در ایران برگزار می شد. سخنران اصلی این مراسم دکتر «هانس. ج. بوبک» دانشمند و جغرافیدان مشهور جهان و عضو آکادمی علوم کشور اتریش بود که ۴۰ سال پیش از این تاریخ برای نخستین بار موفق شد از علم کوتاه نقشه دقیقی تهیه نماید که مورد استفاده کوهنوران و پژوهشگران قرار گرفت. دکتر هانس همچنین مطالعات دقیقی در خصوص کویر لوت و سایر کویرهای ایران، یخچال های شمال و غرب، جنگل های شمال، کوهستان ها و وضعیت اقلیم ایران انجام داد. مقرر شد در پایان مراسم و پس از ایراد سخنرانی مدعوین، از تلاش ها و پژوهش های او قدردانی شود. (سال ۱۳۵۱، ۵۵) کارت ۲۰ پرونده ۱۹۱ سند شماره ۳ و ۷)

به گزارش دکتر عزیزی رایزن فرهنگی ایران در اتریش در سال ۱۳۳۲، همه ساله در اتریش و در ایام تعطیلات تابستان، یک دوره سخنرانی با عنوان «چند هفته دانشگاه بین المللی اتریش» با هدف آشنا ساختن دانشجویان به روش تدریس اساتید مختلف کشورهای جهان و اطلاع از وضعیت نشر در این کشورها، برگزار می شد. دانشجویان و اساتید مختلف از سراسر اروپا در این همایش شرکت می کردند و اساتید آمریکایی، اتریشی، انگلیسی، آلمانی، دانمارکی و غیره در رشته های مختلف سخنرانی می کردند. دکتر عزیزی در خصوص لزوم شرکت دانشجویان ایرانی مقیم اروپا در این همایش به وزارت خارجه و اداره فرهنگی نوشت چون هزینه زندگی در اتریش نسبت به اغلب نقاط اروپا کمتر است مسافرت و اقامت برای دانشجویان ایرانی علاقه مند چندان هزینه بر نخواهد بود. (سال ۱۳۳۲ کارتن ۳، ۲۰ - ۳)

به جز ایام خاص، دانشگاه وین در طول سال چندین همایش و سخنرانی با موضوع تاریخ و زبان فارسی می کرد. علاقه و توجه استادان و شخصیت های فرهنگی مانند «آندره کول ژوزف» به تاریخ و زبان فارسی نقش زیادی در برگزاری این سخنرانی ها داشت. در سال ۱۳۵۰ طی یکی از این نشست ها پرفسور «mager hofer» استاد دانشگاه وین سخنرانی به موضوع «اثرات زبان فارسی قدیم و فارسی کنونی در سایر زبان ها» ارائه داد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۵ سند شماره ۳۴ و ۳۵)

مطالعات ایران شناسی در وین

نخستین تلاش ها در اتریش برای شناختن ایران، در زمان حکومت خاندان هابسبورگ در اوایل قرن شانزدهم میلادی انجام گرفت. دولت هابسبورگ با هدف برقراری ارتباط با حکومت صفوی اقدام به آموزش و به کارگیری مترجمانی مسلط به

زبان های ترکی، عربی و فارسی کرد. سفر هیأت های سیاسی اتریش به ایران، شناخت مترجمین اتریشی از زبان فارسی و کشور ایران را عمیق تر کرد. در قرن هفدهم کلاس های تدریس زبان فارسی، عربی و ترکی در دانشگاه وین تأسیس شد. نیمه دوم قرن هفدهم، دوران شکوفایی شرق شناسی در وین بود. در این دوران کتب متعدد عربی و فارسی در وین به چاپ رسید. شخصی به نام «مینسکی» ضمن تدریس زبان های شرقی در دانشگاه وین، در کار چاپ متون فارسی، عربی و ترکی فعال بود. در سال ۱۷۵۴م آکادمی شرق در وین توسط «یوزف فرانتس» تأسیس شد. در این آکادمی زبان فارسی تدریس و مطالعات ایران شناسی انجام می شد و همچنین توجهی خاص به ترجمه آثار ادیبان و نویسندگان و مورخان فارسی زبان به زبان لاتینی وجود داشت. شهره ترین فارغ التحصیل این آکادمی «یوزف فرای هرهامر پورگشتال» بود که او را می توان پایه گذار شرق شناسی و ایران شناسی حرفه ای در اتریش دانست. او از سال ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۹ نشریه گنجینه شرق را منتشر می کرد که حاوی مقالات فراوانی در باره ایران بود. در سال ۱۸۴۷ م. به همت پورگشتال فرهنگستان علوم اتریش تأسیس شد و تحقیقات در خصوص ایران بر عهده انستیتوی ایران شناسی فرهنگستان گذارده شد. این بخش مطالعات گسترده ای را در موضوعات اسلام شناسی، تاریخ، ادبیات، فرهنگ، مردم شناسی، ترجمه کتب، زبان و دین انجام می داد. شرق شناسی و ایران شناسی در دانشگاه وین از اواسط قرن ۱۹ جانی دوباره گرفت و عمدتاً در حوزه اسلام شناسی و زبان شناسی متمرکز شد. (نصرت الله رستگار، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۲۹)

کمک ایران به خدمات اجتماعی در اتریش

سازمان های و انجمن هایی که مسئول انجام امور خیریه و یا خدمات اجتماعی بودند با سفارت ایران در اتریش در ارتباط بوده و از این سفارت کمک دریافت می

کردند و در بعضی از موارد این سازمان ها مستقیماً با دفتر شاه ایران و یا دفتر نخست وزیری ارتباط برقرار می کردند. یکی از این انجمن ها که هدفش تأسیس خانه ای کوچک برای سالمندان به جای آسایشگاه سالمندان بود، طی یادداشتی به دفتر محمدرضا شاه نوشت تشکیلات ما آماده است تجربیات خود برای تأسیس خانه های مشابه آنچه در اتریش برای سالمندان ساخته شده است را در اختیار انجمن های ایرانی قرار دهد. مسئول انجمن در ادامه هزینه تأسیس یک خانه ۴۰ نفری را ۹ میلیون شیلینگ برآورد کرده و از شاه ایران خواست برای جمع آوری این مبلغ کمک کرده و اگر مایل باشد این خانه به اسم او به عنوان مؤسس تأسیس شود. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۸ پرونده ۱۶۲ سند شماره ۲۷)

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سوم

روابط اقتصادی و بازرگانی

در پی کودتای اسفند ۱۲۹۹ ساختار قدرت سیاسی در ایران تغییر کرد و رضاشاه با حمایت گروهی از نخبگان و روشنفکران از طیف های مختلف سیاسی به حکومت رسید. رضاشاه و دولتمردان پهلوی به سرعت دریافتند که اجرای سیاست های حکومت مبنی بر برقراری امنیت و سرکوبی عناصر متمرّد و همچنین اجرای طرح های مدرن سازی دولت، نیازمند منابع ملی، ساخت اقتصادی جدید و متناسب با نیازمندی های جامعه و دولت جدید است. این آگاهی از لزوم انجام اصلاحات، پای مستشاران آمریکایی را به ایران باز کرد و همچنین زمینه ای هرچند محدود برای ورود متخصصین و سرمایه گذاران خارجی از جمله اتریشیان را فراهم ساخت. «محدود» از این نظر که هدف دولت در این دوره از انجام اصلاحات اقتصادی، افزایش درآمد به منظور تجهیز ارتش و نفع شخصی بود تا ایجاد تأسیسات تولیدی. اما روند روبه رشد اقتصادی به ویژه در سالهای پس از ۱۳۱۰، سبب شد دولت اقداماتی برای تأسیس کارخانجات مختلف انجام دهد. این اقدام در پیوند با نوسازی سیستم حمل و نقل در سراسر کشور، ایجاد

خدمات بانکداری و گسترش و نظام بروکراسی، ورود متخصصین و کارشناسان خارجی به ویژه از کشور آلمان و اتریش را ضروری ساخت.

تجارت ایران و اتریش در دوره رضاشاه

ایران در عصر پهلوی اول با تسامح، دوران گذر از فنودالیزم به سرمایه داری را تجربه می کرد. هرچند که در این دوران مشخصات یک اقتصاد سرمایه داری از جمله گسترش تولید کالایی، کار مزدی و رشد نظام بازار آزاد و تجارت جهانی چندان مشهود نبود اما دولت گام هایی برای افزایش سطح تجارت خارجی به شیوه جدید با سایر دول برداشت. نمایندگان سیاسی ایران در اتریش تلاش می کردند تجارت اتریشی را با توجه به رویکرد جدید دولت، به تجارت با ایران تشویق کنند. «مسیو فریتز اهلرس» یکی از تجار اتریشی که سمت مخبری اتاق تجارت وین را نیز دارا بود، برای انجام امور تجاری در ایران اقامت داشت. این تاجر نماینده چندین شرکت تجاری اتریشی و آلمانی بود و قصد داشت در ایران چندین تجارتخانه دایر کند. (سال ۱۳۰۷ کارتن ۱۳ پرونده ۳ سند شماره ۴)

روال کار افتتاح تجارتخانه بدین صورت بود که فرد سرمایه گذار یا تاجر متقاضی، درخواست خود را به وزارت فواید عامه و وزارت امور خارجه برای دریافت اجازه تأسیس تجارتخانه ارائه می داد. وزارت امور خارجه توسط اداره های مختلف از وضعیت سرمایه و کسب کار متقاضی استعلام می کرد و بخصوص از بانک شاهی و بانک عثمانی درباره میزان اعتبار و حسن شهرت متقاضی تحقیقاتی به عمل می آورد و پس از حصول نتیجه، تقاضای فرد پذیرفته و یا رد می شد. محل اقامت این تاجر معروف «پانسیون سانترال خانه سیدضیاءالدین» واقع در خیابان نادری بود. بر اساس

درخواست محرمانه وزیر مختار اتریش مقیم استامبول از سفارت ایران در این کشور، لازم بود تحقیقات پنهانی درباره «مسیو اهلرس» و نحوه تجارت او در تهران انجام شود چون نتیجه این تحقیقات در سمت جدید او مؤثر بود. (سال ۱۳۰۷ کارتن ۱۳ پرونده ۳ سند شماره ۶)

تجارت و در کل اقتصاد ایران در دوره رضاشاه به شدت دولتی بود و این سیاست در کشورهای خارجی از طریق کنسول ها و بعدها سفارت ایران در اتریش پیگیری می شد. دولت ایران و وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه در سال ۱۳۰۸ / ۱۹۲۹ م با هدف بررسی شرایط و وضعیت تجارت بین ایران و اتریش کنسولی افتخاری به اتریش فرستاد که موظف بود ضمن بررسی اوضاع داخلی و اقتصادی اتریش، درباره چگونگی گسترش حجم صادرات ایران به اتریش خاصه صادرات روده و فرش تحقیق کرده و نتیجه را به اتاق تجارت تهران ارسال دارد. ژنرال کنسول، همچنین می بایست بنا به دستور وزارت تجارت و فواید عامه قیمت اجناس و کالاهای ایرانی را محاسبه کرده و در خصوص میزان سود و زیاد معامله انواع کالا تحقیق کند. ژنرال قنصلگری ایران در وین صورت صادرات ایران به اتریش در سه ماه سوم سال ۱۹۲۹ م را تهیه و یک نسخه از آن را به ایران ارسال داشت. (سال ۱۳۰۸ کارتن ۲۶ پرونده ۵۲,۲۱۵ سند شماره ۳ و ۱۰ و ۱۱)

اتاق تجارت تهران به وزیر مختار ایران در اتریش نوشت: برای برقراری ارتباطات تجاری سودمند با اتریش آگاهی از وضعیت تجارت داخلی و خارجی آن کشور و به صورت کلی اقتصاد، الزامی است. در راستای این توصیه وزیر مختار ایران چند نسخه از کتابهایی که درباره صنعت، تجارت و حمل و نقل اتریش به زبان آلمانی نوشته و به فرانسه ترجمه شده بود، به اتاق تجارت ارسال داشت. (سال ۱۳۰۸ کارتن ۲۶ پرونده ۵۲,۲۱۵ سند شماره ۲۸)

وجود کمپانی ها و تجارتخانه هایی با کار و یا سرمایه مشترک یکی از شاخصه های رشد تجارت در هر دوره ای است. کمپانی «ژوزف پیرنکا» در دوره رضاشاه و پس از آن، یکی از کمپانی های فعال در عرصه تجارت با ایران بخصوص در تجارت انواع پارچه و نخ های ابریشمی بود. (سال ۱۳۰۸ کارتن ۲۶ پرونده ۵۲،۲۱۵ سند شماره ۷۳)

این کمپانی سفارش های تجار ایرانی را دریافت کرده و محموله های مورد نظر را به ایران می فرستاد در صورتی که طرف ایرانی به هر دلیل از انجام معامله سرباز می زد، سفارت ایران و سپس وزارت تجارت و فواید عامه مسئول رسیدگی به خسارات وارده بر کمپانی بود. (همان، سند شماره ۷۴)

به گزارش شارژدافر ایران در اتریش نشریات این کشور توجه خاصی به روابط تجاری کشورشان با ایران داشته و اغلب روابط موجود را انعکاس می دادند. بولتن «کوتیدین پرس اترانثر» در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۳۶ برابر با ۲ آبان ۱۳۱۳ شرحی راجع به روابط تجاری ایران و اتریش منتشر کرده و در خلال آن خبر از تأسیس یک دفتر تجارتی اتریشی در ایران داد. (سال ۱۳۱۳ کارتن ۵۲ پرونده ۱۴۲ سند شماره ۱)

همچنین روزنامه «ویز رینونک» در شماره ۲۲۵ اکتبر ۱۹۳۴ مقاله مفصلی راجع به روابط تجاری ایران و اتریش درج نمود. (همان، سند شماره ۱۴) بر اساس گزارش های ژنرال کنسولگری ایران در وین، حجم تجارت ایران با اتریش در سه ماهه اول سال ۱۹۳۲ از حیث واردات و صادرات بخصوص صادرات قالی افزایش چشمگیری داشته است. (سال ۱۳۰۸ کارتن ۲۶ پرونده ۵۲،۲۱۵ سند ۹۰ تا ۹۱) کنسول ایران در وین موظف بود هر سه ماه یکبار گزارشی از وضعیت تجارتی اتریش و ایران و وضعیت اقتصادی اتریش به وزارت امور خارجه و اتاق تجارت در تهران ارسال دارد.

در این گزارش که از طرف وزارت تجارت اتریش منتشر شده بود، به استناد آمار و ارقام میزان رشد صادرات ایران به اتریش و روابط تجاری ایران با این کشور روند فزاینده ای داشت. در سه ماهه اخیر ۱۹۳۱ م تجارت اتریش به ایران بالغ بر ۱۱۲۳۰۰۰ شلینگ اتریشی بود. در صورتیکه در سه ماه قبل از تاریخ مزبور ۷۳۹۰۰۰ شلینگ بوده است. بنابراین حجم ارتباطات تجاری دو کشور معادل ۳۸۴۰۰۰ شلینگ رشد داشته است. بنا به این گزارش واردات ایران از اتریش ۱۰۵۲۰۰۰ شلینگ بود که این مبلغ در سه ماه قبل از آوریل ۱۹۳۱ در حدود ۷۰۳۰۰۰ شلینگ برآورد شده بود. همچنین صادرات اتریش به ایران در این زمان، ۷۱۰۰۰ شلینگ بود که در سه ماه قبل از آن به مبلغی بالغ بر ۳۶۰۰۰ رسیده بود.

قیمت امتعه مهم ایرانی که در سه ماهه چهارم و سوم سال ۱۹۳۱ به اتریش وارد شده بود، به شرح زیر بود:

سه ماهه سوم ۱۹۳۱	سه ماهه چهارم ۱۹۳۱	امتنه
۴۳۲ شلینگ	۹۰۷ شلینگ	فرش ابریشمی
۲۳۸	۹۳	دُررد روغن معدنی
۱	۱۸	روده
۱۴	۷	نفت
۱۶	۲۵	روغن موسوم به گاز
۲	۲	بنزین

بنا به ارقام جدول فوق صادرات فرش ایران به اتریش در سه ماهه اخیر ۱۹۳۱ در مقایسه با سه ماه قبل از آن دو برابر شده بود. صادرات روده به میزان سابق خود (در

عصر قاجار) برنگشت ولی افزایش قابل توجهی یافت. صادرات نفت و بنزین و روغن رشد چشمگیری نداشت. (سال ۱۳۰۸ کارتن ۲۶ پرونده ۵۲,۲۱۵ سند شماره ۹۸)

در گزارش اداره تجارت راجع به میزان و اقلام صادرات ایران، راجع به صادرات مواد نفتی آمده است: علی رغم اینکه ژنرال کنسول ایران در وین، در جدول ارسالی خود مواد نفتی را جزء اقلام صادراتی ایران دانسته است اما از آنجا که مواد و محصولات نفتی ایران توسط کمپانی نفت جنوب در کشورهای خارجی به فروش می رسد، در زمره اقلام صادراتی ایران به اتریش و سایر کشورها به حساب نمی آید و عمده صادرات ایران به اتریش فرش و روده بوده است. (همان، سند شماره ۹۹)

در پی عزم دولت برای گسترش سطح صادرات و واردات به خارج، در سال ۱۳۰۹ اتاق تجارت تهران اقدام به انتشار مجله ای با عنوان «مجله رسمی اتاق تجارت تهران» کرد و مقرر شد این مجله به زبان های انگلیسی و فرانسه ترجمه شده و برای استفاده کنسول های ایران در سایر دول از جمله اتریش فرستاده شود. هدف از انتشار مجله، دادن گزارش هایی در خصوص وضعیت اقتصادی و تجاری ایران، صادرات و واردات، بیان قوانین و مقررات حوزه تجارت و معرفی امتعه و کالاها و همچنین توضیح وضعیت تجارت خارجی بود. مسئولین مجله، ترجمه به زبان خارجی را برای استفاده مؤسسات و تجار خارجی در راستای ارتقای سطح کمی و کیفی تجارت خارجی ایران ضروری دانستند. (سال ۱۳۱۰ کارتن ۳۲ پرونده ۵۲,۲۲۷ سند شماره ۳)

ژنرال قنصلگری ایران در وین بابت اشتراک خود به مجله رسمی اتاق تجارت تهران مبلغ ۳ دلار به سفارت ارسال داشت. (همان، سند شماره ۱۷) بنا به گزارش اداره اقتصادیات، اقدام اتاق تجارت در نشر مجله، بسیار مورد توجه تجار و مؤسسات تجاری ایران در کشورهای خارجی قرار گرفته و تجار ایرانی و خارجی برای دریافت مجله

مکرراً به قنصلگری ها و سفارتخانه ها مراجعه می کنند. همچنین از آنجا که آگاهی از وضعیت تجاری و اقتصادی کشور برای مأمورین سیاسی دولت نیز ضروری بود، اطلاعات این مجله برای استفاده این مأمورین راه گشا و کاربردی بود. (همان، سند شماره ۱۸)

یکی از نکاتی که از گزارش های سه ماه یکبار ژنرال کنسول ایران در وین در خصوص روابط تجاری ایران و اتریش فهم می شود، وجود بحران اقتصادی و مشکلات پولی در اتریش در سال ۱۹۳۲-۱۹۳۱ بود. (سال ۱۳۰۸ کارتن ۲۶ پرونده ۵۲،۲۱۵ سند شماره ۱۱۹)

به گزارش اداره اقتصادیات، میزان حجم صادرات ایران به اتریش از حجم واردات آن بیشتر بوده و این مسأله در طی مذاکرات مسیو «بوشبرگر» وزیر مختار اتریش با رئیس اداره اقتصادیات در تهران مورد بحث قرار گرفت. وزیر مختار اتریش خواستار اختصاص تسهیلات و اتخاذ تمهیدات ویژه از طرف دولت ایران برای افزایش حجم واردات و فروش کالاهای اتریشی در ایران بود. آقای انصاری در پاسخ ضمن اشاره به روند رو به رشد تجارت دو کشور افزود: «دولت شاهنشاهی تسهیلات عمده در تجارت خارجی خود فراهم نموده و هر مملکتی می تواند در حدود مقررات قانون انحصار تجارت خارجی با ایران تجارت نماید و اگر امتعه اتریش در ایران رواج ندارد، بحثی بر ما وارد نیست و بر مؤسسات ذی علاقه اتریش است که اجناس خود را در بازارهای ایران عرضه داشته و جلب مشتری نمایند و ما نمی توانیم ترتیب خاصی نه نسبت به امتعه اتریش و نه امتعه هر مملکت دیگری قائل بشویم.» (سال ۱۳۱۳ کارتن ۵۲ پرونده ۱۴۲ سند شماره ۲۲)

مسأله گمرک یکی از مهم ترین مسایلی بود که وضعیت آن در حوزه روابط اقتصادی دو کشور لحاظ شد. بعد از جنگ جهانی اول کشورهای تازه استقلال یافته و

در حال توسعه که در حال گذار به مرحله سرمایه داری نیز بودند، برای تأمین هزینه پروژه های نوسازی و دستیابی به استقلال سیاسی و رفاه اجتماعی، به وضع قوانین جدید گمرکی و سیاست های حمایتی در این رابطه دست زدند. بر اساس ماده پنجم قانون گمرکی جدید ایران، دولت مجازاست با کشورهای خارجه قراردادهای گمرکی به مدت یک سال منعقد کند. بنابراین دولت اتریش می تواند پیشنهادهای خود برای انعقاد قرارداد گمرکی با ایران را به وزارت خارجه ایران ارسال کند. (سال ۱۳۱۵ کارتن ۵۲ پرونده ۳۳ سند شماره ۱۸)

به گزارش اداره عهود و جامعه ملل، قرار موقت گمرکی که بین ایران و اتریش منعقد شده بود، در تاریخ ۱۰ اوت ۱۹۳۱ / ۱۷ مرداد ۱۳۰۹ منقضی شد و برای ۶ ماه دیگر تا تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۳۲ مطابق ۲۰ بهمن ۱۳۱۰ تمدید شد و به امضای وزیر مختار اتریش مقیم روسیه رسید. (سال ۱۳۱۰ کارتن ۱۲ پرونده ۱۵،۱۹۹ سند شماره ۲)

همچنین بنا به گزارش سهیلی معاون وزارت خارجه، قرارداد موقت گمرکی بین ایران و اتریش در تاریخ ۱۰ اوت ۱۹۳۵ م به پایان رسیده بود تا ۱۰ مه ۱۹۳۶ تمدید شد. شرایط مندرج در قرارداد با اتریش مطابق قراردادهای گمرکی ایران با سایر دول خارجی بود. روال انعقاد قراردادهای گمرکی بدین صورت بود که این قبیل قراردادها برای مدت ۶ ماه منعقد و در صورت توافق طرفین برای ادامه همکاری های دوجانبه در این زمینه، تمدید می شد. (سال ۱۳۱۴ کارتن ۱۵ پرونده ۴۳ سند شماره ۸)

تغییرات اقتصادی و تجاری

سیاست های ملی گرایانه رضاشاه در حوزه تجارت خارجی و اقتصاد ملی، در شرایط ثبات و امنیت نسبی که پس از جنگ ایجاد شده بود، و همچنین اقتدار دولت

مرکزی که در نسبت با افزایش در آمد نفت قرار داشت، کسری تراز پرداخت ها را کاهش داد. همچنین تجدید سازمان بودجه و مالی کشور حساب های دولت را به سامان کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۳۵) این شرایط اگرچه حاکی از توسعه اقتصادی نبود اما نشانه خروج اقتصاد از وضعیت مطلقا آشفته بود و به دولت کمک کرد در راستای تقویت اقتصاد ملی، در عرصه تجارت خارجی دست به تدوین قوانین جدید زده و نهادهای جدیدی در ارتباط با آن تأسیس کند. در این دوره تعیین قیمت و ارزش کالاهای مختلف و تأمین ارز برای انجام معاملات تجاری با دول خارجی بر عهده کمیسیون اسعار بود.

ماجرای ارز و اسعار خارجی در ایران پیشینه ای ۸۰ ساله داشت. در دوره رضاشاه، متأثر از گفتمان نوسازی در حوزه های مختلف اجتماعی و اقتصادی، معاملات خارجی، تجارتخانه ها و بنگاه های خصوصی رونق گرفت هرچند به دلیل دولتی بودن اقتصاد در عصر رضاشاه، بخش خصوصی چندان قدرتی نداشت و عمده ارز خارجی در دست دولت بود اما به صورت کلی در این دوره اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی و بین المللی پیوست. این تحول جدید تأسیس نهادها و تدوین قوانین نوین در حوزه اقتصاد و تجارت جهانی را الزام آور ساخت.

نقطه عطف و آغاز برنامه ریزی برای مسأله ارز و اسعار را باید در تأسیس بانک ملی ایران دید که به توصیه و پیشنهاد امین الضرب در دستور کار هیأت وزیران قرار گرفت و کمی بعد تصویب شد. از همان سال ۱۳۰۷ که بانک ملی در تهران افتتاح شد، مقدماتی برای نظارت بر امور ارزی، به منظور حفظ موازنه بازرگانی خارجی فراهم شد. مجلس، کارشناسان خارجی بانک ملی، مدیر بانک شاهنشاهی و هیأت وزیران هر کدام در اعمال و همچنین در بود و نبود چنین ساز و کاری مجادله داشتند اما «بالاخره،

به موجب قانون معاملات اسعار خارجی (مصوب ۱۴ اسفند ۱۳۱۴) کمیسیون اسعار، مرکب از نمایندگان و وزارت دارایی و اداره تجارت و بانک ملی ایران، از فروردین ۱۳۱۵ در تهران تشکیل شد و بدین ترتیب، بانک ملی ایران به موجب آیین‌نامه کمیسیون ارز، ۲ نفر از پنج نفر از اعضای کمیسیون را مسئول نظارت و مداخله در امور ارزی کشور دانست تا با اتخاذ تصمیمات مقتضی و مفید به موازنه ارزی کشور و حفظ ارزش خارجی ریال کمک کنند. از سوی دیگر، به موجب تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران، به بانک اجازه داده شد که در خرید و فروش گواهی ارز، به حساب دولت مداخله نماید. (فرجی، ۱۳۹۵: ۴۱۷)

بدین ترتیب نظم و سامانی خاص پیرامون معاملات اقتصادی به وجود آمد. آغاز جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن در ایران، این قاعده و مقررات را مختل کرد و آشفتگی و بی‌نظمی بار دیگر در معاملات اقتصادی و تجاری ایران حاکم شد و موازنه دادوستد را برهم زد. در کنار پیامدهای زیان بار جنگ بر اقتصاد ملی ایران، دیکتاتوری رضاشاهی که در تمام عرصه‌ها و ارکان جامعه ایرانی اعمال می‌شد، حوزه اقتصاد را نیز با اجرای یکپارچه سازی اقتصاد در قالب اقتصاد دولت محور متأثر کرد. اقتصاد دولتی اگرچه بخش عمده‌ای از معاملات اقتصادی کشور را مورد نظارت قرار داد، اما امکان رشد و توسعه اقتصاد ملی بدون فعالیت بنگاه‌های خصوصی توانمند ممکن نبود. تدابیر دولت رضاشاه در مسأله ارز و اسعار البته از شدت بیماری اقتصاد ایران نکاست. کاهش ارزش ریال که در گذشته وجود داشت، ادامه یافت. تلاش‌های رژیم برای غلبه بر این مشکل، به جایی نرسید. کمیسیون اسعار موظف بود نسبت به انجام تسهیلات در زمینه واردات و ورود کالاهای دول مختلف رویه بی‌طرفی اتخاذ کرده و تبعیضی قایل نشود. سفارت اتریش در آنکارا ضمن اعتراض به عملکرد

کمیسیون اسعار در خصوص ورود کالاهای اتریشی به ایران خواستار رسیدگی به این موضوع شد. کمیسیون اسعار در پاسخ اعتراض وزیر مختار اتریش نوشت: رویه این کمیسیون با اتریش مانند سایر دول است و تبعیضی وجود ندارد و همچنین ضمن اشاره به مسأله افزایش صادرات اتریش به ایران در مقایسه با واردات ایران به این کشور از سفارت اتریش در آنکارا خواست به مسأله تجارت قالی و واردات این کالا به اتریش رسیدگی کند زیرا «دولت اتریش نسبت به واردات ایران مخصوصاً قالی تزییقاتی معمول داشته و در نتیجه لطمه عمده به اجناس ما در آن کشور وارد ساخته است. وزارت امور خارجه شاهنشاهی انتظار دارد با حسن روابط این تزییقات برطرف شود.» (سال ۱۳۱۵ کارتن ۵۲ پرونده ۱۳ سند شماره ۱۲)

پیشی گرفتن واردات ایران بر صادرات در این دوره و برهم خوردن موازنه بین این دو بخش اقتصادی، محصول بحران در تمام ارکان اقتصادی ایران در این دوره بود. این بحران از همان آغاز حکومت پهلوی وجود داشت و با گذشت زمان شدت یافت. وضعیت اقتصادی کشور مقارن به حکومت رسیدن رضاشاه بحرانی بود. تولیدات داخلی توان رقابت با محصولات خارجی را نداشت، میزان نسبت واردات بر صادرات به شکل فزاینده ای به ضرر صادرات ایران پیش می رفت و خزانه دولت نیز توانی نداشت. ولی مهم ترین نمود بحران اقتصادی کشور، کاهش بی وقفه ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی بود. این بحران تا حد زیادی ریشه در ساختار پولی و مالی جهان و کاهش قیمت جهانی نقره داشت. دولت پهلوی برای مقابله با بحران کاهش ارزش قران، به تدابیری دست زد که در چهارچوب اقتصاد دولتی و انحصارات دولتی قابل بحث است. اقدام نخست تفتیش اسعار خارجی در اسفند ۱۳۰۸ و سپس انحصار تجارت خارجی در اسفند ۱۳۰۹ بود.

نخستین اثر کاهش ارزش قران در برابر بالا رفتن ارزش لیره، دلار، مارک و فرانک، کاهش صادرات و افزایش هزینه کالاهای وارداتی بود. احتیاج ارتش به وارد کردن وسایل موتوری، هواپیما، کشتی، کامیون و اسلحه و همچنین وارد کردن ملزومات راه آهن و تأمین دستگاه های جدید کشاورزی برای املاک شاهی، در شرایطی که میزان ارز کاهش یافته بود میزان واردات ایران در برابر صادرات را فزونی بخشید. این شرایط روحیه و عملکرد تجار و بازاری ها را در کار صادرات و واردات بشدت تضعیف کرد. در کنار این عوامل حق الامتیازهای شرکت نفت انگلیس و ایران و پرداختی های این کشور به ایران نیز تأثیر گذار بود. در نتیجه صادرات کشور کفاف واردات را نمی داد. مبالغ هنگفتی کسری داشت. (احمد گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۸۲)

مسأله مهم دیگری که در همین فضای دولتی شدن اقتصاد، تجارت خارجی ایران با سایر دول و از جمله اتریش را متأثر کرد، تصویب و اجرای قانون معاملات اسعار خارجی در ۱۰ اسفند ۱۳۱۴ بود. اجرای مصوبات این قانون کنترل اسعار خارجی و به تبع آن اساس تجارت خارجی را در اختیار دولت قرار می داد. این مسأله اعتراض و مخالفت تجار و مؤسسه ها و شرکت های خارجی و داخلی را برانگیخت.

بر اساس ماده ۱ این قانون خرید، فروش، واگذاری و هر نوع معامله دیگر مربوط به اسعار خارجی و بیرون بردن اسعار از ایران ممنوع بود مگر طبق شرایطی که هیأت وزراء در ماده ۲ تصویب کرده بود. ماده ۲ - برای موازنه حساب اسعاری کشور و نظارت در کلیه امور و معاملات اسعاری کمیسیونی به اسم کمیسیون اسعار در وزارت مالیه تشکیل خواهد شد مرکب از نمایندگان وزارت مالیه، اداره کل تجارت و بانک ملی ایران. خرید اسعار برای واردات و حوائج دیگر و هر نوع انتقال اسعار به خارجه منوط به جواز کمیسیون اسعار خواهد بود. کمیسیون فقط در حدودی جواز خواهد داد

که به توازن اسعاری کشور خللی وارد نیاید. کمیسیون اسعار می تواند تقاضای خرید اسعار برای واردات از هر کشور را بیش از حدی که اجناس ایران در آن کشور فروش رفته و اسعار به ایران می آورد نپذیرد. هر گونه مقرراتی که برای حفظ موازنه اسعاری کشور لازم باشد و کلیه نظامنامه های اجرایی این قانون را کمیسیون اسعار تهیه و به وسیله وزارت مالیه به هیأت وزراء پیشنهاد خواهد کرد. ماده ۳ - کلیه معاملات اسعاری باید منحصرأ به وسیله بانکهایی به عمل آید که از طرف دولت اجازه این معاملات به آنها داده شده باشد - شرایط اعطاء و بقاء این اجازه را هیأت وزراء معین خواهد کرد. ماده ۴ - نرخ خرید و فروش اسعار به تصویب هیأت وزراء خواهد رسید. ماده ۵ - کلیه صادر کنندگان مکلفند اسعار حاصله از صادرات بعد از این تاریخ را تا سه روز پس از دریافت و منتها سه ماه پس از صدور به بانکهای مجاز بفروشند. در صورت لزوم مدت سه ماه فوق را هیأت دولت تقلیل یا تمدید خواهد داد. اسعاری را که از صادرات قبل از این قانون بعدأ دریافت گردد باید تا سه روز پس از وصول به بانکهای مجاز فروخته شود.

ماده ۷ - هر کس پس از تصویب این قانون اسعاری از غیر طریق صادرات به دست آورد مکلف است تا سه روز پس از دریافت اسعار خود را به بانکهای مجاز بفروشد. مواردی که باید از این قاعده مستثنی شود ضمن نظامنامه های مصوب هیأت دولت معین خواهد شد. ماده ۸ - کسانی که قبل از تصویب این قانون تعهداتی به اسعار خارجه کرده اند که پس از تاریخ این قانون باید انجام شود مکلفند تا آخر فروردین ماه ۱۳۱۵ مدارک تعهد خود را به کمیسیون اسعار ارائه دهند. کمیسیون می تواند مقرر دارد که متعهد در موقع مقرر معادل قرض اسعاری خود ریال در بانک ملی ودیعه گذارده و پس از صدور جواز خرید اسعار بدهی اسعاری خود را تأدیه کند. مدیونی

که به ترتیب فوق در بانک ملی و دیعه ریالی گذارد از لحاظ عدم پرداخت اسعار قابل تعقیب در محاکم نخواهد بود. ماده ۹ - متخلفین از مواد ۱ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ و مقررات و نظامنامه های مذکور در ماده ۲ به مجازاتهای ذیل محکوم می شوند:

الف - به حبس از یک سال تا سه سال. ب - مجرم - شرکاء و معاونین به طور تضامنی به جزای نقدی معادل دو برابر مبلغ موضوع عمل یا معامله ممنوع. این امر مانع از این نخواهد بود که اگر عمل یا معامله مشمول قوانین جزایی شدیدتر باشد علاوه بر جزای نقدی فوق متخلف به مجازات مقرر در آن قوانین نیز محکوم گردد.

محاکمه در تهران در محکمه ای که وزارت عدلیه برای رسیدگی به جرائم اسعاری اختصاص خواهد داد به عمل می آید - هفتاد درصد از جرائم مأخوذه به کاشفین تخلفات از این قانون پرداخته خواهد شد. ماده ۱۰ - تجاری که شغل آنها صدور یا ورود آن اجناس است مکلفند شرکتهایی که منحصرأ حق صدور یا ورود آن اجناس به آنها داده خواهد شد تشکیل بدهند. ماده ۱۱ - این قانون بلافاصله پس از تصویب به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

(صورت مذاکرات مجلس، جلسه ۱۷ اسفند ۱۳۱۴)

همان طور که گفته شد دخالت دولت و کنترل شدید بر مساله اسعار و نرخ ارز صادرات ایران به اتریش و واردات از آن کشور را متأثر ساخت. بنا به گزارش سفارت ایران در رم در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۱۵ دولت اتریش «فروش اجناس ایران در اتریش در مقابل اسعار را منع کرده و اجازه نمی دهد قیمت اجناس مزبور بخارجه انتقال داده شود.» دولت ایران طی یادداشتی از اتریش به دلیل این ممانعت توضیح خواست. دولت اتریش در پاسخ خود به سفارت ایران گفت: «دولت اتریش مانع فروش اجناس ایران در اتریش در مقابل اسعار نشده است و بانک ملی اتریش تا کنون به فروشندگان

اجناس ایرانی اجازه خروج اسعار را داده است اما به واسطه مقررات جدید ایران نسبت به خروج اسعار تجار صادر کننده اتریش برای انجام تعهدات خود در مضیقه هستند و از سفارت مزبور تقاضا کرده اند وجوه خاصی از فروش اجناس ایرانی در مقابل مطالبات آنها پرداخت شود.» (سال ۱۳۱۵ کارتن ۵۲ پرونده ۳۳ سند شماره ۱۶)

علاوه بر تصویب و اجرای قانون اسعار، قانون انحصار تجارت و بازرگانی خارجی که در اسفند ۱۳۰۹ به تصویب رسید و در ۱۹ تیر ۱۳۱۱ تغییراتی کرد. شرکای تجاری ایران در کشورهای دیگر از جمله اتریش را با مشکل مواجهه ساخت. تحولات بین المللی بعد از جنگ جهانی اول، اثرات بحران اقتصادی ۱۹۳۰ و سلطه بازرگانی شوروی بر اقتصاد کشاورزی ایران، در تدوین این قانون مؤثر بود. تحولات و پیامدهای اقتصادی و سیاسی جنگ جهانی اول در ایران نیز مانند بعضی از دول دیگر، دخالت دولت در اقتصاد را به شکل اجتناب ناپذیری درآورده بود. بحران اقتصادی ۱۹۳۰ که همزمان با دولتی شدن بازرگانی شوروی و سقوط ارزش نقره به عنوان واحد پول ایران رخ داده بود، بحران اقتصادی در ایران عصر رضاشاه را تشدید کرد. دولت با اتخاذ این تصمیم و دولتی کردن تجارت و بازرگانی، سعی در حل موقتی بحران اقتصادی و جبران کسری تراز بازرگانی ایران داشت. در راستای تحقق این هدف، کوشید صنعتی سازی را جایگزین واردات کرده و شرکت های بازرگانی و شرکت های سهامی را در مقابل سیستم بازرگانی سنتی قرار دهد و تغییراتی در الگوی کشاورزی و صادرات به وجود آورد. در سال ۱۳۰۸ در نتیجه رکود اقتصادی ارزش پول کشور در برابر ارزهای خارجی پایین آمد و از میزان صادرات کاسته شد. دولت برای فائق آمدن بر این مشکل همان طور که پیشتر گفته شد، در اسفند ۱۳۰۸ قانون «تفتیش اسعار خارجی» را تصویب کرد. اجرای این قانون حتی با انجام اصلاحات و تبصره های مختلف مسأله بحران مالی

کشور را حل نکرد و دولت تصمیم گرفت در کنار کنترل منبع ارز اقتصاد کشور، تجارت خارجی را نیز به انحصار خود درآورد. مواد مختلف این قانون، کلیه معاملات تجاری را تحت کنترل دولت درآورد و فعالیت تجار و مؤسسه ها و شرکت های خصوصی خارجی و ایرانی را به حاشیه راند. (غلامی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۷)

ماده اول - تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بود و حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین میزان و شرایط ورود و صدور آنها در حدود مقررات این قانون به دولت واگذار می شود. ماده دوم - وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجه به ایران به استثنای مواردی که در قانون پیش بینی شده است مشروط به شرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی ایران و مراعات مقررات این قانون است. تناسب بین واردات و صادرات مزبوره بر طبق مقررات این قانون معین می گردد به علاوه به دولت اجازه داده می شود در مواردی که مصالح اقتصادی مملکت اقتضا نماید اجازه ورود پاره محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجه را مشروط به شرط صدور محصولات طبیعی و یا صنعتی ایرانی بنماید. تبصره - اجناسی که به عنوان ترانزیت وارد خاک ایران می شود جزو واردات مملکت محسوب نشده و مشروط به صادر کردن محصولات و یا مصنوعات ایران نمی باشد و ورود آنها محتاج به داشتن جواز ورود نخواهد بود. ولی در صورتی که اجناسی که به طور ترانزیت وارد می شود از حدود مقررات ترانزیتی خارج و در داخله ایران به مصرف برسد وارد کنندگان ملزم به اجرای مقررات قانون انحصار تجارت خارجی خواهند بود. به علاوه از این گونه اجناس عوارض ورودی دو مقابل مأخوذ خواهد گردید و اگر اجناس غیر مجاز باشد بلاعوض از طرف دولت ضبط خواهد شد. ماده سوم الف - دولت مجاز است حق وارد کردن محصولات خارجی را که خود نمی خواهد

مستقیماً عهده‌دار شود به شرایط معینه و در تحت مقررات مخصوص به اشخاص و یا مؤسسات مختلفه تجارتي واگذار نماید. ب - برای تأمین این مقصود دولت مکلف است که همه‌ساله در اول تیرماه که اول سال اقتصادی است صورتی از محصولات طبیعی و یاصنعتی خارجی را که خود متصدی ورود آنها نخواهد بود و اجازه وارد نمودن آنها را در ظرف آن سال اقتصادی به اشخاص و یا مؤسساتی خواهد داداعلان نماید. تبصره - بر طبق تصویبنامه هیأت وزراء در سهم هر یک از گمرکخانه‌ها تغییر و تبدیل لازم می‌توان داد. ج - گذاردن اجناسی که در داخله ایران تهیه می‌شود و از حیث مقدار و مرغوبیت کافی احتیاجات مملکتی است در سهمیه و بالتجیه دادن اجازه ورود اجناس مزبوره برای تجارت ممنوع است. د - نسبت به اجناسی که در داخله ایران تهیه می‌شود ولی از حیث مقدار کافی احتیاجات عمومی نمی‌باشد فقط به قدر تکمیل احتیاجات عمومی در سهمیه گذارده خواهد شد. ه - همچنین در صورتی که ورود پاره اجناس خارجی مستلزم صدور اجناس معین ایران باشد آن اجناس و اجناس متقابل آنها و شرایط مربوطه به‌صدور و ورود در سهمیه ذکر خواهد شد. و - دولت می‌تواند در ظرف یک سال اقتصادی میزان و مبلغ اجناس مذکور در سهمیه را اضافه نموده و یا اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید لکن حق کسر کردن اجناس اعلان شده در سهمیه را در ظرف آن سال اقتصادی نخواهد داشت. ح - در صورتی که دولت میزان و یا مبلغ اجناس مذکوره در سهمیه را اضافه نماید و یا اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید آن اضافات نیز باید برای اطلاع عامه اعلان شود.

اشیایی که برای فروش نبوده و منحصرأً برای احتیاجات و مصارف شخصی وارد بود به شرط اینکه اگر اجناس مزبوره برای اشخاص و مؤسسات خارجی وارد شود پول خرید آن در داخله ایران تحصیل نشده باشد و اگر برای اشخاص و یا مؤسسات داخلی

وارد شود آن اشخاص و مؤسسات دارای حق معافیت گمرکی باشند و یا ثابت نمایند که پول خرید آن در داخله ایران تهیه نشده است. ماشین آلات و قطعات و مایحتاج آنها که برای رفع حوائج مهمه مملکت از محصولات و مصنوعات خارجی و یا بهبودی صادرات وارد می شود در حدود اعتبارات اسعاری که از طرف دولت برای این گونه موارد معین می گردد و یا در صورتی که برای ورود آنها احتیاجی به تهیه اسعار خارجی در بازار ایران نباشد. (صورت مذاکرات مجلس تیر ماه ۱۳۱۱ و اسفند ۱۳۱۰)

این قوانین، تجارت خارجی ایران با اتریش در زمینه مهم ترین کالا صادراتی ایران به این کشور یعنی فرش را نیز تحت شعاع قرار داد. در سال ۱۳۱۵ قسول اتریش به نمایندگی از دفتر تجارت شرق و اتاق تجارت اتریش، پیشنهاد خرید قالی به ارزش ۵۰ هزار لیره به شرط تهاتر را به وزارت مالیه ایران اعلام کرد. وزارت مالیه قبول پیشنهاد اتریش را منوط به ارائه جزییات این معامله به صورت مکتوب و تعیین یک نماینده برای مذاکرات مربوطه دانست. (سال ۱۳۱۵ کارتن ۵۲ پرونده ۳۳ سند شماره ۲۲)

به گزارش کمیسیون اسعار، دولت اتریش فروش اجناس و کالاهای ایران در این کشور را در مقابل اسعار منع کرده و اجازه نمی داد قیمت اجناس ایرانی از طریق اتریش به خارج منتقل شود. بنابراین راهی جز انجام معاملات تهاتری وجود نداشت. (همان، سند شماره ۲۴)

به نظر می آید این اقدام اتریش در منع فروش اجناس خارجی در برابر اسعار، به دلیل تصویب و اجرای قوانین مربوط تجارت خارجی و اسعار در ایران بود که مخالفت بسیاری را از جانب دول خارجی و از جمله اتریش برانگیخته بود. سفارت اتریش در آنکارا خطاب به دولت ایران نوشت: «کمیسیون اسعار از صدور مجوز خرید اسعار برای اجناس که از اتریش به ایران وارد می شود خودداری می نماید بطوریکه این رویه

امکان تولید تأثیر سویی در روابط تجارتي بين دو کشور گذاشته و بالتیجه دولت اتریش را مجبور به اخذ رویه متقابل خواهد نمود.» کفیل اداره کل تجارت ایران در پاسخ اعتراض دولت اتریش گفت کمیسیون اسعار همه تلاش خود را کرده است که آن میزان از شدت عملی که مندرج در قانون اسعار و تجارت خارجی آمده را در تجارت با اتریش اعمال نکند اما نمی تواند نسبت به دولت اتریش تبعیض قائل شده و قانون اسعار را اجرا نکند. مخصوصاً اینکه روابط تجاری ایران با اتریش بسیار محدود و اندک است. دیگر اینکه دولت اتریش حاضر به هیچ گونه انعطاف و تخصیص تسهیلات برای تجارت با ایران نیست و حتی با تحمیل سخت گیری های بی مورد نسبت به کالاهای ایرانی بخصوص قالی، صادرات ایران را فلج کرده است. (سال ۱۳۱۵ کارتن ۵۲ پرونده ۳۳ سند شماره ۳۷)

البته کاهش صادرات ایران بخصوص قالی به اتریش، نتیجه کاهش حجم صادرات ایران در این دوره به صورت کلی بود. با گسترش کشاورزی در اروپای بعد از جنگ جهانی اول و افزایش تولید این کشورها در اثر بکارگیری اصول علمی در عرصه کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی در بازارهای جهانی سقوط کرد و تقاضای اروپاییان برای مواد خام کاهش یافت. بحران اقتصادی ۱۹۳۰-۱۹۳۳ بر وخامت اوضاع افزود زیرا باعث کاهش شدید قیمت کالاهای خام و افزایش کالاهای ساخته شده گردید. پیامد چنین وضعی برای کشورهایی مانند ایران که اقتصاد وابسته به کشاورزی داشتند زیانبار بود. کاهش تقاضا و کاهش قیمت محصولات کشاورزی و مواد خام، ارزش صادرات را کاهش داد و سبب پایین آمدن عواید ارزی کشور شد. در کنار این شرایط، کشورهای طرف تجارت ایران از جمله اتریش به منظور حفظ سطح درآمد خود، صادرات خود را به ایران افزایش داده و در مقابل از ورود کالاهای ایرانی

جلوگیری کردند در نتیجه ارزش کالاهای صادراتی ایران بشدت کاهش یافت. به عنوان مثال قالی که در سال ۱۳۰۵، ۲۷/۵۹ درصد صادرات ایران را تشکیل می داد در اثر این بحران به ۸/۹ درصد تنزل یافت. (غلامی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۴) وزیر مختار اتریش طی مذاکراتی با «فریتز هلرس» قنصل اتریش و مقامات مربوطه، خواستار انعقاد قرارداد خصوصی با ایران مبنی بر «معاوضه مال التجاره ایران با محصولات اتریش» شد و درخواست خود را به سفارت ایران فرستاد. (سال ۱۳۱۶ کارتن ۱۵ پرونده ۱۰ سند شماره ۱) اداره کل تجارت ایران در پاسخ سفارت در خصوص تقاضای اتریش برای انعقاد قرارداد معاملات تهاتری نوشت «قرارداد در بعضی قسمت ها ابهام دارد و موضوع اختصاص قسمتی از وجوه حاصله از صادرات ایران برای پرداخت های ارزی به اتباع اتریش نیز تعهدی برای ما ایجاد می کند که قبول آن ممکن است مورد تقاضای کشورهای دیگر هم که در صدد عقد قرارداد تهاتری هستند، بشود.» وزارت امور خارجه نیز قبول پیشنهاد اتریش را منوط به انجام مذاکرات بیشتر در این خصوص دانست. (همان، سند شماره ۵۳)

یکی دیگر از اهداف انحصار تجارت خارجی کنترل واردات کالاهای غیر ضروری و جلوگیری از پایین آمدن ارزش پول و حفظ تعادل بین واردات و صادرات بود. کنترل واردات ضمن ایجاد درآمد برای دولت باعث جلوگیری از پایین آمدن ارزش پول می شد و از اثرات بحران اقتصاد جهانی در کشور می کاست. در راستای تحقق این هدف در سال ۱۳۱۰ اداره کل تجارت توجهش را به ایجاد تعادل در واردات و صادرات معطوف کرد. بر اساس قانون انحصار تجارت خارجی برای ایجاد موازنه بازرگانی، واردات هرنوع کالا به ایران مشروط به صادر کردن کالای ایرانی بود و ورود بعضی از کالاهایی که ضروری پنداشته نمی شد ممنوع بود. در عوض ماشین

آلات و وسایلی که برای صنعتی کردن کشور مورد احتیاج بود، مشمول حقوق و معافیت های گمرکی می شد. این اقدام تا حدی از خروج بی مورد ارز از کشور جلوگیری کرد. (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۱۳۱-۱۳۰)

مصادق اجرای این قانون را می توان در اقدام وزارت طرق و مؤسسه راه آهن ایران در خرید چند لکوموتیو از اتریش دید. آقای «گردینگر» از طرف دولت اتریش مسول انجام این معامله بود. (سال ۱۳۱۶ کارتن ۱۵ پرونده ۱۰۰ سند شماره ۷۹)

همان طور که گفته شد به موجب قانون انحصار تجارت، هر واردکننده ای که درخواست صدور مجوز واردات تحت سهمیه های وارداتی را داشت، باید تصدیق نامه صدور کالایی به همان ارزش را ضمیمه تقاضایش می کرد. وقتی صادرکننده ای کالایی صادر می کرد، یک تصدیق نامه صدور کالا به او تسلیم می شد، که می توانست آن را به قیمت بسیار بالا در بازار بفروشد. یک واردکننده ناچار تصدیق نامه مزبور را می خرید و ضمیمه درخواستش برای مجوز واردات می کرد. هدف از این اقدام اطمینان از برابری کل واردات و صادرات بود. از سال ۱۳۱۰ به بعد قانون انحصار تجارت خارجی و کنترل اسعار اصلاحات و تغییراتی را به خود دید. وزارت امور خارجه در پاسخ وزیر مختار اتریش مبنی بر انعقاد قرارداد تجارتي و معاملاتی بین ایران و اتریش به صورت تهاتری یا ارزی نوشت: «تصمیم دولت نسبت به جریانات ارزی روشن شده است و مقرر است که صادر کننده حق دارد معادل نصف ارز حاصله از صادرات خود، پروانه ورود کالای خارجی تحصیل نماید.» وزارت خارجه در ادامه یادداشت خود ضمن اشاره به وضع مقررات جدید ارزی، تصریح کرد عقد قراردادهای تهاتری تا اندازه ای کاهش می یابد زیرا هدف کشورهای خارجی از عقد قراردادهای تهاتری امکان فروش کالاهای خود در بازار ایران است و چون قبلا به واسطه مشکلات ارزی عملا امکانی

برای انتقال قیمت کالای خود نداشتند ناچار مجبور بودند این منظور را به وسیله تهاثر محقق کنند اما اینک که مشکلات سابق تا حدی مرتفع شده است، دولت ایران حاضر است با اتریش قراردادی شبیه به آنچه با سوئیس منعقد کرده است، ببندد یعنی ۲۰ درصد از وجوه حاصل از صادرات به ایران از اتریش به صورت ارز آزاد در اختیار دولت ایران قرار گیرد. همچنین پیشنهاد اتریش مبنی بر محدود بودن معامله تا سقف ۳۰ هزار لیره انگلیسی مورد پذیرش قرار گرفت. (سال ۱۳۱۶ کارتن ۱۵ پرونده ۱۰ سند شماره ۸۵)

الحاق اتریش به آلمان و مساله تجارت خارجی با ایران

الحاق اتریش به آلمان تا زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۵۵ ادامه یافت. در طول این مدت روابط این کشور با سایر دول به اسم آلمان صورت می گرفت. امور بازرگانی و تجاری اتریش نیز با عنوان آلمان انجام می پذیرفت. در سال ۱۳۲۶ بر اساس قوانین جاری آلمان در حوزه تجارت و بازرگانی که پس از جنگ با دخالت انگلیس و آمریکا به تصویب رسیده بود، تنها بازرگانانی که از طرف دولت دارای مجوز تجارت و صادرات و واردات بودند، می توانستند در خاک آلمان تجارت کنند. نکته دیگر در خصوص شرایط تجارت بعد از جنگ، وضعیت تجارتخانه ها بود که در طول جنگ تعطیل شده و زیان های زیادی را متوجه صاحبان این تجارتخانه ها کرده بود. بنا به تلگراف اسماعیل نیکروان صاحب تجارتخانه ای با همین نام، تجارتخانه وی مدت ۱۵ سال با آلمان روابط تجاری بازرگانی وسیعی داشته و معاملات مهمی انجام داده بود. همچنین در شهر هامبورگ شعبه داشته و نمایندگی چند کارخانه مهم آلمانی در ایران را نیز بر عهده داشت اما وقوع جنگ سبب قطع ارتباطات و معوق ماندن حساب ها شده بود. نیکروان از وزارت خارجه خواست در شرایطی که بار دیگر امکان تجارت با

آلمان و کشورهای ملحق به آن فراهم آمد «چنانکه معرفی بازرگانان صلاحیتدار ایرانی برای مسافرت به آلمان جهت خرید توسط وزارت خارجه به عمل آید تجارتخانه اینجانب را نیز در ردیف بازرگانان صلاحیتدار ایرانی به مقامات آلمانی و انگلیسی و آمریکایی معرفی نمایید تا بتوانیم به موقع هم برای خرید و هم برای تسویه حسابات چندین ساله و نیز برای تجدید و تأسیس روابط بازرگانی جدید به آلمان مسافرت نمایم.» (سال ۱۳۲۶ کارتن ۱۷،۱ پرونده ۲۷۶۰۳۳ سند شماره ۴)

در سال ۱۳۲۶ امیرعباس هویدا برای رسیدگی به اموال و دارایی های ایران در آلمان و سروسامان دادن تجارت ایران با این کشور پس از تحولات پس از جنگ، به آلمان سفر کرد. (سال ۱۳۲۶ کارتن ۱۷،۱ پرونده ۲۷۶۰۳۳ سند شماره ۶)

سفارت ایران در پاریس خلاصه گزارش سفر هویدا به آلمان را جهت اطلاع وزارت خارجه و اتاق تجارت به تهران ارسال داشت. این گزارش حاوی نکات مهمی در خصوص تجارت ایران با آلمان بخصوص بعد از اتمام جنگ و الحاق کشورهای چون اتریش به آلمان و ظهور منطقه ای با عنوان «مناطق اشغالی آمریکا و انگلیس» بود. آلمان پس از جنگ به چهار منطقه اشغال شده تقسیم شده بود که هر یک تحت کنترل کشورهای پیروز انگلستان، فرانسه، شوروی و آمریکا قرار داشت. هرگونه اقدامی نیازمند توافق بین این چهار قدرت بود و تصمیم گیری های مهم در حوزه اقتصاد با توافق متفقین صورت میگرفت. اقتصاد آلمان در طول جنگ بشدت ضعیف شده بود. در سال ۱۹۴۵ وینستون چرچیل از حزب محافظه کار انگلستان پست خود را به کلمنت اتلی از حزب کارگر واگذار کرد. او به سرعت شروع به ملی کردن صنایع در انگلستان و اقتباس سایر سیاست های سوسیالیستی کرد. برخی از رهبران جدید انگلیس می خواستند ایده های سوسیالیستی در آلمان نیز پیاده شود. در سال ۱۹۴۷، آمریکا و

انگلستان تصمیم گرفتند مدیریت اجرایی مناطق تحت اشغال خود را تحت منطقه واحدی به نام «بیزونیا» در آورند. آقای ارهارد که یک اقتصاددان و بازرگان مورد احترام از ایالت باواریای آلمان بود، به عنوان وزیر اقتصاد برگزیده شد. در سال ۱۹۴۸ انگلستان، فرانسه و آمریکا توافق کردند به اشغال آلمان خاتمه دهند و یک دولت مستقل آلمانی با یا بدون گنجاندن منطقه تحت اشغال شوروی تأسیس کنند. به محض اینکه آلمان به حالت خودمختاری اقتصادی بازگشت، ارهارد خواهان انجام اصلاحات اقتصادی گسترده به ویژه در حوزه اصلاحات ارزی شد. اقدامات ارهارد با همراهی انگلیس و آمریکا در مناطق اشغالی، کمک شایانی به رشد اقتصادی آلمان کرد. به گزارش هویدا «در کلیه آلمان بخصوص در مناطق اشغالی انگلیس و آمریکا، تجارت با ممالک دیگر کم کم دارد دایر و معاملات انجام می گیرد. لازم است توجه دولت شاهنشاهی را جلب نموده که مثل سایر دول برای ایجاد روابط تجارتي با آلمان اقدام کنند.» هویدا در ادامه خواستار فرستادن مسیونرهای تجاری به آلمان شد تا پس از بررسی اقدام به انعقاد قراردادهای تجاری با مقامات متفقین کنند. هویدا ضمن توضیح سه روش معمول تجارت در آلمان، در ارتباط با ایران تأکید کرد کشور ایران دارای محصولات خام زیادی است که دولت آلمان تا سال ۱۹۴۱ خریداری می کرد و امروزه اغلب این محصولات به فروش نمی رسد بنابراین با توجه به این مسأله که بعضی از ممالک مواد خام خودشان مانند پنبه، پشم و پوست و ... به کشور آلمان می فرستند تا در کارخانجات آنها تبدیل به اجناس مورد نیازشان شود و این اجناس مجدداً به کشورشان بازگردد، ایران نیز می تواند از این امکان استفاده کند و مخارج تهیه این اجناس را یا با ارز آزاد پردازد و یا مقداری از مواد خام را برای تأمین بخشی از هزینه های تولید در اختیار آلمان قرار دهد. هویدا در آخر به ملاقاتش با «تیسمر» وابسته

تجاری سابق آلمان و علاقه وی به انعقاد قراردادهای تجاری با ایران اشاره کرد. (سال ۱۳۲۶ کارتن ۱۷،۱ پرونده ۲۷۶،۳۳ سند شماره ۷)

متفقینی که کنترل آلمان را در دست داشتند، برای رونق دادن به اقتصاد ورشکسته آلمان پس از جنگ تصمیم گرفتند در راستای احیای تجارت و بازرگانی آلمان با کشورهای مختلف سهمیه ای را نیز به خاورمیانه اختصاص دهند. شرط صدور مجوز برای تجار ایران و سایر دول خاورمیانه معرفی تجارتخانه ها و تجار مورد نظر از طرف وزارت خارجه به مقامات آلمانی بود. با انتشار این خبر، «تجارتخانه سید مرتضی حسینی» و سایر مؤسسه های تجاری درخواست خود را برای دریافت معرفی نامه را به وزارت خارجه تسلیم کردند. (همان، سند شماره ۱۴)

شرکت «تضامنی ابراهیم خسروشاهی و شرکا» به وزارت اقتصاد و بازرگانی و همچنین وزارت خارجه در خصوص فعالیت های تجاری خود قبل و بعد از جنگ در آلمان نوشت: «اینجانبان از سال ۱۹۲۸ در هامبورگ تجارتخانه داشته و تا قبل از جنگ اخیر به صادرات و واردات با آلمان اشتغال داشتیم اما در خلال جنگ و پس از آن در اثر اوضاع و قوانین داخلی آنجا تمام کارها را کد و علاوه بر محاسبات با بانکها و مردم بیعانه هایی نیز بابت سفارشات به کارخانه ها پرداخته ایم. از جمله یک کارخانه کلاه سازی بود که وجود و حاضر برای حمل است و همچنین خانه ملکی و متعلقات آن هم بی صاحب مانده است. بقراری که به آن وزارتخانه محترم نیز گزارشاتی مبنی بر تجدید حیات اقتصادی و بازرگانی آلمان رسیده و با سابقه ای که اینجانبان در تجارت با آلمان داریم لازم است در این خصوص مطالعاتی شود. لذا استدعا داریم به سفارت آمریکا در تهران توصیه فرمایند و لزوم عزیمت و صلاحیت شخصی اینجانب را متذکر شوند و هرچه زودتر ترتیب رفتن به آلمان را بدهند.» (همان، سند شماره ۲۳)

همان طور که از فحوای اسناد نیز برمی آید اتاق بازرگانی و وزارت بازرگانی ایران برای معرفی تجار ایرانی به آلمان باید با سفارت آمریکا مذاکره می کرد. وظیفه رسیدگی به این مجوزها و نظارت بر کار خرید و فروش بازرگانان منتخب بر عهده «اداره مشترک صادرات و واردات» بود که محل آن در میدان وستفالی آلمان قرار داشت. این اداره همچنین مسئول تهیه مسکن و وسایل زندگی برای اقامت کوتاه مدت تجار بود. (همان، سند شماره ۲۰)

رسیدگی و نظارت بر کار تجارت دولی که قبل از جنگ جهانی دوم با کشورهای الحاقی به آلمان مانند اتریش ارتباط داشتند نیز بر عهده سفارت آمریکا و انگلیس و مؤسسات این کشور در بخش اشغالی بود. تجار ایرانی که در اتریش دارای مال التجاره و تجارتخانه بودند در خلال جنگ متضرر شده و معاملات و فعالیت هایشان معوق ماند. پس از الحاق اتریش به آلمان، مشکل دوچندان شد زیرا از طرفی اقتصاد آلمان در سالهای پس از جنگ دوران ضعف و سستی خود را می گذراند و از طرف دیگر رسیدگی به امور سیاسی و اقتصادی کشورهای ملحق به آلمان، در شرایط آشفته پس از جنگ و تحت کنترل متفقین، دشوار می نمود. اتاق بازرگانی در خصوص رسیدگی به پرونده های این تجار با وزارت خارجه و سفارت آمریکا مذاکره کرده و مقرر شد بازرگانان مذکور درخواست خود را به اتاق بازرگانی وزارت اقتصاد ارسال کنند. (همان، سند شماره ۳۴)

آغاز جنگ جهانی دوم و درگیری آلمان در این جنگ، شکست آلمان و پیامدهای اقتصادی زیانباری که بعد از جنگ دامنگیر آلمان شد در کنار الحاق کشورهای چون اتریش به آلمان که وضعیت اقتصادی و تجاری اتریش الحاقی را به حالتی آشفته و بلا تکلیف درآورد، تجارت خارجی ایران بخصوص صادرات محصولات کشاورزی به

آلمان و اتریش تقریباً مختل شد. پس از جنگ دول مختلف با فرستادن نمایندگان سیاسی خود به آلمان و کشورهای الحاقی مقدمات شروع مجدد روابط تجاری را فراهم کردند. اسماعیل نیکروان، کارشناس اقتصادی ایران و متخصص در حوزه اقتصاد ایران و آلمان با عنوان وابسته افتخاری بازرگانی نزد کنسولگری فرانکفورت، در سال ۱۳۲۸-۱۳۲۷ بدین منظور عازم آلمان شد تا با مطالعه و بررسی شرایط جدید، روابط تجاری ایران با آلمان و سرزمین های اشغالی در این کشور را از سر گیرد و در این خصوص به دفتر نخست وزیری نوشت: «در ظرف این سه هفته چاکر از چند تجارتخانه مهم تقاضا دریافت نموده ام که از اهمال دولت ایران در خصوص عقد قرارداد بازرگانی و تهاتری اظهار تعجب و تأسف می کنند و از چاکر تقاضا می کنند این موضوع مهم را به سمع اولیای دولت برسانم تا در این خصوص اقدامات لازم به عمل آید.» نیکروان در ادامه، با مقایسه بین ترکیه و ایران، به قراردادهای تهاتری ترکیه با آلمان و سرزمین های اشغالی برای صادرات محصولاتش از جمله توتون خبر داد و نوشت: ایران قبل از جنگ هر ساله هزاران تن خشکبار صادر می کرد اما مدت ۸ سال است که این کار متوقف شده است و وزارت اقتصاد ملی نه تنها نتوانست بازار دیگری برای صادرات خشکبار خود بیابد بلکه مدت ۶ سال که از خاتمه جنگ می گذرد و کوچکترین اقدامی برای بدست آوردن همین بازار سابق نیز نشده است در حالی که هزاران تن از خشکبار ایران در خراسان و آذربایجان فاسد می شود. کشورهای اروپایی به خشکبار ایران نیاز دارند اما در فقدان قراردادهای تهاتری صادرات کنندگان ایرانی موفق به فروش نمی شوند، در صورتیکه «همین کشورهای خارجه کالاهای بی مصرف و بی لزوم خود را با قیمت های گزاف و به ارز وارد ایران می کنند و کسی هم در وزارت اقتصاد ملی در این فکر نیست که لااقل این کشورهای

وارد کننده خارجی را وادار کند در مقابل این همه کالاهای بی لزوم مثل عطر و ماتیک و ورق بازی، و صدها رقم دیگر که به قیمت میلیون ها تومان به کشور ما وارد می شود، خشکبار مارا خریداری کنند و بدین وسیله صادرات ما نیز بعد از ده سال رکود دوباره به جریان بیفتد.» (سال ۱۳۲۸ کارتن ۶،۱ پرونده ۲۲۵ سند شماره ۳ و ۴)

پس از اعلام استقلال اتریش از آلمان روابط تجاری و سیاسی این کشور در سال ۱۳۲۷ ش / ۱۹۴۹ توسط وزیر مختار اتریش در آنکارا که سمت وزیر مختاری در دربار ایران را نیز داشت، از سر گرفته شد. بر اساس قوانین در شرایط جنگی، عهدنامه و قراردادهای منعقد شده برای ایام صلح ملغی می گردد و در شرایط صلح مجدد منعقد می شود ولی در مورد اتریش بنا به تشخیص دولت ایران و قوانین موجود، چون الحاق اتریش به آلمان به اجبار صورت گرفته بود این کشور در زمره دول متخاصم قرار نگرفت و قرارداد ژوئن سال ۱۹۳۷ م ۱۳۱۴-۱۳۱۵ به قوت خود باقی و ملغی اعلام نشد. وزیر مختار اتریش طی یادداشتی در سال ۱۳۲۷ از دولت ایران درخواست کرد اجناس وارده از اتریش مشمول حداقل حقوق گمرکی شوند. این درخواست با توجه به تلاش اتریش در پی استقلال از آلمان، در راه تجدید حیات اقتصادی اش قابل فهم است. (سال ۱۳۲۸ کارتن ۹ پرونده ۲۲۸۰۷ سند شماره ۴)

وزارت دارایی و اداره گمرکات در پاسخ به درخواست وزیر مختار اتریش نوشتند: تعرفه فعلی گمرکی ایران حداکثر - حداقل ندارد و اگر منظور اتریش استفاده از مزایای پیمان بازرگانی با آمریکا به عنوان دولت کامله الوداد باشد، اگر وزارت کشور این امتیاز را به اتریش بدهد، اداره گمرکات نیز موافقت خواهد کرد. (همان، سند

در نهایت با بررسی پیشنهاد وزیر مختار اتریش در اداره امور حقوقی، اعلام شد همان طور که اداره گمرکات اشاره کرده است تعرفه فعلی گمرک حداقل و حداکثر ندارد که بتوان حداقل را درباره اجناس وارده اتریش معمول داشت و از طرفی هم دولت ایران با دولت اتریش قرارداد بازرگانی (با یا بدون شرط دولت کامله الوداد) ندارد که بتوان مزایای پیمان بازرگانی مورخ ۷ خرداد ۱۲۲۳ ایران و آمریکا را شامل کالاهای وارده از اتریش بکند. در نتیجه پیشنهاد اتریش مورد پذیرش قرار نگرفت. (همان، سند شماره ۷)

از مطالب گفته شده این نتیجه بدست می آید که سطح روابط تجاری و اقتصادی ایران با اتریش در عصر رضاشاه، متأثر از ساختار اقتصادی ایران و فقدان برنامه و طرح مدونی برای توسعه اقتصادی و درگیری در پیامدهای پس از جنگ جهانی، از سطح گسترده ای برخوردار نبود. افرادی چون تقی زاده با پیشنهاد تشکیل کمیسیون اقتصادی در سال ۱۳۰۳ با مشارکت نمایندگان مجلس پنجم، مهندس علی زاهدی فارغ التحصیل رشته معدن از فرانسه با نگارش رساله ای مفصل با موضوع طرح توسعه و برنامه ریزی اقتصادی در سال ۱۳۱۰ و ابوالحسن ابتهاج و حسین علاء و در آخر احمد متین دفتری با تشکیل شورای اقتصاد و ارائه برنامه های و طرح های بلندمدت عمرانی کوشیدند بستری مناسب برای توسعه اقتصادی و تجارت خارجی فراهم آورند اما دلایلی چون کارشکنی وزارت مالیه در زمان وزارت محمود بدر که در کی از طرح توسعه اقتصادی بلندمدت نداشت، فقدان مرکزیت در فعالیت های اقتصادی، تداوم اقتصاد فئودالی و نبودن فضای لازم برای رشد بخش خصوصی در صنعت، تلاش افراد مذکور در عملیاتی کردن طرح برنامه ریزی در توسعه اقتصادی را ناکام گذاشت. (آل یاسین،

روابط اقتصادی و تجاری ایران و اتریش در دهه ۳۰ شمسی

پس از اشغال ایران بدست متفقین و تا سالهای ابتدایی پس از آن تلاطم و بحران بر اقتصاد کشور حاکم شد. متوقف شدن فعالیت های توسعه اقتصادی، بیکاری فزاینده و گرانی، مردم را به ستوه آورده بود. نخستین تلاش ها برای غلبه بر این مشکلات، اقدام دولت ساعد در تشکیل شورای عالی اقتصاد در سال ۱۳۲۳ بود. این شورا، اساسنامه ای برای طرح توسعه اقتصادی و برون رفت از بحران اقتصادی تدوین کرد. تأسیس بانک صنعتی و معدنی ایران جهت سرپرستی و اصلاح امور احداث کارخانه ها و مؤسسات اقتصادی و تکمیل طرح برنامه اقتصادی کشور از جمله اقداماتی بود که در راه ترمیم و توسعه اقتصاد در سال ۱۳۲۵ انجام شد. (آل یاسین، ۱۳۹۲: ۵۹-۵۸) بدین ترتیب ایران نخستین گام های لرزان و همراه با آزمون و خطای خود را در زمینه برنامه ریزی اقتصاد ملی را از اواخر دهه ۱۹۴۰ / ۱۳۲۰ آغاز کرد. نقشه های شاه ایران برای توسعه سریع اقتصادی در این دهه، با مخالفت ناسیونالیست های جبهه ملی و تلاش برای بیرون آوردن صنعت نفت از چنگال بریتانیا، نقش بر آب شد و با بحران نفتی سال ۱۳۳۰ میان ایران و انگلیس، این طرح ها متوقف شد. بازگشت شاه به قدرت پس از سرنگونی مصدق، موجب تجدید کمک های اقتصادی آمریکا از طرفی و تزریق درآمدهای نفت به بخش اقتصاد و تجارت خارجی از طرف دیگر شد. با کمک آمریکا برنامه اقتصادی جدیدی تدوین شد و دولت گام های بلندی در راه تأسیس کارخانه های تولید مواد مصرفی برای بازارهای داخلی برداشت. با افزایش درآمدهای نفتی در فاصله سالهای ۱۳۳۳-۳۹ عزم دولت برای گسترش تجارت خارجی و انجام طرح های اقتصادی با مشارکت نیرهای خارجی افزایش یافت. (ثاقب فر، ۱۳۸۸: ۱۶۳)

در راستای این هدف، نمایندگان سیاسی در اتریش موظف بودند به صورت ماهانه و یا چند ماه یک بار گزارش کاملی از وضعیت اقتصادی اتریش اعم از وضعیت صنعت، کشاورزی، بانک داری و تجارت این کشور و همچنین روابط اقتصادی اتریش با سایر کشورها به وزارت خارجه ارسال دارند و این گزارش برای وزارتخانه های مختلف برای بحث و بررسی ارسال می شد. بنا به گزارش اقتصادی نماینده ایران در سال ۱۳۳۴ وضعیت اقتصادی اتریش پس از خروج از بحران های پس از جنگ و دوران اولیه اشغال، رو به بهبود رفته و در تمام زمینه ها رشد قابل توجهی کرده است. کمک های آمریکا و اقدامات و هزینه هایی که متفقین در حوزه اقتصاد و تولید انجام می دهند تأثیر بسزایی در این رشد و توسعه داشته است. در مناطق اشغالی اتریش، بخش صنعت و کارخانه های مختلف فعال بوده و مورد بهره برداری قرار گرفته اند. به واسطه وجود معادن آهن و بهره برداری از این معادن با تکنولوژی های جدید، صنعت آهن و فولاد در اتریش رشد کرده و فولاد این کشور یکی از مهم ترین اقلام صادراتی این کشور است و که باید مورد توجه مسئولان اقتصاد در ایران نیز قرار بگیرد. به علاوه به دلیل تلاش مستمر در سالیان گذشته، کشور اتریش در حوزه جنگلداری و تولید چوب پیشرفت خوبی داشته و صنعت کاغذ در این کشور رشد یافته است. همچنین در خط تولید وسایل الکترونیکی و محصولات شیمیایی نیز اتریش حرفی برای گفتن دارد. نویسنده گزارش در ادامه به بررسی روابط تجاری بین اتریش و ایران بر اساس پیشرفت های فوق در اقتصاد اتریش می پردازد و می نویسد: تجارت اتریش با ایران به واسطه نداشتن قرارداد تجاری از یک طرف و عضویت اتریش در G.A.T. در سطح پایینی قرار دارد و مال التجاره های ایران برای ورود به اتریش با محدودیت های زیادی مواجهه است. در سالهای اخیر حجم واردات ایران به اتریش کاهش یافته هرچند که

احصایه ها و آمار موجود این کاهش را نشان نداده و آمار رسمی حجم واردات را چشمگیر نشان می دهد اما بخش عمده این واردات مستقیماً از ایران به اتریش حمل نمی شود در حالی که صادرات ایران به اتریش در آمار رقم بالایی است. به عنوان مثال در سال ۱۹۵۴ / ۱۳۳۲ ش واردات رسمی ایران به اتریش ۲۴۸۵۱۰۰۰ شلینگ و صادرات اتریش به ایران ۴۳۲۸۵۰۰۰ شلینگ بوده است. اقلام مهم صادراتی ایران به اتریش عبارت بود از چوب، پوست، محصولات نباتی و چرم خام و مهم ترین کالاهای صادراتی اتریش شامل آهن، فولاد، مواد شیمیایی و دارو می شد. سفیر ایران در به ملاقات خود با مدیر کل اقتصاد و معاون اداره اقتصاد اتریش به کاهش حجم صادرات ایران به اتریش اشاره کرده و از این مقام خواست نسبت به ورود کالاهای ایران به اتریش از جمله روده، صمغ، کتیرا، برنج، نخود، لویا، جو و دانه های نباتی و روغنی، تسهیلاتی قائل شده و اجازه ورود این کالاها به اتریش را صادر کنند و همچنین «به بانک های اتریش اجازه دهند در مقابل فروش کالاهای ایران به وارد کنندگان ارز پرداخت کنند.» مدیر کل موافقت با پیشنهادات مقام ایرانی را منوط به مشورت و مذاکره با وزارت کشاورزی، مالیه و بانک ها دانست و تأکید کرد روابط تجاری بین دولتمند اتریش و ایران باید گسترش یافته و مقابله نامه ای منعقد شود و از سفیر ایران خواست این مسأله را با دولت متبوع خود در میان گذاشته و نتیجه را به وزارت اقتصاد اتریش مخابره کند. سفیر ایران در گزارش خود خطاب به وزارت اقتصاد ملی پیشنهادهای خود در راستای افزایش سطح روابط تجاری ایران با اتریش را مطرح کرد. پیشنهاد شد وزارت اقتصاد صورتی از کالاهایی را که می تواند به اتریش صادر کند تهیه کرده و برای انعقاد یک مقابله نامه تجاری متخصصینی را به اتریش اعزام کند تا ضمن بررسی شرایط اقتصادی اتریش مقدمات یک قرارداد تجاری با این کشور را

فراهم کنند. شتاب در انجام این اقدام منافع ایران را تأمین خواهد کرد زیرا هنگامی که اتریش از اشغال خارج شده و متفقین این کشور را تخلیه کنند، نیاز این کشور به حضور سرمایه گذاران و تجار خارجی افزایش یافته و به علاوه ممکن است G.A.T. در آینده منحل شده و امکان بهتری برای برقراری روابط تجاری ایران با اتریش فراهم آید. (سال ۱۳۳۴ کارتن ۹,۱۲ پرونده ۹۲ سند شماره ۴ و ۵)

کفیل وزارت اقتصاد ملی در پاسخ وزیر مختار ایران، در اتریش ا. فروهر گفت: با بررسی آمار و ارقام، کارشناسان وزارت اقتصاد به این نتیجه رسیدند که سطح مبادلات کالا بین ایران و اتریش بدان پایه نیست که انعقاد قرارداد تجاری و اعزام مأمور مطلع در این خصوص به وین الزامی باشد. جمع مبادلات در سنوات اخیر از حدود دو میلیون ریال تجاوز ننموده و در این حالت عقد قرارداد در گسترش سطح روابط تأثیری نخواهد داشت. در نتیجه در شرایط فعلی به تهیه لیست کالاهایی که ایران می تواند به اتریش صادر کند اکتفا خواهد شد. (سال ۱۳۳۴ کارتن ۹,۱۲ پرونده ۹۲ سند شماره ۱۴ و همان، کارتن ۲۶,۶ پرونده ۷۰ سند شماره ۶)

لیست کالاهای صادراتی ایران به اتریش:

برگه - قیسی - پسته - فندق - سبزه - کشمش - مغز بادام سیرین - مغز بادام تلخ - مغز پسته - کرک و موی بز - برنج و شلتوک - سنگهای معدنی - خرما - فرش - روده - کتیرا - صمغ - پشم - پوست بز و گوسفند - پوست بره - پنبه - دانه های روغنی - حبوبات (همان، سند شماره ۸)

لیست اقلام فوق توسط وزیر مختار ایران، فروهر، از نظر مدیر کل اقتصاد اتریش گذشت. فروهر درخواست کرد این امکان از طرف دولت اتریش فراهم شود که واردکننده ایرانی مجاز باشد در عوض وارد کردن این اقلام، ارز از اتریش خارج کند.

مقام اتریشی ضمن تأکید مجدد بر لزوم انعقاد یک قرارداد تجاری برای صادرات و واردات بین دو کشور گفت: «دولت اتریش با انعقاد موافقت نامه ای که در آن صادرات اتریش و یا واردات ایران به اتریش به لیره انگلیسی پرداخت شود، نظر مخالفی ندارد.» (همان، سند شماره ۱۱)

تجارتخانه‌های ایرانیان در اتریش

یکی از مصادیق رشد و توسعه ارتباطات تجاری بین دو کشور، وجود تجارتخانه و بنگاه‌های تجاری است. در سالهای آخر حکومت رضاشاه و در سراسر دوره محمد رضاشاه متأثر از رویکرد دولت در راه تقویت بنیه اقتصاد ملی از راه گسترش تجارت خارجی، تجار و بازرگانان ایرانی کوشیدند تجارتخانه‌های بیشتری در اتریش دایر کنند. این تجارتخانه‌ها عمدتاً به تجارت فرش اختصاص داشت. ابراهیم ساجدی و مشیت الله ساسان دارای تجارتخانه فرش در اتریش بودند که هر ساله بیلان کاری خود را به سفارت ایران ارسال می کردند. (سال ۱۳۴۲ کارتن ۱۱۴ پرونده ۲،۵ سند شماره ۱۴) اتاق بازرگانی اتریش در سال ۱۳۴۲ موافقت خود برای تأسیس دفتر دائمی تجارت ایران در وین را به یکی از ایرانیان به نام حسن عاصمی داد. (سال ۱۳۴۲ کارتن ۱۱۴ پرونده ۱۲،۵ سند شماره ۸)

این مؤسسه مسئول رسیدگی به صادرات و واردات انواع کالا و اقلام ایرانی به اتریش و بر عکس و همچنین انجام تحقیقات به روز در خصوص وضعیت اقتصادی و تجاری اتریش بود. سفارت ایران بر کار این دفتر نظارت داشت و قوانین و مصوبات جدید در حوزه تجارت و بازرگانی را به این دفتر ابلاغ می کرد. در دوره پهلوی دوم فرش همچنان یکی از اقلام و کالاهای مهم صادراتی به اتریش و موضوع روابط

تجاری بین دو کشور بود. شرکت سهامی فرش ایران در دهه ۵۰ به تجارتخانه های ایرانی در اتریش و همچنین به تجار اتریشی که با ایران در ارتباط بودند اعلام کرد که با هدف حمایت از بافنده های فرش دستی و تولیدکننده های داخلی ورود فرش مصنوعی و ماشینی به ایران ممنوع است و به بازرگانان اجازه ورود این فرش ها داده نمی شود. تجارتخانه فرهی، تجارتخانه ساسان و ساجدی از جمله تجارتخانه های بودند که در وین به کار تجارت فرش ایرانی مشغول بودند و از جانب سفارت و دفتر تجارت ملزم به رعایت قوانین مصوب در زمینه تجارت فرش بودند. (۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱) کارتن ۲۰ پرونده ۱۱۱ سند شماره ۱۱۲ و سال ۱۳۴۲ کارتن ۱۱۴ پرونده ۱۲، ۵ سند شماره ۸

تجارتخانه عباس رحیمی

یکی از مشهورترین تجارتخانه های فرش در اتریش بود که از سال ۱۹۴۶ / ۱۳۲۴ به انجام معاملات فرش به صورت کلی فروشی و جزیی فروشی مشغول بود. عباس رحیمی یکی از بازرگانان معتبر در وین بود که با مقامات سیاسی و اقتصادی اتریش از نزدیک در ارتباط بود و همچنین با سفارت ایران در برگزاری و انجام مراسم مختلف و تأسیس مؤسسه ها و انجمن های فرهنگی همکاری داشت. تجارتخانه رحیمی به وارد کردن فرش های مرغوب ایرانی با قیمت مناسب شهره بود. خرید این مؤسسه در سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ به مبلغی بالغ بر ۲۳۰۰۰۰ دلار می رسید. ارز خرید به بانک مرکزی فروخته و موافقتنامه صادراتی دریافت می شد. با تلاش های آقای موسوی از اعضای سفارت ایران و آقای «لانگاور» شریک اتریشی مؤسسه، فرش های ایرانی از تعرفه مخصوص گمرکی برخوردار شدند. عباس رحیمی در نامه ای خطاب به سفارت ایران در وین و وزارت اقتصاد درخواست کرد که این دو مقام، این مؤسسه را به عنوان

نمایند رسمی خود در نمایشگاههای اتریش بشناسند تا این مؤسسه مجاز باشد غرفه های خود را به نام دولت ایران در نمایشگاه ها دایر کنند. (سال ۱۳۳۵,۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۸ سند شماره ۶۸ و ۶۹)

عباس رحیمی در نامه ای خطاب به سفارت ایران در برلین به یکی از مشکلات تجار فرش در اتریش اشاره کرده و دخالت سفارت ایران را خواستار شد. رحیمی در این یادداشت ضمن اشاره به بازرسی بار فرش هایش در گمرک و بازرسی بدنی خود و همکارانش که پیش از این سابقه نداشته عنوان کرد دو گروه از تجار فرش در وین سبب بدبینی تجار ایرانی شده و دولت اتریش را نسبت به این تجارت حساس کرده اند. گروه اول تجاری هستند که با انجام تخلفات گمرکی و مالیاتی، اعتماد مقامات اتریشی را نسبت به تجار ایرانی خدشه دار ساخته و سبب شده اند که تجارتخانه های معتبر مانند تجارتخانه رحیمی نیز با مشکل مواجهه شوند و گروه دوم آن دسته از تجار و فروشندگان های اتریشی هستند که فرش ایران را به چندبرابر قیمت واقعی فروخته و همچنین مشتریان خود را به خرید فرش های بلغاری و ترکیه ای تشویق می کنند. مشتریان به علت این گرانی حاضر به خرید فرش ایرانی نشده و تجار ایرانی متضرر شده اند. رحیمی ادامه داد برای فایق آمدن بر این رقابت ناسالم، تجارتخانه رحیمی اقدام به برگزاری نمایشگاه های مختلف برای معرفی کیفیت و قیمت واقعی فرش ایرانی می کند. (سال ۱۳۵۱,۵۵ کارتن ۲۴ پرونده ۲۳۳ سند شماره ۲۰۲)

در کنار تجارتخانه هایی که تجار ایرانی فرش در اتریش تأسیس کرده بودند، مؤسسه ای تحت عنوان «اتحادیه بازرگانان فرش ایرانی مقیم اتریش» توسط بازرگانان ایرانی و تحت نظارت سفارت ایران در وین تأسیس شد. این اتحادیه در جلسه ۲۶ خرداد ۱۳۵۴ برابر ۱۷ ژوئن ۱۹۷۵ خود تصمیمات زیر را با اکثریت آرا اتخاذ نمود:

آقایان دکتر عباس رحیمی و محمدرضا چگینی به سمت نمایندگان تام الاختیار اتحادیه برای رسیدگی به کلیه کارهای مربوط به حقوق گمرکی، دفاتر مالیاتی، مراجعه به سفارت شاهنشاهی و مقامات مربوطه اتریش در دادگاه های این کشور و همچنین تعیین وکیل و تأمین حق الوکاله و حق مشاوره و سایر هزینه ها انتخاب شدند.

آقای ایرج توکلی بنا اکثریت آرا به سمت خزانه دار اتحادیه تعیین گردید. خزانه دار موظف بود حساب جداگانه ای در بانک و یا صندوق اتحادیه باز نموده و هرگونه هزینه های لازم را با اجاره و دستور کتبی دو نفر آقایان نماینده تام الاختیار مزبور پرداخت و حق عضویت اعضای اتحادیه را دریافت و رسید صادر نماید. (سال ۱۳۵۱، ۲۴ کارتن ۲۴ پرونده ۲۳۳ سند شماره ۱۲۴)

یکی از دلایلی که تشکیل این اتحادیه را الزام آور کرد، پرونده تخلف تجار ایرانی فرش در امور گمرکی اتریش در سال ۱۳۵۴ بود. در جریان این پرونده بیش از ۵ نفر از تجار ایرانی متهم به انجام تخلفات گمرکی و مالیاتی در کار وارد کردن فرش از هامبورگ شدند. دادگاه اتریش پس از انجام تحقیقات خود، تجار ایرانی را مجرم شناخته و ضمن پلمب نمودن مغازه ها و تجارتخانه های آنان فرش های وارداتی را ضبط کرده و مجرمین را به تحمل دو تا پنج سال زندان محکوم کرد. که بیشتر متهمین با پرداخت جریمه آزاد شدند.

اتحادیه برای رسیدگی به این پرونده اقدامات زیر را انجام داد:

-مراجعه تجار به سفارت ایران به صورت دسته جمعی و انعکاس اخبار پرونده از

طریق سفارت به وزارت خارجه

- برقراری رابطه با وزارت خارجه، وزارت دادگستری و وزارت دارایی اتریش

- گرفتن وکیل و جمع آوری ۱۰ هزار شیلینگ از تجار به عنوان حق الوکاله وکیل

- ارتباط عباس رحیمی با اسداله علم

اتحادیه در خصوص رسیدگی به این تخلف از مقامات قضایی اتریش خواست این پرونده به دادگاه حواله نگردد و در اداره گمرک به آن رسیدگی شود زیرا با وجود مستندات و شواهد موجود، همه متهمین در دادگاه محکوم و مجبور به پرداخت جریمه سنگینی خواهند شد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۲۴ پرونده ۲۳۳ سند شماره ۱۳۳ و ۳۴)

نامدار، سفیر ایران به استناد نامه چند نفر از بازرگانان ایرانی خطاب به خلعتبری وزیر امور خارجه نوشت حادثه اخیر و دستگیری تعدادی از تجار ایرانی در اتریش پیامدهای ناگواری برای سایر تجار فرش در شهرهای وین داشته است. تخلف بازرگانان ایرانی مبنی بر عدم تطبیق قیمت فرش های وارداتی با اظهارنامه های گمرکی، سبب شد مأمورین مالیاتی و گمرکی اتریش شروع به کنترل و بازرسی تمام دفاتر تجار ایرانی و احضار آنها جهت بازجویی کنند و همچنین محدودیت هایی را برای فعالیت های این تجار اعمال دارند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۲۴ پرونده ۲۳۳ سند شماره ۱۴۲)

سفر متخصصین و مقامات اقتصادی ایران به اتریش

در آذر ۱۳۴۸ هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد به وین سفر کرد. این سفر که با هدف گسترش سطح روابط اقتصادی و ایجاد فضایی برای انعقاد قراردادهای صنعتی و تجاری انجام گرفته بود، مورد استقبال محافل سیاسی و اقتصادی اتریش و همچنین رسانه های این کشور قرار گرفت. (۱۳۳۵، ۵۰، ۵۵ کارتن ۳ پرونده ۲۵ سند شماره ۸۲)

سناتور ضیایی رییس اتاق صنایع و بازرگانی ایران در دی ماه ۱۳۵۰ به دعوت موسسه علمی «KYBERNETIK» وابسته به وزارت علوم اتریش برای سخنرانی در

موضوع صنایع سنگین در ایران به وین سفر کرد. سخنرانی های سناتور ضیایی به زبان انگلیسی صورت می گرفت. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۵۵ کارتن ۳ پرونده ۲۵ سند شماره ۷۷)

مسافرت وزیر آب و برق به اتریش

در سال ۱۳۴۲ مهندس منصور روحانی وزیر آب و برق به دعوت وزیر ارتباطات و منابع اتریش به این کشور سفر کرد. مهندس نعمت اله صوفی مدیرعامل سازمان آب و برق آذربایجان، مهندس جواد شهرستانی مدیرعامل شرکت برق منطقه ای خراسان و مهندس کیومرث معقول مدیرکل دفتر وزارت آب و برق هواپیمایی «ساینا» در این سفر مهندس روحانی را همراهی می کردند. هیأت ایرانی هنگام ورود به اتریش از جانب دکتر امیر اصلان افشار سفیر ایران، مهندس «Weiss» وزیر ارتباطات و منابع ملی اتریش و معاونین و کارمندان عالی رتبه آن وزارتخانه و برخی مقامات دولتی و اقتصادی اتریش مورد استقبال قرار گرفت. بر طبق برنامه اقامت، مقرر بود هیأت ایرانی در ابتدا با وزیر ارتباطات اتریش و شهردار وین دیدار و مذاکره کرده و در ادامه به بازدید از شهرهای مختلف اتریش و مشاهده تأسیسات برقی این شهرها پردازند. مهندس روحانی و همراهانشان همچنین از کارخانجات فولاد سازی و مولد برق و تأسیسات سد سازی اتریش بازدید کرده و سپس در ضیافتی که از طرف وزیر ارتباطات اتریش برگزار شد، شرکت کردند. در این ضیافت همچنین شهردار سالزبورگ و رؤسای برخی کارخانه های اتریش حضور داشتند و مباحثی پیرامون توسعه شبکه های آب و برق در ایران و سایر اصلاحات و اقدامات عمرانی مطرح شد. هیأت ایرانی و اتریشی سپس در یک برنامه رادیویی و مطبوعاتی شرکت کردند. هیأت ایرانی پس از ملاقات با رییس جمهور اتریش در کاخ ریاست جمهوری، به ضیافت سفارت ایران رفتند که در این مهمانی که در کاخ تاریخی و مشهور اتریش، کاخ

«PALLAVICINI» برگزار شد، وزیر ارتباطات و صنایع اتریش، اعضای کابینه ریاست جمهوری این کشور، رئیس اتاق بازرگانی و رئیس کل شهربانی اتریش و رؤسای سازمان های بانکی و اقتصادی به علاوه صد نفر از رجال و شخصیت های سیاسی و اقتصادی اتریش و شخصیت های برجسته ایرانی مقیم اتریش حضور داشتند. نتیجه این سفر به گزارش سفارت ایران، بسیار رضایت بخش بوده و محافل اقتصادی و سیاسی اتریش درخواست داشتند سایر مقامات و وزرای اقتصاد ایران نیز به اتریش سفر کنند. (سال ۱۳۳۵. ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۷۹ سند شماره ۴۰ تا ۴۹)

مرکز بین المللی مدیریت صنعتی در سال ۱۹۷۵ با حمایت اتریش و در این کشور تشکیل شد. هدف از تشکیل این مرکز آشنا نمودن کشورهای غیراروپایی با پیشرفته ترین علوم و فنون در حوزه مدیریت صنعتی و فناوری بود. این مرکز طی نامه ای خطاب به سفارت ایران در وین خواستار شرکت نمایندگان وزارت صنایع ایران در کنفرانس ها و همایش های این مرکز شد. یکی از سمینارهای این مرکز در سال ۱۳۵۳ با حضور کارشناسان عالیرتبه وزارتخانه های صنایع کشورهای صنعتی و در حال توسعه در وین تشکیل شد. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳ سند شماره ۱۲۱)

دولت در راستای یافتن راه حل هایی برای تولید منابع انرژی بدون نفت، بار دیگر در سال ۱۳۴۷ مقدمات سفر ۱۰ روزه مهندس منصور روحانی وزیر آب و برق را به اتریش را فراهم کرد. این سفر به دعوت وزیر صنایع ملی و وزیر ارتباطات و حمل و نقل اتریش با هدف بازدید از تأسیسات برقی و آبی و انرژی اتریش صورت گرفت. روحانی در این سفر همچنین از کارخانجات و تأسیسات صنعتی اتریش دیدار و گزارش مفصلی تهیه کرد. در پایان این سفر طی مذاکراتی که با وزیر ارتباطات اتریش

انجام شد، توافقاتی مبنی بر همکاری دو کشور در زمینه تولید منابع انرژی به عمل آمد. (همان، سند شماره ۱۱۶)

روحانی در این سفر از مراکز تولید برق در نقاط مختلف اتریش دیدن کرد و همچنین با رئیس جمهور این کشور در رابطه با توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی گفتگو کرد و دیداری نیز با صاحبان مؤسسه های تجاری اتریش داشت که در این دیدار در خصوص تجارت فرش و بخشودگی های گمرکی صحبت به میان آمد. رئیس مؤسسه صنعتی-تجاری «POOK» تمایل خود برای انعقاد قرارداد اقتصادی-صنعتی با ایران به روحانی اعلام کرد. این مؤسسه یکی از مؤسسات صنعتی با تجربه در رابطه با ایران بود که در حوزه سدسازی، طرح های عمرانی و صنعتی فعالیت می کرد. رئیس مؤسسه خطاب به روحانی گفت: شرکت ها و مؤسسات صنعتی بزرگ اتریش آماده اند که در ازای دریافت نفت، برنامه های عمرانی و طرح های اقتصادی در ایران را انجام دهند. هزینه انجام این طرح ها می بایست در حدود ۱۰ تا ۴۰ میلیون دلار باشد. (همان، سند شماره ۱۳۰)

در سال ۲۵۳۶ هیأتی سیاسی از ایران برای شرکت در پنجمین اجلاس کمیسیون مشترک وزیران عازم وین شد. یکی از اهداف هیأت ایرانی گسترش سطح روابط اقتصادی با اتریش و بخصوص سرمایه گذاری در بخش صنعت بود. وزارت بازرگانی ایران هیأتی به سرپرستی فریدون مهدوی به اتریش اعزام داشت. اعضای این هیأت عبارت بودند از:

حمید موسویان معاون وزارت راه و ترابری و سرپرست راه آهن دولتی ایران

علیرضا عروضی معاون بررسی های وزارت بازرگانی

پرویز منصور موید معاون اداره امور اقتصاد و دارایی

خسرو فاضل کارشناس وزارت بازرگانی

مقرر بود مدت اقامت هیأت مزبور در وین ۳ روز باشد و مذاکراتی با مقامات اقتصادی اتریش به ویژه وزارت بازرگانی این کشور صورت گیرد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۵۵)
کارتن ۳ پرونده ۳۰ سند شماره ۳۱)

در این مذاکرات موضوع های زیر مورد بررسی قرار گرفت:

گزارش آخرین کمیسیون تشکیل شده درباره توسعه مناسبات اقتصادی و همکاری های مشترک، بررسی دستاوردهای مسافرت هیأت اعزامی اتاق بازرگانی و صنایع اتریش در سال ۱۹۷۵، گفتگو در خصوص اجرای طرح های مشترک اقتصادی در آینده، مسایل مربوط به حمل کالا و ترانسپورت، چگونگی اجرای طرح های آموزشی مشترک و تربیت کادر فنی و حرفه ای.

این توافق ها تحت عنوان پروتکل چهارمین اجلاس هیأت کمیسیون مشترک وزیران ایران و اتریش، توسط فریدون مهدوی وزیر بازرگانی ایران و ژوزف اشتاری باخر وزیر بازرگانی و صنایع اتریش به امضا رسید. به موجب این موافقت نامه طرفین در موارد زیر به توافق رسیدند:

- ۱- صادرات کالاهای صنعتی ایران به اتریش به میزان زیادی افزایش یابد.
- ۲- ایران و اتریش در طرح مختلف صنعتی به طور مشترک در ایران سرمایه گذاری و همکاری کنند این طرح ها عبارتند از: تولید ماشین های جوشکاری، تولید کوره های صنعتی، طراحی و تولید سوزن های راه آهن، تولید تجهیزات آموزشی، تأسیس کارخانه های ابزار سازی، تولید دنده و جعبه دنده، تولید غلتک های فولادی، تولید ماشین های برش چوب، تولید رنگ های صنعتی،

تولید ماشین های بسته بندی، تولید آلیاژهای آهن، تولید بست های خطوط فشار قوی، تولید نوشابه های غیرالکلی

بر اساس موافقت نامه مقرر شد نتیجه این تولیدات به کشورهای مختلف صادر شود.

۳- در زمینه توزیع ایران و اتریش در ایجاد انبارهای صنعتی و کشتارگاه در ایران همکاری خواهند کرد.

۴- در زمینه حمل و نقل به توجه به تراکم کالا در انبارهای مرزی ایران و اتریش، تدابیر مؤثری جهت افزایش کارایی و حمل و نقل بین دو کشور اتخاذ شود.

۵- در زمینه ساختمان سازی و مصالح ساختمانی ایران و اتریش، خانه های پیش ساخته، عایق های صدا، عایق های حرارت در ایران تولید خواهند کرد.

۶- ایران و اتریش در اجرای طرح های مختلف در کشور ثالث همکاری خواهند کرد.

۷- اتریش با همکاری ایران تعدادی آموزشگاه و مؤسسه فنی و حرفه ای در ایران دایر خواهد کرد. (همان، سند شماره ۴۴ و ۴۵)

جراید اتریش این سفر دو روزه و دستاوردهایش را به خوبی پوشش دادند. وزیر بازرگانی ایران به دلیل تسلط بر زبان آلمانی استفاده خوبی از شرکت در کنفرانس خبری در اتریش کرد. (همان، سند شماره ۶۸)

در راستای تحکیم توافق های به عمل آمده وزیر امور خارجه اتریش به ایران سفر کرد. در این سفر درباره احداث یک کارخانه مشترک برای ساختن ماشین و ابزار الکتریکی و همچنین در خصوص تبادل گردشگر بین دو کشور توافق به عمل آمد. (همان، سند شماره ۴۲ و ۴۳)

مشارکت اتریش در طرح های اقتصادی ایران

در سالهای اول حکومت رضاشاه به خاطر شرایط جنگی در دو کشور امکان زیادی برای سرمایه گذاری اقتصادی به ویژه در بخش صنعت وجود نداشت. با این حال بعضی از سرمایه گذاران اتریشی با حمایت دولت اقدام به فعالیت صنعتی می کردند. کاپیتان ژویوس اتریشی از وین طی یادداشتی علاقه خود را برای تأسیس کارخانه چرم سازی و لاک سازی و ... در ایران به وزارت خارجه ایران اعلام داشت. دولت ایران و وزارت فواید عامه در پاسخ درخواست کاپیتان ژویوس نوشت: دولت ایران از این قبیل اقدامات اتباع خارجی در ایران استقبال می کند اما خود قادر به سرمایه گذاری در این زمینه نیست و اگر اتباع خارجی و کاپیتان ژویوس خود بتواند به سرمایه گذاری کند، دولت ایران می تواند در صورت امکان لوازم و ماشین آلات لازم برای تأسیس کارخانه را مشمول معافیت های گمرکی بداند. (سال ۱۳۰۵ کارتن ۱۳ پرونده ۳ سند شماره ۱)

در دوران پهلوی دوم مناسبات اقتصادی بین دو کشور متأثر از رشد و رونق پس از جنگ و انجام اصلاحات اقتصادی در پی رشد صنعت و تجارت، در سطح بالاتری قرار رفت. در ایران اولین لایحه برنامه عمرانی در سال ۱۳۲۷ تقدیم مجلس شد و از این سال تا سال ۱۳۵۶ پنج برنامه توسعه به مرحله اجرا درآمد. اهداف این برنامه اساس اقتصاد داخلی و خارجی ایران را به سمت اقتصاد سرمایه داری متحول کرد و سبب شد کشورهای خارجی از جمله اتریش در ایران دست به سرمایه گذاری بزنند. در برنامه اول توسعه که سالهای ۱۳۳۴-۱۳۲۷ را در بر می گرفت، اهداف دولت در راستای گسترش صادرات، ترقی کشاورزی، بهبود وضعیت بهداشت و توسعه کشاورزی، سبب شد دولت اتریش از طریق سفارت ایران اقدام به برقراری رابطه اقتصادی با ایران کند. برنامه های دیگری از قبیل گسترش تسهیلات زیربنایی از قبیل راه آهن، بنادر و سد

سازی، احداث کارخانجات مختلف، سرمایه گذاری در بخش خصوصی، توسعه صناعی در زمینه پتروشیمی، ماشین سازی و فلزات در طول برنامه دوم تا پنجم، حضور صاحبان صنایع اتریش در ایران را پررنگ تر کرد. (بهشتی، ۱۳۸۲: ۱۴۸-۱۴۶)

پس از جنگ جهانی دوم همچنان که روند صنعت و صنعتی شدن در اتریش تسریع شد، ارتباطات اقتصادی این کشور با کشورهای چوَن آلمان و آمریکا نیز افزایش یافت. انستیتوی اقتصادی اتریش در سال ۱۳۳۷ گزارشی از وضعیت اقتصادی اتریش منتشر کرده و یک نسخه از آن را برای وزارت خارجه ایران ارسال کرده و علاقه اتریش به سرمایه گذاری در ایران بر اساس این گزارش را خواستار شد. این گزارش حاوی موارد زیر بود:

وضعیت کلی اقتصاد اتریش رضایت بخش است و کارخانجات و مؤسسات صنعتی اتریش فعال اند. پروژه های ملی از قبیل احداث کارخانجات، بیمارستان ها، راه های شوسه و فرودگاه ها در حال انجام هستند. بر میزان اشتغال افزوده شده و در قیمت اجناس افزایش محسوسی دیده نمی شود. بانک های آمریکایی و سویسی مبالغ هنگفتی را برای سرمایه گذاری در اختیار اتریش قرار داده اند و بدین ترتیب اتریش قادر است این سرمایه ها را در سایر کشورها اجرایی کند. نکته جالب این گزارش این بود که اذعان می داشت بحران اقتصادی آمریکا که بسیاری از دول اروپایی را متأثر کرده، بر اقتصاد اتریش تاثیر چندانی نداشته زیرا اتریشیان با با حس وطن پرستی تصمیم گرفته اند کشور خود را پس از جنگ ساخته و بازسازی کنند بنابراین ملت اتریش از هر طبقه دست به کار و فعالیت زده و دولت نیز مالیات ها را پایین آورده تا به رشد بخش صنعتی کمک کنند. (سال ۱۳۳۷ کارتن ۱۷،۱ پرونده ۴،۵ سند شماره ۳)

روند رو به رشدی که اقتصاد اتریش پس از جنگ طی می کرد در کنار توسعه اقتصادی ایران به ویژه پس از دهه ۳۰ بستر مناسبی برای سرمایه گذاری های مشترک اتریش و ایران ایجاد کرد. اتریش در بسیاری از موارد نمایندگی کارخانه ها و یا کمپانی های آمریکایی و آلمانی را برعهده داشت و با داشتن این امتیاز در سایر کشورها از جمله ایران سرمایه گذاری می کرد.

در سال ۱۳۴۲ دو مؤسسه تولیدی آمریکایی که در اتریش نمایندگی داشتند آمادگی خود را برای انعقاد قرارداد تجاری و فروش محصولاتشان به ایران اعلام کردند. موسسه «BERGOPHOR» که در کار تولید ابزار و ادوات کشاورزی بود اعلام کرد برای رفع احتیاجات ایران به ابزارمدن کشاورزی آمادگی دارد. همچنین نماینده کارخانه و کمپانی «آمریکن سیانامید» که یک کمپانی آلمانی-آمریکایی بود، امتیاز نمایندگی خود برای تولید و واردات و صادرات داروهای دامی و طیور را به تجارتخانه خسروشاهی و برادران تفویض کرد. این تجارتخانه نیاز مرغداری های بزرگ، گاوداری ها و سایر مراکز پرورش دام و طیور را تأمین می کرد و تولید این داروها را بر اساس جدیدترین متدها و کشفیات علم دامپزشکی انجام می داد. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۹ پرونده ۴۷ سند شماره ۱۰۲ و ۱۰۴)

اقدام دیگر دولت ایران در راستای مکانیزه کردن کشاورزی و افزایش تولید و بهره وری در حوزه کشاورزی و دامپروری صنعتی، اطلاع از آخرین اقدامات و پیشرفت های کشورهای دیگر از جمله اتریش در این دو حوزه اقتصادی بود. سفارت ایران در اتریش مسئول بود ضمن آگاهی از این پیشرفت ها و انجام تحقیقاتی در این زمینه نسخه ای از تمام نشریات اقتصادی اتریش، نشریات کشاورزی و دامپروری را به ایران ارسال

دارد. سفیر ایران همچنین می‌بایست چند نسخه از نشریات صادرات و واردات اتریش را به اتاق بازرگانی و صنایع و بازرگانی می‌فرستاد. (همان، پرونده ۶۳ سند شماره ۷۴)

سرمایه‌گذاری در حوزه تولید ماشین‌آلات، انواع اتومبیل و بخصوص وسایل حمل و نقل شهری با توجه رشد شهرنشینی در ایران دوره پهلوی دوم، یکی از مسایل مورد توجه ایران در ارتباطات تجاری و اقتصادی با اتریش بود. روال کار به این صورت بود که ایران ماشین‌آلات و وسایل مورد نیاز خود را با تعیین تعداد و قیمت پیشنهادی به اتریش اعلام می‌داشت. پیشنهاد ایران بررسی و در صورت موافقت، متخصصین اتریشی و بازرسان فنی این کشور برای نصب دستگاه‌ها و آموزش نیروها و متخصصین داخلی به ایران می‌آمدند. به عنوان مثال ایران تعدادی آمبولانس و واگن قطار برای توسعه راه آهن به قیمت ۱۰۴۷۰۰۱۷۸ شلینگ از اتریش خریداری کرد که توسط متخصصین اتریشی نصب و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. (همان، پرونده، ۱۱۱ پرونده ۶۳ سند شماره ۳۷)

شرکت‌های اتریشی قبل از سرمایه‌گذاری در ایران، ضمن بررسی پیشنهادها، ایران تحقیقات جامعی در خصوص شرایط اقتصادی و وضعیت بازار ایران انجام می‌دادند تا میزان سود و زیان کالایی که مقرر بود شرکت مورد نظر تولید کند را محاسبه کنند. در مورد شرکت‌های تجاری نیز روال به همین شکل بود به عنوان مثال شرکت «walter unger» از اتاق تجارت و بازرگانی ایران درخواست کرد یک جلد راهنمای بازرگانی ایران حاوی نام و نشانی تمام تجار و بازرگانان، واردکنندگان و صادرکنندگان کالا را به اتریش ارسال دارد. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۸ سند شماره ۹۷)

سرمایه‌گذاری در حوزه مواد غذایی بخشی دیگری از روابط اقتصادی بین ایران و اتریش بود. با توجه به اینکه ایران از دیرباز یکی از صادرکننده‌های ادویه بود، وزارت اقتصاد و اتاق بازرگانی از سفارت ایران خواست تحقیقاتی در خصوص تولید ادویه و

بازار این کالا در اتریش انجام دهد. (همان، سند شماره، ۱۵۷) شیر یکی دیگر از مواد غذایی بود که در اتریش خریدار داشت. در گزارش مهندس سلامت مدیرعامل شرکت صنایع شیر ایران آمده اتحادیه صنایع شیر اتریش برای خرید شیر و فراورده‌های لبنی از ایران اعلام آمادگی کرده و درخواست نمود مؤسسه یا سازمانی برای انجام این خرید و فروش تأسیس شود. (همان، سند شماره ۱ تا ۳)

در سال ۱۳۵۴ یک هیأت اقتصادی از اتریش مرکب از ۳۳ نفر به سرپرستی نماینده اتاق بازرگانی اتریش با هدف انجام مذاکرات با شرکت های بازرگانی ایرانی وارد تهران شد. گسترش سطح ارتباطات تجاری و بازرگانی بین دو کشور با محوریت فراهم کردن امکان رشد اقتصاد و تجارت صنعتی هدف اولیه سفر این هیأت اتریشی بود.

(سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۸ سند شماره ۹)

سفرهای شاه ایران به اتریش در دهه های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ نقش مهمی در گسترش روابط اقتصادی و سیاسی دو کشور داشت. در سال ۱۳۵۲ محمدرضا شاه سفری غیررسمی به اتریش با هدف معاینه پزشکی نزد پرفسور فلینگر داشت. در خلال این سفر مذاکراتی در خصوص بحران خاور نزدیک و تأثیر آن در امر تأمین احتیاجات نفتی اتریش صورت گرفت. اما عمده مباحثی که بین طرف اتریشی و هیأت ایرانی در خلال این سفر انجام گرفت، مسایل اقتصادی و صنعتی بود. دیدار شاه با شخصیت های اقتصادی اتریش حول محور صدور نفت و برنامه های توسعه در ایران انجام شد.

مدیرکل سازمان صنایع اتریش دکتر «فرانس گایست» و رییس بخش صنایع اتاق بازرگانی «فیلیپ شولر» بر توسعه همکاری های صنعتی و استفاده از پتانسیل های طبیعی ایران برای شکوفایی صنعت و اقتصاد تأکید کردند. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۹)

سند شماره ۱۱۸)

دکتر «Bauer» مدیرعامل شرکت نفت اتریش طی مصاحبه ای تلویزیونی در خصوص سرمایه گذاری نفتی دو طرف گفت: «ایران و اتریش باید به صورت مستقیم در خاک یکدیگر سرمایه گذاری اقتصادی و نفتی کنند. نظر ما این است که علاقه ایران را برای ایجاد پالایشگاه دوم در اتریش که پروژه و امکانات انتفاعی آن با دقت مورد بررسی است جلب کنیم. دیگر اینکه صنایع اتریش باید موفق شود سرمایه گذاری های وسیعی را در ایران انجام دهد. آنچه که در این زمینه به ما مربوط می شود یعنی به شرکت نفت، این است که تصمیم داریم در ایران پالایشگاهی بسازیم که فرآورده های آن به طور غیرمستقیم مورد استفاده اتریش قرار گیرد.» مدیرعامل شرکت نفت اتریش در ادامه به این نکته اشاره کرد که از آنجا که حمل فرآورده های نفتی از ایران به اتریش مستلزم دور زدن دماغه امید و در نتیجه طولانی شدن مسیر و به صرفه نبود آن است، امید است با باز شدن کانال سوئز این مشکل مرتفع شود. آقای «Bauer» در خصوص تولید فرآورده های نفتی در ایران گفت: اتریش از ایران درخواست کرده است که محصولاتی که موجب آلودگی محیط زیست نمی شود در ایران تولید و پس از مخلوط کردن آنها با محلول های مخصوص به اتریش حمل شود. این مسأله هم به رفع احتیاجات داخلی اتریش کمک می کند و هم انجام این طرح بزرگ صنعتی توافق هایی را در زمینه تثبیت نرخ تولیدات به همراه خواهد داشت. مدیر شرکت نفت اتریش همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگاری در این خصوص که با توجه به اینکه کشورهای عربی و لیبی قیمت نفت خود را افزایش داده اند، بر مبنای چه نرخ قیمت های جدید فرآورده های نفتی ایران تعیین خواهد شد، گفت: در حال حاضر مبنایی برای تعیین قیمت ها وجود ندارد اما اگر دولت ایران نیز بپذیرد می بایست نرخ ها بر مبنای نسبت قیمت نفت با سایر فرآورده ها تعیین شود. زیرا شاه ایران اعلام کرد کشورهای صنعتی

یا نرخ بعضی از فرآورده‌ها را ثابت نگه دارند و یا نسبتی بین نرخ نفت خام و سایر فرآورده‌ها برقرار کنند. (همان، سند شماره ۱۱۹)

به گزارش روزنامه «Die presse»، شرکت اتریشی «porr» در سال ۱۳۵۴ قرارداد جدیدی با ایران امضا کرد. بر اساس این قرارداد این شرکت با مشارکت شرکت‌های سوئسی «lozan» و «losinger» ساخت ساختمان سد جیرفت را بر عهده گرفتند. شرکت «porr» در این پروژه که بالغ بر ۱/۲ میلیارد شلینگ معادل ۶۶ میلیون دلار هزینه داشت، ۳۰ درصد سهم بود. این شرکت همین مشارکت را در ساخت سد میناب داشت. نماینده‌های این شرکت‌ها که هیأتی در حدود ۴۰ نفر را تشکیل می‌دادند برای انجام مذاکرات مربوطه عازم ایران شدند. شرکت دیگری که در حوزه بازرگانی و مهندسی فعالیت داشت و با شراکت یک اتحادیه اتریشی و یک نفر ایرانی در ایران فعالیت می‌کرد، شرکت «Elim» بود. این شرکت در ایران اقدام به تأسیس شرکت‌های بازرگانی و مهندسی کرد و همچنین در زمینه‌های طرح ریزی، فروش و خدمات عمومی و تولید و تهیه تجهیزات برقی فعالیت می‌کرد. این شرکت طبق قرارداد فی مابین ۱۵۰ میلیون شلینگ سرمایه را تعهد کرد. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳،۱ سند شماره ۱۵ و ۱۶)

رونامه «kurier» چاپ اتریش در شماره دسامبر خود در توضیح تیتري با عنوان «قرارداد غول آسای گاز» خبر از شرکت اتریش در قرارداد نفتی ۱۹۸۰ در تهران داد. این قرار داد بین ایران، شوروی، فرانسه، آلمان و اتریش منعقد شد و به موجب آن این کشورها از سال ۱۹۸۰ به بعد سالانه ۱۳/۴ میلیارد متر مکعب گاز ایران را از طریق شوروی دریافت می‌کردند. مذاکرات مربوط به این قرارداد ۲ سال طول کشید و تقسیم

گاز بین کشورها بدین ترتیب بود که جمهوری آلمان ۵۰ درصد، فرانسه ۳۳ و مابقی را اتریش دریافت می کرد. (همان، سند شماره ۱۶)

نظر به این مسأله که توسعه اقتصاد نوین صنعتی در ایران به ویژه در طول دهه ۵۰، سیستمی نوین و جدید در نظام بانکداری را می طلبد، در سال ۴۹-۵۰، آقای ژرژ اوبرن برای «مدیر کل روابط خارجی بانک اعتبارات اتریش و یکی از برجسته ترین کارشناسان اقتصاد و نظام بانکداری این کشور، برای انجام مذاکراتی در خصوص ایجاد تحول در سیستم کار بانک مرکزی و مطالعه در خصوص نظم مالی و بانکی به ایران سفر کرد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۸ پرونده ۱۶۲،۱ سند شماره ۴۸)

در چهارچوب برنامه دولت برای صنعتی کردن کشور، اولویت دولت تقویت اقتصاد ملی و انجام طرح های با سرمایه گذاری های داخلی در کنار جذب سرمایه های خارجی بود. در همین راستا دولت ایران اقدام به خرید بخشی از سهام کارخانجات گروپ در آلمان و کارخانجات «KRUPP» در فرانسه کرد تا بتواند پروژه های صنعتی را با استفاده از نیروی کار داخلی در خود ایران اجرا کند. در باب این موضوع خبرنگار مجله آلمانی «NEUE REVUE» در اتریش، از آقای خلعتبری وزیر امور خارجه پرسید آیا ایران مایل است چنین رویه ای را در خصوص اتریش نیز پیش بگیرد. خلعتبری در پاسخ به ضرورت توسعه اقتصاد ملی در حوزه صنعت اشاره کرد و گفت ایران علاقه مند است با تکیه بر رونق و ثبات اقتصادی خود از یک طرف و غنای اتریش از حیث دارا بودن تکنولوژی جدید صنعتی از طرف دیگر، در برنامه های طویل المدت اقتصادی با این کشور همکاری کرده و بخصوص در راه تجاری کردن و صنعتی کردن کشاورزی و دامداری خود از اتریش کمک بگیرد و نفت را اساس این برنامه ها قرار دهد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۸ پرونده ۱۶۵ سند شماره ۶۲)

بازار مکاره و نمایشگاه ها

در اتریش هر ساله نمایشگاهی با عنوان بازار مکاره در ماه های مارس و سپتامبر برگزار می شد. در این نمایشگاه، کشورها، شرکت های خصوصی، کمپانی ها، تولیدی ها و افراد، تولیدات و محصولات خود را در معرض دید بازدید کنندگان قرار می دادند. این نمایشگاه با حضور رئیس جمهور اتریش، مقامات عالی رتبه سیاسی و اقتصادی این کشور و همچنین حضور هیأت های سیاسی مقیم اتریش و نماینده های سفارتخانه ها از جمله ایران برگزار می شد.

نمایشگاه و بازار مکاره پاییزه وین در روز یکشنبه نهم سپتامبر مصادف با ۱۸ شهریور ۱۳۳۵ به مدت یک هفته افتتاح شد. این بازارهای مکاره از چند نظر برای اتریش حائز اهمیت بود. اتریش بدین وسیله قدرت صنعتی و اقتصادی خود را هر سال در معرض دید عموم گذاشته و کارخانه ها و مؤسسات صنعتی اتریش می کوشیدند هر ساله کالاها و محصولات خود را با کیفیت بهتری ارائه کنند. رقابت شرکت ها و کارخانه های صنعتی در جلب رضایت مشتریان خارجی، سبب رونق اقتصادی اتریش می شد. تشکیل بازار مکاره همچنین به توسعه صادرات اتریش کمک می کرد زیرا تقریباً از تمام کشورهای دنیا عده زیادی برای خرید و فروش محصولات صنعتی به وین می آمدند و در این فرصت معاملات تجاری مهمی صورت می گرفت. ممالک خارجی نیز در این بازار مکاره تازه ترین محصولات خود را عرضه می کردند و بدین وسیله کارشناسان و متخصصین اقتصادی اتریش با جدیدترین تکنولوژی ها، ماشین ها و ابزار صنعتی آشنا می شدند. فایده دیگری که این بازارهای مکاره برای اتریش داشت، رونق صنعت توریسم و افزایش تعداد جهانگردان به این کشور بود. طبق آمار منتشر شده از طرف دفتر بازار مکاره از نمایشگاه پاییزی وین در سال ۱۳۳۵ بیش از

۶۰۰ هزار نفر داخلی و خارجی دیدن کردند. غرفه ایران شامل انواع فرش، قالی و قالیچه، محصولات کشاورزی و خشکبار بود که مورد توجه بازدیدکنندگان اروپایی و اتریشی قرار گرفت. (سال ۱۳۳۵ کارتن ۹,۱۸ پرونده ۹۶ سند شماره ۲۱)

نمایشگاه گراتس با حضور وزیر بازرگانی اتریش و عده کثیری از شخصیت های اقتصادی اتریش از ۲۷ سپتامبر تا ۵ اکتبر با شرکت بیش از ۲۸ کشور مختلف افتتاح شد. (سال ۱۳۳۵,۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۸ سند شماره ۳۳)

در این نمایشگاه ۱۵ کشور از جمله آمریکا، آلمان، دانمارک، انگلستان، ایتالیا و ... حضور داشته و محصولات فنی و صنعتی خود را در غرفه های که ترتیب داده شده بود در معرض دید عموم قرار دادند. غرفه های ایران که توسط آقای عباس رحیمی بازرگان ایرانی مقیم اتریش اداره می شد، شامل فرش و انواع صنایع دستی از جمله مینیاتور، نقره کاری و قلم زنی و ... بود که بسیار مورد توجه آقای «می ترر» وزیر بازرگانی اتریش قرار گرفت. در غرفه ایران همچنین اعضای سفارت ایران و شخصیت های برجسته ایرانی مقیم اتریش حضور داشتند. (همان، سند شماره ۲۵ و ۵۹)

آقای رحیمی از وزارت اقتصاد درخواست کرد کارخانجات و مؤسسات تولیدی در ایران نمونه محصولات خود را به اتریش فرستاده تا با ارائه در نمایشگاه بازار فروشی برای این محصولات یافت شود. (همان، سند شماره ۳۸)

در کنار این نمایشگاه، برای عرضه محصولات صنعتی و تولیدات کارخانه ها و واحدهای صنعتی نمایشگاهی در شهر گراتس اتریش برگزار می شد که در حدود ۳۰ کشور در این نمایشگاه شرکت می کردند. غرفه ایران به فرش و صنایع دستی اختصاص داشت که توسط آقای عباس رحیمی یکی از معروف ترین تجار فرش در اتریش، اداره می شد. بنا به گزارش سفارت، غرفه ایران یکی از پربازدیدترین غرفه ها

بوده و محصولات ایرانی مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفت است. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۸ سند شماره ۵۸)

عباس رحیمی که در اغلب نمایشگاه های اتریش صاحب غرفه فرش و صنایع دستی بود و در مراسم مختلف از طرف مقامات و بازرگانان اتریش تقدیر شده بود، با هزینه شخصی خود از شهردار و رئیس نمایشگاه «ولس» دعوت کرد با هدف تحکیم روابط بازرگانی بین دو کشور به ایران سفر کنند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۲۴ پرونده ۲۳۳ سند شماره ۳)

بنا به گزارش مرکز صنایع دستی وزارت اقتصاد در سال ۱۳۵۱، ایران در نمایشگاه صنایع دستی ملل که در تاریخ ۱۸ آوریل تا ۱۴ اکتبر ۱۹۷۴ در وین برگزار شد، شرکت کرد. هدف از برگزاری این نمایشگاه معرفی فرهنگ ها و هنرهای مردم کشورهای مختلف بود که با شرکت بیش از ۴۰ کشور برگزار می شد. در غرفه ایران انواع فرش و قالیچه، انواع غذاها و لباس های محلی، موسیقی و فیلم ارائه شد. (همان، سند شماره ۱۲ و ۱۸)

به گزارش اداره امور اقتصادی وزارت امور خارجه، هشتاد و هشتمین نمایشگاه بین المللی کالا، در وین به تاریخ هشتم سپتامبر ۱۹۶۸ با شرکت ۲۷۰۰ مؤسسه اتریشی و ۲۳۴۵ مؤسسه غیر اتریشی برگزار شد. کشورهای آلمان، انگلستان، سوئیس، فرانسه، بلژیک و مراکش از جمله کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه بودند. بنا به توضیحات اسماعیل فربود، کاردار موقت ایران در وین، این نمایشگاه همه ساله در پاییز و بهار و با شرکت بسیاری از کشورهای جهان برگزار می شد. ایران تا به حال در این نمایشگاه حضور پیدا نکرده بود. تنها چند نفر از تجار ایرانی که نماینده دولت و وزارت اقتصاد نیز نبوده اند، فرش های ایرانی را در بخش مخصوص مبیل و لوازم

خانگی عرضه کردند. اسماعیل فرمود ادامه داد از آنجاییکه نمایشگاه وین در میان ممالک شرق و غرب بسیار مشهور است و تعداد زیادی از بازرگانان خارجی از این نمایشگاه دیدن می کنند، اگر وزارت اقتصاد و اطاق صنایع و بازرگانی در این نمایشگاه شرکت کنند، به لحاظ بازاریابی برای محصولات ایران بسیار مفید خواهد بود. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۸ سند شماره ۱۰۲ و ۱۰۳)

در سال ۱۳۵۳ نمایشگاه بین المللی کالاها و فراوردهای صنعتی و شیمیایی به مدت ۱۲ روز در ایران برگزار شد. غرفه اتریش با حضور ۳۵ شرکت و مؤسسه در محلی به مساحت ۵۰۰ متر برپا گردید. این غرفه عمدتاً به بخش ماشین های صنعتی و کالاها و مواد کشاورزی اختصاص داشت و در بخش های مختلف آن محصولات از قبیل کالاها و مواد شیمیایی ساخت اتریش، انواع کالاهای نیمه ساخت، کالاها و مواد چوبی و کاغذی، انواع پارچه و کالاهای بافندگی، آهن آلات و سایر ادوات آهنی و وسایل حمل و نقل به نمایش گذاشته شده بود. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳، ۱ سند شماره ۵۶)

مشارکت اتریش در پروژه های عمرانی و اقتصادی ایران

شرکت های تجاری و مهندسی اتریشی که در حوزه پروژه های عمرانی فعالیت داشتند، در مناقصه های مربوط به سد سازی و ساختمان سازی شرکت می کردند. رئیس جمهور اتریش در خلال اقامتش در ایران وعده داد که کمک های اقتصادی اتریش به ایران به بهترین شکل در مواقع لزوم انجام خواهد گرفت، بنا به گزارش سفارت ایران در وین نماینده شرکت «port» در سال ۱۳۴۴ ضمن مراجعه به سفارت درخواست کرد در پروژه ساختمان سد زرینه رود، مبلغ سی میلیون ریال سرمایه گذاری کند. سفیر کبیر اتریش در ایران نیز تقاضای حضور این شرکت در مناقصه را ثبت کرد.

وزیر دارایی اتریش در خصوص سرمایه گذاری این کشور در سد زرینه رود، عنوان داشت ظرفیت اتریش برای این مشارکت ۳۰۰ میلیون شلینگ است که صد میلیون آن را دولت اتریش از محل تشویق صادرات به مدت حداکثر ۱۲ سال با ربح ۵ درصد پرداخت و برای ۲۰۰ میلیون شلینگ دیگر ضمانت ۱۵ ساله می دهد و این مبالغ در اختیار شرکت مزبور قرار می گیرد. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۹ پرونده ۴۷ سند شماره ۲۰)

این شرکت پیشتر در سال ۱۹۶۱م/ ۱۳۳۹ سد شهنار را در نزدیکی همدان ساخت و پس از اتمام این پروژه وسایل و ابزار کار شرکت در ایران باقی مانده بود. همچنین متخصصین فنی اتریشی که بر روی سد شهنار کار می کردند، علاقه مند به ادامه همکاری و کار در ایران بودند. (همان، سند شماره ۷۳)

به گزارش مهندس صفی اصفیا مدیرعامل سازمان برنامه، دکتر «هرباچک» سفیر اتریش ضمن دیداری با مهندس روحانی وزیر آب و برق و مدیرعامل سازمان بودجه داشت، علاقه مندی مؤسسه ها و شرکت های اتریشی به حضور در طرح های عمرانی در ایران را یادآور شد و در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۴ برای بیان و توضیح این مطلب دیداری با شاه انجام داد. در این دیدار سفیر اتریش بار دیگر تأکید کرد که شرکت اتریشی برای اجرای پروژه های ساختمانی بزرگ کلیه ماشین آلات و تجهیزات لازم را در اختیار دارد و همچنین دارای کادر فنی مجهزی است که علاوه بر داشتن اطلاعات و تجربیات کافی در حرفه خود با وضعیت بومی و محلی ایران و زبان فارسی به خوبی آشنا هستند. مقام اتریشی ادامه داد: «از مدت اتمام سد شهنار یک سال و نیم می گذرد اما متخصصین اتریشی به رغم توانایی شان هنوز طرحی دریافت نکرده اند.» سفیر در ادامه به رویکرد دولت اتریش نسبت به مشارکت در طرح های ساختمانی اشاره کرد و گفت دولت اتریش موافقت خود را با تأمین و تضمین اعتبارات لازم جهت اجرای

پروژه های ساختمانی در ایران را اعلام میدارد. این اعتبار در اختیار بانک های معتبر اتریشی قرار داده خواهد شد. سفیر در پایان درخواست کرد ایران فهرستی از طرح ها و پروژه های عمرانی و ساختمانی که در صدد ساختن آنهاست را در اختیار مقامات اتریشی و وزارت دارایی این کشور قرار دهد تا پس از مطالعه و در صورت اعلام موافقت، مقدمات کار فراهم آید. در پاسخ درخواست سفیر گفته شد دولت ایران مشارکت شرکت های اتریشی در طرح های مربوط به سیدسازی و کارخانجات برقی را مناسب می داند. (همان، سند شماره ۷۷ و ۷۸)

علاقه مندی دولت ایران به مشارکت اقتصادی اتریش و سرمایه گذاری این کشور در طرح های برنامه چهارم عمرانی مورد توجه و پذیرش رئیس جمهور اتریش قرار گرفت و در نتیجه مذاکرات طرفین، در سال ۱۳۴۷ مقرر شد، مسیون های اقتصادی اتریش به ایران آمده و انجام پروژه های عمرانی را مطالعه و بررسی کنند. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۷۹ سند شماره ۳۷)

مسأله دیگر که مورد بررسی سازمان برنامه قرار گرفت پیشنهاد دکتر «کرایسکی» وزیر امور خارجه اتریش در خصوص تشکیل یک کمیسیون مشترک در سطح وزارت را برای مدیریت همکاری های فنی و اقتصادی در دو کشور بود. (همان، سند شماره ۳۷)

در سال ۱۳۵۳ توافق در خصوص پروژه های مشترک اقتصادی بین ایران و اتریش صورت گرفت. شرکت «تیرول» یک شرکت کریستال سازی بود که رئیس این شرکت برای انجام مذاکرات ساخت یک کارخانه کریستال سازی با سرمایه مشترک به ایران آمد. یک سوم سهام کارخانه مذکور متعلق به اتریش و دو سوم بقیه سرمایه ایران بود. بر اساس قرارداد این کارخانه شیشه های لوازم لابراتورهای شیمیایی و همچنین کریستال های تراش دار تولید می کرد و ۲۰۰ نفر کارگر داشت و پیش بینی

می شد فروش سالانه کارخانه از ۵ تا ۷ میلیون دلار باشد. کارخانه تیرویل ده ماه پس از انعقاد قرارداد شروع به کار کرد و در سال ۱۹۷۴/۱۳۵۲ بالغ بر ۸۰ میلیون شلینگ درآمد داشت. از این رقم بالغ بر ۴۴ میلیون شلینگ آن از صادرات کالاهای کارخانه بدست آمده بود.

پروژه اقتصادی دیگری که با سرمایه گذاری ایران و اتریش انجام شد، ساخت یک کارخانه واگن سازی در ایران از طرف کارخانه اتریشی «graz - simmering pauker» بود. پیش از انجام مذاکرات در خصوص تأسیس این کارخانه، ۵۰۰ واگن اتریشی حمل کالا به ارزش تقریباً به ارزش یک میلیارد شلینگ معادل ۵۸ میلیون دلار و همچنین ۵۰ واگن سریع السیر درجه یک از اتریش به ایران وارد شد.

در همین زمان مذاکراتی نیز در خصوص احداث یک کارخانه ساخت دستگاه های جوشکاری فلزات در ایران به عمل آمد. شرکت اتریشی «ELIN» مسئولیت ساخت این کارخانه را بر عهده داشت.

دیگر پروژه مشترک ایران و اتریش در سال ۱۳۵۳، طرح ساخت کارخانه تولید ابزار و دستگاه های آتش نشانی بود که شرکت اتریشی «Rosenbauer» انجام این طرح را بر عهده داشت. احداث کارخانه آجرپزی، فراورده های شیمیایی و کارخانه تولید سیم هایی با پوشش لاک، از دیگر طرح های اقتصادی بود که با سرمایه مشترک ایران و اتریش انجام گرفت. (همان سند شماره ۴۵)

گزارش اقتصادی سفارت ایران در وین خطاب به وزارت امور خارجه و اتاق بازرگانی حاکی از روند رو به رشد روابط تجاری و افزایش مشارکت های اقتصادی بین ایران و اتریش بود. بر اساس این گزارش صدراعظم اتریش و مقامات تصمیم گیرنده در حوزه اقتصاد علاقه زیادی به افزایش سرمایه گذاری صنعتی در ایران

داشتند. سرمایه گذاران اتریشی درخواست های خود برای انجام طرح های صنعتی در ایران را به صورت کتبی به سفارت ایران تحویل می دادند. با بررسی این درخواست ها به نظر می آید سرمایه داران اتریشی در حوزه های ساخت سردخانه های بزرگ و سرتاسری، احداث کارخانه های کشتی سازی و ساخت کشتی های تجاری و ماهیگیری، احداث کارخانه های تولید ابزار صنعتی و سرمایه گذاری در آب های خلیج فارس، علاقه مند به سرمایه گذاری بودند. گزارش فوق همچنین حاوی تصمیم هیأت ها، متخصصین و کمیسیون های مختلف تجاری و بازرگانی برای سفر به ایران در ماه های پیش رو بود. سفیر ایران در آخر گزارش خود درخواست کرد اجازه داده شود برای انجام مقدمات ورود هیأت های اتریشی به ایران بیاید زیرا سفیر اتریش در ایران به دلیل کهولت سن بود ممکن است نتواند به خوبی از عهده انجام امور برآید و زحمات سفارت ایران در وین در راه تنظیم قراردادهای تجاری و صنعتی بی ثمر بماند. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳، ۱ سند شماره ۷۵)

به گزارش نجم آبادی وزیر صنایع دومین گروه از مدیران و نمایندگان شرکت ها و صاحبان صنایع اتریش در سال ۱۳۵۳ با هدف مذاکره درباره همکاری های دو کشور در بخش خصوصی وارد ایران شدند. برنامه ها و طرح ها از طرف وزارت صنایع و بازرگانی اتریش تدوین شد. ریاست این هیأت بر عهده دکتر «wfinblger» یکی از صاحبان کارخانه های غلطک سازی و یکی از سهام داران عمده در بخش تولید فولاد در اتریش بود. با وجود اینکه هیأت مزبور بیشتر با بخش خصوصی همکاری می کرد اما بنا به صلاحدید دولت، از طرف وزارت صنایع اقداماتی برای کمک به گروه اتریشی در انجام مذاکرات به عمل آمد. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳، ۲ سند شماره ۴۰)

بنا به مکاتبات نامدار سفیر ایران در وین با هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد، هیأت یادشده مایل بود با کارخانجات ذوب آهن ایران همکاری کرده و از کارخانه های ریخته گری در اراک دیدن کند. بررسی پتانسیل های این کارخانه ها برای تهیه غلتک های فولادی از دیگر اهداف صاحبان صنایع اتریش بود. (همان، سند شماره ۴۳)

مصطفی نامدار همچنین از پیشنهاد های مدیران شرکت ها و کارخانه های آلومینیوم سازی اتریش برای احداث کارخانه تولید ورقه های نازک آلومینیوم و تولید مشترک در زمینه خشکه سازی فولاد سخن گفت.

شرکت سهامی اتوپارس نماینده انحصاری اتومبیل های فورد آلمانی از طرف اتریش در ایران بود که برخی از کارمندان این شرکت از اتباع اتریشی بودند. (سال ۱۳۴۰ کارتن ۶۲ پرونده ۱۱،۶ سند شماره ۱۰)

شرکت «آلگمینه و گزلفافت آپو آکسین گزلفافت» شرکتی اتریشی بود که در ایران به نمایندگی و ریاست «گئورگ گوبل» اتریشی فعالیت می کرد. (سال ۱۳۴۴ کارتن ۸۵ پرونده ۱۱،۸ سند شماره ۱۳)

یکی از شرکت هایی که با ایران معاملات تجاری داشت، شرکت «Walter unGER» در سالزبورگ بود که ماشین آلات و محصولات شیمیایی تولید می کرد. نماینده این شرکت طی نامه ای از سفارت ایران خواست اطلاعاتی در خصوص وارد کنندگان ماشین آلات و محصولات شیمیایی و فرآورده های لاستیکی و ماشین های ساختمانی و غیره در اختیار این شرکت بگذارد. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۸ پرونده ۸۸ سند شماره ۹۲)

علاوه بر مؤسسه هایی که توسط اتحادیه صنایع اتریش در شهرهای ایران و به ویژه تهران تأسیس شده بود شرکت های مختلفی در ایران فعالیت تجاری و صنعتی داشتند از جمله:

شرکت ساختمانی «port» که در پروژه سد جیرفت مشارکت داشت. شرکت «ELIN» که در ایران مواد شیمیایی تولید می کرد و شرکت «LINZ» که کارخانه ای برای ساخت انواع ملامین در سال ۵۴ در تهران تأسیس کرد. در همین سال نمایندگان ۴۰ شرکت و مؤسسه مختلف اتریشی ضمن بازدید از نمایشگاه پاییزی در تهران، شرایط را برای سرمایه گذاری و تأسیس شرکت های مختلط در ایران بررسی کردند. (سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷ سند شماره ۶)

به جز فعالیت شرکت ها و کارخانه های اتریشی در ایران که تعدادی نیروی کار اتریشی را در ایران به کار گمارده بود، پس از اینکه ایران در عصر پهلوی دوم و بخصوص پس از دهه ۴۰ روند صنعتی شدن خود را تسریع کرد و تعداد کارگاه های صنعتی و کارخانجات افزایش یافت، نیاز به نیروی کار ماهر، متخصصین و مهندسین خارجی، از جمله اتباع اتریش را متوجه ایران کرد. متقاضیان نخست درخواست خود برای کار را به سفارت ایران در وین می دادند تا پس از ارسال به ایران و دریافت پاسخ ترتیبات معمول انجام شود. در سال ۱۳۴۳ مدیرعامل شرکت سهامی کارخانجات ایران در پاسخ درخواست یک مهندس اتریشی برای استخدام در کارخانجات نساجی به وزارت امور خارجه و سپس سفارت ایران در وین نوشت: در حال حاضر این شرکت از متخصصین ایرانی و تعداد زیادی از فارغ التحصیلان ایران در خارج استفاده می کند و در بخش نساجی فعلاً نیازی به مهندسین خارجی نیست اما با توجه اینکه این صنعت روند رو به رشدی دارد و در آینده استخدام متخصصین خارجی نیز لازم خواهد شد، به مهندس متقاضی بنویسد میزان معلومات و تجربیات خود را به صورت مکتوب ارسال کند. (سال ۱۳۳۵،۵۰،۶۱ کارتن ۹ پرونده ۴۷ سند شماره ۹۲)

صادرات و واردات اتریش و ایران

اطلاعات موجود درباره قوانین گمرکی در خصوص ایران و اتریش در در دوره پهلوی اندک است. بر اساس ماده ۱۹ مقررات عمومی صادرات و واردات مصوب ۱۳۵۰ ورود کالا به استثنای هدایا و کالاهای مسافری، بدون انتقال ارز یا از محل ارزی که در خارج از هر طریق غیر از صادرات تحصیل شده باشد، مجاز نبود به استثنای مواردی که از طرف وزارت اقتصاد و بانک مرکزی ایران تعیین یا موافقت می شد. همچنین ورود و ترخیص کالاها از طرف اشخاص با هر منظور، منوط به پرداخت تمام حقوق و عوارض گمرکی و غیر گمرکی بود که هیچ کالای مشمول معافیت گمرکی قرار نمی گرفت. دکتر روان مجد یکی از بورسیه هایی که از طرف دولت برای گذراندن دوره ۱۱ ماهه به اتریش رفته بود پس از پایان مدت بورس خود و اتمام طرح خود در یکی از بیمارستان های وین، تصمیم گرفت وسایل پزشکی لازم برای افتتاح مطب را از وین وارد کند. ولی حواله پول به صورت شخصی، مورد موافقت بانک مرکزی نبود. در چنین مواردی موافقت وزارت اقتصاد برای واردات کالا الزامی بود. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۶۱ کارتن ۲۰ پرونده ۱۱۰ سند شماره ۴۴ و ۴۵)

نظر به مکاتبات دکتر خلعتبری وزیر امور خارجه با سناتور محمدعلی صفاری رئیس کمیته حمایت از مصرف کننده، با فراگیر شدن تورم بی سابقه در کشورهای جهان و از جمله ایران در سال ۱۳۵۴ قیمت کالاهای مصرفی و صنعتی افزایش یافت و با رشد نارضایتی فزاینده در بین مصرف کنندگان و برای جلوگیری از روند افزایشی قیمت کالاهای مصرفی، کمیته ملی حمایت از مصرف کنندگان اقدام به تشکیل ۱۱۵ شعبه حمایت از حقوق مصرف کننده در شهرستان ها کرد. اقدام کمیته یادشده در مرکز و شهرستان ها تنها هنگامی امکان پذیر بود که قیمت اصلی و دست اول کالاهای

مصرفی معلوم می بود تا بتوان با این آگاهی عوامل و میزان افزایش نامعقول یا ساختگی را شناسایی کرد. از این رو کمیته فرعی بررسی قیمت ها پیشنهاد نمود برای اطلاع از اصل قیمت ها در مرکز فروش، امور اقتصادی وزارت خارجه با استفاده از مشارکت نمایندگان سیاسی ایران در کشورهای خارجی از جمله اتریش، قیمت کالاهای پر مصرف ارسال شود تا در یک برنامه مقایسه ای بتوان گرانی بدون دلیل و افزایش بی رویه قیمت را مشخص نمود. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کاپتن ۱۱ پرونده ۶۳، ۱ سند شماره ۲۲)

فهرست کالاهایی که به اتریش ارسال شد، به ترتیب زیر بود:

شیرخشک، شیر، انواع پنیر و کره، برنج و نان، روغن های نباتی، صابون و انواع پودرهای شوینده، اطوی برقی، یخچال، جاروبرقی، رادیو و تلویزیون، سیمان، انواع شیشه، ماشین رختشویی، اجاق گاز، پارچه های پشمی، کاغذ گالینگور، کاغذ دیواری، انواع لاستیک ماشین، روغن موتور و گریس، آهن آلات ساختمانی و انواع لوله های آهنی و تلفن. (همان، سند شماره ۲۳)

سفارت ایران در سال ۱۳۵۳ گزارشی در خصوص آمار و ارقام صادرات و واردات اتریش و ایران که برگرفته از روزنامه «Salzburger Nachrichten» بود، ارائه داد. بر اساس این گزارش مبادله کالا با ایران در سالهای اخیر همواره سیری صعودی داشته و از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۱ / ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۹ حجم مبادلات بازرگانی به سود اتریش بوده است. ولی در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ / ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ به این دلیل که مقدار نفت خریداری شده از ایران بیشتر شد، نسبت صادرات اتریش به وارداتش از ایران ۱۴۹ میلیون شیلینگ (تقریباً ۷/۴۵ میلیون دلار) در سال ۱۹۷۲ / ۱۳۵۰، ۱۳۲ میلیون شیلینگ (۶/۶ میلیون دلار) و در سال ۱۹۷۳ کسری پیدا کرده و بعد از نیمه اول سال ۱۹۷۴ صادرات اتریش به ایران از ۲۶۸ میلیون شیلینگ در سال گذشته به ۵۷۱ میلیون شیلینگ افزایش

یافت یعنی تقریباً بیش از دو برابر شد. ولی واردات اتریش از ۴۵۱ میلیون شیلینگ به ۲۹۱ میلیون تنزل پیدا کرد. به دلیل افزایش بهای نفت خام در پاییز ۱۹۷۳ ایران دومین کشور بزرگ تولید کننده نفت در جهان با ۲۹۵ میلیون تن نفت خام بود و موفق شد درآمد خود از نفت را که برای سال ۱۹۷۴، ۷۰ میلیارد شیلینگ پیش بینی شده بود به ۳۵۰ میلیارد شیلینگ معادل ۱۷/۵ میلیارد دلار افزایش دهد. به گزارش روزنامه یادشده، شاه ایران معتقد است با استفاده از افزایش رشد سالانه ۲۵ تا ۲۷ درصد درآمد ناخالص ملی خواهد توانست تا پایان مدت برنامه پنجم عمرانی کشور، ایران را به سطح کشورهای صنعتی غرب برساند. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳، ۱ سند شماره ۵۷)

با افزایش حجم سرمایه گذاری های مشترک بین ایران و اتریش و انجام همکاری تجاری در قالب طرح های زیربنایی و تأسیس شرکت ها و مؤسسه های مشترک تجاری، میزان صادرات ایران به اتریش در سال ۱۳۵۴ افزایش یافت و به رقم ۱۰۴۷۷۲۶۰۰۰ شیلینگ معادل ۵۹ میلیون دلار رسید که نسبت به سال پیش افزایشی در حدود ۱۷۸۳۸۰۰۰۰ شیلینگ معادل ۹/۹ میلیون دلار را نشان می دهد. در این سال همچنین بازار فروش فرش ایرانی به همت تجار ایرانی در برپایی نمایشگاه های مختلف بهبود یافت. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷ سند شماره ۵۷)

رویه سفارت ایران در حمایت از بازرگانان و حل اختلافات آنها با مقامات اتریشی و همچنین ایجاد ارتباط نزدیک با بخش خصوصی اتریش نقش مهمی در رونق بازار ایران در اتریش بخصوص فروش فرش داشت.

یکی از اقلامی که ایران از اتریش وارد می کرد، گوشت های گاو و دامی بود. به گزارش مصطفی نامدار سفیر ایران در وین، از آنجا که ۴۵ درصد انواع گوشت اتریش

به ایتالیا صادر می شود، این کشور در صدد ایجاد مشکلاتی برای واردکننده های ایرانی است. (همان، سند شماره ۸۴)

در بسیاری از موارد واردات کالا از طریق بخش خصوصی و توسط فروشندگان عمده یک کالا انجام می گرفت. البته اتاق بازرگانی و صنایع و معدن در جریان انجام این معاملات قرار می گرفت. شرکت اتریشی

«Haas» سازنده اسباب بازی های کودکان و اتریش مقداری از کالاهای خود را به ارزش ۲۵۰۰۰۰ شیلینگ به شرکت ایرانی «حمید عزیزی و شرکا» فروخت و در صدد بود برای یافتن بازار فروش خود در ایران با چند شرکت دیگر واردکننده اسباب بازی وارد مذاکره شود. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳ سند شماره ۱۲۲)

مبادله بین شرکت های اتریشی و ایرانی صورت دیگری از انجام معاملات و صادرات و واردات بود. شرکت «پرساز» در ایران که به تولید و فروش کالاهای وسایل چوبی اشتغال داشت در سال ۱۳۵۳ کالاهای ارسالی از اتریش که شامل ۵۰۰ کوپ (نوعی چوب) بود را در جلفا تحویل گرفت. روال کار بدین شکل بود که اتریش همراه با محموله های خود نماینده ای متخصص به ایران می فرستاد که در صورت بروز مشکل یا خراب بودن کالاهای این امر رسیدگی کند. (همان، سند شماره ۱۲۷)

بر اساس گزارش های محسن صدری سفیر ایران در وین، مقامات سیاسی و اقتصادی اتریش از جمله رئیس جمهور، صدراعظم، وزیر امور خارجه، رئیس پارلمان و شهردار وین در دیدارهای مکرر خود با سفیر ایران خواستار تحکیم و گسترش روابط اقتصادی خود با ایران خاصه در چهارچوب معاملات نفتی شدند. مقامات اتریشی پیشنهاد دادند که این امکان فراهم شود که اتریش از ایران مستقیماً نفت وارد کند و در عوض محصولات و فرآورده های خود را به ایران صادر نماید. به عنوان مثال ایران در

سالیان گذشته یکی از خریداران تراکتورهای اتریشی بود ولی از آنجا که رومانی در برابر صدور تراکتورهای خود به ایران فقط نفت وارد می کرد، تراکتورهای رومانی جای تولیدات اتریشی را گرفتند. مسئولان صنعت نفت در اتریش در تلاش هستند که بتوانند با اتصال خطوط لوله کشی به پالایشگاه وین، مستقیماً از ایران نفت وارد کنند.

(سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۵ پرونده ۴۷ سند شماره ۱۸)

علاقه مندی مقامات اتریشی به افزایش صادرات و واردات با ایران، سبب شد که سفارت ایران به منظور بالا بردن میزان صادرات ایران به اتریش علاوه بر اقدامات تبلیغاتی از قبیل تشکیل غرفه ایران در نمایشگاه های بین المللی و فروشگاه های بزرگ وین و ترتیب دادن نمایشگاه های عکس و صنایع دستی ایران و غیره مذاکرات مفصلی با کلیه مقامات مربوطه به عمل آورده و در کمیسیون عالی مشترک اقتصادی ایران و اتریش تصمیمات مؤثری اتخاذ گردد. همچنین دولت اتریش با خرید ۳۰۰ هزار تن نفت ایران موافقت نمود و مقرر شد این مقدار تا یک میلیون تن افزایش یابد. (همان، سند شماره ۲۲)

در یک آمار کلی در سال ۱۹۶۸ / ۱۳۴۶ جمع صادرات اتریش به ایران ۳۲۰ میلیون شیلینگ و جمع کل واردات از ایران ۱۰۵ میلیون شیلینگ بود. مبلغ کل صادرات اتریش در ۹ ماه اول سال ۱۹۶۹ به ۲۷۷ میلیون شیلینگ و جمع واردات از ایران در همین مدت ۱۰۷ میلیون شیلینگ بود. (سال ۱۳۴۶، ۵۰ کارتن ۷ پرونده ۶۶ سند شماره ۱۱۹)

در سال ۱۹۷۴ صادرات اتریش به کشورهای عربی و همچنین ایران در مقایسه با سال ۱۹۷۳ افزایش یافت. بنا به تحلیل محافل اقتصادی اتریش این رشد به دلیل افزایش درآمد این کشورها و قدرت خریدشان در کالاهای مصرفی بود که میزان تقاضا در این کشورها را افزایش می داد. افزایش صادرات اتریش به ایران که سومین بازار فروش مهم اتریش در ماورای دریاها بود، در سال ۱۹۷۴ بالغ بر ۸۵ درصد بود که نسبت به

سال ۱۹۷۳ رشد و درآمدی معادل ۱/۲ میلیارد شلینگ (معادل ۷۵ میلیون دلار) بود. (همان، سند شماره ۳۸)

همان طور که پیشتر در بخش های دیگر گفته شد، مهم ترین کالای صادراتی ایران به اتریش از زمان قاجار فرش بود. میزان صادرات این کالا متأثر از شرایط اقتصاد داخلی و بین المللی متفاوت بود. در سال ۱۳۵۱ کمیسیون تعیین نرخ کالاهای صادراتی به منظور تجدیدنظر در نرخ انواع فرشهای صادراتی با حضور نمایندگان وزارت اقتصاد، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، بانک مرکزی، اداره کل گمرک، گمرک تهران، وزارت کشاورزی، مؤسسه استاندارد، مرکز توسعه صادرات و نمایندگان صادرکننده فرش در تاریخ های ۲۹ آبان و اول آذر سال ۱۳۵۱ در مرکز توسعه صادرات تشکیل و نرخ فرشهای صادراتی را به شرح زیر تعیین کردند:

فرش های بافت خراسان

نوع فرش	ابعاد	قیمت
قالی ممتاز مشهد	بین ۵۰ تا ۶۰ رج در هر متر مربع	۱۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰
"	" ۴۰ تا ۵۰ "	۷۲۰۰ تا ۱۱۰۰۰
قالی درجه ۱ مشهد	" ۴۰ تا ۳۵ "	۷۲۰۰ تا ۵۰۰۰
قالی درجه ۲ مشهد	" ۳۵ تا ۳۰ "	۳۱۰۰ تا ۲۳۰۰
قالی ممتاز درجه ۳	" ۲۵ تا ۲۰ "	۳۱۰۰ تا ۲۳۰۰
قالی ممتاز مود	" ۵۰ تا ۴۵ "	۹۵۰۰ تا ۵۰۰۰
قالی درجه ۱ مود	۴۵ تا ۴۰	۷۰۰۰ تا ۵۰۰۰
قالی سبزوار و نیشابور درجه ۱	۴۰ تا ۳۰	۵۵۰۰ تا ۴۰۰۰

قالی گناباد	۲۵ تا ۱۵	۱۸۰۰ تا ۱۲۰۰
قالی درجه یک بیرجند	۳۰ تا ۲۵	۱۸۰۰ تا ۱۳۰۰
قالی بلوچ درجه ۱	۲۵ تا ۱۵	۲۵۰۰ تا ۲۳۰۰
قالی ترکمن تمام پشم	۲۵ تا ۱۵	۱۷۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰

(سال ۱۳۵۱،۵۵ کارتن ۲۴ پرونده ۲۳۳ سند شماره ۱۶۹)

تبرستان

www.tabarestan.info

فرش های بافت آذربایجان

نوع قالی	ابعاد	قیمت
قالی و قالیچه تبریز	۵۰ تا ۵۵ رج در هر متر مربع	۱۸۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰
قالی و قالیچه بدون ابریشم	۵۰ تا ۴۵	۱۲۰۰۰ تا ۹۵۰۰
قالی و قالیچه معمولی اعلا	۵۰ تا ۴۵	۱۲۰۰۰ تا ۹۵۰۰
قالی و قالیچه معمولی مرند	۳۰ تا ۲۵	۳۲۰۰۰ تا ۲۰۰۰
قالی اردبیل و سراب	۲۰ تا ۱۵	۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰
قالی درجه ۲ اردبیل	۲۵ تا ۱۵	۳۰۰۰ تا ۱۸۰۰
قالی و قالیچه قراجه و کوران	۲۰ تا ۱۵	۲۵۰۰ تا ۲۲۰۰
قالی و قالیچه ارسباران	۲۰ تا ۱۵	۲۵۰۰ تا ۲۲۰۰
قالی و قالیچه هریس	۲۰ تا ۱۵	۵۰۰۰ تا ۳۲۰۰

(سال ۱۳۵۵،۵۵ کارتن ۲۴ پرونده ۲۳۳ سند شماره ۱۷۰)

قالی و قالیچه بافت کاشان

نوع	ابعاد	قیمت
قالی و قالیچه کاشان تمام ابریشم	۴۰ تا ۵۰ درج هر متر مربع	۲۵۰۰۰ تا ۲۶۰۰۰
قالی کاشان ابریشم درجه ۲	۴۰ تا ۵۰	۲۶۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰
قالی و قالیچه کاشان پشم	۴۰ تا ۵۰	۸۵۰۰ تا ۶۵۰۰
قالی و قالیچه زواره	۳۰ تا ۵۰	۳۰۰۰ تا ۱۶۰۰
قالی و قالیچه آذران	۴۰ تا ۵۰	۱۳۰۰ تا ۱۰۵۰

(سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۲۴ پرونده ۲۳۳ سند شماره ۱۷۳)

قالی و قالیچه بافت یزد

نوع	ابعاد	قیمت
قالی و قالیچه ممتاز یزد	۴۰ درج هر متر مربع از	۷۵۰۰ تا ۶۲۰۰
قالی و قالیچه درجه ۱	۳۵ "	۵۶۰۰ تا ۴۴۰۰
قالی و قالیچه درجه ۲	۳۰ "	۴۱۵۰ تا ۳۳۵۰
قالی و قالیچه درجه ۳	۲۵ "	۳۱۰۰ تا ۲۳۵۰

(همان، سند شماره ۱۷۵)

قیمت های فرشهای صادراتی در سال ۱۳۵۴

شهر محل بافت	قیمت در یک متر مربع
نجف آباد اصفهان	۲۸۰۰ ریال
بختیاری	۲۳۵۰
قالی یزد	۱۷۰۰

۳۲۰۰	قالی کرمان
۱۲۵۰	گبه تجارتی بهبهانی، قشقایی، لری
۸۰۰	فرشهای ترکی و شیرازی
۱۸۰۰	مشهد
۱۵۰۰	بیرجند و گناباد
۱۸۰۰	سبزوار و نیشابور
۱۱۰۰	بلوچ و سیستان
۴۲۰۰	قالی ترکمن با ریشه ابریشم
۱۳۰۰	قالی تبریز
۱۶۰۰	اردبیل و سراب
۳۸۰۰	کردستان و بیجار
۱۶۰۰	اراک
۳۱۰۰	همدان
۲۲۰۰	زنجان و افشار
۴۲۰۰	قم
۳۶۰۰	آران

(سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۲۴ پرونده ۲۳۳ سند شماره ۱۵۶)

همکاری های اقتصادی ایران و اتریش در دهه ۵۰

جهش اقتصادی ایران پس از دهه ۴۰ و شکل گیری اقتصاد نوین صنعتی در دهه ۵۰ که متأثر از افزایش درآمدهای نفتی بود، روابط خارجی ایران با اتریش به ویژه در حوزه اقتصاد را متأثر کرد. اجرای اصول انقلاب سفید و برنامه های عمرانی محور این

روابط بود که عمدتاً از طرف سفارت ایران در اتریش تنظیم می شد. این توسعه اقتصادی بر حجم صادرات و واردات ایران با کشورهای دیگر از جمله اتریش نیز تأثیر گذاشت. سفارت ایران در وین در طول سالهای دهه ۵۰ تلاش داشت ضمن معرفی توان اقتصاد نوین ایران به سیاستمداران، سرمایه داران، صاحبان صنایع در اتریش و شرکت های صنعتی - تجاری معرفی از جمله لینز، تیرول و کرنتن، آنها را تشویق به سرمایه گذاری مشترک در ایران کند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵، ۱۷ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷، ۲ سند شماره ۴)

در سالهای ۵۶-۱۳۴۲ با توسعه بنادر، حجم واردات در یک آمار کلی ۴۰۰ درصد افزایش یافت. بندر انزلی، بندر شاهپور، بوشهر و خرمشهر نوسازی و احداث بندری جدید در چابهار آغاز شد. بیش از ۸۰۰ کیلومتر راه آهن ریل گذاری شد و تا اواسط دهه ۵۰ تهران به اصفهان، تبریز، مشهد، دریای خزر و خلیج فارس متصل شده بود. همچنین بیش از ۲۰۰۰۰ کیلومتر راه ساخته شد و تا اواسط دهه ۵۰ راه های آسفالت شهرهای بزرگ را به هم وصل کرد و جاده های درجه دو روستاها را به بازارهای شهری محلی پیوند داد. این پیشرفت ها ظرفیت های موجود برای صادرات و واردات را افزایش داد. (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۵۲۶-۵۲۴) با وجود این امکانات جدید، گروه های صنعتی و بازرگانی اتریش جهت افزایش همکاری های اقتصادی و بازرگانی به سفارت ایران مراجعه و پیشنهاد دادند دو کشور ایران و اتریش ضمن توسعه همکاری های اقتصادی خود می توانند در کشوری مانند مصر به صورت مشترک فعالیت های اقتصادی انجام دهند. در پی این مذاکرات سمیناری با همکاری سفارت ایران و اتاق صنایع اتریش در مدرسه بازرگانی وین تشکیل شد و طی آن اصول بازرگانی ایران در محورهای مختلف پس از انقلاب سفید بررسی شد و پس از آن مسئولین اقتصادی اتریش تسهیلات لازم برای مؤسسات و بازرگانان صادر کننده ایرانی برای شرکت در

نمایشگاه های بازرگانی مختلف که در شهرهای اتریش برگزار می شد را فراهم کردند تا آنها بتوانند کالاها و تولیدات صنعتی و سنتی ایران را عرضه کنند. در سال ۲۵۳۵ با همکاری وزارت اطلاعات و سازمان جهانگردی با سفارت ایران در وین نمایشگاهی در استانهای مختلف اتریش برگزار شد و در نمایشگاه «ولز» صحبت های پیرامون افزایش صادرات فرش ایرانی به اتریش بین سفیر ایران و مقامات اتریشی به عمل آمد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷، ۲ سند شماره ۵۴)

اتفاق دیگری که در سال ۱۳۵۵ به افزایش همکاری های دوجانبه بین ایران و اتریش کمک کرد سفر رسمی رییس جمهور اتریش به همراه هیأت اقتصادی به ایران بود. وزیر بازرگانی اتریش در طول اقامت خود در ایران مذاکراتی با وزرای بازرگانی، صنایع و معادن ایران پیرامون همکاری های مشترک انجام داد و توافق هایی در زمینه های توسعه همکاری های صنعتی و تولید پروتین، کشاورزی مکانیزه و دامداری به عمل آمد. (همان، سند شماره ۶)

در برنامه سوم و چهارم توسعه در حدود ۱/۲ میلیارد دلار به بخش کشاورزی اختصاص یافت که این بودجه از دو راه هزینه می شد: راه نخست هزینه برای احیای اراضی و مکانیزه کردن کشاورزی از طریق استفاده از تراکتور، کودهای شیمیایی و آفت های زراعی بود. راه دوم تأمین هزینه برنامه اصلاحات ارضی در سه مرحله بود. زمانی که اقتصاد طبیعی که در آن تولید اساسا برای مصرف تولید کننده و خانواده او صورت می پذیرفت، جای خود را به کشاورزی تجاری که در آن تولید برای بازار انجام می گیرد، داد. (سوداگر، ج ۱، بی تا: ۱۳۳) در این راستا برنامه دولت برای تجاری کردن کشت، سبب شد وزارت کشاورزی ایران برای ورود ابزارها و ماشین

های کشاورزی و تولید مشترک انواع سموم جهت دفع آفات نباتی، با کارخانه های اتریشی مذاکره کند. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷،۲ سند شماره ۶)

از اوایل دهه ۱۹۶۰ / ۱۳۴۰ دولت ایران به پیشبرد توسعه سرمایه داری دست زد. تولید ناخالص ملی از ۸ درصد در سال در دهه ۱۹۶۰ به ۱۴/۲ درصد در ۷۳-۱۹۷۲ و ۴۲ درصد در ۷۵-۱۹۷۴ رسید. همزمان با این تحولات، افزایش چشمگیری در بازده بخش صنعتی به وجود آمد و در این رابطه تدوین و اجرای برنامه های عمرانی تاثیری عمیق بر جمعیت شهرنشین کشور گذاشت. در برنامه های دوم و سوم با تخصیص بیش از ۲/۵ میلیارد دلار به صنعت، دو هدف دنبال می شد: تولید کالاهای مصرفی و رشد صنایع مادر و صنایع واسطه ای به ویژه نفت، گاز، ذغال سنگ، فولاد، آلومینیوم و ابزارهای ماشینی بنابراین ایران حداقل در آمار و ارقام به یکی از توسعه یافته ترین کشورهای جهان سوم و دارای یکی از بالاترین ضریب های رشد مستمر تبدیل شد. (هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۴۷)

در نتیجه این رشد صنعتی، سرمایه داران و صاحبان صنایع اتریش علاقه مندی بیشتری به سرمایه گذاری در ایران نشان دادند. منوچهر تسلیمی سرپرست سازمان گسترش و نوسازی صنایع در طول مسافرتش به وین در سال ۱۳۵۴ ضمن بازدید از مؤسسات صنعتی و کارخانه های اتریش، در خصوص تأسیس کارخانه هایی با تولیدات مشترک صنعتی و ساخت ماشین آلات با صاحبان صنایع اتریش، با اتحادیه صنایع و مدیران کارخانه ها مذاکره کرد در همین سال همچنین توافقاتی بین راه آهن اتریش و راه آهن ایران برای اعزام کارشناسان و و کارآموزان ایرانی به اتریش به امضاء رسید و پس از آن هیأت هایی از طرف راه آهن دولتی ایران، برای بازدید کارخانه های تولید لوکوموتیو به اتریش اعزام شدند. مسافرت محمد یگانه وزیر مشاور و فرخ نجم

آبادی وزیر صنایع و معادن به اتریش در سال ۵۴ نیز منجر به امضاء موافقت نامه هایی درباره تولیدات صنعتی شد. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷، ۲ سند شماره ۶ و ۷) در این سال همچنین هیأت های اقتصادی و بازرگانی مهمی از اتریش بازدید کردند. از جمله یک هیأت از طرف وزارت کشاورزی به سرپرستی میرحیدر معاون کشاورزی و منابع طبیعی که با هدف توسعه همکاری های فنی در زمینه کشاورزی به اتریش سفر کرد.

سفر سه روزه دکتر فریدون مهدوی وزیر بازرگانی به اتریش که امضای چند تفاهم نامه در رابطه با گسترش سطح واردات و صادرات، امور ساختمانی و آموزش کارشناسان فنی را به دنبال داشت، یکی از حوادث مهم اقتصادی در سال ۱۳۵۴-۱۳۵۳ در ایران بود. اولین جلسه مذاکره بین مهدوی و وزیر بازرگانی اتریش در وزارت بازرگانی این کشور با حضور نمایندگان اتریش و ایران صورت گرفت. خروجی این جلسه اخذ تصمیماتی در جهت توسعه سطح صادرات و واردات، سرمایه گذاری مشترک در ۲۰ طرح مختلف صنعتی، افزایش کارایی سیستم حمل و نقل بین دو کشور و همکاری در اجرای طرح های اقتصادی در کشوری ثالث بود. (سال ۱۳۳۵، ۵۰، ۵۵ کارتن ۳ پرونده ۳۰ سند شماره ۵۵ و ۵۶)

در سال ۵۴ و ۵۵ مقامات اتریشی نیز با توجه به افزایش سطح روابط اقتصادی دو کشور به ایران سفر کردند. سفر صدراعظم اتریش دکتر کرایسکی به همراه وزیر امور خارجه این کشور و دو هیأت اقتصادی متشکل از مدیران شرکت ها و کارخانه های مهم اتریش به ایران، تأثیر بسزایی در گسترش همکاری های اقتصادی دوجانبه گذاشت. در این سال در حدود ۹۵ شرکت اتریشی در ایران مشغول به کار بودند. تأسیس دفتر مهندسین مشاور در تهران با همکاری مهندسین اتریشی و تحت نظارت

سازمان گسترش و نوسازی ایران از جمله نتایج این سفرها بود. (سال ۱۳۵۱، ۵۵ کارتن ۱۷ پرونده ۱۵۷ سند شماره ۶۰)

در اواخر شهریور سال ۵۵ رییس اتاق بازرگانی اتریش در رأس یک هیأت اقتصادی به ایران آمد و همچنین نمایندگان ۳۳ مؤسسه اتریشی به سرپرستی دکتر «Schimpf» نماینده اتاق بازرگانی وین به مدت ۵ روز به ایران آمده و در خصوص تأسیس مؤسسه های تجاری بازرگانی مشترک مذاکره کردند. در این سال همچنین ۹ تن از نمایندگان اتحادیه صنایع اتریش «voest» به منظور رایزنی درباره احداث ساختمان مدارس و ۴۱ نماینده از طرف ۳۲ مؤسسه اتریشی برای توسعه مبادلات بازرگانی و سرمایه گذاری به ایران سفر کردند.

سفارت ایران، نمایندگان مؤسسات تجاری و بازرگانان ایرانی در عرصه نمایشگاه داری هم فعال بودند. سازمان جهانگردی با همکاری سفارت ایران در وین اقدام به برپایی نمایشگاه سیار برای معرفی تحولات ایران در زمینه اقتصادی کردند. این نمایشگاه از شهرها و بخش های مختلف اتریش می گذشت و در هر شهر چند روز اقامت می کرد. بازرگانان ایرانی نیز در نمایشگاه های گراتس، وین، اینسبروک، ولز و بیرن شرکت کرده و تولیدات صنعتی ایران را عرضه کردند. این نمایشگاه ها تأثیر خوبی در فروش محصولات ایران و افزایش حجم صادرات داشت. نمایشگاه تهران نیز با حضور کشورهای مختلف دنیا و نمایندگان اتریش در سال ۱۳۵۵ تشکیل شد. (همان، سند شماره ۷)

اقدام دیگر سفارت ایران در وین انجام امور اقتصادی منطقه ای بود بدین ترتیب که سفارت با نمایندگان و مأمورین اقتصادی کشورهای مختلف منطقه از جمله ترکیه و پاکستان که به وین می آمدند در جهت فراهم آوردن زمینه همکاری های مشترک، مذاکره می کرد. (همان، سند شماره ۸)

در سال ۱۳۵۳ عده ای از صاحبان صنایع اتریش و نمایندگان شرکت های مختلف بازرگانی این کشور به سرپرستی دکتر «Sallinger» رئیس اتاق اقتصاد جمهوری فدرال اتریش عازم ایران شدند. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳، ۲ سند شماره ۲) به گزارش اداره امور اقتصادی وزارت امور خارجه در سال ۱۳۵۴ یک هیأت اقتصادی متشکل از نمایندگان ۳۳ شرکت اتریشی به سرپرستی دکتر «F.SCHIMPE» نماینده اتاق اقتصادی و بازرگانی وین به ایران آمدند. به گفته سفیر مصطفی نامدار هدف هیأت اقتصادی اتریش از این سفر مطالعه وضعیت اقتصاد صنعتی در ایران و بررسی شرایط ایران برای مشارکت در طرح های اقتصادی با اتریش و مذاکره در این خصوص بود. (همان، سند شماره ۳ و ۱۶)

در این سال همچنین آقای «Cifer» مدیر کارخانه «Bauer» که تولیدکننده ماشین آلات کشاورزی بود به ایران سفر کرد و دیداری با روحانی وزیر کشاورزی و سایر مسئولین وزارت کشاورزی داشت. (همان، سند شماره ۱۷)

اتفاق دیگری که در این سال در حوزه اقتصاد افتاد، سفر یک هیأت ۴۰ نفره از صاحبان صنایع اتریش به ایران به مدت ۸ روز بود. هدف اصلی این هیأت بازدید از تأسیسات نفتی جزیره خارک از طریق اصفهان و شیراز بود. هیأت یاشده ضمن بازدید از قسمت های مختلف شرکت ملی نفت ایران در خصوص امکان توسعه روابط نفتی دو کشور با مقامات ایرانی مذاکره کردند. (سال ۱۳۳۵، ۶۱ کارتن ۱۱ پرونده ۶۳، ۲ سند شماره ۲۵)

بنا به تلگراف مصطفی نامدار سفیر ایران در وین خطاب به آقای هنجی رئیس اداره پذیرایی های وزارت امور خارجه، دو نفر از نمایندگان اتحادیه صنایع اتریش «voest» در اردیبهشت سال ۱۳۵۴ با هدف مذاکره در خصوص ساخت ساختمان مدارس وارد ایران شدند. بنا بود شرکت مهندسی ایران و اتریش «IVA» به همراه سازمان گسترش و

نوسازی صنایع ایران، در انجام این پروژه با اتحادیه صنایع اتریش همکاری کنند.
(همان، سند شماره ۲۸)

در سال ۱۳۵۳ سه مهندس اتریشی از طرف کارخانجات «لیز» به ایران آمدند. هدف از دعوت این گروه اجرای طرح مقاوم سازی آسفالت ها در ایران بود. طرحی که در اتریش برای طولانی تر کردن عمر جاده به کار رفته و نتیجه اجرای آن رضایت بخش بود. بر اساس توافق طرفین مقرر شد کارخانه ای برای ساخت این نوع از آسفالت به اسم «INFUSION» تأسیس شود. (همان، سند شماره ۳۵ و ۳۷)

اساس تأسیس این کارخانه ها و رونق بخش صنعت در دوران حکومت پهلوی، نفت بود. این ماده فرصت ها و امکاناتی را همان طور که در این بخش گفته شد، پیش روی صاحبان صنایع و سرمایه گذران اتریشی قرار داد تا با استفاده از افزایش عواید دولت ایران، در قسمت های مختلف اقتصادی در ایران سرمایه گذاری کنند.

تبرستان
www.tabarestan.info

منابع و مأخذ

الف) اسناد اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه

ب) سایر منابع

آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ یازدهم، نشر نی ۱۳۸۴

تبرستان

www.tabarestan.info

آدمیت، ابراهیم صفایی، اسناد نو یافته، تهران، بابک، ۱۳۴۹

آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸

آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۸،

آدمیت و ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار، تهران،

اگاه، ۱۳۵۶،

آشتیانی، عباس اقبال، میرزا تقی خان امیرکبیر، به اهتمام ایرج افشار، تهران، توس، ۱۳۶۳

آل یاسین، احمد، تاریخچه برنامه ریزی توسعه در ایران، تهران، سمر، ۱۳۹۲

آوری، پتر، تاریخ معاصر ایران، محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۲، تهران، آشیانه کتاب، ۱۳۸۲

احمدی، ذبیح الله، تأثیر غرب در ارتش ایران در دوره فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار (علل،

عوامل، پیامدها)، استاد راهنما: رضا شعبانی، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره

اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۸۲

اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه، تدوین احمد گل محمدی،

تهیه و تنظیم معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری تهران، وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰

امینی، علیرضا، شیرازی عبدالحسن، تحولات سیاسی ایران از قاجار تا رضاشاه، تهران،

قومس، ۱۳۸۵

اعضاء السلطنه، علیقلی میرزا، اکسیر التواریخ، چاپ اول، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، ویسمن، ۱۳۷۰

اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، تاریخ منتظم ناصری، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷

اصفهانیان، کریم، روشنی، قدرت الله، مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷

بیانی، خانابا، تاریخ نظامی ایران در دوره صفویه، انتشارات طلوع قلم، تهران ۱۳۷۹

بینا، علی اکبر، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، ج اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸

پلیس ایران، تهران، انتشارات روابط عمومی شهربانی کل کشور، ۱۳۵۰

پولاک، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸

تاریخ ایران دوره پهلوی از مجموعه تاریخ کمبریج، به سرپرستی پیتر آوری، ترجمه مرتضی ثاقب فر، ج ۷، تهران، جامی، ۱۳۸۸

تاریخ ایران، سرپرسی سایکس، ج ۲، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، افسون، ۱۳۸۰

تاریخچه بانک ملی ایران ۱۳۳۷-۱۳۰۷، انتشارات بانک ملی ایران

ح. پژمان، پست و تلگراف و تلفن، تهران، علمی، بی تا

خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران، زوار، ۱۳۶۶

خاطرات عین السلطنه، ج ۱، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴

خاطرات سیاسی امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۱

خاطرات ممتحن الدوله، به کوشش حسینقلی خان شقاقی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۳

خسروزاده، سیروان، سیاست و عملکرد بریتانیا در قفقاز، تهران، انتشارات وزارت امور

خارج، ۱۳۹۴

دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۵، تهران، بنیاد دایره المعارف

اسلامی، ۱۳۷۵

دروویل، گاسپار، سفر در ایران، چاپ دوم، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران، شباویز، ۱۳۶۵
دنبلی، عبدالرزاق بیگ مفتون، مآثر السلطانیه، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران،
ابن سینا، ۱۳۵۱

دهقانی، رضا، «وضعیت حقوقی اجتماعی جامعه ایرانیان مقیم عثمانی در سده های ۱۴-۱۱
ق. با تأکید بر عراق»، در: فصلنامه در تاریخ روابط خارجی سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۵۲
و ۵۳ - پاییز و زمستان ۱۳۹۱

ذکاء، یحیی، ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش تا پهلوی. تهران، انتشارات شورای ارتشی
جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰
رستگار، نصرت الله، «تاریخچه ایران شناسی در اتریش»، به روایت اکرم صفایی، در: کتاب
ماه تاریخ و جغرافیا، آذر و دی ماه ۱۳۸۳

رمضانی، روح اله، «روابط خارجی ایران از صفویه تا برآمدن نادرشاه (با تأکید بر روابط
صفویه و عثمانی)»، ترجمه روح اله اسعدی، در: فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال سیزدهم و
چهاردهم، ش ۵۲ و ۵۳ - پاییز و زمستان ۱۳۹۱

روزنامه ایران، شماره ۲۰۰، هشتم ذیقعد ۱۲۹۰ ه. ق

روزنامه اطلاعات، شماره ۷۲۷۹، ۱۳۲۹/۴/۲۹، ص ۸

رنانی، قاسم، کرمانی، قنبرعلی، تجارت در دوره قاجاریه، تهران، انتشارات دانشگاه علامه، ۱۳۸۰
ریموند دلرابه، سرزمین و مردم اتریش، رضا منعم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴
زرگری نژاد، غلامحسین، عباس میرزا، «نخستین معمار بنای نظام جدید» در ایران معاصر،
در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶

سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ، ج ۳، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷
سریکس، «فابویه در ایران»، ترجمه محمود. کی، در: مجله بررسی های تاریخی، شماره ۳۶،

سال ششم ۱۳۵۰

سفرنامه حاجی پیرزاده، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران، بابک، ۱۳۶۰

- سوداگر، محمدرضا، رشد روابط سرمایه داری در ایران (مرحله انتقالی ۴۰-۱۳۰۴)، تهران، مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند، بی تا
- سیراکاسا-دایندو، جولانتا، «مناسبات ایران و لهستان در دوران صفوی»، ترجمه خسرو مشهوری مقدم، در: فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۸۳
- شفا، شجاع الدین، جهان ایران شناسی، جلد اول، انتشارات دبیرخانه مرکزی اتحادیه جهانی ایران شناسان، بی تا.
- شیبانی، میرزا ابراهیم خان، منتخب التواریخ، زیر نظر ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۵۸
- صفایی، ابراهیم، مظفرالدین شاه کودک سالخورده، تهران، قطره، ۱۳۸۳
- صنیع الدوله، مراه البلدان، ج ۴، به کوشش عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷
- صورت مذاکرات مجلس، تیرماه ۱۳۱۱ و اسفند ۱۳۰۹
- صورت مذاکرات مجلس، جلسه ۱۷ اسفند ۱۳۱۴
- عزیزی، محسن، تاریخ دیپلماسی عمومی، ج ۱، تهران، مروارید، ۱۳۴۸
- علی بابایی، غلامرضا، سیاست خارجی ایران از شاهنشاهی هخامنشی تا به امروز، انتشارات درسا، ۱۳۷۵
- عیسوی، چالز، تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گسترده، ۱۳۶۲
- غلامی، شهرام، «قانون انحصار تجارت خارجی ایران»، در: فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ ایران اسلام، دانشگاه الزهراء، سال ۲۱ دوره جدید، ش ۱۱، پیاپی ۹۵، پاییز ۱۳۹۰
- فراگنر، برت، «بررسی پنج قرن مناسبات ایران با اتریش / انگیزه اتریشی ها متفاوت از انگلیس و روسیه بود»، در: خبرگزاری مهر، شناسه خبر ۶۲۰۰۵۴۶۵، اسفند ۱۳۹۱
- فرجی، یوسف، پول، ارز و بانکداری، چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۹۵

فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، چاپ سوم، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، اشراقی، ۱۳۵۶

فوران، جان، مقاومت شکننده احمد تدین رسا، ۱۳۹۶
قایم مقامی، جهانگیر، تاریخ تحولات سیاسی نظامی ایران، تهران، چاپخانه شرکت مطبوعات، ۱۳۲۶

قراگزلو، ناصر، اصلاحات و تجدد در عصر قاجار، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۸۶
کاتوزیان، محمد علی همایون، دولت و جامعه در ایران، ترجمه حسن افشار، تهران، مرکز، چاپ هفتم، ۱۳۹۲

گابریل، آلفونس، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تهران، هومان، ۱۳۴۸

گاردان، کنت آلفردو مأموریت ژنرال گاردان در ایران، چاپ دوم، ترجمه عباس اقبال، تهران، نگاه، ۱۳۶۲

مازندرانی، وحید، اقتصاد ملی ایران، تهران، جعفری، ۱۳۱۶
محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، بی تا،

مدنی، جلال الدین، تاریخ تحولات سیاسی روابط خارجی ایران، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹

مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، ج ۲، تهران، زوار، ۱۳۵۳
مطالعات ایرانی در اتریش، نامه فرهنگ، شماره ۱۰ و ۱۱، ۱۳۷۲
معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، به کوشش غلامرضا طباطبایی، تهران، بنیاد موقوفات ایرج افشار، ۱۳۷۳

مقتدر، غلامحسین، تاریخ نظامی ایران، تهران، دانشکده افسری، ۱۳۱۹
موسوی طبری، مصطفی، عباس میرزا؛ شرح حال و سیاست و خدمات او، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۳

- مهدوی، هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹
- ناصرالدین شاه قاجار، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۹
- ناطق، هما، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری انتشاراتی معاصر پژوهان، ۱۳۸۰
- نجمی، ناصر، ایران در میان طوفان (شرح زندگانی عباس میرزا)، بی جا، ۱۳۶۶
- نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر (از آغاز سلطنت قاجارها تا پایان جنگ نخستین با روسیه)، ج اول، چاپ دوم، تهران، بنیاد، ۱۳۳۵
- نقیب زاده، احمد، تحولات بین المللی از کنگره وین تا سال ۲۰۰۰، تهران، قومس، ۱۳۷۸
- وحید مازندرانی، غلامعلی، کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷
- ورهرام، غلامرضا، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، معین، ۱۳۶۷
- وقایع اتفاقیه، ۲۶ محرم ۱۲۶۸، نمره ۴۲
- ولایتی، علی اکبر، تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس اول صفوی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴
- هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، فضل الله نیک آیین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۳
- یلفانی، رامین، زندگی سیاسی ناصرالملک، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶

تبرستان
www.tabarestan.info

ضمائم



تبرستان
www.tabarestan.info

ترجمہ
www.tabarestan.info
تبرستان
حافظ میرزا محمد علی شریعتی دروازہ مردم

[illegible]

۱۹۰۱ء - مہاراجہ راجندر سنگھ

معاونت در امر عبادت ابراهیم در برنج

132. Σημειώσεις

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

برادار خود وزارت فیه برادرزاده‌های ناراد از ایران معین دین

عنه نثر توالی مکرر (۱۳۲۱)

سابقه در باب استقامت چند نفر مسلمانان در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هجدهم در برابر دشمنان و
 در دوران جنگ‌های اخیر و در وقت حمله روسیه به ایران و در وقت حمله انگلیس به ایران و در وقت حمله
 کمرات او قید بنامیه در علم توپخانه را هم از ده درس مجید و جعفر و ابوالفتح و ابوالحسن و ابوالقاسم و ابوالفضل
 یک از توپخانه شد نفر اول از پیران علم و طبع و شایسته باشد بنظر او هم که در طبع و ادب و اخلاق و در فن و در
 معروف در کمرات کندی است توپخانه هدیه نماید و در کمرات او هم از ده درس مجید و جعفر و ابوالفتح و ابوالحسن و ابوالقاسم و ابوالفضل

در اصول اعم استمراف مذکور نماید و در تفصیل این مسئله در
آن ارجع به کتب مشایخ و بر مکتوبه خود و به هر چه از آن مذکور شود
بدر تفصیل بحث بهر طریقی لازم بداند انظار نماید چه در بحث و در
مصر الفقه در حد ذات دارد و در حفظ و ضبط استنباط و در تفسیر
فنون و در توضیح تعین بحث به هر کسین خود را غرض آن دانند
از هر چه استند مذکور شود و به کتاب خلیل خود

در تمام این وقت هر طور میخواست و جدا جدا بجاوت میخواست
 ابراهیم هم بمرت چنین میگفت و او همیشه در پیشگاه خدای تعالی
 فقط این شهادت را میگویند خواند تا اوقع قصص حضرت و در
 او سبب نیست ببلان باشد و بخواند غیر خود را و غیر سبب دیگر در سبب
 وقت ابراهیم خود را حاصل می شود و از آنرا سبب این وقت نیست
 چنانچه چون وقت ابلان نگردد و سبب دارد و بعضی وقت خود
 وقت هر طور میخواست و جدا جدا بجاوت میخواست و در
 غیر ظاهر وقت هر طور میخواست و از آنرا سبب دیگر در سبب
 که از هر وقتی سبب است و غیر سبب است و وقت ابلان در سبب

مستقیمند. بلکه چنین گفتند که ما شش صبح زوی عکس به سینه روی
 دوسر و پس از آن که در آن سینه دو خیمه قیام بنموده و در آن دو سینه
 بجهت دو طرف مغز در آن سینه هر یک دو باره در آن سینه
 کند و نیز که در آن سینه دو خیمه قیام بنموده و در آن دو سینه
 در آن سینه دو باره در آن سینه دو خیمه قیام بنموده و در آن دو سینه
 و در آن سینه دو باره در آن سینه دو خیمه قیام بنموده و در آن دو سینه
 که با آنکه در آن سینه دو باره در آن سینه دو خیمه قیام بنموده و در آن دو سینه
 و در آن سینه دو باره در آن سینه دو خیمه قیام بنموده و در آن دو سینه
 صاحبان مغز است با صاحبان اطراف که در آن سینه دو باره در آن سینه
 و در آن سینه دو باره در آن سینه دو خیمه قیام بنموده و در آن دو سینه

فتح و نصرت هم نامند که از فتح و نصرت و فتح نصرت
 حاصل شده است و در اصل این نام از چهار کلمه است که
 عبارتند از فتح و نصرت و فتح نصرت و فتح نصرت
 و این کلمات را در هر یک از این کلمات
 و این کلمات را در هر یک از این کلمات
 و این کلمات را در هر یک از این کلمات

مردم که نزد محرم الحرام
ترجمه یادداشت جرایم وزارت عدلیه

در بدو است و در ۱۶ فروردین جاری شد است ببلان انبار داشت بر سر کوه
 شد ببلان انبار است و در سهند آمد معین از شیرازی چون ببلان رسید
 استغفر نفس بپزد ای معین نظر بود و خبر از دست بعضی نفس زد سهند آمد
 بعضی شب است و در بدو است و در شربت نصیر خود آورده است و در
 نامم بداند و در ۱۶ فروردین آمد ببلان است و در بدو است و در
 ببلان آمد معین از شیرازی آمد که کافه توانی و واقع است ببلان
 ببلان و واقع است شربت است ببلان است و در ۱۶ فروردین
 و در است ببلان معین آمد از دست است ببلان است و در ۱۶ فروردین
 چون است ببلان است و در ۱۶ فروردین است ببلان است و در ۱۶ فروردین
 ببلان است و در ۱۶ فروردین است ببلان است و در ۱۶ فروردین
 و در است ببلان است و در ۱۶ فروردین است ببلان است و در ۱۶ فروردین
 در ۱۶ فروردین است ببلان است و در ۱۶ فروردین است ببلان است و در ۱۶ فروردین

[illegible]

عوض ۱۸۴۴
مورخه ۱۸۴۴
۱۳۲۳

[illegible][illegible]

در این کتاب است که در این کتاب در این کتاب

[illegible]

سفر رعدت و قوت ہمار

۱۲۱۵

میرزا محمد علی خان

راجا جیو حسن گانا - راجا جیو حسن گانا

نور من نور حسن قاجار - المجلد - راجع با سرور خارج

نصیر الدین دایہ صاحب مرحوم شہنشاہِ راجستھان دہلوی

و بعد از درجه سرحد است ایران دست و پایی که

نمایند است از مشورت هر ساله می رسد

بجہدہ (۱۸۸۵ء) میں پیدا ہوئے۔

حکام فی الدین

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

نور طوفان و بحر صفا است و بحر حجاب را قبول

چهار گشته از طرف عیال و خاندان

[illegible]

کتاب در بیان فی الجواهر بسم الله الرحمن الرحیم

برای هر دو - و در این صورت که در این حالت است و دارد و به طریقی
من در این صورت

وہ جس نے اس کو پہچان لیا۔

در بیان کتب و تصانیف و کتب و تصانیف و کتب و تصانیف

نیزه سنا = با همه با هم هفت و نه = هفت و نه در نظر می آید

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

محکم حفظ جان و مال رعیت و نگاهداری امور است

—, —, —



سازمان المجمعون شاماداران

۱۲۲۴ قمری مطابق ۱۳۲۴

۱۱۲۲
۱۱۲۱
۱۱۲۰
۱۱۱۹
۱۱۱۸
۱۱۱۷
۱۱۱۶
۱۱۱۵
۱۱۱۴
۱۱۱۳
۱۱۱۲
۱۱۱۱
۱۱۱۰
۱۱۰۹
۱۱۰۸
۱۱۰۷
۱۱۰۶
۱۱۰۵
۱۱۰۴
۱۱۰۳
۱۱۰۲
۱۱۰۱
۱۱۰۰
۱۰۹۹
۱۰۹۸
۱۰۹۷
۱۰۹۶
۱۰۹۵
۱۰۹۴
۱۰۹۳
۱۰۹۲
۱۰۹۱
۱۰۹۰
۱۰۸۹
۱۰۸۸
۱۰۸۷
۱۰۸۶
۱۰۸۵
۱۰۸۴
۱۰۸۳
۱۰۸۲
۱۰۸۱
۱۰۸۰
۱۰۷۹
۱۰۷۸
۱۰۷۷
۱۰۷۶
۱۰۷۵
۱۰۷۴
۱۰۷۳
۱۰۷۲
۱۰۷۱
۱۰۷۰
۱۰۶۹
۱۰۶۸
۱۰۶۷
۱۰۶۶
۱۰۶۵
۱۰۶۴
۱۰۶۳
۱۰۶۲
۱۰۶۱
۱۰۶۰
۱۰۵۹
۱۰۵۸
۱۰۵۷
۱۰۵۶
۱۰۵۵
۱۰۵۴
۱۰۵۳
۱۰۵۲
۱۰۵۱
۱۰۵۰
۱۰۴۹
۱۰۴۸
۱۰۴۷
۱۰۴۶
۱۰۴۵
۱۰۴۴
۱۰۴۳
۱۰۴۲
۱۰۴۱
۱۰۴۰
۱۰۳۹
۱۰۳۸
۱۰۳۷
۱۰۳۶
۱۰۳۵
۱۰۳۴
۱۰۳۳
۱۰۳۲
۱۰۳۱
۱۰۳۰
۱۰۲۹
۱۰۲۸
۱۰۲۷
۱۰۲۶
۱۰۲۵
۱۰۲۴
۱۰۲۳
۱۰۲۲
۱۰۲۱
۱۰۲۰
۱۰۱۹
۱۰۱۸
۱۰۱۷
۱۰۱۶
۱۰۱۵
۱۰۱۴
۱۰۱۳
۱۰۱۲
۱۰۱۱
۱۰۱۰
۱۰۰۹
۱۰۰۸
۱۰۰۷
۱۰۰۶
۱۰۰۵
۱۰۰۴
۱۰۰۳
۱۰۰۲
۱۰۰۱
۱۰۰۰
۹۹۹
۹۹۸
۹۹۷
۹۹۶
۹۹۵
۹۹۴
۹۹۳
۹۹۲
۹۹۱
۹۹۰
۹۸۹
۹۸۸
۹۸۷
۹۸۶
۹۸۵
۹۸۴
۹۸۳
۹۸۲
۹۸۱
۹۸۰
۹۷۹
۹۷۸
۹۷۷
۹۷۶
۹۷۵
۹۷۴
۹۷۳
۹۷۲
۹۷۱
۹۷۰
۹۶۹
۹۶۸
۹۶۷
۹۶۶
۹۶۵
۹۶۴
۹۶۳
۹۶۲
۹۶۱
۹۶۰
۹۵۹
۹۵۸
۹۵۷
۹۵۶
۹۵۵
۹۵۴
۹۵۳
۹۵۲
۹۵۱
۹۵۰
۹۴۹
۹۴۸
۹۴۷
۹۴۶
۹۴۵
۹۴۴
۹۴۳
۹۴۲
۹۴۱
۹۴۰
۹۳۹
۹۳۸
۹۳۷
۹۳۶
۹۳۵
۹۳۴
۹۳۳
۹۳۲
۹۳۱
۹۳۰
۹۲۹
۹۲۸
۹۲۷
۹۲۶
۹۲۵
۹۲۴
۹۲۳
۹۲۲
۹۲۱
۹۲۰
۹۱۹
۹۱۸
۹۱۷
۹۱۶
۹۱۵
۹۱۴
۹۱۳
۹۱۲
۹۱۱
۹۱۰
۹۰۹
۹۰۸
۹۰۷
۹۰۶
۹۰۵
۹۰۴
۹۰۳
۹۰۲
۹۰۱
۹۰۰
۸۹۹
۸۹۸
۸۹۷
۸۹۶
۸۹۵
۸۹۴
۸۹۳
۸۹۲
۸۹۱
۸۹۰
۸۸۹
۸۸۸
۸۸۷
۸۸۶
۸۸۵
۸۸۴
۸۸۳
۸۸۲
۸۸۱
۸۸۰
۸۷۹
۸۷۸
۸۷۷
۸۷۶
۸۷۵
۸۷۴
۸۷۳
۸۷۲
۸۷۱
۸۷۰
۸۶۹
۸۶۸
۸۶۷
۸۶۶
۸۶۵
۸۶۴
۸۶۳
۸۶۲
۸۶۱
۸۶۰
۸۵۹
۸۵۸
۸۵۷
۸۵۶
۸۵۵
۸۵۴
۸۵۳
۸۵۲
۸۵۱
۸۵۰
۸۴۹
۸۴۸
۸۴۷
۸۴۶
۸۴۵
۸۴۴
۸۴۳
۸۴۲
۸۴۱
۸۴۰
۸۳۹
۸۳۸
۸۳۷
۸۳۶
۸۳۵
۸۳۴
۸۳۳
۸۳۲
۸۳۱
۸۳۰
۸۲۹
۸۲۸
۸۲۷
۸۲۶
۸۲۵
۸۲۴
۸۲۳
۸۲۲
۸۲۱
۸۲۰
۸۱۹
۸۱۸
۸۱۷
۸۱۶
۸۱۵
۸۱۴
۸۱۳
۸۱۲
۸۱۱
۸۱۰
۸۰۹
۸۰۸
۸۰۷
۸۰۶
۸۰۵
۸۰۴
۸۰۳
۸۰۲
۸۰۱
۸۰۰
۷۹۹
۷۹۸
۷۹۷
۷۹۶
۷۹۵
۷۹۴
۷۹۳
۷۹۲
۷۹۱
۷۹۰
۷۸۹
۷۸۸
۷۸۷
۷۸۶
۷۸۵
۷۸۴
۷۸۳
۷۸۲
۷۸۱
۷۸۰
۷۷۹
۷۷۸
۷۷۷
۷۷۶
۷۷۵
۷۷۴
۷۷۳
۷۷۲
۷۷۱
۷۷۰
۷۶۹
۷۶۸
۷۶۷
۷۶۶
۷۶۵
۷۶۴
۷۶۳
۷۶۲
۷۶۱
۷۶۰
۷۵۹
۷۵۸
۷۵۷
۷۵۶
۷۵۵
۷۵۴
۷۵۳
۷۵۲
۷۵۱
۷۵۰
۷۴۹
۷۴۸
۷۴۷
۷۴۶
۷۴۵
۷۴۴
۷۴۳
۷۴۲
۷۴۱
۷۴۰
۷۳۹
۷۳۸
۷۳۷
۷۳۶
۷۳۵
۷۳۴
۷۳۳
۷۳۲
۷۳۱
۷۳۰
۷۲۹
۷۲۸
۷۲۷
۷۲۶
۷۲۵
۷۲۴
۷۲۳
۷۲۲
۷۲۱
۷۲۰
۷۱۹
۷۱۸
۷۱۷
۷۱۶
۷۱۵
۷۱۴
۷۱۳
۷۱۲
۷۱۱
۷۱۰
۷۰۹
۷۰۸
۷۰۷
۷۰۶
۷۰۵
۷۰۴
۷۰۳
۷۰۲
۷۰۱
۷۰۰
۶۹۹
۶۹۸
۶۹۷
۶۹۶
۶۹۵
۶۹۴
۶۹۳
۶۹۲
۶۹۱
۶۹۰
۶۸۹
۶۸۸
۶۸۷
۶۸۶
۶۸۵
۶۸۴
۶۸۳
۶۸۲
۶۸۱
۶۸۰
۶۷۹
۶۷۸
۶۷۷
۶۷۶
۶۷۵
۶۷۴
۶۷۳
۶۷۲
۶۷۱
۶۷۰
۶۶۹
۶۶۸
۶۶۷
۶۶۶
۶۶۵
۶۶۴
۶۶۳
۶۶۲
۶۶۱
۶۶۰
۶۵۹
۶۵۸
۶۵۷
۶۵۶
۶۵۵
۶۵۴
۶۵۳
۶۵۲
۶۵۱
۶۵۰
۶۴۹
۶۴۸
۶۴۷
۶۴۶
۶۴۵
۶۴۴
۶۴۳
۶۴۲

[illegible]



فردا صبح بزرگ شوم

پس از این طریقی در این جنگ بگویم که آن حضرت منقلب میگرد

و چراغ علم ظاهر میماند و در آن روز که در طریقی در این

اما حق است که در این جنگ منقلب میگرد

میست و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

هر روز منقلب میگرد و در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ

و در این جنگ از آنجا که در این جنگ



مرتب بهای مجموع راه و راه های موجود در این راه است
در این راه

	Appartenance	Deux mois	Pris
	annuel	Appartenance	à l'unité
Raja Srin	15000 fr.	2500 fr.	2500 fr.
1 Hédian	15000	2500	2500
2 Hédian	15000	2500	2500
1 Armur	5000	832	1500
2 Armur	4000	666	1500
3 Armur	4000	666	1500
Colonel Schmel	24000	4000	3000
Baron W. Teyfentien	18000	Trois mois 4500	2500
Totale	100000	18164	17300

مردم	مردم	مردم
۲۵۰۰	۲۵۰۰	۱۵۰۰۰
۲۵۰۰	۲۵۰۰	۱۵۰۰۰
۲۵۰۰	۲۵۰۰	۱۵۰۰۰
۱۵۰۰	۸۲۲	۵۱۰۰۰
۲۵۰۰	۶۶۶	۴۰۰۰
۲۵۰۰	۶۶۶	۴۰۰۰
۳۰۰۰	۳۰۰۰	۲۴۰۰۰
۲۵۰۰	۴۰۰۰	۱۸۰۰۰
۱۷۰۰۰	۱۸۱۶۴	۱۰۰۰۰۰

Appointement de deux mois	}	18,164
et trois mois pour L. Brown W. Fausenstein		
Frais de route		17,500
total		<u>35,664</u> fr.

۱۸,۱۶۴
 ۱۷,۵۰۰
 ۳۵,۶۶۴





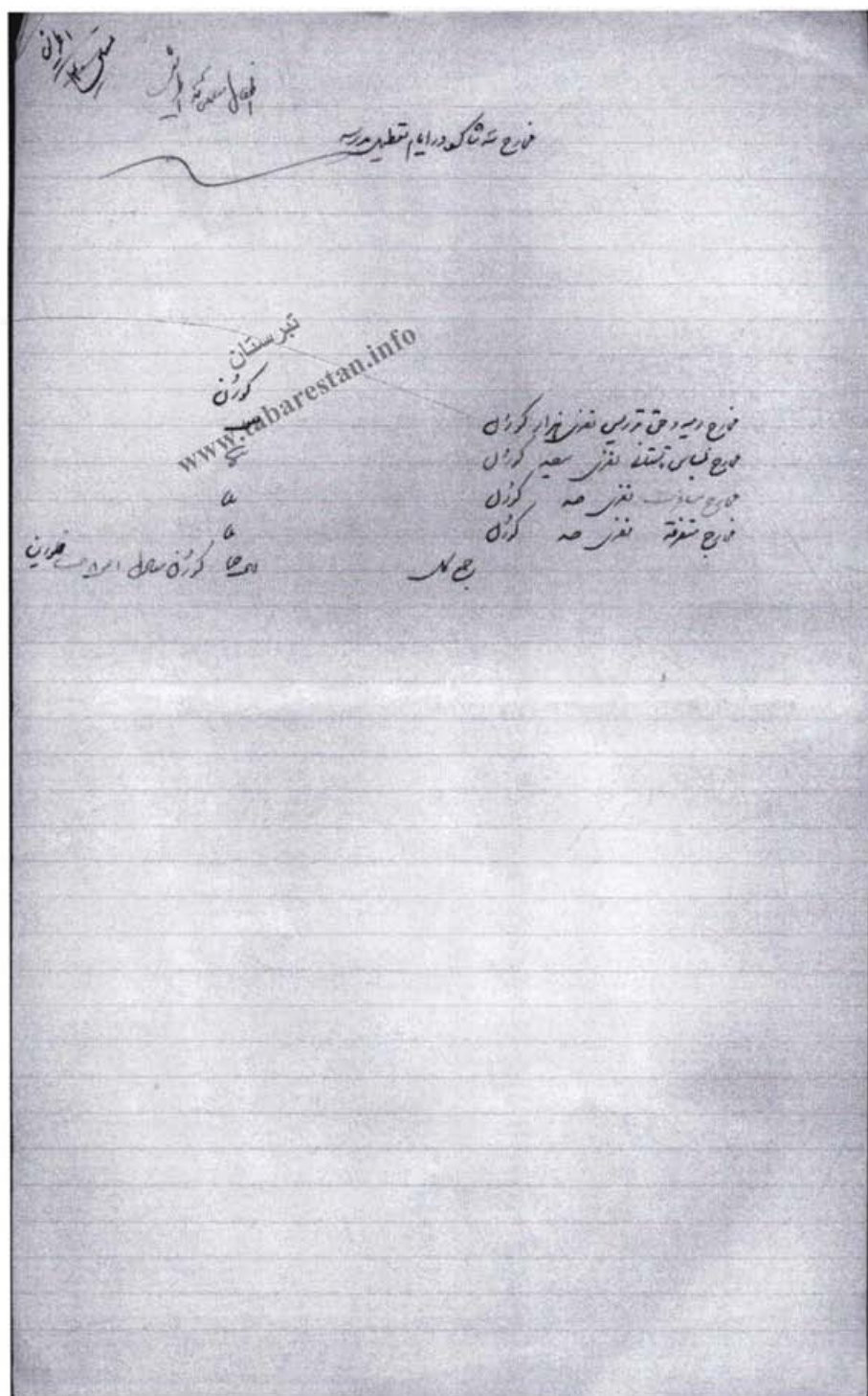
تاریخ روابط ایران و اتریش
 در این کتاب که به دست
 حضرت میرزا محمد تقی
 قزوینی در سال ۱۲۸۵
 قمری در شهر قزوین
 تألیف شده است و در
 کتابخانه ملی ایران
 نگهداری می‌گردد.

در این کتاب که به دست
 حضرت میرزا محمد تقی
 قزوینی در سال ۱۲۸۵
 قمری در شهر قزوین
 تألیف شده است و در
 کتابخانه ملی ایران
 نگهداری می‌گردد.

در این کتاب که به دست
 حضرت میرزا محمد تقی
 قزوینی در سال ۱۲۸۵
 قمری در شهر قزوین
 تألیف شده است و در
 کتابخانه ملی ایران
 نگهداری می‌گردد.

در این کتاب که به دست
 حضرت میرزا محمد تقی
 قزوینی در سال ۱۲۸۵
 قمری در شهر قزوین
 تألیف شده است و در
 کتابخانه ملی ایران
 نگهداری می‌گردد.

در این کتاب که به دست
 حضرت میرزا محمد تقی
 قزوینی در سال ۱۲۸۵
 قمری در شهر قزوین
 تألیف شده است و در
 کتابخانه ملی ایران
 نگهداری می‌گردد.



GRAND HOTEL VIENNE LEANTHUS RING 2 تبرستان www.tabarestan.info	مصارف چهارم فروردین ۱۳۵۷ در دفتر معائنات در همان روز در پیشگاه پادشاه و وزیران
۱۰۰۰۰ مصارف سفر در راه از تهران به وین و بازگشت ۱۶۰۰ مصارف بلیت و براج و غیره در راه از وین به تهران ۴۰۰۰ مصارف تدارکات و غیره در راه از تهران به وین ۲۰۰۰ مصارف قوت و غیره در راه از وین به تهران از راه تهران به وین	نشته اند مجموعه حق معائنات از راه چهارم فروردین ۱۶۰۰۰ ۴۰۰۰ در جیب نوبل معینی ۱۶۰۰ در جیب نوبل معینی ۲۱۰۰۰ در دفتر معائنات در همان روز در پیشگاه پادشاه و وزیران ۷۰۰۰۰ مصارف خوراک چهارم فروردین و غیره ۳۱۳۰۰ مصارف از راه تهران به وین و بازگشت ۹۴۲۰ مصارف بلیت و براج و غیره در راه از وین به تهران ۱۷۶۰۰ مصارف قوت و غیره در راه از تهران به وین ۵۱۴۲۰ مصارف تدارکات و غیره در راه از وین به تهران ۹۸۹۰ مصارف سفر در راه از تهران به وین ۶۸۳۱۰ مصارف بلیت و براج و غیره در راه از وین به تهران

GRAND HÔTEL

VIENNE

LAERTNER-RING 2.

تکثیر شده است
www.tabaresan.info

از کار چهارم ماه قوت ۲۸۰۰۰ قوت

مصرفی
از کار چهارم ماه قوت ۵۰۰۰

بهره پول قسط چهارم ماه قوت ۱۴۰۰

بهره مصرف قوت ۲۰۰۰

بهره مصرف قوت ۹۴۲۰

بهره مصرف قوت ۴۵۰۰

بهره مصرف قوت ۳۰۸۰

مصارف چهارم ماه قوت ۱۶۰۰۰

۱۶۰۰۰

حق مسکن از کار چهارم ماه قوت

بهره تسع مصرفی چهارم ماه قوت ۵۰۰۰

۵۰۰۰

بهره پول قسط از کار چهارم ماه قوت ۸۰۰

۸۰۰

بهره مصرف قوت از کار چهارم ماه قوت ۲۰۰۰

۲۰۰۰

بهره مصرف قوت از کار چهارم ماه قوت ۹۴۲۰

۹۴۲۰

۳۳۲۲۵

۱۷۶۰

۳۴۹۸۵

۱۸۴۲۵

۵۳۳۰۰

۲۶۷۰۰

GRAND HÔTEL

VIENNE

KARLTHUR-RING 3.

تکریستان سفید
www.tabarestan.info

از کار چهارم از قوت
۲۸۰۰۰ قوت

مبلغ دوم از کار چهارم از قوت
۵۰۰۰

مبلغ اول از کار چهارم از قوت
۱۴۰۰

مبلغ دوم از کار چهارم از قوت
۲۰۰۰

مبلغ اول از کار چهارم از قوت
۹۴۲۰

مبلغ دوم از کار چهارم از قوت
۴۵۰۰

مبلغ اول از کار چهارم از قوت
۳۰۸۰

مبلغ چهارم از کار چهارم از قوت

۱۶۰۰۰

مبلغ سیم از کار چهارم از قوت

۵۰۰۰

۸۰۰

۲۰۰۰

۹۴۲۰

۳۳۲۲۵

۱۷۶۰

۳۴۹۸۵

۱۸۴۲۵

۵۳۳۵۵

۲۶۷۵۵

اسناد منتخب پهلوی

نمونه (۵)

بشارت... برج... ۱۳۰۵

نمونه... ۸۰۷۰... ضمیمه... کفر...

وزارت فلاح و تجارت و نوایده عامه

اداره... دایره... شهرت

تبرستان

درآمد... Tabarestan

لا بدین شایسته و درین روزی درآورده...
 و به شایسته... و به شایسته...
 این سبب... و به شایسته...
 توفیق... و به شایسته...
 که... و به شایسته...
 نیست... و به شایسته...
 تیر... و به شایسته...

۱۳۰۵

۱۲۵۷

۱۷۴

نمونه (۱)



اداره:

وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه

سواد محرم مورخه ۳۶۴ مورخه وزارت که اصل آن بنمبره ثبت شد اداره

www.tabarestan.info

میرزا حسن ایلر

با سکونید :-

رعیت طریسر - چند ماهیست در طهران توقف دارند و مشغول تهیه بار نموده بجهت
بازار فلاحیت تهران اسر معلوم است و با عقد نه این نیند که چندین بار خانه طریسر
را دارا بپاشد - پنج جز غیر صالح در حضور ایشان تصویب فرمود

از ماه فروردیه گذشته حب در نزد ما باز نموده حب مذکور با نظم است بدون هیچ یک ضایع
در طرف ما و معلومیت برابر -



کوار سلطان میرزا

نوع (۱)

اداره



(وزارت امور خارجه)

سواد نمرة مورخه وزارت که اصل آن نمرة ثبت شد

بأمرات صادره

امیر نواز خان

بجانب زیراتم که در این وزارت امور خارجه در دسترس است و در این وزارت امور خارجه در دسترس است و در این وزارت امور خارجه در دسترس است

اراد و امیر نواز خان در این وزارت امور خارجه در دسترس است و در این وزارت امور خارجه در دسترس است

مهر امیر نواز خان در این وزارت امور خارجه در دسترس است و در این وزارت امور خارجه در دسترس است

- 13 -

Les détails du commerce extérieur, autant qu'ils ont été jusqu'à présent publiés, ressortent des tableaux ci-dessous.

A.) IMPORTATIONS

	en milliers de quintaux métriques		en millions de Schellings	
	1928	1929	1928	1929
Détail sur pied	179.505	169.509	270.1	257.7
Denrées alimen- taires	1,302.006	1,426.181	747.5	709.5
Combustibles minéraux	5,714.117	6,660.840	226.1	264.4
Autres matières premières et produits semi-ouvrés	1,467.246	1,593.866	712.9	714.5
Produits finis	381.496	403.422	1,282.6	1,275.4
Métaux précieux	205	152	77.7	55.2
T o t a l	9,062.575	10,253.970	3,316.9	3,276.7

B.) EXPORTATIONS

	en milliers de quintaux métriques		en millions de Schellings	
	1928	1929	1928	1929
Détail sur pied	14.630	10.550	22.9	17.8
Denrées alimen- taires	134.944	58.089	53.6	43.8
Matières premières et produits semi- ouvrés	3,976.909	3,556.615	504.7	480.1
Produits finis	591.009	574.699	1,627.0	1,618.5
Métaux précieux	273	255	41.3	32.1
T o t a l	4,717.765	4,200.208	2,240.5	2,192.3





قاریخ نرجعہ

وزارت امور خارجه

ترجمہ

مترجم

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

قاریغ اصل

نیرستان

www.tabarestan.info

ضمیمہ نمبر ۱۸ اکتوبر ۱۹۳۲

۱۹۳۱
 ۱۹۳۲
 ۱۹۳۳
 ۱۹۳۴
 ۱۹۳۵
 ۱۹۳۶
 ۱۹۳۷
 ۱۹۳۸
 ۱۹۳۹
 ۱۹۴۰
 ۱۹۴۱
 ۱۹۴۲
 ۱۹۴۳
 ۱۹۴۴
 ۱۹۴۵
 ۱۹۴۶
 ۱۹۴۷
 ۱۹۴۸
 ۱۹۴۹
 ۱۹۵۰
 ۱۹۵۱
 ۱۹۵۲
 ۱۹۵۳
 ۱۹۵۴
 ۱۹۵۵
 ۱۹۵۶
 ۱۹۵۷
 ۱۹۵۸
 ۱۹۵۹
 ۱۹۶۰
 ۱۹۶۱
 ۱۹۶۲
 ۱۹۶۳
 ۱۹۶۴
 ۱۹۶۵
 ۱۹۶۶
 ۱۹۶۷
 ۱۹۶۸
 ۱۹۶۹
 ۱۹۷۰
 ۱۹۷۱
 ۱۹۷۲
 ۱۹۷۳
 ۱۹۷۴
 ۱۹۷۵
 ۱۹۷۶
 ۱۹۷۷
 ۱۹۷۸
 ۱۹۷۹
 ۱۹۸۰
 ۱۹۸۱
 ۱۹۸۲
 ۱۹۸۳
 ۱۹۸۴
 ۱۹۸۵
 ۱۹۸۶
 ۱۹۸۷
 ۱۹۸۸
 ۱۹۸۹
 ۱۹۹۰
 ۱۹۹۱
 ۱۹۹۲
 ۱۹۹۳
 ۱۹۹۴
 ۱۹۹۵
 ۱۹۹۶
 ۱۹۹۷
 ۱۹۹۸
 ۱۹۹۹
 ۲۰۰۰
 ۲۰۰۱
 ۲۰۰۲
 ۲۰۰۳
 ۲۰۰۴
 ۲۰۰۵
 ۲۰۰۶
 ۲۰۰۷
 ۲۰۰۸
 ۲۰۰۹
 ۲۰۱۰
 ۲۰۱۱
 ۲۰۱۲
 ۲۰۱۳
 ۲۰۱۴
 ۲۰۱۵
 ۲۰۱۶
 ۲۰۱۷
 ۲۰۱۸
 ۲۰۱۹
 ۲۰۲۰
 ۲۰۲۱
 ۲۰۲۲
 ۲۰۲۳
 ۲۰۲۴
 ۲۰۲۵
 ۲۰۲۶
 ۲۰۲۷
 ۲۰۲۸
 ۲۰۲۹
 ۲۰۳۰

مجموع ثمرات فی مکتبہ و در کتب خانہ
 مکتبہ لایه فخر ۱۰۵۲... سکه در برابر تقریباً ۱۰۰۰... سکه (نو)
 مکتبہ فخر لایه ۲۱۰۰۰ سکه در برابر تقریباً ۳۹۰۰۰ سکه (نو)

۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸ - ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ - ۱۳۶۶ - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ - ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ - ۱۳۹۷ - ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ - ۱۴۰۵ - ۱۴۰۶ - ۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۱ - ۱۴۱۲ - ۱۴۱۳ - ۱۴۱۴ - ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ - ۱۴۱۷ - ۱۴۱۸ - ۱۴۱۹ - ۱۴۲۰ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲ - ۱۴۲۳ - ۱۴۲۴ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۶ - ۱۴۲۷ - ۱۴۲۸ - ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰ - ۱۴۳۱ - ۱۴۳۲ - ۱۴۳۳ - ۱۴۳۴ - ۱۴۳۵ - ۱۴۳۶ - ۱۴۳۷ - ۱۴۳۸ - ۱۴۳۹ - ۱۴۴۰ - ۱۴۴۱ - ۱۴۴۲ - ۱۴۴۳ - ۱۴۴۴ - ۱۴۴۵ - ۱۴۴۶ - ۱۴۴۷ - ۱۴۴۸ - ۱۴۴۹ - ۱۴۵۰ - ۱۴۵۱ - ۱۴۵۲ - ۱۴۵۳ - ۱۴۵۴ - ۱۴۵۵ - ۱۴۵۶ - ۱۴۵۷ - ۱۴۵۸ - ۱۴۵۹ - ۱۴۶۰ - ۱۴۶۱ - ۱۴۶۲ - ۱۴۶۳ - ۱۴۶۴ - ۱۴۶۵ - ۱۴۶۶ - ۱۴۶۷ - ۱۴۶۸ - ۱۴۶۹ - ۱۴۷۰ - ۱۴۷۱ - ۱۴۷۲ - ۱۴۷۳ - ۱۴۷۴ - ۱۴۷۵ - ۱۴۷۶ - ۱۴۷۷ - ۱۴۷۸ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۰ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۲ - ۱۴۸۳ - ۱۴۸۴ - ۱۴۸۵ - ۱۴۸۶ - ۱۴۸۷ - ۱۴۸۸ - ۱۴۸۹ - ۱۴۹۰ - ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ - ۱۴۹۳ - ۱۴۹۴ - ۱۴۹۵ - ۱۴۹۶ - ۱۴۹۷ - ۱۴۹۸ - ۱۴۹۹ - ۱۵۰۰ - ۱۵۰۱ - ۱۵۰۲ - ۱۵۰۳ - ۱۵۰۴ - ۱۵۰۵ - ۱۵۰۶ - ۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ - ۱۵۰۹ - ۱۵۱۰ - ۱۵۱۱ - ۱۵۱۲ - ۱۵۱۳ - ۱۵۱۴ - ۱۵۱۵ - ۱۵۱۶ - ۱۵۱۷ - ۱۵۱۸ - ۱۵۱۹ - ۱۵۲۰ - ۱۵۲۱ - ۱۵۲۲ - ۱۵۲۳ - ۱۵۲۴ - ۱۵۲۵ - ۱۵۲۶ - ۱۵۲۷ - ۱۵۲۸ - ۱۵۲۹ - ۱۵۳۰ - ۱۵۳۱ - ۱۵۳۲ - ۱۵۳۳ - ۱۵۳۴ - ۱۵۳۵ - ۱۵۳۶ - ۱۵۳۷ - ۱۵۳۸ - ۱۵۳۹ - ۱۵۴۰ - ۱۵۴۱ - ۱۵۴۲ - ۱۵۴۳ - ۱۵۴۴ - ۱۵۴۵ - ۱۵۴۶ - ۱۵۴۷ - ۱۵۴۸ - ۱۵۴۹ - ۱۵۵۰ - ۱۵۵۱ - ۱۵۵۲ - ۱۵۵۳ - ۱۵۵۴ - ۱۵۵۵ - ۱۵۵۶ - ۱۵۵۷ - ۱۵۵۸ - ۱۵۵۹ - ۱۵۶۰ - ۱۵۶۱ - ۱۵۶۲ - ۱۵۶۳ - ۱۵۶۴ - ۱۵۶۵ - ۱۵۶۶ - ۱۵۶۷ - ۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۰ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۲ - ۱۵۷۳ - ۱۵۷۴ - ۱۵۷۵ - ۱۵۷۶ - ۱۵۷۷ - ۱۵۷۸ - ۱۵۷۹ - ۱۵۸۰ - ۱۵۸۱ - ۱۵۸۲ - ۱۵۸۳ - ۱۵۸۴ - ۱۵۸۵ - ۱۵۸۶ - ۱۵۸۷ - ۱۵۸۸ - ۱۵۸۹ - ۱۵۹۰ - ۱۵۹۱ - ۱۵۹۲ - ۱۵۹۳ - ۱۵۹۴ - ۱۵۹۵ - ۱۵۹۶ - ۱۵۹۷ - ۱۵۹۸ - ۱۵۹۹ - ۱۶۰۰ - ۱۶۰۱ - ۱۶۰۲ - ۱۶۰۳ - ۱۶۰۴ - ۱۶۰۵ - ۱۶۰۶ - ۱۶۰۷ - ۱۶۰۸ - ۱۶۰۹ - ۱۶۱۰ - ۱۶۱۱ - ۱۶۱۲ - ۱۶۱۳ - ۱۶۱۴ - ۱۶۱۵ - ۱۶۱۶ - ۱۶۱۷ - ۱۶۱۸ - ۱۶۱۹ - ۱۶۲۰ - ۱۶۲۱ - ۱۶۲۲ - ۱۶۲۳ - ۱۶۲۴ - ۱۶۲۵ - ۱۶۲۶ - ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸ - ۱۶۲۹ - ۱۶۳۰ - ۱۶۳۱ - ۱۶۳۲ - ۱۶۳۳ - ۱۶۳۴ - ۱۶۳۵ - ۱۶۳۶ - ۱۶۳۷ - ۱۶۳۸ - ۱۶۳۹ - ۱۶۴۰ - ۱۶۴۱ - ۱۶۴۲ - ۱۶۴۳ - ۱۶۴۴ - ۱۶۴۵ - ۱۶۴۶ - ۱۶۴۷ - ۱۶۴۸ - ۱۶۴۹ - ۱۶۵۰ - ۱۶۵۱ - ۱۶۵۲ - ۱۶۵۳ - ۱۶۵۴ - ۱۶۵۵ - ۱۶۵۶ - ۱۶۵۷ - ۱۶۵۸ - ۱۶۵۹ - ۱۶۶۰ - ۱۶۶۱ - ۱۶۶۲ - ۱۶۶۳ - ۱۶۶۴ - ۱۶۶۵ - ۱۶۶۶ - ۱۶۶۷ - ۱۶۶۸ - ۱۶۶۹ - ۱۶۷۰ - ۱۶۷۱ - ۱۶۷۲ - ۱۶۷۳ - ۱۶۷۴ - ۱۶۷۵ - ۱۶۷۶ - ۱۶۷۷ - ۱۶۷۸ - ۱۶۷۹ - ۱۶۸۰ - ۱۶۸۱ - ۱۶۸۲ - ۱۶۸۳ - ۱۶۸۴ - ۱۶۸۵ - ۱۶۸۶ - ۱۶۸۷ - ۱۶۸۸ - ۱۶۸۹ - ۱۶۹۰ - ۱۶۹۱ - ۱۶۹۲ - ۱۶۹۳ - ۱۶۹۴ - ۱۶۹۵ - ۱۶۹۶ - ۱۶۹۷ - ۱۶۹۸ - ۱۶۹۹ - ۱۷۰۰ - ۱۷۰۱ - ۱۷۰۲ - ۱۷۰۳ - ۱۷۰۴ - ۱۷۰۵ - ۱۷۰۶ - ۱۷۰۷ - ۱۷۰۸ - ۱۷۰۹ - ۱۷۱۰ - ۱۷۱۱ - ۱۷۱۲ - ۱۷۱۳ - ۱۷۱۴ - ۱۷۱۵ - ۱۷۱۶ - ۱۷۱۷ - ۱۷۱۸ - ۱۷۱۹ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۱ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳ - ۱۷۲۴ - ۱۷۲۵ - ۱۷۲۶ - ۱۷۲۷ - ۱۷۲۸ - ۱۷۲۹ - ۱۷۳۰ - ۱۷۳۱ - ۱۷۳۲ - ۱۷۳۳ - ۱۷۳۴ - ۱۷۳۵ - ۱۷۳۶ - ۱۷۳۷ - ۱۷۳۸ - ۱۷۳۹ -

11/12/11

 تاریخ ترجمه مترجم وزارت امور خارجه اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه ترجمه تاریخ اصل به رسمیت پذیرفته شد تهران ۱۳۵۷		
بسمه	شماره ۹۰۲	۱۳۳۱
 اداره اسناد و کتابخانه ملی ۲	۹۰۲ ۹۲ ۱۸ ۱۴ ۱۹ ۲	۲۴۲ ۲۴۱ ۱ ۱۴ ۱۹ ۲
۱۳۸ سند پذیرفته شد به واسطه بر سر		
به رسمیت پذیرفته شد در تاریخ ۱۳۳۱ به واسطه بر سر پذیرفته شد به واسطه بر سر و در تاریخ ۱۳۳۱ به واسطه بر سر پذیرفته شد به واسطه بر سر و در تاریخ ۱۳۳۱ به واسطه بر سر پذیرفته شد به واسطه بر سر		

	1930	1931	1932	1933 jusqu'au 1 ^{er} Oct.
<u>Exportations de la</u> <u>Perse en Autriche</u> <u>dont</u>	1.800.000	2.814.000	2.497.000	1.102.000
Dattes	4.000	130.000	10.000	11.000
Fruits préparés		51.000	20.000	25.000
Boyaux	175.000	30.000	42.000	157.000
Résines	12.000	19.000	6.000	10.000
Tapis de laine	351.000	792.000	1.980.000	335.000
Velours de soie	2.000	30.000	30.000	10.000
Huiles minérales et dérivés	268.000	176.000	268.000	240.000
Exportations sans huiles et dérivés	1.514.000	2.638.000	2.229.000	862.000
Exportations de l'Autriche en Perse	461.000	202.000	494.000	296.000
Excédent des Exportations Persanes sur les Exportations Autrichiennes	1.053.000	2.436.000	1.725.000	566.000

اداره کل تعلیمات عالیہ و روابط فرهنگی

شماره ۱۱۴۷۲ / ۲۵۴۹۱

تاریخ ۹/۱۱/۷۷

—ضرب



وزارت فرهنگ

وزارت امور خارجه

حقیقت بنامه شماره ۳۹۱۹۶ / ۴۵۴۸ / ۲ متضمن به نوشتن گزارش تحلیلی ۲۰۹۶ / ۴ / ۳۲۲ سفارت کبیری
دولت شاهنشاهی در ریاض اشعار بعد از آقای دکتر علی اصغر عزیزی نماینده افتخاری فرهنگ ایران در ریاض پیش
از طرف وزارت فرهنگ مأموریت داشتند که پس از مطالعه کامل صورت ایزنشان معیوف اطریشی که مقام انتصابی
در دانشگاههای اطریشی براداشته و مستخدم در ریاض ایران باشند تهیه و ارسال دارند تا پس از رسیدگی بمواسبق
علمی و تخصصی آنان چند نفر برای تدوین و ترجمه و بزرگداشت و بهر طریق مقررات مقامات استخدا
آنها فراهم شود آقای دکتر عزیزی پس از مطالعه کامل و مشاوره با وزارت فرهنگ اطریشی یکده ایزنشان اطریشی و ابیا
ذکر ماسبق تخصصی و علمی آنها هم رتی نبود اندک فعال وزارت فرهنگ مشغول رسیدگی و مطالعه است البتة قبل از
اخذ و مستخدم آنها مراتب برای اظهار نظر و با وزارت اعلام خواهد شد .

دارو اسناد و تاریخ و سیاست وزیر فرهنگ و دین و تبلیغات

وزیر فرهنگ، دکترنگ

٤٤-٤٤٤٤
٢٢/١١/١١

دارتاریسی

[illegible]

YSA ES V

20. 7. 2011

تبرستان
www.tabarestan.info

Five Centuries of Interaction

History of Relations between Iran and Austria from
Beginning to 1979

تبرستان
www.tabarestan.info

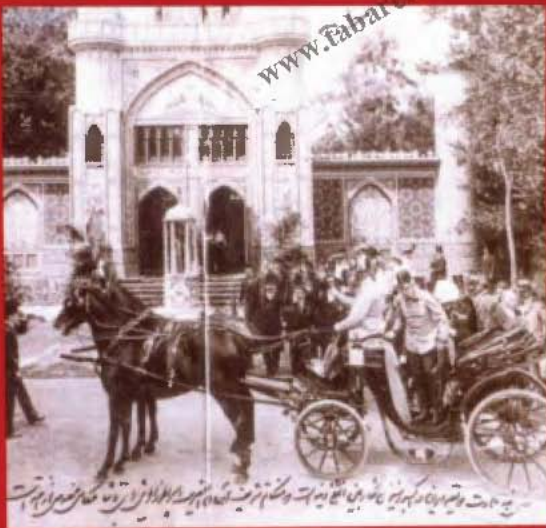
Abbas Naderi

Institute for Political and International Studies (IPIS)
Tehran - 2019

ISBN: 978-964-361-855-1

تبرستان

www.fabarestan.info



Five Centuries of Interaction

History of Relations
between Iran and Austria
from Beginning to 1979

Institute for Political and
International Studies
(IPIS)

Abbas Naderi

کد: ۲-۱۸۸۵

